ژورنال

شماره ۸۰۱

۶ آگوست ۲۰۲۴ – ۱۶ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

# در این شماره ژورنال

چرا جمهوری اسلامی سرنگون نمی‌شود؟

سؤال از کاظم نیکخواه

فاطمه داوند در خطر دیپورت به ایران

عبدالله اسدی

تهدید گسترش جنگ در خاورمیانه و نقش تاریخی مردم ایران!

حزب کمونیست کارگری ایران

قاتلان رضا رسایی را راحت نخواهیم گذاشت!

حزب کمونیست کارگری ایران

# چرا جمهوری اسلامی سرنگون نمی‌شود؟

## سؤال از کاظم نیکخواه

**سوسن صابری: اوضاع اقتصادی جمهوری اسلامی به‌طور روزافزون وخیم‌تر می‌شود. گرانی کمرشکن و طبق آمارهای خودشان تورم ۶۳ درصدی چیزی در سفره‌های خالی اکثریت مردم ایران باقی نگذاشته است. طبق آمار بانک مرکزی تا آخر بهمن سال گذشته بدهی دولت به بانک مرکزی به بیشتر از ۳۰۲ هزار میلیارد تومان رسید که نسبت به سال قبل از آن افزایش ۶۵ درصدی داشته است. بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی هم تا همان تاریخ به رقم نجومی ۶۸۲ هزار میلیارد تومان رسید. آش آن‌قدر شور است که بانک**

مرکزی پنج ماهی است که آمارش را به‌روز و منتشر نکرده و معلوم نیست این بدهی‌ها امروز در چه حدی هستند.

سؤال اینجاست که حکومتی با چنین اوضاع اقتصادی خراب و بدهی‌های میلیاردی و تورم و گرانی، حتی بدون درنظرگرفتن عوامل سیاسی و اجتماعی، چطور روی پایش ایستاده؟ چگونه است که ساقط نشده است؟

کاظم نیکخواه: هیچ دیکتاتوری به‌صرف اوضاع خراب اقتصادی‌اش سرنگون نشده و نمی‌شود. دیکتاتورها تا لحظه آخر از تاج و تختشان دفاع می‌کنند. باید با زور سرنگونشان کرد. اما مشکل

این حکومت فقط اقتصاد فلج نیست. مشکل اصلی‌اش این است که زن و مرد و پیر و جوان این کشور علیه حکومت هستند و تمام سنت‌ها و سیاست‌هایش را هر روز به تمسخر می‌گیرند و زیر پا له می‌کنند. جنبش‌های مردمی ضد حجاب، ضد آخوند و مذهب، ضد اعدام، ضد زندان‌های سیاسی، ضد تبعیضات جنسیتی، ضد چپاول و ضد اختلاسگران هر روز در این جامعه وسیعاً جریان دارد. اعتراضات و اعتصابات دفاع از معیشت نیز گسترده و هر روزه است و به‌ویژه بازنشستگان و کارگران و معلمان و پرستاران هر روز در این عرصه در حال جدال‌اند و درعین‌حال اعدام و زندان و چپاولگری این حکومت را به مصاف می‌گیرند. از سوی دیگر در برابر توحش

و تحجر حاکم، فضای برابری‌طلبی، انسان‌دوستی، مدرنیسم، دفاع از حقوق زنان، دفاع از کودکان وسیعاً جریان دارد. سؤال اصلی این است که با وجود این جنبش‌های وسیع و خیزش‌های عظیمی که حتی به انقلاب زن زندگی نیز منجر شده، چرا حکومت همچنان سرپاست؟

جواب به طور خلاصه این است که اولاً ما با یک دیکتاتوری فردی در ایران مواجه نیستیم. بلکه با یک‌طبقه دیکتاتور و سرکوبگر روبرو هستیم. منظورم این است که سرکوبگران به روال معمول، فقط مدافع و پادو و مزدور سرمایه‌داران حاکم نیستند. بلکه خود بخشی جدایی‌ناپذیر از چپاولگران و سرمایه‌داران‌اند. ثروت و سرکوب

در جمهوری اسلامی درهم‌تنیده است. این یک سیستم کاملاً مافیائی است که با بحران‌زاده شده است. دیکتاتوری‌های بلوک شرق و حکومت‌هایی از نوع قذافی به درجه‌ای از این نوع دیکتاتوری بودند. سرکوبگران خود مستقیماً از چپاول‌ها سهم می‌برند. آخوندها و اقشار بالای پاسداران و بسیجیان و شکنجه‌گران و زندانبانان و مبلغان و جلادان، همه سرمایه‌داران کلان و از مافیای اقتصادی هستند و با سرکوب، از امتیازات و ثروت‌هایشان دفاع می‌کنند. مذهب اسلام حلقه ایدئولوژیک پیوند این‌هاست.

نکته قابل‌توجه و مهم دیگر این است که در برابر این سیستم حکومتی یک انقلاب اجتماعی

و انسانی عمیق در جریان است. مردم برای یک انقلاب اجتماعی و شکل‌دادن به یک جامعه کاملاً متفاوت، علیه کل نظام حاکم صف کشیده‌اند و تمام سنت‌ها و سیستم و ارزش‌های حکومت را به مصاف گرفته‌اند و جز این هم راه دیگری ندارند. چنین انقلابی با یک ضربه تمام نمی‌شود. به آگاه‌گری و سازمان و تدارکی گسترده نیاز دارد. فقط سرنگونی خامنه‌ای و آخوندها و یا انحلال پاسداران و بسیج و زندان‌ها مسئله این انقلاب نیست. کل ارزش‌ها و سنت‌های حاکم از نهادها و سنت‌های مذهبی، تا سیستم پوسیده اقتصادی و آدمکشی و ضد زندگی و ضدانسانی و عقب‌مانده عهدعتیقی را مردم به مصاف گرفته‌اند و بجایش جامعه‌ای مدرن و انسانی و برابر و مرفه

را جلو می‌آورند.

بالاخره این را هم باید توجه کرد که درست است که جمهوری اسلامی هنوز سرنگون نشده؛ اما مبارزات و جدال‌های چهل و پنج‌ساله مردم پیشروی‌های بسیار ملموس و عظیمی داشته است. مردم فرسنگ‌ها در برابر حکومت جلو آمده‌اند و زیر پای حکومت را خالی کرده‌اند و ستون‌های اصلی‌اش را فتح کرده‌اند. حکومت مثل پوسته‌ای است که بر یک ویرانه اقتصادی حکم می‌راند و قطعاً در آینده‌ای نه‌چندان دور با یک ضربه همه‌جانبه انقلاب مردم متلاشی خواهد شد. فضای مدرن و مصمم و شفاف اجتماعی، و گسترش تحول‌طلبی و ضدیت با حکومت به

**تمام بخش‌های جامعه، و بر متن فلج اقتصادی که مورد سؤال شماست، تأکید می‌کند که چنین حرکت گسترده و کارسازی، دور نیست.**

# فاطمه داوند در خطر دیپورت به ایران

عبدالله اسدی

فاطمه داوند، پناهجوی ایرانی، روز شنبه سوم اوت به همراه فرزند ۱۸ ساله‌اش در حال خروج از ترکیه از سوی پلیس مرزی آن کشور بازداشت شد و به کمپ پناهجویان دیپورتی انتقال یافت.

فاطمه داوند در ۱۴ آوریل ۲۰۲۲ نیز هنگامی که برای تمدید کارت شناسایی خود مراجعه کرده بود، توسط پلیس مهاجرت ترکیه بازداشت و به مدت ۸ ماه در کمپ پناهجویان دیپورتی در شهر قیصریه به سر می‌برد. در آن هنگام نیز فعالیت‌های گسترده‌ای برای ممانعت از اخراج

وی به ایران صورت گرفت.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در آن زمان در نامه‌ای به مقامات ترکیه و سازمان ملل، توضیح داده بود که فاطمه داوند در جریان گسترش انقلاب مهسا تحت پیگرد سرویس‌های امنیتی قرار گرفته و هنگام خروج از ایران بازداشت شده است.

صداوسیمای جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۱ نوامبر سال ۲۰۱۹ "اعتراف" فاطمه داوند مبنی بر اینکه زنان و مخالفان حکومت نقش تأثیرگذاری در رهبری این اعتراضات داشته‌اند را پخش کرد. وی به همین جرم در زندان، مورد شکنجه و

بدرفتاری بازجویان نیز قرار گرفته بود. برنامه بیست و سی تلویزیون صداوسیمای حکومت، در آن زمان ویدئویی را نشان می‌دهد که فاطمه داوند، در شهر بوکان روی سقف یک اتومبیل رفته و مردم را به ایستادگی و مبارزه علیه حکومت دعوت می‌کند.

نکته مهم دیگر این است که فاطمه یکی از شاهدان دادگاه مردمی آبان است که برای رسیدگی به جنایات جمهوری اسلامی از چهارم تا ششم فوریه سال ۲۰۲۲ در لندن تشکیل شد. فاطمه در پنجم فوریه همان سال در مصاحبه‌ای با تلویزیون ایران اینترنشنال موارد شهادت خود را در دادگاه توضیح داد. به همین دلیل او در

صورت دیپورت به ایران بیش از هرزمان دیگری جانش در خطر قرار خواهد گرفت.

فاطمه مادر سه کودک است و اکنون در کمپ پناهجویان دیپورتی در خطر بازگرداندن به ایران قرار دارد. وی اگر زندانی سیاسی نبود، اگر تحت پیگرد امنیتی قرار نمی‌گرفت، اگر خطر دوباره زندان تهدیدش نمی‌کرد و جانش به خطر نمی‌افتاد به ترکیه نمی‌رفت و این‌همه بدبختی را به دوش نمی‌کشید.

سرنوشت فاطمه برای پناهجویان ایرانی در ترکیه، مدام تکرار می‌شود و هم اکنون علاوه بر فاطمه داوند، شمار دیگری از پناهجویان ایرانی در خطر

**اخراج قرار دارند. اعتراض برای جلوگیری از دیپورت وی ادامه دارد. باید این اعتراضات را گسترش داد.**

# تهدید گسترش جنگ در خاورمیانه
# و نقش تاریخی مردم ایران!

**حزب کمونیست کارگری ایران**

**ترور هفته گذشته رهبران ارشد حماس و حزب‌الله در تهران و بیروت توسط اسرائیل و به دنبال آن رجزخوانی‌های جنگی جمهوری اسلامی، کل منطقه خاورمیانه را در وحشت خطر جنگی گسترده‌تر و غیرقابل‌کنترل فروبرده است. این در حالی است که جنگ اسرائیل و حماس با کشتار وحشیانه مردم غزه ادامه دارد و وارد یازدهمین ماه خود می‌شود.**

**سران جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان در چند روز اخیر مکرراً اسرائیل را به "انتقام سخت" تهدید**

کرده‌اند و از سوی دیگر نتانیاهو و ارتش اسرائیل نیز هر بار بر پاسخی فوری و نابودکننده تأکید کرده‌اند. آمریکا نیروهای بازهم بیشتری برای دفاع از اسرائیل و نیروهای خود به منطقه اعزام کرده است و کشورهای گوناگون اتباع خود را به ترک لبنان و منطقه فرامی‌خوانند.

گرچه می‌توان گفت که هیچ طرفی خواهان گسترش جنگ نیست و حتی فعالیت‌های دیپلماتیک برای کاهش تنش‌ها در منطقه و تلاش برای ازسرگیری مذاکره برای توافق آتش‌بس در غزه جریان دارد، اما با این‌همه همه ناظران پاسخ رژیم اسلامی ایران و حزب‌الله تحت فرمانش به ترورهای هفته گذشته اسرائیل را حیثیتی و ناگزیر

می‌دانند و اکنون نگران ابعاد این پاسخ‌ها هستند. جمهوری اسلامی در موقعیتی نیست که قادر به درگیری نظامی درازمدت و جنگی تمام‌عیار علیه اسرائیل بشود. اما حتی جنگ محدود و کنترل شده دو طرف نیز که هر چند وقت یکبار دارد تکرار می‌شود، فضای ناامنی را بر مردم ایران و کشورهای دیگر منطقه حاکم کرده است.

حکومت تلاش می‌کند تا با دامن‌زدن به تنش نظامی و گفتمان جنگ با اسرائیل جنگ واقعی مردم علیه حکومت خود، یعنی جنش انقلابی زن زندگی آزادی، را تحت‌الشعاع قرار دهد و از چنین فضائی برای تغییر صورت‌مسئله از انقلاب به جنگ و تشدید سرکوب و اعدام در ایران سود

جوید. در واقع مرکز این وضعیت تیره و تهدیدآمیز در خاورمیانه، مردم ایران قرار دارند که در نبردی گسترده و هر روزه با جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری و رفاه و امنیت به سر می‌برند. وضعیت ملتهب و نامعلوم کنونی و ادامه تهدیدات جنگی مستقیماً در خدمت جمهوری اسلامی قرار دارد. جمهوری اسلامی البته به‌خوبی می‌داند که به‌ویژه در شرایطی که مردم برای سرنگونی آن کمین کرده‌اند، توان مقابله نظامی با اسرائیل و حامی آن آمریکا را ندارد و سعی می‌کند از آن احتراز جوید. اما ادامه کنترل شده جنگ نیابتی با اسرائیل و آمریکا را یک رکن بقا، وجهی از هویت ایدئولوژیکی و حفظ اقتدار و نفوذ خود در منطقه و همچنین یک سیاست کلان امنیتی در مقابله

با مردم ایران می‌داند.

پایان‌دادن به این سیاست ارتجاعی و ضدبشری جمهوری اسلامی که یک عامل اصلی به‌وجودآورنده اوضاع کنونی منطقه است، کار مردم ایران است. تا وقتی جمهوری اسلامی بر سرکار است این وضعیت کج‌دارومریز فعلی می‌تواند ادامه پیدا کند و در هر بزنگاهی می‌تواند به اوضاعی به‌مراتب وخیم‌تر و مخاطره‌آمیزتر نیز تحول پیدا کند.

مردم ایران با گسترش مبارزات خود در همه عرصه‌ها اولاً نباید به رژیم اسلامی اجازه دهند که به بهانه جنگ و تهدیدات جنگی مبارزات آنها را به عقب براند و خواسته‌ها و مطالبات آنها را

بی‌جواب بگذارد، ثانیاً با تضعیف رژیم اسلامی و تحکیم و تقویت صفوف خود و نزدیک‌تر شدن به سرنگونی جمهوری اسلامی به راه‌حل نهایی این اوضاع یعنی فرستادن جمهوری اسلامی به گورستان تاریخ دست می‌یابند. مردم ایران با این کار نه فقط خود را رها می کنند؛ بلکه کمک بسیار بزرگی به رهایی مردمان کشورهای مختلف منطقه خواهند کرد.

# قاتلان رضا رسایی را راحت نخواهیم گذاشت!

## حزب کمونیست کارگری ایران

رضا رسایی، جوان ۳۴ساله و از بازداشت‌شدگان انقلاب زن زندگی آزادی را حکومت آدمکش اسلامی پس از حدود دو سال زندان و شکنجه، سحرگاه امروز ۱۶ مرداد در زندان دیزل‌آباد کرمانشاه به دار آویخت. ننگ و نفرت بر حکومت منفور اسلامی!

رضا رسایی را به مباشرت در قتل عمد نادر بیرامی، رئیس اطلاعات سپاه پاسداران شهرستان صحنه متهم کردند، زیر شکنجه از او اعتراف گرفتند و مهرماه سال قبل به اعدام محکوم کردند و امروز این حکم وحشیانه را بدون اطلاع قبلی به خانواده و

بدون ملاقات آخر با خانواده اجرایی کردند. قاتلان از ترس اینکه آرامگاه او به محل تجمع و بزرگداشت توسط مردم تبدیل شود اجازه ندادند در صحنه، شهر محل زندگی خانواده‌اش، دفن شود. رضا در قبرستان دورافتاده میناآباد کرمانشاه با حضور تعدادی مأمور امنیتی و بدون اینکه به مردم اجازه حضور پیدا کنند به خاک سپرده شد.

در فضای جنگی میان جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل و در فضای پس از انتخابات کذایی که شکست بزرگی برای حاکمین اسلامی بود و درحالی که حکومت به‌شدت نگران برآمد اعتراضات سراسری است، تلاش می کند توجه مردم را به تنش با اسرائیل سوق بدهد و از طرفی اعدام و سرکوب را گسترش دهد و برای خود زمان بخرد. این سیاست

را باید ناکام گذاشت. نباید اجازه بدهیم فضای جنگی میان جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل، فضای اعتراضی‌مان را تحت‌الشعاع قرار دهد. مبارزه علیه اعدام و حکومت اعدام را باید با تمام قوا در داخل و خارج کشور گسترش دهیم.

زندانیان سیاسی زن در اوین چندی پیش فریاد زدند: "تا لغو حکم اعدام ایستاده‌ایم تا پایان، نه سرکوب نه اعدام دیگر اثر ندارد، جمهوری اعدامی یک خواب خوش ندارد". بازنشستگان نیز در خیابان‌های شهرهای مختلف بارها با فریاد "زندان شکنجه اعدام نیست جلودار ما" فریاد خود را علیه اعدام بلند کرده‌اند. این شعارها را همه‌جا، در همه تجمعات، در همه بیانیه‌ها و فراخوان‌ها فریاد بزنیم و اعلام کنیم که با تمام قوا علیه سایر احکام اعدام

از جمله احکام اعدام شریفه محمدی و پخشان رضایی می‌ایستیم و جنبش علیه اعدام را هرچه بیشتر تقویت می‌کنیم. زندانیان در ۱۹ زندان به سه‌شنبه‌های اعتراض علیه اعدام پیوسته‌اند.

یاد رضا رسایی عزیز را گرامی می‌داریم و مبارزه علیه اعدام و حکومت اعدام را گسترش می‌دهیم.

در روزهای ۱۰ و ۱۱ اوت، روزهای جهانی علیه اعدام که توسط دانشجویان اعلام شده و تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری، کارزار جهانی علیه اعدام، شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران، شبکه ندا و برخی دیگر از تشکل‌ها نیز فراخوان‌های مشابهی برای تجمعات این دو روز منتشر کرده‌اند را در نقاط مختلف جهان هر چه گسترده‌تر به میدان می‌آییم و هزینه اعدام

را برای حکومت قاتلان اسلامی بیشتر می‌کنیم. اعدام قتل عمد حکومتی است و همراه با حکومت اعدامی باید به گورستان تاریخ سپرده شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۰۲

۷ آگوست ۲۰۲۴ – ۱۷ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

# در این شماره ژورنال

خیابان‌های اراک زیر پای کارگران واگن پارس

شهلا دانشفر

رضا رسایی و "دریای خون" بین مردم و حکومت

سیما بهاری

شروین و یک حکومت مستأصل

کیوان جاوید

در مورد اعدام ۲۲ زندانی در قزل‌حصار

اصغر کریمی

بنگلادش، دیکتاتور دیگری گریخت!

سینا پدرام

# خیابان‌های اراک زیر پای کارگران واگن پارس

شهلا دانشفر

واگن پارس نمونه دیگری از فساد مدیریت کارخانه در همدستی با مقامات حکومت اسلامی است. این شرکت وابسته به گروه صنعتی "مپنا" است و عمده سهام آن به وزارت نیرو و نهاد موسوم به "آستان قدس رضوی" تعلق دارد و محل چپاولگری‌های عظیم سران حکومت است.

ده روز است که تجمعات و راهپیمایی‌های ۱۱۷۰ کارگر این شرکت با شعارهایشان خیابان‌های اراک را به تکان درآورده است. در این اعتراضات کارگران در برابر قلدری‌های مدیریت فاسد

قد علم کرده و با فریاد کارگر "می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد" جنگ خود را علیه هرگونه بربریت و توحشی اعلام داشتند. در شرایطی که حکومت سعی می‌کند با دمیدن بر تبلیغات جنگی‌اش علیه اسرائیل صورت‌مسئله جامعه را از انقلاب به جنگ و تشدید سرکوب و گسترش اعدام‌ها تغییر دهد، اعتراضاتی از نوع واگن پارس پاسخ محکمی به چنین تشبثاتی است. واگن پارس آینه فضای اعتراض کل جامعه است که با فریاد اتحاد – اتحاد علیه فقر و فساد مقابل کل این بساط جهنمی ایستاده است.

۴ مرداد اعتراضات کارگران واگن پارس بخاطر تغییر شرایط ساعت کاری به دلیل کمبود برق و مشکلات معیشتی‌شان آغاز شد و کارگران با

تجمع مقابل ساختمان اداری شرکت خواستار عدم اجرای این تغییر شدند. اما در روز بعد ۱۲ نفر از کارگران ممنوع‌الورود به کارخانه شدند. در اعتراض به این اقدام، کارگران به "ملانژاد"، اولتیماتوم دادند که اگر تصمیمش لغو نشود، اعتصاب خواهند کرد و او با الفاظی رکیک گفت: "هفت هشت نفر [واژه رکیک] را بیرون انداختیم و بقیه نیز در صورت ادامه اعتراض اخراج خواهند شد."

در پاسخ به این گستاخی که مصادف با روز عزاداری حکومت برای اسماعیل هنیه تروریست جنایت‌کارشان بود، تظاهرات بزرگ این کارگران و فریاد شعارهایشان تودهنی محکمی به مدیریت و حکومت بود و اکنون ادامه این اعتراضات شهر

اراک را به وجد آورده است.

سطح حقوق این کارگران نازل و حتی برخی تعلقات مزدی آنها حذف شده و تبعیض بیداد می‌کند. اخراج مدیریت فاسد، پایان کار پیمانکاران، همسان‌سازی حقوقها با کارخانجات هم‌جوار و گروه مپنا، رسمی شدن قراردادها و بازگشت به کار اخراجی‌ها مطالبات فوری آنان است. تکثیر الگوی واگن پارس و گسترش اعتراضات علیه حکومت و سرمایه‌داران مفت‌خور پاسخ ما کارگران به این اوضاع و رفتن به‌سوی جمع‌کردن کل بساط جهنمی جمهوری اسلامی است.

# رضا رسایی و "دریای خون" بین مردم و حکومت

سیما بهاری

علی‌رغم شهادت شاهد عینی و تناقض اظهارات سایر متهمان، بر اساس "علم قاضی" حکم اعدام رضا رسایی صبحگاه سه‌شنبه ۱۶ مرداد اجرا شد.

در این میان اظهارنظر در مدیای اجتماعی توسط اشخاصی که در ایران زندگی می‌کنند بازتابی است از فضای سیاسی در ایران. آنچه که قابل‌مشاهده است افزایش سرعت آدمکشی در ایران است و همانطور که همه می‌دانند هدف از این قتل عمد دولتی منکوب و مرعوب‌کردن مردمی است که برای آزادی و برابری و رفاه قد

علم کرده‌اند.

یک عکس‌العمل شجاعانه و خشم‌آلود در مقابل اعدام رضا رسایی در مدیای اجتماعی از جمله اینستاگرام و ایکس تکرار این جمله است که: "بین ما و حکومت دریای خون جریان دارد" صرف‌نظر از اینکه چه حقیقت آشکاری در این جمله وجود داد، بیان همین تقابل قهرآمیز مردم با حکومت به شکل علنی و با هویت علنی نشان می‌دهد رژیم اسلامی قدرت مرعوب‌کردن مردم را ندارد. گویندگان و نویسندگان یک پیام ساده و روشن برای حکومت مخابره می‌کنند ما با اسم‌ورسم و هویت قابل‌پیگیری در مقابل شما جلادان می‌ایستیم و ازآنجاکه تعداد ما هر روز

بیشتر می‌شود، شما قدرت در افتادن با ما را ندارید. این‌همه با هم بودن مردم است که به آنها اجازه می‌دهد دیکتاتور مفلوک و بی‌آینده را به مصاف بطلبند و ترسی هم به دل راه ندهند.

همین روحیه مبارزه‌جویانه را می‌توان در میان زندانیان سیاسی هم دید. همین عزم مقابله با حکومت را می‌شود در مبارزات کارگران در بخش‌های مختلف صنایع تولیدی و خدماتی نیز مشاهده کرد.

رژیم اسلامی رضا رسایی را از ما گرفت، اما آنچه که نمی‌تواند از ما بگیرد، انتخاب جامعه برای سرنگونی حکومت است. آتش بعدی تظاهرات

**عظیم در خیابان‌ها دامن رژیم را خواهد گرفت و مردم با کسب تجارب بیشتر کار این حکومت را یکسره خواهند کرد. یاد همه جان‌باختگان انقلاب زن زندگی آزادی برای همیشه با ما خواهد بود.**

# شروین و یک حکومت مستأصل

## کیوان جاوید

قوه قضائیه جمهوری اسلامی می گوید مجازات‌های تکمیلی شروین حاجی‌پور لغو شده است. مجازات تکمیلی شروین عبارت بودند از: "دو سال ممنوعیت خروج از ایران، جمع آوری دستاوردهای انقلاب ۵۷ و انتشار در فضای مجازی و خلاصه‌نویسی چند کتاب ساخت موسیقی علیه آمریکا". همچنین بر اساس توضیح قوه قضائیه، اجرای نیمی از مجازات حبس شروین (۳ سال و هشت ماه) نیز به حالت تعلیق درآمده است.

این همه آنچه که ما مردم و همه آنهایی که در

جهان برای این خواننده محبوب، خواننده انقلاب زن زندگی آزادی می‌خواهند نیست. این عقب شینی شیادانه حکومت زیر فشار داخلی و مخالفت‌های نهادهای بین‌المللی و چهره‌های سرشناس جهانی صورت گرفته است. در این روزهای سخت و خطیر که جمهوری اسلامی آشکار و پنهان قصد دارد قدرت پوشالی‌اش را به رخ مردم بکشد و برای ترساندن مردم از هیچ جنایتی فروگذار نمی کند، شنیدن خبر لغو مجازات‌های تکمیلی و نادیده گرفتن نیمی از حکم زندان شروین را، ما به‌حساب قدرت اتحاد و مبارزه خود علیه حکومت می گذاریم.

طبعاً شروین حاجی‌پور تحت‌فشار زیادی قرار دارد. او به حق در تلاش است که زندانی نشود. شروین

می‌خواهد در کنار مردم شریک ساختن جامعه‌ای باشد که آزادی و انسانیت و رفاه عمومی جزو آرزوهای آنهاست. رژیم اسلامی نیز بر همین اساس می‌خواهد به مردم بگوید اگر آرزوهای شیرین و انسان‌دوستانه‌ای دارید که در ترانه "برای" نیز به زیباترین شکل ممکن تبلوریافته است، آنگاه زندان و مجازات اسلامی در انتظار شما است. تلاش برای برداشتن این فشار از روی شروین عزیز را دوچندان کنیم.

مردم در جواب به این رژیم ضد انسان در کنار هم قرار می‌گیرند و با هم از انسانیت و آزادی دفاع می‌کنند. حمایت از شروین باید تا لغو محکومیت به زندان او و رفع همه اتهامات ادامه یابد. ما

**می‌توانیم و این قدرت و توان عظیم اجتماعی را داریم تا جمهوری اسلامی را تماماً وادار به قبول شکست کرده تا شروین همچنان باقدرت برای ما ترانه‌های بیشتری در رثای "زن زندگی آزادی" بسراید.**

# در مورد اعدام ۲۲ زندانی در قزل‌حصار

اصغر کریمی

سحرگاه روز چهارشنبه ۱۷ مرداد، قاتلان و دزدان و فاسدان اسلامی حاکم ۲۲ نفر را به اتهام جرائم غیرسیاسی از جمله قتل، جرائم مرتبط با مواد مخدر و تجاوز در زندان قزل‌حصار کرج اعدام کردند. روز ۱۶ مرداد نیز ۳ نفر در شیراز و ۳ نفر در بندرعباس به دار آویخته شدند. قضات بی‌رحم حکومت در بیدادگاه‌های اسلامی، بر اساس قوانین قرون‌وسطایی و در روندی ناعادلانه، قربانیان نظام خود را به اعدام محکوم کردند و همراه با صدای اذان به قتل رساندند.

این گوشه کوچکی از کارنامه سراپا ننگ و جنایت حکومت، و از جمله دولت پزشکیان، است که برای بقای خود می‌کشد تا به خیال خود مردم را مرعوب کند. حکومتی که هر روز بیشتر در باتلاق بحران‌های همه‌جانبه فرومی‌رود و تنها راه‌حلش برای تداوم عمر ننگین خود سرکوب بیشتر و اعدام بیشتر است.

اما نگاهی گذرا به اعتراضات هفته‌های اخیر، از اعتراضات و اعتصابات کارگران تا تجمعات پرشور و هر روزه بازنشستگان، از پیام‌ها و مراسم‌های دادخواهان تا فریاد بلند زندانیان سیاسی زن و پیوستن زندانیان ۱۹ زندان به سه‌شنبه‌های اعتراض علیه اعدام، از بیانیه‌های دانشجویان تا فعالین حقوق زن، از حضور گسترده در شبکه‌های اجتماعی

علیه اعدام و احکام اعدام تا تجمعات خارج کشور، نشان می‌دهد که جامعه هر روز بیشتر و با اشکالی متنوع‌تر در مقابل حکومت صف‌آرایی کرده و همین روحیه تعرضی حاکم بر جامعه است که حاکمان را وحشت‌زده کرده است.

رئیسی‌شان در اتفاقی مشکوک سقوط کرد. مترسکی به اسم پزشکیان را در اوج درماندگی از صندوق درآوردند. اسماعیل هنیه‌شان در امنیتی‌ترین نقطه تهران به کمک نفوذی‌های اسرائیل در بالاترین سطوح سپاه و دستگاه‌های امنیتی به قتل رسید. فضای جنگی راه انداختند تا ذهن مردم را به موضوعی دیگر منحرف کنند، اما این نیز به حکومت کمکی نکرد. به همین دلیل می‌کشند تا با تنها وسیله‌شان تلاش کنند دشمن داخلی را مرعوب کنند. مردم

اینها را می‌دانند، دشمن اصلی را می‌شناسند و سر جنگ با کس دیگری ندارند. مردم از هر اتفاقی بیفتد، می‌دانند که باید دشمن خانگی را نشانه روند. فریب چیزی را نمی‌خورند و آنقدر اعتراض و اعتصاب و تجمع می‌کنند، آنقدر جنگ روانی علیه دشمن خانگی راه می‌اندازند و آنقدر دشمن را ضعیف و درمانده می‌کنند و شکاف‌های درونی‌اش را تشدید می‌کنند تا در فرصتی حسابش را برسند.

# بنگلادش، دیکتاتور دیگری گریخت!

## سینا پدرام

شیخ حسینه نخست‌وزیر بنگلادش، که بی‌بی‌سی از او به‌عنوان "نماد دمکراسی که دیکتاتور شد" نام می‌برد، پس از هفته‌ها اعتراضات که به شورش‌هایی مرگبار در سراسر کشور انجامید، استعفا داد و کشور را ترک کرد. گزارش‌ها حاکی است که او روز دوشنبه ۵ اوت، ۱۵ مرداد و هم‌زمان با یورش هزاران تن از معترضان به اقامتگاه او در داکا، پایتخت بنگلادش، به هند گریخت.

یک پایان "غیره منتظره" دیگر باعث شد تا ژورنالیست‌ها و سیاستمداران جریان اصلی کشورهای

مختلف انگشت‌به‌دهان "دلایل" سقوط دولت بنگلادش و "خصوصیات" دیکتاتورمآبانه شیخ حسینه را مورد بررسی قرار بدهند. بار دیگر خیابان‌ها سیاست را تعیین کردند.

بنگلادش، تحت حاکمیت شیخ حسینه نزدیک به بیست سال به "بهشت موعود" سرمایه‌گذاری‌های عظیم تبدیل شده بود، با رشد میانگین ۶ درصدی در سال. بنگلادش گوی رقابت در میان کشورهای آسیای جنوبی را ربوده بود. دولت شیخ حسینه و هیئت حاکمه بنگلادش با فشارهای گوناگون سیاسی و امنیتی و با زندان و حذف فیزیکی فعالین کارگری و سیاسی، ژورنالیست‌ها و آزادیخواهان "آرامش و ثبات" سیاسی دلخواه بانک جهانی و سرمایه‌داران میلیاردر را تثبیت کرده بودند.

خصوصاً در ۲۰ سال گذشته، شکاف عمیق طبقاتی یکی از بارزترین و زننده‌ترین تصاویری است که می‌توان از بنگلادش به دست داد. مانند بسیاری از کشورها، مواهب " رشد عظیم اقتصادی" در اختیار سرمایه داران یک درصدی جامعه قرار گرفت و ۹۹ درصد جامعه در منجلاب "بهشت موعود سرمایه داری" دست و پا زدند.

انقلابات با تمامی اختلاف‌هایی که در شکل و روش اعتراضی آنان دیده می‌شود، در یک واقعیت با هم مشترک به نظر می‌رسند، آزادکردن پتانسیل عظیم نیروهای اجتماعی در یک فرجه زمانی تاریخاً کوتاه. انقلاب نظم کهن را به مصاف می‌کشد و آرزوها و مطالبات نیروهای انقلابی جامعه را در چشم به

هم‌زدنی در مقابل کل طبقات اجتماعی قرار می‌دهد.

آنچه در تحولات بنگلادش نیز بار دیگر اثبات شد این واقعیت است که برای حفظ مناسبات استثمارگرانه، پرده دمکراسی کنار می‌رود و دیکتاتورها به صحنه می‌آیند. تنها سرنگونی طبقه سرمایه‌دار و لغو نظام بردگی مزدی و به‌قدرت‌رسیدن مستقیم توده‌های مردم ضامن آزادی و برابری اجتماعی است. تحولات جاری بنگلادش یک نقطه عطف در تاریخ این کشور محسوب خواهد شد. جهان بار دیگر شاهد یورش "هیچ بودگان" برای دخالت در سیاست و تعیین آینده خود است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۰۳

۸ آگوست ۲۰۲۴ – ۱۸ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

**بازداشت وحشیانه نوجوان افغانستانی در ایران**

سیاوش آذری

**مراسم یادبود غیراسلامی و غیر مذهبی**

میلاد رسایی منش

**نهادهای "بی‌نام‌ونشان" با اعتبارات میلیاردی**

کیوان جاوید

**دشمن با لیموزین میاید نه با قایق‌های کوچک**

اصغر کریمی

# بازداشت وحشیانه نوجوان افغانستانی در ایران

سیاوش آذری

ویدئویی منتشر شده که نشان میدهد یک مامور پلیس جمهوری اسلامی در روستای آبسرد دماوند، دست و پای یک نوجوان افغانستانی به اسم سید مهدی را گرفته و ماموری دیگر زانویش را روی گردن وی گذاشته است. این کودک را سپس بازداشت کرده و به اردوگاه منتقل میکنند. اما پس از آنکه متوجه شکستگی در بخش گردن وی شده‌اند او را آزاد کرده‌اند. این کودک پناهجو که کودک کار نیز بوده همراه با شماری از زنان که در حال رفتن بر سر کار کشاورزی بوده‌اند توسط نیروهای انتظامی مورد حمله قرار گرفته

است.

پس از انتشار این ویدئو در شبکه‌های اجتماعی این توحش نیروی انتظامی جمهوری اسلامی با ماجرای مرگ جرج فلوید، سیاه‌پوستی آمریکایی، مقایسه شد که در بازداشت پلیس جان باخت، و با هشتگ "جرج فلوید افغانستان" در ایران درباره آن نوشتند.

راسیسم و نژاپرستی جمهوری اسلامی، در کنار سرکوب و اعمال دهها مورد محدودیت و ممنوعیت برای افغانستانی های مقیم ایران حد و مرزی ندارد. این فقط یک مورد از جنایات هر روزه و بیشمار حکومت به این انسانها است. این جنایت

**نیروهای سرکوبگرحکومت در حق این کودک بشدت تکان‌دهنده است. نژاد پرستی وراسیستم حکومت اسلامی را باید به چالش کشید و از حق همه مهاجران و پناهندگان برای اقامت در ایران دفاع کرد. تعرض به یک انسان به بهانه ملیت یا مذهب یا رنگ پوست و دهها برچسب ضد انسانی دیگر، تعرض به همه جامعه است و اهدافی ضد انسانی علیه همه جامعه را دنبال میکند و عکس العمل همه جامعه را طلب میکند. جنبش انقلابی زن زندگی آزادی دست یاری به سوی همه مردم ساکن ایران دراز می کند و همه را به مبارزه علیه نژاد پرستی فرامی خواند.**

# مراسم یادبود غیراسلامی و غیر مذهبی

## میلاد رسایی منش

ویدئویی از مراسم عزاداری برای زنی در چند روز گذشته در فضای مجازی وایرال شده که نشان می‌دهد برگزارکنندگان این مراسم سبکی کاملاً متفاوت از الگوهای مطلوب حاکمیت اسلامی را برای این مراسم انتخاب کرده‌اند. در این ویدئو دیده می‌شود که بجای پخش قرآن در مراسم موزیک پخش می‌شود، و عکس زن متوفی نیز بی‌حجاب است. بسیاری از زنان حاضر در مراسم هم حجاب ندارند، و زن و مرد در کنار هم در این مراسم شرکت کرده‌اند. فضای حاکم بر این مراسم غیرمذهبی و ضداسلامی است.

همین کلیپ یک‌بار دیگر نشان می‌دهد که حکومت اسلامی در هیچ زمینه‌ای به اهداف ارتجاعی خود نرسیده است. علی‌رغم صرف بودجه‌های میلیارددلاری در حوزه ترویج فرهنگ اسلامی و بمباران مردم با خرافات اسلامی جامعه در ابعاد میلیونی ضد اسلامی‌تر می‌شود. مردم در ایران به یُمن وجود مافیای اسلامی شناخت و درک عمیق‌تری از کارکرد اسلام و مذهب به دست آورده‌اند. جمهوری اسلامی بیشتر از هر کار علمی و فرهنگی ضداسلامی و ضد مذهبی ماهیت مذهب را در برابر جامعه قرار داده است. مذهب دیگر نه فقط به آه و غم و دروغ‌بافی احمقانه در باره بهشت و جهنم، بلکه مستقیماً به حساب‌های

نجومی حاکمین اسلامی متصل شده است.

با آغاز انقلاب زن زندگی آزادی، جنبش سکولار و ضد دین در ایران وارد مرحله‌ای جدید شد. از بروزات مهم و غیرقابل‌انکار جنبش ضداسلامی در پروسه انقلاب زن زندگی آزادی، مراسم‌های مدرن و مغایر با موازین حکومت از نوع عزاداری خانواده‌های دادخواه برای عزیزانشان است. پدر فرزین معروفی با کیک تولد بر مزار فرزند جان‌باخته‌اش رقصید. در ایذه، در مراسم برای کیان پیرفلک، مردم ساز زدند و زنان بی‌حجاب ظاهر شدند و زن و مرد بر کنار هم رقصیدند. در مراسم برای غزاله چلاوی، عزاداران با نواختن ترومپت پوشیدن لباس‌های سفید به خانه مادر غزاله رفت

و برای این زن شجاع و ورزشکار عزاداری کردند.

با نگاهی به مراسم‌های عزاداری در شهرهای دیگر ایران به‌وضوح می‌توان دید، سبک زندگی مردم تا چه حد سکولار، و متفاوت با الگوهای مدنظر حکومت اسلامی است. دررابطه‌با سایر نشانه‌های جنبش ضد دین در ایران به موارد متعددی می‌توان اشاره کرد. آنچه اما پر واضح است، شکست عمیق و همه‌جانبه رژیم اسلامی در اسلامیزه کردن جامعه است. جنبش سکولاریستی باید هر چه بیشتر ضد مذهبی شود.

# نهادهای "بی‌نام‌ونشان" با اعتبارات میلیاردی

کیوان جاوید

**در سال ۱۴۰۳ برای یک طرح "فرهنگی - هنری" که سال‌هاست متوقف مانده به ۱۰ مؤسسه و بنیاد روی کاغذ ۹۰۰ میلیارد تومان تعلق گرفته است.**

**۱ - شهر تندیسان ۴۰۰ میلیارد تومان ۲ - بنیاد شهید جعفرپور ۱۵۰ میلیارد تومان ۳ - مؤسسه علم و تمدن و عرفان ۱۲۰ میلیارد تومان ۴ - بنیاد هدایت ۹۵ میلیارد تومان ۵ - مؤسسه نور مبین ۵۰ میلیارد تومان ۶ - خانه اندیش ورزان ۵۰ میلیارد تومان ۷ - بنیاد سپهر ۴۰ میلیارد تومان ۸**

- مؤسسه اخلاق و تربیت ۲۰ میلیارد تومان ۹ - بنیاد شهید مدنیهفت میلیارد تومان ۱۰ - بنیاد چهارم خرداد یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان.

بیان و افشای این دزدی آشکار از سفره میلیون‌ها نفر از کارگران و مزدبگیران با این هدف صورت نمی گیرد که نشان داده شود که جمهوری اسلامی دزد و غارتگر و فاسد است. این را همه مردم می‌دانند که با چه موجودات پست و فرومایه‌ای سروکار دارند. این دیگر به دانش عمومی هر آنکس که در ایران زندگی می کند تبدیل شده است که جانیان اسلامی ذره‌ای رحم و انسانیت در وجودشان نیست و به هر ریالی که دسترسی داشته باشند به حساب‌های بی‌شمارشان در ایران

و خارج سرازیر می کنند.

آنچه اینجا حائز اهمیت است پُر بودن بیشتر دست ما مردمی است که هر روز با اعتراض و اعتصاب و مبارزه خیابانی فریاد می‌زنیم پول هست. بودجه سر به فلک کشیده موجود است. صندوق‌های بازنشستگی می توانست خالی نباشد، اگر که توسط این اوباش غارت نمی‌شد. افشای این اسناد غارتگری به ما فعالین اجتماعی این امکان را می‌دهد تا با حق‌به‌جانبی بیشتری نیرو بگیریم و تعداد هر چه بیشتری را جذب مبارزه کنیم.

از مبارزات معلمان و بازنشستگان و پرستاران تا

اعتصابات کارگران نفت و پتروشیمی و کارگران واگن پارس اراک و صدها مؤسسه و مراکز کار دیگر با خواسته‌های رفاهی بی‌شماری روبرو هستیم، اما به سد "تحریم هستیم و بودجه نداریم" و هزار دروغ شاخدار دیگر بر می خوریم. معلوم است بودجه هست و خرج چه نهادهای بی‌نام‌ونشان و اسم و رسم داری می‌شود. زندگی در رفاه حق مردم است و باید از حلقوم جانیان اسلامی بیرون کشیده شود. بهداشت و درمان و تحصیل رایگان از جمله خواسته‌های ما است؛ افزایش چند برابردستمزدها از دیگر خواسته‌های ما مزدبگیران است. متحدانه زندگی انسانی را به حکومت تحمیل کنیم.

# دشمن با لیموزین میاید نه با قایق‌های کوچک

اصغر کریمی

این معنی‌دارترین پلاکارد در تجمعات علیه راسیسم در روز ۷ اوت در دست مردم انگلیس بود.

تلاش سرسختانه ریشی سوناک رهبر حزب محافظه‌کار در فرستادن پناهجویان به رواندا شکست خورد و این حزب بزرگ‌ترین شکست تاریخی خود را در انتخابات ماه قبل تجربه کرد. فاشیست‌ها به خیابان آمدند تا این شکست خفت‌بار را جبران کنند. اما آنها هم مفتضحانه شکست خوردند.

بیرون ریختن فاشیست‌ها از سوراخ‌هایشان در نقاط مختلف انگلیس به دنبال خبر دروغی بود که هفته قبل بدنبال کشته شدن سه کودک در ساوت پورت اتفاق افتاد. خبر توسط راسیست‌ها از جمله توسط نایجل فاراژ، راسیستی که در پارلمان نشسته است، به سرعت در سراسر این کشور چرخید و فاشیست‌ها را بسیج کرد. شایعات یک پای همیشگی تبلیغات فاشیستی است. فاشیست‌ها با شعارهایی مانند قایق‌ها را متوقف کنید، آنها را بیرون کنید به تعدادی از مراکز اقامت و خدمات‌رسانی به پناهجویان حمله کردند. "قایق‌ها را متوقف کنید" سیاست اعلام شده حزب محافظه‌کار بود که به شعار

فاشیست‌ها تبدیل شد. چند صد نفر دستگیر شدند و دولت آنها را تهدید به مجازات سنگین کرد. فاشیست‌ها فراخوان تجمع برای ۷ اوت دادند اما هزاران نفر از مردم آزاده و انساندوست، سوسیالیست‌ها و برخی اتحادیه‌های کارگری سد محکمی در مقابل آنها ایجاد کردند. تجمعات فاشیست‌ها در اکثر نقاط اعلام شده کنسل شد و آنجا که بیرون آمدند رقمی نبودند. شعارهای مردم "پناهجویان خوش‌آمدید، اراذل نازی گورتان را گم کنید، ما یک نژاد انسانی هستیم" و شعارهایی مشابه بود.

آنتی‌راسیست‌ها نوشتند: "امشب نشان داد که می‌توانیم راست افراطی را شکست دهیم. اما خطر

رفع نشده. آنها به تجهیز خود ادامه می‌دهند، ما نیز به اتحاد، همبستگی و اعتراضات بیشتر نیاز داریم. ما داریم جنبشی را در هر شهر در سراسر انگلیس می‌سازیم تا راست افراطی و راسیسم را در هم بکوبیم. به ما ملحق شوید!" و شنبه ۱۰ اوت را برای تظاهرات سراسری اعلام کردند.

جنبش علیه راسیسم و راست افراطی در انگلیس باید متوجه ریشه‌های جریانات دست راستی شود که سالهاست نه تنها با سیاست‌های ضد پناهندگی علیه پناهجویان، فاشیست‌ها را تغذیه کرد، بلکه ریاضت‌کشی اقتصادی سنگینی را علیه طبقه کارگر و اکثریت مردم این کشور اعمال کرد. پلاکارد "دشمن با لیموزین میاید نه

با قایق‌های کوچک" اشاره به این مساله دارد. این گرایشی است که می‌تواند به عمق برود و جنبش عظیمی را علیه راسیسم و سیاست‌های دست راستی به میدان آورد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۰۴

۱۰ آگوست ۲۰۲۴ – ۲۰ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

**در حمایت از زنان معترض زندان وکیل‌آباد**

**محسن ابراهیمی**

**جزای زن بودن در ایران**

**حسن صالحی**

**طالبان هم اعتراض کرد**

**منظر دریاکناری**

**حمله اسرائیل به یک مدرسه صد کشته بر جای گذاشت**

**کیوان جاوید**

# در حمایت از زنان معترض زندان وکیل آباد

## محسن ابراهیمی

زندانیان سیاسی زن در زندان وکیل‌آباد مشهد، در دو هفته اول مرداد دو بار علیه وضعیت جهنمی زندان اعتراض کردند و هر دو بار، مأموران گارد ویژه برای ایجاد رعب و وحشت وارد زندان شدند، زندانیان را مورد ضرب و شتم قرار دادند؛ مانع دسترسی زندانیان به دست‌شویی، کارگاه، فروشگاه، هواخوری و بهداری شدند؛ تعدادی را از ملاقات محروم کردند؛ تعدادی را برای "تنبیه" به بند "آسایش" که در واقع شکنجه‌گاه است منتقل کردند: جایی که یکی از شکنجه‌ها به تخت بستن زندانیان به‌صورت صلیب است!

زنان زندانی به شرایط اسفناک و غیرانسانی زندان، از جمله گرمای طاقت‌فرسا، وضعیت بدِ غذا، وجود جانورانی مانند ساس، سوسک و موش، نبود وسایل تهویه هوا در گرمای نفس‌گیر، کثیف بودن پتوها، روشن بودن چراغ‌ها در تمام مدت، دیوارهای قارچ و کپک‌زده که باعث شده زندانیان به بیماری‌های پوستی دچار شوند، بی‌توجهی بهداری زندان به وضعیت زندانیان بیمار، و ازدحام بیش از حد زندانیان در بندها اعتراض دارند. قبلاً هم زندانیان سیاسی به وضع ناامن زندانیان زیر ۱۸ سال، زندانیان باردار و مادرانی که کودکان کمتر از ۲ساله در زندان دارند و شرایط اسفناک زندانیان بندهای عادی

بارها اعتراض کرده‌اند.

زنان زندانی درحالیکه تیغ حکومت بیرحم و قاتل بالای سرشان است فریاد اعتراض بلند کرده‌اند. آنها از صف مبارزه برای نجات کل جامعه از شر حکومت اسلامی به زندان افتاده‌اند، اما زندان‌ها را هم به سنگرهای مبارزه علیه نظام ستمگر اسلامی تبدیل کرده‌اند. با تمام توان و به هر شکل ممکن باید از این زندانیان معترض حمایت کنیم. باید صدای بلند اعتراض عزیزان زندانی در جهنم وکیل‌آباد باشیم. باید کمک کنیم حکومت اسلامی در سنگر زندان هم شکست بخورد.

امروز جامعه ایران سرشار از اعتصاب و تجمع

و اعتراض است. تجمعات اعتراضی کارگران، معلمان و پرستاران، دانشجویان، بازنشستگان، دادخواهان و اقشار معترض دیگر همیشه جریان دارد. باید کاری کنیم که حکومت اسلامی، نیروهای سرکوب و زندانبانانش چهره کریه خود را به هر طرف می‌چرخانند، در همه این اعتراضات با اعتراض ما علیه توحش در زندان‌ها و همبستگی محکم ما با زندانیان معترض مواجه شوند. حکومت مستأصل را در سنگر زندان‌ها هم می‌توانیم شکست دهیم. شکستی که مسیر سرنگونی حکومت زندان و اعدام و رهایی همه عزیزان زندانی را هموارتر خواهد کرد.

# جزای زن بودن در ایران

## حسن صالحی

یکی از مظاهر نفرت‌انگیز آپارتاید جنسیتی در ایران این است که اگر زن باشی و بخواهی کار کنی باید اجازه مرد را داشته باشی. فقط به این نمونه توجه کنید: ندا که دارای مدرک کارشناسی‌ارشد مهندسی نفت و گاز در ایران است، می‌گوید: "در مصاحبه شغلی از من خواسته شد که یک گواهی کتبی از همسرم ارائه دهم تا ثابت کنم که او به من اجازه داده تا کار کنم." او می‌گوید، بعدازاین اتفاق احساس کرده که تحقیر شده و می‌افزاید: "به آن‌ها گفتم که من یک بزرگسال هستم و خودم تصمیماتم را می‌گیرم."

در ایران زنان بیش از ۵۰ درصد از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کشور را تشکیل می‌دهند، ولی تنها ۱۲ درصد از نیروی کار را به خود اختصاص می‌دهند. اگر خواهر، همسر و یا دخترم برای گرفتن چنین مجوزی به من مراجعه می‌کردند، می‌دانید چه‌کار می‌کردم؟

خطاب به آنها که چنین مجوزی طلب کرده‌اند، می‌گفتم که مهم نیست این شغل را به خواهر، همسر و یا دختر من می‌دهید یا نه. من و خواهر یا همسر یا دختر من ذره‌ای برای این قوانین زن‌ستیزانه شما ارزش قائل نیستیم. خطاب با این مرتجعین می‌گفتم مگر برای استخدام مرد

مجوز زنان را طلب می‌کنید؟ می‌گفتم طبق قانون انسانیت، شما باید به دلیل برخورد تبعیض‌آمیز و حرمت شکنانه نسبت به زنان جوابگو باشید و به این دلیل شما مجرم هستید.

منظورم بیشتر این است که عکس‌العمل به این به اصطلاح مجوزی که از ما مردان می‌خواهند باید نوعی اعتراض به بی‌اختیار بودن زنان باشد. تصورش را بکنید که اگر مردان زیادی به این رفتار تبعیض‌آمیز در اشکال مختلفی اعتراض می‌کردند الان ما بطور قطع بساط این قانون ارتجاعی را جمع کرده بودیم. اصلاً چرا نشود کارزاری از همین امروز راه بیندازیم. کارزاری تحت عنوان "اجازه زن دست خودش است. نه به

تبعیض! ” می‌دانم که شماری از مردها در ایران با استفاده از امتیازات قوانین ستمگرانه جمهوری اسلامی، بطور قانونی همسرانشان را از کارکردن منع می‌کنند، ولی تعداد ما مردان برابری‌طلب بسیار بیشتر است. چرا نشسته‌اید؟! پرچم این کارزار را بدست بگیرید: ”اجازه زن دست خودش است. نه به تبعیض!

# طالبان هم اعتراض کرد

## منظر دریاکناری

رفتار وحشیانه نیروی سرکوب جمهوری اسلامی با پسربچه ۱۵ساله افغانستانی که موجی از اعتراض برانگیخته، توسط طالبان نیز محکوم شده است. "وزارت خارجه حکومت طالبان بدرفتاری مأموران امنیتی ایران با شماری از مهاجران افغان را محکوم کرده است."

عبدالقهار بلخی، سخنگوی این وزارت در شبکه ایکس نوشته است که وزارت خارجه طالبان "از مقامات جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد که عاملان رفتارهای زشتِ اخیر با افغان‌ها را پیگیری

کرده و اجازه ندهند تا نقض حقوق افغان‌ها منجر به رنجش عواطف مردمی در افغانستان شود.“

طالبان ”نقض حقوق افغان‌ها“ را به برادران دینی خود در ایران گوشزد می کند و از مقامات مسئول می‌خواهد با ”عاملان این رفتار زشت“ برخورد کند. اما چرا باید طالبان به چنین رفتاری با یک افغانستانی مقیم ایران اعتراض کند؟ طبعاً قصد طالبان این است تا به مردم افغانستان بگوید که در رابطه با این جنایت جمهوری اسلامی علیه یک ”هم وطن“ حساس است و به این ترتیب متهم بی تفاوتی و بی عملی نشود. این به اصطلاح اعتراض طالبان یک مانور داخل کشوری است. نکته اصلی اینجا است که چرا میلیون‌ها انسان

**دردمند از افغانستان جانشان را به دست گرفته و از آن جهنی که دولت‌های ارتجاعی اسلامی به‌ویژه طالبان ساخته‌اند فرار می‌کنند؟ مگر نه اینکه این جمعیت میلیونی از دست اسلام نوع طالبان و از دست هیولاهای اسلامی طالبان جانشان را به دست گرفته و فرار کرده‌اند.**

**طالبان مظهر شکنجه زنان و شلاق‌زدن و سنگسار است؛ استاد خلق فقر و فلاکت گرسنگی و تجسم مطلق کودک‌آزاری است. مردم افغانستان خوب می‌دانند اعتراض طالبان به این جنایت برادران دینی‌اش در ایران صرفاً جنبه تبلیغاتی دارد و اعتراض ما مردم در ایران و افغانستان باید همه این اسلامیون ضدبشری را در بر بگیرد.**

در تقابل با این جانیان اسلامی که در ایران و افغانستان حاکم‌اند باید یک صف عظیم مبارزه انسانی را سازمان داد. باید ما مردم دردکشیده و زخم‌خورده از دست اسلامیون حاکم بر این دو کشور یک تن واحد شویم و این دشمنان مشترکمان را از میان برداریم. انسانیت مرز نمی‌شناسد. علیه این حاکمان ضدانسانی دست‌به‌یکی شویم. ناسیونالیسم و قوم‌پرستی را به زباله‌دان بریزیم و مدافع انسان و انسانیت باشیم. اسلام را از زندگی اجتماعی خود جارو کنیم تا قدمی مهم باشد برای دست‌یافتن به جامعه‌ای آزاد و برابر و سکولار.

# حمله اسرائیل به یک مدرسه
# صد کشته بر جای گذاشت

کیوان جاوید

**در حمله هوایی ارتش اسرائیل به مدرسه "تابعین" در محله "الدرج" در شهر غزه که بامداد شنبه ۲۰ مرداد روی داد یکصد نفر جان باختند.**

**این جنایت را به پای دول غربی و مشخصاً دولت آمریکا هم باید نوشت. اسرائیل به‌تنهایی نمی‌توانست طی ۱۰ ماه گذشته ده‌ها هزار انسان بی‌دفاع را اینچنین بی‌رحمانه به خاک و خون بکشد. ارتش اسرائیل در بیانیه‌ای اعلام کرد که اعضای گروه حماس در این مدرسه مخفی**

شده بودند و عملیات علیه شهروندان و نیروهای اسرائیلی را از آنجا هدایت می‌کردند. حضور حماس در میان مردم و سپر بلا و گوشت دم توپ کردن مردم توسط این نیروی مخوف تروریستی یک حقیقت انکارناپذیر است. تروریست‌های حماس حاضرند همه مردم غزه توسط ارتش اسرائیل کشتار شوند به این شرط که حماس در پس این حمام خونی که به راه می‌افتد دوام بیاورد. دشمنان قسم‌خورده مردم همیشه مردم را سپر بلا قرار می‌دهند و در جنگ غزه درست مثل همیشه مردم قربانیان بی‌دفاع این جنایت هستند. اما گناه مردم بی‌دفاع چیست که باید قربانی حماس شوند؟

اعتراض به کشتار در غزه در جهان در اوج است. مردم انساندوست جهان جنایت اسرائیل و همراهی دول غربی و در رأس آنها دولت آمریکا را شدیداً محکوم می‌کنند و خواهان پایان این کشتار بی‌وقفه مردم بی‌دفاع هستند. اما ادامه این جنگ برای اسرائیل و حماس و جنبش تروریستی اسلامی، از جمله جمهوری اسلامی یک نعمت الهی است. در سایه این شرایط جنگی نتانیاهو در قدرت می‌ماند و پول و مهمات نظامی از غرب دریافت می‌کند و تروریست‌های اسلامی نیز با هر خونی که ریخته می‌شود تلاش می‌کنند در افکار عمومی جهانی و به‌ویژه در منطقه خاورمیانه و به اصطلاح "جهان اسلام" مشروعیت سیاسی دست‌وپا کنند.

در همه کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی اعتراضات علیه کشتار مردم بی‌دفاع غزه را می‌توان دوچندان کرد و دولت‌های حامی اسرائیل را در منگنه قرار داد. از طرف دیگر علیه جنبش تروریستی اسلامی، حماس و حزب‌الله لبنان و حوثی‌ها و گانگسترهای اسلامی در عراق و خصوصاً علیه جمهوری اسلامی باید به میدان آمد. به‌رسمیت‌شناسی دو دولت متساوی‌الحقوق فلسطینی و اسرائیلی تنها راه پایان‌دادن به این کشتار است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۰۵

۱۱ آگوست ۲۰۲۴ – ۲۱ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

# در این شماره ژورنال

**در همبستگی با پرستاران اعتصابی**

سینا پدرام

**بازداشت زارا اسماعیلی، بازی دو سر باخت!**

رضا درویش

**ترور هنیه در تهران، سرگردانی حکومت در نحوه پاسخ**

محسن ابراهیمی

# در همبستگی با پرستاران اعتصابی

## سینا پدرام

**اعتصابات و اعتراضات پرستاران در چند روز گذشته بار دیگر مطالبات بر حق پرستاران و کادر درمانی را در صدر خبرهای این هفته قرار داد.**

**پرستاران و کادر درمانی به درست دریافته‌اند که تنها راه احقاق حقوقشان از مسیر اعتراض و اعتصاب می‌گذرد. ناگفته روشن است که قدرت این تجمعات در سراسری بودن این اعتصابات است.**

**اتفاقاً به‌خاطر نوع و موقعیت کار جمعی پرستاران**

**و کادر درمانی در یک بیمارستان و یا مجتمع درمانی اتحاد و هم نظری در ارتباط با اعتراضات دسته‌جمعی و سراسری بسیار با سهولت بیشتری قابل‌انجام و پیروزی است.**

**مطالبات پرستاران اعم از جلوگیری از اضافه‌کاری‌های اجباری با تعرفه‌های بسیار نازل، تسهیل شرایط کاری، بالابردن تعرفه‌ها و حقوق کادر درمانی و غیره، خواست‌هایی کاملاً قابل حصول هستند.**

**با قطع دست مافیای رژیم اسلامی و سرمایه‌دارانی که با بهره‌کشی برده‌وار از پرستاران، دانشجویان دوره انترنی و باقی کادر درمانی به پرکردن جیب‌های خود مشغول هستند، بسیاری از**

**مطالبات این بخش مهم کارگران صنعت سلامت قابل‌دستیابی است.**

**سراسری شدن و گسترده شدن این اعتراضات و اعتصابات چه در بخش دولتی و چه در بیمارستان‌های خصوصی که تهدید اخراج و عدم تمدید قراردادها بر سر پرستاران گرفته شده است، یکی از پیش‌شرط‌های تحقق مطالبات کادر درمانی است.**

**از سوی دیگر، همکاری، حمایت و همیاری مردم در هر سطحی به این مبارزات نیروی مقابله بیشتری خواهد بخشید. صنعت سلامت، صنعت بهداشت و درمان بخشی است که مستقیماً با سلامت و زندگی شهروندان در ارتباط است.**

هر درجه از رفاه و آسایش پرستاران و کادر درمانی در ارائه خدمات درمانی بهتر و دقیق‌تر تأثیرگذار است. آغوش بیکران مردم باید برای این قهرمانان نجات جان بشری همواره باز باشد. هیچ‌کسی نباید و نمی‌تواند رشادت پرستاران و پزشکان را در دوره پاندمی کووید فراموش کند.

بریدن دست مافیای دارو و درمان، بریدن دست سرمایه‌داران مفت‌خور از بخش دارو و درمان و بهداشت جامعه، کوتاه کردن دست رانت‌خوارهای رژیم از بخش بهداشت و درمان راهی است که هم به نفع جامعه و هم به نفع کادر درمانی تمام خواهد شد. سد بزرگی که در این راه وجود دارد رژیم اسلامی است. با حمایت دیگر بخش‌های کارگری می‌توان از این سد گذشت.

# بازداشت زارا اسماعیلی، بازی دو سر باخت!

رضا درویش

بعد از ۱۰ روز بی‌خبری از وضعیت و محل نگهداری زارا اسماعیلی زن آوازخوانی که بخاطر آوازخواندن و بی‌حجابی دستگیر شده، گزارش‌ها حاکی است که او در زندان فشافویه زندانی است.

در رژیم اسلامی آوازخواندن برای زنان ممنوع است و زنان در ایران از این ابتدایی‌ترین حقوق فردی مانند دیگر آزادی‌های اولیه در جوامع امروزی و مدرن نظیر حق انتخاب پوشش و بسیاری دیگر از حقوق اجتماعی محروم‌اند.

در شرایطی که مداحان رژیم با پاره‌کردن گلویشان از بلندگوهای تحت حمایت حکومت با مرثیه‌خوانی‌های ملال‌آور به‌عبث می‌کوشند یک فرهنگ عقب‌مانده و تک‌صدایی را رواج دهند، صدای زنان آزاده ایرانی بی‌شماری در داخل و خارج به جهانیان پیام می‌دهند که به قوانین قرون‌وسطایی رژیم تن نداده و نخواهند داد.

زارا اسماعیلی زن جوانی که ۲۹ سال دارد مدت‌هاست که در محیط‌های عمومی مانند مترو و یا پارک‌ها در تهران و کرج آوازخوانی می‌کند و ویدئوهایش در اینستاگرام توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. قوه قضاییه پس از دستگیری زارا اسماعیلی صفحه اینستاگرام این

خواننده جوان و بااستعداد را که بیش از پنجاه‌هزار فالوور داشته بسته است و در صفحه مذکور به این اکتفا کرده که: "به دستور مقام قضایی این پیج مسدود گردید"!

مشاهده ویدئوهای زارا در شبکه‌های اجتماعی، از استقبال عمومی و حتی ارزیابی مثبت از سوی صاحب‌نظران در حیطه موسیقی درباره استعداد و قدرت صدای زارا حکایت می‌کنند. به لحاظ محتوایی جالب است بدانیم که یکی از آهنگ‌هایی که زارا اسماعیلی به زبان انگلیسی اجرا کرده است در اجرای اصلی توسط خواننده بریتانیایی الاصل بیش از یک میلیارد بیننده داشته است. در آهنگ دیگری که زارا به زبان فارسی خوانده

او می‌گوید: ”وقتی که من عاشق میشم دنیا برام رنگ دیگری‌ست.“

به‌راستی که دنیای زنان و مردان آزاده ایران دنیای دیگری است که سیاهی و مرگ‌اندیشی رژیم را برنمی‌تابد و بازداشت‌ها برای رژیم یک بازی دوسر باخت است. از یک سو سرکوبگری توسط رژیم تنها به افزایش نفرت عمومی دامن می‌زند و از سوی دیگر رژیم ناتوان از توقف تداوم جنبش آزادی‌خواهی در ایران، در هراس از سرنگونی دست‌وپا می‌زند.

زارا اسماعیلی باید بدون قیدوشرط آزاد شود.

# ترور هنیه در تهران،
# سرگردانی حکومت در نحوه پاسخ

محسن ابراهیمی

بعد از ترور اسماعیل هنیه بیخ گوش خامنه‌ای، طبق معمول سران حکومت مسابقه گنده‌گویی و رجزخوانی راه انداختند که انتقام سخت در راه است. حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته بود اسرائیلی‌ها "وقتی پاسخ محکمی دریافت کنند می‌فهمند در محاسبه اشتباه کرده‌اند و این‌بار هم این اشتباه را تکرار کردند."

خامنه‌ای، با صدور پیامی اعلام کرد "ما در این

حادثه تلخ و سخت که در حریم جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است، خون‌خواهی او را وظیفه خود می‌دانیم.“ اما درعین‌حال رسانه‌های حکومت از مسعود پزشکیان نقل می‌کنند که از خامنه‌ای خواسته است از حمله مستقیم به اسرائیل ممانعت کند. خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی هم خبر داد که دفتر نمایندگی حکومت اسلامی در نیویورک اعلام کرده است که ”امیدواریم پاسخ ما در زمان و به‌گونه‌ای صورت گیرد که لطمه‌ای به آتش‌بس احتمالی نزند“ و تأکید کرده است که ”هر توافقی که حماس بپذیرد، مورد قبول ما هم خواهد بود.“!

ترور اسماعیل هنیه در تهران مخصوصاً در فردای

مراسم تحلیف رئیس‌جمهور نشان داد که دولت اسرائیل اشراف اطلاعاتی گسترده و توان عملیاتی سطح بالا در داخل ایران دارد و مضافاً اینکه از اراده سیاسی برای ضربه‌زدن به افراد برجسته "محور مقاومت اسلامی" در داخل ایران برخوردار است. روشن است که این اتفاق مخصوصاً به موقعیت حکومت اسلامی در میان باندهای اسلامی "محور مقاومت" ضربه سنگینی زده است.

علی‌رغم این ضربه سنگین، همه شواهد، از جمله پاسخ دفتر نمایندگی حکومت در نیویورک نشان می‌دهند که تصمیم‌گیری در باره نحوه پاسخ به ترور اسماعیل هنیه معضل مهمی برای حکومت اسلامی شده است و حکام اسلامی دنبال راهی

هستند که فضایی برای "آبروداری" در میان نیروهای نیابتی اسلامی در منطقه فراهم شود، اما درعین‌حال جنگ تمام‌عیاری هم آغاز نشود. نه به‌این‌علت که گویا جنگ برای جامعه و کشور می‌تواند ویرانگر باشد؛ بلکه به‌این‌علت که آن را برای حیات سیاسی نظام اسلامی به‌شدت خطرناک تلقی می کنند. حکام اسلامی تردید ندارند که اگر جنگی رخ دهد، نه‌تنها مردم را با خود نخواهند داشت، بلکه مردم در کمین نشسته‌ای که در کف خیابان فریاد زده‌اند "دشمن ما همین‌جاست"، در هر شرایط با حکومت اسلامی به‌عنوان دشمن برخورد خواهند کرد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۰۶

۱۲ آگوست ۲۰۲۴ – ۲۲ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

آرزوهای تاراج شده "آرزو بدری"

کیوان جاوید

احمدرضا رادان در محاصره خشم مردم

سیما بهاری

الهه محمدی و نیلوفر حامدی متخاصمِ حکومت

میلاد رابعی

رنسانس ضداسلامی در ایران!

سؤال از مصطفی صابر

# آرزوهای تاراج شده "آرزو بدری"

## کیوان جاوید

**فرماندهی انتظامی استان مازندران تأیید کرد که آرزو بدری، سرنشین زن یک خودرو در پی تیراندازی پلیس شهرستان نور مصدوم شده است. آرزو بدری در حال حاضر تحت تدابیر شدید امنیتی در بخش آی‌سی‌یو در بیمارستان ولیعصر تهران بستری است. خبرها حاکی از این است که آرزو بدری، مادر دو فرزند، بر اثر تیراندازی نیروهای انتظامی فلج شده است.**

**این زن که همه عمرش توسط حکومت اسلامی تبعیض دیده و گرفتار عذاب اسلام بوده و طعم**

شیرین زندگی را هرگز نچشیده است، بالاخره در سن ۳۱ سالگی با گلوله پلیس جنایتکار اسلامی به این روز افتاد. زندگی امروز آرزو بدری با همه رؤیاهای شیرین بر باد رفته‌اش یادآور مهسای ۲۲ساله و آرمیتای ۱۶ساله و سارینای و نیکای نوجوان است که به دست رژیم به خون در غلتیدند. انگار یک فیلم غم‌انگیز و ترسناک مدام جلوی چشم ما تکرار می‌شود.

حکومت اسلامی از روز اول تا همین امروز یک حکومت با یک هدف بوده و هست؛ رژیم پایمال‌کردن هر آنچه که بویی از انسانیت برده باشد؛ حکومت مرگ و پاشیدن خون به زندگی مردم؛ حکومت تباهی و حکومت فقر و گرسنگی.

این حکومت نگهبان ضد انسانی‌ترین قوانین اسلامی است؛ قوانینی را که از درون "جهنم خدا" بیرون آورده و به جان مردم انداخته است. حکومت زن کُش؛ ضد کودک و ضد رفاه و علیه خوشبختی؛ حکومت دشمن‌شادی و خوشی مردم.

مردم وسیعاً از شلیک پلیس رژیم به آرزو بدری خشمگین‌اند و یکپارچه خواهان این هستند که آرزو از یاد نرود. هر چند رژیم اسلامی با تجربه‌ای که از به کما رفتن مهسا امینی دارد، تلاش می کند گزارشی از وضعیت فعلی آرزو منتشر نشود اما مردم خاموش نمی‌مانند. در مدیای اجتماعی عکس و اسم آرزو بدری دست‌به‌دست می‌چرخد و همه با حساسیت تمام سرنوشت آرزو را دنبال

می‌کنند.

در ادامه این عکس‌العمل وسیع اجتماعی اسم و عکس آرزو را پرچمی کنیم در کوچه و خیابان و در اعتراضات کارگری و پرستاران و دیگر اعتصابات و تجمعات از آرزو یاد کنیم و یک‌بار دیگر عهد ببندیم رژیم اسلامی را برای همه جنایاتش به زیر خواهیم کشید. آرزوهای تارج شده خود را با مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی به واقعیت شیرین آزادی و برابری تبدیل کنیم.

# احمدرضا رادان در محاصره خشم مردم

## سیما بهاری

رادان بازداشت خشونت‌آمیز دو دختر نوجوان را "رفتار یک مقدار غیرحرفه‌ای" مأموران خواند و در ادامه گفت: "هیچ‌کس در مورد فحش‌هایی که آنها به همکاران ما می‌دادند، نقدی نکرد، هیچ‌کس نمی‌گوید این دو خانم مقاومت کردند، خلاف کردند و قانون را زیر پا گذاشتند."

روز ۱۶ مرداد فیلمی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که تصاویر خشونت باری از برخورد مأموران طرح موسوم به "نور" با دو دختر نوجوان در تهران را نشان می‌داد و مأموران نیروی انتظامی

دو دختر را که روسری بر سر نداشتند، با توسل به‌زور و کتک‌کاری شدید بازداشت کردند.

پخش گسترده این ویدئو با واکنش اعتراضی و خشم‌آلود فراوانی در میان مردم و در رسانه‌های اجتماعی روبرو شد. همین‌قدرت اعتراض و واکنش گسترده به جنایت جمهوری اسلامی، رادان، این مزدور قاتل را وادار کرد تا بگوید رفتار سرکوبگران حکومت "یک مقدار غیرحرفه‌ای" بوده است.

مأموران جمهوری فاشیستی اسلامی دو نوجوان را بخاطر اینکه حاضر نیستند لچک اسلامی بس کنند، در خیابان به باد کتک می‌گیرند و شدی

این دختران عاصی از قوانین اسلامی را مجروح می‌کنند، اما وقتی همین دو دختر شجاع علیه جانیان دست به مقاومت می‌زنند و حاضر به تسلیم‌شدن نیستند، رادان ناله سر می‌دهد که می‌بیند چه اتفاق ناگواری افتاده است؟ قانون ما شکسته شد و مأموران ما را به باد فحش گرفته‌اند.

مردم می‌گویند نه‌تنها این قانون حجاب شما که کل حکومت شما باید درهم‌شکسته شود؛ نه‌تنها مأموران شما باید به باد فحش گرفته شوند که باید علیه آنها بسیج شد و قلم پایشان را در خیابان شکست تا جرئت نکنند به‌زور حجاب بر سر زنان کنند.

رادان اگر احساس قدرت می‌کرد و توسط همین دختران و زنان و همه مردم ضد حکومت اسلامی احساس خطر نمی‌کرد بی شک از این عمل مأموران نور (تاریکی اسلامی) با قدرت حمایت می‌کرد و می‌گفت بدتر از اینها را بر سر زنان بی‌حجاب خواهیم آورد. اما قدرت اعتراض و خشم عظیم مردم یک‌بار دیگر به حکومت نشان داده است که در برابر یک جامعه سراپا ضداسلامی راهی جز سرنگونی پیشِ رو ندارد. جنبش علیه حجاب اسلامی را با حمایت همه مردم در ایران همگانی‌تر کنیم.

# الهه محمدی و نیلوفر حامدی متخاصمِ حکومت

میلاد رابعی

با اعلام رأی دادگاه تجدیدنظر در پرونده الهه محمدی و نیلوفر حامدی، این دو روزنامه‌نگار از اتهام "همکاری با دولت خارجی متخاصم" تبرئه شدند، اما همین "دادگاه" تجدیدنظر محکومیت ۵ سال حبس برای اتهام "اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور" و یک سال حبس برای اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام" را تأیید کرده است.

تا آنجا که به "تبرئه" این دو خبرنگار از اتهام همکاری با "دولت خارجی و متخاصم باز می‌گردد"، این یک عقب‌نشینی تحمیلی به

حکومت اسلامی است. در این عقب‌نشینی حکومت می‌توان پایداری و ایستادگی شجاعانه الهه محمدی و نیلوفر حامدی در داخل و خارج از زندان، اعتراضات مردمی و فشارهای بین‌المللی را به‌وضوح مشاهده کرد. جمهوری اسلامی هرگز داوطلبانه از انجام هیچ مجازات و جنایتی منصرف نمی‌شود. در این مورد نیز چنین است.

الهه محمدی و نیلوفر حامدی با رد تمام اتهامات انتسابی و دفاع از عمل خود و افتخار به آن و انتشار عکس‌های بدون حجاب خود در فضای مجازی نشان دادند که از نسل زنانی هستند که تسلیم جانیان حاکم و شکنجه و زندان نمی‌شوند و از این منظر شایسته تقدیر هستند.

این عقب‌نشینی بار دیگر و برای چندمین بار ثابت کرد که فعالیت و افشاگری در سطح بین‌المللی علی‌رغم سبعیت ذاتی رژیم می‌تواند مؤثر باشد و مردم و فعالین اهمیت این نوع از فعالیت وسیع داخلی و بین‌المللی را به‌خوبی می‌دانند.

اما در مورد این دو زن مبارز هنوز مجازات "پنج سال و یک سال" حبس به قوت خود باقی است. احکام حبس برای زنانی که الگوی شجاعت و استقامت‌اند با فشار باید بلافاصله لغو شود. باید خواست لغو این احکام ضدبشری برای الهه محمدی و نیلوفر حامدی را به یکی از خواست‌های مهم جنبش‌های اعتراضی و خصوصاً

جنبش آزادی زندانیان سیاسی بدل کرد. باید حول این خواست متحد شد و نیرو سازمان داد. تمام مردم جهان باید بدانند که حکومت اسلامی چه انسان‌های شریف و آزاده و چه جان‌های شیفته‌ای را به بند کشیده و می‌کشد. نام و تصویر همه زندانیان سیاسی را باید به چهره‌هایی آشنا در سطح جهان تبدیل کرد تا جمهوری اسلامی جرئت نکند مخالفین خود را اسیر کند. هر عقب‌نشینی حکومت گامی است مؤثر در جهت تضعیف بیشتر و نهایتاً سرنگونی این حکومت ضدانسانی.

# رنسانس ضداسلامی در ایران!

## سؤال از مصطفی صابر

**کیوان جاوید:** مردم ایران از حکومت اسلامی و دخالت اسلام در زندگی‌شان عاصی شده‌اند. وضعیت جنبش سکولاریستی و ضد دینی در ایران را چگونه می‌بینید؟

**مصطفی صابر:** به دلیل حاکمیت اسلام سیاسی در ایران، مبارزه سیاسی و برای تغییر اوضاع درعین‌حال جنبه قوی ضد مذهبی و سکولاریستی دارد. برای مثال به جنبش عظیم علیه حجاب اجباری توجه کنید. بی‌حجابی طبق گفته خامنه‌ای "حرام شرعی و حرام سیاسی" است!

اما فقط زنان نیستند که هر روز باید "حرام شرعی و سیاسی" بکنند، معلمان، دانشجویان، دانش‌آموزان، پرستاران، بازنشستگان نیز هر روز و به انحای گوناگون در نبرد با اسلام و قوانین اسلامی هستند.

اما مهم‌تر اینکه همه اینها در متن یک انقلاب فرهنگیِ ضداسلامی مردم ایران دارد صورت می گیرد. فرهنگ مدرن و انسانی و سکولار مردم ایران در همه ابعاد علیه فرهنگ پوسیده، ارتجاعی و اسلامی حکومت در نبرد هر روزه در خیابان و محیط کار و تحصیل است. می‌توان حدس زد که رشد بی خدایی و رویگردانی از مذهب در بین ایرانیان از هر کجای دیگر دنیا سریع‌تر

باشد. به شعارها، ترانه‌ها، آرمان‌ها، بیانیه‌ها و سخنرانی‌های فعالین انقلاب زن زندگی آزادی نگاهی بکنید تا ببینید که این حرکت درعین‌حال یک انقلاب خلاصی فرهنگی از شر اسلام و ارتجاع و خرافه مذهبی است. به فضای مجازی و سوشیال مدیا دقت کنید تا با انواع و اقسام شخصیت‌ها، جلسات و سمینارها و تشکل‌ها و انجمن‌های ضد مذهبی و لائیک و سکولار مواجه شوید.

**کیوان جاوید:** آینده این جنبش ضد مذهبی و ضداسلامی در ایران را چگونه می‌بینید؟

**مصطفی صابر:** اینرا هر ناظری دارد می‌بیند که جمهوری اسلامی به‌شدت در محاصره مردم

سرنگونی خواه و جنبش انقلابی زن زندگی آزادی است. این رژیم تنها به‌زور چماق و گلوله و ارعاب و ترور و زندان خود را نگاه داشته است و هر روز هم در حال ریزش و ضعیف شدن است. مردم با انقلاب خودشان دیر یا زود این رژیم و کل بساط حکومت مذهبی و اسلامی را به زیر می‌کشند و به موزه تاریخ می‌فرستند. مردم ایران با این کار نه فقط خود را آزاد می‌کنند بلکه ضربه‌ای اساسی و تاریخی به اسلام سیاسی و ارتجاع ناشی از آن در کل منطقه وارد می آورند. به نظر من در ایران تحت اختیار و حاکمیت مردم، حکومت کاملاً غیرمذهبی خواهد بود، مذهب رسمی ملغی خواهد شد، دست مذهب از آموزش و پرورش کوتاه خواهد شد، کودکان مذهب نخواهند داشت،

همه قوانین و مقرارت مذهبی و امتیازاتی که مذهب در طول تاریخ بدست آورده لغو خواهد شد، آزادی مذهب و لامذهبی برقرار خواهد شد، آزادی بی‌قید شرط بیان و عقیده و نقد هر عقیده و هر مذهبی حاکم خواهد شد. همه مؤسسات مذهبی شامل حسابرسی و پرداخت مالیات و علنیت و شفافیت و نظارت جامعه خواهند بود. در یک‌کلام بنظر من آینده‌ای امیدبخش در انتظار جنبش ضد مذهبی و سکولاریستی در ایران است.

**کیوان جاوید:** چطور می‌شود این جنبش ضد مذهبی و سکولاریستی را متحدتر و پرقدرت‌تر کرد؟

**مصطفی صابر:** بنظرم قبل از هر چیز باید افق، اهداف و مطالبات سیاسی این جنبش را هرچه دقیق‌تر و عمیق‌تر تعریف کرد. واقعیت این است که جنبش‌های بورژوایی و راست می‌خواهند تا آنجا که ممکن است مذهب و ارزش‌های مذهبی و مردسالار و ارتجاعی را حفظ کنند. برای مثال می‌کوشند مبارزه مردم علیه ارتجاع اسلامی و مذهبی را در چهارچوبه‌های ملی‌گرایی و نژادپرستی ضد عرب مهار زنند و تقلیل دهند. یا گرایشاتی هستند که می‌خواهند یک سکولاریسم نیم‌بند و حداقلی را به جنش رادیکال مردم و جوانان ایران برای رهایی از شر دخالت مذهب در زندگی‌شان قالب بزنند. طبعاً

حزب ما در تبیین افق و اهداف این جنبش و یا مبارزه با این گرایشات ارتجاعی یا تقلیل دهنده فعال بوده است. برای مثال به برنامه یک‌دنیای بهتر و ادبیات حزب بویژه نوشته‌های منصور حکمت رجوع کنید. اما هنوز وظایف زیادی از این جنس بر عهده ماست.

جنبه دیگر، مساله سازمانگری و شکل‌دادن به فعالیت‌های عملی و متحد کننده است. در این زمینه هم گرچه در تلاش‌های خوبی نظیر مقابله با اسلام سیاسی و قوانین شریعه در اروپا و علیه مراکز و مراسم اسلامی رژیم و یا در شکل‌گیری سازمان اکس مسلم فعال بوده‌ایم، اما بنظرم کارهای بسیار بیشتری بر عهده ماست.

ما باید تلاش کنیم تا فعالین مختلف مبارزه با دخالت‌های مذهب و حکومت اسلامی در زندگی مردم، از آموزش و پرورش و حقوق کودکان گرفته تا اعمال قوانین ارتجاعی مثل قصاص و غیره و تا فعالیت‌ها در خارج کشور هرچه متحدتر و متشکل‌تر شوند.

بالاخره یک جنبه هم، جنبه نظری و روشنگری در زمینه مقابله با مذهب و خرافه و باورهای مذهبی است. در این زمینه نیز تلاش‌هایی داشته‌ایم، اما باید بسیار بیشتر کار کرد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۰۷

۱۳ آگوست ۲۰۲۴ – ۲۳ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

# در این شماره ژورنال

**استعفای ظریف و تپه‌ای که موش زایید!**

اصغر کریمی

**واگن پارس آینه‌ای از فضای پرالتهاب جامعه**

شهلا دانشفر

**مرکز اسلامی هامبورگ:کانون تروریسم حکومت اسلامی**

کاظم نیکخواه

**پرستاران شایسته حمایت گرم همه ما هستند**

حزب کمونیست کارگری ایران

# استعفای ظریف و تپه‌ای که موش زایید!

اصغر کریمی

ظریف، از ترکیب وزیران پیشنهادی مسعود پزشکیان انتقاد کرده و از سمت خود به‌عنوان معاون راهبردی و رئیس مرکز مطالعات استراتژیک ریاست‌جمهوری، استعفا داد. برخی از مفسران این استعفا را موضوعی مهم و ضربه‌ای مهم به پزشکیان قلمداد کرده‌اند. این نوع تفسیرها گمراه‌کننده است. گویا قرار بوده تأیید پزشکیان از طرف خامنه‌ای دریچه ورود اصلاح‌طلبان به قدرت باشد.

سخنگوی جبهه اصلاحات گفته بود: ”در آستانه

معرفی کابینه دولت چهاردهم به مجلس، اخبار نگران‌کننده‌ای درباره برخی اسامی به گوش می‌رسد. برخی از آنها نه نسبتی با اصلاحات دارند و نه حتی به رویکرد اعتدالی نزدیک هستند. برخی دیگر هم اساساً به ضدیت با هر تغییر و اصلاحی شهره هستند".

پزشکیان در اولین جلسه هیئت دولت تأکید کرده بود که باید فارغ از جناح‌بندی‌های سیاسی، کابینه‌ای تشکیل داد که جلوه وفاق ملی باشد و وفاق ملی یعنی دست بالا داشتن اصول‌گرایان و نه ایجاد بالانسی بین اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان. بالانس قدرت میان این دو جناح امری مربوط به گذشته است. اگر روحانی بالاخره کاریکاتوری از قدرت اصلاح‌طلبان بود پزشکیان حتی این هم

نیست. نفس اینکه خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه حامی پزشکیان شده و اصلاح‌طلبان منقد او، بیان این مسئله و وضعیت دردناک و دل‌سوختنی! اصلاح‌طلبان است.

تپه موش زاییده است و ضربه به چنین موجودی جایگاه ویژه‌ای در عالم واقعی ندارد. آنچه اهمیت دارد ضربه‌ای بود که مردم در جریان انتخابات به خامنه‌ای و اصول‌گرا و اصلاح‌طلب زدند و حکمت تأیید پزشکیان و بیرون آوردن او از صندوق خود ناشی از موقعیت از پیش شکست‌خورده حکومت از مردم بود. استعفای ظریف و آه و ناله‌های محافل داخل و خارج اصلاح‌طلبان ادامه ریزش‌هایی است که از قبل شروع شده و ادامه خواهد یافت. تشنجات میان جمهوری اسلامی و

**اسرائیل نیز، بحران‌ها، اختلافات و ریزش‌ها را باز هم تشدید خواهد کرد.**

**مردم ضربه‌شان را در انقلاب زن زندگی آزادی و انتخابات زده‌اند و حکومت در منجلاب بحران‌ها به انتقام برخاسته است. حائل اصلاح‌طلبان نیز سال‌های سال است کنار رفته و جناح سخت! قدرت لخت‌وعور و آسیب‌پذیرتر از همیشه در مقابل جامعه قرار گرفته است. راه همین است که مردم انتخاب کرده‌اند، روی‌آوری بیشتر به متشکل شدن و پیوستن بیشتر به اعتصابات و کارزارهای سیاسی علیه حکومت در داخل و خارج کشور.**

# واگن پارس آینه‌ای از فضای پرالتهاب جامعه

شهلا دانشفر

اعتصاب کارگران واگن پارس اراک با قدرت ادامه دارد. اعتراضات این کارگران در کف خیابان با فریاد "کارگر می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد" چهره شهر را عوض کرده است. فریاد اعتراضات آنان به طور واقعی پژواک صدای اعتراض هزاران کارگر کارخانجاتی چون هپکو، آذرآب و آلومینیوم‌سازی اراک است که سرنوشت مشترکی با این کارگران داشته و خود از کانون‌های داغ اعتراضی در این شهر هستند.

دیروز ۲۲ مرداد کارگران واگن پارس بعد از

تعطیلی دوروزه شرکت به بهانه قطع برق، به کارخانه برگشتند و قصد حرکت به‌سوی خیابان اصلی شهر را داشتند که با سد سرکوبگران حکومت روبرو شدند. در هراس از جاری‌شدن سیل جمعیت کارگران به خیابان، نیروی سرکوب بسیاری بسیج شده بود. قبلاً هم اخطارهایی داده بودند. علی‌رغم آن کارگران از کارخانه به حرکت در آمدند و در رویارویی با سرکوبگران، با هوکردن و سردادن شعار "نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم" پیام محکمی به مدیریت و حکومت دادند. سپس در شرکت تجمع کردند و فریاد شعارهایشان بر فضای کارخانجات اطراف طنین انداخت.

امروز ۲۳ مرداد بازهم این شرکت به بهانه

کمبود انرژی تعطیل بود. اما اعتراض کارگران ادامه دارد. برکناری مدیریت، بازگشت به کار اخراجی‌ها، رفع تبعیض‌ها، پایان کار پیمانکاران، همسان‌سازی حقوقها با کارخانجات هم‌جوار و گروه مپنا و رسمی شدن قراردادها، مطالبات فوری کارگران است.

واگن پارس وابسته به گروه صنعتی "مپنا " است و عمده سهام آن به وزارت نیرو و نهاد آستان قدس رضوی تعلق دارد. اعتراض کارگران به چپاولگری‌های حاکم، اخراج‌ها و پاسخ نگرفتن خواست‌هایشان است. حقوق ماه گذشته نیز که ماهانه بین دهم تا پانزدهم واریز می‌شد، هنوز پرداخت نشده و در کنار تعطیلی مدام کارخانه موجب نگرانی بیشتر کارگران شده است. همان

**بلایی که قبلاً سر هپکو و دیگر شرکت‌ها آوردند.**

**اعتصاب کارگران واگن پارس بازتاب فضای انقلابی جامعه است. اعتراضات آنان در کنار اعتصابات سراسری پرستاران، در کنار نزدیک به دو ماه اعتصاب هزاران کارگر پروژه‌ای نفت و اعتراضات گسترده در این مرکز کلیدی، در کنار ایستادگی شجاعانه زنان در برابر حملات حکومت و نیز اتحاد مبارزاتی مردم علیه زندان و اعدام حال و هوای دیگری دارد. واگن پارس یک سنگر مهم اعتراضات کارگری است. از مبارزات کارگران این کارخانه وسیعاً حمایت کنیم.**

# مرکز اسلامی هامبورگ:
# کانون تروریسم حکومت اسلامی

کاظم نیکخواه

حکومت اسلامی از مساجد و کانون‌های اسلامی در کشورهای مختلف برای توطئه علیه اپوزیسیون و جاسوسی در این کشورها استفاده می‌کند. یکی از کانون‌های فعال دراین‌رابطه، مرکز اسلامی هامبورگ (موسوم به مسجد آبی) بود که مدت‌ها موضوع اعتراضات نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی به‌ویژه فعالین حزب کمونیست کارگری بود که خواهان بسته‌شدن این مرکز بودند. دولت آلمان بالاخره سوم مرداد امسال این مرکز و مساجد وابسته به آن را بست. محمدهادی مفتح رئیس

این مرکز در اوج انقلاب زن زندگی آزادی به دلیل توطئه‌گری علیه اپوزیسیون از این کشور اخراج گشت.

اکنون وزارت کشور آلمان سندی ۲۲۰ صفحه‌ای از فعالیت‌های مرکز اسلامی هامبورگ را انتشار داده که نشان می‌دهد این مرکز در ارتباط تنگاتنگ با دفتر خامنه‌ای بوده و از حماس و حزب‌الله فعالانه حمایت می کرده است. وزارت کشور آلمان اعلام کرد که مرکز اسلامی هامبورگ و مراکز زیرمجموعه آن در شهرهای فرانکفورت، مونیخ و برلین را به دلیل پیروی از "اهداف اسلام گرایانه افراطی" ممنوع کرده است.

بر اساس اسنادی که به اشپیگل رسیده محمدهادی

مفتح، در ارتباط مستقیم با دفتر خامنه‌ای بوده است. بازرسان چت‌های واتس‌اپ بین مفتح و مهدی مصطفوی، قائم‌مقام معاونت ارتباطات و امور بین‌الملل دفتر خامنه‌ای را یافته‌اند که نشان می‌دهد این دو از پایان سال ۲۰۲۱ تا پایان سال ۲۰۲۳ بیش از ۶۵۰ بار با یکدیگر پیام مبادله کرده‌اند.

اسناد به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که مرکز نامبرده بازوی مستقیم مأموریت‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی در حمایت از حوثی‌های یمن و حزب‌الله لبنان و حماس و غیره بوده است.

بسته‌شدن مرکز اسلامی هامبورگ با استقبال وسیع جریانات مختلف اپوزیسیون جمهوری اسلامی و

خوشحالی بسیاری از مردم در ایران مواجه شد. بدون شک با اتحاد نیروهای مخالف حکومت در خارج کشور، می‌توان دیگر شاخک‌های حکومت را نیز قیچی کرد و به عبارتی این حکومت را در خارج کشور سرنگون نمود. در دنیای کنونی و ارتباطات جهانی، داخل و خارج به هم متصل‌اند و سرنگونی جمهوری اسلامی در خارج کشور به سرنگونی آن در داخل مستقیماً یاری می‌رساند. حکومت اسلامی در میان مردم دنیا بسیار منفور است و مقابله با این حکومت با حمایت مردم در این کشورها همراه می‌شود. تلاش برای بستن مراکز آن در کشورهای مختلف یک اقدام بسیار مهم در خدمت به انقلاب زن زندگی آزادی است.

# پرستاران شایسته حمایت گرم همه ما هستند

## حزب کمونیست کارگری ایران

### خطاب به همه مردم معترض و آزاده!

پرستاران و کادر درمان علیه تضییقات همه‌جانبه نظام نکبت اسلامی علیه آنها، علیه حقوق‌های بسیار ناچیز، علیه فشارهای طاقت‌فرسای کار، تأخیر یک‌ساله در پرداخت کارانه، تبعیض در پرداخت تعرفه‌ها و یا پرداخت‌نکردن آن و استاندارد پایین درمان در بیمارستان‌ها، ناامنی شغلی و علیه تهدیدات نیروهای سرکوب حکومت در شهرهای مختلف کشور دست به اعتصاب زده‌اند. حکومت طبق معمول به‌جای پاسخگویی به مطالبات آنها،

دست به تهدید آنها زده تا صف متحد آنها را بشکنند. آنها با هوشیاری در مقابل این تهدیدات ایستاده‌اند و به حمایت همه مردم نیاز دارند. به یاری آنها برخیزیم.

تجمعات اعتراضی و اعتصاب پرستاران و کادر درمان که در شهرهای شیراز، یزد، کرج، اهواز، تبریز، بندرعباس، اصفهان، فسا، جهرم، آباده و زنجان شروع شده، در حال گسترش است. این بزرگ‌ترین اعتصاب متحدانه پرستاران و کادر درمان در ۴۵ سال گذشته است.

تعداد پرستاران صدها هزار نفر از تعداد موردنیاز کمتر است و فشار کمبود پرستار را تعداد کم پرستاران باید تحمل کنند. اما علی‌رغم فشار کار

طاقت‌فرسا حقوق پرستاران و کادر درمان بسیار ناچیز است و بخش قابل‌توجهی از حقوقشان صرف اجاره‌های سنگین می‌شود. این وضعیت چنان فشاری به پرستاران آورده که تعدادی از پرستاران دست به خودکشی زده و یا در حین کار بر اثر ایست قلبی جانشان را ازدست‌داده‌اند. تنها در هفته‌های گذشته یک پرستار و یک بهیار در شیراز دست به خودکشی زده‌اند. اعتراض و اعتصاب پرستاران علیه این شرایط جهنمی است که حکومت مفت‌خوران اسلامی به آنها تحمل کرده است.

همه مردمی که گذرشان به بیمارستان افتاده شاهد شرایط غیرانسانی حاکم بر کادر درمان و استاندارد غیرقابل‌قبول بیمارستان‌ها هستند. این وضعیت جان و سلامت اکثریت شهروندان را به خطر

انداخته است. به‌جز مقامات و آقازاده‌ها و یک قشر کوچک مفت‌خور که به بیمارستان‌های خصوصی یا بیمارستان‌های کشورهای دیگر دسترسی دارند اکثریت مردم شدیداً از هزینه‌های سنگین دارو و بیمارستان و خدمات درمانی بسیار ناکافی به بیماران و عدم خدمات به همراهان بیماران عصبانی‌اند.

خشم و عصبانیت را باید به اعتراض جمعی تبدیل کرد. باید با تمام قوا از کادر درمان و خواست‌های بحق آنها حمایت کرد. از بازنشستگان تا تشکل‌های کارگری و مردمی، از معلمان تا دانشجویان و دادخواهان و فعالین اجتماعی، از هنرمند تا ورزشکار و نویسنده همه‌وهمه و در همه شهرها جا دارد که قاطعانه از آنها حمایت کنیم. تهدیدات نیروهای امنیتی را محکوم کنیم و خواهان درمان رایگان

برای همه مردم شویم.

پشتیبانی قاطع مردم از پرستاران و کادر درمان می‌تواند به گسترش اعتصاب در سراسر کشور و موفقیت آنها منجر شود. این یک اعتصاب مهم و بزرگ‌ترین اعتصاب کادر درمان در طول حیات ننگین این حکومت است. وظیفه همه ما است که به هر شکل که می‌توانیم در کنار آنها قرار گیریم و به این اوضاع اسف‌بار درمان و وضع اسف‌بار کادر درمانمان پایان دهیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۰۸

۱۴ آگوست ۲۰۲۴ – ۲۴ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

## در این شماره ژورنال:

**اعتراضات جهانی علیه اعدام در ایران**

گفتگو با حسن صالحی سخنگوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام

**زندان برای کنشگران محیط‌زیست و بحران رژیم اسلامی**

سیاوش آذری

**پشت‌صحنه استعفای ظریف**

کیوان جاوید

**باغچه نیلوفر در قتلگاه اوین**

محسن ابراهیمی

# اعتراضات جهانی علیه اعدام در ایران

## گفتگو با حسن صالحی سخنگوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام

## گفتگو با حسن صالحی سخنگوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام

**محسن ابراهیمی: در اعتراض به اعدام زندانیان سیاسی، در همبستگی با زنان زندانی علیه اعدام و در همراهی با ۲۰ تشکل و جمع دانشجویی در ایران که برای روزهای شنبه و یکشنبه ۲۰ و ۲۱ مرداد فراخوان جهانی در اعتراض به اعدام‌ها در ایران منتشر کرده بودند، دستکم در ۱۴ کشور و ۲۸ شهر اعتراضات هم‌زمان برگزار شد. ارزیابی**

**شما از ابعاد و تأثیرات این کارزار اعتراضی علیه اعدام چیست؟**

**حسن صالحی: قبل از هر چیز باید بگویم که من بسیار خوشحالم که تشکلات دانشجویی از ایران این فراخوان را دادند. فراخوان‌هایی که از داخل کشور می‌آیند معمولاً وزن سنگین‌تری دارند و جواب بهتری می‌گیرند. این فراخوان باعث شد که نهادها و شبکه‌های مبارزاتی مختلف به طور هماهنگ و متحدانه در خارج کشور به یک ابراز وجود سیاسی علیه اعدام‌ها و حکومت اسلامی دست بزنند. اگر تعطیلات تابستانی نبود من یقین دارم که شهرهای بیشتری در این اعتراضات شرکت می‌کردند. این اتحاد شورانگیز پاسخ به**

رژیمی است که می‌خواهد با اعدام و سرکوب بیشتر اراده ما را درهم بشکند. اما با سد اراده جمعی برای متوقف کردن آدم‌کشی‌هایش روبرو می‌شود. این فراخوان تقریباً هم‌زمان بود با اعدام جنایت‌کارانه رضا رسایی از معترضین انقلاب زن زندگی آزادی و درعین‌حال جواب شایسته‌ای به حکومت آدمکش جمهوری اسلامی به‌خاطر این جنایتش بود. همه معترضین ضمن ابراز همدردی با خانواده رضا رسایی با آنها عهد بستند تا به‌پای میز محاکمه کشاندن قاتلین رضا و رضاها و جلوگیری از کشتار و جنایت سازمان‌یافته حکومتی به مبارزه ادامه خواهند داد. آنچه که در این حرکات اعتراضی موج می‌زد احساس مسئولیت در قبال سرنوشت زندانیان در بند بود که در

**خطر اعدام قرار دارند. ما به صدای اسرای در بند تبدیل شدیم. ما هم‌صدا با زندانیان سیاسی زندان اوین فریاد زدیم: تا لغو حکم اعدام ایستاده‌ایم تا پایان! امیدوارم این اتحاد زمینه‌ای شود که در موارد آینده و بخصوص در آستانه دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی، دست‌هایمان را در دست هم بگذاریم و دور تازه‌ای از اعتراضات گسترده در خارج کشور را آغاز کنیم.**

**محسن ابراهیمی: قبلاً هم حکام اسلامی بازگشت "خدای دهه شصت" را آرزو کرده بودند. دهه‌ای خونین که زندانیان سیاسی به دست قاتلین اسلامی حاکم قتل‌عام شدند. در شرایط بعد از انقلاب زن زندگی آزادی موانع اصلی حکومت**

**در مقابل چنین آرزوی ضدانسانی چه‌ها هستند؟**

**حسن صالحی: شرایط امروز ایران هیچ شباهتی با دهه شصت ندارد. بعد از انقلاب زن زندگی آزادی فضای انقلابی در جامعه حاکم است و رژیم علی‌رغم سرکوب‌های گسترده و اعدام‌ها نتوانسته است بر مردم پیروز شود. تنها وجه مشترک شرایط امروز با مثلاً شرایط تابستان سال ۱۳۶۷ این است که آن‌وقت رژیم بعد از پایان جنگ ایران و عراق در ترس از بروز خیزش‌های مردمی، به کشتار زندانیان سیاسی پرداخت و حالا نیز به دنبال شکست مفتضحانه در جریان مضحکه انتخابات که نمونه کاملی از پشت کردن کامل مردم به خامنه‌ای و حکومت بود و همین‌طور**

**در پی تنش حکومت با دولت اسرائیل از ترس اینکه با وقوع اولین درگیری‌های نظامی، مردم برای سرنگونی رژیم دوباره به خیابان بریزند به اعدام‌های گسترده روی آورده است. این ترس از ساقط شدن و ممانعت از گسترش اعتراضات مردم انگیزه اصلی حکومت در دست‌زدن به اعدام است. جمهوری اسلامی ظرفیت دست‌زدن به هر جنایتی را دارد؛ ولی نفس وجود فضای انقلابی در جامعه ترمز بزرگی است در مقابل این رژیم برای ارتکاب جنایاتی نظیر دهه شصت که هزاران زندانی سیاسی را به قتل رساند.**

# زندان برای کنشگران محیط‌زیست و بحران رژیم اسلامی

سیاوش آذری

روز دوشنبه ۲۲ مردادماه پنج زن کنشگر محیط‌زیست در گیلان به نام‌های آناهیتا دوستدار، نینا گلستانی، رزیتا رجایی، آناهیتا حجازی و نگین عدالت‌خواه از طرف دستگاه قضایی رژیم اسلامی در مجموع به ۲۰ سال و هفت ماه زندان محکوم شدند. از جمله اتهامات وارده به این کنشگران اتهام نخ‌نمای "اجتماع و تبانی" و "تبلیغ علیه نظام" است.

بحران زیست‌محیطی منحصر به ایران تحت

**سیطره رژیم اسلامی نیست؛ بحران زیست‌محیطی جاری که موجودیت بشر و کل حیات بر روی کره خاکی را به مخاطره انداخته است شکل مشخصی از بحران همه‌جانبه سیستم سرمایه‌داری و نتیجه بلافصل عملکرد سرمایه است. مبارزه برای حفظ محیط‌زیست مبارزه‌ای سیاسی و در ذات خود ضدسرمایه‌داری است.**

**بااین‌وجود به یمن مبارزات چندصدساله جنبش کارگری و چپ و دیگر جنبش‌های اجتماعی پیشرو انسان‌ها قادر به تحمیل برخی محدودیت‌ها بر سیستم سرمایه‌داری شده‌اند. تکنولوژی‌های "سبز" و "دوستدار محیط‌زیست"، انرژی‌های تجدیدپذیر و توسعه پایدار در صنایع و کشاورزی از جمله دست‌آوردهای حاصل از این مبارزات هستند.**

در جمهوری اسلامی اما کارکرد غیرمتعارف سرمایه که خود حاصل موجودیت بحران‌زای اسلام سیاسی و سیستم سیاسی برآمده از آن است منجر به بحرانی مزمن و به‌مراتب حادتر از خیلی از مناطق کره زمین در تمامی زمینه‌ها از جمله محیط‌زیست گشته است. اقتصاد دزدسالار مبتنی بر رانت‌خواری، زمین‌خواری، جنگل‌خواری و دریاخواری، عدم استفاده از دستاوردهای تکنولوژیک در زمینه محیط‌زیست، و متعاقب آن استفاده از تکنولوژی نازل در تمامی حوزه‌ها، بی‌برنامگی در سدسازی و استفاده از منابع آب زیرزمینی، استفاده بیش از اندازه از سوخت‌های فسیلی از جمله مازوت از جمله مهم‌ترین عوامل بحران زیست‌محیطی در ایران هستند.

**در رژیم اسلامی همه چیز برای‌خدا - سرمایه و نمایندگان ریزودرشت زمینی آن، از رهبر الدنگ تا آخوندهای میلیاردر و آقازاده‌ها است. از همین رو سرشت سیاسی مبارزه برای دفاع از محیط‌زیست و تداخل آن با جنبش زن زندگی آزادی به‌روشنی قابل رویت است. دشمنی جمهوری اسلامی با کنشگران محیط‌زیست نیز از این روست.**

**دفاع از محیط‌زیست و از کنشگران زندانی دفاع از خود زندگی است. مطالبه آزادی این کنشگران در بند جلادان اسلامی را در تمامی اعتراضات خود با فریادی رسا به گوش جهانیان برسانیم!**

# پشت‌صحنه استعفای ظریف

## کیوان جاوید

محمدجواد ظریف در دومین پیام استعفایش گفت: "در پی فشارهای مرتبط با دو تابعیتی بودن فرزندانش به این تصمیم رسیده است."

مشکلات دو تابعیتی بودن فرزندان ظریف دلیل فرعی برای این بیرون پریدن از کشتی سوراخ پزشکیان است. ظریف شامگاه یکشنبه و ساعاتی پس از معرفی فهرست دولت مسعود پزشکیان، تجربه ریاست شورای راهبری برای انتخاب کابینه را "پر از کاستی" توصیف کرد. اعتراض ظریف این است که تعداد زیادی از لیست بلندبالایی که

او تهیه کرده، رد شده و افراد دیگری در لیست پزشکیان قرار گرفتند که همسو با کابینه ابراهیم رئیسی هستند.

کسانی که پشت‌صحنه هر چیدمان سیاسی و هر موضع‌گیری در سیاست و جابه‌جایی نیروها را به‌درستی می‌بینند، طبعاً از استعفای ظریف نه‌تنها شوکه نشده‌اند؛ بلکه همین روزهای اختلاف و درگیری و بر سر هم کوفتن را در میان سران حکومت اسلامی به‌راحتی پیش‌بینی کرده‌اند. به‌عنوان نمونه حزب کمونیست کارگری با تحلیل دقیق از اوضاع سیاسی در ایران و صف‌بندی‌های مافیای درون حکومت به‌خوبی می‌دانست که از امامزاده پزشکیان انتظار معجزه‌ای نباید داشت.

انتخابات ریاست‌جمهوری دردی از حکومت درمان نخواهد کرد. رژیم قدرت بسیج اجتماعی ندارد. اختلافات درونی رژیم بیشتر از این حرف‌ها است که بتوانند اجماعی داشته باشند و برای کنترل جامعه اتحادی هر چند موقت در میان صفوف خود به وجود بیاورند. وقتی خامنه‌ای از مجلس خواست پشت سر دولت جدید به خط شوند و از این دولت حمایت کنند، گفتیم موقعیت رژیم حکایت آن اسب‌هایی است که در سربالایی از زور خستگی همدیگر را گاز می‌گیرند و به هم جفتک می‌پرانند.

ما گفتیم شرایط در جامعه انقلابی است. یعنی مردم در هر حرکت و اعتراضشان سرنگونی رژیم را در چشم‌انداز مبارزه خود قرار داده‌اند.

این نخواستن حکومت کلید همه درگیری‌ها و بحران‌های حکومت است. هیچ حکومتی نمی‌تواند مادام که اکثریت عظیم جامعه خواهان سرنگونی است، اتحاد و همدلی داشته باشد.

ظریف استعفا داد و این استعفاها و به جان هم افتادن‌ها به‌شدت اوج می‌گیرد، زیرا رژیم اسلامی از پسِ یک جامعه به‌شدت قطبی شده و سرنگونی‌طلَب بر نمی‌آید. اعتراضات هر دم رو به گسترش در ایران آینه تمام نمایی از واقعیت سیاسی در ایران است که پشت جمهوری اسلامی را می‌شکند. تقویت اعتراض متحدانه در یک سنگر مشترک برای آزادی و برابری رمز پیروزی ما و سرنگونی حکومت است.

# باغچه نیلوفر در قتلگاه اوین

## محسن ابراهیمی

**نقاشی زیبای ویدا ربانی از باغچه هواخوری زندان اوین را خوب نگاه کنید: سرشار از زیبایی، سرشار از شکوفایی، سرشار از امید به زندگی، سرشار از امید به پیروزی، سرشار از روحیه بلند یک زن برای زندگی و آزادی! این باغچه نمادی از خود انقلاب زن زندگی آزادی است که از قتلگاه اوین بر زندگی خیره شده است.**

**ویدا ربانی با سابقه چهار بازداشت، اکنون با دو پرونده در زندان اوین است. او که آخرین بار در مهرماه ۱۴۰۱، یعنی همان ماه اول انقلاب زن**

زندگی آزادی و در جریان اعتراضات سراسری بازداشت و به زندان منتقل شد، از پشت قفس اسلامی با این سخنان نقاشی خود را به تصویر کشیده است:

”این نقاشی رو از یه گوشه هواخوری بند نسوان کشیدم. بوته‌های رز توی باغچه اواسط خردادماه امسال... دقیقاً همین‌قدر پرگل بود، هیچ اغراق نکردم... این رزها رو چند سال پیش نیلوفر بیانی تو هواخوری کاشته، اصلاً بهش می‌گیم باغچه نیلوفر... تحصن و شب خوابیدن تو این هواخوری و سرود خوندن‌های دور هم تنفس آزادیه... مثل همون حس رهایی و ”ما“ شدن‌ها کف خیابون...
”

خالق این باغچه پرگل در زندان اوین، نیلوفر بیانی فعال محیط‌زیست است. فعال نجات کره ارض است که توسط قاضی فاسد و آدم‌خوار حکومت، قاضی صلواتی به "افساد فی‌الارض" محکوم شده بود.

اوین قتلگاه است. قتلگاه آزادی، اراده، زیبایی، انسانیت و آرزوهای بلند و انسانی است. باغچه نیلوفر در اوین، اما نمادی از زیبایی، آرزوهای بلند و انسانی، نمادی از امید و عزم و اراده میلیون‌ها ویدا و نیلوفر است که انقلاب زن زندگی آزادی را در کوچه و خیابان و مدرسه و دانشگاه و محل کار، در همه جای ایران در نبردی باشکوه با هیولای

حاکم به‌پیش برده‌اند. باغچه نیلوفر در درون قفس اسلامی، نمادی از باغ باشکوه انقلاب زن زندگی آزادی است که حتی زندان هم نتوانسته است و نخواهد توانست مانع شکوفایی‌اش شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۰۹

۱۵ آگوست ۲۰۲۴ – ۲۵ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره:سیاوش آذری

# در این شماره ژورنال:

**ژورنال و شبکه توزیع نشریه**

**کیوان جاوید**

**سرونازها عرصه را برای رژیم تنگ‌تر می‌کنند**

**عطیه نیک‌نفس**

**”فرار سرمایه“ یا دزدی‌های سیستماتیک**

**سینا پدرام**

**۱۵ آگوست وقتی که جهنم دهان باز کرد!**

**سیامک بهاری**

# ژورنال و شبکه توزیع نشریه

## کیوان جاوید

از زمان انتشار اولین شماره نشریه ژورنال در تاریخ ۱۶ دی‌ماه ۱۴۰۰(۶ ژانویه ۲۰۲۲) تا امروز ۳۸۰۰ یادداشت سیاسی در این نشریه روزانه منتشر شده است. مهم‌ترین مسائل جامعه را نسبتاً با سرعت پوشش داده، اعتراضات مردم را برجسته کرده و جواب مقامات رژیم را بلافاصله داده است.

این یک اقدام سیاسی مؤثر و یک فعالیت سازمان‌یافته است که تا امروز ادامه داشته و بی شک در مسیر حرکت خود گسترش نیز می‌یابد.

**ضرورت سیاسی انتشار یک نشریه سیاسی روزانه و جهت‌دار در دنیای سیاسی بر هیچ‌کس نباید پوشیده باشد. دنیای اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری سیاسی و خط و جهت‌دادن به فکر و عمل جامعه است. ژورنال یک پروژه مبارزاتی و یک نشریه برای سازماندهی است.**

**نشریه ژورنال روزانه به همت دوستدارانش به دست هزاران نفر در ایران می‌رسد و همین‌جا لازم است از دوستداران این نشریه که آن را دست‌به‌دست می‌کنند، به گروه‌های مختلف می‌فرستند و تیم‌هایی را برای این کار سازمان داده‌اند، صمیمانه قدردانی کنیم. این یک دلگرمی بزرگ برای دست‌اندرکاران و نویسندگان این**

نشریه است.

ما ضمن استقبالی که از نشریه شده است، اما هنوز راضی نیستیم. قصد داریم ابعاد پخش نشریه را با کمک شما بسیار گسترده‌تر کنیم. ما می‌خواهیم شهر به شهر تیراژ خوانندگان نشریه را گسترش دهیم تا ژورنال به یک ابزار مبارزاتی مردم هر شهر تبدیل شود.

در نتیجه دستمان را به‌طرف دوستداران نشریه دراز می‌کنیم. از شما که از نشریه خوشتان آمده کمک می‌خواهیم. انتظار ما این است که تک‌تک دوستداران این نشریه آن را به هر تعداد از دوستان و آشنایان که می‌شناسند بفرستند و

یا در گروه‌های مختلف منتشر کنند. همچنین تقاضا می‌کنیم که تعدادی شماره‌تلفن اطرافیان و همشهریانتان را برای ما بفرستند که ما خودمان مستقیماً نشریه را برای آنها ارسال کنیم. همچنین جمع‌ها و محافل خود را حول پخش ژورنال سازمان بدهید.

انتظار ما از دخالتگری در امر پخش نشریه به‌مراتب بیشتر است. در یک جامعه به‌شدت قطبی شده که در نبرد برای سرنگونی جمهوری اسلامی به سر می‌برد و در کشوری که دشمنان آزادی و برابری در برابر خوشبختی مردم صف کشیده‌اند، باید و می‌توان جنبش سرنگونی طلبی و انقلابی که با نام زن زندگی آزادی پا گرفته

است را تقویت کرد. به این منظور هر خواننده ژورنال مهم است:

-۱ نشریه را روزانه و منظماً به دست تعداد دیگری برساند و این کار را به‌عنوان یک فعالیت سیاسی در نظر بگیرد.

-۲ جمع‌های پخش نشریه را سازمان بدهد و فعالیت را از حالت انفرادی به عملی سازمان‌یافته و جمعی تبدیل کند. فعالیت جمعی یکی از مؤثرترین کارهای مبارزاتی علیه جمهوری اسلامی است و قدرت ما مردم را علیه جمهوری اسلامی ده‌ها برابر افزایش می‌دهد.

-۳ از شهر محل اقامت خود شماره‌های تماس تهیه و برای ما ارسال کنید به‌این‌ترتیب مشخص شود در هر شهر چند نفر نشریه ژورنال را دریافت

**می‌کنند.**

**-۴ راه تماس با ما آسان است. هر زمان سؤالی دارید یا برای پیشبرد فعالیت نیاز به هم نظری دارید لطفاً مستقیماً با ما تماس بگیرید.**

**در پایان تأکید می‌کنم که ژورنال فقط یک نشریه به‌منظور نبردی سیاسی و فکری و فرهنگی علیه دشمنان آزادی و انسانیت نیست. نشریه‌ای برای سازماندهی مبارزات روزمره نیز هست. با ما همکاری کنید.**

# سروناز‌ها عرصه را برای رژیم تنگ‌تر می‌کنند

## عطیه نیک‌نفس

”سروناز احمدی براثر حمله نیروهای امنیتی به اعتصاب زندانیان بند زنان دچار حمله عصبی، تشنج و انقباض شدید عضلانی شده و به تشخیص بهداری اوین، پنجشنبه گذشته به بیمارستان طالقانی اعزام شده بود. اما علی‌رغم تشخیص وضعیت بحرانی سروناز توسط پزشک معتمد قوه قضائیه رژیم ضابطین امنیتی اجازه استفاده او از مرخصی را ندادند، درحالی‌که سروناز یک‌سوم از محکومیت سه سال و نیمه خود را طی کرده و طبق قانون، امکان استفاده از مرخصی و آزادی مشروط را دارد! ”

**تنگنایی که رژیم اسلامی به‌واسطه مبارزات همه‌جانبه مردم در آن گیرکرده است، خلاصی ناپذیر است. به همین دلیل رژیم اسلامی هر روز وحشی‌تر می‌شود و با پا گذاشتن روی قوانینی که خودش صادر کرده، جنایت‌های بیشتری را رقم می‌زند.**

**محرومیت زندانیان سیاسی مثل سروناز احمدی از امکانات درمانی و مرخصی، فقط دست‌وپازدن در باتلاقی است که رژیم برای خودش ساخته و در نهایت هلاکتش را پیش رو دارد.**

**سروناز و دیگر زنان جسور و مبارز در زندان اوین با وجود دربند بودن به اجرای حکم غیرانسانی اعدام رضا رسایی اعتراض کردند و بار دیگر موج**

**اعتراض جهانی را علیه رژیم اسلامی کلید زدند.**

**همراه زنان در زندان اوین متشکل می‌شویم و نمی‌گذاریم سروناز‌هایمان را رژیم اسلامی ضدزن شکنجه کند. مرگ رژیم را به دست خودش هر چه نزدیک‌تر می‌کنیم.**

# "فرار سرمایه" یا دزدی‌های سیستماتیک

سینا پدرام

فرار سرمایه از ۱۱ به ۲۰ میلیارد دلار رسید. بر اساس گزارش بانک مرکزی و جداول این نهاد، خالص حساب سرمایه ایران در ۹ ماه اول ۱۴۰۲ به رکورد تاریخی منفی ۲۰ میلیارد و ۱۹۳ میلیون دلار رسیده است. رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران برای توصیف این پدیده قبلاً گفته بود که سرمایه "مانند گنجشک کنار پنجره است، با کوچک‌ترین هراسی پر می‌زند! "

در گزارش‌ها و آمار و ارقام بانک مرکزی علی‌رغم دست‌کاری‌های معمول حقیقتی نهفته است و در گفته رئیس سابق اتاق بازرگانی با تمام

”شیرین‌زبانی“ ذاتی این جماعت یک دروغ بزرگ.

از قرائن چنین بر میاید که هر چه عمر این رژیم ادامه پیدا می‌کند بر فلاکت اقتصادی افزوده می‌شود. این مهم‌ترین چیزی است که باید از این آمارها به دست داد. هر قلم جنسی را که در ایران ملاک قرار دهید، از خانه و آپارتمان گرفته تا نان خشک، ما با افزایش قیمت چندین ده‌درصدی فقط در یکی دو سال گذشته روبرو بوده‌ایم.

عدم موفقیت در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و عدم ادغام در اقتصاد جهانی از عمده دلایل ”عدم رشد“ اقتصاد ایران برشمرده می‌شود. فساد مالی و اداری، رانت‌خواری‌های میلیارددلاری را نیز به لیست بالا می‌توان اضافه کرد.

”عدم ثبات سیاسی“ آن دلیل اصلی پر زدن آن ”گنجشک“ موردنظر رئیس سابق اتاق بازرگانی است. رژیم اسلامی با تمام خفقانی که بر سر جامعه فرود آورده، هرگز نتوانسته به یک رژیم متعارف و ”قابل‌قبول“ برای جامعه و مردم تبدیل شود.

اما ”فرار سرمایه“ اسم بی‌محتوایی برای دزدی‌های سیستماتیک سران رژیم و سرمایه‌داران پاچه‌خوار بیت رهبری است. رانت‌خوارانی که به هر شکلی ثروت‌های تولید شده توسط مردم در ایران را می‌چاپند و در دبی و تورنتو و استانبول و غیره آپارتمان‌ها و خانه‌های چندین‌میلیون‌دلاری را خریداری کرده و با پول‌های بادآورده ”بیزینس“ می‌کنند.

کسی می‌تواند سرمایه را "فراری دهد" که ابتدا به این "گنجشک ترسو" دسترسی داشته باشد و چه کسی است که نداند که برخورداری از این نعمت فقط در امکان و اختیار سران رژیم و سرمایه‌داران مفت‌خور ایران است.

انقلاب بر علیه این رژیم اسلامی آن نقطه پایانی است که می‌تواند یک شروع نوین برای تمامی مردم ایران باشد. تمام قرائن بر آن است که چنین تحولی در ایران دور از انتظار نیست.

# ۱۵ آگوست وقتی که جهنم دهان باز کرد!
# به مناسبت سه‌سالگی حاکمیت امارت اسلامی طالبان

سیامک بهاری

جهان متمدن با بهت و حیرت به پروژه مخرب و مهیبی که با صرف هزینه بیش از دو تریلیون دلار، برای دست‌به‌دست شدن قدرت، برای خلق دوباره یک هیولای تروریستی در قامت امارت اسلامی طالبان به قیمت نابودی هرآنچه ارزش‌ها و ملاک‌های انسانی در یک جامعه است می‌نگرد. در سه‌سالگی خلق دوباره این هیولا، هر آنچه را که می‌شود سقوط، فاجعه، مصیبت، بدبختی

**و حرمان بی‌پایان خواند، یک جا در افغانستان دوچندان شد!**

**راهبرد این مهندسی نفرت‌آور توسط آمریکا، متحدانش و دولت‌های مرتجع منطقه با قربانی کردن زندگی میلیون‌ها زن و کودک و همه مردمی که بازیچه آن بودند اجرایی شد و نکبت امارت اسلامی بر سر مردم بی‌پناه افغانستان آوار شد.**

**در اولین روز بازگشت طالبان، زنانی شجاع و جسور بی‌محابا به خیابان‌های کابل و هرات و مزارشریف آمدند و فریاد آزادی سر دادند. جرقه‌ای که خرمن خشم جامعه و میلیون‌ها زن**

را شعله‌ور کرد.

”زنان حذف شدنی نیستند! ما به عقب برنمی گردیم! مرگ بر این جهالت! “ صدای در گلو خفه شده جامعه شد و خیابان‌ها را فتح کرد و نوید مقاومت داد! از اینجا به بعد، جبهه مقاومتی شورانگیز حدفاصل گذشته و آینده شد. جهان متمدن چهره دیگری از ایستادگی و حق‌خواهی بی‌سابقه زنان را دید که سد راه همه آن شناعتی گشته که می‌خواهد این هیولای تروریستی به رسمیت شناخته شود.

۷۰ فرمان از ۱۰۰ فرمان صادر شده توسط رهبر طالبان، مستقیماً آزادی، حقوق و زندگی روزمره

**زنان و دختران افغانستان را هدف گرفته است و از همه شئونات زندگی، از کار، اشتغال، تحصیل تا ازدواج و هر نقش و حضور اجتماعی محروم کرده است. یک آپارتاید جنسیتی نظام‌مند علیه زنان بر جامعه تحمیل شده است. هر نوع آزادی سیاسی و اجتماعی در امارت اسلامی طالبان ممنوع است و کل جامعه به گروگان گرفته شده است.**

**نهادهای بین‌المللی از وخیم‌تر شدن اضطراری، اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در افغانستان می‌گویند. رسماً اعلام شده است نیمی از مردم افغانستان گرسنه‌اند!**

**تطهیر و تعامل با طالبان، عملاً اقدامی جنایی علیه مبارزات مردم و به‌ویژه زنان افغانستان است. مردم مبارز افغانستان و ایران که علیه حاکمیت‌های اسلامی مبارزه می‌کنند، باید بیشتر از هروقت دیگر برای اتحاد و همبستگی خود علیه دشمن مشترک تلاش کنند!**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۱۰

۱۷ آگوست ۲۰۲۴ – ۲۷ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

**پاسخ پرستاران به مهلت سه‌ماهه دولت**

شهلا دانشفر

**گرانی نان و بازی با کارت سوخته جنگ**

کیوان جاوید

**دولت متخاصم یعنی چه و جاسوس واقعی کیست؟**

اصغر کریمی

**علم‌الهدی و تغییر سبک منبر**

منظر دریاکناری

# پاسخ پرستاران به مهلت سه‌ماهه دولت

## شهلا دانشفر

نزدیک سه هفته از اعتصابات گسترده پرستاران می‌گذرد. این اعتصابات در متن فضای انقلابی جامعه توجه وسیعی جلب کرده است. حکومت نیز بشدت وحشت کرده و با تشبثات بسیار، از وعده وعید و تفرقه‌افکنی گرفته تا تهدید و سرکوب، می‌کوشد صف اعتراض پرستاران را در هم بشکند. پرستاران نیز ایستاده و پیگیر خواست‌هایشان هستند. شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران طی بیانیه‌ای تحت عنوان "پاسخ ما به مهلت سه‌ماهه!" جواب محکمی به سازمان پرستاران و مسئولین وزارت بهداری و

تقلاهای نخ‌نمای آنها داده و می‌نویسند: ”صحبت از تعیین مهلت سه‌ماهه برای پیگیری مطالبات پرستاران و کادر درمان شده است، درحالیکه بسیاری از مطالبات ما قابل‌پیگیری فوری است و احتیاج به سه ماه فرصت ندارد. ما ازاین‌دست وعده‌ها کم نشنیدیم که تنها در برابر مبارزات پیگیر ما وعده‌های نامشخص داده شده و بعد دوباره جوابی ندیدیم.“

”چرا سه ماه فرصت؟ درحالیکه می‌توانند فوراً طی ابلاغ رسمی تمام نیروهای اخراج شده دوره کرونا را به کار بازگردانند و نیروهای شرکتی به وضعیت رسمی تغییر کنند تا کمبود فاحش پرستار و فشار مضاعف بر پرستاران شاغل کمتر

شود. ”

”چرا سه ماه فرصت؟ درحالیکه می‌توانند فوراً ابلاغ کنند که اضافه‌کاری اجباری متوقف می‌شود، و مبلغ حق‌الزحمه هر یک ساعت اضافه‌کاری پرسنل پرستاری اعم از کمک بهیار، بهیار و پرستار، فارغ از نوع رابطه سازمانی با دانشگاه‌ها (رسمی، پیمانی، قراردادی، طرحی، شرکتی و....)، به هر ساعت حداقل ۱۰۰ هزار تومان افزایش خواهد یافت.“

”چرا سه ما فرصت؟ درحالیکه می‌توانند فوراً اعلام کنند مبالغ ناچیز حقوق اضافه‌کاری ما از مالیات معاف گردد و مبالغ معوقات اضافه‌کاری

ما پرداخت شود. معوقاتی که همان مبلغ ناچیز اضافه‌کاری ۲۰ هزارتومانی را هم پرداخت نکردند و بسیاری از مطالبات ما که احتیاج به مهلت سه‌ماهه ندارد.“

در این بیانیه هرگونه برخورد امنیتی محکوم و بر مطالبات فوری تأکید شده است. اعتصابات پرستاران به وخامت وضع معیشتی و سختی کار و استاندارد پایین درمان است و در کنار اعتراضات در نفت، واگن پارس، تجمعات اعتراضی بازنشستگان و فضای انقلابی جامعه حرکتی بسوی اعتصابات سراسری است. شعار ”فقر، فساد، گرانی، میریم تا سرنگونی“ حلقه اتصال همه این اتفاقات است.

از پرستاران حمایت کنیم.

# گرانی نان و بازی با کارت سوخته جنگ

کیوان جاوید

در روزهای پایانی دولت ابراهیم رئیسی قیمت نان در بیش از ۱۰ استان افزایش یافت و این روند افزایش قیمت نان با روی کار آمدن دولت پزشکیان با سرعت ادامه دارد.

روند افزایش قیمت‌ها و پایین آوردن منظم دستمزدها یک سیاست عمومی ریاضت اقتصادی در ایران است؛ سیاستی که یک رکن اصلی نظام سرمایه‌داری هم هست. در ایران این سیاست ثابت و شناخته شده سیستم ریاضت اقتصادی نظام سرمایه‌داری را ضربدر مافیای غارتگرِ

تنیده در ساختار حکومتی کنید تا عمق فاجعه نمایان‌تر شود. فقر و فلاکت اقتصادی خانه‌خرابی مزدبگیران و بیکاران بازگوکننده همه واقعیت در ایران نیست. میلیاردر شدن اقلیتی ناچیز با کمک دستگاه سرکوب تصویر دیگری از زندگی در ایران است.

همه دولت‌ها در چنین شرایطی با ترفندهای متفاوت تلاش می‌کنند ذهن مردم را از روی مسائل اصلی منحرف کرده تا بدون مقاومت اجتماعی به اهداف خود دست پیدا کنند. یکی از این راه‌ها، مهاجر ستیزی است. همیشه آن کسانی که "شغل و دستمزد کارگران وطن را می‌دزدند" خارجی هستند. در ایران مهاجرین افغانستانی

در کشورهای دیگر مهاجرین دیگر.

یک راه دیگر تراشیدن دشمن خارجی است. هر زمان که حکومت‌ها قصد دارند راحت‌تر به معیشت مردم حمله کنند همیشه یک دشمن در ورای مرزها هست که امنیت و "تمامیت ارضی مام وطن" را تهدید کند و در این شرایط همه حواس باید متوجه دشمن خارجی باشد.

امروز در ایران به‌موازات غارت هر چه بیشتر زندگی مردم، ترس از جنگ با کوبیدن به طبل جنگ علیه اسرائیل و "خطر جنگ" توسط رژیم و ایجاد فضای امنیتی در ذهن مردم برجسته می‌شود. اما جمهوری اسلامی در این عرصه

نیز شکست خورده است. مبارزه برای بالارفتن دستمزدها، مبارزه علیه فقر، مبارزه سیاسی و فرهنگی و مبارزه زنان علیه حجاب و علیه اعدام در ایران و ده‌ها مبارزه ریزودرشت اجتماعی دیگر واقعیت نبرد روزانه مردم با حکومت است. ما بارها گفته‌ایم رژیم اسلامی توان جنگیدن با اسرائیل و هیچ کشور دیگری را ندارد و کوبیدن بر طبل "انتقام سخت" و ایجاد توهم جنگ در میان مردم بی‌تأثیر است. جنگ مردم با حکومت و جنگ حکومت با مردم، اما با قدرت در جریان است. این تنها نکته مهمی است که باید همه ما مردم بر آن متمرکز شویم.

# دولت متخاصم یعنی چه و جاسوس واقعی کیست؟

اصغر کریمی

دادگاهی در روسیه سِنیا کارلینا، دو تابعیتی روسی-آمریکایی را به اتهام "خیانت بزرگ" به ۱۲ سال زندان محکوم کرد. در حکم دادگاه آمده که کارلینا در سال ۲۰۲۲ حدود ۵۱ دلار آمریکا (۴۷ یورو) به یک سازمان امداد برای اوکراین کمک مالی کرده است.

روز ۳۰ مهر ۱۴۰۲ ابوالقاسم صلواتی الهه محمدی را به اتهام همکاری با دولت متخاصم آمریکا به شش سال حبس، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت کشور به پنج سال حبس

و به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی به یک سال حبس محکوم کرد. این دو خبرنگار ده ماه بعد در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۴۰۳ از اتهام "همکاری با دولت خارجی متخاصم آمریکا" تبرئه شدند.

فرض کنیم که این اتهامات در دادگاه‌های جمهوری اسلامی و روسیه ثابت شده‌اند و این سه نفر با دولت متخاصم همکاری کرده باشند. فرض کنیم که در ایران روزنامه‌نگاران و وکلا و زندانیان سیاسی و زنان بی‌حجاب و آنها که ماهواره نگاه می‌کنند و کلا هر کس اعتراض می‌کند، با دولت‌های متخاصم همکاری کرده است. اولین سوال این است که چرا همکاری با

## دولت متخاصم جرم است؟

دولت‌ها انتظار دارند مردم با آنها همکاری کنند و همکاری با دولت دیگر را، که با آن به هر دلیل مشکل دارند و متخاصم می‌دانند، جرم، آنهم یکی از بزرگترین جرم‌ها به شمار می‌آورند. صورت مساله اما از نظر مردم متفاوت است. مردم در این فرضیه حکومت‌ها شریک نیستند چرا که حکومت‌ها، در اکثر قریب به اتفاق کشورها، نماینده مردم آن کشور نیستند، نماینده اقلیتی استثمارگر و سرکوبگر مردم همان کشور هستند. یعنی مردم و دولت‌ها در این کشورها در خصومت با هم به سر میبرند نه با دوستی با هم و در نتیجه ازنظر مردم بزرگترین جرم همکاری با

دولت خودی است نه الزاما با دولتی که با دولت حاکم بر کشورشان خصومت دارد. در نتیجه از نظر اکثریت مردم جهان، جاسوسی علیه مردم برای حکومت "خودی" قبیح است.

در ایران نیز متخاصم‌ترین دولت از نظر مردم خود جمهوری اسلامی است. از نظر اکثریت مردم ایران، اولین جرم همکاری با همین حکومت متخاصم، با سپاه و وزارت اطلاعات و شکنجه گران و سایر سرکوبگران است. جاسوسان واقعی نیز مزدورانی هستند که توسط حکومت علیه مردم و به منظور سرکوب مردم سازمان داده شده‌اند و شب و روز علیه مردم مشغول جاسوسی هستند.

# علم‌الهدی و تغییر سبک منبر

## منظر دریاکناری

احمد علم‌الهدی امام‌جمعه مشهد و نماینده خامنه‌ای در خراسان رضوی گفت: "دیگر نمی‌شود به سبک قدیم منبر رفت و دیگر نمی‌توان با بیان صرف روایات مردم را پای منبر جذب کرد."

اینها تحلیل و تفسیر متفکرین ضداسلامی – ضد مذهبی نیست که با موشکافی فکری – فرهنگی و بررسی ساختارهای جامعه و عملکرد رفتاری مردم به این نتیجه رسیده‌اند که دوران اسلام و ارتجاع ضدبشری اسلامی در ایران به پایان رسیده است؛ این حرف‌های منصور حکمت، لیدر و بنیان گذار

**حزب کمونیست کارگری نیست که مذهب‌زدایی را به بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزه سیاسی و حزبی جامعه تبدیل کرده است. این اعتراف علم الهدی است که در رأس حکومت اسلامی قرار دارد؛ مرتجع تهی‌مغزی که بر کوهی از ثروت تکیه زده است.**

**اسلام در ایران طی بیش از هزار سال گذشته هرگز چون امروز در بحران قرار نگرفته بود. هر چه بود حاکمیت فکری و معنوی مشتی مفت‌خور غرق در خرافات بود که باتکیه‌بر ناآگاهی و جهل عمومی، می‌چرخید و کثافت می‌پراکند اسلام در ایران هرگز (با چند استثنا) توسط جنبش‌های روشنفکری ضد دین مورد هجوم وسیع قرار نگرفته**

**است. آنچه که ماهیت اسلام را در ابعاد اجتماعی جلوی چشم توده مردم قرار داده حاکمیت این اوباش ضد شادی – ضد زندگی است. حاکمیت هیولای ضد زن که مرگ و سود اندوزی کسب کارشان است.**

**با اقرار صریح علم الهدی دیگر نمی‌شود با داستان شهادت امام حسین و دو طفلان مسلم و حکایت پرواز خر دجال و غیبت ۱۴۰۰ساله "امام مهدی" بر سر مردم شیره مالید. اسلام در ایران به پایان رسیده است. این روند فروپاشی اسلام و مذهب را باید با قدرت و هدفمند تسریع کرد. روشنفکران و متفکرین جنبش ضداسلامی – ضد مذهبی باید در نقد ریشه‌ای این ارتجاع سازمان‌یافته دولتی**

**نقش مؤثرتری بازی کنند. احزاب و سازمان‌های سکولار باید مذهب‌زدایی از جامعه را در پلتفرم سیاسی خود وارد کنند.**

**جنبش کمونیسم کارگری از بدو به‌قدرت‌رسیدن جمهوری اسلامی در همین راستا مبارزه فکری و سیاسی و حزبی منسجمی را به‌پیش برده است. اسلام و مذهب، هم بعنوان یک ایدئولوژی و هم بعنوان سازمان مافیایی در قدرت باید بساطش را از جامعه جمع کند. ریشه‌کن‌کردن مذهب، کار ما مردم است. هر فرد در ایران می‌تواند نقش مؤثری در مذهب‌زدایی داشته باشد. احزاب و جنبش‌ها و اشخاص سازوکار با مذهب را طرد و منزوی کنیم.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۱۱

۱۸ آگوست ۲۰۲۴ – ۲۸ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

حمایت همه‌جانبه از پدری دادخواه و محبوب

عبدل گلپریان

رادان و پایان محتوم قوانین رژیم اسلامی

سیاوش آذری

قطع برق، آفتابه کجاست

کیوان جاوید

اعتصاب یک میلیون کادر درمانی در هند

سینا پدرام

پرستاران شهر به شهر در حال پیوستن به اعتصاب‌اند

حزب کمونیست کارگری ایران

# حمایت همه‌جانبه از پدری دادخواه و محبوب

## عبدل گلپریان

شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری شهرستان نظرآباد روز پنج‌شنبه ۲۵ مرداد ماشاءالله کرمی را به اتهام "مشارکت در پول‌شویی" به هفت سال و هشت ماه حبس و به اتهام "تحصیل مال از طریق نامشروع" به چهارده ماه حبس محکوم کرده است. او همچنین به پرداخت "۱۹ میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال" جزای نقدی و مصادره اموال از جمله منزل و خودرو شخصی محکوم شده است. این شعبه اعلام کرده است که کمک‌های مردمی به این پدر دادخواه را "تحصیل مال نامشروع" و "مشارکت در پول‌شویی" بوده و علیه برخی از افرادی که

به او کمک مالی کرده‌اند، مجازات‌هایی در نظر گرفته است.

حاکمان اسلامی در حالی این اتهامات را به ماشاءالله کرمی نسبت می‌دهند که او به پدری دادخواه، محبوب، شجاع و با استقامت در برابر قاتلان فرزندش و قاتلان جوانان معترض تبدیل شده است. کار به دستان بیدادگاه‌های رژیم وحشت‌زده و هراسناک از فضای ملتهب و اعتراضی جنبش سرنگونی‌طلبانه مردم و در وحشت از موج خروشان مردم در سالروز انقلاب زن زندگی آزادی دچار هذیان‌گویی شده‌اند.

در جامعه‌ای انقلابی که در شهریور ۱۴۰۱ تلاش

کرد با انقلاب باشکوه خود بساط نکبت اسلامی را به زباله‌دان بریزد، این اتهامات علیه شخصیت‌های محبوب و علیه خانواده‌های دادخواه، بر محبوبیت آنان می‌افزاید.

پولشویان واقعی و مصادره‌کنندگان اموال مردم باندهای حکومت اسلامی هستند که بر اساس قوانین ضدانسانی خود تحت عناوین مختلف، پدری دادخواه و معترض را می‌خواهند به‌زانو درآورند. قاتلان اسلامی خیال می‌کنند با این اتهامات رنگ‌باخته می‌توانند شخصیتی مبارز، معترض و پدری دادخواه را بشکنند. آنچه که حاکمیت علیه ماشاءالله کرمی و دیگر خانواده‌های دادخواه اعمال می‌کند نتیجه‌ای جز خشم، نفرت

و اعتراض عمیق از جانب مردم مبارز به دنبال نخواهد داشت.

مردم سرنگونی‌طلب این سناریوهای مسخره و تاریخ مصرف گذشته را تجربه کرده‌اند و یاوه‌گویی‌های نهادهای سرکوب قضایی را ناشی از سردرگمی، استیصال و درماندگی حاکمان اسلامی که در منگنه اعتراضات هر روزه بازنشستگان، معلمان، کارگران، زنان و اعتصاب پرستاران قرار گرفته‌اند ارزیابی می‌کنند. مردم حمایت همه‌جانبه خود از پدری دادخواه و حمایت خود از تمامی دادخواهان را با تداوم اعتراض و مبارزه هر روزه‌شان علیه قاتلان اسلامی پاسخ خواهند داد.

# رادان و پایان محتوم قوانین رژیم اسلامی

## سیاوش آذری

رادان، فرمانده کل نیروهای انتظامی رژیم، روز شنبه ۲۷ مرداد گفت که طرح "نور" قانون است و پلیس مجری قانون. او همچنین افزود: "ریاست محترم جمهوری به‌شدت به اجرای قانون علاقه‌مند هستند و در صحبتی که با همدیگر داشتیم، ایشان قانون را ملاک خودشان می‌دانند و بایستی مسیر را دنبال کنیم."

رادان این سخنان را در حالی بیان می کند که خاتمی که از هواداران طیف مرده اصلاح‌طلبان هوادار پزشکیان است گفته بود که پزشکیان مسلماً در

مقابل‌طرح‌نورخواهدایستاد.اتفاقات‌روزهای‌جاری، از جمله ضرب و شتم دو دختر نوجوان در تهران و شلیک به آرزو بدری به‌خاطرنداشتن روسری که منجر به مصدومیت شدید و بستری‌شدن وی در بیمارستان گشت، نشان‌دهنده "حقانیت" سخنان رادان در قبال سیاست مدنظر دولت پزشکیان در این مورد است.

اما نکته مهم‌تر وضعیت "نه راهی به پس و نه راهی به‌پیش" جمهوری اسلامی در قبال حجاب اسلامی و به انقیاد کشیدن بیشتر زنان است که در این بیانات متقابل موج می‌زند. هم رادان و هم خاتمی به اشکال گوناگون معترف به عدم تمکین زنان با حجاب اجباری در سطح کلان و زیر پا گذاشته شدن قوانین ضدزن و ضدانسانی رژیم اسلامی

در فکر چاره‌ای برای حفظ موجودیت جمهوری اسلامی در مقابل خشم انقلابی مردم به‌ویژه زنان هستند و به این اعتبار هر دو طرف به یک اندازه "قانون‌مدار".

اما مردم نه با عقب‌نشینی بیشتر رژیم در قبال "حجاب و عفاف" به ادامه حیات رژیم اسلامی رضایت می‌دهند و نه با خط و نشان کشیدن‌های امثال رادان از سر ترس از موضع خود عقب می‌نشینند. مردم و پیشاپیش آنان زنان در جنگی نابرابر اما به شکلی قهرمانانه رژیم اسلامی را به‌زانو در آوردند و خاکریز حجاب را تسخیر نمودند. هدف بعدی به زیر کشیدن کلیت جمهوری اسلامی، شکستن کامل دستگاه دولتی و الغای تمامی قوانین رژیم و دستگیری و محاکمه عادلانه تمامی آمران و

**عاملان ریزودرشت حکومت الله در دادگاه‌های صالحه مردمی است.**

**مردم در کمین‌اند. رادان و خاتمی و پزشکیان و دیگر همپالگی‌هایشان این را خوب می‌دانند. یادآوری قانونشان به یکدیگر از این روست. اما کور خوانده‌اند؛ کشتی رژیمشان به صخره انقلاب برخورده و سوراخ شده است و هیچ‌کس حتی خود الله یارای نجاتشان نیست.**

# قطع برق، آفتابه کجاست

## کیوان جاوید

مهدی بستانچی، رئیس شورای هماهنگی شهرک‌های صنعتی، خبر داد که شرکت برق استان تهران به کارخانه‌های شهرک‌های صنعتی در این استان اطلاع داده است برق آنها در شیفت شب قطع می‌شود.

محمد بحرینیان، از صاحبان صنایع در مشهد، گفته بود که مقام‌های این شهر با ارسال بخشنامه، از مدیران همه کارخانه‌ها خواسته‌اند تا به مدت دو هفته واحدهای خود را از هفت صبح تا هفت بعدازظهر تعطیل کنند.

متنی در مدیای اجتماعی با این مضمون در

گشت‌وگذار است که دقیقاً کل فلسفه وجودی جمهوری اسلامی را به بهترین شکل ممکن بیان می‌کند:

داداش واکسن‌ها را تولید کردی

آمریکا را هم تحریم کردی

اسرائیل را نابود کردی

فلسطین را آزاد کردی

اقتصاد اول منطقه شدی

همه ارتش‌های جهان را خفه کردی

کارت تموم شد برق رو وصل کن ببینم آفتابه کجاست!

این آینهٔ تمام نمایی از زندگی ما است. حکومتی با ادعاهای بزرگ و البته توخالی. اینها البته صرفاً ادعاهای پوچ مشتی روان‌پریشی نیست که سران

جمهوری اسلامی به آن دچار شده‌اند. آن داستان مبارزه با "شیطان بزرگ" و "محو اسرائیل" عمدتاً مصرف داخل کشوری دارد تا به این وسیله هر اعتراضی را سرکوب کنند و مردم را بخاطر مبارزه برای دست‌یافتن به یک زندگی بهتر راحت‌تر به بند کشیده و شکنجه و اعدام کنند.

کشوری بااین‌همه ذخایر عظیم مادی و طبیعی اگر در خدمت مردم می‌بود، می‌شد زیباترین و مرفه‌ترین جوامع بشری را در آن ساخت؛ کشوری که اگر به دست مشتی دزد و جلاد به یغما نمی‌رفت می‌شد تصور کرد خبری از فقر و گرسنگی در آن نبود و امکانات تحصیلی و درمانی و تفریحی می‌توانست حق همگان باشد.

در اینکه برق قطع می‌شود و نان گران می‌گردد، کارگر دستمزدی چندین برابر خط می‌گیرد و در کشوری که حاکمان جلادش حق پرستاران و بازنشستگان را بالا می‌کشند و بیکاران در باتلاق فلاکت اقتصادی فرورفته‌اند یا در کشوری که بخاطر تحمیل حجاب اجباری جان زنان را می‌گیرند؛ آری چنین حکومتی که جرثومه فساد است، باید به حکم یک جامعه تشنه آزادی و برابری و رهایی فقط سرنگون شود. این حکم مدت‌ها است که توسط مردم صادره شده است. اجرای این حکم اجتماعی بی‌شک رژیم را به زیر می‌کشد.

# اعتصاب یک میلیون کادر درمانی در هند

سینا پدرام

در پی تجاوز و قتل یک زن پزشک ۳۱ساله در یکی از بیمارستان‌های کلکته واقع در بنگالی غربی، اعتصاب عمومی بیمارستان‌ها در سراسر هند روز یکشنبه ۲۷ مرداد آغاز شد و این اعتصاب تا امروز نیز ادامه دارد. به گزارش خبرگزاری‌ها یک میلیون پزشک و کادر درمان در سراسر بیمارستان‌های هند به این اعتصابات پیوستند. این اعتصاب سیستم بهداشتی کشور را برای یک روز فلج کرد.

این تجاوز و قتل فجیع، مشکلات وسیعی که کادر درمانی بیمارستان‌های هند با آن مواجه هستند

را بار دیگر نمایان کرد. این جنایت همچنین، موضوع امنیت جانی و ایمنی محیط بیمارستان‌ها در هند را برجسته کرد. درعین‌حال موضوع عدم امنیت زنان به شکل گسترده‌ای در رسانه‌های عمومی موردتوجه قرار گرفت.

در اعتراضات دیروز هند، فقدان مکان‌های استراحت با ایمنی کافی برای کادر درمانی به‌ویژه در شیفت‌های شب، خشونت جسمی و کلامی بر علیه پزشکان و کادر درمانی از سوی بستگان بیماران، عدم روشنایی کافی در گذرگاه‌ها و بخش‌های مختلف بیمارستان و کوچه و محلات، ضعف قوانین پیشگیرانه آزارهای جنسی در محیط کار و غیره جزو لیست مطالبات معترضین بود.

آنچه که در محیط‌های بیمارستانی در حال اتفاق است فقط نمونه بسیار کوچکی است از وضعیت تبعیض‌آمیز و پرمخاطره برای زنان در محیط‌های کاری مختلف و موقعیت نابرابر زنان در هند که از آن به‌عنوان "بزرگ‌ترین دمکراسی" جهان یاد می‌شود.

تبعیض بر علیه زنان و کودکان، تحقیر زنان و توجیه مذهبی، اخلاقی و فرهنگی این تضییقات و نابرابری‌ها هدفی جز پایین نگه‌داشتن معیشت و ایجاد یک ارتش کار ارزان، تحقیر و تحمیق شده و ساکت ندارد. سیاست تبعیض سیستماتیک، اشاعه فرهنگ ضد زن، تبلیغ مردسالاری و ناسیونالیسم مذهبی، ایجاد و ترغیب اختلافات قومی و مذهبی در کشوری که ادعای "پیشرفت‌های اقتصادی"

غول‌آسایی دارد و به "بزرگ‌ترین دمکراسی" جهان مشهور است در واقع چیزی جز سیاست سرکوب برای ایجاد محیط امن برای سرمایه‌داران و میلیاردرهای یک‌درصدی نیست. تبعیض علیه زنان، تحقیر، کتک‌زدن و تجاوز جنسی علیه زنان از آسمان نازل نشده است، محصول همین نظام حاکم بر جهان است. تبعیض علیه زنان، تحقیر، کتک‌زدن و تجاوز جنسی علیه زنان از آسمان نازل نشده است، محصول همین نظام حاکم بر جهان است. مهار یا کم‌شدن دامنه تبعیض علیه زنان اما مستقیماً با مبارزه متشکل و سازمان‌یافته به‌دست‌آمده است.

# پرستاران شهر به شهر
# در حال پیوستن به اعتصاب‌اند
## حزب کمونیست کارگری ایران

**پرستاران شهر به شهر در حال پیوستن به اعتصاب‌اند**

**حقمونو نگیریم شیفتمونو نمیریم. این یکی از شعارهای پرستاران اعتصابی در مشهد است که امروز در بیمارستان‌های امام‌رضا، قائم و اکبر وارد اعتصاب شدند. پرستاران بیمارستان یاسوج و اراک نیز از امروز اعتصاب را شروع کردند و دامنه اعتصاب‌ها گسترش بیشتری یافت. در روزهای گذشته پرستاران بیمارستان‌های اقلید، نیریز، داراب**

و فقیهی شیراز نیز اعتصاب را شروع کردند.

پرستاران می‌گویند حاضر به بردگی نیستیم و این حقوق ناچیز را نمی‌پذیریم. حقوقمان باید به طور قابل‌ملاحظه‌ای افزایش یابد. می‌گویند در دوران کرونا جنگیدیم اکنون گرفتار کرونای بی‌عدالتی و تبعیض شده‌ایم. شعار اتحاد می‌دهند و می‌گویند تا به خواست‌هایمان نرسیم دست از اعتصاب برنمی‌داریم. می‌گویند از تهدید و وعده‌های توخالی دست بردارید و فوراً به خواست‌هایمان رسیدگی کنید. خواست‌های فوری پرستاران:

- پایان‌دادن به اضافه‌کاری اجباری و افزایش حق‌الزحمه اضافه‌کاری داوطلبانه تا حداقل صدهزار تومان برای کمک بهیار، بهیار و پرستار، فارغ از

نوع رابطه سازمانی با دانشگاه (رسمی، پیمانی، قراردادی، طرحی، شرکتی و....)

- تغییر در روش اجرای قانون تعرفه‌گذاری به‌گونه‌ای که دریافتی هر پرسنل پرستاری حداقل ۴ برابر دریافتی کنونی باشد

- تبدیل کلیه قراردادهای شرکتی و قراردادی و طرحی به قرارداد مستقیم و رسمی

- امتیاز و نحوه محاسبه آیتم فوق‌العاده سختی شرایط کار، در احکام حقوقی بایستی به‌گونه‌ای تغییر یابد که هر پرسنل پرستاری حداقل ۴ برابر میزان کنونی دریافت نماید

- اجرای کامل و بدون قید و شرط قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان‌آور با ۲۰ سال سابقه و ۳۰ روز حقوق جهت پرستاران بدون شرط سنی و پرداخت مابه‌التفاوت درخواستی بیمه‌ها از سوی دانشگاه

- اجرا و صدور احکام فوق‌العاده خاص پرسنل پرستاری با ضریب ۳ و تعیین دقیق منبع مالی آن از سوی مجلس و سازمان برنامه‌وبودجه جهت تمام پرسنل پرستاری کشور
- بازگرداندن پرستاران اخراجی در دوره کرونا و سایر پرستاران اخراجی
- بهبود استانداردهای نازل بهداشت و درمان
- پایان‌دادن به تهدید پرستاران اعتصابی

حزب کمونیست کارگری از اعتصاب سراسری و گسترده پرستاران قاطعانه پشتیبانی می‌کند، پرستاران و کلیه کادر درمان در همه شهرها را فرامی‌خواند تا با پرستاران اعتصابی همراه شوند. حزب از همه مردم، از کارگران و بازنشستگان، معلمان و دانشجویان، فعالین حقوق زن و کلیه

**تشکل‌های مردمی می‌خواهد از مبارزه پرستاران و خواست‌های بحق آنها و خواست درمان رایگان و باکیفیت برای همه مردم فعالانه پشتیبانی کنند. مطالبات پرستاران مطالبات همه مردم ستمدیده است.**

**حزب کمونیست کارگری ایران**

**۲۷ مرداد ۱۴۰۳، ۱۷ اوت ۲۰۲۴**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۱۲

۱۹ آگوست ۲۰۲۴ – ۲۹ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

## در این شماره ژورنال:

مریم و گل‌رخ: برای لغو اعدام هم‌پیمان شده‌ایم

سهیلا دالوند

جان آرزو بدری در خطر است

رضا درویش

پزشکیان در میان دو علی

محسن ابراهیمی

تجمعات بازنشستگان در شوش، کرمانشاه، اصفهان

حزب کمونیست کارگری ایران

# مریم و گل‌رخ: برای لغو اعدام هم‌پیمان شده‌ایم

## سهیلا دالوند

مریم یحیوی زندانی سیاسی روز یکشنبه ۲۸ مرداد در نامه‌ای با تأیید هجوم ضرب و شتم زنان زندانی معترض به اعدام رضا رسایی توسط گارد حفاظت زندان اوین نوشت: "گارد زندان اوین زورشان را در بازوهایشان جمع کردند و بر سر و جان زندانیان نشاندند"، "آن‌ها نمی‌دانند که ما در شبی که ماه از نیمه گذشته بود، دست در دست هم زیر سایه‌های تپه‌های اوین که سال‌ها ناظر و شاهد تیرباران و اعدام بهترین‌های این سرزمین بودند، هم‌پیمان و هم‌قسم شده‌ایم که تا لغو حکم اعدام مقاومت و ایستادگی کنیم."

گل‌رخ ایرایی هم در نامه‌ای علیه اعدام می‌نویسد:
”برای مخالفت با اعدام باید از سؤال همیشگی، چه‌کار کرده بود، در مورد محکومینِ به مرگ عبور کنیم. اگر اعدام را محکوم می‌کنیم، نباید به دنبال چراییِ محکومیتِ اویی باشیم که به قتلگاه برده می‌شود. برای لغو حکم اعدام، باید بتوانیم پیش از برانگیخته‌شدن هر تصوری در ذهنمان صدور این حکم را برای هر فردی که عملی حتی مجرمانه از او سرزده است و در دورترین نقطه از ما ایستاده است و هیچ همسویی و اشتراکی با ما ندارد را نیز محکوم کنیم.“

اعتراض مریم و گل‌رخ علیه اعدام از بندی آمده است که پخشان عزیزی، همبندشان محکوم به

اعدام شده است و وریشه مرادی و نسیم سیمیاری با اتهام بغی با خطر حکم اعدام روبروهستند.

طی ماه‌های گذشته زنان زندانی و دیگر زندانیان با تحصن، اعتصاب و نامه‌ها و برگزاری سه‌شنبه‌های اعتراضی که با پیوستن ۱۸ زندان در سراسر کشور به این سه‌شنبه‌ها گسترش یافته است، بارهاوبارها به مجازات اعدام، این قتل حکومتی اعتراض کرده‌اند. گل‌رخ و مریم در نامه‌هایشان خطاب به مردم خواسته‌اند که مخالفت آنها با اعدام مانند زنان زندانی سیاسی و زندانیان ۱۸ زندان دیگر یک ضرورت است.

همانطور که گل‌رخ می‌گوید: "باید از هر جایگاهی

که هستیم، به‌عنوان فعال سیاسی، منتقد یا مخالف و حتی شهروندی که خود را غیرسیاسی خطاب می‌کند، این حکم را از هر مکتبی که صادر شده باشد، محکوم کنیم و با آن به مخالفت آشکار برخیزیم.“

در دفاع از زندگی، باید با همبستگی و اتحاد علیه مجازات شنیع اعدام به میدان آمد و اجازه نداد که حکومت اسلامی زندگی انسان‌ها را به چوبه‌های دار آویزان کند.

# جان آرزو بدری در خطر است

## رضا درویش

آرزو بدری، مادر و سرپرست دو فرزند که توسط نیروی انتظامی از ناحیه کمر مورد اصابت گلوله قرار گرفته، همچنان تحت تدابیر شدید امنیتی در بخش آی‌سی‌یو در بیمارستان ولی‌عصر تهران بستری است.

برطبق گزارش رسانه‌ها، مأموران اطلاعات وارد بیمارستان شده‌اند تا آرزو را که حتی قادر به نشستن و یا غذاخوردن نیست و به‌سختی نفس می‌کشد وادار به اعتراف اجباری کنند. آرزو و خانواده‌اش تهدید شده‌اند که اگر همکاری نکنند

هزینه بیمارستان به عهده خودشان است و حتی پرونده سیاسی برایشان تشکیل می‌شود. این در حالی است که خانواده آرزو در اعتراض به آسیبی که به دخترشان وارد شده شکایت کرده‌اند و از نحوه رسیدگی به شکایتشان رضایت ندارند.

نیروی انتظامی که در صدد توقیف خودرو آرزو بوده است می‌توانسته خودرو را حتی جلوی منزلش قفل بزند و توقیف کند؛ ولی به شلیک گلوله متوسل می‌شود. همه می‌دانیم این‌گونه اقدامات ضدانسانی رژیم از اینجا ناشی می‌شود که از گسترش بی‌حجابی هراس دارد و تصور می‌کند می‌تواند دست به هر جنایتی بزند تا زنان را عقب براند و بی‌آنکه ملزم به پاسخگویی باشد.

**اگر رژیم اسلامی هیچ جنایت دیگری هم مرتکب نشده بود، همین که به آرزو بدری شلیک شده و حالا با تهدید به پرونده‌سازی در صدد گرفتن اعتراف اجباری از او هستند که در بستر بیمارستان لحظات تراژیک زندگی را از سر می‌گذراند، برای محاکمه سران حکومت کافی است. کیس آرزو یکی از مصداق‌های جنایت این حکومت علیه بشریت است و این حکومت باید به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاه‌های بین‌المللی محاکمه شود.**

**جمهوری اسلامی را باید با اعتراضات گسترده مجبور کنیم به خواست زنان آزاده که اعتقادی به حجاب ندارند تن داده و ضمن لغو هرگونه پیگرد قضایی و آزادی بی‌قیدوشرط همه دستگیرشدگان،**

به آسیب‌دیدگان مرتبط با خشونت‌های اعمال شده غرامت پرداخت کند. روشن است که تن‌دادن حکومت اسلامی به چنین خواست‌هایی یعنی خالی‌شدن زیر پایش و نزدیک‌تر شدن به سرنگونی. از سوی دیگر امتناع رژیم از قبول خواست‌های فوق، یعنی افزایش خشم عمومی و نزدیک‌تر شدن خیزش بعدی مردم. مردمی که همچنان فریاد می‌زنند ایستاده‌اند تا پایان.

# پزشکیان در میان دو علی

محسن ابراهیمی

در صحنه سیاسی ایران این روزها دو اتفاق به‌موازات هم و البته در تقابل باهم پیش می‌رود.

از یکطرف در کف خیابان، در ادامه اعتصابات کارگران نفت، پرستاران و کادر درمان یکی از بزرگ‌ترین اعتصابات کارگری را رقم می‌زنند. از طرف دیگر در صحن مجلس اسلامی، پاسداران نظام اسلامی در ادامه سیرک انتخابات ریاست‌جمهوری، مشغول جنگ لفظی مضحک رأی اعتماد به وزرای پیشنهادی هستند.

از یکطرف، پرستاران در کف خیابان شعار

می‌دهند: "حقمونو نگیریم شیفتمونو نمیریم" و حمایت و همبستگی جلب می کنند. بازنشستگان معترض شعار می‌دهند "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، "اتحاد، اعتراض، علیه فقر و فساد" و با شعار "پرستار سلامت حمایت، حمایت" از هم‌رزمان خود علیه چپاولگران حاکم حمایت می کنند. از طرف دیگر، نمایندگان مفت‌خور حکومت در مجلس برای اطمینان از یک دولت امنیتی و سهم بیشتر بر سفره چپاول یقه می‌درانند و دروغ می‌بافند و جنگ زرگری راه می‌اندازند و خشم و انزجار و نفرت میلیون‌ها انسان را تحویل می گیرند.

از یکطرف پرستاران که برای تأمین سلامت و امنیت و زندگی خود و میلیون‌ها شهروند از جان و زندگی

مایه گذاشته‌اند در کف خیابان مبارزه می‌کنند. از طرف دیگر، در مجلس اسلامی، برای وزارت آدمکشان فاسد، مثلاً آیت‌الله امنیتی هفت‌خطی مثل خطیب در کابینه رئیس‌جمهور حقنه‌ای ذوب شده در خامنه‌ای بحث و جدل می‌کنند. آیت‌اللهی که از "شناسایی جاسوسان موساد در ۲۸ کشور به‌عنوان دستاوردهایش در دولت رئیسی در مقابله با "رژیم صهیونیستی" - همان رژیمی که همین دیروز در بیخ گوش خامنه‌ای اسماعیل هنیه را لت‌وپار کرد - لاف می‌زند.

کاربری در شبکه‌های اجتماعی نوشته بود که "آقای پزشکیان که از نهج‌البلاغه می‌خواند در انتخاب وزرا بین "دو علی" گیرکرده و این لیست (وزرای پیشنهادی برای کابینه) نشان می‌دهد که

در نهایت رضایت علی خامنه‌ای را انتخاب کرده است.“

برای مردمی که علیه هر دو علی، علی نهج‌البلاغه و علی نظام اسلامی انقلابی با شعار ”زن زندگی آزادی“ خلق کردند، البته این سخن کاربر شبکه اجتماعی چیز جدیدی ندارد. خالقین این انقلاب عزم کرده‌اند علی خامنه‌ای را به‌مثابه تجسم نظام اسلامی، تجسم اسلام در حکومت، تجسم احکام قرآن و نهج‌البلاغه امام اول شیعیان، به جایی پرتاب کنند که سزاوارش است: زباله‌دان تاریخ.

# تجمعات بازنشستگان در شوش، کرمانشاه، اصفهان

## حزب کمونیست کارگری ایران

امروز ۲۸ مرداد مثل یکشنبه‌های گذشته بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای شوش، کرمانشاه و فولاد در اصفهان برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند. در شوش و کرمانشاه بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری و مخابرات کنار یکدیگر و مقابل تأمین اجتماعی تجمع داشتند. در این تجمع اعتراضی یکی از سخنرانان از اعتراضات پرستاران اعلام حمایت کرد و گفت: "ما بازنشستگان اعلام حمایت می‌کنیم از کادر درمان، از پرستاران عزیز، از پرستارانی که در سال‌های متوالی و در شرایط بحرانی در دوره کرونا تلاش کردند اعلام حمایت می‌کنیم

و برایشان آرزوی پیروزی می‌کنیم". سخنان او با کف‌زدن جمعیت و فریاد "پرستار سلامت حمایت، حمایت" مورد تأیید جمعیت قرار گرفت. این بازنشستگان شعار می‌دادند: "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم "، و "اتحاد، اعتراض، علیه فقر و فساد".

در شوش به روال هر هفته در دمای گرمای سوزان تابستانی، بازنشستگان از شهرهای شوش، کرخه و هفت‌تپه گردآمده و شعار می‌دادند: "معیشت، منزلت حق مسلم ماست"، " گرانی، تورم، بلای جان مردم"، و با فریاد "اسماعیل گرامی، آزاد باید گردد"، "شریفه محمدی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "معترض زندانی آزاد باید گردد" بر آزادی فوری این فعالین کارگری زندانی

و تمامی کارگران زندانی تأکید کردند.

در این روز بازنشستگان فولاد در اصفهان نیز هم‌زمان با بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای دیگر تجمع کرده و مطالبات خود را طلب کردند. اجرای همسان‌سازی و افزایش سطح حقوقها به بالای نرخ تورم سی‌میلیونی، درمان رایگان، پایان‌دادن به سرکوبگری‌ها و بساط اختلاس و چپاول حاکم از جمله مطالبات سراسری اعلام شده بازنشستگان است. بازنشستگان با فریاد اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد صدای اعتراض کل جامعه هستند. از اعتراضاتشان وسیعاً حمایت کنیم.

در این روز همچنین کارگران شرکت نگین فام

خوزستان در قلعه تل در اعتراض به وضع بد کاری و معیشتی خود و با خواست برکناری مدیریت دست به تجمع زدند. روز گذشته نیز معلمان بازنشسته ۱۴۰۱ در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان مقابل سازمان برنامه‌وبودجه در تهران تجمع کردند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۱۳

۲۰ آگوست ۲۰۲۴ – ۳۰ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره:سوسن صابری

## در این شماره ژورنال:

جایگاه و اهمیت اعتصاب پرستاران

اصغر کریمی

پزشکیان و تحقیر شهروندان

محسن ابراهیمی

زندانیان سیاسی و همبستگی بین‌المللی

سوسن صابری

# جایگاه و اهمیت اعتصاب پرستاران

اصغر کریمی

در سال‌های گذشته پرستاران تجمعات و اعتصابات متعددی سازمان داده‌اند؛ اما این اولین اعتصاب سراسری پرستاران است که از حدود سه هفته قبل شروع شده و بیست شهر و بیش از ۵۰ بیمارستان را دربرگرفته است. هزاران پرستار و کادر درمان در طول سه هفته گذشته شهر به شهر وارد اعتصاب شده، دست به تجمع و راهپیمایی می‌زنند و شعار می‌دهند. شعارها و بیانیه‌های آنها، صفوف به هم فشرده آنها، ابعاد بیمارستان‌ها و پرستارانی که وارد اعتصاب شده‌اند و طولانی‌شدن این اعتصابات نشان می‌دهد که

پرستاران متشکل‌تر شده، روحیه تازه‌ای بر آنان حاکم است و آمادگی مبارزاتی بسیار بالاتری پیدا کرده‌اند. این را در کوتاه‌نیامدن در مقابل تهدیدات، گوش‌ندادن به وعده‌های مسئولین و اولتیماتوم دادن پرستاران شاهد هستیم.

تردیدی نیست که این روحیه و این اعتصاب سراسری از تأثیرات مستقیم انقلاب زن زندگی آزادی است که روحیه متفاوتی را در کل جامعه و از جمله در میان کادر درمان ایجاد کرده است. در نظر داشته باشیم که پرستاری یکی از رشته‌هایی است که در آن تعداد زنان سه برابر مردان است. همین زنان هستند که در خط مقدم انقلاب قرار گرفته و رژیم علی‌رغم همه سرکوبگری‌ها

نتوانسته است جلو بی‌حجابی آنها را بگیرد. به این معنی باید گفت که اعتصاب پرستاران یکی از دستاوردهای مهم انقلاب زن زندگی آزادی و وجه دیگری از پیشروی آن است. این را هم در نظر داشته باشیم که پرستاران به دلیل کار خدماتی هم در تماس گسترده با جامعه‌اند و هم محبوبیت ویژه‌ای دارند.

تشکیل جلسه شورای امنیت به‌منظور چاره‌جویی برای پایان‌دادن به این موج اعتصاب به حد کافی گویای اهمیت، قدرت و تأثیرگذاری این مبارزه است. حکومت از خطر این اعتصابات به‌خوبی آگاه است. می‌داند که خشم عمیقی بر ده‌ها میلیون کارگر، معلم و بازنشسته و میلیون‌ها مردمی که

**از زندگی کاملاً ساقط شده‌اند، حاکم است و هر آن امکان دارد خیزش عظیمی علیه فقر و گرسنگی سراسر جامعه را فراگیرد و موجی از اعتصابات به راه بیفتد.**

**به میدان آمدن کادر درمان در بعدی سراسری و گسترده تا همین‌جا تأثیر قابل‌توجهی بر فضای اعتراضی جامعه گذاشته و دورنمای مبارزات قدرتمندتر طبقه کارگر را مقابل جامعه قرار داده است. متشکل‌تر شدن و سراسری‌تر اعتصاب پرستاران از یکطرف و حمایت فعال و همه‌جانبه مردم دو فاکتور مهم در موفقیت این اعتصابات است.**

# پزشکیان و تحقیر شهروندان

## محسن ابراهیمی

سخنان تحقیرآمیز مسعود پزشکیان در مجلس اسلامی نسبت به بخشی از شهروندان نشان داد او به‌راستی رئیس‌جمهور شایسته نظام اسلامی است. او در این سخنرانی ضمن تفسیر دو آیه ۹۷ و ۹۸ از سوره نساء در توصیف بخشی از شهروندان جامعه از کلماتی مانند "چلاق"، "شل" و "کور" استفاده کرد و گفت که "ما پاسخگوی خدا روز قیامت نخواهیم بود. با این وضعیتی که هست. تازه اونجا میگه شاید اگر شل بودند چلاق بودند، کور و پیر بودند شاید خدا به این آدم‌هایی که شلند و کورند شاید رحم کند."

این سخنان سراپا تحقیر پزشکیان درباره شهروندان نابینا و شهروندانی که به هر شکلی از ناتوانی جسمی رنج می‌برند، نشانه دیگری از این حقیقت است که احترام به شهروندان جامعه، احساس مسئولیت در قبال آنان و کلاً کرامت و انسانیت شهروندان در پیش حکام اسلامی کوچک‌ترین جایی ندارد.

پزشکیان رئیس‌جمهور نظامی است که نیروهای سرکوبگرش در جریان انقلاب زن زندگی آزادی به چشمان معترضین شلیک کردند و تعدادی را تماماً نابینا کردند. او رئیس‌جمهور نظامی است که در آن شهروندان نابینا و شهروندانی که از ناتوانی جسمی رنج می‌برند وضع معیشتی فاجعه‌باری دارند، با تبعیضات سیستماتیک مواجه هستند و اعتراضشان به نبود برنامه‌ای برای رفع نیازه

اساسی‌شان مثل نیازهای دارو و درمان، توان‌بخشی، نبود سیاست‌های رفاهی در زمینه اشتغال و مسکن، بی‌توجهی شهرداری‌ها برای مناسب‌سازی معابر، ساختمان‌ها و حمل‌ونقل عمومی با شعار "نه صدقه نه منت، حق رو می‌خوایم با عزت" با توحش نیروهای امنیتی مواجه می‌شود.

از رئیس‌جمهور چنین نظامی البته انتظاری جز پایمال کردن حرمت و کرامت انسانی نباید داشت. اما همچنان که انتظار می‌رفت مردم خیلی سریع واکنش سرشار از انزجار خود را نسبت به توهین و تحقیر پزشکیان در شبکه‌های اجتماعی نشان دادند.

اینجا بندی از برنامه یک‌دنیای بهتر، برنامه حزب

کمونیست کارگری در باره تأمین حقوق شهروندان مورد تحقیر پزشکیان را عیناً نقلی می‌کنم که باید یک اولویت اصلی جامعه‌ای باشد که بر روی ویرانه‌های نظام اسلامی خواهیم ساخت:

”ایجاد تسهیلات لازم برای شرکت فعال معلولین و افراد دارای نقص‌عضو در کلیه شئون زندگی اجتماعی. ایجاد تسهیلات و تجهیزات ویژه معلولین در اماکن عمومی، معابر، مجموعه‌های مسکونی و غیره. تأمین و پرداخت هزینه وسائل و ابزارهای فنی و کمکی ضروری برای تسهیل زندگی روزمره افراد دارای نقص‌عضو.“

# زندانیان سیاسی و همبستگی بین‌المللی

## سوسن صابری

۴۳ سازمان بین‌المللی غیردولتی فعال در زمینه حقوق انسانی و حقوق زنان طی بیانیه‌ای خواستار تحقیقات بین‌المللی درباره ضرب و شتم زندانیان سیاسی زن معترض در زندان اوین و پاسخگوکردن مقامات جمهوری اسلامی شدند. زندانیان سیاسی زن اوین در روز ۱۶ مرداد در اعتراض به اعدام زندانی سیاسی رضا رسایی، در محوطه زندان دست به اعتراض زده بودند که با یورش وحشیانه نیروهای امنیتی و نگهبانان زندان مواجه شده و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

امضاکنندگان این بیانیه که در وب‌سایت نرگس

محمدی منتشر شده، ضمن اعلام همبستگی ” با این زنان و همه فعالین و شهروندانی که از حقوق آنها دفاع می‌کنند“، خواستار توقف فوری مجازات اعدام در ایران و آزادی همه زندانیان سیاسی شدند

جمهوری اسلامی و دولت جدید پزشکیان در ادامه سیاست ۴۵ساله و با استفاده از تبلیغات و توجه افکار عمومی به‌احتمال جنگ در منطقه، دست به اعدام‌های روزانه و تشدید سرکوب زنان و زندانیان سیاسی معترض زده است. اعدام و زندان و سرکوب تنها سلاح باقیمانده رژیم برای حفظ قدرت و کنترل جامعه است. رژیم هرگونه اعتراض و مخالفتی را به‌عنوان تهدیدی برای بقایش تلقی کرده و با هدف ایجاد رعب و وحشت به‌عبث می‌خواهد مانع گسترش جنبش‌های اعتراضی

بشود.

اعتراضات گسترده پرستاران، کارگران، بازنشستگان، زنان، زندانیان سیاسی و دادخواهان و مخالفین مجازات اعدام و کلاً فضای اعتراضی جامعه اما نشانگر این است که سال‌هاست که دیگر اعدام و شکنجه و زندان اثر ندارد. صدور بیانیه ۴۳ سازمان بین‌المللی و حمایت‌های مشابه آن نیز نتیجه این اعتراضات و ابعاد گسترده آن است.

سازمان‌ها و نهادهای مردمی و افکار عمومی جهانی با فشارآوردن بر جمهوری اسلامی با خواست آزادی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام در ایران نقش مهمی می‌توانند ایفا کنند. با نزدیک‌شدن به سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی، چتر حمایت

**اتحادیه‌های کارگری و نهادهای بین‌المللی از مبارزات برحق مردم، من‌جمله آزادی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام را باید گسترده‌تر کرد.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۱۴

۲۱ آگوست ۲۰۲۴ – ۳۱ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

بررسی اعتصاب سراسری پرستاران

سئوال از اصغر کریمی

شلیک مرگبار به آرزو: حجاب نبود، فرار از صحنه بود!

حسن صالحی

بررسی کشتار دهه ۶۰ توسط زندانیان سیاسی در اوین

یاشار سهندی

پزشکیان و دولت پادرهوا

کیوان جاوید

# بررسی اعتصاب سراسری پرستاران

## سئوال از اصغر کریمی

**کیوان جاوید: چه شد که پرستاران وارد اعتصاب سراسری شدند، خواست‌های آنها چیست؟**

**اصغر کریمی: پرستاران و کلاً کادر درمان مثل بقیه مزدبگیران سال‌های طولانی است که مورد ستم و استثمار شدید قرار دارند و هر سال و هر روز با فقر بیشتری مواجه شده‌اند. از طرف دیگر حکومت حاضر به استخدام پرستار بیشتر نشده و هر پرستار عملاً به‌جای چند نفر کار می‌کند و ساعات طولانی نیز مجبور به اضافه‌کاری اجباری با ساعتی حدود بیست هزار تومان است که در**

مقایسه با دستمزد چند بار زیر خط فقر پرستاران هم بسیار کمتر است. مساله تعرفه‌ها، نپرداختن طلب‌های پرستاران، انواع اجحافات و تحقیر و تهدید را هم به اینها اضافه کنید. پرستاران علیه این وضعیت بارها دست به تجمع اعتراضی زده بودند و مخصوصاً در یکی دو سال گذشته این اعتراضات به درجه‌ای گسترش‌یافته بود. اما هیچکدام از مطالبات پرستاران جواب نگرفت و وضعیت آنها مدام بدتر شد. اینها زمینه‌ساز موج اعتصابی بود که در سطح کشور شروع شد.

اینبار با یک اعتصاب سراسری روبه‌رشد مواجهیم که از سه هفته قبل شروع شده است و فصل نوینی در اعتراضات کادر درمان است که قابل‌مقایسه

با اعتراضات سال‌های قبل نیست. وسعت و دامنه این اعتصابات که با شعاردادن و راهپیمایی در محوطه بیمارستان‌ها همراه است، سازمانیافتگی آن، خواست‌های روشن و متعدد، رادیکالیسم و آگاهی بیشتر در میان پرستاران و همینطور شعارها، بیانیه‌ها و اولتیماتوم‌های آنان، همه اینها گویای تحرک کاملاً جدیدی است.

اما یک فاکتور مهم دیگر در شکل‌گیری این اعتصابات انقلاب زن زندگی آزادی است. خوب است توجه کنیم که ۷۵ درصد پرستاران زن هستند و از جنس همان زنانی که در صف مقدم انقلاب بودند و همچنان شجاعانه علیه حکومت ایستاده‌اند. به این معنی اعتصاب سراسری

پرستاران نتیجه انقلاب زن زندگی آزادی است که به سهم خود فضای جدیدی از شور و امید در جامعه ایجاد کرده و عمق و رادیکالیسم بیشتری را در جنبش سرنگونی به وجود آورده است.

**کیوان جاوید:** این اعتصابات چقدر گسترده است و چه روندی طی کرده است یا در حال طی‌کردن است؟

**اصغر کریمی:** اعتصابات روز ۹ مرداد از بیمارستان امام علی کرج شروع شد. در روزهای بعد دو بیمارستان دیگر در کرج و سپس پرستاران بیمارستان‌هایی در بندرعباس و شیراز به اعتصاب پیوستند. شیراز به‌سرعت به یکی از پایگاه‌های

بزرگ اعتصاب تبدیل شد و حدود ۹۰ درصد کادر درمان بیمارستان‌های دولتی این شهر را در برگرفت. سپس با سرعت بیشتری به شهرهای اصفهان، اراک، یزد، بیمارستان‌های متعدد مشهد، اهواز، اصفهان، آباده، جهرم، فسا، همدان، بوشهر، داراب، تبریز، یاسوج، قزوین، آبادان، نیشابور، دهدشت، و... کشیده شد. امروز نیز در تهران، کرمانشاه، مریوان، رشت و تبریز پرستاران به اعتصاب پیوستند و اعتصاب باز هم دامنه بیشتری پیدا کرد. پرستاران بیش از شصت بیمارستان تا کنون به اعتصاب پیوسته‌اند و موجی که از سه هفته قبل شروع شده با ریتم تندی در حال پیشروی است.

لازم است اشاره کنم که اولین عکس‌العمل حکومت تهدید پرستاران بود از جمله تهدید به اخراج. اما سنبه پرستاران پرزور بود و تهدیدات مؤثر واقع نشد. تلاش کردند تحت این عنوان که اعتصاب پرستاران برای بیماران مشکل ایجاد می‌کند، بیماران و مردم را در مقابل پرستاران قرار دهند، اما متوجه شدند که این نیز کارساز نیست. مردم کاملاً پرستاران را درک می‌کنند و مشکل را از رژیم می‌دانند و نه پرستاران. ضمن اینکه پرستاران با احساس مسئولیت بخشی از فعالیت بیمارستان‌ها مثل اورژانس را تعطیل نکردند. سپس رژیم از در وعده وارد شد. این نیز جواب نگرفت. پرستاران تاریخ‌های معینی د شیراز تعیین کردند و اولتیماتوم دادند که چنان

در این تاریخ‌ها به مطالباتشان رسیدگی نشود بلافاصله اعتصابات دیگری را شروع می‌کنند.
روز شنبه ۲۷ مرداد شورای امنیت تشکیل جلسه داد و از وزارت بهداشت خواست که "طی سه روز آینده جمع‌بندی مشکلات جامعه پرستاری را به همراه راه‌حل‌های آن به دبیرخانه شورای امنیت کشور ارائه دهد". نفس تشکیل جلسه توسط شورای امنیت، اهمیت این موج اعتراضی و ترس حکومت را به‌خوبی نشان می‌دهد.

**کیوان جاوید:** چگونه می‌توان فراتر رفت؟

**اصغر کریمی:** اولین مساله گسترش دامنه اعتصاب به شهرها و بیمارستان‌های دیگر است.

هنوز پرستاران صدها بیمارستان دیگر می‌توانند وارد اعتصاب شوند. این مهم‌ترین فاکتور برای قرارگرفتن در موضع قدرتمندتر در مقابل حکومت است. فاکتور دیگر حفظ اتحاد خوبی است که فی‌الحال در میان پرستاران اعتصابی وجود دارد. رژیم تلاش می‌کند با پرداختن بخشی از معوقات و یا برخی خواست‌های فرعی‌تر و همزمان تهدید میان پرستاران شکاف ایجاد کند. مهم این است که پرستاران هوشیاری خود را در مقابل این توطئه‌ها حفظ کنند. نکته دیگر مساله تشکل است، پرستاران شبکه‌ها و جمع‌هایی ایجاد کرده‌اند و به کمک همین حد از سازماندهی موفق به اعتصاباتی با این قدرت شده‌اند. در دل این اعتصاب نیز شبکه‌های بیشتری ایجاد کردند،

**اما شبکه‌ها و جمع‌های آنان باید هر چه بیشتر گسترده شود و از انسجام و سازمانیافتگی بهتری برخوردار شود تا بتوانند مبارزات خود را تداوم بدهند. منظور فقط در این اعتصاب نیست. رژیم در بهترین حالت تنها گوشه‌ای از خواست‌های پرستاران را برآورده میکند و تهدید و احضار و غیره را نیز ادامه میدهد. پرستاران راهی جز تداوم قدرتمندتر اعتراض و اعتصاب ندارند و تشکل‌های سراسری و مستحکم ضامن مبارزات قدرتمند آنها و مقابله با تهدیدات خواهد بود.**

**فاکتور دیگر جلب حمایت وسیع مردم است. تا کنون تشکل‌های معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، کارگران، زنان و کامیونداران از**

پرستاران حمایت کرده‌اند. این حمایت‌ها باید بسیار بیشتر شود. بخشی از کادر درمان که هنوز وارد اعتصاب نشده‌اند، دانشجویان دانشگاه‌های مختلف بویژه دانشجویان پزشکی که علیرغم تعطیلی تابستان می‌توانند به‌صورت جمع‌هایی از آنان با انتشار بیانیه‌هایی حمایت خود را اعلام کنند، همینطور دانش‌آموزان، مردم هر شهر و بویژه خانواده‌های خود پرستاران، حمایت خانواده‌های دادخواه، مراکز کارگری، هنرمندان و نویسندگان و همه فعالین و چهره‌های معترض و آزادیخواه، همه اینها جا دارد که فعالانه از پرستاران حمایت کنند.

اعتصاب پرستاران در واقع مقابله با سیستم

پوسیده و تجاری پزشکی با استاندارد بسیار پایین است. سیستمی که حاضر نیست پرستار بیشتری استخدام کند تا به بیماران باکیفیت بالایی رسیدگی شود. یا به پرستارانی که جان خود را کف دست گذاشته‌اند حقوقی بالای خط فقر بدهد. در این خواست‌ها همه مردم شریک‌اند و جا داد که موجی از همبستگی در سطح جامعه شروع شود. این فاکتور مهمی در تقویت مبارزه پرستاران و تقویت کل جنبش آزادیخواهانه مردم است. این اعتصابی بسیار مهم است و همه باید خود را در آن شریک بدانیم و آنرا تقویت کنیم.

# شلیک مرگبار به آرزو: حجاب نبود، فرار از صحنه بود!

## حسن صالحی

اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضاییه رژیم در نشست خبری روز سه‌شنبه ۳۰ مرداد درباره شلیک پلیس به آرزو بدری گفت: "در گزارش فراجا عنوان شده که موضوع اساساً حجاب نیست، بلکه موضوع عدم توجه به هشدارهای پلیس بوده و فرار از صحنه صورت گرفته است."

وقیحانه‌تر و بی‌شرمانه‌تر از این، در هیچ جای دنیا نمی‌توانید پیدا کنید. با شلیک گلوله آرزو بدری را ناقص کرده‌اند و معلوم نیست که اگر این زن زنده هم بماند می‌تواند در آینده راه برود و

زندگی عادی داشته باشد و آن وقت می‌گویند او از صحنه فرار کرده است! آخر کثافت‌ها شما به چه حقی ماشین آرزو را آماج گلوله‌های مرگبار خود قرار داده‌اید؟! گیرم بر سر حجاب نبود که حرف چرتی است، به چه دلیل به این ماشین با دو سرنشین زن گیر داده‌اید و آنرا گلوله‌باران کرده‌اید؟!

روی تخت بیمارستان آرزو را وادار به اعتراف می‌کنند و پدرش را وامی‌دارند که از رژیم تعریف کند تو گویی این وحوش، فرشته نجات آرزو بوده‌اند و به کمکش آمده‌اند. آرزو بعدازاین اعترافات اجباری دچار تب و لرز شدید و تنگی نفس شده است و بر خلاف ادعای رژیم حالش

اصلاً خوب نیست.

داستان آرزو، داستان آشنای زنان ایران است که نمی‌خواهند زیر بار تحمیلات مذهبی مثل حجاب اسلامی بروند و حالا از نظر رژیم باید تقاص پس دهند. اما آنقدر بزدل هستند که زنی را به‌خاطر بی‌حجابی به گلوله می‌بندند، ولی حاضر نیستند همین علت را بر سرِ زبان بیاورند. می‌دانید چرا؟ چون می‌ترسند. چون دیده‌اند که قتل حکومتی مهسا به چه انجامید. چون علیرغم سخت‌گیری‌های فراوان علیه زنان شاهد آتش‌زدن حجاب‌ها در انقلاب زن زندگی آزادی بوده‌اند. چون می‌دانند مردم در کمین نشسته‌اند. چون می‌دانند زنان عقب نمی‌نشینند و هر جنایتی

نظیر آنچه بر سر آرزو آوردند را به عاملی برای اعتراض و بی‌حجابی بیشتر تبدیل خواهد شد.

حجاب اسلامی فقط نماد بردگی و بی حقوقی زن نیست. حجاب اسلامی نماد قتل و زن‌کشی است. ضمن آرزوی بهبودی برای آرزو بدری، پیمان می‌بندیم که حجاب اسلامی و حکومتش را به گور بسپاریم.

# بررسی کشتار دهه ۶۰
# توسط زندانیان سیاسی در اوین

یاشار سهندی

زندانیان سیاسی که اسیر شکنجه‌گران هستند و هر دم خطر جانی آنها را تهدید می‌کند در زندان اوین "در مراسمی به‌مرور روایاتی از دههٔ شصت پرداختند. روایاتی از مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷، روایتِ مبارزانی که پس از سرنگونی دیکتاتوری پهلوی، انقلابشان توسط رژیم اسلام‌گرای تازه تأسیس مصادره و بسیاری‌شان در زندان‌ها شکنجه، تیرباران و یا سربه‌دار شدند. در این مراسم برخی از زنان زندانی که خود یا نزدیکانشان تجربهٔ حبس و شکنجه در زندان‌های مخوف

دهۀ ۶۰ را داشتند، آنچه از سر گذرانده بودند را با دیگر هم‌بندیان مرور کردند و یاد و مقاومت مبارزانِ جان‌باختۀ دهۀ ۶۰ را گرامی داشتند.“

حکومت اسلامی گورستان خاوران، این نماد مقاومت و شرافت جامعه‌ای که در پی رهایی بود را قفل و زنجیر کرد و بیست‌وچهارساعته نگهبان در آنجا گمارده است تا کسی در بستر خشکیده این گورستان گلی به یادبود نگذارد. اما به‌خاطر یک جنبش دادخواهی قوی، اکنون در داخل زندان یاد عزیزانی که در این گورستان دفن شده‌اند گرامی می‌دارند.

در مسیر انقلاب زن زندگی آزادی، در اوج سرکوب

بی‌نهایت خشن و بی‌رحمانه و در متن اعدام‌های وسیع، اتفاقاتی شکل گرفته و می گیرد که در نوع خود بی‌نظیر است و همین‌ها، این انقلاب را بسیار متفاوت‌تر از هر انقلابی کرده که تاکنون در تاریخ ثبت شده است. اتفاقاتی مانند حجاب سوزان، عمامه‌پرانی، کارزار علیه اعدام توسط زندانیان سیاسی و غیرسیاسی، آوازخوانی زنان در کف خیابان، رقص و شادمانی در مکان‌های عمومی، جهانی‌شدن شعار زن زندگی آزادی و پدیده‌هایی نظیر اینها که هر ناظری در بهترین حالت انتظار داشته است بعد از سرنگونی حکومت اسلامی شاهد آن باشد، از جمله گرامیداشت مبارزات مبارزان دهه شصت است.

در بستر چنین انقلابی است که اعتراضات بازنشستگان و کارگران و پرستاران و معلمان شکل گرفته، اعتراضاتی که به نوبه خود به جنبش انقلابی زن زندگی آزادی عمق بیشتری می‌بخشد. گسترش این اعتراضات و با حمایت از این اعتراضات است که سرنگونی حتمی جمهوری اسلامی را سرعت می‌بخشد. اینها گوشه‌هایی از اتفاقات بی‌نظیر در انقلابی بی‌نظیر است.

# پزشکیان و دولت پادرهوا

## کیوان جاوید

روز چهارشنبه ۳۱ مرداد پزشکیان در دفاع از وزرای پیشنهادی خود در مجلس شورای اسلامی بارها تأکید کرد که" فهرست کابینه را با "رهبر" هماهنگ کرده است... "با سازمان‌های امنیتی و وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه توافق کردیم"... "امکان ندارد کسی را بدون مشورت آورده باشم"... "همه این افراد در "بالا" هماهنگ شده‌اند".

کابینه‌ای که به‌زودی شروع به کار خواهد کرد دست‌پرورده مستقیم خامنه‌ای است. با این حساب آیا جمهوری اسلامی دوره‌ای از آرامش خیال را

پشت سر خواهد گذاشت؟ آیا وزرای دولتی روی کار هستند که در هماهنگی با خامنه‌ای و مجلس و در همراهی با وزارت اطلاعات و ارگان‌های امنیتی موانع و مشکلات را یکی پس دیگر مهار خواهند کرد؟ آیا یک حکومتِ یک‌دست و منسجم پروژه سرکوب و درهم کوبیدن مبارزات مردم را با کمک همه ارگان‌های دخیل در حفظ جمهوری اسلامی به‌پیش می‌برند؟ آیا همین دولت با یک سیاست هماهنگ با خامنه‌ای پروژه حل اختلافات عدیده با کشورهای اروپایی و آمریکا را به سرانجام می‌رسانند؟ رسیدن به وفاق البته آرزوی پزشکیان است. اما این رؤیای دست‌نیافتنی یکی دیگر از مهره‌های رده‌بالای جمهوری اسلامی است.

ما گفتیم گذشتن پزشکیان از سد شورای نگهبان تصادفی نبود. رژیم در اوج بن‌بست داخلی و بین‌المللی به حضور پزشکیان به‌عنوان کاندید ریاست‌جمهوری اسلامی تن داد. پزشکیان نیز به‌خوبی می‌دانست که بدون چراغ‌سبز خامنه‌ای کمترین شانسی در بیرون آمدن از صندوق رأی حکومت نداشت.

در جامعه‌ای که تنفر از حکومت در آن موج می‌زند؛ در جامعه‌ای که اعتراض و اعتصاب در آن می‌جوشد؛ در جامعه‌ای که مذهب بی‌آبروتر از هر روز شده است و حکومت از پس زنان بر نمی‌آید، هر کابینه‌ای که آن بالا نشسته باشد با مشت آهنین مردم سرگیجه می‌گیرد و دچار

بحران می‌شود.

پزشکیان هر چند می‌خواهد در نقش نوکر دست‌به‌سینه خامنه‌ای ظاهر شود، اما واقعیات جان‌سخت جامعه نمی‌گذارد رؤیاهای پوچ پزشکیان در ایجاد همدلی و همراهی سران حکومت در حفظ جمهوری اسلامی به جایی برسد. هیچ حکومت بحران زده‌ای در جهان در مقایسه با جمهوری اسلامی این‌چنین در محاصره مردم و آماده انقلاب نیست.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۱۵

۲۲ آگوست ۲۰۲۴ – ۱ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

شجاعت یک زن جوان در برابر حجاب‌بانان زبون

کیوان جاوید

منع درمان زندانیان در ایران، ” شکنجه سفید“

سینا پدرام

مؤسسه مصباح یزدی؛ هزینه میلیاردی

رضا درویش

گوشت و میوه‌های مرغوب برای زائران اربعین

سیما بهاری

# شجاعت یک زن جوان در برابر حجاب‌بانان زبون

## کیوان جاوید

**شجاعت یک زن جوان در برابر مدافعان حجاب اجباری: هروقت چادر از سرت کشیدم تو هم بیا شال سر من کن.**

**این زن شجاع در حین بحث با حجاب‌بانان رو به مردم می‌کند و می‌گوید: "از همه این آدم‌ها می خوام از شما نترسند. هیچ کاری از دستشون بر نمی یاد" و در ادامه به مأمور مزدور حکومت می‌گوید: برو تا گوشی‌ات رو تو سرت نشکوندم. زن "خفاش شب" و مجری قانون اسلامی می‌گوید: "باید شال سرت کنی، این قانون است"، جواب**

می‌گیرد: ”خفه شو بابا – ر.. ی..د... م تو قانون شما.“

ترس، عملکردی است طبیعی برای دورماندن از خطر و در واقع عکس‌العملی است ژنتیکی که در انسان و حیوان مشترک است. اگر قبول کنیم که ترس عموماً عملکردی طبیعی در انسان است، شجاعت اما اکتسابی و یادگرفتنی است. یکی از عواملی که شجاعت را باز تکثیر می‌کند، وجود تعداد بسیار زیادی از مردم است که در برابر یک واقعه یا خطر، مشترکاً دست به اعتراض می‌زنند و همین عملکرد مشترک شجاعت را بازتکثیر می‌کند.

نوعی دیگر از عملکرد شجاعانه نیز وجود دارد که باعث می‌شود فرد در هر شرایطی بخاطر حفظ هویت انسانی خود در برابر دشمن کوتاه نیاید. نمونه زندانیان سیاسی دهه ۶۰ که در تابوت‌های حاج داوود جلاد در زندان قزل‌حصار تا پای جان دست به مقاومت زدند یا با مقاومت در برابر شکنجه‌گران، دشمن را به‌زانو در آوردند.

مبارزه علیه حجاب اجباری - اسلامی از هر دو طرف یک عملکرد خارق‌العاده در برابر دشمن ضدبشری و قوانین سراپا ارتجاعی حکومت اسلامی است. ازیک‌طرف خیل عظیمی از زنان که علیه حجاب اسلامی مبارزه می‌کنند و با در کنار هم بودن از همدیگر نیرو می‌گیرند و از طرف دیگر

**دفاع از حرمت و هویت انسانی خود صحنه‌هایی از شجاعت و دلیری را به وجود می‌آورند که جمهوری اسلامی از هیچ راهی نمی‌تواند آنها را به عقب برگرداند.**

**همه با هم بودن را تکثیر کنیم. وقتی اعتراضی به رژیم صورت می‌گیرد فعالانه از معترض حمایت کنیم. سکوت را بشکنیم و بجای تماشاکردن یا همدلی از راه دور به حمایت فعال از معترضین برخیزیم. درست مثل این زن شجاع عمل کنیم.**

# منع درمان زندانیان در ایران، "شکنجه سفید"

## سینا پدرام

**کارشناسان سازمان ملل و کمپین حقوق بشر در بیانیه‌های جداگانه به بی‌توجهی مقامات رژیم به درمان زندانیان بیمار و مصدوم ابراز نگرانی کرده‌اند. نرگس محمدی و فاطمه سپهری از جمله زندانیان نام‌برده شده در این بیانیه‌ها هستند.**

**بنا به گزارش کمپین بین‌المللی حقوق بشر در عرض دو ماه گذشته حداقل ۳۴ زندانی سیاسی در ایران به طور سیستماتیک از دسترسی به خدمات درمانی" محروم شده‌اند. این کمپین اقدامات این‌چنینی را "مساوی با تلاش به قتل" دانسته است و خواستار**

اعتراض بین‌المللی به محرومیت آشکار زندانیان از مراقبت‌های درمانی و پزشکی و سیاست‌های "غیراخلاقی و غیرقانونی" رژیم اسلامی شده است.

رژیم اسلامی با جلوگیری از رساندن داروهای موردنیاز و امتناع از انتقال به بیمارستان خارج زندان برای درمان زندانیان بیمار در عرض چندین دهه گذشته باعث مرگ تعداد قابل‌توجهی از زندانیان سیاسی بوده است. مرگ بکتاش آبتین به‌خاطر ممانعت از انتقال وی به بیمارستان به‌خاطر ابتلا به کرونا از نمونه‌های بارز این نوع اقدامات ضدبشری به شمار می‌آید.

کمپین بین‌المللی حقوق بشر با انتشار لیستی از زندانیانی که به مراقبت‌های پزشکی نیاز دارند

خواستار رسیدگی درمانی عاجل به این زندانیان شده است. از سوی دیگر، کارشناسان سازمان ملل از رژیم اسلامی خواسته‌اند تا به کنوانسیون حقوق سیاسی مدنی و کنوانسیون حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که هر دوی آنها را امضا کرده پایبند بماند.

علاوه بر اقدامات بین‌المللی، خانواده‌های زندانیان علی‌رغم فشارهای بسیار، همواره با اعتراضات خود نشان داده‌اند در کنار عزیزان خود ایستاده‌اند. ناگفته پیداست که این اعتراضات باید هماهنگ‌تر و گسترده‌تر شده و بازتاب اجتماعی بیشتری به خود بگیرد. با بازتاب وضعیت زندانیان در اعتراضات روزمره بازنشستگان و به‌ویژه پرستاران و دیگر جنبش‌های اعتراضی می‌توان رژیم را وادار به

رعایت حقوق زندانیان کرد.

بدون اقدامات مؤثر و هماهنگ بین‌المللی و داخلی، رژیم اسلامی با توسل به ممانعت از خدمات درمانی همچنان به نابودی و مرگ زندانیان سیاسی بیشتری دست خواهد زد. فقط با اعتراضات سراسری و متحدانه می‌توان در مقابل جنایات رژیم اسلامی ایستادگی کرد و تعرضات رژیم را به عقب راند. هر کدام از ما می‌توانیم صدای یکی از همین زندانیانی باشیم که مورد "شکنجه سفید" حکومت قرار دارند.

# مؤسسه مصباح یزدی؛ هزینه میلیاردی

رضا درویش

بررسی‌های رادیو فردا نشان می‌دهد بیش از چهارصد میلیارد تومان از منابع عمومی کشور در سال ۱۴۰۳ در اختیار مؤسسه منسوب به "امام خمینی" در قم قرار گرفته است. این در حالی است که بودجه بیش از ۱۲۰ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی از بودجه مؤسسه مذکور میلیاردها تومان کمتر است.

این فقط یک نمونه از غارتگری با ارقام نجومی از منابع عمومی یا به قول ملاها "بیت‌المال" است. محمدتقی مصباح یزدی ۲۵ سال در رأس مؤسسه مذکور بوده است. فردی در رأس حکومت اسلامی

و شریک جرم همه جنایات این رژیم. این در حالی است که شرایط زندگی مردم آن‌چنان فاجعه‌بار است که محروم‌ترین آنها بعضاً از روی ناچاری به فروش اعضای بدنشان تن می‌دهند و در عوض ده‌ها مؤسسه حکومتی زیر نظر علی خامنه‌ای بودجه میلیاردی می گیرند.

ظرفیت پذیرش مؤسسه‌ای که حالا دیگر به مؤسسه مصباح یزدی شهرت دارد سالانه حدود هفتصد طلبه است. مردم حق دارند بپرسند که این هفتصد طلبه می‌خواهند چه غلطی در حال یا آینده بکنند که بودجه تلنبار کردن مشتی احادیث و روایات زیر عمامه‌هایشان از بودجه آموزش در رشته‌های علمی از زلزله‌شناسی تا بسیاری رشته‌های موردنیاز کشور بیشتر است؟ اصلاً چرا باید برای

ترویج یک مکتب فکری از بودجه عمومی کشور میلیاردها تومان هزینه شود؟ اینها همه در جامعه‌ای اتفاق می‌افتد که محرومانش برای سرپناه پشت‌بام اجاره می کنند و گروهی دیگر از محرومان در قبر می‌خوابند و بخش دیگر از محرومان غذایشان را در میان زباله‌ها جستجو می کنند.

در کنار غارت سازمان‌یافته توسط رژیم اتفاق بسیار مهمی در ایران در حال جریان است: اعتصابات و اعتراضات سراسری پرستاران و کادر درمان بیمارستان‌ها. با روشدن غارتگری‌های رژیم پرستاران حق دارند که صدایشان را رساتر کنند و از همه مردم برای احقاق حقوق خود کمک بخواهند. همه مردم ایران نیز می‌دانند پرستاران حافظ جان و سلامت آنها هستند به این دلیل همه

باید یک‌صدا و متحد در کنار مبارزات پرستاران قرار بگیرند و اجازه ندهند رژیم غارتگر اسلامی حق مسلم پرستاران و دیگر مزدبگیران را به جیب گشاد مؤسسات اشاعه‌دهنده مرتجعین اسلامی سرازیر کند. حرف دل مردم این است: از بودجه این لاشخورها بزنید و به پرستاران اختصاص بدهید.

# گوشت و میوه‌های مرغوب برای زائران اربعین

سیما بهاری

حمید بدوی مدیرکل پشتیبانی امور دام استان خوزستان اعلام کرد بیش از دو هزار تن گوشت و مرغ میان گروه‌های عازم عراق برای مراسم اربعین توزیع شده است. بر اساس گزارش رسانه‌های داخلی "صندوق‌های بازنشستگی" باید حدود ۱۰۰ میلیارد تومان برای "تأمین منابع قرارگاه اربعین" پرداخت کنند.

در شرایطی که میوه به علت گرانی از سبد خرید بسیاری از مردم حذف شده است، با پشتیبانی نهادهای حکومتی" در مسیر راهپیمایی زائران به عراق میوه‌های مرغوب و فالوده شیرازی توزیع

می‌شود.

این روزها شهرهای ایران از اعتراض می‌جوشد. پرستاران خیلی پر قدرت معیشت و منزلتی که سال‌هاست از آنها ربوده شده را فریاد می‌زنند. بازنشستگان و کارگران نفت هم از حقوق‌های نجومی و فلاکت عمومی می گویند. از حسین حسین گفتن حکومت و دزدی و غارت از سفره‌هایشان توسط مسئولین می گویند.

سفره‌های مردم هر روز کوچک‌تر می‌شود. در عوض بودجه نهادهای تحمیق و سرکوب حکومت و بریزوبپاش برای مراسم‌های چندش آور مذهبی‌شان افزون‌تر و گسترده‌تر می‌شود. مردم در شهرهای مختلف با بی‌آبی و بی برقی و گرانی

نان دست‌وپنجه نرم می کنند و حکومت، ناتوان از عقب راندن اعتراضات، هیاهوی "زائران اربعین" و توزیع غذا و میوه و فالوده بین آنها راه می‌اندازد.

ترویج عقب‌ماندگی اسلامی و خرافه‌پراکنی تنها هدف رژیم نیست. هدف سیاسی این اقدام برای حکومت از اهمیت بالاتری برخوردار است. هدف نمایش یک نیروی انسانی وفادار به اسلام و حکومت اسلامی است. در تقابل با این ما شاهد وسیع ترین جنبش اعتراضی ضد مذهبی – ضداسلامی در ایران هستیم. جنبش وسیع بی‌حجابی و نه به قوانین اسلامی در راستای همین جنبش ضداسلامی و ضد مذهبی در ایران است.

نباید بیش از این به رژیم اجازه داد که از جیب ما

خرج مراسم‌های ارتجاعی خود کند. اجازه ندهیم سفره‌هایمان را خالی‌تر کنند. رژیم از هر طرف تحت‌فشار است. در آستانه دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی به هر نحو ممکن این اعتراضات را تقویت کنیم. گسترش این اعتراضات در واقع دفاع از معیشت و حرمت آحاد جامعه است. رژیم درست مانند درختی است که گرچه ایستاده، اما از درون پوسیده است. جلو پیشروی تعرض ما را نمی‌توانند بگیرند. ما هر روز قوی‌تر می‌شویم. با کمک هم معیشت و حرمت را به زندگی‌مان باز می‌گردانیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۱۶

۲۴ آگوست ۲۰۲۴ – ۳ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

وزیر ارشاد و آشفتگی با هم نبودن نظام

کیوان جاوید

یک سال حبس برای“زن بلوچ“

منظر دریاکناری

روزشمار اعتصابات سراسری پرستاران

برگرفته از مدیای اجتماعی

ترامپ و مارکسیست رادیکال

پتی دبونیتاس

# وزیر ارشاد و آشفتگی با هم نبودن نظام

## کیوان جاوید

صالحی، وزیر ارشاد: "اگر مناسبات دولت – ملت بازسازی نشود، صرف کنار هم بودن مجلس و دولت، مسائل را حل نخواهد کرد... در نقاطی که اشتباه کردیم باید اعتراف کنیم و در جایی که با مردم بدخلقی کردیم روی آن فکر و از آنها عذرخواهی و مناسباتمان را با مردم بازسازی کنیم، مردم ولی‌نعمت ما هستند و ما را بر سر صندلی‌ها آورده‌اند."

اینها سخنان وزیر ارشاد است؛ وزیر سرکوب نویسندگان؛ سرکوب فیلمسازان؛ وزیر خفقان.

اینها سخنان کسی است که همراه با همه این جماعتی که در مجلس و دولت و سپاه پاسداران و مجلس خبرگان و دیگر طویله‌های حکومت اسلامی اُطراق کرده‌اند در مقابل هر ایده انسانی؛ در مقابل "ولی‌نعمت" خود ایستاده و به بندشان کشیده، شکنجه و کشتارشان کرده‌اند. همین ولی‌نعمت‌های را در دهه شصت در گورهای بی‌نام و نشان دفن کردند. ندا آقا سلطان را در خیابان در خون خود غرق کردند. جگرگوشه‌های ما را در دی ۹۶ و آبان ۹۸ به خاک و خون کشیدند و خلاصه اینکه در انقلاب زن زندگی آزادی عزیزترین جان‌های شیفته را به قتل رساندند. مهسا را بیاد می‌آوریم که بخاطر رعایت نکردن حجاب، این مظهر و سمبل بردگی زن بی‌رحمانه

**از ما و خانواده‌اش گرفتند.**

**مردم در یک هماهنگی بی‌نظیر علیه هرآنچه که بویی از اسلام، آخوند و حکومت اسلامی می‌دهد متحد شده‌اند. یک فضای فکری و فرهنگی عمیق علیه رژیم شکل‌گرفته است که در جهان نمونه آن پیدا نمی‌شد. نمونه انقلابی که دست به ریشه می‌برد و با پیروزی خود هیچ‌چیز از مذهب و اسلام باقی نمی‌گذارد؛ هیچ‌چیز از فقر و فلاکت و نابرابری باقی نمی‌گذارد؛ دیکتاتوری و سرکوب را از بین می‌برد و از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در رأس خواسته‌های یک جامعه انسانی پاسداری می‌کند.**

وزیر ارشاد به‌عبث در تلاش است این صف نامتحد و ازهم‌گسیخته حکومت اسلامی را با هم آشتی بدهد. این مردم اجازه اتحاد به جمهوری اسلامی نمی‌دهند. این مردم برای سرنگونی پا به میدان گذاشته‌اند. اتحاد مردم باعث تفرقه حکومت است. آرزوی اتحاد رژیم فقط در گور تحقق خواهد یافت، وقتی همه در کنار هم فسیل می‌شوند.

# یک سال حبس برای "زن بلوچ"

## منظر دریاکناری

"رسانهٔ بیدارزنی" گزارش داد: "شعبهٔ دو دادگاه انقلاب زاهدان روز ۳۰ مرداد "الهام استادی، معلم زبان انگلیسی، را به دلیل انتشار "یک پست اینستاگرامی" به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به یک سال حبس محکوم کرده است". الهام استادی در دوران اعتراضات سال ۱۴۰۱ مطلبی را در اعتراض به "تجاوز به یک دختر ۱۵ سالهٔ بلوچ" در شبکهٔ اجتماعی اینستاگرام منتشر کرده بود، نیز به اتهام "تشویش اذهان عمومی" به جزای نقدی محکوم شده بود.

می‌بینید چه کسانی با چه اتهاماتی به بند کشیده می‌شوند؟ کسی که به تجاوز یک دختر نوجوان ۱۵ساله اعتراض می‌کند، کسی که با بیان یک جمله در دفاع از انسانیت و حق انسانی زیستن به زندان محکوم می‌شود. الهام تنها نیست. میلیون‌ها پیر و جوان، همراه با میلیون‌ها زن که حجاب از سر برگرفته و آن پارچه سیاه اسارتبار را به آتش کشیده‌اند در کنار الهام قرار دارند.

الهام برخاسته از محروم‌ترین منطقه در ایران زندگی سخت و مشقت‌بار را به عینه تجربه کرده است. منطقه‌ای که یک لیوان آب آشامیدنی بهداشتی برای بسیاری از آن مردم یک آرزو است. منطقه‌ای درگیر شدیدترین تبعیضات اجتماع

و اقتصادی. در این شرایط یک زن که با انواع تبعیضات اجتماعی به مخالفت برخاسته است و زندگی و شادی را حق خود و همگان می‌داند جریمه نقدی شده و به بند کشیده می‌شود. پیام رژیم به الهام و الهام‌های ایران روشن است. می‌گوید ما و شما مردم دشمن هم هستیم. ما برای این هستیم که پروارتر شویم و بخوریم و از زندگی انگل‌وار خود نهایت لذت را ببریم و اگر شما در برابر این توحش اسلامی دست به مقاومت بزنید نتیجه همین است که می‌بینید.

این سرکوب جواب نداده است. هر روز و به هر بهانه و در هر موقعیتی اعتراض به این بربریت اسلامی شکل می‌گیرد و مدام بر حجم این

**اعتراضات اجتماعی افزوده می‌شود. کلید اینجا است. دستگیری‌ها که با هدف ترساندن مردم صورت می‌گیرد به‌عکس خود تبدیل شده است. الهام‌ها قهرمانان مردم می‌شوند و هر دستگیری به منبع اعتراضات بیشتر تبدیل می گردد. اعتراضات را در هر شکل و در هر مکان و هر زمان سازمان بدهیم. شبکه‌های اجتماعی یکی از این ابزارهای اعتراضی است. خیابان شکل پیشرفته‌تر سازمان‌دادن اعتراضات است.**

# روزشمار اعتصابات سراسری پرستاران

## برگرفته از مدیای اجتماعی

**۱۰ مرداد: اعتصاب پرستاران و کادر درمان در بیمارستان، امام علی کرج**

**۱۳ مرداد: اعتصاب پرستاران بیمارستان‌ها کوثر، رجایی، مدنی، شریعتی و امام حسین در کرج**

**۱۵ مرداد: اعتصاب بیمارستان‌های بزرگ و دولتی شیراز ابن‌سینا، رجایی، چمران، محرزی/۷ قلب الزهرا**

**۱۵ مرداد: اعتصاب پرستاران در بندرعباس در هرمزگان**

**۱۷ مرداد: اعتصاب کادر درمان علوم پزشکی فسا و انکولوژی شیراز**

**۲۰ مرداد: اعتصاب پرستاران و کادر درمان در فسا به همراه فرزندان**

**۲۰ مرداد: اعتصاب پرستاران در زنجان، سجاد تبریز و خمینی آباده**

**۲۱ مرداد: اعتصاب پرستاران در جهرم، گلستان و بقایی در اهواز، باغ ملک خوزستان، لامرد،**

**۲۲ مرداد: اعتصاب پرستاران در رهنمون و صدوقی یزد**

**۲۳ مرداد: اعتصاب پرستاران در اسلام غرب و ولی‌عصر اراک**

**۲۴ مرداد: اعتصاب پرستاران در نورآباد ممسنی، داراب، اقلید فارس، سلامت تبریز**

**۲۵ مرداد: اعتصاب پرستاران در فقیهی شیراز**

**۲۷ مرداد: اعتصاب پرستاران در بیمارستان‌های**

امام رضا، قائم و اکبر مشهد، یاسوج، اراک، کنگان، بهشتی و تفت یزد،

۲۸ مرداد: اعتصاب پرستاران و کادر درمان در بیمارستان‌های هاشمی‌نژاد قائم، امام رضا، ولایت، طالقانی، هاشمی‌نژاد، کودکان اکبر مشهد، یاسوج و آزمایشگاه امام رضای مشهد

۲۹ مرداد: اعتصاب پرستاران در اهواز، خاتم‌الانبیا تخصصی چشم‌پزشکی و امداد مشهد، جهرم، بوشهر، قزوین، کاشانی اصفهان، ولایت هاشمی‌نژاد مشهد، علوم پزشکی اراک،

۳۰ مرداد: اعتصاب پرستاران در بیمارستان مؤمنین اراک، همدان، طالقانی آبادان، ۲۲ بهمن نیشابور، و ابن‌سینا، شریعتی، هاشمی‌نژاد، امام رضا و کادر مامایی در مشهد. پرستاران در مشهد

راهپیمایی کردند. در این روز دو پرستار در اراک بازداشت شدند.

۳۱ مرداد اعتصاب پرستاران در دهدشت، جندی‌شاپور اهواز، فوریت‌های پزشکی ۱۱۵ تبریز، کرمانشاه، فجر مریوان، در رشت و اعتصاب و تجمع پرستاران محب کوثر در تهران مقابل وزارت بهداشت، اعتصاب پرستاران در اصفهان و تجمع آنها مقابل استانداری،

۱ شهریور: اعتصاب پرستاران بیمارستان‌های چابهار و تجمع آنها مقابل فرمانداری

# ترامپ و مارکسیست رادیکال

## پتی دبونیتاس

دونالد ترامپ، کامالا هریس نامزدی حزب دموکرات را "مارکسیست رادیکال" توصیف کرد که قصد دارد پول آمریکایی‌ها را برای "مهاجران غیرقانونی" خرج کند.

بیایید از ترامپ شروع کنیم. ترامپ کاپیتالیست است. در سیستم مورد حمایت ترامپ بیمه‌های درمانی، تحصیل رایگان و بیمه‌های بیکاری و برخوردار بودن جامعه از یک زندگی مرفه و برابر در تضاد با آرمان‌های طبقاتی و شخصی او است. انسان در جامعه و سیستم مورد حمایت ترامپ

نباید متشکل بشود و برای بهتر زیستن مبارزه بکند. انسان در تفکر ترامپ موجود منفردی است که باید همه عمر خود را کار کند تا امثال ترامپ از کار و زحمت آنها پروارتر و میلیاردرتر شوند. دنیای "ترامپ‌ها" یک برده‌داری مدرن است که انسان ماشینی است که تولید می‌کند و آنها که ابزار تولید را در تملک خود دارند از این زحمت بی‌وقفه و مادام‌العمر مردم بهره می‌برند.

در تفکر ترامپ انسان و انسانیت عام معنی ندارد. انسان نهایتاً سفیدپوست‌هایی هستند که طرف‌دار ترامپ و ضد بقیه مردم جهان و مدافع فقر کارگران و مزدبگیران باشند. در تفکر ترامپ "خارجی"ها دشمنانی هستند که می‌خواهند پول

”آمریکایی‌ها“ را بالا بکشند. اما معلوم نیست چرا همین مهاجرین در آمریکا در فقر و نداری زائید الوصفی زندگی می‌کنند و مداوأ بر تعداد مولتی‌میلیاردرها در آمریکا اضافه می‌شود؟ اینجا اما یک نکته دیگر برجسته می‌شود. هر درجه از رفاه مردم به درست با مارکسیسم تداعی می‌شود.

اما حقیقت این است کامالا هریس و اوباما و حزب دمکرات اصلاً ربطی به مارکسیسم ندارند. همه اینها بخشی از طبقه سرمایه‌دار و بخشی از ماشین تولیدکننده نابرابری در جامعه هستند. در سیستم اینها بیمه‌های درمانی کنترل شده و تحمیل مقدار کمی بیشتر از مالیات به سرمایه‌داران مولتی‌میلیاردر همه آن حقوقی

**است که حق مردم قلمداد می‌شود. در سیستم اوباما و هریس، بقیه انسانها همچنان برده نظام سرمایه‌داری است. شدت و حدت این بردگی طبعاً با آنچه که ترامپ و حزب جمهوری‌خواه می‌خواهد متفاوت است. نه جمهوری‌خواهان و ترامپ، نه هریس و حزب دمکرات ذره‌ای به انسانیت ربط ندارند.**

**مارکسیسم به پسوند رادیکال نیازی ندارد. مارکسیسم یعنی آزادی و برابری و رفاه انسان. یعنی آزادی و لغو بردگی مزدی. یعنی جامعه‌ای برای "هر کس به‌اندازه استعدادش و به کس به‌اندازه نیازش. مارکسیسم تبلور انسانیت رها شده است.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۱۷

۲۵ آگوست ۲۰۲۴ – ۴ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

گسترش اعتصابات پاسخ پرستاران به سرکوب‌ها

شهلا دانشفر

خاوران، ای بهشت سبز انسان باوران

فریبرز پویا

محیط‌زیستی‌های جان‌باخته در مریوان

کیوان جاوید

ترور اسلامی در فرانسه و آلمان

محسن ابراهیمی

# گسترش اعتصابات پاسخ پرستاران به سرکوب‌ها

شهلا دانشفر

نزدیک به یک ماه از اعتصابات سراسری و قدرتمند پرستاران می‌گذرد. اعتصابی بی‌سابقه در طول ۱۰۰ سال تاریخ پرستاری که نزدیک چهل شهر و هفتاد بیمارستان را دربرگرفته است. پرستاران با تجمعات، با راهپیمایی‌ها و با فریاد شعارهایشان چهره سیاسی شهرها را تغییر داده‌اند. روز گذشته، شنبه ۳ شهریور، پرستاران در شهرهایی چون سبزوار، خمینی‌شهر و خرم‌آباد به اعتصابات پیوستند و تجمعاتی هم در کرمانشاه، اصفهان و شهرکرد شکل گرفت. پرستارانِ بخش اورژانس نیز به‌خاطر وخامت وضع امدادرسانی به

**اعتصابات پیوستند. پرستاران اصفهان در بیانیه‌ای هفت‌بندی مطالباتشان را اعلام کرده و اولتیماتوم دادند که اگر جواب نگیرند شبنه هفته دیگر تجمع و اعتصاب خواهند کرد.**

**ارتقا و بهبود شرایط معیشتی و شغلی پرستاران، تأثیر مستقیمی بر بهبود وضع درمان جامعه دارد. اعتراض آنان بر سر معیشت، اعتراضی سراسری در جامعه است و خواست‌های آنان همچون درمان رایگان و اعتراضشان به استاندارد پایین درمان و بیمارستان‌ها امر همه مردم است. پرستاران به‌عنوان صدای اعتراض جامعه شایسته وسیع ترین حمایت‌ها هستند.**

حکومت اسلامی وحشت‌زده از ابعاد گسترده اعتصابات پرستاران آنهم در دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی به ترفندهای مختلفی دست‌زده است تا فرصت بخرد و با دست‌بردن به ابزار سرکوبش و تهدید به پرونده‌سازی امنیتی و دستگیری اعتراضات را عقب براند. در همین مدت تعدادی از پرستاران در مشهد، تهران و اراک دستگیر شده‌اند که شمارشان هنوز روشن نیست.

از جمله این بازداشت‌شدگان پویا اسفندیاری پرستار بیمارستان میلاد تهران است. دستگیر شده دیگر زهرا تمدن از بیمارستان مسیح دانشوری در تهران بود که وقتی پرستاران اولتیماتوم به

**اعتراضی بزرگ برای سوم شهریور را دادند، آزادش کردند. اما هنوز تعدادی در بازداشت هستند.**

**اعتصابات پرستاران تا همین‌جا از سوی تشکل‌های مختلف کارگری و اجتماعی مورد حمایت قرار گرفته و بازنشستگان در تجمعات خود با شعارهایشان از این اعتراضات پشتیبانی کرده‌اند. گسترش این حمایت‌ها از سوی همه مردم پاسخ محکمی به سرکوبگری‌های حکومت و منبع قدرت این اعتصابات است. پرستاران زندانی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند.**

**اعتصابات پرستاران در کنار اعتراضات گسترده**

**در نفت و اعتصاب کارگران واگن پارس اراک بر پیشبرد گفتمان اعتصابات سراسری و حرکت جامعه به این‌سو قدرت بخشیده است. اتفاقی که می‌تواند نیروبخش اعتراضات خیابانی و داغ کردن تنور انقلاب باشد. از این اعتصابات وسیع حمایت کنیم.**

# خاوران، ای بهشت سبز انسان باوران

## فریبرز پویا

به گزارش خانواده بزرگ خاوران روز جمعه دوم شهریورماه ۱۴۰۳، هم‌زمان با سالگرد اعدام‌های دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در دهه ۶۰، عده‌ای از خانوادگان در برابر گورستان خاوران جهت بزرگداشت یاد عزیزانشان حضور به هم رساندند.

خانوادههای این عزیزان با درِ بسته و حضور مأموران نظامی و امنیتی روبرو شدند که جهت جلوگیری از حضور آنان بر سر گورهای دسته‌جمعی و یادآوری این صحنه جنایت آمده

بودند. خانواده‌ها در اعتراض، با اقدام به قراردادن عکس جان‌باختگان و گل‌باران آنها در برابر درِ بسته خاوران اراده خود را در برگزاری یادبود و حفظ و نگه‌داشتن آثار جنایات جمهوری اسلامی در سال‌های ۶۰ و ۶۷ تا دادخواهی و به محاکمه کشیدن مسئولین کامل این جنایات تأکید کردند.

با اینکه مأموران امنیتی تلاش کردند عکس‌ها را بردارند و گل‌ها را پراکنده کنند، خانواده‌ها با سرود خاورانِ پروانه میلادی و آفتابکاران جنگل کارِ زنده‌یاد سعید سلطانپور که در همان خاوران به خاک خفته است مراسم خود را به پایان رساندند.

مأمور بدنام و امنیتی مسعود مؤمنی در برابر خانواده‌های جان‌باختگان تأکید داشت اینجا خبری نیست، چرا جمع شده‌اید و با تهدید تلاش می‌کرد با ترساندن خانواده‌ها انتشار عکس و خبر این تجمع در مدیای اجتماعی منتشر نشود.

بیش از چهل سال جنبش عدالت‌خواهانه خانواده‌های خاوران ثابت کرده است که تعقیب قضایی، بلدوزر و خاک‌برداری و دیوارکشی و تلاش برای محو آثار جنایت، دوربین مداربسته و حضور پلیس و امنیتی‌ها جلودار نیست.

این بغض خاوران که در سینه جامعه ایران است، بغضی که تقاطع جنایت اسلامیون علیه بشر و

**عدالت‌خواهی جامعه ایران است تنها در صحنه دادگاه‌های علنی برای بررسی جنایات قرن است که می‌ترکد و جامعه ایران به این شکل آرامش پیدا خواهد کرد.**

# محیط‌زیستی‌های جان‌باخته در مریوان

## کیوان جاوید

در تاریخ سوم شهریور ۱۳۹۷، چهار فعال محیط زیست اهل مریوان به نام‌های شریف باجور، امید کهنه‌پوشی، رحمت حکیمی‌نیا و محمد پژوهی حین تلاش برای مهار حریق جنگل‌های اطراف "پیله و سلسی" شهرستان مریوان جان خود را از دست دادند. به این مناسبت روز شنبه سوم شهریور ماه، مراسم ویژه ششمین سالگرد جانباختن شریف باجور و همراهانش با حضور چشمگیر مردم منطقه، در آرامستان "دارسه‌یران" مریوان برگزار شد.

چشم‌پوشیدن بر فجایع سیاسی و اجتماعی یا زیست‌محیطی کار سختی نیست. کافی است به‌سادگی به خودمان بگوییم آنچه که در اطرافمان در جریان است ربطی به ما ندارد. می‌شود گفت به کار و زندگی خودت بچسب و به خود و خانواده‌ات فکر کن. می‌شود سربه‌زیر انداخت و به تماشاچیان این زندگی فلاکت‌بار تبدیل شد.

از سویی دیگر انسان‌های بی‌شماری هستند که موانع را کنار می‌زنند و سخت‌ترین شرایط را به جان می‌خرند و شرایط را تغییر می‌دهند. فعالین و پیشروان جنبش‌های اعتراضی از این گروه هستند. آنها که شکنجه و زندان و سختی‌های

مبارزه برای دست‌یافتن به یک جامعه آزاد و انسانی را کنار می‌زنند و به دیکتاتوری و نابرابری نه می گویند.

شریف باجور، امید کهنه‌پوشی، رحمت حکیمی‌نیا و محمد پژوهی از جمله این انسان‌های بزرگی هستند که نمی‌توانستند در برابر نابودی محیط زیست دست روی دست بگذارند و در برابر این فاجعه که جمهوری اسلامی مسبب آن است کوتاه بیایند. این انسان‌های شریف از جان خود مایه گذاشتند تا حریق جنگل‌های اطراف "پیله و سلسی" شهرستان مریوان را مهار کنند. وقتی به‌خوبی به این اتفاق ناگوار نگاه شود باز هم می‌توان انگشت اتهام را به‌سوی حکومت نشانه

گرفت. در همه دنیا آتش‌نشان‌های خبره و دوره‌دیده با بهترین امکانات مهار حریق به جنگ آتش‌سوزی جنگل‌ها می‌روند و به این دلیل تلفات مهار این آتش‌سوزی‌ها بسیار پایین است یا اصلاً تلفاتی در بر ندارد.

مردم مریوان با جمعیتی انبوه یاد جان‌باختگان خود را گرامی داشتند و نشان‌دادند احترامی والا برای این عزیزان قائل هستند. همین اتحاد مردم خار چشم حکومت اسلامی است. دست در دست دهیم و دنیایی پر از شادی و زیبایی همراه با آزادی و برابری ایجاد کنیم.

# ترور اسلامی در فرانسه و آلمان

محسن ابراهیمی

بر اساس گزارش خبرگزاری‌ها در روزهای جمعه و شنبه، دوم و سوم شهریور، دو حمله تروریستی در فرانسه و آلمان رخ داد. در فرانسه نزدیک کنیسه‌ای یک کپسول گاز در داخل یک خودرو منفجر شد و همچنین دو درِ کنیسه نیز به آتش کشیده شد که در جریان آن یک پلیس زخمی شد. در خبرگزاری‌های فرانسه از مردی صحبت می‌شود که در حالیکه پرچم فلسطین را دور کمرش بسته بوده از محل حادثه فرار کرده است. در آلمان هم در یک جشنواره موسیقی در شهر زولینگن، فردی با چاقو به حاضرین حمله

کرد که در جریان آن سه نفر کشته و هشت تن زخمی شدند. داعش ادعا کرد فرد مهاجم "سرباز حکومت اسلامی" است که برای انتقام مسلمانان در سراسر جهان این کار را انجام داده است.

این دو ترور نمونه بسیار کوچکی از ترورهای هولناک جریانات اسلامی هستند که بعد از به‌قدرت‌رسیدن اسلام سیاسی در ایران در دنیا چرخیده‌اند و به زندگی مردم خون پاشیده‌اند. مقامات حاکم از جمله ایمانوئل مکرون اعلام کردند تمام ابزارها برای یافتن "عوامل جنایت" به کار گرفته شده‌اند. صدراعظم آلمان هم اعلام کرد که "قاتل" باید به‌سرعت دستگیر و مجازات شود و پلیس آلمان اعلام کرده است قاتل با

لباس خون‌آلود دستگیر شده است. دولت آلمان قبلاً اعلام کرده بود که قصد دارد قوانین مربوط به "اندازه مجاز چاقوها در اماکن عمومی" را سخت‌گیرانه‌تر کند!

خطاب به سران دولت‌های فرانسه و آلمان باید گفت "عوامل جنایت" هر کسی باشند، آمرین و سازمان‌دهندگان جنایت در ایران و افغانستان همین‌الان حکمرانی می‌کنند. یکی از آنها رئیسی قاتل بود که ایمانوئل مکرون دستان خون‌آلودش را با بی‌شرمی تمام فشرد. در آلمان که سر مردم را با قانون‌گذاری درباره "اندازه مجاز چاقو" شیره می‌مالند، مرکز اسلامی هامبورگ برای سالای طولانی ترور سازمان می‌داد.

باید به سران دول غرب اعلام کرد از مماشات با حکومت اسلامی دست بردارید، به‌جای میدان دادن به مراکز و مساجد اسلامی و امام‌جمعه‌های تروریست از جریانات و جنبش‌های سکولار و ضد مذهب حمایت کنید، دولت اسرائیل که در نوار غزه نسل‌کشی می‌کند و برای حماس و جهاد اسلامی زمینه تبلیغاتی فراهم می‌کند را محکوم کنید، از مردم ایران که عزم کرده‌اند جمهوری اسلامی را سرنگون کنند حمایت کنید، آنگاه مطمئن باشید که زیر پای تروریسم اسلامی خالی خواهد شد و شهروندان جوامع غرب هم نفس راحتی خواهند کشید.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۱۸

۲۶ آگوست ۲۰۲۴ – ۵ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

## در این شماره ژورنال:

راهپیمایی اربعین، نمایشی با اهداف سیاسی

میلاد رابعی

برگزاری مراسم یادبود حسین راحمی پور در اوین

سهیلا دالوند

انسان‌زدایی از جامعه افغانستان محکوم است!

درباره فتوای امربه‌معروف رهبر طالبان

سیامک بهاری

علیه قوانین ضد کودک درعراق باید قاطعانه ایستاد

عبدل گلپریان

# راهپیمایی اربعین، نمایشی با اهداف سیاسی

میلاد رابعی

برگزاری مراسم اربعین در حدود یک دهه اخیر با دخالت و ابتکار جمهوری اسلامی کاملاً تغییر شکل یافته و از شکل سنتی آن تبدیل به راهپیمایی برای تبلیغات سیاسی موردنظر رژیم شده است. هر سال بودجه و امکانات و نیروی بیشتری به این امر تخصیص داده می‌شود تا جایی که امسال این مراسم بیش از دو هزار میلیارد تومان از بودجه کشور را بلعیده است. گذشته از موضوع صرف مبالغ هنگفت برای راهپیمایی اربعین در چنین شرایط سخت اقتصادی و معیشتی، آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است ضرورت برگزاری این

مراسم برای رژیم و هدفش از ادامه آن است.

مستقل از اینکه افراد مختلف با چه هدف و نیتی در این راهپیمایی شرکت می‌کنند، اهداف حکومت از برگزاری این مراسم کاملاً روشن است. رژیم اسلامی از سویی تصویر جامعه‌ای معتقد به اسلام و نظام اسلامی را از مردم ایران به نمایش بگذارد و همه شرکت‌کنندگان را حامیان خود جا بزند. از طرف دیگر بر زمینه رقابت‌ها و اختلافات دیرینه‌اش با عربستان سعودی تلاش دارد تا الگو و آلترناتیوی شیعی برای مراسم حج بسازد. با این تفاوت که حج به‌مثابه توریسم مذهبی هر سال عایدات هنگفتی برای عربستان دارد درحالیکه ایران چندین برابر همان مبلغ را باید هزینه کند.

این مراسم ضمناً قرار است "قدرت" جمهوری اسلامی را به‌عنوان محور اصلی "جبهه مقاومت" در جهان به نمایش بگذارد.

بخش عظیمی از این تلاش معطوف به جذب نیرو از مردم منتسب به شیعه در عراق است. حکومت اسلامی با برگزاری این کارناوال مذهبی قصد دارد خود را یگانه قدرت جهان اسلام و خصوصاً جهان تشیع جا بزند تا با این حربه بخشی از مردم عراق را که مخالف دخالت‌های جمهوری اسلامی در آن کشور هستند با خود همراه کند. در این میان قطعاً نیم‌نگاهی نیز به منتسبین به تشیع در افغانستان دارد.

همه این موارد معطوف تلاش رژیم برای قدرت‌نمایی منطقه‌ای در جهت اهداف تروریستی خویش است. در چنین شرایطی تأکیدات مداوم خامنه‌ای برای برگزاری باشکوه‌تر این مراسم و صرف بودجه‌های میلیاردی برای آن قابل‌توضیح است. ناگفته پیدا است که تمام این محاسبات حقیر حکومت اسلامی با به‌نتیجه‌رسیدن جنبش عظیم مردم ایران دود شده و به هوا خواهد رفت.

# برگزاری مراسم یادبود حسین راحمی پور در اوین

## سهیلا دالوند

زندانیان سیاسی زن در زندان اوین مراسمی برای یادبود حسین راحمی‌پور، زندانی سیاسی که در ۲۵ تیر ۱۳۶۲ به همراه همسر بارداش دستگیر و یکم شهریور ۱۳۶۳ به جوخه اعدام سپرده شد برگزار کردند. گلرو فرزند حسین که در زندان اوین به دنیا آمد هرگز به خانواده تحویل داده نشد.

راحله راحمی‌پور زندانی سیاسی که به جرم دادخواهی برادر و فرزند برادرش به ۶ سال زندان محکوم شده است، در این مراسم به بیان روایتی

از زندگی برادرش پرداخت و گفت که او پس از اعدام در خاوران و در گورهای دسته‌جمعی و بی‌نام‌ونشان به خاک سپرده شد، از زندان اوین با خانواده تماس گرفتند و گفتند: "بیایید ساک حسین را تحویل بگیرید. او به درک واصل شد."

در جریان نسل‌کشی دهه ۶۰ هزاران زندانی سیاسی به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. زندانیانی که دوران محکومیتشان را سپری می‌کردند و یا حتی دوران محکومیتشان پایان‌یافته بود. اما در تمام این سال‌ها زندانیان با برگزاری مراسم و خواندن سرود برای زنده نگه‌داشتن یاد و نام آنها و غلبه بر تلاش عبث رژیم که این قتل‌عام به فراموشی سپرده شود، مبارزه کرده‌اند. شاه

هستیم که علی‌رغم فشارها و تهدیدها سال‌هاست که زندانیان سیاسی زن و دیگر زندانیان به‌ویژه در زندان‌های رجایی شهر و اوین مراسم‌هایی به یاد فرزاد کمانگر، علی حیدریان، فرهاد وکیلی، شیرین علم‌هولی، مهدی اسلامی، رامین حسین‌پناهی، زانیار و لقمان مرادی و دیگر زندانیان سیاسی اعدام‌شده برگزار می‌کنند.

همانطور که مریم یحیوی زندانی سیاسی در زندان اوین گفته است "آن‌ها نمی‌دانند که ما در شبی که ماه از نیمه گذشته بود، دست در دست هم زیر سایه‌های تپه‌های اوین که سال‌ها ناظر و شاهد تیرباران و اعدام بهترین‌های این سرزمین بودند، هم‌پیمان و هم‌قسم شده‌ایم که

تا لغو حکم اعدام مقاومت و ایستادگی کنیم.“
این انسان‌های شریف، این زنان جسور و نترس
هم‌پیمان شده‌اند که همراه با خانواده‌های دادخواه
و جنبش دادخواهی از دهه شصت تا امروز درد
و غم و رنجشان را در یک همبستگی باشکوه به
خشم و فریاد علیه قاتلین عزیزانشان تبدیل کنند.
با تداوم و گسترش اعتراضات هم‌صدا و همگام با
زنان زندانی سیاسی و دادخواهان اعلام می‌کنیم
که مبارزه برای لغو مجازات اعدام، یک ضرورت
و امری حیاتی است. نه می‌بخشیم نه فراموش
می‌کنیم.

# انسان‌زدایی از جامعه افغانستان محکوم است!

## درباره فتوای امربه‌معروف رهبر طالبان

سیامک بهاری

**وزارت امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر طالبان فرمانی را در ۴ فصل و ۳۵ ماده در ۱۱۴ صفحه به توشیح رهبر طالبان رسیده و اجرایی کرده است.**

**این یکی از نفرت‌آورترین قوانینی است که طالبان برای سرکوب حداکثری جامعه افغانستان به اجرا می‌گذارد. تقلا برای سیطره کامل دستورات اسلامی به‌قصد منکوب کردن جامعه و حذف قهری زنان از حق حیات اجتماعی اساس این فرامین است. طالبان با به گروگان گرفتن مردم افغانستان در**

فقدان مشروعیت داخلی و در فشار انزوای جهانی بارها تهدید کرده‌اند که اگر به رسمیت شناخته نشوند قوانین سخت‌گیرانه‌تری بر زنان و جامعه اعمال خواهند کرد.

تمامی جریانات اسلامی برای اثبات خود، با عقب راندن و منکوب کردن زنان و با حمله مستقیم و یورش به حقوق اجتماعی زنان اعمال قدرت کرده‌اند. جمهوری اسلامی و داعش و طالبان همسان عمل کرده و می کنند.

تاروپود این قوانین صادر شده، نفرت‌پراکنی مطلق نسبت به زنان است. بیش از ۱۰۰ صفحه از کل این فرمان متکی به دستورات فقهی اسلامی و نفرت

مطلق از زنان به‌قصد حذف آنان از ساختار جامعه است.

”صدای زنان به‌مانند عورت است“. ”پنهان کردن روی زن به سبب ترس از فتنه ضروری است“. ”عورت مرد از زیر ناف الی زانوها و زانوها نیز عورت است. مردان باید ریش بگذارند و آن را کوتاه نکنند“. به‌جز پرداخت مالیات کلیه صاحبان مشاغل و کشاورزان و دامداران مجبور به پرداخت زکات و عشریه هستند. تمام بازی‌ها و سرگرمی‌ها از فیلم، عکس و ویدئو ممنوع و حرام است. استفاده از مجسمه‌های اشیای جاندار در تبلیغات حرام است. به محتسبان یا همان ”گشت ارشاد طالبان“ در حد قاضی محکمه صلاحیت داده شده است. تا خصوصی‌ترین مسایل

زندگی افراد می‌توانند مداخله کنند.

سازمان ملل، دولت‌های غربی و حامیان بی‌شرم طالبان درحالیکه این هیولا را به جان مردم بی‌دفاع افغانستان انداخته‌اند، نسبت به اجرای این فرامین تنها در حد نگرانی اعلام موضع کرده‌اند.

مردم افغانستان را نباید تنها گذاشت! به زیر کشیدن طالبان و رهایی از شر این هیولای تروریستی اسلامی، تنها با اتحاد سراسری نیروهای مترقی علیه طالبان ممکن است. این وظیفه خطیر تاریخی همه را فرامی‌خواند. اتحاد حول یک پلتفرم مترقی و سکولار و برای تأمین آزادی و برابری کل جامعه اولین اقدام در این راه است.

# علیه قوانین ضد کودک درعراق باید قاطعانه ایستاد

عبدل گلپریان

بنا به اخبار منتشر شده اخیراً جناح‌های شیعه در پارلمان عراق لایحه‌ای را برای تصویب در پارلمان آورده‌اند که طبق قوانین شریعه ازدواج یا همان تجاوز اسلامی به دختربچه‌های ۹ساله به رسمیت شناخته شده و چندهمسری رسماً قانونی شود.

در حالی چنین لایحه‌ای ضد زن و ضد کودک به پارلمان آورده می‌شود که سال‌هاست تحت حاکمیت باندهای اسلامی "ازدواج" دختران ۹ساله عملاً در دفاتر عناصر و افراد وابسته به

این جریانات انجام می‌شود. چندهمسری هم به همین شکل و بدون هیچ مانعی بردگی به تمام معنایی را به زنان تحمیل کرده است.

طی حاکمیت جریانات اسلامی در عراق در مواردی دختران ۹ ساله‌ای که به طور مخفیانه و تحت‌فشار بر اساس فرهنگ و سنت اسلامی ضد کودک مجبور به این نوع از "ازدواج" شده‌اند، اقدام به خودکشی کرده‌اند. نتایج دیگر این عمل ضد کودک، کشانده شدن آنان به مکان‌های تن‌فروشی، صیغه‌شدن توسط آخوندها در مساجد و یا آواره خیابان‌ها شدن بوده است.

اکنون باندهای اسلامی در پارلمان عراق تلاش

می‌کنند این بردگی جنسی را با تصویب در پارلمان عراق رسمیت بخشیده و قانونی کنند تا بتوانند بدون تعقیب و بدون مجازات از قوانین نیم‌بند فعلی، زندگی زنان و کودکان را به تباهی کامل بکشانند. کودک‌همسری و چندهمسری در کشورهای اسلام زده‌ای؛ چون عراق، ایران و افغانستان زندگی را از زنان و دختران زیر سن گرفته است.

در مقابل این بربریت افسارگسیخته تجمعات اعتراضی علیه توحش حاکمان اسلامی من‌جمله در بغداد و مقابل سفارت عراق در لندن صورت گرفته است. مردم سکولار و آزاده عراق که در اکتبر ۲۰۱۹ تا یک‌قدمی سرنگونی دستجات

اسلامی حاکم پیش رفتند، فعالین و مدافعان حقوق زنان و کودکان و فعالین و شخصیت‌های مدافع حقوق انسانی باید متحدانه علیه این باندها و دستجات اسلامی در عراق به میدان آمده و در مقابل دارودسته‌های اسلامی حاکم بر این کشور دست به اعتراضات وسیع و گسترده بزنند و نه‌تنها اجازه ندهند چنین لایحه شرم‌آوری به قانون تبدیل شود، بلکه در عمل نیز جلو به ازدواج درآوردن کودکان را به‌تمام‌معنی بگیرند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۱۹

۲۷ آگوست ۲۰۲۴ – ۶ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

## در این شماره ژورنال:

**جمهوری اسلامی، قطع برق و اعتراض مردم**

**رضا درویش**

**عقب‌نشینی سفیر رژیم در اتریش از دفاع از حزب‌الله**

**سیاوش آذری**

**بیست و هفتمین روز اعتصابات سراسری پرستاران**

**حزب کمونیست کارگری ایران**

# جمهوری اسلامی، قطع برق و اعتراض مردم

## رضا درویش

**بر اساس گزارش‌های رسانه‌ها قطع برق در برخی مناطق صنعتی تهران منجر به اعتراض خیابانی شده است.**

**هر سال با ورود به فصل گرما قطع برق زندگی مردم در ایران را مختل می‌کند. نبود برق در زندگی شهری و روستایی معنایش این است که مردم‌ازابتدایی‌ترین‌امکانات‌برای‌برآورده‌ساختن نیازهای اولیه خود در زندگی روزمره محروم‌اند. نیازهای اولیه همچون نگهداری مواد غذایی فاسدشدنی گرفته تا وسایل خنک‌کننده که اگر**

پاسخ بگیرند می‌تواند از مرگ افراد آسیب‌پذیر همچون سالمندان و کودکان خردسال جلوگیری کند. این موارد مخصوصاً در مناطق جنوبی کشور بسیار بیشتر مطرح هستند.

تأمین روشنایی یکی دیگر از نیازهای اولیه زندگی مردم است که از اوایل قرن گذشته به واقعیت پیوست. اما جمهوری اسلامی علی‌رغم همه ادعاهای توخالی سرنوشت دیگری برای مردم رقم زده است. رژیم میلیاردها دلار طی چند دهه گذشته برای انرژی هسته‌ای تحت عنوان اهداف صلح‌آمیز نظیر تأمین برق و مصارف پزشکی هزینه کرده است اما مردم از قطع برق رنج می‌برند و حق دارند علیه این وضعیت اعتراض کنند.

**حکومت اسلامی برای تأمین تسلیحاتی نیروهای تحت حمایت خود در عراق و سوریه و لبنان و فلسطین سالانه صدها میلیون دلار کمک مالی کرده و با افتخار می‌گوید که این کمک‌ها قطع نخواهد شد. مردم حق دارند برای تغییر این وضعیت به خیابان بیایند.**

**مردم حق دارند بر سر مسئولین پرمدعا و ریاکار که رسوایی‌هایشان در دزدی و فساد مالی و غارت منابع کشور در هر کوی و برزن ورد زبان‌هاست داد بزنند که دولت در سراسر دنیا موظف به تأمین نیازهای زندگی مردم است. تأمین برق یکی از همین نیازهای اولیه زندگی در شهر و روستاست. مردم حق دارند بر سر مسئولین فاسد**

**و چپاولگر فریاد بزنند: پس شماها چه غلطی می کنید؟**

**اگر جمهوری اسلامی به‌غلط تصور می‌کند که با توسل به زور و ادامه سیاست سرکوب و خفقان می‌تواند از پاسخگویی به نیازهای اولیه مردم در زندگی روزمره طفره برود و نسبت به این‌گونه نیازها بی‌اعتنا بماند باید بداند با این کار فقط اعتراضات مردم را گسترده‌تر می‌کند. مردم حق دارند علیه این وضعیت به خیابان بیایند و به‌موازات سایر مطالباتشان فریاد سر دهند: معیشت و منزلت حق مسلم ماست.**

# عقب‌نشینی سفیر رژیم در اتریش از دفاع از حزب‌الله

## سیاوش آذری

عباس باقرپور سفیر جمهوری اسلامی در اتریش به‌خاطر انتشار پیام "حزب‌الله پیروز خواهد شد" همراه با بنر حزب‌الله لبنان در شبکه ایکس (توییتر) از سوی وزارت خارجه اتریش احضار شد. هر چند در واکنش به اعتراض گسترده احزاب مختلف اتریش باقرپور این پیام خود را حذف کرد؛ اما وزارت خارجه اتریش اقدام باقرپور در استفاده از پرچم حزب‌الله را به‌شدت محکوم کرد. همچنین "اداره حفاظت از قانون و خدمات اطلاعاتی" که بالاترین نهاد اطلاعاتی اتریش است علیه سفیر جمهوری اسلامی شکایت رسمی به ثبت رسانده

است.

عقب‌نشینی سفیر رژیم از موضع دفاع از تروریست‌های حزب‌الله نشانه حال زار جمهوری اسلامی و تو خالی بودن رجزخوانی‌های مقامات ریزودرشت رژیم مبنی بر "انتقام سخت" از اسرائیل و "خون‌خواهی قطعی هنیه" است. وعده پیروزی حزب‌الله و عقب‌نشینی در مقابل واکنش‌های سیاسی، بازتاب سیاست جنگی موشک‌پراکنی و حمله‌های پهپادی بی‌اثر رژیم و نیروهای نیابتی آن به اسرائیل و ادعای هدف قراردادن مراکز نظامی و خودداری از حمله به افراد و اماکن غیرنظامی اسرائیل به دلائل انسان‌دوستانه است. این صورت خود را با سیلی سرخ نگه‌داشتن رژیمی است

کارنامه‌اش مملو از کشتار انسان‌ها، شکنجه و اعدام‌های علنی و پنهانی و حمایت سیاسی، مالی و تسلیحاتی از گروه‌های ریزودرشت تروریستی اسلامی در منطقه و جهان است. رژیمی که موجودیتش به ایجاد بحران گره‌خورده است اکنون با بحران خودداری از ایجاد بحران مواجه شده.

مسلماً فشار دولت‌های جهان به‌ویژه غرب بر جمهوری اسلامی و تشدید انزوای سیاسی و دیپلماتیک حکومت و انزجار افکار عمومی بخش قابل‌توجهی از مردم جهان از آن نقش بسزایی در وضعیت کنونی رژیم ایفا می‌کند. اما این تغییر سیاست غرب و نفرت مردم جهان از حکومت

**الله بازتاب نیروی انقلاب زن زندگی آزادی است. موضع طلبکارانه‌تر غرب از موقعیت شکننده رژیم و در آستانه ازهم‌پاشیده شدن شیرازه آن به یمن انقلاب مردم سرچشمه می‌گیرد.**

**شبح انقلاب زنانه همچنان بر فراز ایران در گردش است و رود خروشان آن در اعماق جامعه جاری است. مردم در ایران می‌توانند با برافراشتن پرچم انقلاب به حیات منحوس بختک رژیم اسلامی پایان دهند و خود و تمامی مردم جهان را از شر این جانیان آزاد نمایند.**

# بیست و هفتمین روز اعتصابات سراسری پرستاران

## حزب کمونیست کارگری

**دوشنبه ۵ شهریور:**

**- مراقبین سلامت استان فارس در مقابل استانداری دست به تجمع زدند.**

**- پرستاران و کادر درمان کرمانشاه در مقابل استانداری کرمانشاه تجمع کردند.**

**- در گرگان پرستاران در مقابل ستاد مرکزی دانشگاه گلستان پس از تجمع در مقابل ستاد مرکزی دانشگاه گلستان، به‌طرف استانداری دست به راهپیمایی زدند.**

**- پرستاران بیمارستان خمینی در کنگان دست به اعتصاب زدند و اعلام کردند که تنها بیماران**

اورژانسی که از بخش اورژانس یا اتاق عمل به بخش بستری ارجاع داده شوند، پذیرش و بستری می‌شوند و کوچک‌ترین خللی در خدمات‌رسانی بخش اورژانس به بیماران اورژانسی (سطح ۱ و ۲) ایجاد نشده است.

- «پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد - ایران» با انتشار بیانیه‌ای ضمن حمایت از اعتراضات و اعتصابات پرستاران در ایران، سیاست‌های سرکوبگرانه دستگاه‌های امنیتی علیه پرستاران و دیگر زحمت‌کشان در ایران را محکوم کرد.

- سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های

کارگری، گروه اتحاد بازنشستگان و کارگران بازنشسته خوزستان بیانیه مشترکی در حمایت از پرستاران منتشر کردند. بازنشستگان شوش نیز در تجمع امروز خود بر درمان رایگان تأکید کردند و سخنرانی فریدون نیکوفرد در حمایت از پرستاران مورد استقبال جمعیت قرار گرفت.

– در شهر گوتنبرگ سوئد روز اوت (۴ شهریور) تجمعی در حمایت از اعتصابات پرستاران برگزار شد.

مطالبات و خواسته‌های جامعه پرستاری صرفاً پرداخت معوقات نیست! پرستاران خواهان:
بهبود معیشت و رفاه از طریق قرارگرفتن فوق‌العاده خاص در احکام با ضریب مناسب،

اصلاح تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری، بازگشت به کار نیروهای طرحی (دوران کرونا)، حذف اضافه‌کاری اجباری و تصحیح حق‌الزحمه مربوط به اضافه‌کاری، اجرای بخشنامه رفاهیات و اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور. پرستاران همچنین خواهان آزادی فوری پرستاران دستگیرشده و آزادی اعتصاب و اعتراض هستند. لازم به یادآوری است که در روزهای گذشته تعدادی از پرستاران بازداشت شده‌اند و در حال حاضر تعدادی از آنها در شهرهای مشهد، تهران و اراک در بازداشت به سر می‌برند.

اینها بخشی از مطالبات فوری پرستاران و کادر درمان هستند که اعتصاب و اعتراض آنها به بیش

**از ۵۰ شهر کشیده شده است.**

**لازم به یادآوری است که در روزهای گذشته تعدادی از پرستاران بازداشت شده‌اند و در حال حاضر تعدادی از آنها در شهرهای مشهد، تهران و اراک در بازداشت به سر می‌برند.**

**حمایت از پرستاران را هر چه بیشتر گسترش دهیم و خواهان تحقق کلیه مطالبات بحق آنها و درمان رایگان برای همه مردم شویم.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۲۰

۲۸ آگوست ۲۰۲۴ – ۷ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

## در این شماره ژورنال:

برکناری علی انتظاری نشانه ترس رژیم

شهاب بهرامی

نماینده "کُرد اهل‌سنت" ، معاون پزشکیان

کیوان جاوید

اعتصابات پرستاران و سیاست حکومت

اصغر کریمی

پزشکیان استارت زد، "ارزان‌فروشی بنزین!"

یاشار سهندی

بیانیه ۶۸ سازمان و نهاد در حمایت از "سه‌شنبه‌های نه به اعدام"

# برکناری علی انتظاری نشانه ترس رژیم

## شهاب بهرامی

علی انتظاری رئیس دانشکده علوم اجتماعی روز ۲۹ مرداد در برنامه تلویزیونی شیوه، کشته‌شدن مهسا امینی در سال ۱۴۰۱ را "نفله شدن یک دخترخانم کرد سنی" خواند و همچنین مدعی شد که جمهوری اسلامی در اعتراضات پس از جان‌باختن مهسا "پدرانه" رفتار کرده و خشونت به خرج نداده است. توهین بی‌شرمانه‌ای که براثر اعتراض مردم و پدر و مادر مهسا و ترس رژیم از بالاگرفتن این اعتراضات در آستانه سالگرد انقلاب مهسا به برکناری‌اش منجر شد.

**از پاسدار امنیتی که سالیان متمادی عضو شورای انقلاب‌فرهنگی بوده و سه دوره رئیس جهاد دانشگاهی را در رزومه سیاهش دارد سخنانی این‌چنین وقیحانه، جای تعجب ندارد.**

**در سال‌های اخیر از قتل فجیع ندا آقا سلطان تا قتل مهسا ژینا امینی و تا به امروز، جانیان تبهکار حاکم بر ایران چند هزار نفر از جوانان شجاع و نازنین مردم را به قتل رسانده، صدها چشم را نابینا و چند صد نفر را اعدام نموده‌اند و اینها همه از نظر این پاسدار دانشگاهی نه‌تنها خشونت نبوده؛ بلکه رفتاری کاملاً پدرانه نیز بوده است. به‌راستی توضیح و توصیف این‌همه وقاحت و**

گستاخی برای مورخ بی‌طرفی که برای آیندگان به ثبت تاریخی وقایع این دوره همت می‌گمارد اگر غیرممکن نباشد بی‌گمان و قطعاً کاری دشوار و شاق خواهد بود.

انتظاری همچنین تلاش می‌کند که مهسا را فقط به "کردها" و "سنی‌ها" مربوط کند. انقلاب زن زندگی آزادی و همبستگی مردم در سراسر ایران درخود پاسخ و تودهنی بزرگی به این تلاش عبث بوده و هست.

در آستانه دومین سالروز انقلاب زن زندگی آزادی، توهین به ژینا این سمبل زنده انقلاب توسط استاد سفیه، پاسدار علی انتظاری که به

خیال خام خویش حمله به جلو می‌کند در شرایطی اتفاق می‌افتد که تپش قلب این انقلاب را در میان خیزش پرستاران و اعتراضات و اعتصابات کارگران و اقشار دیگر می‌شود شنید. انقلاب پیش می‌رود و رژیم را وادار به عقب‌نشینی می‌کند و این‌چنین می‌شود که آن دهان‌دریده‌هایی که توهین می‌کنند و یاوه می‌سرایند روز بعدش مجبورند شکر نوش جان کنند و به‌غلط کردن بیفتند. آن روزی که نوبت شکر خوردن رئیس اصلی این دزدان آدمکش و بی سر و پا نیز برسد دیر نیست.

# نماینده "کُرد اهل‌سنت"، معاون پزشکیان

## کیوان جاوید

در خبرها آمده است: "پزشکیان، با صدور حکمی عبدالرحیم حسین‌زاده، نماینده کُرد و اهل‌سنت مجلس را به سمت معاون خود در امور "توسعه روستایی و مناطق محروم کشور" منصوب کرد."

در حکم پزشکیان آمده است: "شایسته است به‌منظور بهبود شرایط زندگی روستاییان و ارتقای شاخص‌های توسعه روستایی با تأکید بر نقش روستاییان در تحقق اقتصاد مقاومتی، ضمن هماهنگی با دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط در چارچوب شرح وظایف مصوب آن معاونت،

پیگیری و نظارت لازم به عمل‌آورید".

آیا "جامعه روستایی" در ایران که طی ۴۵ سال گذشته گرفتار فقر و فلاکت و دیکتاتوری بوده همین یکی را کم داشته که "نماینده کُرد اهل‌تسننی" بلند شود و روستاها را آباد و احیا کند؟ خیال باطل است کسی این انتصاب را به‌حساب امتیازدادن به "اقلیت‌های ملی - قومی" یا به روستائیان بگذارد تا خیال این بخش از جامعه راحت شود و به خود بگویند: حالا نماینده‌ای از خودمان و هم زبان با ما پیگیر مشکلات ما می‌شود.

اگر چنین نیست پس حکمت این انتصاب چیست؟ حقیقت این است که کردستان و خوزستان

سیستان و بلوچستان شدیداً درگیر انقلاب زن زندگی آزادی بودند و در برابر حکومت اسلامی ایستاده و خواب سران رژیم را به کابوس بدل کرده‌اند. اتحاد مردمان در خوزستان و کردستان و آذربایجان و سیستان و بلوچستان یکی از باشکوه‌ترین همبستگی‌ها علیه رژیم است.

جمهوری اسلامی در دل انقلاب زن زندگی آزادی در کردستان واقعاً تا لبه پرتگاه سرنگونی عقب نشست. مهسا سمبل این انقلاب، در کردستان و در همه جای ایران و همچنین در جهان به نماد انقلاب علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد. حالا رژیم اسلامی با انتخاب یک‌مهره امتحان پس داده مزدور حکومتی می‌خواهد به خیال خود

این نیروی سرنگونی طلبی را از درون مهار کند. همچنین به نیروهای قومی و ناسیونالیست‌های کُرد و... سیگنال بدهد که یکی از خودشان معاون پزشکیان شده است. یادمان هست با انتخاب پزشکیان سیگنال پایان انقلاب در ایران توسط یکی از رهبران حزب دمکرات زده شد. اما قدرت جنبش سرنگونی این پیام را در نطفه خفه کرد.

مهره‌های رژیم اسلامی در هر لباسی و با هر زبانی در خدمت مافیای جنایت‌کار اسلامی‌اند. انقلاب و رهایی و خوشبختی نه مرز می‌شناسد و نه زبان، فقط با زبان انسانیت حرف می‌زند و عمل می‌کند.

# اعتصابات پرستاران و سیاست حکومت

اصغر کریمی

وزارت بهداشت اعلام کرد که "بخش اول جبران مطالبات جامعه پرستاری (منظورشان به زبان آدمیزاد پرداخت معوقات است) به دانشگاه‌های علوم پزشکی پرداخت شده و رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی باید این مطالبات را دراسرع‌وقت به پرستاران پرداخت کنند." معاون پرستاری وزارت بهداشت گفت این معوقات حداکثر ظرف سه هفته پرداخت می‌شود. فعلاً در انتظار پاسخ دولت هستیم! او همچنین گفت ضریب ریالی اضافه کاری هم پیشنهاداتی شده که اگر! وزارت بهداشت تصویب کند بودجه هم پیش‌بینی می‌شود.

سایر مطالبات مثل تعرفه‌ها، کمبود پرستار، فوق‌العاده خاص و قانون مشاغل سخت و زیان‌آور هم گفته‌اند مباحثی مربوط به آینده است. گفته‌اند برای عملی‌شدن برخی از این مطالبات که مثل قانون مشاغل سخت و زیان‌آور ۱۵ سال پیش تصویب شده بودجه نداریم و برای ارتقای بهره‌وری کمبود نیرو داریم.

اعتصاب قدرتمند و سراسری پرستاران که هر روز به شهرها و بیمارستان‌های تازه‌ای می‌رسد حکومتیان را دستپاچه کرد که بخشی از معوقات را پرداخت کنند و به‌موازات تهدید پرستاران امیدوار باشند که در میان آنها شکاف ایجاد کنند و بحران را دفع

کنند. پرستاران می‌گویند وعده‌ها "برای فروکش دادن خشم پرستاران بعد از نزدیک به یک ماه اعتراض و اعتصاب بسیار سخیف است". "گوشمان از وعده‌های توخالی شما پر است. مطالبات و حق ما از چندرغازی که می‌خواهید از هزار لای دالان‌های اداری از وزارت بهداشت تا دانشگاه‌های علوم پزشکی و بیمارستان‌ها به ما پرستاران برسانید، بسیار عمیق‌تر است". می‌گویند کوتاه نمی‌آییم. اولتیماتوم داده‌اند که اگر خواست‌هایشان جواب نگیرد در تاریخ‌های اعلام شده بعدی اعتصاب را از سر می‌گیرند.

پرستاران گوشه‌ای از قدرت خود را نشان دادند. اعتصابات و تجمعات همچنان در حال برگزاری

است. اولتیماتوم‌های محکم خود را داده‌اند و با توپ پر ایستاده‌اند و در حال اتحاد و انسجام بیشتر هستند.

گسترش اعتصاب به سایر شهرها و بیمارستان‌ها و حمایت وسیع مردم دو فاکتور اساسی برای اعمال قدرت بیشتر و تحمیل خواست‌های پرستاران به حکومت است. حتی در بیمارستان‌هایی که هنوز اعتصاب و تجمع نشده فضای اعتراضی حاکم است. پتانسیل اعتراض در میان پرستاران و کادر سلامت بالاست. این پتانسیل هر چه بیشتر عملی شود قدرت اعتراض را بالاتر می‌برد. هم‌زمان باید حمایت قلبی مردم شهرها را به حمایت عملی تبدیل کرد، سازماندهی حمایت خانواده‌های

**پرستاران تا خانواده‌های بیماران و مردم معترض شهرها. کاری که روی دوش پرستاران و فعالین و تشکل‌ها است.**

# پزشکیان استارت زد، "ارزان‌فروشی بنزین! "

## یاشار سهندی

**پزشکیان: "من پول گندم ندارم، پول نهاده ندارم، منابع مالی برای پرداخت حقوق بازنشستگان را ندارم، بااین‌حال بنزین را با قیمت بالا می‌خریم و ارزان می‌فروشیم."**

**پزشکیان با این حرف‌ها ثابت می‌کند که هیچ‌چیزی در شارلاتان و بی‌شرم بودن از دیگر کارگزاران حکومت اسلامی کم ندارد. گره‌زدن پول نداشتن برای مثلاً حقوق بازنشستگان یا بخش مهمی از اقلام اساسی معیشت مردم به "ارزان‌فروشی بنزین"، به‌خوبی گویای این است**

که پزشکیان درس‌های خود را در مکتب اسلام، برای حفظ حکومت اسلامی، به‌خوبی فراگرفته است.

حکومتی که برای مراسم کذایی اربعین پول لازم را فراهم می کند تا یک سفر مجانی برای "عاشقان حسین" با تمام امکانات لازم فراهم باشد. حکومتی که در یک‌قلم بیش از سیصد موشک و پهپاد را به سمت اسرائیل شلیک می کند که رقمی حدوداً ۵۸۷ میلیون دلار هزینه شده است. حکومتی که چمدان، چمدان دلار به مزدورانش در منطقه پول می‌دهد که فضای جنگی را زنده نگه دارند. حکومتی که هر بار خبر اختلاسی یا دزدی رو می‌شود، رکورد قبلی را می‌شکند؛ از اختلاس ۱۲۳

میلیارد تومان سال ۷۸ تا ۳ هزار میلیاردتومانی چای دبش سال ۱۴۰۱. حکومتی که برای اشاعه جهل و خرافه و پرورش‌دادن پست‌ترین قاتلان انسان‌ها و انسانیت در حوزه علمیه هر چقدر که لازم بداند خرج می‌کند و... اینها هیچ‌کدام قابل این نیستند که با ارزان‌فروشی بنزین گره زده شوند، اما حقوق چندین برابر زیر خطر فقر بازنشستگان که تماماً نتیجه تصمیم حکومت اسلامی برای تحمیل فقر و فلاکت روزافزون است و درعین‌حال بدهکاری کلان دولت‌های مختلف به صندوق‌های بازنشستگی، و هم‌زمان اختلاس‌های نجومی از همین صندوق‌ها؛ برای پزشکیان و هر کار به دست دیگر جمهوری اسلامی اصلاً مهم نیست، چون خود در این دزدی‌های کلان شریک

هستند.

پزشکیان از اقتصاددانان و علمشان کمک خواسته تا گرانی بیشتری به مردم با گران‌کردن بنزین تحمیل کنند. اما همین اقتصاددانان بارهاوبارها هشدار دادند که "شورش گرسنگان" حکومت را تهدید می‌کند. شورشی که می‌تواند منجر به رفاه مردم شود. جلوه‌هایی از این شورش را در اعتصاب پرستاران شاهد هستیم. تنها راه "ارزان‌سازی" زندگی، تأمین معیشت در حد رفاه و در نتیجه منزلت مردم، سرنگونی حکومت اسلامی است، تا ثروت جامعه خرج رفاه مردمی شود که ثروت را می‌آفرینند.

# بیانیه ۶۸ سازمان و نهاد در حمایت از "سه‌شنبه‌های نه به اعدام"

۶۸ سازمان و نهاد مدافع حقوق انسان از ایران و در سطح بین‌المللی، ضمن اعلام همبستگی با جنبش "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" در زندان‌های ایران، طی بیانیه‌ای خواستار حمایت جامعه بین‌الملل از جنبش روبه‌رشد لغو مجازات اعدام شدند. از میان امضاکنندگان بیانیه می‌توان از سازمان حقوق بشر ایران، ائتلاف جهانی علیه مجازات اعدام، شبکه ضد مجازات اعدام آسیا، مؤسسه حقوق بشر کانون وکلای بین‌المللی، شش‌رنگ (شبکه لزبین‌ها و ترنسجندرهای ایران)، جمعیت حقوق بشر کردستان – ژنو، کمیته بین‌المللی

علیه اعدام و کارزار جهانی نه به اعدام در ایران نام برد.
متن کامل این بیانیه بدین قرار است:

در حمایت و همبستگی با ” سه‌شنبه‌های نه به اعدام“ در ایران
در ۲۰ روز نخست ماه اوت به طور میانگین هر شش ساعت، یک نفر در زندان‌های ایران اعدام شده است. از سال ۲۰۲۱ میلادی، آمار اعدام‌ها هر سال افزایش‌یافته؛ تا جایی که در سال ۲۰۲۳ میلادی دست‌کم ۸۳۴ تن به دار آویخته شدند. سازمان حقوق بشر ایران در سال جاری میلادی، تا روز ۲۶ اوت، دست‌کم ۳۹۵ اعدام را ثبت و تأیید کرده است. اعدام‌هایی که برای اتهام‌های

مرتبط با مواد مخدر اجرا می‌شوند، کماکان بیشترین تعداد را دارند. گروه‌های به حاشیه رانده‌شده و اقلیت‌های اتنیکی، به‌ویژه کردها و بلوچ‌ها، نسبت به جمعیتشان، درصد بالایی را در میان اعدام‌شدگان تشکیل می‌دهند.

جمهوری اسلامی از مجازات مرگ به‌عنوان ابزار سرکوب سیاسی استفاده می‌کند و احکام اعدام در دادگاه‌هایی بدون رعایت حداقل‌های استاندارد دادرسی و روند قضایی صادر می‌شوند.

در پی اجرای اعدام‌های جمعی در کرج و اعدام زندانیان سیاسی، در ژانویه ۲۰۲۴ گروهی از زندانیان سیاسی شجاع در زندان قزل‌حصار

کرج علیه اعدام‌ها اعتراض کردند؛ اعتراضی که با خشونت سرکوب شد. این گروه از زندانیان سیاسی با عقاید و گرایش‌های مختلف از روز ۳۰ ژانویه، هفته‌ای یک‌بار اعتصاب‌غذا می‌کنند که به عناوین «سه‌شنبه‌های سیاه» و «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» نامیده شده است. روز سه‌شنبه ازاین‌جهت انتخاب شده که معمولاً در این روز محکومان به مرگ در زندان قزل‌حصار را برای اعدام به سلول انفرادی منتقل می‌کنند.

این اعتصاب‌غذای هفتگی اکنون سی و یکمین هفته خود را می‌گذراند و به ۱۷ زندان دیگر در ایران گسترش یافته است. شرکت‌کنندگان در این اعتصاب‌ها به‌رغم سرکوب خشونت‌بار بر

**خواسته خود برای لغو اعدام پای می‌فشارند.**

**ما امضاکنندگان این بیانیه، همبستگی و حمایت خود را از جنبش «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در زندان‌های ایران اعلام می‌کنیم. ما خواستار توقف تمامی اعدام‌ها در ایران هستیم و از جامعه بین‌الملل می‌خواهیم تا جنبشِ روبه‌رشد «لغو اعدام» در ایران را حمایت کند.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۲۱

۲۹ آگوست ۲۰۲۴ – ۸ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

سیمای زیبای رخشان بنی‌اعتماد و باران کوثری

سیما بهاری

فاطمه مهاجرانی سخنگوی ارتجاع و زن ستیزی

حسن صالحی

اقتصاد "بلوکه"، دلایل آن و راه برون‌رفت

سینا پدرام

جنبش معیشتی و نافرمانی مدنی، جنبش سرنگونی است

کیوان جاوید

# سیمای زیبای رخشان بنی‌اعتماد و باران کوثری

## سیما بهاری

در پی انتشار تصویر بدون حجاب از رخشان بنی‌اعتماد و باران کوثری، دادستانی تهران اعلام کرد: "علیه یک کارگردان زن و یک بازیگر سینما" به دلیل "کشف حجاب در یک مکان عمومی" اعلام‌جرم کرده و پرونده قضایی تشکیل داده است. بنا بر گزارش خبرگزاری‌های حکومتی روز چهارشنبه هفتم شهریور، قوه قضاییه جمهوری اسلامی نیز اعلام کرد: "این کارگردان زن و دخترش در نشست نقد و بررسی یک فیلم، بدون رعایت حجاب حضور پیدا کرده بودند" و به همین دلیل برای آنها "ضمن اعلام‌جرم، پرونده قضایی در دادسرای عمومی و انقلاب تهران تشکیل شد."

حالا این دو تصویر بی‌حجاب را با آن مترسک سر جالیز، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی پزشکیان مقایسه کنید تا متوجه عمق تضاد زنان و همه مردم با همه کاربدستان حکومت اسلامی شویم. زنان مبارزی که در دل این شرایط سخت و نفس گیر حجاب اسلامی را بر زمین کوبیدند و آنچنان منظره زیبایی از مبارزه و مقاومت ترسیم کردند که پشت سران حکومت اسلامی از این‌همه شجاعت لرزید و همچنان می‌لرزد.

مادر و دختری که در عرصه فعالیت سینمایی افرادی شناخته شده و محبوب جامعه هستند از موهای خود پرچمی ساختند که نماینده اعتماد و عزت و احترام در جامعه باشد، نماینده هویت

**و کرامت انسانی زنان و پیام‌رسان مبارزه علیه حکومتی که پاسدار غم و تیرگی و فلاکت عمومی است.**

**نبرد "نور با تاریکی" نبرد زندگی با مرگ. رژیم اسلامی با محکوم‌کردن بی‌حجاب‌ها و دیگر معرضین سیاسی و اجتماعی راه به جایی نمی‌برد و در مقابل این عزم اجتماعی چاره‌ای جز پذیرش شکست ندارد. تا آن روز شیرینِ درهم‌شکسته شدن حکومت اسلامی از همه مبارزین راه آزادی و برابری با همه امکانات موجود دفاع کنیم. به آنها نیرو بدهیم و از این عزیزان نیرو بگیریم. همه‌جا و در هر فرصتی از رخشان بنی‌اعتماد و باران کوثری نام ببریم و رفتار اجتماعی این دو زن شجاع را وسیع‌تر دنبال کنیم.**

# فاطمه مهاجرانی سخنگوی ارتجاع و زن ستیزی

## حسن صالحی

مسعود پزشکیان روز چهارشنبه هفتم شهریور فاطمه مهاجرانی را به‌عنوان سخنگوی خود معرفی کرد. ظاهراً ما باید از خوشحالی پرواز کنیم که برای اولین‌بار در طول ۴۵ سال یک زن، سخنگوی دولت جمهوری اسلامی شده است.

روشن است که مسئله رفع موانع تبعیض‌آمیز از سر راه زنان، برای اینکه بتوانند در فعالیت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی نقش‌آفرینی کنند، چنان بر حکومت اسلامی سنگینی می‌کند که حالا حضرات به فکر این افتاده‌اند که ویترینشان

را با حضور یک زن پیچیده شده در حجاب و تماماً وفادار به‌نظام اسلامی مزین کنند. یکی از محورهای اصلی انقلاب زن زندگی آزادی، رهایی زنان از آپارتاید جنسیتی حاکم و حصول برابری بی‌قیدوشرط زن و مرد در سطح حقوقی و در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است.

عده‌ای به‌اصطلاح فمینیست اسلامی بی‌مقدار و وامانده با شوروشعف انتصاب فاطمه مهاجرانی به سخنگویی دولت را مثبت ارزیابی کرده‌اند. اما برای زنان آزادیخواه و برابری‌طلب فرقی نمی‌کند که سخنگوی دولت فاشیست و زن‌ستیز حاکم زن باشد یا مرد. جمهوری اسلامی با انتخاب یک زن محجبه غیر چادری به‌عنوان سخنگوی دولت

شاید می‌خواهد در نزد دول غربی و انظار جهانیان دلربایی کند و تصویر دیگری از خود ارائه دهد. اما همه جهانیان دیده‌اند که چگونه این رژیم قرون‌وسطایی به‌خاطر حجاب مهسا (ژینا) امینی را به قتل رساند، چطور آرمیتا گراوند را کشت، چطور آرزو بدری را با گلوله‌های مرگبار فلج کرد و چگونه هر روز زنان را به جرم بی‌حجابی مورد اذیت و آزار قرار می‌دهد یا دستگیر می‌کند.

فاطمه مهاجرانی صرفاً عروسکی کوکی در دست زمامداران مردسالار اسلامی است که طبق قانون خودشان حتی نمی‌تواند بدون اجازه شوهرش به جایی سفر کند، اما حالا به جلو رانده شده تا د ظاهر یک زن نشان دهد که حجاب و همه قوان

تبعیض‌آمیز رژیم علیه زنان حاصل "انتخاب" خود زنان است. اما جنبش زنان برای رهایی به فاطمه کماندو های حکومت نیازی ندارد، چون خودش سخنگویان مترقی فراوانی دارد.

دو سال پیش زنان ایران، در پیشاپیش صفوف انقلاب، با سوزاندن حجاب‌های خود به استقبال روزی رفتند که ورافتادن آپارتاید جنسیتی و برقراری برابری کامل زن و مرد را جشن بگیرند. مبارزه تا تحقق این هدف همچنان ادامه دارد.

# اقتصاد "بلوکه"، دلایل آن و راه برون‌رفت

سینا پدرام

یک عضو اتاق بازرگانی زاهدان در مصاحبه با خبرگزاری ایلنا گفت: " پاکستان پول برق و محصولات وارداتی نفتی از ایران را بلوکه کرده است."

خبری به‌ظاهر کوچک که واقعیت سیاسی و وضعیت آشفته رژیم را به‌روشنی بیان می‌کند. خبر "بلوکه‌شدن پول‌های ایران" جزء خبرهای روزمره محسوب می‌شود و چنین خبرهایی به‌ظاهر معمولی، به معنای واقعی گویای بسیاری از نکاتی هستند که موقعیت رژیم در تقابل با مردم را نشان

می‌دهد.

اینکه چرا و چگونه رژیم در شرایطی که نه‌تنها از تأمین برق منازل بلکه از تأمین برق ادارات و صنایع عاجز است، برای تأمین بودجه‌های جنگی و سیاسی مذهبی خود به فروش برق دست می‌زند، نیازی به تحلیل ندارد. وجود دزدسالاری در اقتصاد این رژیم درست همزاد خود رژیم است.

واقعیت این است که اوضاع مالی رژیم چنان وخیم است که حاضر به فروش هر چیزی با نازل‌ترین قیمت بازار جهانی است. واقعیت دیگر این است که با توجه به واقف بودن کشورهای دور و نزدیک از چنین ناچاری مزمنی خیلی ساده با مانورهای

کاملاً کوچکی، حضرات اسلامی را به‌قول‌معروف "سرکیسه" می‌کنند. نفت می‌گیرند و چای بنجل تحویل می‌دهند.

رژیم اسلامی هیچ اهرم سیاسی و اقتصادی برای مقابله با این "تعرضات" سیاسی و اقتصادی در دست ندارد. این ابزارها سال‌هاست کارآیی خود در منطقه و جهان را از دست داده‌اند. شکست رژیم إسلامی در به تمکین کشاندن مردم که با سرکوب‌های خونین آغاز شده و تاکنون ادامه دارد، واقعیت پرتناقض رژیم در سیاست را رقم زده است.

برای "جذب سرمایه" نیاز به جامعه‌ای گورستانی داشتند. برای کشاندن سرمایه‌های میلیاردی نیاز

به مردمی "بی توقع" و کارگران خاموش داشته و دارند. در عوض پس از چهل و پنج سال پرستارانی "گستاخ" در تمامی شهرها به رژیم اسلامی اولتیماتوم می‌دهند.

به این اعتبار رژیم اسلامی که یک وصله ناجور در سیمای سیاسی ایران پس از انقلاب ۵۷ محسوب می‌شود، معمار این اقتصاد نیست بلکه ساختار سیاسی یک اقتصاد نامتعارف و جوش نخورده با سیستم جهانی سرمایه داری است. انقلاب ۵۷ این تناقضات را در دل سرمایه‌داری ایران کاشت. اما این انقلاب زن زندگی آزادی است که این تناقضات سیاسی و اقتصادی را می‌تواند به نتیجه منطقی و قطعی خود برساند.

# جنبش معیشتی و نافرمانی مدنی،
# جنبش سرنگونی است

کیوان جاوید

بنا بر گزارش‌ها روز هفتم شهریور اعتصاب بیش از هزار کارگر واگن پارس اراک وارد سی و دومین روز خود شد و کارگران برای پیگیری مطالبات خود در محوطه شرکت تجمع داشتند. روز دوشنبه پنجم شهریور بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش حمایت خود را از اعتراضات کارگران واگن پارس که بازتاب اجتماعی گسترده‌ای داشته است اعلام داشتند.

اعتصاب قدرتمند و سراسری پرستاران که هر

روز به شهرها و بیمارستان‌های تازه‌ای می‌رسد حکومت را دستپاچه کرد. پرستاران می‌گویند وعده‌ها "برای فرونشاندن خشم پرستاران بعد از نزدیک به یک ماه اعتراض و اعتصاب بسیار سخیف است". "گوشمان از وعده‌های توخالی شما پر است."

این سه خبر تنها نوک کوه یخ اعتراضات مداوم معیشتی در ایران است. اعتراضات و اعتصابات به تعداد بیشتری در جریان است. بعضاً اعتراضات همچون اعتراضات بازنشستگان و معلمان وسیع تر و گسترده‌تر می‌شوند و بعضاً افت پیدا می‌کنند، اما آنچه نبض جامعه با آن می‌زند اعتراض است.

مقابله با حکومت فقر و فلاکت و تلاش برای دست‌یافتن به منزلت و معیشت در ایران تعطیل ناپذیر است. از سوی دیگر یک جنبش قوی و تعطیل ناپذیر مقابله با ارتجاع اسلامی در جریان است که جمهوری اسلامی را شدیداً دچار بحران سیاسی کرده است. بی‌حجابی یک نمونه است؛ مقابله با خرافات اسلامی – مذهبی و متکی شدن به فرهنگ پیشرو و مدرن جهانی یک نمونه دیگر است.

این جنبش‌ها در چهارچوب نظام فعالیت و مبارزه نمی‌کنند. هیچ نیرویی نمی‌تواند این جنبش‌ها را متقاعد کند که رژیم می‌تواند معیشت انسانی مزدبگیران را تأمین کند و هیچ معجزه‌ای

نمی‌تواند مردم را به این نتیجه برساند که رژیم از نظر سیاسی و فرهنگی به‌سوی ترقی‌خواهی و مدرنیسم حرکت کند. هر درجه عقب‌نشینی رژیم در این عرصه‌ها گامی به‌سوی پیشروی بیشتر است.

هر نفسی که در جامعه کشیده می‌شود به این امید است که همه حرکات و رفتارها و مبارزات فردی و اجتماعی مردم به انقلاب و سرنگونی حکومت منجر شود. انقلاب آن طوفانی سهمگینی است که در حال شکستن سد فرسوده جمهوری اسلامی است. مبارزه برای معیشت و منزلت و رهایی سیاسی و فرهنگی را به هم گره بزنیم تا رهایی را به دست بیاوریم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۲۲

۳۱ آگوست ۲۰۲۴ – ۱۰ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

دستکم ۲۱ تجمع اعتراضی طی یک روز

سینا پدرام

مراسم باشکوه خاکسپاری مبینا زینی وند قربانی قتل ناموسی

شهلا دانشفر

در دفاع از کولبران متشکل شویم

هژار علیپور

قتل محمد میر موسوی در بازداشتگاه

کیوان جاوید

# دستکم ۲۱ تجمع اعتراضی طی یک روز

## سینا پدرام

گزارش‌ها نشان می‌دهد روز چهارشنبه هفتم شهریورماه دست‌کم ۲۱ تجمع اعتراضی – مطالباتی در شهرهای مختلف ایران برگزار شده است.

احتمالاً آمار کاملی نیست و تعداد حرکات و اعتراضات کارگری و مطالباتی در روزهای اخیر می‌تواند بیشتر از این رقم باشد. نکته قابل‌توجه اما تنها تعداد این اعتراضات نیست، بلکه نوع مطالبات و روشن‌بینی معترضین اهمیت ویژه‌تری دارد. عدالت‌خواهی و اعتراضات به تبعیضات

از شاخصه‌های اصلی حرکات بازنشستگان، پرستاران، کارگران واگن پارس و کارگران نفت و غیره بوده است. شعارها و مطالبات بسیاری از این اعتراضات نه‌تنها شعارهای مطالباتی هستند، بلکه سیاست‌های ضدانسانی و ستمگرانه رژیم را زیر نقد قرار می‌دهند.

رژیم اسلامی با تمام توان انتظامی، امنیتی و تبلیغاتی خود در تمامی ده‌های گذشته به‌عبث سعی کرده تا ایران را به یک بهشت "آرام و ساکت" برای میلیاردرها تبدیل کند، ولی آمارها و گزارش‌های سالهای اخیر خلاف این امر را نشان می‌دهند و اعتراضات بی‌وقفه علیه این شرایط جهنمی ادامه دارد و منظماً رو به گسترش است.

پس از سرکوب اعتراضات خیابانی ۱۴۰۱ رژیم می‌پنداشت که جامعه را مرعوب کرده و آنرا به نقطه“صفر” خواهد کشاند اما اکنون کاربه دستان رژیم متوجه شده‌اند که انقلاب زن زندگی آزادی نه تنها شکست نخورده است بلکه در تعین خود و در شفافیت بخشبدن به مطالبات گام‌های بسیار به جلو برداشته است.

از سوی دیگر اگر وجه سرنگونی طلبانه اعتراضات ”صنفی“ و مطالباتی چند سال اخیر نادیده گرفته شود، بدون شک دینامیسم اعتراضات اجتماعی در ایران دیده نشده است. واقعیت امر این است که هر حرکت مطالباتی حتی اگر برای جلوگیری از تخریب یک پارک در تهران باشد، خود را در مقابل کل رژیم اسلامی خواهد یافت. دخالت

مستقیم حکومت اسلامی در تمامی ابعاد اجتماعی و سیاسی و اقتصادی باعث شده است که هر اعتراض کوچک و بزرگ پای جنایتکاران وزارت اطلاعات و سپاه و غیره را به میدان بکشاند. چنین رابطه رودررو با جامعه برای رژیم بسیار هزینه‌بردار و پرمخاطره است و رژیم اسلامی بدون شک بسیار شکننده‌تر از دول دیگر در مقابل این اعتراضات قرار می‌گیرد.

آنچه که می‌تواند و باید رخ دهد هماهنگی و همبستگی این اعتراضات در ابعاد سراسری است. حرکت‌های سراسری مانند اعتراضات پرستاران و کادر درمان به‌سرعت می‌تواند رژیم را در مقابل مطالبات این جنبش‌ها خلع سلاح کند و به عقب‌نشینی وادارد.

# مراسم باشکوه خاکسپاری مبینا زینی وند

# قربانی قتل ناموسی

## شهلا دانشفر

هفتم شهریور مراسم خاکسپاری مبینا زینی وند، نوجوان هفده‌ساله در ایلام بود که به دست پدرش قربانی قتل ناموسی شد. این مراسم باشکوه با شرکت انبوهی از جمعیت معترض در آرامستان گرزلنگر برگزار شد.

مبینا به جرم رابطه با پسری که به او عشق می‌ورزید و بخاطر مخالفت پدری در اسارت فرهنگ جنایتکارانه ناموس‌پرستی شد و به قتل رسید. این قتل فجیع در پنجم شهریور روی داد

و قلب همه را به درد آورد. پدر مبینا (رحیم خان) در پناه قوانین ارتجاعی اسلامی حاکم و فرهنگ ارتجاعی ناموس‌پرستی و تعصبات کور مذهبی که خون جلوی چشمانش را گرفته بود، دست به ماشه برد و حق زندگی را از فرزندش گرفت. این‌چنین است که مذهب و تعصباتی چون ناموس‌پرستی از انسان‌ها قاتل می‌سازد و هر روز قربانی می‌گیرد.

ناموس‌پرستی پدیده‌ای که بوی خون می‌دهد و در سیستمی مردسالارانه که همواره زن را ابزاری در تملک مرد می‌داند و در پناه قوانین ارتجاعی مذهبی رژیم آپارتاید جنسیتی حاکم قربانی‌ها گرفته است.

اعتراض علیه قتل‌های ناموسی پیشینه‌ای دارد. اما حضور گسترده مردم معترض و خشمگین در مراسم خاکسپاری مبینا پیام‌آور اقدامی اجتماعی در مقابله با تعصبات ارتجاعی مذهبی و ناموس‌پرستی و علیه قوانین ضد زن جمهوری اسلامی است و به این اعتبار مُهر انقلاب زن زندگی آزادی را بر خود دارد.

مبیناها بسیارند. مبیناها دختران شجاعی هستند که به کل سیستم ارتجاعی مردسالارانه و حاکمیت قوانین مذهبی و آپارتاید جنسی معترض‌اند و می‌خواهند خود مسیر زندگی‌شان را رقم بزنند و آفرینندگان پدیده‌ای چون ازدواج‌های سفید

**هستند و هیچ قیدی را بر نمی‌تابند. این جامعه‌ای است که ایستاده و به عقب بر نمی‌گردد. انقلاب زن زندگی آزادی تنها راه پایان‌دادن به کل بساط زن‌ستیزی حاکم و رهایی از جهنم جمهوری اسلامی است.**

# در دفاع از کولبران متشکل شویم

هژار علیپور

روز جمعه ۹ شهریور در سردشت "اسعد اسپندار" جوان ۲۴ ساله اهل روستای "قله‌سور" با شلیک گلوله مزدوران حکومتی در مرز بانه به قتل رسید و به دنبال این قتل عمد حکومتی دو تن از کسبه به اسامی "بارزان ویسی" و "کاوه خسروی پور" اهل "جوانرود" نیز در حین تعقیب و گریز و تیراندازی مأموران حکومتی جانشان را از دست دادند.

به‌خاطر فقر و بیکاری شدید دهها هزار نفر در مرزهای کردستان به یک "شغل اجباری" و پر

خطر به اسم "کولبری" روی آورده‌اند. به گزارش وبسایت هه‌نگاو، در ماه گذشته میلادی دستکم ۲۶ کولبر، از جمله یک کودک ۱۵ساله، در مرز کردستان کشته یا زخمی شده‌اند. هه‌نگاو پیش‌تر گزارش داده بود که در مدت بیش از هفت ماه، از ابتدای سال ۲۰۲۴ میلادی تا روز ۸ ماه اوت (از ۱۱ دی ۱۴۰۲ تا ۱۸ مرداد ۱۴۰۳)، ۴۵ کولبر و فروشنده کشته و ۲۶۱ کولبر دیگر هم زخمی شده‌اند. این وضعیت هر روزه از جنایات رژیم در کردستان علیه کولبرانی است که صرفاً "به‌خاطر یک‌لقمه‌نان" قتل عام می‌شوند.

در شرایطی که شاهد ابعاد گسترده‌ای از جنایات علیه کولبران هستیم، عدم تشکل‌یابی کولبران

و نبود اعتراضات اجتماعی وسیع مردمی علیه این جنایات زندگی کولبران را بیشتر در معرض خطر قرار می‌دهد. سازماندهی کولبران و طرح مطالبات رفاهی برای کولبران را باید برجسته کرد و باید آنان را در مناطق مرزی و شهرها و روستاها مورد حمایت بیشتری قرار داد که بتوانند مانند دیگر تشکل‌ها و نهادها و سازمان‌های مدنی و اجتماعی جهت پیگیری خواست و مطالبات فوری سازماندهی وسیعی پیدا کنند.

جنایت علیه کولبران را می توان به امر اعتراضی همه انسان‌های شریف و آگاه در جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی تبدیل کرد. مساله کولبران معضل کل جامعه از کردستان تا تهران و

سراسر ایران است. در حمایت از کولبران و برای متوقف نمودن این جنایات کل جامعه یکصدا باید به حرکت درآید و اعتراضات سراسری را باید سازمان داد.

در خارج همه احزاب سیاسی و نهادهای حقوق بشری می‌توانند علیه این کشتارها و مخاطراتی که زندگی و جان کولبران را تهدید می کند دست به عمل مشترک بزنند. باید دولت‌ها را موظف کرد با فشارآوردن به جمهوری اسلامی کشتار این انسان‌های زحمتکش متوقف شود.

# قتل محمد میر موسوی در بازداشتگاه

## کیوان جاوید

جمهوری اسلامی محمد میر موسوی را در بازداشتگاه پلیس لاهیجان به قتل رساند. روز شنبه ۳ شهریور ماه ۱۴۰۳ (۲۴ آگوست ۲۰۲۴)، سیدمحمد میرموسوی، اهل روستای سیدمحله از توابع بخش رودبنه لاهیجان پس از بازداشت همان روز بر اثر شکنجه شدید توسط نیروی انتظامی در بازداشتگاه به قتل رسید.

ویدئوکلیپ‌های که از پیکر بی‌جان این جوان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است نشان می‌دهد که او چگونه مورد شکنجه و خشونت

فیزیکی شدید قرار گرفته است و حتی آثار دو سوراخ در بدن وی مشاهده شده است. رژیم در برابر فوران خشم مردم "دستور رسیدگی" به این قتل را داده و بعد از "تحقیقات فراوان و کارشناسانه" به این نتیجه رسیده است که "چند مأمور نتوانسته‌اند جلوی خشم خود را بگیرند."

ما مردم در جواب به این اراجیف حکومتی می‌گوییم. این فوران خشم کنترل نشده مأموران نبود، این سیاست جمهوری اسلامی برای مرعوب‌کردن جامعه برای ادامه بقا است. این سیاست ادامه همان جنایتی است که رژیم اسلامی مهسا و آرمیتا را به قتل رساند؛ ادامه همان راهی است که صدها جوان را در جریان انقلاب

زن زندگی آزادی به قتل رساند و تعداد بیشتری را کور کرد. پشت قتل محمد میر موسوی رژیم قاتل اسلامی ایستاده است.

در اولین ساعات قتل این جوان یک دوست از شهرستان لنگرود تماس گرفت و با بیان این فاجعه گفت: "اعصابم به‌هم‌ریخته و یارای بیرون رفتن از خانه را هم ندارم". او گفت: "احساس تنهایی و بی‌کسی می‌کنم وقتی می‌بینم این رژیم چه آسان و آشکار جنایت می‌کند و کاری از دست ما بر نمی‌آید."

برای آن دوست نوشتم، این قدرت رژیم نیست که می‌زند و می‌کشد، این قدرت جامعه‌ای معترض و

آماده انقلاب است که زن زندگی آزادی را آفریده است. باید این خشم را به مبارزه متشکل تبدیل کرد و اعتراضات خیابانی علیه این جنایت و همه جنایات دیگر رژیم سازمان داد و در این صورت هر جنایت رژیم به منبعی از مبارزه تبدیل می‌شود.“

قتل حکومتی محمد میر موسوی را نباید فراموش کرد و حکومت را باید پاسخگو کرد. قدرت ما در کنار هم بودن است. این تنها اهرمی است که رژیم را وحشت‌زده می‌کند و در وقت خودش باعث به میدان آمدن مردم به‌منظور سرنگونی این حکومت می‌شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۲۳

۱ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۱۱ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

فاصله ۶۰ درصدی دستمزد ۱۱ میلیون‌تومانی کارگران

منظر دریاکناری

ثبت دومین نمونه خشونت سازمان‌یافته پلیس

بابک یزدی

افشین بایمانی و سامان یاسین را دریابیم

سیما بهاری

رؤیای پوچ دولت پزشکیان

کیوان جاوید

# فاصله ۶۰ درصدی دستمزد ۱۱ میلیون‌تومانی کارگران منظر دریاکناری

علیرضا میر غفاری، "نماینده کارگران" در شورای‌عالی کار، از فاصله ۶۰ درصدی دستمزد ۱۱ میلیون‌تومانی کارگران با حداقل رقم سبد معیشت و کوچک‌شدن سفره آنها خبر داده است. این در شرایطی است که هزینه زندگی ماهانه در شهرهای ایران دست‌کم ۳۰ میلیون تومان برآورد شده است.

قبل از هرچیز لازم است گفته شود که کارگران نماینده‌ای در شورای‌عالی کار ندارند. در هیچ

گوشه‌ای از این حکومت نه کارگر و نه هیچ بخش مردم استثمارشده و معترض نمایندگی نمی‌شوند. این حکومت از سر تاپا نماینده یک قشر کوچک متفخوران است.

علیرضا میر غفاری در گفتگو با وبسایت "خبر آنلاین" ابراز امیدواری کرده است که برای جبران این عقب‌ماندگی، چانه‌زنی‌ها در دولت چهاردهم برای "افزایش دستمزد به میزان بیشتر از تورم" صورت گیرد. این هم یک نمونه دیگر از توهم پراکنی پوچ برای فرستادن کارگران و مزدبگیران دنبال نخودسیاه است. ابراز امیدواری برای اینکه دولت سرکیسه را شل کند و به داد کارگران برسد کسی را گول نمی‌زند تا منتظر

بمانند تا شاید "شکارچی دلش به حال شکار بسوزد و به سویش شلیک نکند". این قانون جنگ سرمایه‌داران و دولت سرمایه‌داران است که تا جا دارد مزدبگیران و مردم را بچاپند و شیره جان آنها را بمکند. در ایرانِ تحت حاکمیت اسلامیون این قانون بی‌رحم جنگل سرمایه داری هزار بار بیشتر از همه‌جا علیه مردم عمل می‌کند.

راه همان است که پرستاران و کارگران نفت و پتروشیمی و بازنشستگان و معلمان و دیگر معترضین معیشتی دنبال می‌کنند. اعتصاب و اعتراض و سازماندهی مبارزه متشکل و فعالیت هماهنگ میدانی برای عقب راندن دولت دزد و مافیای حکومتی.

با این‌همه هدف این نیست که مزدبگیران بر اساس تورم تقاضای بالارفتن دستمزد کنند. هدف یک زندگی انسانی است که از فقر و فلاکت اقتصادی خبری نباشد. هدف این نیست تنها به بالای خط فقر برسند -آنچه که تورم اعلام می‌کند-. نیاز انسانی زندگی مردم باید تأمین شود. رفاه و بهداشت و تحصیل و مسکن مناسب و استاندارد و تفریح و مسافرت جزء زندگی همه انسان‌ها است و باید با همین انتظارات به جنگ جمهوری اسلامی رفت. جامعه ایران تنها طی روز چهارشنبه هفته قبل شاهد ۲۱ اعتراض و اعتصاب ثبت شده بود. این اعتصابات و اعتراضات متشکل را به هزاران تبدیل کنیم.

# ثبت دومین نمونه خشونت سازمان‌یافته پلیس

## بابک یزدی

**اذعان پلیس تهران به "رفتار نامناسب" مأموران در به صندوق‌عقب انداختن یک شهروند در باقرشهر و قتل محمد میرموسوی زیر شکنجه و شلیک به این اسیر دست‌بسته.**

**در پی افشاگری بی‌بی‌سی از برخورد خشونت‌آمیز مأمورانی که قصد انداختن فردی به صندوق‌عقب خودروی پلیس را داشتند، پلیس تهران به "رفتار نامناسب" مأمورانش اذعان کرده و گفته است که "عوامل وظیفه و کادر حاضردرصحنه را توبیخ کرده است."**

خبر دیگر که جامعه را تکان داد مربوط به قتل محمد میر موسوی است. خبرها حاکی از آن است که محمد میر موسوی پس از بازداشت در ژاندارمری توسط نیروی انتظامی کشته شده است. مأموران ابتدا او را به درختی بسته و با کابل و میله و باطوم وی را مورد شکنجه قرار داده و در نهایت با شلیک گلوله او را به قتل رسانده‌اند.

تنها همین دو واقعه در دنیای متمدن با دولتی در حد معمولِ رعایت حقوق شهروندی می‌توانست منجر به بحران در یک دولت شود یا اینکه کابینه‌ای را منحل کند؛ دادگاه پرونده این جنایت‌ها را فعال می‌کرد و وارد قضاوت می‌شد. آنجا که بشر

و حقوقی ندارد پلیس "خدایی" می‌کند و شهروند هر لحظه جانش در خطر است. ایران دراین‌رابطه گُل سرسبد کشورهای دیکتاتوری است.

در رژیم‌های دیکتاتوری و ضدمردمی خشونت عریان بخشی از برنامه سازمان‌یافته حکومت‌ها برای کنترل مردم و ایجاد وحشت برای اعتراض و اعتصاب‌نکردن و متشکل نشدن است. این خشونت‌ها برای این اعمال می‌شود تا مردم از حق‌خواهی وحشت داشته باشند. خشونت، شکنجه و تیراندازی کور به سرنشینان خودروها به بهانه‌های مختلف همراه با سرکوب سازمان‌یافته و بی‌رحمانه اعتراضات خیابانی سیاست جمهوری اسلامی است و به نیروهای سرکوبگر آموزش

داده می‌شود تا بی‌رحمانه رفتار کنند.

موفقیت حکومت در ایجاد چنین وحشتی اما ممکن نیست. امروز هر شهروند با یک تلفن دستی خبرنگاری است که بلافاصله جنایت رژیم و مزدورانش را به جهان مخابره می‌کند. نمونه اخیر ثبت این خشونت فقط در اینستاگرام بی‌بی‌سی فارسی بیش از ۶ میلیون بار دیده شده است. دیکتاتورها دیگر در خفا نمی‌توانند جنایت کرده و عواقب آن را انکار کنند. در عصر مدیای اجتماعی جنایتکاران در معرض دید عموم قرار دارند. عکس و اسم این مزدوران حکومتی را باید علنی کرد.

# افشین بایمانی و سامان یاسین را دریابیم

## سیما بهاری

احمدرضا حائری، حمزه سواری و سعید ماسوری سه زندانی سیاسی در قزلحصار طی نامه‌ای سرگشاده خبر داده‌اند که جان افشین بایمانی و سامان یاسین در قزلحصار با خطر جدی روبه‌رو است.

این سه زندانی سیاسی شنبه ۱۰ شهریور در نامه‌ای سرگشاده از زندان قزلحصار نوشتند علی صالحی، دادستان تهران، و معاون او با محروم کردن آقای بایمانی و آقای یاسین از خدمات درمانی "در عمل زمینه قتل سیستماتیک و کشتار سفید آنها

را فراهم آورده‌اند". در این نامه سرگشاده آمده است این اقدام همانند "قتل و کشتاری" است که در مورد "ده‌ها زندانی در دیگر زندان‌ها" از جمله در زندان شیبان اهواز، بند زنان و بند چهار زندان اوین در حال وقوع است.

بر اساس این نامه افشین بایمانی پس از تحمل ۲۵ سال زندان "دچار نارسائی قلبی" است و چند دکتر پس از معاینه خواستار "درمان فوری" و "انجام عمل قلب بیرون از زندان" برای او شده‌اند. این زندانیان سیاسی همچنین با اشاره به دومرتبه بستری‌شدن سامان صیدی (یاسین)، خواننده معترض، در بیمارستان روانپزشکی رازی اعلام کردند با وجود نظریه کمیسیون پزشکی

قانونی مبنی بر "تشدید بیماری‌های ایشان در شرایط زندان"، آقای یاسین همچنان در وضعیت بلاتکلیف در زندان به سر می‌برد.

نامه سرگشاده این سه زندانی سیاسی در مورد وضعیت وخیم افشین بایمانی و سامان یاسین گویا و روشن است. جمهوری اسلامی عامدانه در حال شکنجه زندانیان سیاسی است تا پیام روشنی به مردم و مبارزین و جوانان انقلابی بدهد. پیام رژیم به همه فعالین اجتماعی است که با یک حکومت به‌غایت وحشی و سرکوبگر روبرو هستند. در تقابل با این جنایت سازمان‌یافته حکومتی زندانیان سیاسی صدای اعتراض متشکل خود را بلند کرده و مردم را مورد خطاب قرار

می‌دهند که تنها راه نجات و خلاصی از دیکتاتور و ستمکاری جمهوری اسلامی مبارزه و باز هم مبارزه و البته متشکل شدن هر چه بیشتر است. تلاشی جمعی و سازمان‌یافته برای عقب راندن ارتجاع آدمکش اسلامی.

اعتراضات خارج از ایران را در دفاع از مردم در ایران باید افزایش داد و دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی را واداشت جنایت جمهوری اسلامی زیر حمله و نقد کوبنده قرار دهند. در هر کوچه و خیابان و در هر اعتراض آزادی زندانیان سیاسی را می‌تواند فریاد زد. مشخصاً برای رسیدگی به وضعیت بحرانی افشین بایمانی و سامان یاسین باید فوراً دست به عمل زد.

# رؤیای پوچ دولت پزشکیان

## کیوان جاوید

مسعود پزشکیان در اولین گفت‌وگوی تلویزیونی خود بر سرمایه‌گذاری خارجی و ارتباط با دنیا و ایرانیان تأکید کرد و گفت برای رسیدن به هشت درصد رشد به ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز است. او افزود: "کل پولی که در کشور داریم بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار نیست، پس به ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی نیاز داریم و این به ارتباطات ما با خارج، دنیا، با همسایگان و ایرانیان خارج از کشور برمی‌گردد."

پزشکیان اینها را گفت؛ اما جواب نداد چگونه باید

با دنیا ارتباط برقرار کنند و از چه راهی می‌خواهد ایرانیان خارج را جذب کند. این ناگفته‌ها در واقع همان گفته‌هایی است که مدام ما می‌گوییم که جمهوری اسلامی به دلایل فراوان نمی‌تواند این بن‌بست سیاسی را بشکند و به یک حکومت متعارف در دنیا بدل گردد.

جمهوری اسلامی نمی‌تواند با دنیای غرب از درِ دوستی یا حتی بی‌تفاوتی درآید. بنیاد این رژیم بر اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی و حمایت از گروه‌های نیابتی تروریست بنا شده است. اگر از این سیاست دست بردارد دیگر پشم‌وپیله‌ای برای این رژیم برای چانه‌زنی با دولت‌های غربی باقی نمی‌ماند و باعث می‌شود گروه‌های فشار

تروریستی در منطقه مضمحل شوند. رژیم اسلامی به بازوی تروریستی بین‌المللی خود نیاز دارد تا خود را سرپا نگه دارد. بااین‌وجود این نیز یک تناقض دیگر برای حکومت است.

معضل دیگر حکومت اسلامی داخلی است. مربوط به مردم ایران و اکثریت ایرانیان خارج کشور است. بخش اعظم مردم ایران این رژیم را لکه ننگی بر دامن بشریت می‌دانند؛ اسلام و حکومت مذهبی را برنمی‌تابند؛ دخالت دولت در زندگی خصوصی خود را قبول ندارند؛ با آموزش‌وپرورش تحت سیطره اسلام و قوانین منحط اسلامی سر جنگ دارند و فرهنگ عمومی مردم با خرافات و عقب‌ماندگی مذهبی ضد زن در تضاد عمیقی

است.

برای جذب سرمایه داخلی و بین‌المللی در قدم اول باید یک رژیم متعارف با درجه بالایی از ثبات سیاسی بود. هم‌زمان باید جامعه را آن‌چنان به محاق برد تا کسی جرئت مبارزه متشکل نداشته باشد. حکومت اسلامی فاقد چنین موقعیتی است. تحت این شرایط سرمایه‌داری ایران نمی‌تواند امید داشته باشد از این اَبَر بحران اقتصادی نجات یابد. پزشکیان کمک‌راننده ماشینی قراضه و بی ترمز است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۲۴

۲ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۱۲ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

اعتراضات در شهرهای اسرائیل برای آزادی گروگان‌ها

محسن ابراهیمی

افزایش بیسوادی، جنایت خاموش

سینا پدرام

عامل و آمر قتل محمد جامه بزرگ را بشناسیم

کیوان جاوید

رد گزینش“نومعلمان“ بخاطر بی‌حجابی پروفایل

منظر دریاکناری

# اعتراضات در شهرهای اسرائیل
# برای آزادی گروگان‌ها

محسن ابراهیمی

بر طبق اخبار رسانه‌ها، دیروز یکشنبه ۱۱ شهریور، اجساد شش شهروند اسرائیل که در حمله هفت اکتبر توسط حماس به گروگان گرفته شده بودند در غزه پیدا شد. حماس می‌گوید آنها در بمباران ارتش اسرائیل کشته شده‌اند. دولت اسرائیل می‌گوید حماس آنها را کشته است.

با هر خبری از قتل و کشتار شهروندان در اسرائیل توسط حماس، نتانیاهو رجزخوانی‌های جنگی اش را افزایش می‌دهد و به سرکرده‌های

حماس اعلام می‌کند خودشان را مرده حساب کنند و متقابلاً با هر جنایت ارتش اسرائیل در غزه، حماس رجزخوانی‌های جنگی‌اش را افزایش می‌دهد. هر دو طرف روی جنازه شهروندان به قتل رسیده به‌مثابه بهانه‌ای تازه برای ادامه تنش و جنگ و کشتار و تداوم حیات سیاسی خود حساب می‌کنند. در نقطه مقابل هر دو طرف، شهروندانی هستند که نصیبشان از جنگ اسرائیل و حماس چیزی نیست جز رنج و آوارگی و مرگ و اندوه بی‌پایان.

خبر خوب این است که شامگاه یکشنبه ۱۱ شهریور ده‌ها هزار نفر در شهرهای مختلف اسرائیل به خیابان‌ها آمدند و خواستار این شدند

که برای آزادی گروگان‌های باقیمانده باید به توافقی فوری رسید. معترضین علیه دولت اسرائیل و سیاست‌هایش برای ادامه جنگ و کشتار شعار دادند و شخص بنیامین نتانیاهو را "قاتل" خواندند. هم‌زمان، هستدروت، مرکز ملی اتحادیه‌های صنفی اسرائیل در حمایت از آزادی گروگان‌ها در غزه، دستور "اعتصاب کامل داد و رئیس آن اعلام کرد "به این نتیجه رسیدم که فقط با مداخله ما، کسانی که باید تکان داده شوند، تکان می‌خورند" و اینکه "از شش صبح دوشنبه، کل اقتصاد اسرائیل تحت اعتصاب کامل قرار خواهد گرفت."

اعتراضات ده‌ها هزار شهروند اسرائیل نوری

**امیدبخش در انتهای تونل مرگ و وحشتی است که در یک طرفش باند نتانیاهو و در طرف دیگرش تروریست‌های اسلامی صف کشیده‌اند. هر چقدر این نیرو گسترده‌تر به میدان بیاید، همانقدر مؤثرتر می‌تواند به باند نتانیاهو افسار بزند. باید تلاش کرد و امیدوار بود هر جایی از فلسطین امکانپذیر است، از جمله در ساحل غربی، شهروندان فلسطینی هم در کنار اعتراض علیه جنایات دولت اسرائیل در غزه، برای افسار زدن به حماس و جهاد اسلامی به میدان بیایند. یک فاکتور بسیار مهم در افسار زدن به هر دو طرف این تنش و جنگ و خونریزی، تحرک اعتراضی گسترده و وسیع همین مردم است.**

# افزایش بیسوادی، جنایت خاموش

## سینا پدرام

روزنامه هم وطن طی یک گزارش مفصل از کیفیت پایین آموزش، معدلهای پایین، ناتوانی در خواندن و نوشتن و کارگری دانشآموزان خبر داد.

این روزنامه نوشت "دانش‌آموز دوره ابتدایی باید ۱۰-۱۲ کیلومتر راه برود تا به یک مدرسه برسد. دانش‌آموز مقطع متوسطه هم تا ۳۰- ۲۰ کیلومتری‌اش مدرسه ندارد." در ادامه این گزارش آمده است دانشآموزانی که از پایه ششم به هفتم میروند، حداقل از هر ۲۰ نفر، ۴ تا ۵ نفرشان به‌هیچ‌عنوان سواد خواندن و نوشتن

ندارند. افت تحصیلی، کم‌سوادی و ترک تحصیل را میانگین نمرات امتحان نهایی دانش‌آموزان نشان می‌دهد؛ شرایطی که به استناد گفته‌های معلمان در مناطق محروم، سرعت بیشتری گرفته و کشور را با موجی از بی‌سوادی مواجه خواهد کرد. وضعیت مالی و کیفیت آموزشی هم حرف اول را در این فاجعه می‌زند.

نبود دبیران تخصصی برای درس‌های علوم پایه مانند فیزیک و شیمی، کمبود معلم بخصوص در استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان با کمبود ۱۶ هزار معلم، پایین بودن معدل دانش‌آموزان، فقر اقتصادی شدید دانش آموزان به عنوان مهم‌تری عامل ترک تحصیل، معضل گرانی لوازم تحری

کتب درسی و افزایش ۵۰ درصدی این امکانات در یک سال گذشته و غیره از جمله مشکلات عدیده‌ای است که گریبان دانش آموزان را گرفته است.

به این مشکلات می‌توان پاسخ داد. می‌توان به‌جای تربیت تروریست و تخصیص بودجه به مساجد و مراکز مذهبی که وظیفه‌ای جز اشاعه خرافه و جهالت ندارند، به ایجاد مدارس و تربیت‌معلم و استخدام معلمین بیشتر پرداخت. می‌توان سیستم آموزش‌وپرورش را کاملاً به‌روز کرد و سیستم نوین امروزی و پیشرفته و پیشرو را سازمان داد.

رژیم اسلامی بدون شک به‌هیچ‌وجه قصد چنین

کارهایی را ندارد. اشاعه جهالت در دستور کار رژیم اسلامی است. ساختن امامزاده‌ها برای این رژیم پردرآمدتر از ساختن مدرسه در سیستان و بلوچستان و خوزستان است.

اما مهم‌تر از همه باید بر رایگان شدن آموزش‌وپرورش تا سطوح بالای آموزشی پافشاری کرد. هیچ امری جز این نمی‌تواند به امر عمومی شدن باسوادی در ایران کمک و فاجعه بی‌سوادی را ریشه‌کن کند.

# عامل و آمر قتل محمد جامه بزرگ را بشناسیم

کیوان جاوید

احکام مربوط به ضارب و آمران قتل محمد جامه‌بزرگ که در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ در کرج و در منزل شخصی خود به ضرب گلوله کشته شد، در دیوان عالی قضایی ایران تایید شده است. بر اساس گزارش‌ها که روز یکشنبه ۱۱ شهریور دیوان عالی کشور درخواست فرجام‌خواهی برای "مامور شلیک کننده" به محمد جامه‌بزرگ، دلایل را برای قبول فرجام‌خواهی "کافی ندانسته" و به‌این‌ترتیب رأی دادگاه بدوی در این باره تائید شده است.

ماجرا ازاین‌قرار بود که وقتی چندین معترض فراری

از دست مأموران در منزل محمد جامه‌بزرگ پناه گرفته بودند، مأموران وارد خانه شدند تا معترضان را دستگیر کنند اما با مقاومت وی  روبرو شدند. مأموران تهدید به انتقام کردند و نیمه‌شب بعد با بالارفتن از دیوار خانه محمد جامه بزرگ او را در پشت‌بام خانه‌اش گیر انداخته و به قتل رساندند.

حالا دیوان عالی قضایی قتل عمد قاتل را تأیید کرده و حکم بر قصاص داده است. بنظر می‌رسد پایان داستان این قتل قرار است "عادلانه" به اتمام برسد و "مامور خاطی" به سزای اعمال "غیرقانونی" و "غیراسلامی" برسد.

اما این داستان زیادی آشنا است. این مأموران از

دستورات اکید مافوق‌های خود پیروی کرده‌اند. مأموران مافوق نیز به ترتیب از روسأی خود و همینطور روسای نیروی انتظامی و لباس‌شخصی و سپاه پاسداران نیز از دستورات شفاف بیت رهبری و شخص خامنه‌ای پیروی کرده‌اند.

در جریان انقلاب زن زندگی آزادی دو دشمن در برابر هم قرار گرفتند. مردم تشنه رهایی که به میدان آمده بودند تا از دست جلادان اسلامی رها شوند و حکومت قاتل اسلامی که برای حفظ بقا خود دست به کشتار نوجوان و جوانان و معترضین زد.

جمهوری اسلامی با محکوم کردن یک‌مهره مزدور

بی‌مقدار خود می‌خواهد خود را پشت یک مأمور پنهان کند و از خشم مردم بگریزد. این حکم پذیرفتنی نیست. اول اینکه ما مخالف اعدام هستیم و هیچ انسانی نباید اعدام شود. این حکم انسانی برای همه صادق است؛ چه زندانیان سیاسی، چه مجرمان عادی و چه آنها که دست به جنایت سازمان‌یافته دولتی زده‌اند. دوم دلیل اینکه که قاتل محمد جامه بزرگ جمهوری اسلامی است و با سرنگونی این حکومت ما انتظار داریم عدالت و آزادی تحقق یابد. ضمن معرفی عامل این قاتل و محکوم‌شدنش به زندان، رژیم اسلامی را به‌عنوان آمر این قتل فراموش نخواهیم کرد.

# رد گزینش "نومعلمان" بخاطر بی‌حجابی پروفایل

## منظر دریاکناری

کارزار "نومعلمان" می‌گوید به‌خاطر عکس "پروفایل بی‌حجاب" صدها زن از گزینش رد شده‌اند.

بیانیه این کارزار که تقریباً ۹ هزار "نومعلم" آن را امضا کرده‌اند دلایل رد گزینش را رعایت‌نکردن حجاب اجباری، انتشار عکس پروفایل بی‌حجاب، داشتن لاک، کاشت ناخن و مژه، داشتن مانتو کوتاه زیر چادر و عمل زیبایی عنوان کرده است. دلایئل دیگر رد متقاضیان شغل معلمی توسط آموزش‌وپرورش: "حضور کم‌رنگ در نماز

جماعت و جمعه، داشتن نماز و روزه قضا، لایک یا دنبال کردن بازیگران خارجی و چهره‌های سیاسی در فضای مجازی، گذاشتن استوری انتقادی در چارچوب قانون و گزارش‌های غرض‌ورزانه" ذکر شده است.

آموزش‌وپرورش در اولین واکنش خود بند را آب می‌دهد و اعتراف می‌کند دلایل اخراج فقط بی‌حجابی عکس پروفایل نبوده، بلکه لیستی از "تخلفات" علیه جمهوری اسلامی را شامل می‌شود. این لیست نشان می‌دهد رژیم با چه طیف متنوعی از مخالفت عمومی با جمهوری اسلامی روبرو است. بی‌حجابی تنها یکی از این اعتراضات متنوع اجتماعی است که دامن حکومت

را گرفته است.

این کارزار با ۹ هزار امضا نشان می‌دهد که علی‌رغم این‌همه فشار و بگیروببند و این‌همه تهدید و تبعیض و اخراج، زنان از حق انسانی و شهروندی خود کوتاه نمی‌آیند و عقب‌ماندگی اسلامی را تحت هیچ شرایطی قبول نمی‌کنند. حکومت از مهدکودک تا دانشگاه را با قوانین ارتجاعیِ اسلامی خود زیر بمباران گرفته است و فقط برای اسلامیزه کردن محیط تحصیلی سالانه هزاران میلیارد تومان هزینه می‌کند، اما نتیجه خلاف انتظار می‌گیرد. چنین فضای مبارزاتی و ضداسلامی را ما در دل انقلاب زن زندگی آزادی تجربه کردیم، وقتی که هزاران دانش‌آموز نوجوان

دختر با مشت‌های گره‌کرده و موهای افشان رژیم را به مصاف طلبیدند و اسلام و حکومت اسلامی را بی‌آبروتر از همیشه کردند. این نبرد بی‌امان سیاسی و فرهنگی علیه جمهوری اسلامی بی‌وقفه ادامه دارد. جامعه آینه تمام نمایی از مصاف فرهنگ مدرن و انسانی علیه مافیای اسلامی است.

در این نبرد نو معلمان نیز ما مردم در کنار عزیزان خود قرار می گیریم و پرچم هویت انسانی و مقابله با تبعیض جنسیتی را برافراشته‌تر می کنیم. ما در کنار نو معلمان هستیم و از این کارزار با همه توان خود حمایت می کنیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۲۵

۳ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۱۳ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

## در این شماره ژورنال:

سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و توازن قوای سیاسی

یک سؤال از کاظم نیکخواه

خطر جانی در مراکز درمانی!

ناصر شیشه‌گر

محمد و تلاش رژیم برای نجات اسلام

میلاد رسایی‌منش

راست افراطی و کسب قدرت پارلمانی، درباره انتخابات پارلمانی در آلمان

سیامک بهاری

# سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و
# توازن قوای سیاسی
## یک سؤال از کاظم نیکخواه

**سوسن صابری: در آستانه دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی قرار داریم. اوضاع سیاسی و توازن قوای بین مردم و جمهوری اسلامی را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

**کاظم نیکخواه: جامعه ایران جامعه بسیار پیچیده‌ای است. یک حکومت متحجر و درنده مدام دارد می‌چاپد و جنایت می‌کند، و در سوی دیگر مردمی قرار دارند که با جسارت کل سنت‌ها و فرهنگ و سیاست‌های این حکومت را جلوی چشم سران**

و پادوهایش زیر پا له می‌کنند. این وضعیت یک فرهنگ دوگانه، فضای دوگانه، و می‌شود گفت قدرت دوگانه ایجاد کرده است. بگذارید دو مثال از همین امروز را ذکر کنم. این چند روز مصادف با چندین مناسبت و عزاداری اسلامی و شیعی بود. چهلمین روز مرگ حسین یا اربعین، مرگ پیامبر اسلام، و مرگ امام هشتم شیعیان. خلاصه روزهای پی‌درپی مرگ و عزا در فرهنگ حکومتی. ویدئویی در همین روزها در رسانه‌ها منتشر شد که مأموران حکومتی جوانی را با توحش و کشان کشان توی صندوق ماشین پلیس می کنند و با خود می‌برند. اما درست در همین روزهای عزاداری حکومتی، ویدئوی دیگری منتشر شد که جمعیت زیادی از دختر و پسر و زن و مرد را نشان

می‌داد که در کنار ساحل خزر با هم می‌زدند و می‌رقصیدند و شادی می‌کردند. هر دوی اینها واقعیت هر روزه جامعه ایران است. نمونه رقص و شادی و بزن‌بکوب مردم را در وسط شهرهای بزرگ و در برابر چشم مأموران حکومت و در ماه محرم و رمضان هم مشاهده کرده‌ایم. این به چه معناست؟ مردم زیر فشار فقر و جنایات مداوم حاکمین هستند. اما در همان حال با جسارت و با فرهنگی پیشرو و انسانی، مدام دارند حکومت را نفی و نابود می‌کنند. حجاب، وسیعاً کنار گذاشته شده، آخوندها و اسلامی‌ها جرئت بیرون آمدن بدون محافظ را ندارند، تمسخر علنی و فحش به سران حکومت وسیع است. حتی از درون زندان‌ها فریاد سرنگونی و زن زندگی آزادی

شنیده می‌شود. اعتراض و اعتصاب ممنوع است، اما هر روز کارگر و پرستار اعتصاب می‌کنند و بازنشستگان مدام اعتراض و تجمع می‌کنند و علیه اعدام و حجاب شعار می‌دهند. همه اینها در کنار اعدام و زندان و مرگ زیر شکنجه و دستگیری و تعرضات وحشیانه گشت‌های حکومتی به زنان و مردان صورت می‌گیرد.

برای خیلی از ما اینها عادی شده است. اما واقعیتی تاریخی و عظیم را نشان می‌دهد و آن کنارزدن و نفی حکومت در عرصه‌های مهم اجتماعی است. این به طور خلاصه وضعیت سیاسی جامعه در دوسالگی انقلاب زن زندگی آزادی و نتیجه این انقلاب است.

# خطر جانی در مراکز درمانی!

## ناصر شیشه‌گر

سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی تهران اعلام کرد که تنها ۵۲ بیمارستان از ادارهٔ آتش‌نشانی تهران تأییدیه ایمنی گرفته‌اند و در حال حاضر ۱۲۵ بیمارستان جزو ساختمان‌های پرخطر به شمار می‌روند. به گفته مدیرعامل این سازمان این ساختمان‌ها باتوجه‌به قدمتشان باید هرچه زودتر نوسازی شوند، اما ۵۰ درصد این بیمارستان‌ها که دولتی هستند بودجه ندارند و بیمارستان‌های خصوصی نیز که درآمدهای هنگفتی دارند به ایمن‌سازی مراکز خود بی‌اعتنایی می‌کنند.

به‌این‌ترتیب، در نظام اسلامی بیمارستان‌ها به مکان‌هایی مبدل شده‌اند که به علت فرسودگی و وضع خراب ایمنی ساختمان آنها، وقتی که بیمار وارد آن می‌شود باید خیلی شانس داشته باشد که جانش را از دست ندهد! این شمه‌ای است از اوضاع ایمنی بیمارستان‌ها در پایتخت کشور.

حکومت اسلامی باعث‌وبانی وضعیت فاجعه‌بار حوزهٔ سلامت و بهداشت در ایران است. این حکومت، آگاهانه و قدم‌به‌قدم، از خود در قبال مردم سلب مسئولیت کرد و به‌موازات آن به تخریب بخش عمومی پرداخت تا عرصه برای تاخت‌وتاز سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خصوصی باز شود. به‌این‌ترتیب، حوزهٔ خدمات درمانی

خصوصی و عرصهٔ تازه‌ای برای کسب سود شد. کار به جایی رسید که حتی اندام‌های بدن نیز مبدل به کالای تجاری شد. برای نمونه، فقط با سودهای کلانی که مافیای دارو و سلامت در طی سال‌های اخیر به جیب زده است، می‌شد جان ده‌ها هزار نفر را نجات داد و صدها مرکز درمانی برای حفظ سلامتی مردم دایر کرد.

یک برنامه اصولی و انسانی در زمینه تأمین سلامت عمومی و درمان ایجاب می‌کند که این حوزه فوراً از حیطهٔ تجارت و سوداندوزی خارج شود و به طور رایگان در خدمت رفع نیازهای درمانی شهروندان قرار گیرد. برخورداری از طب و خدمات پزشکی مناسب و رایگان و در دسترس

حق همهٔ شهروندان است و این باید بدون هیچ اما و اگری اجرایی شود. وضعیت مراکز درمانی و امکانات و تجهیزات آنها باید مطابق آخرین دستاوردهای علمی و پزشکی فوراً بهبود یابد و بودجه لازم به این امر اختصاص داده شود.

برای تحقق این منظور باید با اعتراضات گسترده به وضعیت فاجعه‌بار درمان و با حمایت قاطع از مبارزهٔ پرستاران، جنبش توده‌ای قدرتمندی به راه انداخت. جنبش‌های پیشرو از جنبش کارگری تا سایر جنبش‌ها و فعالین آنها می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری چنین جنبشی برای تحمیل خواست‌های خود در زمینه درمان شکل دهند.

# محمد و تلاش رژیم برای نجات اسلام

## میلاد رسایی‌منش

هم‌زمان با فرارسیدن ۲۸ ماه صفر، سالروز مرگ محمد پیامبر اسلام، دستگاه پروپاگاندای رژیم، در کنار سایر بریزوبپاش‌ها، سعی در ترمیم ایدئولوژی منفور اسلامی کرده است. در آخرین مورد، وب‌سایت خبررسانی ایلنا وابسته به رژیم، در یک گزارش و گفتگو با یک مروج شیعه، سعی در ارائه روایت مطلوب حکومت از زندگی محمد کرده است. در بخشی از این گزارش ضمن اشاره به کارتون‌هایی که در فرانسه از محمد کشیده شده، ادعا می‌شود که اسلام‌ستیزی پروژه‌ای غربی و دست‌ساخت دولت‌های اروپایی و آمریکاست.

نفس اینکه رسانه‌های وابسته به حکومت اسلامی ضروری دیده‌اند به نقدهای جدی که به ایدئولوژی اسلامی وارد شده، در آستانه سالروز مرگ محمد پیغمبر اسلام بپردازند، نشان از آن دارد که جمهوری اسلامی فهمیده با چه جنبش عظیم ضداسلامی طرف است. بنا به آمارهای گوناگون، از جمله آمار مؤسسه گمان در هلند، تنها ۳۲ در صد ایرانیان خود را شیعه می‌دانند. شاخص‌های میدانی هم نشان از رشد پر سرعت خداناباوری در ایران و در کل منطقه خاورمیانه دارد. واقعیت آن است که در سال‌های گذشته علاوه بر نقش و تأثیر تعیین کننده خود قوانین اسلامی و عملکرد رژیم در افشای ماهیت اسلام، فعالین خداناباور و منتقد اسلام هم در مورد تفکرات اسلامی و تاریخ زندگی

پیغمبر اسلام و امام‌های شیعه افشاگری‌های زیادی کرده‌اند؛ از ازدواج و تجاوز محمد به عایشه ۹ساله، جنگ‌های وی به‌منظور گرفتن غنائم، تا کشتار مخالفین اسلام در عربستان. محمد در نزد بخش بزرگی از مردم امروز در ایران چهره‌ای نه طاهر و امین که فردی خون‌ریز و جنایت کار است. آش در این باب تا حدی شور شده که عبدالکریم سروش، کسی که به‌عنوان پدر معنوی جریان "نواندیشی دینی"! در ایران شناخته می‌شود، محمد را "عارف مسلح" می‌نامد.

همه اینها باعث شده که حکومت در آستانه ۲۸ صفر همه تلاش خود را بکند در مقابل سونامی بی‌دینی در ایران از ایدئولوژی عقب‌مانده اسلامی

خود اعاده‌حیثیت کند. تلاشی که در دوره انقلاب اطلاعات، و با وجود حجمی عظیم از اطلاعات درباره تاریخ اسلام و شخص محمد به‌صورت برنامه‌های تلویزیونی، پادکست، مقاله، هنر اعتراضی و غیره، فرجامی جز شکست نخواهد داشت.

# راست افراطی و کسب قدرت پارلمانی
# درباره انتخابات پارلمانی در آلمان

سیامک بهاری

حزب راست افراطی و فاشیست آلترناتیو برای آلمان «AFD» پیروز انتخابات در ایالت تورینگن در شرق آلمان منطقه‌ای با اقتصادی لرزان و ضعیف، سطح نازل دستمزد و فرصت‌های شغلی، و دومین حزب سیاسی در ایالت زاکسن، پایگاه سنتی حزب دموکرات مسیحی «CDU» شده است.

۲۲ سپتامبر، انتخابات ایالت براندنبورگ برگزار خواهد شد. پیروزی «AFD» در آنجا هم محتمل

ارزیابی شده است. حزب آلترناتیو برای آلمان تلاش دارد تا این موفقیت را به‌عنوان شاخص اعتماد عمومی نسبت به خود در مقابل دولت ائتلافی فعلی کنونی به بستر اصلی رشد راست افراطی در آلمان به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا بدل کند.

آنچه در انتخابات‌های اخیر رخ‌داده، نتیجه‌ای قابل‌انتظار بود. انتخابات پارلمانی اروپا در ماه ژوئن به‌روشنی نشان داد که طی سالیان و دهه‌های متمادی، انفعال و عملکرد و سیطره راست میانه در عدم پاسخگویی به نیازهای جامعه، مقابله با رشد تبعیض و نابرابری، بی‌توجهی به رفاه عمومی در سایه ثروت‌اندوزی افسانه‌ای یک‌درصدی‌ها،

چگونه بستر قدرت‌گیری و رشد احزاب راست افراطی فاشیستی، نژادپرست، همجنس‌گرا ستیز، نفرت‌پراکنی و خارجی‌ستیزی را مهیا کرده است. تورم افسارگسیخته، کاهش رشد اقتصادی، افت رفاه عمومی، گسترش تبعیض و نابرابری، تأمین مالی و تدارکاتی بخش مهمی از جنگ اوکراین از سفره کارگران و حقوق‌بگیران، اروپا را چگونه در ورطه هولناک احزاب فاشیستی انداخته است.

این بن‌بست انتهای زوال و گندیدگی نظام سرمایه‌داری عصر حاضر و آلترناتیو آن برای تأمین و کسب سود در بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود به قیمت تغییر اکوسیستم سیاسی کنونی و آغازی بر پایان‌دادن به اروپای

واحد است.

روشن بود که جریانات راست افراطی، توانسته‌اند باتکیه‌بر بی‌اعتمادی گسترده عمومی به سیاست‌های احزاب میانه، نارضایتی از وضع موجود را به سکویی برای جلب‌توجه عمومی به سیاست‌های پوپولیستی و به‌ظاهر علیه سیستم موجود بدل کنند. با تکیه به انتخابات و دمکراسی پارلمانی مشروعیت کسب کنند.

تبعات قدرت گیری راست افراطی در اروپا بسیار جدی و خطرناک است. فقط یک آلترناتیو چپ و سوسیالیستی که ارزش‌های انسانی جامعه را نمایندگی می کند و بی تخفیف علیه نظام گندیده

**سرمایه‌داری صف‌آرایی می‌کند می‌تواند و باید اعتراضات عظیم را به خیابان بیاورد و با متحد کردن جامعه حول مطالبات پیشرو و انسانی، به بحران فلج‌کننده‌ای که نظام سرمایه‌داری آفریده خاتمه بدهد!**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۲۶

۴ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۱۴ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

## در این شماره ژورنال:

اعتراضات و اعتصابات در دومین سالگرد انقلاب زن، زندگی، آزادی

سؤالی از شهلا دانشفر

در حمایت از بیانیه اعتراضی خانواده‌های دادخواه

سهیلا دالوند

قطع مستمری مددجویان یعنی تحمیل فقر

سینا پدرام

شیرین عبادی در خدمت رسول‌الله!

محسن ابراهیمی

# اعتراضات و اعتصابات در دومین سالگرد انقلاب

# زن، زندگی، آزادی

## سؤالی از شهلا دانشفر

**ژورنال:** در آستانه دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی قرار داریم. جدا از اعتصاب بزرگ پرستاران، در بخش‌های مختلف طبقه کارگر، از جمله نفت و گاز و واگن پارس و غیره هم اعتصابات و اعتراضات متعددی در جریان است. موقعیت و نقش اعتصابات و اعتراضات کارگری در آستانه دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ مشخصاً اهمیت این اعتصابات و اعتراضات در آستانه دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی چیست؟

**شهلا دانشفر: اعتراضات و اعتصابات کارگری در بخش‌های مختلف طبقه کارگر گسترده است. اعتراضاتی که اشکال تعرضی‌تر و سراسری‌تری به خود گرفته و مستقیماً بر فضای سیاسی شهرها تأثیرگذار است.**

**دور جدید اعتراضات پرستاران در ده‌ها شهر و تجمعات و راهپیمایی‌هایشان در خیابان‌ها با فریاد شعارهای آنها بر فضای اعتراض در خیابان‌ها تأثیر گذاشت. پرستاران اولتیماتوم داده‌اند که اگر پاسخ نگیرند دست به اعتصاب مجدد خواهند زد.**

**اعتراضات در نفت در ابعادی گسترده‌تر و**

اجتماعی‌تر وارد فاز جدیدی شده است.

اعتراضات کارگران رسمی نفت به تعرضات معیشتی حکومت از مهرماه گذشته آغاز شده و اکنون در مراکز مختلف نفت و گاز فشرده‌تر جریان دارد. اعتصاب، تجمع و راهپیمایی مشترک کارگران رسمی نفت با کارگران ارکان ثالث و شرکت‌های پیمانکاری در سایت یک عسلویه، سایت دو کنگان و پالایشگاه فجر و راهپیمایی آنها در ۱۳ شهریور با فریاد شعار "حقوق عادلانه حق مسلم ماست" یک اتفاق مهم است و در کنار اعتصابات کارگران پروژه‌ای، نشانگر حرکت اعتراضات در نفت به‌سوی اعتصابات سراسری است.

اعتراض به بدتر شدن وضع بد معیشتی، کاهش دائمی سطح حقوقها و فساد و چپاولگری مدیران و پیمانکاران محورهای مشترک این اعتراضات هستند.

اتفاق مهم دیگر در این اعتراضات تجمع و راهپیمایی کارگران رسمی نفت و خانواده‌هایشان در شهرک‌های مسکونی جم در بوشهر است. آن‌هم در جایی چون صنعت نفت که بازتابی سراسری دارد. اعتراضاتی ازاین‌دست، اعتراضات در نفت را به خیابان وصل می‌کند و می‌تواند الگویی برای کارگران در دیگر مراکز کارگری همچون واگن پارس اراک باشد که علیه اخراج‌ها و وضع بد معیشتی و کاری نزدیک چهل روز است جریان

داد و کارگران با تجمعات و راهپیمایی‌هایشان جلب‌توجه وسیعی کرده‌اند.

بعلاوه شاهد اعتراضات گسترده در دیگر مراکز کارگری از جمله معادن، شهرداری‌ها، راه‌آهن، مخابرات و نیز اعتراضات گسترده کشاورزان به‌ویژه در اصفهان علیه وضع بد معیشتی و قطعی آب و نابودی کشت و کارشان هستیم.

و بالاخره تجمعات اعتراضی باشکوه بازنشستگان است که از پایان سال ۱۴۰۰ تا کنون به‌صورت هفتگی تداوم داشته و با فریاد "اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد" بلندگوی رسای اعتراض جامعه هستند. درد مشترکی که در انقلاب زن زندگی

آزادی خود را در شعار "فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی" بازتاب داد.

این اتفاقات به‌روشنی نشانگر گستردگی اعتراضات کارگری و حرکت آن به‌سوی اعتصابات سراسری است. اعتراضاتی در این ابعاد آن‌هم در آستانه دومین سالگرد انقلاب، با قدرت و گستردگی‌اش می‌تواند گرمابخش تنور اعتراضات مردمی در خیابان باشد. اعتراضاتی بر سر معیشت که بسترساز اتحاد کل جامعه در عرصه‌های مختلف مبارزاتی و علیه کل جهنم جمهوری اسلامی و برای به پیروزی رساندن انقلاب است.

# در حمایت از بیانیه اعتراضی خانواده‌های دادخواه

## سهیلا دالوند

امروز ۱۳ شهریور ۱۴۰۳ بیانیه‌ای با امضای ۸۲ تن از اعضای خانواده‌های دادخواه دررابطه‌با اهداف جنبش دادخواهی و در اعتراض به افزایش فشار جمهوری اسلامی بر خانواده‌های دادخواه منتشر شد.

در این بیانیه اعلام شده است: ”دادخواهی دارای ماهیت فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و سیاسی بوده و صحبت از آن بازگویی یک درد اجتماعی است. زمانی از آن سخن به میان می‌آید که ظلمی رخ‌داده یا حقی پایمال شده است“. ”بیانیه

همچنین اعلام می‌کند: "طی سال‌های اخیر جنبش دادخواهی به یکی از قوی‌ترین و برحق‌ترین جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در سطح ایران بدل شد. به همین میزان هم جمهوری اسلامی به شیوه‌های گوناگون آنها را تحت‌فشار قرار داد."

جمهوری اسلامی از سر استیصال و درماندگی و با سیاست‌های ضدانسانی‌اش از جمله تهدید، بازداشت، زندان و حتی مصادره اموال و جریمه‌های نقدی نه‌تنها نتوانسته است این دادخواهی را یک قدم به عقب براند؛ بلکه شاهد قوی‌تر شدن این جنبش دادخواهی هستیم.

ماشاءالله کرمی پدر دادخواه از سال گذشته در

بازداشت به سر می‌برد و توسط دستگاه قضایی سرکوبگر به ۱۹ میلیارد تومان جریمه نقدی و مصادره اموال محکوم شده است. عبدالله ابوبکری در دوم شهریور احضار و مورد بازجویی قرار می‌گیرد. حسن درافتاده پدر دادخواه را تهدید کرده‌اند که در سالگرد قتل فرزندش حق شرکت در مراسم‌ها و فعالیت در فضای مجازی را ندارد. علی آدینه‌زاده پدر دادخواه در زندان اعلام می‌کند که فکر کردید من را به زندان فرستادید، من میام سر خم می‌کنم؟!

در مقابل توحش رژیمی که ازدست‌دادن قدرت را هر روز بیشتر حس می‌کند، خانواده‌های دادخواه، زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان که

با همدردی و همبستگی وسیعی در جامعه مواجه هستند، ایستاده‌اند و هر روز اعلام می‌کنند: "نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم."

انتشار این بیانیه با امضای ۸۲ تن از اعضای خانواده‌های دادخواه در آستانه دومین سالگرد انقلابی که پرچمش "زن، زندگی، آزادی" است، نشان‌دهنده قوی‌تر شدن جنبش دادخواهی است که با انقلاب زن زندگی آزادی درهم‌تنیده است. در دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی، ضمن گرامیداشت یاد مهسا امینی و همه جان‌باختگان انقلاب، عزیزانی که به دست این حکومت به قتل رسیده‌اند، همگام با خانواده‌های دادخواه با صدای بلند اعلام می‌کنیم: ایستاده‌ایم تا پایان.

# قطع مستمری مددجویان یعنی تحمیل فقر

## سینا پدرام

معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان بهزیستی تأیید کرد که سازمان هدفمندی یارانه‌ها، مستمری ۱۳ هزار مددجو، از جمله افراد دارای معلولیت را قطع کرده است. پیش‌ازاین مدیر "کمپین معلولان" گفته بود سازمان هدفمندی با چراغ‌سبز سازمان برنامه، "نان شب حدود ۲۰ الی ۳۰ هزار نفر را آجر کرده است."

زندگی در سایه رژیم اسلامی جز بی‌ثباتی و تشویش دائمی برای مردم هیچ ارمغانی ندارد. تمام هم‌وغم سران رژیم صرف چاپیدن همان

چندرغازی است که اسمش را یارانه گذاشته‌اند. واقعاً اسم‌گذاری‌های این حضرات هم وارونه که چه عرض کنم، مسخره است.

کمی به آمار و ارقام نگاهی بیندازیم تا عمق این شیادی را دریابیم:

به گفته معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان بهزیستی، خانوارهای یک‌نفره ماهانه یک میلیون، خانوارهای دونفره، یک میلیون و ۴۲۰ هزار تومان، خانوارهای سه‌نفره دو میلیون تومان، خانوارهای چهارنفره دو میلیون و ۵۵۰ هزار تومان و خانوارهای پنج‌نفره و بالاتر، سه میلیون و ۱۵۰ هزار تومان مستمری دریافت می‌کنند.

با دلار ۶۰ هزارتومانی یعنی حقوقی برابر ۱۵ دلار تا ۴۶ دلار ماهانه تمامی سهم این مردم فقیر از کشوری است که منابع طبیعی و انسانی آن با بسیاری از کشورهایی دنیا برابری می کند. کشوری که در منطقه فرشته تهران هر مترمربع آپارتمان‌های لوکس آن یک میلیارد تومان قیمت گذاری می‌شود و متراژ آپارتمان‌های آن از ۴۰۰ متر تا هزار متر است!

بحث آمار و ارقام را وقتی به کنار می گذاریم، یک سؤال گزنده هر ذهن کنجکاوی را مشغول می کند و خواب را از چشم هر انسان با وجدانی می‌رباید. این سؤال که باتوجه‌به این شرایط به هر رو چه باید کرد؟

مبارزه متحدانه، مبارزه برای مطالبات روشن و حق‌طلبانه، تلاش برای تحمیل انتظارات حداکثری مردم تنها راهی است که برای ما مردم باقی‌مانده است. مستمری‌بگیران باید در کنار کارگران و پرستاران و معلمان و بازنشستگانی که سال‌هاست برای احقاق حقوق خود تلاش می کنند قرار بگیرند و به اعتراضات هفتگی و روزانه بپیوندند. همچنین بسیار مهم است که جمعیت عظیم کارگران و مردم معترض در بخش‌های مختلف جامعه در کنار و حامی مستمری‌بگیران تحت ستم باشند. رژیم اسلامی فقط یک زبان می‌فهمد. زبان اعتراض و اعتصاب. زبان مبارزه.

# شیرین عبادی در خدمت رسول‌الله!

## محسن ابراهیمی

شیرین عبادی در حساب ایکس خود، در یک متن سیاه با کلمات "محمد رسول‌الله"، خطاب به "مسلمین جهان" گفته است: "رحلت پیامبر اسلام را به همه مسلمانان جهان تسلیت می گویم" و آن را با هشتک "زن زندگی آزادی" و "نه به اعدام" مزین کرده است!

برای کسانی که اظهارات شیرین عبادی را بعد از دریافت جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۰۳ میلادی به‌خاطر میاورند، تسلیت به مناسبت "رسول‌الله" ضد زن نه تازگی و نه جای تعجب دارد. ایشان

همان کسی است که جایزه صلح نوبل را زیر بغل زد و دور جهان چرخید و در خدمت اصلاح‌طلبان حکومتی و اسلامشان لابی کرد که "اسلام دینی است که برای زنان احترام قائل است... روح کلی اسلام احترام به حقوق زن به‌عنوان یک انسان کامل است"!

برای خالقین انقلاب زن زندگی آزادی اصلاً مهم نیست که شیرین عبادی واقعاً یک مسلمان شیعه دوازده‌امامی مرید پیامبر اسلام است یا یک ابن‌الوقت سیاسی است که هنوز تصور می‌کند اسلام جایی در آینده سیاسی ایران دارد و هنوز می‌توان در خدمت اهداف سیاسی به اسلام و رسول‌اللهش آویزان شد.

خالقین انقلاب "زن زندگی آزادی" با وقوف کامل به خصومت اسلام با حقوق و کرامت انسان‌ها، حق هر بشری برای اعتقاد به هر خرافه‌ای را به رسمیت می‌شناسد، اما درعین‌حال به میدان آمده‌اند تا این هیولای خونین و چرکین را از پیکر جامعه بکنند و دور بیندازند و نخواهند گذاشت آن را هیچ احدی از جمله شیرین عبادی از هیچ سوراخی وارد زندگی‌شان کند.

جایزه صلح نوبل همیشه یک پروژه سیاسی بوده است. این جایزه زمانی به شیرین عبادی اهدا شد که دول غرب به امامزاده محمد خاتمی دخیل بسته بودند و او به‌عنوان زنی از طیف اصلاح‌طلبان جایزه را گرفت، زیر بغل زد و دور جهان چرخید و

در خدمت رنگ‌آمیزی حکومت و اسلامش توسط اصلاح‌طلبان خرج کرد و عملاً در تداوم عمر حکومت اسلامی نقش ایفا کرد. به نظر می‌رسد او هنوز از این تصور ابلهانه و خیال باطل رها نشده است که می‌توان حتی در فضای انقلاب ساریناها، نیکاها، اسراها، توماج‌ها، سپیده‌ها و صدها قهرمان دیگر و میلیون‌ها هم‌درد و هم‌رزم این قهرمانان با هشتگ "زن، زندگی، آزادی" به ستون پوسیده اسلام و رسول‌الله آویزان شد!

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۲۷

۵ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۱۵ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

جراحی اقتصادی توسط قاتلان اقتصادی

اصغر کریمی

قدرت کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام"

حسن صالحی

پیام بیانیه خانواده‌های دادخواه، سر خم نمی‌شود

یاشار سهندی

پناهجویان غرق شده، انسان‌هایی در حد اعداد

پتی دبونیتاس

در پاسخ به انتقاد یک خواننده ژورنال در مورد شیرین عبادی

محسن ابراهیمی

# جراحی اقتصادی توسط قاتلان اقتصادی

## اصغر کریمی

پزشکیان روز ۱۳ شهریور در مشهد گفت "باید مردم را آگاه کنیم که چه مداخلاتی باید در عرصه اقتصادی صورت گیرد و طبیعتاً نیاز به چه جراحی‌هایی هست که کشور از این وضعیت خارج شود. جراحی هم بدون رضایت مردم انجام نمی‌شود."

قبل‌تر سرنخی از این جراحی داده بود: "هیچ منطقی وجود ندارد که بنزین را به قیمت دلار آزاد بخریم و به قیمت سوبسیددار بفروشیم. پول دارو و نهادها و حقوق بازنشسته‌ها را ندارم، اما

بنزین دلار ۵۰ تومان را می‌فروشم ۱۰ تومان".
نان در هفته‌های گذشته تا صددرصد گران شده و گرانی بنزین و اقدامات مشابه دیگر در راه است.

وقتی در حکومت اسلامی بحث اقتصاد می‌شود بلافاصله کلماتی کلیدی به ذهن می‌رسد: مافیای اقتصادی، رانت‌خواری، فساد، حقوق‌های نجومی، آقازاده‌ها، زیربنای الاغ خمینی و در مقابل حقوق معوقه، دستمزدهای شرم‌آور، اخراج، بیکاری، بی‌خانمانی، بازماندن کودکان از تحصیل و هزار بلای دیگر.

هجوم به زندگی مردم سیاست همیشگی حکومت

بوده است، تفاوت پزشکیان با بقیه این است که می‌خواهد جراحی را با رضایت! خود مریض انجام دهد. اما جراحان قاتلانی شناخته شده‌اند، هم قاتلان سیاسی‌اند هم قاتلان اقتصادی. و این دو کاملاً بهم مربوطند.

مردم جراحی‌های اقتصادی را با خیزش جواب داده‌اند و کسب رضایت آنها برای فقر بیشتر مسخره است. پزشکیان اینرا می‌داند منظورش رضایت و اتحاد بالایی‌ها است. در سخنرانی‌اش نیشی به دولت‌های قبلی زد و گفت: ”همه با هم بودیم و اینجوری شده“ و همه با هم باید حلش کنیم. همراهی جراح اعظم! را دارد و به همراهی مجلس، سپاه، صداوسیما و ارگان‌های

دیگر احتیاج دارد. اما همراهی بالایی‌ها نیز در مقابل بحران‌های جان‌سخت و بن‌بست رسیده دوام نخواهد آورد.

وضعت اقتصادی جمهوری اسلامی نه راه‌حل اقتصادی دارد نه سیاسی. نه در سطح منطقه و بین‌المللی می‌تواند سیاست راهگشایی داشته باشد و نه در داخل قادر است از هزینه مذهب و نهادهای نظامی بزند، نه توان راه‌اندازی صنایع ورشکسته را دارد، نه قرار است با رانت و فساد در بیفتد. تنها راه باز هم گرانی بیشتر و هجوم بیشتر به زندگی مردم است. اما این نیز کمکی به حل معضل اقتصادی حکومت حتی در کوتاه مدت نمی‌کند.

**پاسخ مردم گسترش اعتراض، تکثیر اعتصابات قدرتمند و سراسری پرستاران، گسترش شبکه‌های اعتراضی در سراسر کشور، تقویت جنبش دادخواهی و علیه اعدام، گسترش بی‌حجابی و آمادگی هر چه بیشتر در داخل و خارج در سالروز انقلاب است.**

# قدرت کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام"

## حسن صالحی

در سی و دومین هفته از آغاز کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" با هدف "لغو اعدام و شکنجه در ایران"، تعداد زندان‌های شرکت‌کننده در این کمپین به ۲۱ زندان افزایش یافت.

این کارزار از سوی شماری از زندانیان قزلحصار در بهمن ماه سال گذشته آغاز شد و با استقبال دیگر زندانیان و مخالفین اعدام و فعالین اجتماعی روبرو گشت. زندانیان با دست‌زدن به اعتصاب‌غذا در سه‌شنبه هر هفته، خواهان پایان‌دادن به اعدا و شکنجه در ایران هستند. چندی پیش نیز ده

نهاد ایرانی و بین‌المللی با انتشار بیانیه‌ای از این کارزار قویاً حمایت کردند و از جامعه بین‌المللی خواستند که از جنبش روبه‌رشد لغو اعدام در ایران پشتیبانی کنند.

گسترش اعتراض از درون زندان‌های جمهوری اسلامی علیه بربریت و توحش حکومت اسلامی نشان‌دهنده این است که جامعه ایران نه فقط مرعوب قدرت پوشالی این رژیم نشده، بلکه آماده است که به‌خاطر زندگی و کرامت انسانی این رژیم را در همه‌جا به مصاف بطلبد.

اعدام، به هر دلیل و بهانه‌ای که صورت گیرد، ابزار جمهوری اسلامی برای کنترل و سرکوب مردم

است. رژیم اسلامی با اعدام شماری از معترضین انقلاب زن زندگی آزادی و تعدادی از زندانیان سیاسی و عقیدتی در چند ماه گذشته و اعدام فله‌ای زندانیان محکوم به جرائم عادی هدفی جز انتقام‌جویی از مردم معترض ندارد. اینکه جمهوری اسلامی علیرغم اعدام‌های گسترده نمی‌تواند جامعه را مرعوب کند، بلکه باعث اعتراضات بیشتر می‌شود، نشان‌دهنده درماندگی این رژیم در مهار اعتراضات اجتماعی است. افزایش تعداد اعدام‌ها در ایران بطور قطع توحش و جنایتکاری رژیم اسلامی را نشان می‌دهد، ولی این بهیچوجه به معنای موفقیت جمهوری اسلامی در سرکوب مردم و ارعاب جامعه نیست. جامعه‌ای که حتی از درون زندان‌هایش صدای اعتراض علیه اعدام

**بلند است این را نشان می‌دهد.**

**جنبش علیه اعدام در ایران باید از این جلوتر برود. ممنوعیت مجازات اعدام در ایران هدف ماست. اما تحمیل شرایطی به جمهوری اسلامی که به دلیل اعتراضات ما و جامعه جهانی، اعدام‌ها را عملاً متوقف کند در دستور فوری ما قرار دارد. برای تحقق این امر به نیروی بیشتری نیاز داریم. به این جنبش بپیوندید و در دومین سالگرد انقلاب شعار نه به اعدام را همه‌جا طنین‌انداز کنید!**

# پیام بیانیه خانواده‌های دادخواه، سر خم نمی‌شود

یاشار سهندی

در آستانه دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی، بیانیه‌ای دیگر از سوی ۷۷ تن از خانواده‌های دادخواه، در تأکید بر "حق انسانی، سیاسی و حقوقی خود" منتشر شده است. امضاکنندگان این بیانیه اعلام داشتند: "هرگونه اعمال فشار، تهدید، ارعاب، شکنجه و زندانی کردن را" برنخواهند تافت و "خواهان آزادی فوری و بی‌قیدوشرط دستگیرشدگان، رفع هرگونه فشار و تهدید و همچنین پیگیری و به جریان انداختن پرونده‌های عزیزان" جانباخته‌شان شدند.

این بیانیه گوشه‌ای دیگر از مبارزه با شکوهی علیه یکی از خبیث‌ترین حکومت‌های حاکم دنیا است که هر گونه دادخواهی را با سبعانه‌ترین شکل ممکن پاسخ داده است. هم اکنون پدران و مادران دادخواه، مانند پدر مهدی کرمی، ابوالفضل آدینه‌زاده، پویا بختیاری تنها به جرم پیگیری مرگ عزیزانشان در زندان بسر می‌برند.

جمهوری اسلامی بسیار تلاش کرد مانع شکل گیری این جنبش شود؛ در سال‌های نه‌چندان دور، خانواده زندانیان سیاسی و جان‌باختگان را ایزوله می کرد که حرکتی شکل نگیرد، اما خانواده‌های دادخواه خاوران این حصار را شکستند و سنگ بنای جنبشی بزرگ را گذاشتند. اکنون دادخواهی به یک جنبش

مهم بر علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است و همچنان که در بیانیه خانواده‌های دادخواه آمده است: "طی سال‌های اخیر جنبش دادخواهی به یکی از قوی‌ترین و برحق‌ترین جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در سطح ایران بدل شده است."

جنایتکاران حاکم به این امید بودند که کشتار و شکنجه "مشمول مرور زمان" شود و کسی پیگیر آن نباشد. اما جنبش دادخواهی جنبشی علیه مرور زمان، علیه فراموشی هم است. در تاریخ معاصر ایران، در سراسر یک قرن گذشته، جنایت‌های بی‌شماری از سوی حاکمان رخ‌داده است و در مقاطعی بخاطر فشار مبارزات مردم مجبور شده‌اند مثلاً "دادگاه‌هایی" برگزار کنند که

بیشتر سعی شده با محکومیت چند شکنجه‌گر موضوع فیصله یافته اعلام شود.

جنبش دادخواهی اما باتوجه به عمق و گسترش آن، جنبشی قوی و محکم و متحدکننده علیه جمهوری اسلامی است. این جنبش چندین نسل از خانواده‌های مبارزان را بهم پیوند می‌زند و در بطن انقلاب نوین زن زندگی آزادی از حمایت کل جامعه برخوردار است. درعین‌حال این جنبش توان آنرا دارد که با حمایت همه‌جانبه کل جامعه بتواند سدی باشد در برابر کشتار یک قرن اخیر در ایران. این جنبشی است که در آن، سر خم نمی‌شود.

# پناهجویان غرق شده، انسان‌هایی در حد اعداد

پتی دبونیتاس

ترجمه از متن انگلیسی

دوازده نفر در روز سه‌شنبه ۳ سپتامبر – ۱۴ شهریور در حین عبور از کانال مانش (فرانسه – انگلستان) در یک قایق کوچک کشته شدند. از این ۱۲ نفر شش نفر زیر ۱۸ سال و ۲ تن زن بودند. همچنین، ۲۱ نفر در طی هفته‌ای که گذشت در هنگام عبور از لیبی به ایتالیا در آب‌های طوفانی غرق شدند.

هیچ نامی، هیچ نشانی، هیچ اطلاعاتی از کشته‌شدگان یا بازماندگان وجود ندارد. در

بهترین حالت، ملیت آنها، تنها نشانگر ’ارزشمند‘ شناسایی کنونی ’جنایتکار‘ - ’مهاجر غیرقانونی‘. است خبری کوتاه که می شود نادیده اش گرفت.

در ۲۶ اوت - ۵ شهریور - هفت نفر از سرنشینان یک قایق تفریحی زیبا با تجهیزات کافی و مدرن در یک طوفان شدید در نزدیکی سیسیل غرق شدند که برخی از میلیونرها هم بر روی آن بودند؛ بنابراین تمام دنیا از کوچک‌ترین جزئیات این حادثه، از اسم‌ورسم و عکس و... قربانیان این حادثه مطلع است و همچنان در خبرهاست.

پس از فاجعه کانال مانش، چند بیانیه از سوی سیاستمداران صادر شد که ابراز همدردی

می‌کنند - اما این موضوع جلوی حکومت فرانسه را نگرفت تا ۲۴ ساعت بعد یک اردوگاه پناهجویان را تخلیه کند. همان اردوگاهی که برخی یا همه پناهجویانی که در کانال مانش جان خود را از دست دادند، در آنجا اقامت داشتند. اینجا نیز مثل همیشه انگشت اتهام فقط به‌سوی "قاچاقچیان انسان" نشانه رفت و دولت‌ها از زیر بار مسئولیت شانه خالی کردند. بااین‌حال، نهادهای مدافع پناهندگان تقاضای خود را برای باز کردن راه‌های ایمن برای پناهجویان از سوی بریتانیا مجددا تکرار کردند.

مقام امنیت مرزی و پناهندگی، آنجلا ایگل، این نظر را داشت: "متأسفانه، همچنان هم افراد بیشتری

وجود دارند که می‌خواهند بیایند، نسبت به راه‌های ایمن یا قانونی که ما هرگز نمی‌توانستیم ایجاد کنیم.“ چه پاسخی تحقیرآمیز برای خودشان که از هر گونه گناهی مبرا می‌شوند. شما واقعاً نمی‌توانید حکومت را سرزنش کنید، درست است؟ انگار آن پناهجویان تعمداً ترجیح می‌دهند بجای ایجاد راه‌های ایمن پیشنهاد شده توسط نهادهای پناهندگی با قایق‌های غیر ایمن قاچاقچیان عبور کنند و خطر غرق‌شدن را به جان بخرند. به نظر می‌رسد برای دولت‌ها، فقرا و جویندگان زندگی و فراریان از دست دیکتاتورها و فقر انسان محسوب نمی‌شوند، فقط اعداد هستند. در تقابل با این تراژدی انسانی می‌شود صف متشکل‌تری از انسان‌هایی که بجای منفعت

**دولت‌ها، انسانیت را نمایندگی کنند تشکیل داد. می‌شود!**

# در پاسخ به انتقاد یک خواننده ژورنال
# در مورد شیرین عبادی

محسن ابراهیمی

دوستی از ایران در باره مطلب "شیرین عبادی در خدمت رسول‌الله" به قلم این نویسنده، منتشر شده در ژورنال شماره ۸۲۶، نظر انتقادی دارد که عیناً همینجا می‌بینید:

"اینگونه برخوردها با امثال شیرین عبادی را نمی‌پسندم. به‌هرحال ایشان بخاطر عقایدش از ایران کوچ و در ایران متحمل سختی‌های زیادی شد. به یکباره همه اینها را زیر سوال بردن منطقی نمی‌بینم."

"به هر (حال) مخالفین طیف‌های وسیعی هستند

**از نا خداباوران تا خداباوران. برای رهاشدن از شر اسلام سیاسی اتفاقاً باید افرادی که معتقد به هر مذهبی هستند، اما متعهد به جدایی دین از سیاست را همراهی نمود.“**

**دوست گرامی، قبل از هر چیز مایه خوشحالی است که به‌عنوان یک خواننده جدی ژورنال نظر انتقادی‌ات را با ما در میان گذاشته‌اید. برای توضیح بیشتر نکاتم در مطلب مورد انتقادت، دو جنبه زیر مهم هستند:**

**نکته اول: ترک کشور به‌خاطر هر عقیده‌ای کوچک‌ترین حقانیتی به آن عقیده نمی‌دهد. عقاید و نظرات را باید مستقل از موقعیت صاحبان آن عقاید و نظرات مورد نقد قرار داد.**

درست است که شیرین عبادی هم به‌خاطر عقایدش کشور را ترک کرده است. اما در دوره‌ای که شیرین عبادی در خدمت عقاید جریان اصلاح‌طلب عملاً به تداوم عمر حکومت کمک کرد، هزاران مخالف سرسخت حکومت و قوانین اسلامی زندانی و شکنجه شدند و تعداد زیادی از این مخالفین سرسخت حکومت که از اعدام‌های حکومت جان سالم بدر بردند ناگزیر از ترک کشور شدند. ترک کشور هیچگونه حقانیتی به نظرات سیاسی این مخالفین هم نمی‌دهد. نظرات سیاسی را باید به اعتبار خودشان، مستقل از اینکه صاحبان آن نظرات زندانی بوده‌اند یا کشور را ترک کرده‌اند، مورد نقد و داوری قرار داد.

شیرین عبادی وقتی به‌خاطر جایزه صلح نوبل در

سال ۱۳۸۲ مخاطبین وسیعی در جهان پیدا کرد، یعنی در ۲۵ سالگی جنایات هولناک حکومت با اتکا به احکام قرآن، به دوربین‌های پربیننده رسانه‌ها خیره شد و اعلام کرد: "اسلام با حقوق بشر مغایرت ندارد و اگر قرآن را مطالعه کنید، خواهید دید که هیچ بخشی از آن مخالف با حقوق بشر نیست." این دیگر از حوزه باور شخصی خارج می‌شود وقتی دارنده‌اش دور دنیا بچرخد و ایدئولوژی رسمی حکومت را تطهیر کند. این یک پروژه سیاسی بود که سردمدارانش تلاش کردند مردم را در ایران به اصلاح حکومت از درون امیدوار نگه دارند و در جهان مثل محمد خاتمی از تریبون سازمان ملل از یک حکومت ویرانگر چهره‌ای متمدن و مدافع "گفتگوی تمدن‌ها"

عرضه کنند.

نکته دوم: موافقم که مردم مخالف باورهای متنوع دارند. ممکن است کسی باور به وجود خدا داشته باشد اما نخواهد آخوند و احکام شریعت مزاحم تحصیل کودکانش شود. نخواهد گشت ارشاد دختران و زنان را آزار دهد. موافقم که برای رهاشدن از اسلام سیاسی باید دست این انسان‌ها را فشرد.

اما می‌دانیم که یک هدف مهم انقلاب زن زندگی آزادی کوتاه‌کردن دست احکام قرآن و شریعت از زندگی مردم است. می‌دانیم که فضای جامعه آنچنان ضد مذهبی است که هنوز زندان و شکنجه و ماشین اعدام حکومت کار می‌کند اما

مردم سر خاک عزیزانشان که بدست حکومت کشته شده‌اند، به‌جای قرآن‌خوانی، موزیک پخش می‌کنند. در چنین فضای ضد مذهبی، تسلیت به مناسبت "رحلت پیامبر اسلام" آنهم با هشتک زن زندگی آزادی زیر لوگوی "محمد رسول الله" نشانه‌ای از باور شخصی نیست. تقلایی از یک خط و گرایش سیاسی شناخته شده اما ورشکسته برای تغییر مسیر انقلاب است. رکن چنین گرایشی این است که قبل از اینکه انقلاب ارکان نظام را در هم بریزد و مردم قدرت بگیرند، باید فکری برای ساخت‌وپاخت از بالای سر مردم کرد. یک‌جوری خواب یک کنفرانس گوادلوپ دیگر را می‌بینند که این بار سپاه نقش ارتش در انقلاب ۵۷ را بازی خواهد کرد و قدرت به‌جای

مردم به منتظرالحکومت های دوره جدید منتقل خواهد شد. بی دلیل نیست که رضا پهلوی منظم از این دم می‌زند که با سپاه مکالمه دارد و آنقدر نگران اسلام شده است که می‌گوید "اگر قراره اسلام‌ستیزی باشه همون بهتر که این حکومت بمونه." تسلیت "رحلت پیامبر اسلام" توسط شیرین عبادی در جهت چنین تصوری هرچند پوچ از تحولات سیاسی آینده است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۲۸

۷ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۱۷ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

وضعیت فاجعه‌بار نظام آموزشی در جمهوری اسلامی

سیامک بهاری

علیه دستگیری‌ها باید ایستاد

نسان نودینیان

پرستاران و روزی دیگر از اعتراض

شهلا دانشفر

عزم مبارزه در بیانیه‌ها نیز موج می‌زند

کیوان جاوید

# وضعیت فاجعه‌بار نظام آموزشی
# در جمهوری اسلامی

سیامک بهاری

علیرضا کاظمی وزیر جدید آموزش و پرورش می‌گوید: "مهمترین وظیفه ما در آموزش و پرورش اقامه فرهنگ نماز، قرآن و ایثار و فداکاری در فضای تعلیم و تربیت است".

این درحالی است که بیش از ۷ میلیون و پانصدهزار کودک از چرخه تحصیل به بازار بیرحم کار پرتاب شده‌اند. میزان بازماندگان از تحصیل از مرز ۲۶درصد هم فراتر رفته است.

**معیار و شاخص‌های شناخته شده اساسی نظام آموزشی عدالت محور مانند رایگان و اجباری و غیر کالایی بودن آموزش، حق دسترسی یک‌سان و عمومی به تحصیل، غیر ایدئولوژیک، بدون تفکیک جنسیتی، متکی به آخرین و عالی‌ترین استانداردها و دستاوردهای علمی آموزشی و تأکید بر یک آموزش و پرورش شاد، انسانی و کودک محور است.**

**نظام آموزشی جمهوری اسلامی دقیقا در نقطه مقابل و در تناقض محض با معیارهای بالا است. بصورت سیستماتیک، عامدانه و هدفمند رویکرد حاکمیت، آموزش و پرورش خصوصی، پولی و کالایی، ولایت‌مدار شیعی، ایدیولوژیک، شهادت**

پرور، مطیع، جنسیت زده، ضد کودک و برپایه تبعیض و نابرابری و شکاف طبقاتی است. نتیجه محتوم چنین روی‌کرد ضد انسانی و کودک ستیز، همین فاجعه و جهنمی است که زیر پای جامعه دهان باز کرده است.

۵۷ درصد مدارس ایران تخریبی است و همزمان بودجه سازمان توسعه و تجهیز مدارس ۳۰درصد کاهش یافته است. میانگین مخارج و هزینه تحصیلی در دبیرستان دولتی برای ۹ ماه تحصیل، حداقل ۶۰ میلیون تومان و سهم مدارس دولتی در قبولی کنکور فقط ۷ درصد بوده‌است. در آستانه سال تحصیلی، کمبود ۱۸۰هزار معلم و همزمان سقوط افت تحصیلی دانش‌آموزان به

میانگین معدل ۱۰,۸۹ اعلام شده است.

براساس استانداردهای جهانی هر دانش‌آموز باید حداقل ۸ تا ۱۴ متر فضای آموزشی داشته باشد. در ایران میانگین فضای آموزشی چیزی حدود ۲ متر و سرانه فضای ورزشی به ازاء هر دانش‌آموزفقط حدود ۱۶ سانتیمتر و بودجه فعالیت‌های ورزشی برای هر دانش‌آموز ۱۲۵ تک تومان است. سرانه هر دانش‌آموز در امور پرورشی معادل قیمت یک حبه قند است.

قیمت نوشت‌افزار ۶۰ تا ۸۰ درصد گرانتر شده و فروش لوازم التحریر ۴۰ درصد کاهش یافته و عملا به کالایی لوکس بدل گشته است. هزینه‌های

لوازم تحصیلی سر به ۱۰ میلیون تومان می‌زند.

جمهوری اسلامی عامدانه دارد آموزش و پرورش را به دست بازار آزاد می‌سپارد. جامعه این بی عدالتی و محروم شدن از حق داشتن یک آموزش و پرورش انسانی مدرن و پیشرفته را نمی‌پذیرد.

# علیه دستگیری‌ها باید ایستاد

## نسان نودینیان

در آستانه دومین سالگرد خیزش مردمی زن زندگی آزادی جمهوری اسلامی در شهرهای کردستان و تعداد دیگری از شهرها، بیش از بیست نفر را بازداشت کرده؛ تعدادی از دستگیرشدگان از اعضا و بستگان جان‌باختگان انقلاب مهسا / ژینا هستند.

جمهوری‌اسلامی هر باره به‌قصد سرکوب اعتراضات با شبیخون شبانه، دستگیری فله‌ای، وثیقه‌های میلیاردی و زندان، جوانان، فعالین اجتماعی خانواده‌های جان‌باختگان را تحت‌فشار و مخاط

امنیتی قرار می‌دهد. در یک ماه گذشته و در آستانه دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی، با سیاست سرکوب و دستگیری به‌قصد جلوگیری از اراده انقلابی مردم و ممانعت از شرکت آنها در مراسم‌های گرامیداشت دومین سالگرد انقلاب مهسا / ژینا، رژیم دامنه دستگیری‌ها را وسیع کرده است، تا مردم معترض در کردستان را به سکوت بکشاند.

اما سال‌ها است تلاش رژیم برای ایجاد فضای ترس و ارعاب توسط مردم کنار زده شده است. فضای تهدید، فشار و ارعاب در اعتراضات مردمی؛ توسط کارگران، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان، معلمان، فعالین زیست‌محیطی و

جوانان بی‌خاصیت شده است. در سوم اردیبهشت سال جاری بیش از هزار نفر از زنان، جوانان، فعالین زیست‌محیطی و مردم مبارز مریوان مراسم ششمین سالگرد چهار فعال زیست‌محیطی، شریف باجور و یاران جان‌باخته، را برگزار کردند. در چند دهه گذشته مردم نشان دادند که تسلیم نمی‌شوند و در مقابل یک حکومت ورشکسته و بحران‌زده و بی‌آبرو مبارزه متشکل‌تر را سازمان می‌دهند.

در آستانه دومین سالگرد خیزش مردمی هستیم. نگاه‌ها در همه‌جا به زنان، جوانان و مردم مبارز دوخته شده است. شهرهای کردستان در شهریور ۱۴۰۱ شاهد شرکت باشکوه وانقلابی جوانان دختر

و پسر بود. محلات و خیابان‌ها توسط آنها تصرف شده بود. تعدادی از شهرهای کردستان از جمله مهاباد، جوانرود، دیواندره، بوکان، کامیاران، سقز و سنندج بیش از یک هفته شاهد سنگربندی‌های مردمی بود. حکومت تبهکار جمهوری اسلامی با سلاح‌های جنگی و ساچمه‌ای و با کشتن ده‌ها نفر و دستگیری‌های وسیع انقلاب زن زندگی آزادی را مهار کرد. اما هیچ وقت نتوانسته دستاورد و تجارب و همبستگی شورانگیز مردم را از آنها پس بگیرد. همه با هم با کمک خانواده‌های دستگیر شدگان علیه موج دستگیری‌ها بسیج شویم و علیه رژیم اسلامی متحد و یکپارچه عمل کنیم.

# پرستاران و روزی دیگر از اعتراض

شهلا دانشفر

روز هفدهم شهریور طبق فراخوان قبلی پرستاران در شهرهای اصفهان، قم و در کاشان در دو بیمارستان تقوی و بهشتی و قروه کردستان به خیابان آمدند و با فریاد "پرستار دم بزن حقتو فریاد بزن" پیگیر مطالباتشان شدند. در این اعتراضات پرستاران با بنرهای اعتراضی‌شان بر سر خواسته‌های خود پا فشردند و با فریاد شعارهای اعتراضی‌شان صحنه پرشوری از اعتراض را آفریدند.

یک ماه از اعتراضات گسترده و بی‌سابقه پرستاران که دامنه آن به ده‌ها شهر در بیش از ۹۰ بیمارستان

کشیده شده، می‌گذرد. در جاهایی چون شیراز اعتراض و اعتصاب ۹۰ درصد بیمارستان‌ها را در بر گرفت. پرستاران و کادر درمان اورژانس نیز در اعتراض به وضع مخروبه این مراکز که جان انسان‌ها را به خطر می‌اندازد و همچنین پرستاران قراردادی و شرکتی حضور فعالی در اعتراضات داشتند.

فراخوان پرستاران به اعتراضات امروز آنهم با فراخوان به حضور خانواده‌ها و اعلام اینکه اقدام بعدی اعتصاب خواهد بود، یک اتفاق مهم در ادامه اعتراضات یک‌ماهه آنها و گامی به جلو است. اعتراضات گسترده پرستاران آنهم در آستانه دومین سالگرد انقلاب توجه وسیع مردم را جلب کرده و حمایت از آنان به شعار کف خیابانی تبدیل شده

و حکومت را به هراس انداخته است.

زیر فشار اعتراض پرستاران در ۱۴ شهریور دو پرستار بازداشتی مشهد آزاد شدند؛ شورای امنیت کشور جلسه ویژه بحرانش را تشکیل داد؛ جلساتی هم در سطح دانشگاه‌ها، دیوان محاسبات و غیره برای کنترل اوضاع بر پا شد و محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت با اعلام اینکه بخش اول مطالبات پرستاران پرداخت شده پاسخ به مطالبات اعلام شده آنها را به آینده حواله داد.

فراخوان پرستاران به تجمعات روز شنبه جواب محکمی به سرکوبگری‌های حکومت و وعده و وعید دادن‌هایش برای وقت خریدن و تفرقه‌افکنی در

صف اعتراض بود. اعتراض پرستاران بر سر معیشت، اعتراضی سراسری در جامعه است و خواست‌های آنان همچون درمان رایگان و اعتراضشان به استاندارد پایین درمان در جامعه امر همه مردم است. اعتراض پرستاران به حقوقهای ناچیز، تعویق پرداخت معوقات مزدی، اضافه کاری‌های اجباری و با مزد ناچیز و فشار کشنده کاری است. ارتقا و بهبود شرایط معیشتی و شغلی پرستاران، تأثیر مستقیمی بر بهبود وضع درمان جامعه دارد.

اعتصابات پرستاران در فضای انقلابی جامعه و در کنار اعتراضات گسترده در جنبش کارگری می تواند نیروبخش اعتراضات خیابانی و داغ کردن تنور انقلاب باشد. از اعتراضات پرستاران وسیعاً حمایت کنیم.

# عزم مبارزه در بیانیه‌ها نیز موج می‌زند

کیوان جاوید

شماری از تشکل‌های دانشجویی و دانشجویان با انتشار بیانیه‌ای به مناسبت دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی اعلام کرده‌اند که در برابر "این حکومت ضدانسانی" ایستاده اند و برای "به چالش کشیدن دائمی" و "نابود کردن" آن مبارزه خواهند کرد. این تشکل‌ها تأکید کرده‌اند: "نه می‌بخشیم، نه فراموش می‌کنیم، نه اظهار پشیمانی می‌کنیم، نه می‌ترسیم، و نه از راه‌رفته برمی‌گردیم." تشکل‌های دانشجویی و دانشجویان در ایران بیان داشتند: "زندان، شکنجه، اعدام" هرگز اثر نداشته و اقشار مختلف از جمله

کارگران، بازنشستگان و پرستاران تجمعات و اعتصابات بزرگی علیه رژیم سازمان داده‌اند و اعتراضات گسترده مردمی حکومت را احاطه کرده است.

در حرکتی دیگر بیش از ۲۰ تشکل مستقل زنان در ایران نیز روز ۱۵ شهریور در بیانیه‌ای به مناسبت دومین سالگرد کشته‌شدن مهسا امینی و جنبش "زن، زندگی، آزادی" اعلام کردند که "مبارزات وارد فاز جدیدی شده است". در این بیانیه تأکید شده است که "مبارزات جاری علیه مجازات اعدام، علیه حجاب اجباری، علیه ستم ملی و طبقاتی، مبارزات مستمر و تأثیرگذار جنبش دادخواهی و ایستادگی دانشجویان" با

ادامه همان "نه" به نظام و تبعیض جنسیتی و به‌طورکلی، مبارزه جمعی برای یک زندگی بهتر، چهره شهرها را دگرگون کرده‌اند.

این دو بیانیه تنها گوشه‌ای از مبارزات جاری جامعه علیه حکومت است و بازتاب فضای انقلابی علیه حکومتی که منظماً دستگیر می‌کند و اعدام‌های وسیع هر روزه سازمان می‌دهد تا بلکه بتواند این روحیه و عزم عمومی مردم را تضعیف کند. این بیانیه‌ها دقیقاً منعکس‌کننده موقعیت زنان مبارز و عاصی از حکومت اسلامی است. مبارزات فردی و جمعی برای پس‌زدن هر روزه و مدام حجاب اسلامی تا مقابله بی‌وقفه با ویروس خطرناک و نابودکننده مذهب.

این بیانیه‌ها بازتاب اعتراضات پرستاران و کارگرانی است که با مبارزات هر روزشان گلوی رژیم را می‌فشارند. در دومین سالگرد انقلاب بی‌نظیر زن زندگی آزادی که چهره ایران را تغییر داده است و در جهان احترام شایسته‌ای کسب کرده، به مصاف حکومت فقر و عزای اسلامی می‌رویم.

هر تک نفر ما و همه تشکل‌ها و نهادهای مدنی – صنفی و سیاسی در یک صف به هم فشرده در کنار هم باشیم تا در تداوم مبارزه رهایی‌بخش خود جامعه‌ای بسازیم عاری از همه نابرابری‌ها.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۲۹

۸ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۱۸ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

دختر آبی، دختران سرخِ آتشین

کیوان جاوید

قطع آب مدارس دولتی و بودجه میلیاردی آخوندها

سیاوش آذری

”وام عشقی“ یا دزدیهای ”حساب و کتاب دار“

سینا پدرام

نه به اعدام جنبشی برای زندگی

سوال از حسن صالحی

# دختر آبی، دختران سرخِ آتشین

## کیوان جاوید

۱۸ شهریور یاد دختر آبی را در پنجمین سالگرد جان‌باختنش در حالی گرامی می‌داریم که ۲ سال پیش بخاطر قتل حکومتی مهسا امینی، انقلابی به بزرگی نامِ زن، زندگی، آزادی به شدیدترین وجه ممکنِ پایه‌های رژیم اسلامی را لرزاند و این حکومت را تا لبه پرتگاه سرنگونی سوق داد.

۲۱ اسفند ۱۳۹۷، سحر خدایاری، دختری ۲۸ساله از قم به تهران آمد تا رقابت آسیایی تیم محبوبش استقلال را از نزدیک اما با ظاهر

مردانه ببیند، اما بازداشت شد. آن ستم جنسیتی و چند روز بازداشت به جرم تلاش برای ورود به ورزشگاه اثر شدیدی در زندگی سحرِ ۲۸ ساله گذاشت و تهدید به اینکه بین شش تا یک سال حکم زندان خواهد گرفت باعث شد در اوج خشم از این‌همه بیداد دست به خودکشی بزند و چند روز بعد بر اثر شدت سوختگی در بیمارستان جان سپرد.

سحر خدایاری جان‌عزیزش را بدست مرتجع‌ترین و عقب‌مانده‌ترین موجودات ضد زن از دست داد. موجوداتی که زن را فقط برای حضور در آشپزخانه و خدمات جنسی و زائیدن می‌خواهند. سحر علیه اسلام و قوانین حاکم شورید. سحر

همچون زنان و دختران جوان دیگر برای اینکه ثابت کند از هویت و کرامت انسانی خود ذره‌ای کوتاه نمی‌آید با لباس مبدل و گریم مردانه تلاش کرد وارد ورزشگاه شود، اما بدست گشتاپوی اسلامی اسیر شد.

بعدازاین قتل حکومتی، طرفداران فوتبال در ورزشگاه آزادی و دیگر استادیوم‌های ورزشی بدون درنظرگرفتن اینکه طرفدار کدام تیم هستند نام سحر، دختر آبی، را فریاد زدند و اسم دختر آبی به روی پیراهن‌های ورزشی نوشته شد و تیم استقلال یک‌پارچه با نام سحر وارد میدان مسابقه شد.

**پیام جامعه در تقابل با شنیع‌ترین و کثیف‌ترین حکومت ضد زن آشکار و گویا است. حکومت آپارتاید جنسی باید از بین برود. و این روند ما را به انقلاب زن زندگی آزادی رساند. این روندِ انقلابی ما را به سرنگونی حکومت اسلامی و پایان‌دادن به همه مصائبی که رژیم اسلامی بر زندگی مردم آوار کرده است رسانده است. سرنگونی و ساختن جامعه‌ای شاد و انسانی، آن هدفی است که سحر و مهسا و نیکا و حدیث و مجیدرضا و محسن و صدها جان‌باخته انقلاب زن زندگی آزادی برای رسیدن به آن به خاک افتادند. نام سحر خدایاری با مبارزه علیه آپارتاید جنسیتی درهم‌آمیخته است. یادش گرامی باد.**

# قطع آب مدارس دولتی
# و بودجه میلیاردی آخوندها

سیاوش آذری

شرکت آب و فاضلاب استان تهران آب ده‌ها مدرسه دولتی را بدلیل بدهی و نداشتن "حق انشعاب فاضلاب" و بنا بر "قانون" قطع کرده است. بنا بر ادعای آبفای تهران بدهی مدارس دولتی بابت حقوق انشعاب فاضلاب در استان تهران بالغ بر ۶۰۰ میلیارد تومان است. هفته گذشته آب بسیاری از مدارس در منطقه ۸ تهران قطع شده بود. اخبار رسیده حاکی از قطع آب بیش از ۴۰ مدرسه در منطقه ۱۸ در روزهای جاری است. در دوره گذشته علاوه بر آب، گاز برخی

مدارس نیز به دلائل مشابه قطع شده بود. این در حالی است که دست اندرکاران رژیم از جمله استاندار پیشین تهران و وزیر آموزش و پرورش اعلام کرده بودند که هیچ مرجعی حق قطع کردن انشعابات مدارش دولتی راندارد.

کمبود بودجه مدارس دولتی نتیجه سیاست هدفمند رژیم اسلامی برای اسلامیزه کردن جامعه است. رژیم اسلامی سالانه صدها هزار میلیارد تومان پول را صرف تامین مالی نهادهای تولید و پخش خرافه و پروپاگاند اسلامی می‌نماید. برای نمونه، در سال ۱۴۰۳ برای موسسه نشر آثار خمینی ۱۶۰، موسسه آموزش خمینی ۴۳۷ سازمان تبلیغات اسلامی ۸۷۳۱، مرکز خدما

حوزه علمیه ۷۵۴۴، شواری عالی حوزه های علمیه ۶۹۶۲، قرارگاه قرب بقیه‌الله ۲۹۵۵، "کمک به معیشت روحانیون" ۱۲۲۷ و سازمان صدا و سیما ۲۲۲۰۸ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است.

در مقابل، بودجه آموزش و پرورش در سال ۱۴۰۳ از ۱۰,۵۳ درصد کل بودجه عمومی کشور در سال ۱۴۰۲ به ۹,۸۳ درصد در سال ۱۴۰۳ کاهش یافته است. این در حالی است که بدهی وزارت آموزش و پرورش به معلمان و فرهنگیان، بنا بر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس اسلامی، بالغ بر ۴۴ هزار میلیارد تومان است.

میتوان و باید گامهای موثری برای تغییر اوضاع

فلاکت‌بار در آموزش و پرورش و تسریع سرنگونگی حکومت الله برداشت. برافراشتن خواست قطع بودجه نهادهای دینی و مذهبی، تحصیل رایگان برای با استانداردهای جهانی، تخصیص بودجه برای فراهم نمودن یک وعده غذای گرم رایگان در مدارس و تهیه و توزیع کتب درسی و لوازم‌التحریر بصورت رایگان برای دانش‌آموزان، معیانه پزشکی رایگان و منظم دانش‌آموزان در کنار دفاع از مطالبات معلمان و فرهنگیان برای حقوق مکفی و زندگی در شان انسان از جمله این اقدامات است. قرار گرفتن توده‌ای دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان در کنار معلمان و فرهنگیان در اعتراضات گامی بزرگ در این راستا خواهد بود.

# "وام عشقی" یا دزدیهای "حساب و کتاب دار"

سینا پدرام

مجید عشقی، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار، سه روز پس از افشای وام های کم بهره به چند عضو هیات مدیره بورس، با ارسال نامه ای به طور رسمی از سمت خود استعفا داد. این رسوایی مالی در رسانه‌های ایران به "وام عشقی" مشهور شده است و با واکنشهای متعددی از طرف شهروندان روبرو شده است.

طبق معمول نیز از مفتخوران مجلس اسلامی گرفته تا سازمان بازرسی کل کشور و وزیر اقتصاد خواستار تحقیق و بررسی دلایل این وام‌ها شده

و عزم خود را جزم کرده اند تا با "ویژه خواری" و رانت خواری مبارزه کنند.

اعطای وام‌های مجموعا بیش از ۱۰ میلیارد تومانی کم‌بهره به پنج نفر از مدیران ارشد سازمان بورس و اوراق بهادار که با تصویب مجید عشقی انجام شده است، در حالی صورت میگیرد که شهروندان عادی برای دریافت حتی کمترین وام با بهره های بالا با حساسیتهای بانکی و موانع قانونی متعددی روبرو هستند.

این تنها مورد نیست: در پایان سال ۱۴۰۲ مجموع تسهیلات پرداختی به کارکنان ۱۱ بانک کشور از ۱۲۴ هزار میلیارد تومان فراتر رفته است و در

**برخی بانک‌ها بیش از یک‌میلیارد تومان به ازای هر نفر وام پرداخت شده که عمدتاً با بهره پایین و بازپرداخت طولانی‌مدت است.**

**اگر بشود با چند لغت تعریفی علمی از رژیم اسلامی ایران به دست داد میتوان گفت سرمایه داری اسلامی دزدسالار رانت خوار "پا در هوا". و البته این " پا در هوایی مزمن سیاسی" تمامی رفتارها، خصوصیات و تصمیمات "اقتصادی و سیاسی" مسئولین و مقامات ریز و درشت این رژیم را تعیین و مشخص کرده است.**

**در مقابل این غارت باید بار دیگر به شکل متحدانه عمل کرد. دزدیهای رژیم، "عشقی"**

**نیست. با نبود هیچ آینده ای، این دزدیها کاملا سازمان یافته و برنامه ریزه شده تر است. نتیجه این دزدیها نباید با فلاکت زندگی پرستاران و بازنشستگان و کارگران رقم بخورد. با اعتراضات متحدانه میتوان به این دزدیها مهار زد.**

# نه به اعدام جنبشی برای زندگی

## سوال از حسن صالحی

**کیوان جاوید:** ویژگی کارزار جهانی نه به اعدام در ایران چیست؟

**حسن صالحی:** کارزار جهانی نه به اعدام در ایران فعالین بسیاری دارد و ممکن است آنچه که از نظر من ویژگی این کارزار قلمداد می‌شود با نظر دیگر فعالین این کارزار متفاوت باشد. ولی فکر می‌کنم همه ما باور داریم که مشخصه اصلی کارزار این است که فعالین مختلفی با باورها و گرایش‌های سیاسی متفاوت برای یک موضوع معین یعنی مخالفت با اعدام گرد هم

آمده‌اند. کارزار نشان داد که فعالیت اجتماعی مشترک و میدانی با وجود تفاوت‌های فکری در میان ما ممکن است. کارزار نه فقط امکان‌پذیر بودن چنین اتحادهایی را به همگان نشان داد، بلکه درعین‌حال روشن ساخت که اگر فعالین اجتماعی حول محورهای معینی کنار هم قرار گیرند چقدر ما را نیرومندتر می‌کند و برای پیشبرد جنبش انقلابی زن زندگی آزادی اهمیت دارد.

**کیوان جاوید: برای کنار هم قرارگرفتن افراد و جمع‌ها با گرایش‌های متفاوت فکری و سیاسی چگونه بر موانع فائق آمدید؟**

**حسن صالحی: در این زمینه از نظر من می‌توان به مؤلفه‌های متفاوتی اشاره کرد. شفافیت یک مسئله کلیدی است. کارزار چیزی غیر از شفافیت ندارد. کارزار مطلقا بر اساس ایدئولوژی و تعلقات یا عدم تعلقات حزبی و سیاسی افراد فعالیت نمی کند و جای هر کسی است که صرفنظر از اعتقاداتش واقعا میخواهد علیه اعدام کاری بکند. کسانی که بعنوان هیئت هماهنگی کارزار سکان پیشبرد امور را به عهده دارند انتخابی هستند و جلسات منظم این هیات و تصمیماتی که گرفته شده بطور مرتب به اطلاع همه اعضا که در یک کانال تلگرامی گردآمده‌اند، رسانده می‌شود. یک رابطه متقابل بین اعضای کارزار و هیئت هماهنگ‌کننده آن وجود دارد. کارزار تا**

کنون سی جلسه علنی و عمومی با شرکت فعالین علیه اعدام داشته است که واقعاً بی‌نظیر بوده‌اند و همین سبک‌کار، توجه‌های زیادی را به خود جلب کرده است. در کارزار فعالین قدر همدیگر را می‌دانند و همه به نقش و جایگاه یکدیگر در پیشبرد امور واقف هستند. حتماً مشکلاتی هم وجود داشته است، چنین کار بزرگی بدون مشکل نمی‌شود. ولی رویکردی که برای حل این مشکلات وجود دارد بسیار مدبرانه و مبتنی بر حفظ این اتحاد است.

**کیوان جاوید: زیر این چتر چه اقدامات قابل توجهی علیه اعدام‌ها در ایران صورت گرفته است؟**

**حسن صالحی: کارزار در متن اعتراضات وسیع در ایران علیه اعدام شکل گرفت و با تشکیل خود توانست جنبش علیه اعدام را قوی‌تر کند. شروع کار کارزار، ژانویه ۲۰۲۳- بهمن ۱۴۰۲- با اعلام یک هفته اقدام جهانی علیه اعدام‌ها بود که ده‌ها نهاد و سازمان و حزب سیاسی از این اقدام حمایت کردند و در ۱۵ کشور و ۴۱ شهر دنیا علیه اعدام و قتل حکومتی در ایران برنامه‌های اعتراضی سازمان داده شد. سازمان‌دادن برنامه‌های اعتراضی علیه اعدام یک کار همیشگی کارزار بوده و به مناسبت‌های مختلفی انجام گرفته است. آخرین آن تظاهراتهای ۱۰ و ۱۱ اوت در نزدیک به ۳۰ شهر دنیا بود که در پاسخ به فراخوان تشکل‌های دانشجویی در ایران انجام گرفت. با**

جلسات علنی و عمومی کارزار ما در عین‌حال امر گفتمان‌سازی علیه اعدام را دنبال کردیم و مشوق این بودیم که فعالین بیشتری برای این امر مهم در کنار هم قرار بگیرند. یکی دیگر از کارهای مهم کارزار که به‌اتفاق دیگر سازمان‌های حقوق بشری انجام‌گرفته جلب‌توجه جهانیان به اعدام‌های مرتبط با جرائم مواد مخدر بود که بیشترین آمار اعدام‌ها در ایران را تشکیل می‌دهد و مسئله دیگر سه‌شنبه‌های اعتراض علیه اعدام در زندان‌های ایران است که باید هر چه بیشتر تقویت شود و به جهانیان شناسانده شود. در باره زندانیان دو تابعیتی در ایران که با خطر اعدام روبرو هستند کارزار تلاش کرده است که به خانواده‌ای آنها برای پیشبرد یک کمپین

مؤثر برای نجات این عزیزان کمک کند. کارزار درعین‌حال با همکاری متخصصان، حقوقدانان و وکلا تلاش کرده است که راه‌های مختلف حقوقی و قانونی برای تحت‌فشار گذاشتن جمهوری اسلامی را دنبال کند.

**کیوان جاوید:** آیا این الگو قابل‌تعمیم به جنبش‌های اعتراضی دیگر هم هست؟

**حسن صالحی:** حتماً همینطور است. همین حالا دوستانی که برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه می‌کنند یک شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران درست کرده‌اند. من امیدوارم که فعالیت کارزار به الگویی تبدیل

شود که فعالین اجتماعی در عرصه‌هایی مثل حقوق کودکان، دفاع از پناهندگان، دفاع از حقوق کارگران و غیره  بتوانند در کنار هم قرار بگیرند و فعالیت متمرکز و نیرومندتر را سازمان دهند. اگر کارزار موفق شد فعالین دیگر عرصه‌های مبارزاتی نیز خواهند توانست. مسئله فقط بر سر این نیست که ما از این طریق در مقابل جمهوری اسلامی قوی‌تر خواهیم شد، بلکه درعین‌حال ما داریم شبکه‌های اجتماعی برای اعمال قدرت مردمی را سازمان می‌دهیم. موضوعی که برای فردای سرنگونی جمهوری اسلامی هم بسیار مهم است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۳۰

۹ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۱۹ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

**نظرسنجی دولتی: ۹۲ درصد مردم معترض‌اند**

**کاظم نیکخواه**

**بازنشستگان حماسه می‌آفرینند**

**شهلا دانشفر**

**حضور چهره ها در جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی**

**عطیه نیک‌نفس**

**امتناع پنج زندانی سیاسی زن از حضور در دادسرای اوین**

**کیوان جاوید**

**پارالمپیک و انسانیت**

**عبدل گلپریان**

# نظرسنجی دولتی: ۹۲ درصد مردم معترض‌اند

## کاظم نیکخواه

بنا به یک نظرسنجی دولتی که اخیراً منتشر شده ۹۲ درصد مردم کشور به وضع موجود معترض‌اند. این نظرسنجی تمام جوانب زندگی از امنیت، حجاب، مسئله مذهب، رفاه، تبعیض تا آزادی را در بر می‌گیرد و در همه زمینه‌ها اکثر مردم ابراز نارضایتی و اعتراض می‌کنند. روزنامه هم میهن که گوشه‌ای از نظرسنجی را منتشر کرده نوشته است "۹۲ درصد ایرانیان به وضعیت فعلی ایران معترض‌اند؛ این خلاصه بخش "مسائل و آسیب‌های اجتماعی" موج چهارم پیمایش ملی ارزش‌ها و

نگرش‌های ایرانیان است که داده‌هایش آبان‌ماه سال ۱۴۰۲ جمع‌آوری و حالا به یکی از مهم‌ترین پیمایش‌ها درباره وضعیت جامعه ایران تبدیل شده است“... سیمین کاظمی، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با ”هم‌میهن“ می‌گوید، ”این وضعیت درواقع زنگ هشداری است برای حکومت که به خود بیاید و در راه پیموده تجدیدنظر کند و مسیر خود را به سمتی تغییر دهد که به مصلحت جامعه و تأمین رفاه، برابری و آزادی باشد“.

وقتی حکومت خود به نارضایتی ۹۲ درصدی اعتراف می‌کند، معلوم است که اوضاعش حتی از اینکه ما همیشه گفته‌ایم خراب‌تر است. زن و مرد و پیر و جوان در این کشور بارها با خیزش‌ها

و شورش‌های گسترده خود، با فحش‌های علنی هر روزه به آخوندها و دستگاه حاکم، با اعتراضات مداوم بازنشستگان و کارگران نفت و پرستاران، و در اعتراضات معلمان و دانشجویان و دانش‌آموزان و کشاورزان، با صدای بلند اعلام کرده‌اند که نه فقط معترض‌اند، بلکه خشمگین‌اند و مصمم‌اند کار این ماشین اعدام و چپاول و جهل و عقب‌ماندگی را تمام کنند و کل سنت‌های دونشان انسانی و کپک‌زده و اسلامی‌اش را برای همیشه به زباله‌دان بیندازند. اکنون از درون حکومت دارد به این حقیقت که مثل خورشید عیان است، اعتراف می‌شود، هشدار داده می‌شود. وحشت سراپای همگی‌شان را گرفته است. بایکوت وسیع انتخابات حکومت نیز گویای وضعیت نزار حکومت بود.

با میدان دادن به امثال پزشکیان تلاش کردند جبهه کذایی دوم خردادی را برای حفظ نظام اسلامی‌شان بار دیگر به کمک بگیرند.

اما کار حکومت از این ژست‌ها و چهره‌نمایی‌ها گذشته است. پاسخ حکومت اعدام و جنایت و سرکوب و چپاول، تنها و تنها انقلاب و درهم کوبیدن آنست و مردم بدون هیچ تردیدی این راه را در پیش گرفته‌اند و قطعاً کار را خیلی زود تمام خواهند کرد.

# بازنشستگان حماسه می‌آفرینند

## شهلا دانشفر

بازنشستگان با اعتراضات هر روزه خود حماسه می‌آفرینند. اینبار این بازنشستگان فولاد و معدن بودند که در ۱۸ شهریور با تجمع بزرگ خود مقابل وزارت کار روزی فراموش‌نشدنی را رقم زدند. در این روز بازنشستگان از سراسر کشور و از شهرهای مختلفی چون اهواز، اصفهان، کرج، شاهرود و لوشان برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود به تهران آمده بودند و با فریاد خشمگینانه "وزیر بیا پایین" دولت و کل بساط چپاول حاکم را به چالش کشیدند.

در این حرکت اعتراضی فریاد "کارگر زندانی

آزادی باید گردد"، "فولادی داد بزن، حقتو فریاد بزن" ، "درمان رایگان، حق مسلم ماست" بر فضای خیابان‌های طنین انداخته بود.

در همین روز بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش، اهواز و کرمانشاه تجمع داشتند. این بازنشستگان با شعارهای اعتراضی و سخنرانی‌های پرشورشان از مهم‌ترین موضوعات جامعه از جمله علیه فقر، فساد، تبعیض و علیه حجاب و سرکوب و در دفاع از زندانیان سیاسی و در همبستگی با پرستاران و اعتراضات در نفت سخن گفتند و سرود آزادگی سر دادند. امروز نوزدهم شهریور نیز همین صداها را از بازنشستگان مخابرات در دوازده شهر می‌شنویم.

بازنشستگان در اعتراضاتشان از جمله شعار می‌دادند: "زندانی سیاسی آزادی باید گردد"، "اسماعیل گرامی آزادی باید گردد"، ""همصدا، هم پیمان، علیه حکم اعدام"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "معیشت، منزلت حق مسلم ماست"، " گرانی تورم بلای جان مردم"، " اتحاد – اتحاد علیه فقر و فساد".

بدینگونه بازنشستگان کل بساط توحش و بربریت حاکم را به مصاف کشیدند و پلاتفرم مبارزاتی کل جامعه را بازتاب دادند. پلاتفرمی که در منشور خواست‌های حداقلی بیست تشکل بازتاب با شفافیت بیان شد و امروز نقطه اتکای بیانیه‌های بخش‌های مختلف جامعه در دومین سالگرد انقلاب است.

بازنشستگان یک جبهه قدرتمند اعتراض بر سر معیشت هستند که با مبارزت هر روزه و فریاد "اتحاد -اتحاد علیه فقر و فساد"، "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد" پرچم اتحاد طبقاتی مبارزاتی کل جامعه را بدست گرفته‌اند. جنبشی بر سر معیشت که امروز قدرتمندتر و سازمانیافته تر در میدان است؛ جنبشی که کارگران نفت، پرستاران، معلمان و و بخش‌های مختلف کارگری و کل جامعه را دربرگرفته است.

اعتراضاتی چنین گسترده آن‌هم در آستانه دومین سالگرد انقلاب از گرم‌شدن تنور انقلاب در کف خیابان خبر می‌دهد. بااتحادوهمبستگی به‌استقبالش برویم. پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری.

# حضور چهره‌ها در جنبش انقلابی

# زن، زندگی، آزادی

عطیه نیک‌نفس

محمد موحدی آزاد دادستان کل رژیم اسلامی روز ۱۸ شهریور گفته است: "برخی اقدامات چهره‌ها در ملأعام، مصداق جریحه‌دار کردن عفت عمومی و جرم مشهود است". او از پلیس فتا و ضابطین خواست "بلافاصله دلایل و مدارک جرم را جمع آوری و به دادستان محل وقوع جرم گزارش کنند" و تأکید کرد که "سریعاً با آنها برخورد قانونی صورت پذیرد."

انقلاب پرقدرت و زنانه زن، زندگی، آزادی دست به ریشه‌ها برده و بدرستی متوجه شده است که بی

**حقوقی نیمی از شهروندان جامعه که زنان هستند، یعنی بی حقوقی و سرکوب همه جامعه.**

**مبارزات زنان پیشرو و مترقی توانسته اقشار مختلف جامعه را با خود همراه و همسو کند و در ادامه این مبارزات بسیار مهم است. بسیار مهم است هر فرد در این عرصه از فعالیت اجتماعی علیه حکومت اسلامی حضور پُررنگی داشته باشد. این مبارزات نشان‌دهنده یک فرهنگ پیشرو و مدرن است که سیمای سیاسی زندگی اجتماعی را منعکس می کند و معنای عملی آن یعنی اینکه زنان در پیشاپیش مبارزه برای یک جامعه آزاد و برابر و بدون تبعیض نقش محوری دارند؛ یعنی اینکه هیچ نیرویی دیگر هرگز نمی‌تواند زنان را از حضور پر قدرت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی باز بدارد.**

این مبارزات فردی که منجر به یک موج جمعی شده است نشان‌دهنده تداوم حرکت انقلابی و قدرت زنان در برهم‌زدن صفوف حکومت است. قدرت این مبارزات تا حدی است که رژیم را مستأصل کرده و کابوسی هر روزه برای رژیم ساخته است. مبارزاتی که نشان‌دهنده تأثیر پرقدرت زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است و هر لحظه این را تأکید می‌کند که ما به عقب برنمی‌گردیم و برای رسیدن به جامعه‌ای آزاد و برابر و دستیابی زنان به‌تمامی حقوق انسانی‌شان در صحنه مبارزه جسورانه حضور داریم. حضور زنان در عرصه سیاست یکی از مهم‌ترین معانی پیروزی انقلاب "زن، زندگی، آزادی" است.

# امتناع پنج زندانی سیاسی زن از حضور در دادسرای اوین

کیوان جاوید

پنج تن از زندانیان سیاسی بند زنان زندان اوین، نرگس محمدی، محبوبه رضایی، پریوش مسلمی، وریشه مرادی و پخشان عزیزی که در پی اعتراض به اعدام رضا رسایی مورد "ضرب و شتم" مقامات زندان قرار گرفته بودند، روز یکشنبه ۱۸ شهریور به‌رغم احضار برای "تفهیم اتهام" از حضور در دادسرای امنیت این زندان خودداری کردند.

به این روانشناسی جامعه خوب دقت کنیم. از همه این حرکات و عکس‌العمل‌های به‌ظاهر

ساده در حوزه‌های مختلف عمل می‌شود به یک واقعیت عظیم‌تر اجتماعی پی برد. حقیقت این است که جمهوری اسلامی حرکت خیابانی انقلاب زن زندگی آزادی را با سرکوب خشن عقب رانده است، اما تمام مقامات ریزودرشت حکومت در یک مورد با همه مردم هم نظر و هم‌عقیده‌اند. اوضاع حکومت خراب است و جامعه برای خیز بعدی و حضور فعال در اعتراضات خیابانی لحظه‌شماری می کند.

اعتراض و تحصن زندانیان سیاسی زن نسبت به اعدام رضا رسایی درست زیر تیغ حکومت اسلامی به‌تنهایی یک واقعه بسیار مهم بود. مهم‌تر آنکه این اعتراض شدیداً در مدیای اجتماعی و در ایران

و جهان انعکاس یافته و بعد از همه این اتفاقات، پنج زندانی زن حاضر نشدند به‌منظور "تفهیم اتهام" در دادسرای زندان اوین حاضر شوند.

این پنج زندانی زن با یک پیام سیاسی آشکار عملاً به جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند بروید در آن دادسرای کذایی خود هر چه دلتان می‌خواهد "ببرید و بدوزید" و هر حکمی که می‌خواهید صادر کنید. پیام این است که احکام شما ذره‌ای ترس در دل ما ایجاد نمی‌کند و ما اصلاً برای دادگاه‌های مسخره و حکومت منفور شما کمترین مشروعیتی قائل نیستیم.

آنچه در زندان اوین توسط زندانیان سیاسی

زن اتفاق افتاد و متعاقب آن امتناع از حضور در "دادگاه انگیزاسیون اسلامی" می‌تواند سرنخ دیگری باشد به تکثیر سرپیچی‌های مدنی، اعتراضات وسیع‌تر صنفی و زیر پا گذاشتن اجتماعی‌تر و گسترده‌تر قوانین اسلامی. مبارزات در ابعاد شخصی و جمعی می‌تواند رژیم اسلامی را کاملاً فلج کند تا در فرصت مناسب دیگری به شورش و قیام خیابانی منجر شود. این گفتمان انقلاب است که هر روز در ایران صدای رسای آن را می‌شنویم.

# پارالمپیک و انسانیت

عبدل گلپریان

بازی‌های المپیک و پارالمپیک ۲۰۲۴ در پاریس برگزار شد. پارالمپیک بیشتر از بازی‌های المپیک از هر نظر برایم جالب بود. در پارالمپیک نیز مانند هر رویداد ورزشی دیگر، هر چند رقابت بین ورزشکاران رشته‌های مختلف ورزشی در جریان بود، اما به نظرم جلوه‌های رقابت کمتر خودنمایی می‌کرد. آنچه بر فضای این بازی‌ها حکم‌فرما بود، صفا و صمیمیت، مهر و محبت، در آغوش کشیدن‌ها، اشک شوق و شادی و حس انسان‌دوستی بود که در میان ورزشکاران حاکم بود. گویی همه بازیکنان به یک مهمانی

دسته‌جمعی و لذت‌بردن از دو هفته شادی و نشاط در کنار هم دعوت شده بودند.

در میان این‌همه زیبایی طی دو هفته از بازی‌های پارالمپیک و با شرکت ۴۴۰۰ ورزشکار، یکی از زمخت‌ترین ترین و ضد انسانی‌ترین حرکت‌ها توسط یک "ورزشکار" حکومت اسلامی بنام صادق بیت سیاح در رشته پرتاب نیزه بود (او با بلندکردن پرچم حاوی شعار دینی و نمایش حرکت سربریدن) مدال و رکورد انسان ستیزی ای که در آغوش حکومت اسلامی و به تبعیت از خلافت اسلامی بدست آورده بود را به همگان معرفی کرد.

متعاقب این حرکت ضدانسانی، داوران بازی‌های پارالمپیک به حق و به درست نه‌تنها اعطای مدال به او را متوقف کردند، بلکه او را اخراج کردند و با این تصمیم جواب دندان شکنی به او دادند.

در واکنش به این مسئله مدیرکل ورزش خوزستان گفته است که: "به او پاداش ۶۰۰ میلیون‌تومانی مدال طلا به همراه ۲۰۰ متر زمین مسکونی و ۵ هکتار زمین زراعی طرح چوب اعطا می‌شود."

مدیرکل ورزش خوزستان در حالی از قبل هستی مردم دست به چنین بذل و بخششی برای عنصری که شیفته و مبلغ سربریدن است می‌زند که شرایط، موقعیت و زندگی معلولین، از کودکان و

نوجوانان گرفته تا سالمندان و عدم دسترسی آنان به ابتدایی‌ترین نیازمندی‌های پزشکی، اقتصادی، رفاهی و غیره در تمام کشور، قلب هر انسان آزاده‌ای را بدرد می‌آورد.

پارالمپیک زیبایی‌های بسیاری داشت. رکوردهای زیادی جابجا شدند، اما بالاترین رکورد، نمایش حرمت، کرامت و ارزش‌های والای انسانی توسط ورزشکاران بود. در میان ۴۳۹۹ شاخه گل زیبا علف هرزی هم پیدا خواهد شد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۳۱

۱۰ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۲۰ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

## در این شماره ژورنال:

فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی!

یک سؤال از سیامک بهاری

خودکشی و ریشه‌های آن

میلاد رابعی

کودک‌همسری و توقف انتشار آمار

سیما بهاری

بیانیه تشکل‌های صنفی و مدنی به مناسبت دومین سالگرد انقلاب زن، زندگی، آزادی

# فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی!

## یک سؤال از سیامک بهاری

**سوسن صابری:** بعضی کارشناسان اقتصادی و حتی از کارکنان مجلس رژیم خطفقر برای یک خانواده سه‌نفره در تهران را ۲۰ میلیون تومان اعلام کردند و اینکه ۲۶ میلیون نفر از مردم ایران دچار فقر هستند و توانایی برآورده‌کردن نیازهای ابتدایی خود را ندارند. مردمی که با پوست و گوشت خود فقر و نداری را هر روزه لمس و تجربه می‌کنند البته نیازی به این اطلاعات و آمار ندارند. مسئله و سؤال اصلی این است که چه باید کرد؟ تا کی باید بخش بزرگی از مردم از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی و نان شبشان

محروم باشند؟

**سیامک بهاری:** گسترش فلاکت عمومی و جامعه فقرزده، میلیون‌ها مردمی که بر کوهی از ثروت، به یک وعده‌غذایی محتاج شده‌اند، میلیون‌ها مردمی که دارند با گرسنگی آشکار و پنهان دست‌وپنجه نرم می‌کنند و از هستی ساقط شده‌اند را دیگر نمی‌توان زیر عبا پنهان کرد! نکبت فقر و فلاکت تحمیلی آن‌چنان بر چهره جامعه زخم انداخته است که قابل پوشاندن نیست. آمارهای تکان‌دهنده مسئولین کشوری از فقر عمومی، فقط ذره‌ای از کارنامه سراسر فساد مافیای حکومت اسلامی است که زیر انبانی از پنهان‌کاری، جعل حقیقت و آمار و تئوری‌های ماست‌مالی شده اقتصادی بیان می‌شود.

دلار ۶۰ هزارتومانی و سفره‌های خالی، خطفقر سی میلیون‌تومانی و فلاکت عمومی را مردم با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند. مردم ایران عامل بقا و مسبب این حرمان و سیه‌روزی، این فقر و فلاکت و گرانی، بیکاری و تورم را به‌خوبی می‌شناسند. فریاد می‌زنند «زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی»!

قبل از هشدارهای "کارشناسان" به خیابان‌ها ریخته‌اند، تحصن و اعتصاب و اعتراض کرده‌اند، دستگیر و شکنجه و زندان و اعدام شده‌اند. فسادهای نجومی و فلاکت عمومی را فریاد زده‌اند! در تجمعاتشان شعار داده‌اند «یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه». راه‌حل آورده‌اند، شوراهای

**محل زیست و کار را پایه‌ریزی کرده‌اند و به کل بساط حاکمیت دزدسالار، به سپاه پاسداران و در رأس آن مافیای بیت رهبری و شخص خامنه‌ای گفته‌اند «داعش ما شمایید»!**

**جامعه در فقر فرورفته است، شاخص فلاکت را در جیب خالی، در گرانی افسارگسیخته، در سفره خالی خود، در استثمار طاقت‌فرسای کودکان، در مدارس تخریبی، در آموزش‌وپرورش پولی و کالایی، در محرومیت از بهداشت و درمان، تجربه می‌کند و شاهد است که ۶۰درصد به هزینه سیاست‌های نظامی، تسلیحات اتمی، ماجراجویی تروریستی و سازماندهی خیل لشکرهای نیابتی در عراق و سوریه و یمن و لبنان تا حماس و**

جهاد اسلامی فلسطین افزوده شده است.

جامعۀالمصطفی العالمیه و آیت‌الله‌های گردن کلفت بیلیونر و خیل آقازاده‌ها و ۲۵ نهاد مفت‌خور مذهبی فقط در یک‌قلم با بودجه نجومی ۷۶۰ هزار میلیارد یعنی سه برابر بودجه آموزش‌وپرورش از سفره خالی مردم ایران تغذیه می‌شوند.

مادام که حکومت اسلامی و کل دستگاه دزدسالار و خیل دستگاه مافیایی فساد حکومتی، دلیل و اساس تداوم افزایش فقر و فلاکت و محرومیت و سقوط سطح رفاه جامعه به دره خط بقا انگشت‌نشان نشود، هنوز حتی یک‌ذره حقیقت تداوم فقر و فلاکت تحمیلی به جامعه افشا نشده

است.

دولت‌های منصوب خامنه‌ای که نام آبدارچی بر خود گذاشته‌اند، یکی پس از دیگری می‌آیند، وعده‌ووعید می‌دهند، با بودجه ریاضت اقتصادی سراغ تتمه و ته‌مانده سفره خالی مردم می‌روند و هر کدام به نوبه خود جراحی اقتصادی می‌کنند و نتیجه این خواهد بود که: تازه آقای وزیر امور اجتماعی کشف می‌کند: «در وضعیت فقر شدید، اگر فرد همه درآمدش را هم خرج کند، نمی‌تواند نیاز خوراکش را تأمین کند!».

فائو سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد می‌گوید: «۴۱ درصد از ایرانیان در سه سال

گذشته با ناامنی غذایی شدید یا متوسط مواجه بوده‌اند، هزینه تهیه یک رژیم غذایی سالم در ایران از معادل چهار دلار در روز فراتر رفته و ۳۶ میلیون نفر از ایرانیان امکان برخورداری از یک رژیم غذایی سالم را ندارند». این گزارش تکان‌دهنده، یعنی سقوط اکثریت جامعه به دره بقا برای یک‌لقمه‌نان!

شورش گرسنگان در اعتراضات عظیم سال ۹۶ تا ۹۸، سپس خیزش انقلابی زن زندگی آزادی که در آستانه بزرگداشت دومین سال آن هستیم پاسخ روشن جامعه برای خاتمه‌دادن به فقر و فلاکت، برای به زیر کشیدن و سرنگونی عاملان و آمران آن است.

**پاسخ مردم گسترش اعتراض، تکثیر اعتصابات قدرتمند و سراسری پرستاران، گسترش شبکه‌های اعتراضی در سراسر کشور، تقویت جنبش دادخواهی و علیه اعدام، گسترش بی‌حجابی و آمادگی هر چه بیشتر در داخل و خارج در سالروز انقلاب است.**

# خودکشی و ریشه‌های آن

میلاد رابعی

امروز ده سپتامبر روز جهانی پیشگیری از خودکشی است. خودکشی از آن دسته مقولاتی است که علل متعدد و فراوانی را می‌توان برای آن برشمرد. از افسردگی‌های مزمن گرفته تا مشکلات زندگی شخصی و عوامل اجتماعی. با یک نگاه به آمار و علل خودکشی در جهان و خصوصاً در ایران پی می‌بریم که همواره مشکلات اجتماعی نقش پررنگ‌تری نسبت به سایر عوامل در بروز خودکشی‌ها داشته‌اند.

از نظر تاریخی نیز اولین‌بار و به‌صورت جدی در

قرن هفدهم این مسئله به دلیل بالارفتن آمار خودکشی میان زنان که ناشی از تبعیضات جنسیتی بود وارد جامعه‌شناسی و فلسفه شد و نظریات امیل دورکیم در این مورد از آن زمان تابه‌حال به‌عنوان مرجعی معتبر مورد استناد است.

در جوامع پیشرفته کنونی مسئله پیشگیری از خودکشی به یکی از وظایف اصلی بخش درمان و دولت تبدیل شده است. به این معنا که حتی در مواردی که علل فردی و مشکلات شخصی خطر خودکشی را بالا می‌برد، خانواده‌ها با آموزش‌هایی که از پیش دیده‌اند در همکاری با مراکز روانی و انجام مجموعه‌ای از اقدامات از بروز آن تا حد زیادی جلوگیری می‌کنند.

در ایران کنونی اما وضع کاملاً به شکل دیگری است. درصد بسیار بالایی از خودکشی‌ها در ایران مستقیماً دلایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارند. پایین آمدن سن خودکشی مدلول همین امر است. تأثیر مناسبات اجتماعی بر خودکشی‌ها در ایران چنان واضح و غیرقابل‌کتمان است که حکومت، حاضر به ارائه هیچ آمار دقیق و انجام بررسی برای روشن‌شدن ابعاد فاجعه نیست. حکومت اسلامی نه‌تنها کوچک‌ترین تلاشی در جهت پیشگیری در این زمینه انجام نمی‌دهد؛ بلکه نفس وجودش، قوانین و مقرراتش و مناسبات اجتماعی و اقتصادی‌اش مهم‌ترین عامل خودکشی شهروندان است.

آمار بالای اعدام‌ها در ایران گویای یک اصل کلی

همه‌شمول است و آن "ارزش جان انسان‌ها" نزد حکومت است. وقتی در جامعه‌ای این شاخص حیاتی تا این حد نزول کند، وضعیت بهداشت و درمان و تلاش برای نجات جان آحاد جامعه روشن است. رژیمی که خود بزرگ‌ترین قاتل شهروندانش باشد، خودکشی افراد برایش امری کاملاً علی‌السویه است.

در احکام و ایدئولوژی اسلامی خودکشی اساساً جرم و گناه است و نه یک معضل اجتماعی قابل‌حل. این حکومت قربانیان خودکشی را قاتل، نجس و ناپاک می‌شمارد.

قربانیان خودکشی، قربانیان مستقیم این رژیم و قوانین و مناسبات آن هستند. در این مورد

**جمهوری اسلامی اصل صورت‌مسئله است که تنها با سرنگونی آن می‌توان به راه‌حل‌های مؤثر اندیشید.**

# کودک‌همسری و توقف انتشار آمار

سیما بهاری

**”انتشار آمار در بارهٔ کودک‌همسری در ایران متوقف شد! “**

**این روزها به خیابان در ایران که نگاه می‌کنی، حس غرور و خشم هر دو را می‌توانی در اعماق وجودت احساس کنی.**

**دفاع از حرمت و حیثیت انسان از ذره ذرهٔ ذره هر گوشه‌وکنار شنیده می‌شود. در اعتراض و تجمع بازنشستگان در تهران دولت به چالش کشیده می‌شود. وقتی تظاهرکنندگان فریاد می‌زنند ”وزیر**

تعاون باید بیاد خیابون" یعنی دولت، یعنی وزیر باید پاسخگوی مطالبهٔ آنها باشد. وقتی معلمان شریف و آگاه از غیرایدئولوژیک شدن کتاب‌های درسی می‌گویند و یا پرستاران به غیراستاندارد بودن بیمارستان‌ها و کمبود تجهیزات پزشکی اعتراض دارند، اینها نشانهٔ دفاع بخش‌های مختلف از حرمت و شأن انسان است. اینها غرور ماست. به این تن‌ندادن می‌بالیم. جامعه دارد پوستهٔ هر آنچه بوی عقب‌ماندگی و تحجر و هر آنچه له کردن و نامحترم شمردن بشر است را از خود جدا می‌کند. تاروپود جامعه تشنهٔ نو شدن است و این اوضاع به جمهوری اسلامی اجازه نمی‌دهد به هر کاری به‌راحتی دست بزنند. دیگر مردم مدرن نمی‌پذیرند.

مسئولین گفته‌اند آمار کودک‌همسری را منتشر نکنند. چرا؟ چون از خشم مردم می‌ترسند. وگرنه شرمشان نمی‌شود که بگویند "مادران ۱۴ساله". آمار این فاجعه نباید پخش شود تا انسانیتی که خود را موظف می‌داند از کودک و حق کودک دفاع کند، به این آمار استناد نکند. جلو انتشار آمار را می‌گیرند درحالی‌که سدی در مقابل خود پدیده نه‌تنها وجود ندارد که خود دولت و قوانین این عمل را تشویق می‌کنند.

امروز پرستاران و کارگران و بازنشستگان، زنان و دانشجویان و جوانان دارند از بندبند یک منشور مدرن و انسانی که حقوق همهٔ شهروندان از جمله کودکان را شامل می‌شود با مشتهای گره‌کرده و

با قدم‌های استوار در خیابان‌ها با آهنگی دلنواز و گوش‌نواز و بسیار بلند فریاد می‌زنند. ما قصد عقب‌نشینی نداریم. در آستانهٔ دوسالگی انقلابمان هستیم. دستاوردهای تا کنونی را که با جان شیرین عزیزانمان، با ازدست‌دادن چشم‌های زیبای فرزندانمان، و با جسارت باشکوه زنان و مردان حاضردرصحنه به‌دست‌آمده پاس می‌داریم.

نباید بگذاریم بیشتر از اینها کودکی بچه‌هایمان را بدزدند. نباید اجازه بدهیم بال پرواز کودکانمان را قیچی کنند. آنها جلو انتشار آمار کودک‌همسری را می‌گیرند و ما جلو این پدیده نفرت‌انگیز می‌ایستیم.

# بیانیه تشکل‌های صنفی و مدنی به مناسبت دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی

دیروز دوشنبه ۱۹ شهریور چندین تشکل و نهاد صنفی و مدنی با انتشار بیانیه‌ای مشترک به مناسبت دومین سالگرد انقلاب مهسا تأکید کردند که "ما امروز راهی جز ادامه متحدانه و گسترده انقلاب زن زندگی آزادی پیش روی خود نداریم".

امضاکنندگان این بیانیه: شورای بازنشستگان ایران، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات

کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، کانون گفت‌وگوی بازنشستگان تأمین اجتماعی، ندای زنان ایران، نهاد دادخواهان، انجمن برق و فلز کرمانشاه، و صنف معلمان ایران، همچنین نوشته‌اند:

”دو سال از قتل حکومتی مهسا ژینا امینی و فوران انقلاب زن زندگی آزادی می‌گذرد. انقلابی اجتماعی که با اعلام دیگه تمومه ماجرا عروج کرد و آزادی‌خواهی، معیشت توأم با رفاه عمومی، برابری‌طلبی، مدرنیسم و سکولاریسم را به صف کشید.“

در ادامه و بخش‌هایی از این بیانیه چنین آمده است:

تقابل اجتناب‌ناپذیر اکثریت مردم با حکومت، از سال‌ها قبل، بر سر بدتر شدن شرایط سخت زندگی در جریان بوده و چنان‌که می‌بینیم طی دو سال گذشته، خیابان به‌عنوان مظهر وجودی انقلاب همواره در تسخیر معترضان بوده است. دادخواهان، بازنشستگان، کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان، مال‌باختگان و زنان شجاعی که از خاکریز فتح شده حجاب، قدمی به عقب برنداشته و خیابان‌ها را به عرصه نبرد تبدیل کرده‌اند.

امروز ما با یک جنبش قوی بر سر معیشت، آزادی و برابری در سطح جامعه روبرو هستیم. گرچه خیزش گسترده مردمی در این دو سال

با فجیع‌ترین اشکال سرکوب حکومتی روبرو و تمام قدرت پلیسی و نظامی و امنیتی و زندان و اعدام برای عقب راندن فضای انقلابی به کار گرفته شد، ولی این رویکرد هرگز نتیجه نداد و به‌جرئت می‌توان ادعا کرد که قوی‌ترین جنبش علیه شکنجه و اعدام در همین شرایط سرکوب شکل گرفت.

جامعه معترض ایران نه‌تنها مرعوب نشده، بلکه با فشرده‌تر شدن فنر خشم و نفرت اکثریت، زمینه برای به سرانجام رساندن انقلاب ناتمام زن، زندگی، آزادی با قدرتی مهیب‌تر از دو سال قبل مهیا گردیده است و ما مردم به‌جان‌آمده، می‌دانیم که راهی جز ادامه متحدانه و گسترده

**انقلاب زن زندگی آزادی پیش روی خود نداریم.**

**در انتهای بیانیه چنین آمده: اینک در دومین سالگرد انقلاب نوین زنانه تاریخ، ما معلمان، ما کارگران، پرستاران و بازنشستگان، ما زنان و دادخواهان، ما جوانان آزادی‌خواه و ما مردمی که از فقر و فساد و گرانی و ظلم و تبعیض حاکمان به جان آمده‌ایم، با ادامه اعتراضات، تجمعات و اعتصاباتمان و فریاد دوباره اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد، با گرامیداشت قدرتمند و پرشور سالگرد آغاز انقلاب، یک‌صدا با هم برای برچیدن مناسبات نابرابر، پایان‌دادن به بی‌حقوقی زن و بردگی مزدی و بازگرداندن اختیار به انسان هم پیمان می‌شویم.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۳۲

۱۱ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۲۱ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

## در این شماره ژورنال:

موج دستگیری‌ها در سالگرد انقلاب مهسا

سیاوش آذری

کتاب‌های درسی ریش درآوردند!

سینا پدرام

از جراحی اقتصادی تا جراحی سیاسی

محسن ابراهیمی

نگرانی حکومت از رقص سحر دولتشاهی

میلاد رسایی‌منش

# موج دستگیری‌ها در سالگرد انقلاب مهسا

## سیاوش آذری

به گزارش دیده‌بان حقوق بشر، حکومت اسلامی در آستانه دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی دست به تهدید، آزار و دستگیری گسترده اعضای خانوادگان زندانیان، اعدام‌شدگان و جان‌باختگان انقلاب مهسا زده است.

هدف رژیم از چنین تحرکاتی به سکوت واداشتن و به تمکین کشاندن خانواده‌های دادخواه و از این طریق کل جامعه است. سرکوب و ارعاب بخش جدایی‌ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی در تقابل با جامعه بوده است. در سطحی عمومی‌تر این

نشانه عدم توانایی رژیم در تبدیل‌شدن به دولتی "متعارف" و هماهنگ با سوخت‌وساز جامعه امروز ایران است. اما در بطن شرایط کنونی سیاست تهدید و آزار خانوادگان و بستگان زندانیان و جان‌باختگان در دو سال اخیر از وجوهی دیگر نیز قبل تأمل است.

چنین سیاستی در سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی نشانه هراس جمهوری اسلامی از زبانه‌کشیدن دوباره شعله‌های انقلاب و اعتراضات توده‌ای خیابانی است. در شرایطی که اقشار مختلف مزدبگیر از جمله کارگران بخش‌های مختلف مانند نفت و پتروشیمی، پرستاران، فرهنگیان و بازنشستگان هر روزه اعتراضات خیابانی سازمان

می‌دهند موج دیگری از اعتراضات همگانی مرگ جمهوری اسلامی را تسریع خواهد نمود. در واکنش به این شرایط رژیم با توسل به بگیروببند و آزار و دستگیری اعضای خانواده‌های دادخواه قصد کنترل اوضاع را دارد. اما این سیاست سرکوب و ارعاب به ضد خود بدل می‌گردد چنانچه افزایش آزار و دستگیری بیش از هر چیز خود یادآور سالگرد انقلاب مهسا است که تمامی پایه‌های رژیم اسلامی را به لرزه انداخت.

صدور احکام واهی برای نزدیکان و بستگان زندانیان و جان‌باختگان انقلاب، از جمله مورد ماشاءالله کرمی، پدر محمدمهدی کرمی، معترض اعدام‌شده در خیزش انقلابی که به "تحصیل مال

**از طریق نامشروع" و "مشارکت در پول‌شویی" متهم و به زندان محکوم شده است، نشانه‌ای دیگر از وحشت رژیم از جامعه مترصد سرنگونی آن است. در این شرایط رژیم از رودررویی سیاسی با معترضین و خانواده‌های دادخواه در هراس است.**

**هراس رژیم نشانه پویندگی جنبش سرنگونی انقلابی است؛ پا پس‌نکشیدن خانواده‌های دادخواه تنها نوک کوه یخ اعتراض و مخالفت عمیق اجتماعی علیه حکومت اسلامی است.**

**پرچم آزادی بستگان و نزدیکان زندانیان و جان‌باختگان و تمامی زندانیان سیاسی را در اعتراضات خود برافرازیم. با اتصال اعتراضات**

**بخش‌های مختلف جامعه توفان انقلاب شدت خواهد گرفت و بنای جمهوری اسلامی را درهم خواهد کوبید.**

# کتاب‌های درسی ریش درآوردند!

## سینا پدرام

بنا به گزارش ایران اینترنشنال "کتاب‌های درسی پایه اول ابتدایی در چاپ امسال، نسبت به چهار سال گذشته، تغییر کرده‌اند؛ ریش برای پدر؛ چادر برای دختر؛ قاسم سلیمانی به‌جای پنجره مسجد و... از قرآن تا علوم، این تغییرات در همه کتاب‌ها به چشم می‌خورند. قیمت کتاب‌ها هم امسال نسبت به سال گذشته حدود ۵۰ درصد افزایش داشتند."

مشغله‌های فکری سران و مقامات رژیم اسلامی ملغمه‌ای است از سادیسم مذهبی، مالیخولیا

سیاسی و خرافه‌های اسلامی که چهل و چند سال گذشته در قالب‌ها مختلف یک جامعه مدرن و رو به آینده را در چنگال‌های خونین خود فشرده‌اند. جز چپاول، غارت و استمرار دیکتاتوری اسلامی هیچ رمز و رازی در سیاست‌های کوتاه یا درازمدت رژیم اسلامی نه وجود داشته و نه وجود خواهد داشت.

سال‌هاست که خامنه‌ای و سران ریزودرشت حکومتی با حقنه‌کردن قوانین اسلامی اعم از حجاب، کودک‌همسری، قوانین شرعی ارتجاعی، اعدام، زندان و داغ و درفش سعی در عقب راندن جامعه و برقراری اختناق سیاسی و گورستان اسلامی بوده‌اند. اما تاریخ معاصر ایران تاریخ شکست رژیم اسلامی و مذهب در ایران نیز

هست.

نگون‌بختی رژیم در این واقعیت نهفته است که کودکان و جوانان امروزی به جامعه جهانی بسیار مرتبط‌تر از هر کسی در جامعه هستند و از ترندهای فکری و سیاسی و اجتماعی نوین جهان بسیار متأثر هستند. تغییر عکس کتاب‌های درسی برای نسلی که تصویر خامنه‌ای و خمینی را از کتاب‌های درسی خود پاره کرده‌اند، تشبث بی‌مزه‌ای بیش نیست.

استفاده از کلمات آموزش‌وپرورش در سیستم رژیم اسلامی بی‌مسماترین لغاتی است که می‌توان به کار برد. تمامی کتاب‌های درسی این رژیم با کمترین توجه به سیستم‌های نوین آموزشی

**نگاشته شده است و در این سیستم پرورش معنایی جز خردکردن تمامی شخصیت انسانی کودکان و جوانان را ندارد.**

**رژیمی که به‌جای پرداختن به معضلات معیشتی مردم، به فکر ریش‌وپشم تصاویر کتب درسی است، قطعاً حتی در تصویرسازی هم فیضیه و حوزه‌های جهلیه را معیار کار خود قرار داده است.**

**به زبان کوچه‌بازار، ریش‌وپشم این رژیم سال‌هاست که در میان مردم ریخته است. شاید این مهم‌ترین دلیلشان نزول ریش در کتب درسی سال اول باشد.**

# از جراحی اقتصادی تا جراحی سیاسی

## محسن ابراهیمی

معاون استانداری تهران از "اصلاح قیمت نان در ۱۰ هزار" نانوایی این استان خبر داد. قیمت نان در استان تهران رسماً ۴۰ تا ۶۶ درصد افزایش یافت.

افزایش قیمت نان یعنی تعرض به حیاتی‌ترین بخش سفره کوچک اکثریت بزرگ جامعه، یکی از بی‌رحمانه‌ترین جلوه‌های "جراحی اقتصادی" است که از پزشکیان گرفته تا مقامات ریز و دشت کابینه‌اش، چپ و راست دارند درباره ضرورتش برای "نجات کشور" (یعنی چپاول کشور توسط مافیای حاکم) از آن حرف می‌زنند و الان هم خیز

برداشته‌اند برای گران‌کردن بنزین با این با این ادعا که "پول گندم و دارو و حقوق بازنشسته‌ها" را ندارند؛ اما بنزین دلار ۵۰ تومان را می‌فروشند ۱۰ تومان!

در جامعه‌ای که دستمزد کارگرش چندین برابر زیر خط‌فقر است، در جامعه‌ای که دارو و درمان در چنگال مافیای حاکم است و بیماران زیادی از بی‌پولی و بی‌دارویی جان می‌دهند، افزایش قیمت نان و بنزین عملاً راندن مردم به‌سوی مرگ تدریجی است. فقط وقاحتی در حد و اندازه مقامات جمهوری اسلامی لازم است که بگویند "حقوق بازنشسته‌ها" را ندارند، درحالی که پول‌های نجومی خرج صدها نهاد تولید و پخش خرافه اسلامی که

بدرد لای جرز می‌خورند، خرج راه‌انداختن کاروان کربلا، خرج نگهداری انواع آدم‌کش‌های اسلامی در گوشه‌وکنار دنیا می‌شود. همه می‌دانند که مسئله حکومت دارو و درمان و دستمزد بازنشسته نیست. هر چقدر چشم‌انداز سیاسی در مقابل چپاولگران حاکم تیره و تارتر می‌شود همان قدر با عجله و حرص بیشتری غارت می‌کنند. "جراحی اقتصادی" اقدام سازمان‌یافته حکومت برای هموارکردن مسیر چپاول بیشتر همین مافیای اقتصادی حاکم است که بعد از انقلاب زن زندگی آزادی دورنمای نگران‌کننده کننده‌ای در مقابلش دهن باز کردش می‌بینند.

جامعه‌ای که در فاصله هشت سال دو خیزش

بزرگ و یک انقلاب را از سر گذرانده، جامعه‌ای که افزایش قیمت بنزین را با خیزش آبان آن هم با هدف ساقط کردن رژیم پاسخ داد به خودش همچون بیمار دست‌بسته و اسیری نگاه نمی‌کند که توسط مافیای حاکم به‌قصد مرگ جراحی شود. برعکس، آبان و بعد از آن بخصوص انقلاب ۱۴۰۱ نشان داد که اگر حکومت قصد دارد با "جراحی اقتصادی" مردم را به شرایط مرگبار بکشاند، مردم هم قصد دارند با جراحی سیاسی، حکومت را به پرتگاه نیستی هل دهند.

# نگرانی حکومت از رقص سحر دولتشاهی

میلاد رسایی‌منش

قوه قضاییه اسلامی از "برخورد قضایی" با سحر دولتشاهی، بازیگر سینما به دلیل انجام‌دادن حرکاتی شبیه به رقص در یک سریال نمایش خانگی خبر داد. در همین حال، قوه قضائیه اعلام کرد که برای ۳۰ سینماگر به دلیل حمایت از مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی پرونده ساخته شده است.

حکومت سرکوبگر اسلامی در یک بعد ماهیت خود را در سرکوب زنان تعریف کرده است. اسلامیست‌های حاکم از یک سو با استناد به

قرآن و قوانین اسلامی، سرکوب زنان را توجیه می‌کنند، و در جنبه‌ای دیگر، باتوجه‌به خصلت سرکوبگری رژیم، با حمله و قداره‌کشی علیه زنان در صدد زهرچشم گرفتن از کلیت جامعه هستند.

سرکوب هنرمندان، به‌خصوص زنان هنرمند و آنهایی که با انقلاب زن زندگی آزادی اعلام همدلی و همبستگی می‌کنند، در آستانه دومین سالگرد آغاز انقلاب نیز شدت گرفته است. همه این سرکوبگری‌ها علیه هنرمندان در حقیقت اعتراف حکومت به نامشروع بودن و خواست عمومی مردم برای تغییر شرایط و قوانین به نفع برابری زن و مرد است. رژیم اسلامی به‌خوبی

درک کرده که جامعه به لحاظ تفکر سال‌هاست تماماً از ایدئولوژی اسلامی رد شده است و اکنون این نیروی مادی قوی موجود برای سرنگونی رژیم دارد قوی‌تر به میدان می‌آید.

رژیم اسلامی در زن‌ستیزی و دشمنی با شادی در چهل و پنج سال گذشته همه رکوردها را در تاریخ جابه‌جا کرده است. اما این توحش اسلامی در واقع سوخت برای موتور انقلاب خواهد بود. آنچه همین امروز دارای اهمیت ویژه است دفاع جانانه از سحر دولتشاهی است. ایشان در ایران از معروفیت بالایی برخوردار است و همه علاقه‌مندان این زن شجاع و هنرمند می‌توانند در اقدامات فردی و جمعی به دفاع از او برخیزند. در مدیای اجتماعی

تا همین حالا علیه این تعرض رژیم نسبت به این هنرمند اقدامات مؤثری سازمان‌یافته است. جا دارد حمایت از سحر دولتشاهی را به کوچه و خیابان نیز بکشانیم. در مورد حرکت پیشرو این هنرپیشه گفتگوی اجتماعی راه بیندازیم و از هنرمندان دیگر بخواهیم به هر نحوه ممکن علیه پرونده‌سازی رژیم در این مورد مشخص اعتراض کنند. جامعه در اعتراض و اعتصاب و مخالفت عملی علیه جمهوری اسلامی در حال جوشیدن است. این وضعیت به ما امکان می‌دهد جواب دندان‌شکنی به حکومت اسلامی بدهیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۳۳

۱۲ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۲۲ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

## در این شماره ژورنال:

انقلاب زن زندگی آزادی در آستانه دومین سالگرد

حمید تقوایی

فراخوان به مردم آزاده کردستان

۲۵ شهریور اعتصاب عمومی در سراسر کردستان

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

پاسخ پرستاران احضار نیست!

اصغر کریمی

دنیا ۲۳ سال بعد از جنایتِ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

کیوان جاوید

خودسوزی پدر یک دانش‌آموز در زاهدان

سیاوش آذری

# انقلاب زن زندگی آزادی
# در آستانه دومین سالگرد
## مصاحبه با حمید تقوائی

**آذر پویا: در آستانه دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی هستیم. دو سال پیش با مرگ مهسا ژینا امینی در بازداشتگاه گشت ارشاد جمهوری اسلامی موج جدیدی از اعتراضات در شهرهای مختلف ایران و همچنین تظاهرات‌های ده‌ها هزارنفره در کشورهای مختلف در سراسر دنیا بر پا شد. اکنون بعد از دو سال شاهد کم‌شدن موج این اعتراضات و تظاهراتها در داخل و خارج کشور هستیم. به نظر شما آیا جمهوری اسلامی توانسته این انقلاب را سرکوب کند و مردم را**

مرعوب کرده به خانه‌هایشان برگرداند؟

**حمید تقوائی:** جمهوری اسلامی همه امکانات جهنمی‌اش را برای درهم‌کوبیدن انقلاب بکار گرفت اما نتوانست آن را سرکوب کند. انقلاب زن زندگی آزادی گرچه از نظر تظاهرات‌ها و برآمد خیابانی در مقایسه با ماه‌های اول انقلاب فروکش کرده است؛ اما در شکل یک جنبش توده‌ای سرنگونی‌طلبانه همچنان ادامه دارد. پیشروی‌های جنبش بی‌حجابی، تجمعات گسترده و مداوم بازنشستگان، اعتصاب پرستاران، اعتصابات و اعتراضات کارگران نفت و پتروشیمی، اعتراض و اعتصاب مستمر زندانیان سیاسی و غیرسیاسی در سه‌شنبه‌های اعتراض، اعتراضات خانواده‌های

دادخواه، و غیره و غیره همه نشانه زنده‌بودن و فعال و پویا بودن جنبش انقلابی زن زندگی آزادی است. این اعتراضات و اعتصابات و جنبش‌های اعتراضی از طرح مطالبات صنفی و مدنی فراتر رفته و اهداف و شعارهایی عمومی و فراگیری علیه فقر و فساد، برای آزادی زندانیان سیاسی، در حمایت از خانواده‌های دادخواه و سایر عرصه‌های مبارزاتی مطرح می‌کنند و در واقع شاخه‌های مختلف جنبش انقلابی زن زندگی آزادی علیه کل حکومت محسوب می‌شوند. این جنبش‌ها و اعتراضات زمینه‌های عروج مجدد خیابانی و توده‌ای انقلاب در سطحی گسترده‌تر و پیگیرتر از گذشته را فراهم می‌کنند. ما هم اکنون شاهد انتشار بیانیه‌ها و فراخوان‌های تعرضی و کوبنده‌ای

از جانب نهادها و فعالین این جنبش‌ها به مناسبت دومین سالگرد انقلاب هستیم و این می‌تواند نقطه اوجی در سیر جنبش انقلابی جاری باشد.

**آذر پویا:** شما به اعتصابات و اعتراضات خیابانی اقشار مختلف جامعه اشاره کردید. به نظر شما چطور می‌شود این اعتراضات را به هم وصل کرده، همگانی کرد و انقلاب دیگری از جنس انقلاب مهسا ولی این بار سراسری‌تر و عمومی‌تر را رقم زد؟

**حمید تقوائی:** انقلاب زن زندگی آزادی دستاوردهای ارزنده‌ای دارد که باید برای پیشروی بیشتر بر آنها متکی شد. مهم‌ترین این

دستاوردها شکل‌گیری و سر برآوردن جمع‌ها و تشکل‌ها و نهادها و شبکه‌ها و شوراهای اعتراضی بسیاری است که در دل انقلاب شکل‌گرفته‌اند و در سطوح مختلف، از سازماندهی تجمعات خیابانی تا اعتصابات و از شعارنویسی بر درودیوارهای شهرها تا انتشار بیانیه‌ها و فراخوان‌های مبارزاتی به مناسبت‌های مختلف و از فعالیت گسترده و مداوم در مدیای اجتماعی تا سازماندهی کارزارهای متعددی در داخل و خارج کشور فعال هستند. برای اوج‌گیری مجدد انقلاب باید این تشکل‌ها در سطح هرچه گسترده‌تری هماهنگ و همراه شوند و این اتحاد و هماهنگی اساساً حول یک خط و سیاست رادیکال و پیگیر و سازش‌ناپذیر و با اتکا بر آرمان‌های عمیقاً انسانی انقلاب که در

شعار زن زندگی آزادی متجلی است امکان‌پذیر است. فی‌الحال اسناد ارزنده‌ای مثل منشور ۱۲ ماده‌ای بیست تشکل که در سال اول انقلاب منتشر شد و حمایت گسترده‌ای را به دنبال داشت خط و سیاست رادیکال را مطرح کرده است که می‌تواند مبنای همراهی و هماهنگی نهادها و چهره‌های انقلابی باشد. اولین گام شکل‌دهی یک هماهنگی و اتحاد گسترده بین فعالین و نهادهای مبارزاتی حمایت هم‌صدا و یکپارچه از اعتراضات و اعتصابات جاری است.

در خارج کشور فی‌الحال گام‌های مهمی در این جهت به‌پیش برداشته شده که یک نمونه موفق آن کارزار جهانی نه به اعدام در ایران است

تشکل‌ها و فعالین انقلاب زن زندگی آزادی در بسیاری از کشورها در این کارزار گرد هم آمده‌اند و نمونه موفقی از همکاری عملی را به نمایش گذاشته‌اند. این نمونه می‌تواند نه‌تنها در خارج کشور بلکه در خود ایران نیز بسط پیدا کند و تکثیر بشود.

حزب ما می‌کوشد تا با تمام امکانات خود عامل هماهنگی و تشریک‌مساعی همه نهادها و فعالین انقلاب در داخل و خارج کشور حول یک خط و سیاست رادیکال و پیگیر باشد. امیدوارم که سایر احزاب و تشکل‌های انقلابی نیز همین سیاست را در پیش بگیرند. جنبش انقلابی زن زندگی آزادی زنده و پوینده است و می‌تواند از طریق هماهنگی و

**اتحاد گسترده فعالینش در سطح سازمان‌یافته‌تر و گسترده‌تر و عمیق‌تری از گذشته سر بلند کند و تا درهم‌کوبیدن حکومت و نظام موجود به‌پیش برود.**

# فراخوان به مردم آزاده کردستان

# ۲۵ شهریور اعتصاب عمومی در سراسر کردستان

## کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

**مردم آزاده و مبارز کردستان**

**به دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی نزدیک می‌شویم. انقلابی عمیق و انسانی که با قتل حکومتی مهسا/ ژینای عزیزمان شروع شد، مردم به ستوه آمده از فقر و فساد و تبعیض و جنایت را در سراسر کشور به حرکت درآورد و به‌سرعت آوازه آن در سراسر جهان پیچید. علی‌رغم همه سرکوب‌گری‌ها و وحشیگری‌های**

**رژیم، مردم در این دو سال به اشکال مختلف به اعتراض و اعتصاب ادامه دادند و زنان با شجاعت تمام زیر بار حجاب اجباری حکومت نرفتند و حکومت را به استیصال کامل کشاندند.**

**روز یکشنبه ۲۵ شهریور، ما هم‌صدا با سایر جریانات سیاسی در کردستان، همه شما مردم کردستان، کارگران و معلمان، پرستاران و کارکنان ادارات و مغازه‌داران را فرامی‌خوانیم کار را تعطیل کنید و متحد و یکپارچه در سراسر کردستان دست به اعتصاب عمومی بزنید. ما مردم کردستان تجارب درخشان و موفقی در سازماندهی اعتصابات عمومی داشته‌ایم و این بار نیز با یک اعتصاب شکوهمند مشت محکمی به پوزه حاکمان تبهکار اسلامی خواهیم کوبید.**

رژیم در روزهای اخیر طبق معمول همیشگی مستأصلانه دست به احضار و دستگیری فعالین از جمله خانواده‌های دادخواه زده است تا به خیال خام خود جلو حرکت‌های اعتراضی مردم را، در روزهایی که به سالروز انقلاب نزدیک می‌شویم، بگیرد. با اعتصابمان نشان خواهیم داد که مرعوب این سیاست‌های همیشگی نخواهیم شد.

ما همچنین روز پنجشنبه ۲۲ شهریور بر آرامگاه ژینای عزیز و همه جان‌باختگان عزیزمان در شهرهای مختلف همراه با خانواده‌های جان‌باخته گرد هم می‌آییم و یاد عزیزانمان را گرامی می‌داریم.

ما مردم آزاده در سراسر کشور را فرامی‌خوانیم

**که به هر شکل که می‌توانند در سالروز انقلاب فعالیت‌های اعتراضی خود را گسترش دهند و از اعتصاب عمومی مردم کردستان حمایت کنند و صدای ما را رساتر نمایند.**

# پاسخ پرستاران احضار نیست!

## اصغر کریمی

پرستاران البرز می گویند: «برای برخی از همکارانی که در اعتراضات اخیر شرکت داشته‌اند، نامه احضار آمده است؛ در این احضاریه این پرستاران به تخلف از قوانین و تحریک دیگران به کارشکنی و کم کاری متهم شده‌اند». «دانشگاه علوم پزشکی قصد دارد با این اقدام، این حق قانونی را از پرستاران بگیرد و این در حالی است که خواسته‌های کادر درمان کشور، همه قانونی و بر مبنای عدالت است».

سرکوبگران علی‌رغم همه تهدیدها و احضارها موفق نشدند جلو اعتصابات و تجمعات قدرتمند

پرستاران را بگیرند. این اعتصابات نقش قابل توجهی در فضای سیاسی کشور ایفا کرد. نیروی مهمی را به جلو صحنه راند و بار دیگر جامعه‌ای ناآرام و معترض و متنفر از حکومت نکبت اسلامی و ناتوانی حکومت در پاسخگویی به ساده‌ترین مطالبات آنها را به همگان نشان داد.

رژیم می‌داند که این اعتصابات و تجمعات باشکوه تازه شروع به میدان آمدن این نیروی معترض است. می‌داند که پرستاران اولتیماتوم داده‌اند که در صورت عدم تحقق مطالباتشان باز هم دست به اعتصاب و تجمع خواهند زد. می‌خواهد با چند مورد احضار و تهدید جلو تداوم، قوام گیری و اوج گیری مجدد آن را بگیرد. پرستاران ویژگی‌های

مهمی دارند. در یک بخش خدماتی بسیار حیاتی فعالیت می‌کنند و محبوبیت خاصی در جامعه دارند. در خط تماس با توده‌های وسیع مردم و کمک به مداوای مردم و حتی نیروهای سرکوب هستند. نیرویی نسبتاً جوان و اکثریت زن هستند، همان زنان و نیرویی که در خط مقدم انقلاب زن زندگی آزادی قرار گرفت. راه و روش مؤثر مقابله با تهدیدات را نیز فرا خواهند گرفت. یک اقدام مهم پرستاران این بود که به‌سرعت دست‌به‌کار همراه‌کردن خانواده‌هایشان در تجمعات شدند. گام بعدی همراه‌کردن مردم شهر است.

دانشگاه‌ها و مدارس در آستانه باز شدن هستند. مردم کردستان برای اعتصاب عمومی در روز

یکشنبه دارند آماده می‌شوند. اعتصابات بزرگی در نفت و برخی مراکز کارگری در جریان است. بی‌حجابی نیروهای سرکوب را کلافه و مستأصل کرده است. جنب‌وجوش اعتراضی در جامعه در حال گسترش است. پرستاران این موقعیت را دارند که منشأ به هم پیوستن توده‌های وسیع مردم شوند. حمایت از آنها و شکل‌دادن به موج حمایت از مطالبات بحق آنها بی‌نهایت اهمیت دارد.

# دنیا ۲۳ سال بعد از جنایتِ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

کیوان جاوید

در فاصله بسیار کوتاه دو هواپیمای مسافربری ربوده شده با صدها سرنشین با برج‌های دوقلو در نیویورک برخورد کردند و مجموعاً جان نزدیک به سه هزار انسان بی‌دفاع در این حمله جنایت کارانه تروریستی گرفته شد. ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ توسط جنبش اسلام سیاسی، شاخه القاعده خلق شد و با این اتفاق عظیم صحنه سیاسی و نظامی دنیا را دگرگون کرد.

نه‌تنها القاعده، که خالق کل پدیده اسلام سیاسی دولت آمریکا است، پیش‌تر اسلام سیاسی در

**شمایل خمینی برای مهار انقلاب ۵۷ در ایران در لابراتوار چندین دولت اروپایی – فرانسه، انگلیس و آلمان غربی – و به سرکردگی آمریکا در نشست گوادلوپ در سال ۱۳۵۷ ساخته‌وپرداخته شد.**

**واقعه بعدی در پروار کردن اسلام سیاسی به جنگ در افغانستان مربوط می‌شود. زمانی که دولت وقت آمریکا در برابر ارتش شوروی و دولت افغانستان، جنبش اسلامی را سازمان داد و خالق طالبان و القاعده شد.**

**این پایان کار نبود. آمریکا در برابر افول قدرت سیاسی خود بعد از فروپاشی شوروی احتیاج به یک نمایش قدرت خیره‌کننده داشت و کلید این**

قدرت‌نمایی برای منکوب کردن همه دولت‌ها و همه مردم جهان در عراق زده شد. به قول منصور حکمت "طلوع خونین نظم نوین جهانی" با حمله بوش پدر به عراق آغاز گردید. از این تاریخ به بعد جنبش اسلام سیاسی برای سهم‌خواهی بیشتر از اربابان خود جدا شده و حریف طلبید.

۱۱ سپتامبر زاده این شرایط جهانی است.

از آن تاریخ این جنگ کثیف با شدت تمام ادامه دارد. طالبان که با حمایت آمریکا بر سر کار آمده و با واقعه ۱۱ سپتامبر توسط ارباب سابق خود از قدرت ساقط شده بود، مجدداً با کمک دولت آمریکا به جان مردم افغانستان افتاد. حکومت اسلامی در ایران هر روز بر تعداد جنایاتش

می‌افزاید و حکومت اسلامی در عربستان با شمشیر آغشته‌به‌خون حکومت می‌کند.

اگر دنیای این دولت‌ها در ضدت با انسان و انسانیت شکل‌گرفته است، دنیای دیگر در برابر این بربریت وجود دارد که نماینده جهان متمدن است. جنبش وال‌استریت (۹۹ درصدی‌ها در برابر یک‌درصدی‌ها) و انقلابات عربی تنها نمونه است. نمونه بزرگ‌تر به میدان آمدن مردم ایران با پرچم انقلاب زن زندگی آزادی است. جنگی که تا پایان سرنگونی جمهوری اسلامی ادامه خواهد داشت. نبردی که اسلام سیاسی را از ایران و منطقه جارو می‌کند و پایانی خواهد شد بر تروریسم اسلامی در جهان.

# خودسوزی پدر یک دانش‌آموز در زاهدان

## سیاوش آذری

روز گذشته پدری به علت خودداری مدرسه‌ای در زاهدان از ثبت‌نام فرزندش، در مقابل مدیریت وزارت آموزش‌وپرورش اقدام به خودسوزی کرد که خوشبختانه با مداخله کارکنان اداره با جراحاتی جزئی از مرگ نجات یافت. در واکنش به این خبر علی فرهادی، سخنگوی آموزش‌وپرورش بی‌شرمانه گفت: "این موضوع را نفی نمی‌کنیم که ممکن است در مدرسه‌ای برخورد خوبی صورت نگیرد."

عدم توسعه سیستان و بلوچستان نتیجه بلافصل

سیاست‌های تبعیض‌آمیز رژیم و تحمیل فضای امنیتی و فقر و محرومیت به مردم این منطقه است. برای نمونه نرخ با سوادی در این استان ۱۰ در صد کمتر از میانگین کشوری است. خانواده‌های بسیاری از کودکان به سن تحصیل رسیده توانایی مالی برای ثبت‌نام آنان در مدارس را ندارند؛ زیرا علی‌رغم "قانون" و "یادآوری" دست‌اندرکاران مبنی بر ممنوعیت دریافت پول هنگام ثبت‌نام در مدارس عادی دولتی، از اولیای دانش‌آموزان مبالغ هنگفتی زورگیری می‌شود.

بلوچستان دارای بیشترین تعداد مدارس فرسوده و تخریبی در کشور است. هرازگاهی خبر مرگ دانش‌آموزی به علت ریزش سقف و دیوار مدرسه‌ای

در بلوچستان در رسانه‌ها منتشر می گردد و پس از ابراز "همدردی" برخی مسئولان و قول به پیگیری به ورطه فراموشی سپرده می‌شود.

حمل‌ونقل دانش‌آموزان به مدارس نیز از دیگر معضلات پیش روی اولیای دانش‌آموزان در این استان است. در نبود سرویس رایگان دولتی خانواده‌ها اقدام به استفاده از وانت با هزینه شخصی به‌عنوان سرویس می‌نمایند. در غیاب هر گونه استاندارد ایمنی و وضعیت اسف‌بار راه‌ها تعداد زیادی از دانش‌آموزان در تصادفات جاده‌ای جان خود را از دست می‌دهند.

مصائب و مشکلات برشمرده؛ اما نه علت که

نتیجه سیاست‌های ضدانسانی حکومت اسلامی است. مشکل نه کمبود بودجه است و نه "هویت فرهنگی" و "دوزبانه" بودن دانش‌آموزان این استان. رژیم اسلامی هزاران میلیارد تومان برای ادامه‌کاری مراکز تولید جهل و خرافه، دستگاه پروپاگاند سیاسی - اسلامی، پر کردن جیب آخوندهای میلیاردر و آقازاده‌ها و تأمین مالی و تسلیحاتی نیروهای تروریستی نیابتی خود در منطقه هزینه می‌کند. مشکل موجودیت نحس حکومت الله و جهنم حاصل از آن بر روی زمین است.

دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان همراه معلمان با مطالبه تحصیل رایگان منطبق بر استانداردهای

جهانی و حقوق مکفی و در شأن انسان برای آموزگاران می‌توانند رژیم را به تمکین به حقوق دانش‌آموزان و آموزگاران وادارند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۳۴

۱۴ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۲۴ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

مهسا در آسمان زندگی می‌درخشد

کیوان جاوید

شمشیر چوبین فائزه رفسنجانی علیه انقلاب زن زندگی آزادی!

محسن ابراهیمی

حمله به مهاجران افغانستانی و انسانیت ممنوع!

سیما بهاری

حرافیِ برداشتن مرزها میان "کشورهای اسلامی"

منظر دریاکناری

لیست تجمعات سراسری شهرهای خارج کشور

به مناسبت دومین سالگرد قتل مهسا امینی

# مهسا در آسمان زندگی می‌درخشد

## کیوان جاوید

**۲۵ شهریور دومین سالگرد جان‌باختن مهسا / ژینا امینی به دست قاتلان جمهوری اسلامی است. مهسا اما با زندگی زنده است.**

**مهسا و میلیون‌ها میلیون زن دیگر با شدیدترین نابرابری‌های جنسیتی در جمهوری اسلامی چشم به جهان گشوده و کرامت و حرمت انسانی آنها با استناد به اسلام و مذهب بطور کلی به جهنم تبدیل شد. به همه مهساها در ایران گفته شد "جای زن در کنج خانه و در خدمت مرد بودن است؛ زن وظیفه‌ای جز زائیدن به تعداد انبوه و**

تهیه غذاهای خوشمزه برای ولی‌نعمت خود در خانه ندارد؛ زن کارش شیردادن و پرورش نوزاد است؛ زن باید جارو بکشد و لباس بشوید و هر آنچه که آقای خانه اراده کند در اختیار او بگذارد؛ زن باید همیشه و در همه حال آماده باشد تا تن خود را در اختیار شوهر خود قرار بدهد. تأکید شد این حکم اسلام و خدا و همه مذاهب است و زن چاره جز تمکین ندارد.“

این دنیای مالیخولیایی مسلمین حاکم در ایران هرگز به نرم و فرهنگ و رفتار جامعه تبدیل نشد. در برابر این تعفن و ویروس کشنده یک حرکت غریزی – فکری و فرهنگی در اعماق جامعه شکل گرفت که از کودک دبستانی تا اکثریت عظیم

مردم آن را تف کرده و بالا آوردند. این جنبش به انقلاب تبدیل شد.

آخرین روزهای شهریور ۱۴۰۱ یعنی چند روز بعد از قتل حکومتی مهسا امینی عزیز موج اعتراضات از کردستان انقلابی که هرگز در برابر جمهوری اسلامی سر تسلیم فرود نیاورد شروع و فوراً همچون کوه عظیم آتشفشانی همه ایران را در نوردید و شعله‌های این انقلاب که به نام زن زندگی آزادی کلید خورده است از فراسوی مرزها گذشت و جهانی شد.

جمهوری اسلامی با خون پاشیدن به این انقلاب سطح خیابان را به اشغال خود در آورد، اما در

عمق و در همه فعل‌وانفعالات اجتماعی جنگ را به مردم باخته است. سرنگونی رژیم اسلامی ضرورت تاریخی است و ما مردم این ضرورت را به واقعیت تبدیل می‌کنیم. در دومین سالگرد جان‌باختن مهسا / ژینا امینی عزیز دست در دست هم می‌دهیم و سیل انقلاب را برای آزادی و برابری و رفاه همگانی به جان جمهوری اسلامی می‌اندازیم. یاد مهسا و همه جان‌باختگان راه آزادی و برابری برای همیشه با ما خواهد بود.

# شمشیر چوبین فائزه رفسنجانی
# علیه انقلاب زن زندگی آزادی!

محسن ابراهیمی

**در دومین سالگرد اولین انقلاب زنانه، فائزه رفسنجانی با انتشار نامه‌ای، شمشیر چوبین علیه زنان زندانی سیاسی، علیه انقلاب زن زندگی آزادی کشیده است!**

**سراسر ایران، در شور برگزاری گسترده دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی است. زنی از سلاله یکی از بانیان اصلی نظام اسلامی، پابرهنه وسط پریده است تا به خیال خام خود زندانیان سیاسی زن را که به "جرم" مبارزه علیه نظام اسلامی به**

زندان افتاده‌اند و از این طریق مبارزه علیه نظام اسلامی را بی‌اعتبار کند. او  برای رسیدن به این هدف، وقیحانه از زندانیان علیه دیکتاتوری اسلامی، "دیکتاتورهای کوچک" به تصویر می‌کشد که گویا حال دختر جنایتکاری به نام رفسنجانی را "از هر مبارزه‌ای" به هم زده‌اند!

لجن پاشی عضوی از لجنزار نظام اسلامی علیه زندانیان سیاسی زن تا آنجا پیش می‌رود که حتی اعتراضات متحدانه در زندان را به  "ترس از تنهایی و تهدیدشدن" توسط خود زندانیان نسبت می‌دهد و بی‌شرمانه این اعتراضات جسورانه زیر تیغ شکنجه و اعدام را  با "مراسم روز قدس حکومتی و شرکت در نماز جمعه حکومتی" مقایسه می‌کند! و مضحک‌تر

**از همه اینکه گویا خشونت در زندان‌های جمهوری اسلامی نه از طرف بازجوهای شکنجه‌گر بلکه از طرف مبارزین چپ و کمونیستی اتفاق می‌افتد که از کشتارهای حکومت جان سالم بدر برده‌اند و همچنان در زندان به مبارزه ادامه می‌دهند.**

**زیباکلام زندان‌های جمهوری اسلامی را با هتل پنج‌ستاره مقایسه کرده بود! فائزه رفسنجانی هم همان را می گوید. اما او هدف اصلی‌اش را خود افشا کرده است: هشت نفر در زندان می‌خواستند در "انتخابات ریاست‌جمهوری" شرکت کنند و زندانیان سیاسی علیه نظام اسلامی مانع شده‌اند و در نتیجه فائزه آموخته که "تنها راه اصلاحات بویژه اصلاحات ساختاری است."**

بی‌دلیل نیست که از ارگان مطبوعاتی قوه قضاییه تا تفاله‌های سرگردان اصلاح‌طلبان ورشکسته در داخل و خارج مثل زیباکلام و زیدآبادی و عباس عبدی و مجتبی واحدی یا با او همراهی می‌کنند و یا حتی به "شجاعت" این پس‌مانده جنایتکاری به نام اکبر رفسنجانی تبریک می‌گویند.

معلوم می‌شود که "دختر خلف" رفسنجانی در فکر تنفس مصنوعی به جنازه اصلاح‌طلبان و از این طریق به جنازه حکومت اسلامی است. پاسخ گسترده و جانانه کاربران در شبکه‌های اجتماعی نشان داد که او آب در هاون می‌کوبد.

# حمله به مهاجران افغانستانی و انسانیت ممنوع!

سیما بهاری

”به دستور دادستان محترم فروش نان به اتباع ممنوع می‌باشد. در صورت تخلف با آن واحد نانوایی طبق مقررات برخورد خواهد شد.“

این بنر مربوط به هشتاد سال پیش و دورهٔ رونق فاشیسم هیتلری نیست. این بنر مربوط به آفریقای جنوبی و در رابطه با سیاه پوستان نیست. این بنر روز جمعه یعنی دیروز به یکی از دیوارهای شهر بر سر در آویزان شده است. گویی متنی از تاریک خانهٔ تاریخ و دوران برده‌داری به عصر ما پرتاب شده  باشد. این برگ کثیف به دستور ”دادستان

محترم“ به دیوار چسبانده شده. عده‌ای راسیست نژادپرست هم با لمپنیسم کامل دادستان ”محترم“ را همراهی می‌کنند. دولت عامل کمبودها و گرانی‌های روزافزون را افغانستانی‌ها می‌داند. یک حکومت تا مغز استخوان فاسد که هر روز پروندهٔ یک اختلاس میلیارددلاری یکی از سرانش رو می‌شود. دادستان فقط چند ساعتی بعدازاین امرونهی فهمید که چه غلطی کرده و حرفش را نصفه نیمه به شیوه آخوندی پس گرفت. او بعدتر در توضیح این بنر گفت که این ممنوعیت تنها مربوط به نان یارانه‌ای است. جل‌الخالق مثل این است که در اروپا به ایرانیان پناهنده گفته شود حمایت‌های دولتی نظیر بیمه و درمان و... شامل حال شما نمی‌شود و به بازار آزاد مراجعه کنید.

مردم که دو سال است هر روز دارند در خیابان‌ها انسانیت را نمایندگی می‌کنند در این مورد هم مشت بدهان حکومت خواهند کوبید.

انتظار می‌رود مردم، همان‌ها که برای کودکان افغانستانی که به‌خاطر نداشتن شناسنامه- که این هم از "کرامات حکومت است" - از تحصیل بازمانده بودند، کلاسهای درس راه انداختند، مقابل این فشارهای دولت فاشیست اسلامی بایستند. بازنشستگان و پرستاران و بخش‌های مختلف معترض باید در سخنرانی‌های خود به این موضوع بپردازند. در خیلی از تظاهراتها به درست شعار "یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه" سر داد ه می‌شود. قطعاً افغانستانی‌ها

**اختلاس نکرده‌اند. همان اختلاس‌های میلیاردی اگر کم شود مردم کمبود نان و آب و اجاره‌خانه و... نخواهند داشت.**

**در اروپا مردم مدرن و انسان‌دوست در صف مدافعان پناهندگی به خیابان می‌آیند و از حق پناهندگی، پابه‌پای پناهجویان و "خارجی‌ها" دفاع می‌کنند. چنین انتظاری از بشریت مدرن در ایران هم می‌رود. نباید اجازه دهیم حکومت دزدی‌ها و غارتگری‌های خود و چپاول سفرهٔ ما مردم را به گردن افغانستانی‌ها بیندازد.**

# حرافیِ برداشتن مرزها میان "کشورهای اسلامی"

## منظر دریاکناری

پزشکیان، در سومین روز سفر خود به عراق با حضور در بصره بار دیگر بر لزوم برداشتن مرزها میان کشورهای اسلامی سخن گفت. او در روز نخست سفر خود در بغداد و در دیدار با رئیس‌جمهور عراق نیز پیشنهاد برداشتن مرز میان کشورهای اسلامی را مطرح کرده بود.

جمهوری اسلامی حتی نمی‌تواند پول فروش برق و گاز و نفت را از کشورهای دیگر و از جمله از دولت عراق وصول کند، اما می‌خواهد مرز بین ایران و عربستان و کویت و اردن و دیگر "کشورهای

اسلامی" را بردارد. فراتر از این می‌خواهد با "ریال پرارزشِ" جمهوری اسلامی پول واحدی برای "همه کشورهای اسلامی" بنیان بگذارد. پزشکیان حتماً یادش نرفته است که همین چند سال پیش از دیوار سفارت عربستان بالا رفتند و داخل سفارت را غارت کرده و در هم کوبیدند  که باعث شد سال‌ها رابطه سیاسی و دیپلماتیک بین جمهوری اسلامی و عربستان قطع شود.

بااین‌وجود چرا و به چه منظوری پزشکیان این حرف‌ها را می‌زند و چرا باید حتی برای یک‌لحظه هم به آن فکر کرد و برای تجزیه‌وتحلیل این مزخرفات وقت تلف کرد؟

واقعیت این است که در دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی، ایران در دیگ دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی می‌جوشد و هیچ بخشی از حکومت اوضاع را مناسب نمی‌بیند. - یکی از جدیدترین گزارشات حکومتی می گوید ۹۲ درصد مردم از این رژیم ناراضی‌اند - اقتصاد ورشکسته ازیک‌طرف و بحران دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی از سوی دیگر رژیم را منزوی‌تر و بیچاره‌تر کرده است. رابطه دول اروپایی و آمریکا با رژیم در بدترین شرایط ممکن است و تحریم‌ها از هر سو حکومت را در منگنه وسیع‌تر قرار داده است. از طرف دیگر آن انتقام سخت از اسرائیل هم پوچ و حرافی مفت از آب در آمد. در این وضعیت که اعتصابات و اعتراضات یکی پس از دیگری در

ایران سربلند می‌کنند و حکومت توان مقابله با بی‌حجابی و فرهنگ ضداسلامی حاکم بر جامعه را ندارد، پزشکیان می‌خواهد تمامی کشورهای اسلامی را متحد کند و مرزهای مابین این کشورها را برچیند. اگر این حرف‌های "صد من یک غاز" را هم نزند فقط می‌ماند که به کربلا برود و امام سوم شیعیان را زیارت کند. این است "حرفهای دیپلماتیک" یک رژیم مفلوک.

# لیست تجمعات سراسری شهرهای خارج کشور (۱۷ کشور و ۴۵ شهر) به مناسبت دومین سالگرد قتل حکومتی مهسا ژینا امینی و شروع انقلاب زن زندگی آزادی

**لیست شهرها:**

**دانمارک:**

**آرهوس** (https://t.me/Daneshjo_pishro/415)

**کپنهاگ** (https://t.me/Daneshjo_pish-ro/414)

**آلمان:**

**دورتموند** (https://t.me/Daneshjo_pish-ro/393)

کلن (https://t.me/Daneshjo_pishro/392)

برلین (https://t.me/Daneshjo_pishro/400)

گوتینگن(https://t.me/Daneshjo_pish-ro/394)

فرانکفورت(https://t.me/Daneshjo_pish-ro/390)

نورنبرگ(https://t.me/Daneshjo_pish-ro/395)

ماربورگ(https://t.me/Daneshjo_pish-ro/398)

مونیخ (https://t.me/Daneshjo_pishro/397)

ینا(https://t.me/Daneshjo_pishro/399)

کاسل(https://t.me/Daneshjo_pishro/380)

**سوئد:**

**گوتنبرگ**(https://t.me/Daneshjo_pish-ro/419)

**استکهلم**(https://t.me/Daneshjo_pish-ro/418)

**مالمو** (https://t.me/Daneshjo_pishro/382)

**کانادا:**

**کبک**(https://t.me/Daneshjo_pishro/428)

**تورنتو**(https://t.me/Daneshjo_pishro/431)

**اتاوا**(https://t.me/Daneshjo_pishro/430)

**ونکوور**(https://t.me/Daneshjo_pishro/425)

**مونترال**(https://t.me/Daneshjo_pish-ro/429)

ادمونتون(https://t.me/Daneshjo_pish-ro/427)

نیوزلند:

کرایست چرچ (https://t.me/Daneshjo_pish-ro/433)

اوکلند(https://t.me/Daneshjo_pishro/389)

دوندین(https://t.me/Daneshjo_pish-ro/388)

بلژیک:

بروکسل(https://t.me/Daneshjo_pish-ro/413)

**استرالیا:**

سیدنی(https://t.me/Daneshjo_pishro/409)

آدلاید(https://t.me/Daneshjo_pishro/410)

هوبارت(https://t.me/Daneshjo_pishro/411)

**فنلاند:**

تورکو(https://t.me/Daneshjo_pishro/424)

**انگلستان:**

لندن(https://t.me/Daneshjo_pishro/407)

**اتریش:**

وین(https://t.me/Daneshjo_pishro/412)

**سوئیس:**

**ژنو**(https://t.me/Daneshjo_pishro/416)

**آمریکا:**

**واشنگتن**(https://t.me/Daneshjo_pish-ro/402)

**شیکاگو**(https://t.me/Daneshjo_pish-ro/401)

**سانفرانسیسکو**(https://t.me/Daneshjo_pish-ro/403)

**بویزی** (https://t.me/Daneshjo_pishro/404)

**هوستون**(https://t.me/Daneshjo_pishro/405)

**سیاتل** (https://t.me/Daneshjo_pishro/406)

**فرانسه:**

**پاریس** (https://t.me/Daneshjo_pishro/420)

**گرنوبل**(https://t.me/Daneshjo_pish-ro/422)

**اسپانیا:**

**بارسلون**(https://t.me/Daneshjo_pish-ro/383)

**هلند:**

**خرونینگن**(https://t.me/Daneshjo_pish-ro/384)

**ایتالیا:**

**میلان**(https://t.me/Daneshjo_pishro/385)

**نروژ:**

**اسلو**(https://t.me/Daneshjo_pishro/386)

**استاوانگر** (https://t.me/Daneshjo_pishro/432)

**لیست در حال بروز رسانی است و تکمیل می‌شود.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۳۵

۱۵ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۲۵ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

پیروزی مردم و اعتصاب موفق در کردستان

نسان نودینیان

زندانبانان از زندانیان سیاسی می ترسند

منظر دریاکناری

”قیمه بدون گوشت“، کیفیت داروهای وطنی

سینا پدرام

قدرت دوگانه بین مردم و حکومت اشغالگر

کیوان جاوید

اعتصاب در شهرهای کردستان در سالروز انقلاب زن زندگی آزادی

اطلاعیه

# پیروزی مردم و اعتصاب موفق در کردستان

نسان نودینیان

دومین سالگرد قتل حکومتی مهسا / ژینا امینی، دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی با فراخوان‌های گسترده توسط مردم از زندان تا نهادهای مدنی، پیام شورانگیز مادر و پدر مهسا / ژینا امینی و اعلام برگزاری بزرگداشت یاد دختر عزیز و نازنینشان، پیامک‌های وسیع خانواده‌های جانباختگان خیزش زن زندگی آزادی و دادخواهان، احزاب سیاسی، زنان مبارز، کارگران، بازنشستگان و جوانان در داخل ایران و نزدیک به بیست کشور در خارج با راهپیمایی‌های باشکوه، پرفورمنس‌های زیبا و جذاب، سخنرانی‌های ده‌ها

**فعال سیاسی و آسیب دیدگان انقلاب ژینا با موفقیت و پرتوان برگزار شد.**

**در کردستان امروز ۲۵ شهریور ۱۴۰۳ اعتصاب عمومی با استقبال وسیع از شهروندان شهرهای؛ سقز، مهاباد، اشنویه، سنندج، دیواندره، مریوان، پیرانشهر، کرمانشاه و بوکان تا تهیه این نوشته، برگزار شده است.**

**باوجود ایجاد جو امنیتی، حصر خانگی خانواده ژینا عزیز، تهدید و دستگیری فعالین اجتماعی و باز کردن آب سد چراغ ویس و مسدودکردن محل‌های ورود به آرامستان آیچی و ممانعت از حضور مادر و پدر ژینا عزیز، مردم کردستان**

**اعتصاب پیروزمندانه خود را سرانجام رساندند و مشت محکمی بر دهان حکومت ضد زن کوبیدند.**

**اعتصابات و اعتراضات خیزش مردمی زن زندگی آزادی، عزم مردم به تداوم مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی را نوید داد. دستاوردها و پیشروی‌های خیزش مردمی زن زندگی آزادی پس گرفتنی نیست. در عوض در یک روز آفتابی بار دیگر مردم در سطح سراسری به خامنه‌ای تبهکار و پزشکیان و حکومت اسلامی نه بزرگ گفتند.**

**ضمن ادای احترام و درود به جانباختگان، به مردم شهرهای کردستان و اتحاد مستحکم آنها،**

به خانواده‌های جانباختگان و دادخواهان و به فعالین مدنی و اجتماعی در شهرها، به پرستاران، بازنشستگان، کارگران برای سازمان‌دادن اعتصابات و اعتراضات مهمشان درود می‌فرستیم.
پیروزی ما در وسیع‌ترین اتحاد همه ما مردم است.

# زندانبانان از زندانیان سیاسی می ترسند

## منظر دریاکناری

روز شنبه ۲۴ شهریور از اوین این گزارش به نقل از نرگس محمدی در اینستاگرام او منتشر شده است: "امشب بیست و چهارم شهریورماه در دومین سالگرد جنبش" زن، زندگی، آزادی" و شب کشته‌شدن مهسا – ژینا امینی بیش از ۲۵ نفر از زنان زندانی سیاسی در بند اوین در حیاط بند تجمع کرده‌اند.

آنها شعارهایی را روی مقوا نوشته و به دیوارهای زندان آویخته‌اند و در راهروها و حیاط سر می‌دهند.

**زن، زندگی، آزادی**
**آزادی، آزادی، آزادی**
**جان برود، سر برود، آزادی هرگز**
**بندزنان اوین، هم صدا و هم پیمان،**
**تا لغو حکم اعدام، ایستاده‌ایم تا پایان**
**صدور حکم اعدام، انتقام حاکمان،**
**از زنان و کردستان، تا هر گوشه در ایران**
**اصلاح‌طلب، اصول‌گرا، دیگه تموم ماجرا**

**آنها نام کشته‌شدگان و اعدام‌شدگان را فریاد می‌زنند و سرود بلاچاو و به نام تو که اسم رمز ماست را دسته‌جمعی می‌خوانند.**

**زنان زندانی در اعتراض به سیاست‌های سرکوب**
**زنان به‌خاطر حجاب اجباری، در حیاط زندان شال آتش زده‌اند.**
**زنان معترض اعلام کرده‌اند که همگام و هم صدا با مردم به خاسته و معترض ایران، روز یکشنبه بیست و پنجم شهریورماه در اعتصاب‌غذا خواهند بود.**

**۲۴ شهریور ۱۴۰۳**
**زندان اوین - بند زنان**

**در یک کلام. این زندانبانان و حاکمان هستند که از قدرت متشکل زندانیان هراس دارند. این هراس فقط از قدرت زندانیان سیاسی نیست ادامه آن**

قدرت عظیم مردمی است که کارخانه و مدرسه و بیمارستان را به هم وصل می‌کند و جامعه را یک تن واحد می‌کند در برابر حکومت دیکتاتوری اسلامی. در نبری که در پیشِ رو داریم سازشکاری و دودلی و قانع به کم‌بودن و دل‌خوش‌کردن به وعده سر خرم هیچ جایی ندارد. آنچه که اهمیت حیاتی دارد، اتحاد و همدلی و همبستگی برای سرنگونی حکومت دیکتاتوری اسلامی و استقرار یک جامعه آزاد و برابر و مرفه است. جامعه‌ای که برای استثمارگران ضدبشری جایی نداشته باشد.

به‌حکم اتفاقات سیاسی در ایران ما مردم در این مبارزه پرشکوه به استواری گام بر می‌داریم. یکی شویم. مبارزه برای سرنگونی نیازمند دست‌های بیشتری است.

# "قیمه بدون گوشت"، کیفیت داروهای وطنی

سینا پدرام

به گزارش مطبوعات ایران، رئیس انجمن داروسازان می گوید دولت ایران بیش از ۶۰ درصد تولیدات دارویی داروسازان داخلی را خریداری و قیمت گذاری می کند و این مسئله عامل اصلی پایین‌بودن کیفیت این داروها است.

آقای صبوری در ادامه با بیان اینکه بیماران داروهای تولید داخل را به "قیمه‌بدون گوشت" تشبیه‌می کنند، گفت: "داروهای تولید داخل کف استانداردها را دارا هستند و داروهای خارجی از نرمال به بالا هستند." مراجع مختلف داروسازی همراه اعلام کرده‌اند که

تولید دارو در ایران با بحران عدم تأمین نقدینگی برای تهیه مواد اولیه کارخانجات تولیدی روبه‌رو است.“

داستان کمبود دارو و پایین بودن استانداردهای تولیدات داخلی و حتی بعضاً داروهای وارداتی تاریخ منقضی و بی کیفیت، قصه نه امروز است و نه دیروز. در یک کلام  سیستم دارویی ایران حال و روزگار خوشی ندارد و بیمار است.

روشن است که رژیم اسلامی قصد تخصیص و تسهیل امکانات کافی برای شهروندان در امر درمانی را ندارد. چهل و چند سال وقت زیادی است تا حداقل یک موضوع و آن هم معضل درمان و دارو

به شکل ریشه‌ای حل شود. گره کار نیز روشن است. به شکل پایه‌ای رژیم اسلامی خود گره، معضل و سد اساسی در مقابل رشد رفاه اجتماعی و از جمله رشد امکانات دارویی و درمان عمومی در ایران بوده و هست. عدم تخصیص بودجه و امکانات مالی برای تولید و یا واردات دارو از دولت اسلامی از مشکلات اساسی بوده است.

اما واقعیت پایه‌ای تر این است که مشکلات سیستم درمانی و دارویی در ایران از اینجا ناشی شده است که درمان، دارو، بهداشت و تمامی سیستم مربوط به صنعت پزشکی و سلامت یک منبع بزرگ سودافزایی برای شرکت‌های خصوصی و دولتی در ایران است. داروهای بی کیفیت، خدمات زیر استاندارد، کمبود

بیمارستان، پزشک، کادر درمانی، پرستار و غیره فقط عوارض بیرونی یک سیستم سرمایه‌دارانه و رانتی – مافیایی در ایران است و به این دلیل تنها با خارج کردن این بخش از صنعت اجتماعی از سیستم سودافزایی و سرمایه‌دارانه می‌توان از این وضعیت بحرانی خارج شد.

بهداشت و داروی رایگان شرط اساسی خروج سیستم درمانی از وضعیت فاجعه‌بار کنونی است. فقط با خارج کردن صنعت سلامت و بخصوص صنعت داروسازی از سیستم بازار می‌توان سلامت جامعه را تضمین کرد، وگرنه همچنان گچ ساختمانی را به جای دارو به خورد مردم خواهند داد.

# قدرت دوگانه بین مردم و حکومت اشغالگر

کیوان جاوید

۲۵ شهریور کردستان یکپارچه شور بود و امید و مبارزه علیه رژیم تا دندان مسلح جمهوری اسلامی. در سایه دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی مروری کوتاه می‌کنیم بر آنچه در ایران جریان دارد.

یک نام دیگر برای جمهوری اسلامی که در اذهان نقش بسته است، رژیم اشغالگر است. مختصات یک رژیم اشغالگر این است که یک کشور را از نظر نظامی تحت اشغال درآورده باشد و بس. اشغالگران با گسیل تانک و استقرار نیروهای

مسلح خیابان‌ها و مراکز کار و تولید را تحت کنترل خود قرار می‌دهند، اما قدرتشان در همین حد است. در ایران به یک معنای استعاره‌ای ما با همین وضعیت روبرو هستیم. جمهوری اسلامی درست موقعیت چنین ارتشی را دارد که به‌زور اسلحه مستقر شده باشد. در ایران یک حکومت همه امکانات اقتصادی را در کنترل خود دارد و سود حاصله از تولید و فروش محصولات تولیدی مستقیماً به نیروی اشغالگر منتقل می‌شود. از این نظر می‌توان گفت جمهوری اسلامی درست به شیوه ارتش‌های اشغالگر عمل می‌کند.

نابودی طبیعت و گسترش فقر و فلاکت عمومی و همه مصائب دیگر در این سیستم در خدمت

بقا این جانیان حاکم است. اما بااین‌وجود رژیم حاکم فقط سطح خیابان‌ها را کنترل می‌کند. وسیع‌ترین مقاومت مدنی و مبارزه برای زندگی بهتر و انسانی علیه جمهوری اسلامی در جریان است. هیچ بخشی از جامعه ساکت نیست و روحیه جنگندگی از سطح تا بطن جامعه به نفع مردم و به زیان حکومت است.

اشغالگران در ایران از خارج از مرزها نیامده‌اند. یک‌طبقهٔ منحط با یک فرهنگ عقب‌مانده ضد زندگی از درون به جان مردم افتاده است. اما ماشین جنگی رژیم به گِل خواهد نشست. مردم رژیم اسلامی را با وسیع‌ترین همدلی‌ها و همبستگی‌های مبارزاتی و با خواست‌های رفاهی

و سیاسی روشن و انسانی در هم خواهند شکست. برای پیروزی سریع تر باید نیروی بیشتری گردآوری کنیم. اعتصابات و اعتراض این چند ماه گذشته و مقاومت عمومی زنان علیه حجاب اسلامی، در کنار اعتصاب عمومی در کردستان همین امروز در مسیر این پیروزی درخشان انقلاب زندگی آزادی در حرکت است. با مختصاتی که برشمرده شد، در ایران یک قدرت دوگانه حاکم است. قدرت نظامی حکومت و قدرت اجتماعی مردم که در نبرد با هم به سر می‌برند.

# اعتصاب در شهرهای کردستان در
# سالروز انقلاب زن زندگی آزادی

## اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

امروز یکشنبه ۲۵ شهریور در دومین سالروز انقلاب زن زندگی آزادی، روزی که مهسا/ ژینا امینی توسط حکومت به قتل رسید، مردم شهرهای سراسر کردستان به فراخوان چندین حزب و سازمان سیاسی در کردستان از جمله حزب کمونیست کارگری، و همچنین فراخوان "شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی" و دهها نهاد مدنی و حقوق بشری دست به اعتصاب عمومی و یکپارچه زدند تا عزم خود را برای تداوم مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی نشان

دهند. همچنین تعدادی از خانواده‌های دادخواه، جمعی از فعالین حقوق زن در سنندج و فعالین دیگری نیز فراخوان اعتصاب در کردستان داده بودند. بسیاری از احزاب و نهادها همچنین مردم را به گرامی‌داشت یاد مهسا/ ژینای عزیز و سایر جانباختگان فراخوانده بودند.

مردم کردستان به این فراخوان ها وسیعا پاسخ داده و از جمله شهرهای سنندج، سقز، مهاباد، دیواندره، بوکان، پیرانشهر، مریوان، اشنویه دست به اعتصاب زدند و اعتصاب بزرگی در کردستان شکل گرفت.

رژیم تلاش زیادی کرد تا با احضار بسیاری از

فعالین سیاسی و مدنی از جمله احضار ۱۴ نفر از معلمان سنندج، با یورش به منزل خانواده‌های برخی از جانباختگان و با حضور گسترده‌تر اوباش سرکوب خود در برخی شهرهای کردستان جلو اعتصاب را بگیرد. در سقز از روز قبل مسیرهای اطراف قبرستان آیچی، جایی که مهسا در آن به خاک سپرده شده تحت کنترل شدید قرار گرفت و یکی از مسیرهای رسیدن به قبرستان نیز با باز کردن آب از دسترس خارج شد. امروز نیز فضایی کاملا امنیتی در این شهر حاکم است، در قبرستان را پلمب کرده‌اند تا مردم وارد این قبرستان نشوند اما نام مهسا در سراسر جهان فریاد زده شد. یک فایل صوتی به بی‌بی‌سی فارسی رسیده است که حاکی از تجمع اعتراضی

در بند زنان زندان اوین است.

لازم به توضیح است که به مناسبت دومین سالروز انقلاب زن زندگی آزادی بیانیه‌ها و پیام‌های شورانگیز بسیار زیادی توسط تشکل‌های کارگری، معلمان، پرستاران، زنان و بازنشستگان، کانون نویسندگان ایران، ۷۰ نفر از فعالین حقوق زن، صادر شده بود که فضای گرم اعتراض و مبارزه در سراسر کشور را منعکس می‌کند. زندانیان زن زندان اوین نیز روز ۲۴ شهریور دست به حرکت شجاعانه‌ای زدند، شعارهایی چون "اصلاح‌طلب اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" را روی مقواهایی نوشته و به دیوارهای زندان آویختند و سپس سرودهای انقلابی خوانده و شعارها را در راهروها

و حیاط زندان سر دادند. فعالین سیاسی روی در و دیوار برخی شهرها شعارنویسی کردند، تراکت پخش کردند و در مدیای اجتماعی فضای انقلاب و سرنگونی فعال است . در خارج کشور نیز در دهها شهر تجمعات بزرگ و باشکوهی به مناسبت دومین سالگرد انقلاب برگزار شد.

اعتصاب عمومی در کردستان گام بزرگ دیگری در گسترش مبارزات آزادی‌خواهانه و عدالت‌طلبانه مردم برای ادامه انقلاب زن زندگی آزادی و جارو کردن بساط جمهوری جنایت و چپاول اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری به مردم کردستان،

به خانواده‌های دادخواه، به زنان زندان اوین و به کلیه فعالین، تشکل‌ها و نهادهایی که به مناسبت سالروز انقلاب دست به فعالیت‌های گسترده و متنوعی زدند درود میفرستد و همه مردم در سراسر کشور، دادخواهان، زنان، دانشجویان، معلمان، کارگران، پرستاران، جوانان و کلیه نهادها و تشکل‌های مردمی و همه انسانهای آزاده را به گسترش اعتراض علیه اعدام و علیه حکومت جنایتکار و منفور اسلامی فرامیخواند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۳۶

۱۶ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۲۶ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

هشدار و پیام اعتراض روشن مردم به حکومت

شهلا دانشفر

پیام دروغ "اتحاد" شاهزاده رضا

کیوان جاوید

شریک جنایت در غرق‌شدن پناهجویان

پتی دبونیتاس

گام گذاشتن میلیاردر آمریکایی در فضا

منظر دریاکناری

# هشدار و پیام اعتراض روشن مردم به حکومت

شهلا دانشفر

روز گذشته ۲۵ شهریور در شهرهای مختلف کردستان به مناسبت گرامیداشت دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و سالروز قتل حکومتی مهسا امینی (ژینا) این نماد انقلاب بدست حکومتیان، اعتصاب عمومی و گسترده برپا شد و رویداد سیاسی مهمی در تداوم انقلاب رقم خورد. در این روز مغازه داران و کسبه شهرهای مختلف کردستان با اعتصاب عمومی که فراخوانش از سوی چندین حزب و سازمان سیاسی در کردستان از جمله حزب کمونیست کارگری، و نیز "شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی" و

نهادهای مختلف مدنی و تعدادی از خانواده های دادخواه داده شده بودند، مغازه هایشان را بستند و بدینگونه تداوم انقلاب را فریاد زدند.

ضمن اینکه روز گذشته همچنان آینه روشنی از تداوم اعتراض بر سر معیشت و علیه فقر و فساد حاکم بود و بازنشستگان در شهرهای مختلف با فریاد اتحاد، اتحاد ، علیه فقر و فساد همچنان بلندگوی رسای اعتراض کل جامعه بودند.

اعتصاب عمومی در کردستان در کنار اعتصاب و اعتراض شجاعانه بند زنان اوین با فریاد شعارهای اعتراضی شان، در کنار دیوارهای رنگین با شعارهای اعتراضی مردمی در تمام شهرها و بیانیه

**های پرشور اعتراضی از سوی بخشهای مختلف جامعه، پیام روشن تداوم انقلاب برای سرنگونی حکومت اسلامی است. پیام مردمی که فریاد میزنند: ایستاده ایم تا پایان.**

**امجد امینی پدر مهسا امینی در استوری اینستاگرامش با گفتن اینکه امیداریم که هیچ خانواده ای را در مرگ عزیزانشان سوگوار نبینیم از اعتصاب عمومی و حمایت گسترده مردم در شهرهای مختلف کردستان قدردانی کرد و این حرکت درخشان اعتراضی را "هشدار و پیام اعتراض روشن مردم به جمهوری اسلامی" خواند.**

**امجد امینی صدای رسای همه دادخواهان است.**

او با قتل دخترش بدست حکومتیان گفت: ” ژینا تو نمی‌میری، نامت رمز می‌شود“ و چنین شد و امروز نام ژینا و همه جانباختگان انقلاب به اسم رمز انقلاب و تداوم آن تبدیل شده است.

# پیام دروغ "اتحاد" شاهزاده رضا

## کیوان جاوید

"شاهزاده" رضا پهلوی، روز یکشنبه ۲۵ شهریور و در دومین سالگرد کشته‌شدن مهسا امینی، با انتشار متنی خواستار اتحاد ایرانی‌ها در برابر حکومت جمهوری اسلامی شد و تأکید کرد: "دوشادوش هم در برابر رژیم جمهوری اسلامی بایستید. ما با هم قوی‌تریم."

رضا پهلوی دروغ می گوید او طی اعتراضات عظیم خیابانی در خارج کشور خواهان اتحاد ایرانیان علیه رژیم اسلامی نبود او طرفدار اتحاد همه با خودش بود. طی این تظاهراتهای عظیم و باشکوه، که فقط

در برلین ۱۰۰ هزار نفر علیه جمهوری اسلامی به خیابان آمدند و همه شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد و علیه اعدام و شکنجه به میدان آمده بودند سلطنت طالبان از پرویز ثابتی رئیس ساواک و مظهر شکنجه و اعدام و جنایت رونمایی کردند و وعده قتل‌عام مخالفین چپ یا "تجزیه‌طلبان" را به مخالفین رضا پهلوی دادند. در تظاهراتهای خارج کشور که واقعاً همه با هم علیه جمهوری اسلامی به میدان آمده بودند شعار "مرگ بر سه فاسد، ملا، چپی، مجاهد" توسط لمپن‌های سلطنت‌طلب سر داده شد و از طرف یاسمن پهلوی، همسر "شاهزاده" در مدیای اجتماعی بازپخش شد.

طرفداران رضا پهلوی شدیدترین توهین‌ها و

”مرگ بر ها“ را نثار حامد اسماعیلیون و مسیح علینژاد کردند و محمدرضا عالی پیام را در لندن مورد آزاد جنسی قرار دادند، چرا که عالی پیام از رضا پهلوی انتقاد کرده بود.

در این شرایط ویژه که سلطنت طالب‌ها پا در جای نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی در مبارزه علیه طرفداران زن زندگی آزادی گذاشته‌اند رضا پهلوی نشان داد که سنگربان اصلی و یار و یاور شعبان بی‌مخ‌های عصر حاضر است.

اتحاد مردم معنی دارد. اتحاد یعنی همان که مردم خوزستان و کردستان و آذربایجان دوش به دوش هم و در یک سنگر علیه جمهوری اسلامی بیان

کرده و پرچمش را برافراشته‌اند. در دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی کسی که دشمن اتحاد مردم علیه رژیم اسلامی بوده خود را حامی اتحاد جا می‌زند تا خرابکاری و دشمنی‌اش را با انقلاب لاپوشانی کند.

اتحاد مردم حول آزادی و برابری و مبارزه با مذهب و محو دیکتاتوری و سرنگونی همه دستگاه‌های سرکوبگر جمهوری اسلامی میسر می‌شود نه با سازش با نوع "خوش‌خیم" آخوند یا با حفظ بسیج و بدنه اصلی سپاه و ارتش برای مقابله بعدی با آزادیخواهی. آقای پهلوی، اتحاد پیشکش شما چرخ پنجم حکومت در مقابله با انقلاب زن زندگی آزادی نباشید.

# شریک جنایت در غرق‌شدن پناهجویان

## پتی دبونیتاس

قایق حامل پناهجویان در نخستین ساعات روز (یکشنبه ۲۵ شهریور/۱۵ سپتامبر) در آب‌های شمال بولون سورمر دچار مشکل شد و هشت پناهجو در کانال مانش جان باختند. بنا بر گزارش‌ها، این قایق حامل ۵۹ نفر از کشورهای ایران، افغانستان، سوریه، سودان، اریتره و مصر بود.

به این ترتیب با احتساب هشت قربانی اخیر، در مجموع ۴۵ نفر در کانال مانش در سال جاری جان خود را از دست داده‌اند که به گزارش

سازمان بین‌المللی مهاجرت وابسته به سازمان ملل، بالاترین رقم گزارش شده از سال ۲۰۲۱ است.

باور کنیم که دولت انگلیس و همه دولت‌های اروپایی بخشی از این جنایت علیه بشریت هستند. فرار از یک کشور درگیر فقر و فلاکت و اسیر دیکتاتوری و سرکوب و زندان شکنجه جرم نیست و نتیجه اقدام به  فرار از این شرایط هولناک نباید مرگ و میر پناهجویان باشد. به گفته یک مقام محلی یک نفر از این نجات‌یافتگان، یک نوزاد ۱۰ماهه است.

مرزهای امنی باز کنید که پناهجویان در شرایط

انسانی و بی‌خطر به کشورهای "پناهنده‌پذیر" وارد شوند. طبق کنوانسیون حقوق پناهندگی سازمان ملل پناهندگی حق همه انسان‌هایی است که خطر دستگیری و شکنجه و اعدام آنها را تهدید می‌کند و همه این دولت‌های اروپایی و تقریباً بیشتر کشورهای جهان این کنوانسیون را امضا کرده‌اند.

تلاش برای ورود به کشورهای امن را از دست "قاچاقچیان انسان" بیرون بیاورید و به پناهجویان این حق را بدهید که طبق معاهدات رسمیِ بین‌المللی از این حق انسانی استفاده کنند. اینکه سرمایه‌داری جهانی و مماشات دولت‌های قدرتمند جهان در ایجاد این وضعیت دخیل است،

نباید از یادها برود. بیاد داشته باشیم که یک درصد از میلیاردرهای جهان بیش از نیمی از ثروت جهان را از آنِ خود کرده‌اند. بیاد داشته باشیم تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از سردمداران "کشورهای فقیر" میلیاردرهای جهان‌اند. بیاد داشته باشیم مردم متمدن و انسان‌دوست در اروپا و کشورهای پناهنده‌پذیر نه‌تنها دشمنی ای با پناهجویان ندارند، بلکه در دفاع از حق زندگی آنها مبارزه می‌کنند.

باندهای "قاچاق انسان" جز کوچکی از این چرخه قتل‌اند، جرم بزرگ‌تر بر دوش دولت‌ها است.

# گام گذاشتن میلیاردر آمریکایی در فضا

## منظر دریاکناری

نخستین فضانورد خصوصی‌ای که موفق شد با خروج از کپسول در فضا گام بگذارد، پس از سفری پنج‌روزه به زمین بازگشت. جرد آیزاک‌من در حالیکه فضاپیما در مداری به فاصله ۷۴۰ کیلومتری زمین، یعنی بالاتر از ایستگاه فضایی بین‌المللی و تلسکوپ فضایی هابل قرار داشت، از آن خارج شد و در فضا گام گذاشت. کپسول اسپیس‌اکس یکشنبه ۲۵ شهریورماه به زمین بازگشت.

خبر جذابی باید باشد. گام گذاشتن انسان بر

فضا حتماً عجیب و زیبا خواهد بود، اما در پسِ این زیبایی و هیجان سفر فضایی، یک درد عظیم بشری را نیز می‌تواند مشاهده کرد. این فضانورد میلیاردر با انگیزه تجسس علمی به فضا سفر نکرده است. تخصص این فرد "کیف پولش" است که نمی‌داند در روی زمین چگونه خرجش کند. خیلی ساده از زندگی در روی زمین خسته و دلگیر شده و احتمالاً دیگر حوصله زمینیان و آدم‌های دوروبر خودش را ندارد. ایشان میلیاردر شده است که در دنیایی زیباتر، متفاوت‌تر و فراتر از میلیاردها ساکن روی زمین خوشگذرانی کند.

میلیاردر باشی و به غم و رنج و بدبختی میلیاردها انسان دیگر نگاه کنی؟ میلیارد باشی و جنگ‌ها و

کشتار و زندان‌ها را مشاهد کنی؟ میلیارد باشی و توجه ات معطوف به شورش گرسنگان و تظاهرات و اعتصابات باشد؟ به‌راستی برای یک میلیاردر چه دنیای کسل‌کننده‌ای است این زندگی انسان‌های بی‌پول. حقیقتاً دنیای چندش‌آوری است نگاه‌کردن به صف طویل پناهجویانی که تنها جانشان را بر دوش گرفته و راهی مرزهای آمریکا و اروپا شده‌اند. از دریچه دید یک میلیاردر چه دنیای زشتی است که مشاهده می‌شود.

این یک نمونه کوچک از یک واقعیت زندگی بشری است که میلیاردرهای یک درصدی جهان بیش از نیمی از ثروت جهان را در تصاحب خود دارند. در این سیستم پرستار باید جان بکند

و اعتصابش با دستگیری پاسخ بگیرد. مبارزه کارگر برای دستمزد بالاتر و ایجاد تشکل کارگری باید سرکوب شود. آب آشامیدنی و بهداشت عمومی باید از نیمی از مردم جهان دریغ بشود. گرسنگی باید حاکم بر جهان باشد. در دنیای این میلیاردرهای بی عار و بیکار سوسیالیسم خطرناک است و باید نابودش کرد. در این دنیا انقلاب سم است.

بااین‌وجود برابری و آزادی، امید اکثریت مردم جهان برای نجات از دست دنیایی است که همین سرمایه‌داران ساخته‌اند. این امید را باید تقویت کرد و سازمان داد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۳۷

۱۷ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۲۷ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

## در این شماره ژورنال:

**حکومت ناتراز، خامنه‌ای ناتراز، پزشکیان ناتراز!**

**محسن ابراهیمی**

**عظمت مقاومت زنان در ایران از نگاه "مای ساتو"**

**کیوان جاوید**

**تنها سه مدرسه تهران تأییدیه آتش‌نشانی دارند**

**رضا درویش**

# حکومت ناتراز، خامنه‌ای ناتراز، پزشکیان ناتراز!

## محسن ابراهیمی

روز ۲۶ شهریور، یک روز بعد از دومین سالگرد انقلاب "زن، زندگی، آزادی"، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور نظام اسلامی نشست خبری داشت. دلیل سیاسی انتخاب یک روز بعد از دومین سالگرد انقلاب، قطعاً این بود که حکام اسلامی به‌شدت نگران بودند که در سالگرد انقلاب اوضاع از دستشان خارج شود!

پزشکیان در این نشست گفت که تلاش خواهد کرد که گشت ارشاد دیگر بی‌حجاب‌ها را اذیت نکند! مشکلات قشر ضعیف را حل خواهد کرد!

مقابله با دزی، رشوه، رانت و قاچاق از اولویت‌های دولتش است! در فکر صدور "انقلاب" (یعنی ارتجاع اسلامی) نیستند! و آمریکا هم "برادر" است و البته حکومت با ده‌ها "ناترازی" مثل ناترازی در برق و گاز و بنزین و محیط‌زیست مواجه است که اگر رها کنند غیرقابل‌حل‌تر می‌شود. با "راه‌حل بسیجی" یعنی با گران‌کردن برق و گاز و بنزین می‌توان همه این ناترازی‌ها را حل کرد!

این سخنان آشفته و متناقض هیچ‌چیز نبود جز اعتراف رئیس‌جمهور ذوب شده در ولایت‌فقیه به این حقیقت سیاسی که نظام اسلامی در باتلاق عمیق سیاسی خودساخته غرق است و راه نجاتی هم ندارد.

از یک پس‌مانده "ذوب شده" در ولایت‌فقیه، متعلق به جریان اصلاح‌طلب ورشکسته، همین انتظار می‌رفت. سخنان او در این نشست ملغمه‌ای بود از عوام‌فریبی دررابطه‌با اصلاح وضع موجود در داخل، عقب‌نشینی در مناسبات با دول غرب، در عین بیعت مکرر با آمال‌های مالیخولیایی رهبر معظم. رهبری که عادت کرده است وقتی خطر سرنگونی بالای سرش می‌چرخد هم از توبره بخورد هم از آخور. هم رجز بخواند و هم "نرمش قهرمانانه" بکند؛ اما همچنان در لجنزار نظام اسلامی‌اش دست‌وپا بزند!

از نظر جامعه‌ای که انقلاب زن زندگی آزادی" را در پرونده سیاسی‌اش دارد، این خزعبلات

چیزی جز یک تقلای عوام‌فریبانه از طرف لوده ساده‌لوحی مثل مسعود پزشکیان نیست که احمقانه چنین مردمی را عوام پنداشته است که می‌توان فریبشان داد.

# عظمت مقاومت زنان در ایران از نگاه "مای ساتو"

## کیوان جاوید

مای ساتو، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، دوشنبه ۲۶ شهریور نوشت: "در فکر خانواده‌های معترضانی هستم که عزیزانشان را در جریان جنبش زن زندگی آزادی ازدست‌داده‌اند."او با اعلام "همبستگی با زنان و دختران در ایران"، تأکید کرد: "باوجود تلاش‌ها برای خاموش‌کردن صدای زنان و محرومیت بیشتر آنها از حقوقشان، همچنان شاهد مقاومت بی‌وقفه زنان و دختران هستیم."

بیایید همه با هم همه کسانی که در ایرانِ تحت

**حاکمیت عفریت اسلام و نمایندگان پلید آن روزگار می‌گذرانیم برپا بایستیم و ضمن یک دقیقه سکوت بیاد جان‌باختگان، به عظمت مقاومت بی‌وقفه زنان و دختران درود بفرستیم. درست مثل گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران که گوشه کوچکی از عظمت مبارزه زنان را دید.**

**بیایید به این فکر کنیم که از بدو تولدِ همه ما که در ایران زاده شدیم به ما گفتند زن ضعیف است و باید تحت فرمان یک مرد باشد؛ نباید پا از گلیم خود درازتر کند و گلیم زنان آن‌قدر کوتاه بود که فقط می‌شد بجای قبر از آن استفاده کرد. بیایید همه با هم به جهنمی فکر کنیم که اسلام**

وعده داده است که زنان بی‌حجاب هزاران سال با موهایشان در آنجا به دار کشیده می‌شوند و در آتش جهنم پوست تنشان می‌سوزد و دوباره می‌آید که باز هم سوزانده شود. بیایید به این فکر کنیم که عذاب الهی علیه زنان در همین زمین، بغل گوش همه مردان تکرار و باز تکرار می‌شود و ما شاهدان خشمگین این عذاب زمینی علیه زنان هستیم.

از گهواره تا گور به ما گفته‌اند مرد قوی و زن ضعیف است؛ مردان غیرتمند و زنان ناموس مردان‌اند، مرد سرپرست و زن تحت حمایت است. همه اینها را گفتند؛ اما مقاومت و مبارزه زنان تمامی این خزعبلات اسلامی را زیر پا له

کرد و همچون گیاه که به‌سوی نور قد می‌کشد، زنان مشت‌ها را به آسمان بردند و نهراسیدند و عقب ننشستند و دمار از روزگار خداوندگار مرگ، حکومت جانیان اسلامی در آوردند. این جنگ هنوز در میانه میدان است. روز پیروزی نهایی انقلاب زنانه علیه هر چه نابرابری و علیه آپارتاید جنسیتی در راه است. آنگاه جهانیان به احترام زنان در ایران جشن عظیم پیروزی برپا می‌کنند.

# تنها سه مدرسه تهران تأییدیه آتش‌نشانی دارند

رضا درویش

رئیس آتش‌نشانی تهران ۲۵ شهریور اعلام کرد: ” در شهر تهران از ۴۵۳۸ مدرسه صرفاً سه مدرسه تأییدیه آتش‌نشانی دارند.“او همچنین اضافه کرد که اولویت ایمن‌سازی برای مدارس در مرحله بعد از مراکز تجاری قرار دارد.

اطلاع‌رسانی در ارتباط با آتش‌سوزی‌های مدارس در سراسر ایران طی سال‌های گذشته بارها صورت گرفته است. در سال‌های گذشته در آتش‌سوزی مدرسه کانکسی در دزفول دو دانش‌آموز که فقط ۱۵ سال سن داشتند بر اثر شدت جراحات جان

باختند. در آتش‌سوزی دبستان دخترانه شین‌آباد ۳۷ کودک مصدوم شدند و دو تن از آنان جان باختند. در آتش‌سوزی دبیرستان شبانه‌روزی چابهار، مرکز پرورش نخبه‌های یک منطقه محروم چهار دانش‌آموز جان باختند و چهارده تن مصدوم شدند. در آتش‌سوزی دبستان اسوه حسنه در زاهدان سه دانش‌آموز جان خود را از دست دادند. در آتش‌سوزی مدرسه شهید رحیمی شهر درودزن هشت دانش‌آموز دچار سوختگی شدید شدند. در آتش‌سوزی مدرسه روستای محروم سفیلان در استان چهارمحال‌وبختیاری سیزده دانش‌آموز دچار سوختگی می‌شوند و معلم کلاس جان خود را از دست می‌دهد. در آتش‌سوزی مدرسه شهرستان شفت گیلان نیز معلم برای نجات دانش‌آموزان

جان خود را از دست می‌دهد. این‌ها نمونه‌های تأسف‌بار مرگ دانش‌آموزان و معلمانی است که مرگشان قابل‌پیشگیری بوده است.

مردم می‌دانند که عامل اصلی این فجایع رژیمی است که برای تبلیغات سیاسی و مذهبی و نیز سرکوب معترضان میلیاردها دلار هزینه کرده و می‌کند؛ اما برای مدارس دولتی که هزینه‌هایش بر عهده دولت است، دولت مسئولیت حتی ایمن‌سازی ساختمان مدارس در مقابل آتش‌سوزی را به عهده نمی‌گیرد. این بی‌اعتنایی نسبت به جان دانش‌آموزان و معلمان از سوی رژیمی است که فقط در حمایت از دو گروه حزب‌الله و حماس صدها میلیون دلار هزینه کرده و همچنان هزینه

می‌کند.

حقیقت این است که تا آخرین روز حیات ننگین جمهوری اسلامی این رژیم جان می‌ستاند و بلا نازل می‌کند. از این رژیم همانطور که در گزارش عفو بین‌الملل آمده باید به‌عنوان "ویرانگران انسانیت" نام برد. ویرانگرانی که جز با برچیدن بساط حکومتشان راه دیگری برای خلاص‌شدن از شرشان متصور نیست.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۳۸

۱۸ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۲۸ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

## در این شماره ژورنال:

**گوهر عشقی راه نشان می‌دهد**

سهیلا دالوند

**مهاجرانی و "ارشاد" جوانان کردستان!**

نسان نودینیان

**حجاب اسلامی و بودجه‌های میلیاردی**

سینا پدرام

**در مورد اتحاد احزاب و شبکه سراسری سرنگونی‌طلبان؟**

سؤال از کاظم نیکخواه

# گوهر عشقی راه نشان می‌دهد

## سهیلا دالوند

گوهر عشقی، مادر ستار بهشتی روز ۲۶ شهریور از طریق ویدئویی در اعتراض به بازداشت اعضای خانواده‌های دادخواه من‌جمله دایه مینا مادر شهریار محمدی از جان‌باختگان انقلاب زن زندگی آزادی و در دفاع از زندانیان سیاسی در معرض خطر اعدام اعلام کرد: "من به‌عنوان مادر ستار بهشتی، در همبستگی با دایه مینا و برادرم ماشاءالله کرمی، خانواده پویا بختیاری، پخشان عزیزی و شریفه محمدی که زیر حکم اعدام هستند و همه فرزندانم که در زندان جمهوری اسلامی هستند، به‌زودی تحصن و اعتصاب خواهم

کرد. اگر در ظرف یک هفته آینده از تاریخ انتشار این ویدئو دایه مینا مادر داغدار شهریار محمدی آزاد نشود، روز دوشنبه دوم مهرماه ساعت ۹ صبح به محل دفتر سازمان ملل متحد در تهران یا به امام زاده صالح تجریش خواهم رفت و در آنجا تحصن و اعتصاب خودم را آغاز می‌کنم.“

گوهر عشقی این مادر دادخواه که بی‌بی‌سی در سال ۲۰۲۲ او را یکی از صد زن الهام‌بخش و اثرگذار در جهان معرفی کرد، در این سال‌ها صدای زندانیان سیاسی، بازداشت‌شدگان و خانواده‌های دادخواه بوده و باوجود بازداشت اعضای خانواده، حمله فیزیکی و فشارهای زیاد نه‌تنها عقب‌نشینی و سکوت نکرده، بلکه با عزمی

استوارتر طبل رسوایی جمهوری اسلامی را به صدا درآورده است.

اعلام تحصن و اعتصاب گوهر عشقی، این مادر از جنس عشق به زندگی و انسانیت، نشان از جنبشی است که عقب‌نشینی نمی‌کند و از غرب تا شرق و از شمال تا جنوب پیوسته و پویا است که نه رنگ می‌شناسد، نه زبان، نه مذهب و تنها و تنها انسان و انسانیت سنگ بنای آن است. دادخواهی گوهر عشقی این بار هم به جنبش دادخواهی، به جنبشی که یک‌صدا علیه اعدام، زندان و شکنجه و هر هفته در سه‌شنبه‌های اعتراضی نمایان است، راهکار نشان می‌دهد که با هم پیوستگی و اتحاد می‌توان از شر غده سرطانی جمهوری اسلامی

خلاصی پیدا کرد.

باید با گوهر عشقی و دیگر خانواده‌های دادخواه همراه شویم، هم‌صدا شویم و تا آزادی دایه مینا، ماشاءالله کرمی و سایر خانواده‌های دادخواه و لغو احکام اعدام برای زندانیان سیاسی و عقیدتی و آزادی کلیه زندانیان سیاسی در کنارشان باشیم.

# مهاجرانی و "ارشاد" جوانان کردستان!

## نسان نودینیان

**عطاالله مهاجرانی وزیر ارشاد سابق در نوشته‌ای در روزنامه اعتماد شکرخوری کرده و به جوانان کردزبان گفته: با کلاشینکف ژست نگیرند، از گروه‌های مسلح فاصله بگیرند و فرموده کمونیسم مرده چرا هنوز کمونیست مانده‌اند.**

**از مغز و زبان این وزیر ارشاد سابق که در دوران خودش زبان‌ها را می‌بریدند، با پونز حجاب را تحمیل می‌کردند، در سیستم اداره ارشاد آزادی‌های مردم را سرکوب خونین می‌کردند، در دهه شصت در قتل‌عام آزادی‌خواهان، مجاهدین،**

چپ‌ها و کمونیست‌های زن و مرد سکان‌دار حفظ فاشیستی‌ترین نظام بودند، چیزی جز این تراوش نمی‌شود.

اما نکته قابل‌توجه نظر وزیر ارشاد سابق و مشاور امروز امنیتی جمهوری اسلامی در باره سرنوشت اپوزیسیون، مجاهد و احزاب دموکرات و کومله است. مهاجرانی گفته؛ سرنوشت نیروهای حزب دموکرات و کومله بهتر از مجاهدین نمی‌شود و انتقال اردوگاه از زرگویز... به سورداش مرحله فروپاشی است. من در این نوشته قصد ارزیابی از موقعیت احزاب اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق، پیامدها و شرایط زندگی و ادامه حضور آنها در کردستان عراق را ندارم. آنچه مورد حساسیت

و عکس‌العمل من است، فراخوان بی‌شرمانه این جنایت‌کار به جوانان کردستان به تسلیم است و دیگر اینکه در حالی از مردن کمونیسم صحبت می‌کند که جنبش کثیف اسلامی و حکومت اسلامی‌اش به منفورترین دوران خود رسیده است.

عطاالله مهاجرانی در لندن چه‌کاره است؟ وی در مقام سخنگو و مشاور جمهوری اسلامی، علی شمخانی و سپاه قدس قرار گرفته و پیگیر اجرای پروژه قرارداد امنیتی دو دولت عراق و جمهوری اسلامی شده است. جمهوری اسلامی و دولت مرکزی عراق، و باندهای مزدور احزاب ناسیونالیست در اقلیم کردستان همگی در

**سناریویی که به قرارداد امنیتی علیه اپوزیسیون و احزاب مستقر در کردستان عراق شناخته شده است شریک هستند. اهداف آنها مشخص است! دشمنی با احزاب مخالف جمهوری اسلامی، سد کردن حضور مخالفین جمهوری اسلامی و ناامن‌کردن کردستان عراق برای مهاجرین و فعالین سیاسی که ناچار به ترک محل زندگی، کار و فعالیتشان هستند.**

**عطاالله مهاجرانی در دفاع از تروریسم جمهوری اسلامی، در دفاع از ترور سلمان رشدی شناخته شده است. او مسمومیت شیمیایی دانش‌آموزان را هم به طرف‌داران شعار زن زندگی آزادی نسبت داده بود.**

جای عطاالله مهاجرانی این حامی تروریسم و جمهوری جنایت‌کار اسلامی، در بیت رهبری و در لیست تروریست‌ها است.

# حجاب اسلامی و بودجه‌های میلیاردی

سینا پدرام

بررسی‌های رادیو فردا نشان می‌دهد که دولت پیشین در بودجهٔ عمومی امسال ۶۰۰ میلیارد تومان را مستقیماً به اجرای طرح‌هایی برای اعمال حجاب اسلامی مدنظر حکومت ایران اختصاص داده است. بر اساس مصوبهٔ شورای انقلاب‌فرهنگی به جز پلیس، دست‌کم ۲۶ نهاد دیگر نیز در اجرا و کمک به پیشبُرد قوانین حجاب اجباری با حکومت همکاری می‌کنند. هزینهٔ این نهادها هم از بودجهٔ عمومی کشور و از پول فروش نفت و مالیات تأمین می‌شود. هر چند اطلاعات روشنی دربارهٔ میزان هزینه‌های آن‌ها برای تحمیل و ترویج

حجاب در دسترس نیست.

هر ریالی که خرج سیاست‌های زن‌ستیزانه در ایران می‌شود یک جنایت غیرقابل‌تحمل است. در ایرانی که نیاز به مدارس مدرن دارد، در ایرانی که طبق آمار جدید صدها هزار کودک امسال از رفتن به مدرسه محروم مانده‌اند، در ایرانی که چندین میلیون کودک کار و خیابان بهترین دوران زندگی خود را صرف تأمین معیشت خود و خانواده‌هایشان می‌کنند، در ایرانی که بیمارستان‌هایش هر لحظه می‌توانند طعمه حریق شوند، در ایرانی که جاده‌هایش چنان ناامن هستند که باید "تله‌های مرگ" نام‌گذاری شوند، هر تک ریالی که خرج مزخرفاتی مانند طرح نور و قانون پنچر شده "عفاف

و حجاب" می‌شود، مانند گلوله‌ای است که به‌سوی تک‌تک شهروندان شلیک می‌شود.

اما هدف از طرح‌های پوچ برای تحمیل حجاب بر زنان چیست که بودجه‌های ۱۰ میلیون‌دلاری برای آن اختصاص داده می‌شود؟ در تمام تاریخ رژیم اسلامی سرکوب زن مساوی با سرکوب انقلاب، سرکوب آزادی، سرکوب حق‌طلبی، سرکوب حقوق کارگران و معلمان و دانشجویان بوده است. زنان را زده‌اند و در حجاب پیچانده‌اند تا خواست‌های سیاسی و رفاهی انقلاب ۵۷ را سرکوب کنند، تا شوراهای کارگری را داغان کنند، تا دانشجو و استاد و معلم را از دانشگاه و مدرسه اخراج کنند، تا کارگری "بی توقع و ارزان" و جامعه‌ای مرعوب

و وحشت‌زده بیافرینند و هنوز زنان را می‌زنند تا از کابوس انقلاب زن زندگی آزادی خلاص شوند و پرستار و کارگر را با دشوارترین شرایط کاری به کار بکشند.

سؤال اینجاست. آیا رژیم موفق شده است؟

جواب این سؤال را چند روز پیش در خیابان ولیعصر و دیگر خیابان‌های تهران در سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی می‌شد پیدا کرد. خیابان‌هایی پر از نیروهای سرکوبگر از ترس و هراس رژیم از آغاز برآمدها و حرکات نوین اجتماعی. زیر پوست این کشور چیزی دارد می‌جنبد.

# در مورد اتحاد احزاب و
# شبکه سراسری سرنگونی طلبان؟

## سؤال از کاظم نیکخواه

**سوسن صابری:** مدتی است که تعدادی از نهادها و فعالین سیاسی و اجتماعی با گرایشات گوناگون، باتوجه‌به ضرورت زمان ، فعالیت خود را با ایجاد ظرف‌های بزرگ‌تر گسترش داده‌اند. کارزار جهانی نه به اعدام، کارزار اتحاد علیه آپارتاید جنسیتی و شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی نمونه‌هایی از این تلاش‌ها برای فعالیت مشترک هستند. آیا نمی‌شود همین الگوها را در مورد احزاب سیاسی اپوزیسیون بکار برد؟ آیا احزاب راست و چپ که خواهان سرنگونی جمهوری

**اسلامی هستند نمی‌توانند شبکه سرنگونی‌طلبان را ایجاد کنند؟ چه موانعی وجود دارد؟**

**کاظم نیکخواه: بحث اتحاد احزاب به قدمت خود احزاب است. ببینید! سرنگونی یک امر تک‌موضوعی مثل جنبش علیه اعدام و زندان نیست؛ بلکه چندجانبه و چندموضوعه است. متحدشدن احزاب سیاسی که هرکدام سرنگونی را به‌نوعی می‌بینند و تفاوت‌های اساسی در اهداف و سیاست‌هایشان وجود دارد به‌سادگی ممکن نیست. بعضی‌ها می‌خواهند فقط بخشی از آخوندها را از قدرت کنار بزنند و کل سیستم و دستگاه مذهب و سرمایه‌داری و بوروکراسی را نگاه دارند و یک دیکتاتوری دیگر را حاکم کنند، برخی کمی**

بیشتر یا کمتر را می‌خواهند، و حزبی مثل حزب کمونیست کارگری می‌خواهد حکومت اسلامی و کل سنت‌ها و سیاست‌ها و نهادهای مذهبی و سرکوب و اداری‌اش را از جامعه جارو کند و مردم را از سرکوب و سلطه مذهب و مافیای سرمایه‌داری تماماً خلاص کند. اما تجربه نشان داده است که در روند مبارزه احزاب و سازمان‌های سیاسی تغییر می‌کنند و خیلی‌ها به هم نزدیک می‌شوند.

توجه کنید که همین نمونه‌هایی مثل کارزار علیه اعدام و علیه آپارتاید جنسیتی و برای آزادی زندانیان سیاسی که اشاره کردید بخشی از جنبش سرنگونی است. این تلاش‌ها تازه شروع نشده؛ اما اخیراً موفقیت‌هایی در ایجاد اتحادهای سیاسی

داشته است. هرچه این نوع کارزارها و ائتلاف‌ها فراگیرتر شوند و موضوعات بیشتری را بپوشانند و بتوانند موفق شوند، و اتحادهای اجتماعی‌تر و گسترده‌تری ایجاد کنند معنایش ایجاد زمینه مناسب‌تر برای اتحاد و همکاری عملی بخش پیشرویی از جریانات سرنگونی‌طلب و جنبش سرنگونی در سطح جامعه خواهد بود. سرنگونی به طور واقعی یعنی به جریان افتادن جنبشی فراگیر و اجتماعی علیه اعدام، علیه زندان، علیه آپارتاید جنسیتی، علیه چپاول و مافیای سرمایه‌داری، علیه یکه‌تازی دستگاه مذهب، برای دفاع از حقوق زنان و کودکان و مردم و امثال اینها. چنین جنبش و حرکت سراسری ای است که می‌تواند به انقلاب اجتماعی منجر شود و حکومت را سرنگون کند.

در روند پیشروی و اتحادهای مقطعی و موضوعی است که می‌توان امیدوار بود که در مقطعی بتوان به اتحادها و ائتلاف‌های سیاسی و گسترده‌تری حداقل میان بخش قابل‌توجهی از احزاب سیاسی رادیکال بر سر سرنگونی هم رسید. حرکت کردن از مسیر عکس ممکن نیست. یعنی نمی‌شود از همان اول احزاب سیاسی بر سر امر پیچیده و چندجانبه سرنگونی متحد شوند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۳۹

۱۹ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۲۹ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

## در این شماره ژورنال:

نه به میلیتاریسم اسرائیل نه به تروریسم اسلامی

حسن صالحی

مزدور محلی در سمت استاندار کردستان

عبدل گلپریان

وضعیت مضحک تومور لایحه عفاف و گشت ارشاد

عطیه نیک‌نفس

مناظر در ایران عوض شده‌اند!

سیما بهاری

یک تریلیون دلار، رؤیای میلیاردرها!

سینا پدرام

# نه به میلیتاریسم اسرائیل نه به تروریسم اسلامی

حسن صالحی

روز سه‌شنبه ۱۷ سپتامبر (۲۷ شهریور) منفجر شدن هزاران پیجر افراد حزب‌الله در لبنان به کشته‌شدن دست‌کم ۱۲ نفر و مجروح شدن حدود ۳ هزار نفر انجامید. یک روز بعدازاین واقعه نیز در اثر منفجرشدن بی‌سیم‌ها و دستگاه‌های ارتباطی مورداستفاده اعضا و افراد حزب‌الله لبنان ۲۰ کشته و حدود ۶۰۰ نفر زخمی شدند. در این عملیات نظامی که به‌طورقطع توسط نیروهای امنیتی اسرائیل عملی شد متأسفانه شماری از مردم غیرنظامی نیز کشته و مصدوم شدند. قربانی کردن مردم بی‌دفاع قویاً محکوم است.

هدف اسرائیل از این حملات، تحقیر حزب‌الله و درهم شکستن روحیه اعضای آن است. علاوه بر این، آن‌طور که مقامات اسرائیلی اعلام کرده‌اند هدف این است که امکان بازگشت بیش از ۶۰ هزار اسرائیلی که نزدیک به یک سال است خانه‌های خود را در شمال این کشور ترک کرده‌اند، فراهم آورند و به این منظور بزرگ‌ترین تحرک نیروهای نظامی اسرائیل در شمال این کشور در حال وقوع است. درعین‌حال دولت نژادپرست نتانیاهو که در اسرائیل با اعتراضات عمومی روبروست تنها راه نجات خود را در جنگ‌افروزی بیشتر می‌داند تا مخالفین خود را منکوب کند.

از نظر نظامی به‌طورقطع عملیات غافلگیرانه اخیر

اسرائیل در لبنان به حزب‌الله ضربه سختی وارد کرد. اما این موفقیت نظامی می‌تواند به گسترش جنگ در خاورمیانه بینجامد که قربانیان آن همچون جنگ در غزه مردم بی‌دفاع خواهند بود.

جلوگیری از تشدید بحران در خاورمیانه تنها با قطع فوری جنگ در غزه و برقراری آتش‌بس، با آزادی سازی فوری گروگان‌ها، با تشکیل دو دولت مستقل، با مبارزه علیه راست افراطی و نژادپرست در اسرائیل و نیروهای سیاه اسلامی در فلسطین و لبنان و با مقابله مؤثر با جمهوری اسلامی به‌عنوان تغذیه‌کننده حماس و حزب‌الله میسر است. اگر امیدی برای نجات زندگی مردم از دست مرتجعین و جنگ‌افروزان وجود داشته

باشد قبل از هر چیز این خود مردم عادی در اسرائیل و فلسطین و لبنان هستند که باید تکلیف خود را با نیروهای ارتجاعی در دو طرف این نزاع روشن کنند. با سرنگونی جمهوری اسلامی به‌عنوان سرمنشأ تروریسم اسلامی در منطقه توسط مردم ایران، اسلام سیاسی ضربه مهلکی خواهد خورد و این به‌طورقطع معادلات منطقه‌ای را به نفع ترقی‌خواهی و جبهه مردمی تغییر خواهد داد.

# مزدور محلی در سمت استاندار کردستان

## عبدل گلپریان

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی جمهوری اسلامی، از انتصاب آرش زره‌تن لهونی خبر داده و گفته است: "او از جوانان اهل‌تسنن و به‌عنوان اولین استاندار سنی و کرد بعد از ۱۳۵۷ منصوب شده و دارنده دکترای اقتصاد بین‌الملل، نماینده مجلس در دوره یازدهم بوده و سابقه خدمت در جمعیت هلال‌احمر استان کرمانشاه و استان کردستان، سمت‌های فرماندار جوانرود، عضویت شورای اسلامی شهر سنندج، و معاونت امور اقتصادی استانداری کردستان را نیز برعهده داشته."

مسعود پزشکیان نیز در بخشی از سخنانش گفته است: ” انتخاب آقای زره‌تن، و انتخاب مسئول اهل‌سنت برای معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری، گواه صدق ادعای دولت برای به‌کارگرفتن توانمندترین افراد فارغ از وابستگی‌های جناحی و مذهب، جنسیت، قومیت و نژاد است.“

اظهارات پزشکیان و سخنگوی او از مقام و ِسمت ”دکترای اقتصاد و هلال‌احمر“ لهونی، برای مردم متنفر از کلیت نظام اسلامی یادآور تباه‌شدن وضعیت معیشت و زندگی اقتصادی‌شان، در بالاکشیدن هستی و دسترنجشان در این ساختار جهنمی اسلامی و یادآور رنج و مشقت مردم

زلزله‌زده و سیل‌زده در کرمانشاه و کردستان تحت نظارت این کار به دستان هلال‌احمر، غارت کمک‌های مردمی توسط باندهای تحت نظارت مهره‌هایی چون زره لهونی و تباه‌کردن زندگی و کشتار کولبران با تصمیم این مهره‌ها در مقام فرماندار و استاندار است را به‌خاطر دارند.

پزشکیان با ارائه این تحفه "سُنی و کرد" در مقام استاندار، خیال می‌کند مردم کردستان نقش این مهره‌ها از جمله خود او که طی دوران حکومت اسلامی در رکاب این رژیم بوده و دستشان به خون جوانان آلوده است را فراموش کرده‌اند. مردم کردستان خوش‌خدمتی مزدوران محلی در استانداری، فرمانداری‌ها، مسئولین هلال‌احمر، در

زندان‌ها، در نهادهای سرکوب و مراکز نظامی دوش‌به‌دوش سپاه پاسداران علیه خود را به‌خوبی تجربه کرده و به یاد دارند.

در دوران به‌قدرت‌رسیدن خمینی و دارودسته‌اش و زمانی که مسعود پزشکیان با فتوای قرآن و خمینی چشم دانشجویان معترض در تبریز را کور می‌کرد، مردم کردستان در مقابل ارتجاع اسلامی خمینی و دارودسته‌های دولت موقت و جیره‌خواران محلی او ایستادند و با مبارزات جانانه خود پاسخ کوبنده‌ای به این از گور برخاسته‌ها دادند. انقلاب زن زندگی آزادی مدت‌هاست بساط این عوام‌فریبی‌ها را جارو کرده است.

# وضعیت مضحک تومور لایحه عفاف و گشت ارشاد

عطیه نیک‌نفس

موسی غضنفرآبادی، رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس رژیم اسلامی، گفت لایحه «عفاف و حجاب» از جانب شورای نگهبان تأیید شده و باید ابلاغ شود. او افزود شورای نگهبان همان کلیاتی که مجلس فرستاده را تأیید کرده است.“

این در حالی‌ست که روز گذشته پزشکیان در جمعی از خبرنگاران وعده داد که به گشت ارشاد بگوید با زنان بدرفتاری نکنند و البته اعتراف به آزار و اذیت این مزدوران کرد.

رژیم اسلامی که با مبارزات جسورانه زنان به‌شدت

تحت‌فشار است بیش از یک سال است که با طرح لایحه‌ای با عنوان عفاف و حجاب به درگیری‌ها و نزاع‌های داخلی‌اش هم افزوده شده، تابه‌حال مجلس با شورای نگهبان درگیر بوده و حالا با روی کار آمدن مترسک جدید رژیم، پزشکیان، اوضاع وخیم‌تر هم شده است. پزشکیان از نبود گشت ارشاد می گوید و غضنفرآبادی از اجرایی‌شدن لایحه تصویب شده حجاب!

واما در جامعه، زنان برابری‌طلب با بی‌حجابی عملی، تمسخر خرافات مذهبی ضدزن و سازمان‌دادن کمپین‌های مختلف مثل کمپین "من یک نفرم، یکی از بی‌شمار زنان شهر" که در سالگرد آغاز انقلاب "زن، زندگی، آزادی" علیه حجاب، عکس‌های بی‌حجاب خود را درحالی‌که در اماکن عمومی

هستند، در مدیای اجتماعی منتشر می‌کنند، در مقابل رژیم قد علم کرده‌اند و هر لحظه در صحنه مبارزاتی‌شان بیشتر جلو می‌آیند و با تأکید این که "ما عقب نمی‌کشیم" هر روز بیشتر رژیم را تحت‌فشار می‌گذارند و وضعیت کشنده‌ای را برایش رقم زده‌اند.

اینها همه نشان‌دهنده عزم راسخ زنان برای دستیابی به حقوق انسانی است که باوجوداینکه رژیم همه قوای خود را برای برگرداندن حجاب بکار گرفته؛ ولی نه‌تنها نتوانسته ذره‌ای شرایط را به قبل از انقلاب مهسا بازگرداند؛ بلکه مزدورانش گیج و سردرگم هر روز نطق بی ربطی را بلغور می‌کنند.

# مناظر در ایران عوض شده‌اند!

سیما بهاری

آیرام پیلی قائم‌مقام نمایندهٔ ویژهٔ دولت آمریکا در امور ایران: "متأسفانه چیزی در ایران تغییر نکرده و ما همچنان شاهد سرکوب وحشیانهٔ مردم از سوی حکومت ایران هستیم."

دو سال از کشته‌شدن مهسا به دست نیروی سرکوبگر حکومت، توسط گشت ارشاد گذشت. در این دو سال خیلی اتفاقات افتاد. اگر گوشمان را به زمین بچسبانیم هنوز ضرب آهنگ کوبیدن پاهای دانش آموزان روی عکس‌های پاره‌شده خمینی و خامنه‌ای و دیگر سران حکومت را می‌شنویم. هنوز

صدای فریاد شعارهای شبانه در گوشمان انعکاس دارد، "زن زندگی آزادی". هنوز عمامه‌پرانی‌ها و شجاعت جوانانمان راهنمای راه‌های نرفته‌ای است که قرار است با هم طی کنیم. این دو سال هر روزش کلاس درسی بود. مردم آموختند که با هم و در کنار هم از پس خیلی چیزها بر می‌آیند. آموختند که در برابر شهامت و جسارت و عزم راسخشان، تمامی حاکمیت چه حقیر و چه زبون است. طی این دو سال مناظر خیلی عوض شدند. دختران و زنان بدون حجاب، با لباس‌های رنگین چقدر سیمای شهر را زیبا کردند. نه فقط به‌خاطر بی‌حجابی و رنگ، که اساساً برای انتخاب آزادانه!

در ایران خیلی چیزها تغییر کرده است. امروز

در زندان‌ها، همان جا که حکومت قدرت دارد و عزیزانمان را شکنجه می‌کند و می‌کشد، صدای زنان قهرمانی را می‌شنویم که از درون زندان فریاد می‌زنند: "زن زندگی آزادی" و این صداها دیوارهای قطور زندان را می‌شکافد و به دنیا مخابره می‌شود. تظاهراتهای دومین سالگرد انقلاب در خارج کشور به داخل زندان‌های جمهوری اسلامی وصل می‌شود و کارگران و پرستاران و بازنشستگان و همهٔ بخش‌های معترض جامعه هم‌صدا می‌شوند. این یک تحول عظیم است.

آیرام پیلی می‌گوید در ایران چیزی عوض نشده. البته ایشان به سرکوب‌های حکومتی اشاره دارد. بله! جمهوری اسلامی همچنان سرکوب می‌کند و

هنوز رکورددار اعدام است. اما باوجود بگیر و ببندها دیدیم که علی‌رغم احضار فعالین در کردستان، باوجود سد کردن راه ورود به آرامستان آیچی در سقز و باوجود شرایط بسیار امنیتی در شهرهای کردستان، در دومین سالگرد کشته‌شدن مهسا، این نام و سمبل انقلاب، چگونه عموم مردم با اعتصابشان دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی را گرامی داشتند. این آن تغییر اساسی است که ما می‌بینیم و برایمان بسیار ارزشمند است. تغییری که امیدبخش آینده‌ای روشن و ایجاد جامعه‌ای انسانی، آزاد، شاد و بسیار رنگی است.

# یک تریلیون دلار، رؤیای میلیاردرها!

سینا پدرام

به گزارش خبرگزاری‌های مختلف با استناد به "آکادمی انفورما کانکت"، ایلان ماسک شاید یکی از اولین میلیاردرهایی باشد که تا دو یا سه سال آینده به مرز یک تریلیون دلار ثروت افسانه‌ای برسد.

یک تریلیون دلار چه مقدار ثروت است؟
این رقم برابر بودجه چندین و چند کشور آفریقایی و آسیایی با هم دیگر است. در دنیای امروز چه رفاهی را نمی‌توان برای میلیون‌ها کودک در کشورهای مختلف با یک تریلیون دلار در چشم بر هم‌زدنی

فراهم آورد؟ در دنیای امروز چه آرزوهایی نمی‌توان با این ثروت متحقق کرد. ثروت‌های افسانه‌ای آن روی سکه دوزخ‌های واقعی و زمینی است که میلیاردها انسان چشم به آن می‌گشایند.

داستان دنیای سرمایه‌داری، هر بار و در هر قرن "قهرمانان" جدیدی را رونمایی می‌کند؛ اما در جوهر و بطن خود تکرار همان داستان قدیمی است که ثروتمند ثروتمندتر می‌شود و فقیر، فقیرتر.

رابطه تولید سرمایه‌داری با فقر، بیماری‌ها، بی‌خانمانی، بیکاری، جنگ و حتی تغییرات اقلیمی را می‌توان نشان داد. می‌توان نشان داد که برای انباشت سرمایه در دست ۲۷۰۰ میلیاردر دنیا،

نیاز سرمایه به "نظم" و " آرامش" چگونه به عروج دیکتاتوری‌های کوچک و درشت در کشورهای موسوم به جهان سوم دامن می‌زند و چرا به این شکل از نظام‌های سیاسی نیاز دارند. می توان و باید نشان داد که ثروت ایلان ماسک، بیل گیتز، جف بزوس و صدها میلیاردر ریزودرشت با بهره‌مندی از کار ارزان کارگر چینی، هندی، بنگلادشی، ایرانی، اروپایی و غیره تأمین و تولید می‌شود.

راویان و تعبیرکنندگان "خواب‌های سرمایه‌داران" پیش‌بینی می کنند که روال دنیا همین خواهد بود. روالی روبه‌زوال. اما توده‌های مردم رؤیاهای دیگری در سر می‌پرورانند. رؤیای سعادت و رفاه.

استیون هاوکینز فیزیک‌دان انگلیسی پیش‌بینی کرد که تا هزار سال آینده انسان برای گریز از فجایع طبیعی در زمین باید آینده خود را در فضا و کره‌ای دیگر بسازد. اما سوسیالیسم، لغو تولید کالایی، توزیع عادلانه ثروت‌های تولید شده، لغو کار مزدی و برده‌داری مدرن گذرگاهی است که شاید بتواند آینده انسان بر روی زمین را استمرار ببخشد. باید ماند و دید.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۴۰

۲۱ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۳۱ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

انفجار پیجرها و جنگ تروریست‌ها

سؤال از حمید تقوایی

کارزار "من یک نفرم، یکی از بیشمار زنان شهر"

شهلا دانشفر

خامنه‌ای و نمایش ریاکاری عفو زندانیان

حسن صالحی

خشونت علیه کودکان در مراکز نگهداری بهزیستی

سیاوش آذری

# انفجار پیجرها و جنگ تروریست‌ها

## سؤال از حمید تقوایی

**کیوان جاوید: نظر شما درباره انفجار پیجرها چیست؟**

**حمید تقوائی: این انفجارها ادامه عملیاتهای تروریستی دولت اسرائیل در نوار غزه و کرانه باختری است. منفجرکردن پیجرها و بی‌سیم‌ها و واکی‌تاکی‌های مورداستفاده نیروهای حزب‌الله هر جا و هر اندازه به کشتار مردم غیرنظامی منجر شده است باید قاطعانه محکوم شود. ولی تلفات نیروهای حزب‌الله در اثر این انفجارها مورد اعتراض ما نیست. بهتر است تروریست‌ها با**

چنین تاکتیک‌های با یکدیگر بجنگند تا بمباران و توپ باران هوائی و زمینی نظیر تهاجم اسرائیل به نوار غزه که تا کنون ده‌ها هزار کشته از مردم غیرنظامی بجا گذاشته است و یا موشکباران شهرها توسط حزب‌الله. کشتار نیروهای تروریستی از یکدیگر مورد اعتراض ما نیست ولی کل جنگ تروریست‌ها بخاطر قربانیانی که از مردم بیگناه می‌گیرد محکوم است و باید فوراً متوقف بشود.

این را هم باید در نظر داشت که تاکتیک‌های نظیر انفجار وسائلی مثل پیجر و واکی‌تاکی که بوسیله مردم عادی نیز استفاده می‌شود بالقوه می‌تواند به جنایات جنگی دولت‌ها و نیروهای تروریست ابعاد وحشتناکی ببخشد. اگر دولتی می‌تواند این

وسائل را در دست افراد نظامی منفجر کند در صورتی که منافعش اقتضا کند این جنایت را به سطح کل جامعه  نیز بسط خواهد داد. همانطور که دولت‌های درگیر جنگ‌های صدسال اخیر، از جنگ اول جهانی تا جنگ جهانی دوم و تا جنگ ویتنام و جنگ خلیج و جنگ‌های متعدد دولت اسرائیل علیه فلسطینیان و غیره، از ریختن بمب‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای بر سر مردم غیرنظامی ابائی نداشته‌اند. از این نقطه‌نظر هر تکنولوژی تازه جنگی می‌تواند ابعاد تازه‌ای به جنایت جنگی ببخشد که باید در برابر آن هشیار بود و قاطعانه با کاربرد آن علیه مردم غیرنظامی مقابله کرد.

**کیوان جاوید: آیا این اتفاق خطر جنگ بین اسرائیل و حزب‌الله و جمهوری اسلامی را بیشتر نمی‌کند؟**

**حمید تقوائی: به نظر من هیچیک از نیروهای درگیر در جنگ تروریستی جاری در خاورمیانه خواهان گسترش آن به یک جنگ مستقیم و تمام‌عیار نیستند. البته دولت نتانیاهو خواهان ادامه تهاجم به غزه و کرانه باختری و ادامه فضا و تنش جنگی هست چون می‌داند قطع جنگ غزه به برکناری دولت او و به‌احتمال زیاد محکومیتش از جانب مردم و نیروهای اپوزیسیون در خود اسرائیل منجر خواهد شد. اما درعین‌حال خواهان گسترش جنگ و درگیری مستقیم با حزب‌الله و بطریق**

اولی جمهوری اسلامی نیست چون نمی‌خواهد و توانش را هم ندارد که در باتلاقی بمراتب عمیق‌تر از غزه گرفتار شود. برای دولت نتانیاهو مطلوبیت عملیاتهائی نظیر ترور هنیه و فرماندهان نظامی حماس و حزب‌الله و سفرای جمهوری اسلامی و دیگر عملیات مقطعی و موردی مثل همین انفجار پیجرها حفظ خود در قدرت است بی‌آنکه به جنگ ابعاد غیرقابل‌کنترلی بدهد. در سوی دیگر حزب‌الله نیز ترجیح می‌دهد به موشک پراکنی‌های پراکنده بسنده کند چون گسترش جنگ به لبنان به خشم و اعتراض مردم و حتی نیروهای حکومتی آن کشور دامن می‌زند و موقعیت حزب‌الله در مناسبات و فضای سیاسی لبنان را به خطر می‌اندازد. بعبارت دیگر حزب‌الله نیز مانند دولت

نتانیاهو بخاطر حفظ موقعیت خود خواهان گسترش جنگ نیست. آمریکا و دولت‌های غربی نیز که خواهان قطع فوری جنگ غزه هستند به‌طریق‌اولی با گسترش جنگ به درگیری مستقیم اسرائیل با حزب‌الله و با جمهوری اسلامی کاملاً مخالف‌اند. در این میان جمهوری اسلامی نیز که اساساً تحت‌فشار جنبش انقلاب زن زندگی آزادی در موقعیت بسیار ضعیف و شکننده‌ای قرار دارد، نه می‌خواهد و نه می‌تواند وارد درگیری مستقیم با دولت اسرائیل بشود. دقیقاً به همین دلیل جمهوری اسلامی در برخورد به ترور اسماعیل هنیه و قبل از آن به هلاکت رسیدن قاسم سلیمانی و ترور سایر فرماندهان سپاه با وجود اینکه مستقیماً به جمهوری اسلامی مربوط می‌شد عکس‌العمل

چندانی از خود نشان نداد. در مورد انفجار پیجرها نیز عکس‌العمل جمهوری اسلامی از خط و نشان کشیدن‌های توخالی فراتر نخواهد رفت. به همه این دلایل به نظر من درگیری مستقیم و جنگ تمام‌عیار اسرائیل با حزب‌الله و درگیری مستقیم با جمهوری اسلامی بسیار نامحتمل است.

**کیوان جاوید:** به نظر شما بالاخره در رابطه با جنگ جاری در خاورمیانه چه باید کرد؟

**حمیدتقوائی:** ما همانطور که بارها اعلام کرده‌ایم خواهان قطع فوری جنگ در غزه، آزادی گروگان‌ها، محکومیت نتانیاهو به جرم جنایت جنگی و کوتاه‌شدن دست حماس و حزب‌الله و

جمهوری اسلامی از زندگی مردم غزه و کرانه باختری هستیم. راه‌حل انسانی و مطلوب مسالهٔ فلسطین تشکیل و برسمیت شناختن دولت مستقل و متساوی‌الحقوق فلسطینی در مناطق اشغالی پس از جنگ ۶ روزه است (راه‌حل دو دولت). اما ین راه‌حل تا زمانی که دولت فاشیست اسرائیل و نیروهای تروریست اسلامی دو طرف این تقابل هستند ممکن نیست و جنگ و درگیری و نسل‌کشی در خاورمیانه ادامه خواهد داشت. باید این نیروها را از سر راه مردم کنار زد.

راه‌حل در دست مردم آزادیخواه در جهان و در منطقه است که علیه این نیروهای تروریست در اسرائیل و مناطق اشغالی و کشورهای اسلامزده

**در منطقه به میدان بیایند و به جنگ تروریست‌ها برای همیشه نقطه پایان بگذارند.**

**در این میان نقش مردم ایران که با جنبش شکوهمند زن زندگی آزادی جمهوری اسلامی را به سراشیب سقوط انداخته‌اند کاملاً تعیین‌کننده است. سقوط جمهوری اسلامی کل جنبش تروریستی اسلام سیاسی را در منطقه و در کل جهان کاملاً منزوی و بی‌اعتبار خواهد کرد و راه‌حل انسانی و عادلانه مساله فلسطین را هموار خواهد ساخت.**

# کارزار "من یک نفرم، یکی از بیشمار زنان شهر"

## شهلا دانشفر

همزمان با دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی کارزاری تحت عنوان "من یک نفرم، یکی از بیشمار زنان شهر" بازتاب گسترده‌ای یافته است. در این کارزار زنان از شهرهای مختلف تصاویر بی‌حجاب خود را در شبکه ایکس و در دیگر مدیای اجتماعی به اشتراک می‌گذارند. شکل نوینی از مبارزه در ادامه جنگی بی‌امان علیه حجاب و کل بساط آپارتاید جنسی حکومت که پیام روشنش به جمهوری اسلامی اعلام فتح کامل خاکریز حجاب در تداوم انقلاب زن زندگی آزادی است.

اقدامی رزمنده و یادآور روزهای تاریخی آغازین فوران انقلاب زن زندگی آزادی بدنبال درگذشت مهسا امینی (ژینا) این نماد انقلاب که بخاطر حجاب بدست جانیان اسلامی به قتل رسید. روزهایی فراموش نشدنی که در آن زنان در حلقه حمایت مردمی حجاب آتش زدند و با فریاد زن زندگی آزادی انقلابی زنانه را رقم زدند. همان فریادی که همین روزها در دومین سالگرد انقلاب از بند زنان اوین بلند شد و زندانیان شجاع با آتش زدن حجاب‌ها سرود آزادیخواهی سر دادند.

کارزار "من یک نفرم، یکی از بیشمار زنان شهر" با استقبال وسیعی روبرو شده و بسرعت بر شمار

شرکت‌کنندگانش افزوده می‌شود و این نشانی دیگر از عزم راسخ مردم برای تداوم انقلاب تا پیروزی است.

جمهوری اسلامی تلاش بسیاری کرد تا خاکریز فتح شده حجاب، این دستاورد مهم انقلاب نوین را بازپس بگیرد. آرمیتا گراوند نیز نوجوان شجاعی بود که قربانی این جنگ نابرابر شد. جنگ حکومت با زنان بر سر حجاب جنگی علیه کل جامعه است و مردم در برابر آن ایستاده‌اند. از جمله بازنشستگان با شعار "حجاب - حجاب شعارشون دزدی و غارت کارشون" در دفاع از زنان و علیه آپارتاید جنسیتی برخاستند و پاسخ محکمی به سرکوبگری‌های حکومت دادند.

این‌چنین است که جنگی بی‌امان بر سر حجاب و علیه کل بساط آپارتاید جنسیتی حاکم در جامعه جاریست که بطور واقعی بازنده‌اش جمهوری اسلامی است. تا جاییکه از سوی نهادهای بین المللی آپارتاید جنسیتی جنایت علیه بشریت نام گرفت. فضا و چهره خیابان‌ها با کارزار "من یک نفرم، یکی از بیشمار زنان شهر"، با حضور زنان بی‌حجاب بیشتر دگرگون می‌شود و نشانه ایستادگی جانانه مردم در برابر حکومت اسلامی است. پیوستن وسیع‌تر و گسترده‌تر به کارزار "من یک نفرم، یکی از بیشمار زنان شهر" قدمی مهم در تقویت انقلاب زن زندگی آزادی است.

# خامنه‌ای و نمایش ریاکاری عفو زندانیان

## حسن صالحی

خبرگزاری میزان وابسته به قوه قضائیه جمهوری اسلامی خبر از موافقت خامنه‌ای با عفو و یا تخفیف مجازات ۲ هزار و ۸۸۷ زندانی را داده است. از میان این تعداد ۵۹ نفر حکم قطعی اعدام داشته‌اند که این احکام با یک درجه تخفیف به حبس تغییر کرده‌اند. گفته شده است که در میان "عفوشدگان" تعداد ۳۹ "محکوم امنیتی" هم وجود دارد که این اصطلاحی است که معمولاً جمهوری اسلامی برای زندانیان سیاسی بکار می گیرد.

ابن "بخشش اسلامی" در حالیکه در ایران بیگناهان در زندان هستند و این رژیم هر ۷ الی ۸ ساعت یک نفر را اعدام می‌کند و حتی در بسیاری موارد زندانیان را از مرخصی درمانی محروم کرده است، اقدامی ریاکارانه و فقط پروپاگاندا است. طبعاً نجات‌یافتن هر زندانی از اعدام و یا حبس طولانی‌مدت خوشحال‌کننده است، ولی تا زمانی که این رژیم بر سر کار است اعدام و بی‌عدالتی قضایی نیز پابرجاست. واقعیت این است که اعدام‌ها و رفتار خشونت‌آمیز با زندانیان با اعتراضات وسیع داخلی و جهانی روبروست و رژیم می‌کوشد با راه‌اندازی نمایشات به‌اصطلاح عفو و بخشش اذهان عمومی را منحرف کند.

مسئله اصلی برای ما پایان‌دادن به چرخه خشونت و سرکوب حکومتی است. مسئله ما این است که اساساً مجازات اعدام باید ممنوع شود، نه اینکه فقط تعدادی با "عفو" این یا آن دیکتاتور از اعدام نجات یابند. مسئله ما آزادی فوری و بدون قیدوشرط کلیه زندانیان سیاسی و همه معترضین دستگیر شده است. مسئله ما این است که زندانیان سیاسی جرمی مرتکب نشده اند که حالا باید مورد "بخشش" قرار گیرند. مسئله به رسمیت شناختن حق بنیادی شهروندان در بیان نظرات و اعتقادات خود، برپایی تجمع و اعتراض برای گرفتن حق خود و ایجاد تشکل و حزب و غیره است. مسئله ما پایان‌دادن به مجازات‌های انتقامگیرانه و به‌اصطلاح عبرت آموزانه و برخورد

انسانی با مجرمین با هدف اصلاح آنها و مصون داشتن جامعه از وقوع مجدد جرم است.

جمهوری اسلامی دشمن انسان و هرگونه ارزش‌های انسانی است. ما می‌خواهیم این حکومت جانی و ضدانسانی سرنگون شود. سرنگونی جمهوری اسلامی اولین قدم در پایان‌دادن به جنایت و سرکوب سازمانیافته دولتی در ایران و استقرار یک نظام قضایی انسانی و عادلانه است.

# خشونت علیه کودکان در مراکز نگهداری بهزیستی

سیاوش آذری

بنا بر ویدئویی که در رسانه‌های اجتماعی انتشاریافته، یک کودک کار در مرکز نگهداری از کودکان کار در ماهدشت کرج مورد ضرب و شتم شدید مسئولین این مرکز قرار گرفته است. در واکنش به بازتاب این خبر سازمان بهزیستی از تعطیلی موقت این مرکز و بازداشت دو تن از مسئولان آن خبر داد.

ضرب و شتم کودکان و کودک‌آزاری در مراکز نگهداری زیر نظر بهزیستی رژیم اسلامی و یا تعرض و تجاوز و ضرب و شتم معلولان در چنین

مراکزی امری نهادینه است. این امر بیش از هر چیز نتیجه اعمال خشونت سیستماتیک علیه آنان از طریق تحمیل فقر و فلاکت دائم بر آنها و حاصل بلافصل نگرش ضدانسانی حکومت الله به کودکان به‌مثابه مایملک و اشیای مرد، خانواده و یا دولت است. تعرض به حقوق کودکان و اعمال خشونت بر آنان در مراکز نگهداری امتداد تعرض و اعمال خشونت بر آنان در کوچه و خیابان است.

کودکان بدلیل عدم توانایی در دفاع از خود و حقوقشان آسیب پذیرترین بخش جامعه را تشکیل می‌دهند. دفاع از کودکان و دیگر بخش‌های آسیب‌پذیر جامعه و حقوق آنان از جمله وظایف فوری سازمان‌ها و نهادهای دفاع

از حقوق انسان‌هاست. فعالان و سازمان‌ها و نهادهای دفاع از حقوق کودک باید پرچم مطالبه تأمین شرایط یک زندگی در شأن انسان برای تمامی کودکان را در همه کمپینها و اعتراضات بالا ببرند. جامعه و دولت موظف هستند برای کودکان مسکن و خوراک مناسب، دسترسی به آموزش رایگان با کیفیت بالا و شرایط تحقق یک زندگی مرفه و شاد را فراهم کنند. دولت باید از کودکان در برابر هر نوع سوءاستفاده توسط سازمان‌های جنایی و هرگونه تخطی علیه حقوق آنان محافظت کند. کار کودکان باید ممنوع اعلام شود و بکار گماردن کودکان عملی جنایی تلقی گردد.

**توازن قوای کنونی در جامعه میان مردم و رژیم تحمیل چنین مطالباتی به حکومت را امکانپذیر ساخته است. پیوندزدن مبارزات برای دفاع از حقوق کودکان با دیگر جنبش‌های اجتماعی و اعتراضات دیگر اقشار جامعه مانند جنبش دفاع از حقوق معلولین، زنان و اعتراضات بازنشستگان، معلمان، پرستاران و کارگران از جمله راه‌های عملی در راستای تحقق این مطالبات و اقدامی در جهت اعتلای انقلاب و تسریع سرنگونی رژیم اسلامی است.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۴۱

۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۱ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

**کشتار کارگران در معدن زغال‌سنگ طبس**

حسن صالحی

**ترک تحصیل برای نان شب**

کیوان جاوید

**سفر پزشکیان به نیویورک، تکرار بیهوده**

سینا پدرام

**۵۰۰ میلیون دلار فقط برای خرید خانه**

پتی دبونیتاس

**حزب الله در دام مرگ**

سوال از محسن ابراهیمی

# کشتار کارگران در معدن زغال‌سنگ طبس

## حسن صالحی

آنچه که شامگاه روز شنبه ۳۱ شهریور در معدن زغال‌سنگ طبس اتفاق افتاده است یک جنایت هولناک و قتل عامدانه کارگران است. حدود ۵۰ نفر از کارگران این معدن که با دستمزدی بخورونمیر کار می‌کردند به دلیل بی‌توجهی کارفرما و در نبود سیستم تهویه در معدن کشتار شدند. نسرین هزاره مقدم در گزارشی در این باره نوشته است که: "تهویه‌مطبوع در کار نبوده، بازهم گازسنجی انجام نگرفته و شاهدان عینی می‌گویند تجهیزات این معدن خصوصی که همه خارجی و وارداتی هستند، کهنه و فرسوده بوده‌اند

و حتماً بازرسان به این معدن خصوصی سر نزده‌اند که چنین حادثه‌ای با این ابعاد هولناک ناگهان ازراه‌رسیده است.“

مسئله بر سر خصوصی‌بودن این معدن نیست. کل اقتصاد ایران بر همین پایه استوار است و در این اقتصاد چه در مراکز دولتی و چه در مراکز خصوصی محیط کار به قتلگاه کارگران تبدیل شده است. حتی همان موازینی که بر روی کاغذ نوشته شده است هم رعایت نمی‌شود.

طبس و خراسان و ایران داغدار است. به‌خاطر کارگرانی که این‌چنین به دلیل قصور سرمایه‌داران در تأمین ایمنی محیط کارکشته شدند. به‌خاطر

کسانی که رنج زحمت خود را با تحمل مشقت و کار سخت در اعماق زمین می‌خوردند. این مرگ و یا بهتر بگوییم قتل دسته‌جمعی کارگران نباید بی‌جواب بماند. ضمن ابراز همبستگی با خانواده و بستگان کارگران کشته شده، بیایید که همه کسانی را که در کشتار کارگران در محیط‌های کار نقش دارند مورد بازخواست جدی قرار دهیم. نوشدارو بعد از مرگ سهراب فایده ندارد. این فاجعه هولناک می‌توانست اتفاق نیفتد اگر دولت و کارفرمایان به فکر کارگران می‌بودند. اگر فقط به فکر سود و سود ورزی نمی‌بودند. شرایط ایمنی محیط کار در ایران باید از بیخ‌وبن تغییر کند. کارفرمایان موظف‌اند که تجهیزات پیشرفته و اقدامات ضروری لازم را برای تأمین

ایمنی محیط‌های کار به کار گیرند. تخلف از این امر باید جرم جنایی تلقی شود. کارگران و مجامع عمومی آنها باید نظارت کامل بر شرایط ایمنی کار داشته باشند. اگر ما به فکر هم نباشیم جنایتی که در معدن طبس اتفاق افتاد دوباره و چندین‌باره تکرار خواهد شد. ضجه‌های همکاران و خانواده‌های کارگران جان‌باخته از طبس بلند است. آنها را به خشم و اعتراض برای تغییر این وضع تبدیل کنیم.

# ترک تحصیل برای نان شب

## کیوان جاوید

روزنامه شرق روز یکشنبه اول مهرماه طی گزارشی نوشته است که: "یک میلیون و ششصد هزار نفر از تحصیل بازمانده‌اند. ترک تحصیل گسترده در بین دانش‌آموزان مخصوصاً پسران به دلایل معیشتی و تهیه نان شب است."

کودکان کار و نوجوانان بی‌آینده ابزار دست سودجویان بی‌عاطفه‌ای هستند که تنها به پول می‌اندیشند تا اینکه به برکت این دست‌های کوچک سودهای سرشاری به جیب بزنند. این سودجویان حریص و عاری از وجدان بشری البته

در جنگلی که حکومت ساخته است می‌تازند و شکار می‌کنند و می‌درند و ارتزاق می‌کنند.

این جنگل اسلامی به‌زور اسلحه و زندان و اعدام پاسداری می‌شود تا بنیادش در آتش خشم عمومی و انقلاب اجتماعی به خاکستر تبدیل نشود. در ایران قانون گذاران و مجریان قانون به همین امروز فکر می‌کنند که چگونه می‌شود سریع‌تر، بیشتر و کم درد سرتر از هر منفذ جامعه سودی به جیب زد و حجم دزدی و غارت را افزایش داد. چه کسی در این آشفته‌بازار حکومت سرمایه‌داران اسلامی به فکر کودکان و تحصیل و آینده مردم است و چرا باید باشد؟ کودک در این سیستم، بشر نیست همانطور که زن انسان محسوب نمی‌شود،

همانطور که شهروند معنی ندارد. اینجا اینها برای غارت آمده‌اند. آفت‌هایی که به گندمزار زندگی چسبیده‌اند.

این تعرض به کودکان و نوجوانان بازمانده از تحصیل را نباید و نمی‌شود بی‌جواب گذاشت. معلمین و خانواده‌ها اولین لشکریان این نبرد در دفاع از حق تحصیل دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل هستند. همه ما مردم در ایران حق داریم و باید به این حجم عظیم دست‌درازی به امروز و فردای این دانش‌آموزان اعتراض کنیم. ما بسیاریم و حکومتیان اندک. آنها نه پشتوانه مردمی دارند نه قدرت فریب برایشان باقی‌مانده است و به این خاطر ما در موضع قدرتیم. ما به

این بسنده نمی‌کنیم و درعین‌حال که اعتراضمان به ترک تحصیل میلیونی دانش‌آموزان است، ما مطالبه‌گر تحصیل رایگان و تأمین مطالبات رفاهی در مدارس برای دانش‌آموزان هستیم. ما در ایران این ثروت و امکان را داریم تا دانش‌آموزان از باکیفیت‌ترین امکانات تحصیلی در جهان برخوردار باشند. برای به‌دست‌آوردن آن تلاش جمعی کنیم. گذاریم دانش‌آموزان برای تأمین نان شب از تحصیل و زندگی باز بمانند.

# سفر پزشکیان به نیویورک، تکرار بیهوده

## سینا پدرام

روز اول مهر پزشکیان برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل وارد نیویورک می‌شود. رویترز به نقل از "سه مقام آگاه ایرانی" نوشته است که: "پزشکیان در جریان سفر خود برای شرکت در مجمع‌عمومی سازمان ملل متحد این پیام را به غرب خواهد داد که "تهران نسبت به دیپلماسی روی گشاده‌ای دارد."

در تاریخ رژیم اسلامی هیچ‌چیزی تکرار نمی‌شود. بلکه از یک مضحکه به مضحکه دیگری تبدیل می‌شود. حتی رسانه‌های داخلی رژیم اسلامی نیز

خبر را جدی نگرفته‌اند. خبرگزاری موج دیروز نوشت: "همان‌طور که سفرهای قبلی رؤسای جمهوری به نیویورک قرار نبوده دستاورد شگرفی در عرصه سیاست خارجی کشور داشته باشد، این سفر هم از همان جنس است."

کلمات انتخاب شده برای توصیف این سفر سیاسی پزشکیان نیز مانند سابق است. "اختیارات محدود پزشکیان"، "مذاکره از موضع قدرت و نه از روی فشار غرب"، "بن‌بست تنش‌آمیز با غرب و مذاکرات هسته‌ای"، "مکانیسم ماشه" همه‌وهمه تکرار مکررات است.

دوباره و یا چندباره زنده کردن لاشه برجام و

بزرگ‌نمایی آن کار هر ساله دولت‌های رژیم اسلامی از روحانی تا پزشکیان در خدمت هیچ وظیفه تعریف شده‌ای نیست. مذاکره با "غرب" نه در دوره ظریف قرار بود به فرجام خاصی برسد و نه در دوره عباس عراقچی "معمار اصلی" برجام و وزیر امور خارجه فعلی. در ۱۰ سال گذشته، سنگ روی سنگ سیاست منطقه‌ای و جهانی باقی نمانده است اما رژیم اسلامی همچنان با مردگان سیاسی خود به میدان می‌آید.

از سوی دیگر، تکرار همان دیپلماسی از جانب غرب نیز هیچ‌چیز جدیدی برای گفتن ندارد. چرخاندن "خطر ترامپ" و کشاندن به میز مذاکره نیز خاصیتی ندارد. دول غربی همواره مماشات را

به عمل مستقیم ترجیح داده و می‌دهند.

اگر انقلاب زن زندگی آزادی نبود، اگر انقلاب به‌عنوان عامل اصلی تحرکات سیاسی در ایران جایی نداشت، اگر مطالبات سیاسی و رفاهی مردم به شکل روشنی تدوین نشده بود، اگر "چپ" سیاست را در ایران به "راست" واگذار کرده بود، اگر می‌شد با فرمان و از بالای سر مردم "سیمای سیاسی" را در ایران شکل بخشید، شاید و آن هم فقط شاید برجام می‌توانست سرانجامی داشته باشد. واقعیت سیاسی ایران و آینده رژیم با هر نوع برجامی را از ورای این "اگرها" نمی‌توان تحلیل کرد.

# ۵۰۰ میلیون دلار فقط برای خرید خانه

## پتی دبونیتاس

نتایج یک گزارش تحقیقی نشان می‌دهد که سیف‌الزمان چودهری وزیر پیشین در دولت شیخ حسینه در بنگلادش بیش از ۵۰۰ میلیون دلار برای خرید املاک و مستغلات لوکس در لندن، دبی و نیویورک هزینه کرده است. این وزیر ۵۵ساله از سال ۲۰۱۶ تنها در بریتانیا، ۳۶۰ خانه خریده است.

داستان زندگی مردم بنگلادش واقعاً اسفناک است. زندگی در فقر مطلق و کشورِ کارخانجات صنایع پوشاک که کارگرانش با کمترین دستمزد عملاً از زندگی‌کردن محروم شده‌اند. کشور دزدان در

حاکمیت و کشور حضور نظامیان در همه عرصه‌های زندگی مردم. اینجا فقط بهشت سرمایه‌داران وطنی نیست این کشور برای کمپانی‌های زنجیره‌ای جهان یک موهبت اللهی است و کارگرانی که در کارخانه‌ها جان می کنند در حد بی‌ارزش‌ترین ابزارهای تولید هستند.

همین دو ماه پیش بود که شورش گرسنگان باعث شد نخست‌وزیر بنگلادش، شیخ حسینه از قدرت به زیر کشیده شود و به هند فرار کند تا در آن کشور جدید با حجم عظیم غارتش به‌خوبی و خوشی روزگار بگذراند و آنها که بر سر کار مانده‌اند چیزی جز ادامه راه قبلی‌ها نیستند.

و این وضعیت تنها محدود به بنگلادش نیست. در آن‌سوی این دنیای رویایی و شیرین سرمایه‌داران، همین امروز با خبر مرگ ۵۰ کارگر در معدن زغال‌سنگ در طبس بیدار شدیم؛ در بریتانیا سوبسید گاز بازنشستگان را برای "مقابله با بحران" و "کسری بودجه" قطع و هزینه بیمه‌های درمانی را محدودتر می کنند. در کشورهای دیگر هم داستان این فیلم از روی یک سناریو بازنویسی می‌شود.

هالیوود و بالیوود و دیگر مراکز فیلم سازی برای نمایش فیلم های جنگی دیگر نیازی به نقش بدل ندارند، این جنگ ها با بازیگران حقیقتی در همین دنیا به ترسناکترین وجه ممکن هر روزه بر پرده زندگی ظاهر می شوند. بمباران و موشکباران

کودکان و مردم بی‌دفاع در غزه و عملیات ترسناک تروریست‌های اسلامی در منطقه خاورمیانه و جنگ‌های ویرانگر در آفریقا از این نمونه اند. فقر و عذاب در همه‌جا و از جمله بستن شدید کمربندها در همین اروپا، این آخرین سنگر سرمایه‌داری با ژست چهره مهربان، حقیقت محض جهان ما است.

دنیا حقیقتاً نیازمند سوسیالیسمی است که انسان را به انسانیت خود باز گرداند تا همه دارایی‌های جهان به همه مردم تعلق بگیرد. در غیر این صورت این بربریت مدرن، ما را به آخرین طبقه در قعر جهنم می‌برد.

# حزب الله در دام مرگ

## سوال از محسن ابراهیمی

در ادامه کشتن سران حزب‌الله در لبنان ارتش اسرائیل می گوید در حمله روز جمعه ۳۰ شهریور، ۲۰ سپتامبر ۱۶ مقام و فرمانده ارشد حزب‌الله نیز در میان کشته‌شدگان هستند. پیش‌تر حزب‌الله از کشته‌شدن ابراهیم عقیل از فرماندهان ارشد حزب‌الله و احمد وهبی، از فرماندهان گردان رضوان در این حمله خبر داده بود. در همین رابطه موقعیت حزب‌الله و جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

**کیوان جاوید:** آیا دروشدن فرماندهان حزب‌الله

**فقط به قدرت اطلاعاتی و نفوذ اسرائیل مربوط است یا بیانگر موقعیت جمهوری اسلامی در ایران و لبنان هم می‌شود؟**

**محسن ابراهیمی: هنوز سران جمهوری اسلامی در باره انتقام سخت از قتل اسماعیل هنیه در تهران، قتل فرماندهان و شخصیت‌های کلیدی امنیتی، نظامی و لجستیکی نظام اسلامی و حزب‌الله در سوریه و لبنان لاف توخالی می‌زنند که انفجار همزمان قریب سه هزار پیجر متعلق به نیروهای حزب‌الله در سراسر لبنان، و با فاصله‌ای کوتاه حمله هوایی به تجمع فرماندهان "یگان رضوان" حزب‌الله و کشتار تعداد زیادی از فرماندهان این یگان اتفاق افتاد. اینها بی‌تردید حاکی از نفوذ**

و اشراف اطلاعاتی گسترده موساد در ساختار امنیتی جمهوری اسلامی و حزب‌الله است.

این اشراف اطلاعاتی صرفاً محصول برتری تکنیکی دولت اسرائیل در مقابل جمهوری اسلامی و حزب الله نیست. فاکتورهای عمیق‌تر سیاسی دخیل هستند که مهم‌ترینش موقعیت بحرانی و متزلزل جمهوری اسلامی در ایران و به‌تبع آن موقعیت متزلزل حزب‌الله در لبنان است.

دولت اسرائیل با دشمنی طرف است که نه‌تنها در میان مردم منفور است، بلکه از طرف همان مردم با چالش سیاسی در ابعاد انقلابی مثل "انقلاب زن زندگی آزادی" مواجه است. مردم

لبنان هم که خاطره دردناکی از کشمکش‌های فرقه‌ای نیروهای اسلامی و مسیحی دارند، از نقش حزب‌الله در کشاندن کشور به قعر یک نابودی جدید در جهت سیاست‌های جمهوری اسلامی بشدت نگران و با آن مخالف هستند.

حکومت اسلامی و به‌تبع آن حزب‌الله ضربه‌پذیر هستند چون - مخصوصاً رژیم اسلامی در ایران - در میان مردم زیر ضرب است و در میان مردم جایی ندارد. همه می‌دانند که در مقابل عربده‌های مرگ بر آمریکا و اسرائیل در مراسم فرمایشی حکومتی، مردم هرجا فرصتی گیر میاورند شعار می‌دهند

"دشمن ما همین جاست، دروغ میگند آمریکاست"!

تزلزل ایدئولوژیک - سیاسی در میان حتی رده‌های بالای نظامی - امنیتی حکومت اسلامی را هم به این اضافه کنید. فساد در همه سلول‌های جمهوری اسلامی لانه کرده است. مدت‌هاست که حتی در میان سرداران سپاه، "مرگ بر آمریکا و اسرائیل" تبدیل به پوششی سیاسی برای قاچاق و چپاول تبدیل شده است. مخصوصاً بعد از انقلاب "زن زندگی آزادی" که حکومت اسلامی را به لبه پرتگاه سرنگونی راند، حتی در میان سرداران سپاه هم نجات ثروتشان در مقابل نجات نظام اولویت پیدا کرده است. قدرت و نفوذ اطلاعاتی اسرائیل اساساً به وضعیت متزلزل حکومت اسلامی مربوط است که مردم علیهش به‌پاخاسته‌اند.

**کیوان جاوید:** در این اوضاع بحرانی که رژیم در داخل ایران گرفتار آن است چگونه می‌شود عرصه را بر رژیم تنگ‌تر کرد؟

**محسن ابراهیمی:** جامعه ایران مدت‌هاست در آستانه یک تحول عمیق سیاسی قرار دارد. کمتر کشوری در جهان هست که در فاصله کوتاهی چهار خیزش بزرگ با شعار مرگ بر رهبر سیاسی و ایدئولوژیک آن و باهدف روشن سرنگونی رخ دهد. جدا از خیزش‌های سال ۸۸ و دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸، انقلاب "زن زندگی آزادی" دیگر جای تردیدی حتی برای سران حکومت هم باقی نگذاشته است که نبرد آخر در قالب یک انقلاب

تمام‌عیار آغاز شده است.

جوش‌وخروش در همه بخش‌های جامعه معترض برای هر چه باشکوه‌تر برگزارکردن دومین سالگرد انقلاب "زن زندگی آزادی" معلوم کرد که بازیگران آن انقلاب عزم دارند سرنگونی حکومت اسلامی را به سرانجام برسانند. واکنش هیستریک و نگران حکومت در آستانه دومین سالگرد انقلاب هم به‌اندازه کافی گویا بود. حکومتی که به تمام دنیا شاخ‌وشانه می‌کشد، تمام نیروهای امنیتی و اطلاعاتی و سپاه و یگان‌های ویژه و نیروهای انتظامی‌اش را بسیج کرد تا سالگرد انقلاب مردم به روز نابودیش تبدل نشود.

یک وجه مهم اتفاقات دومین سالگرد انقلاب این بود که همه نیروهای معترض علیه نظام اسلامی، زنان، جوانان، دانشجویان، کارگران، بازنشستگان، کشاورزان، دادخواهان، تشکل‌های متنوع کارگری و مدنی و زندانیان زیر احکام سنگین از جمله احکام اعدام، همه و همه یکپارچه با بیانیه‌های متعدد، با بیانیه‌های مشترک، با اعتصاب و اعتراض اعلام کردند علیه نظام فقر و فساد "ما همه با هم هستیم"!

هر چقدر فعالین و پیشروان و نیروهای فعال این اعتراضات حق‌طلبانه با خواسته‌های پیشرو و مدرن و انسانی متحدتر و هماهنگ‌تر و سراسری‌تر به مصاف حکومت اسلامی بروند، نه‌تنها عرصه بر

رژیم تنگ‌تر خواهد شد، بلکه توازن قوا به نفع جنبش عظیم سرنگونی حکومت، شرایط برای زدن آخرین ضربه به حکومت اسلامی و به فرجام پیروز رساندن انقلاب "زن زندگی آزادی" فراهم‌تر خواهد شد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۴۲

۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۲ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

**مرگ برادرانمان در معدن زغال‌سنگ معدنجو**

**کیوان جاوید**

**گوهر عشقی با ارده‌ای آهنین**

**بابک یزدی**

**هانیه توسلی مُهر باطل بر حجاب زد**

**سیما بهاری**

**”کشف“ خیالی شبکه مرتبط با اسرائیل**

**شهاب بهرامی**

# مرگ برادرانمان در معدن زغال‌سنگ معدنجو

## کیوان جاوید

**حوالی ساعت ۹ شنبه ۳۱ شهریور، انفجار بزرگی در دو تونل معدن زغال‌سنگ معدنجو در طبس رخ داد و جان بیش از ۵۲ نفر از فرزندانمان، برادرانمان و نان‌آوران خانه‌های فقیرانه ما را گرفت.**

این روزها ویدئویی منتشر شده است که قلب هر انسان شریفی را بدرد می‌آورد و آتش به جانش می‌زند. ویدئوی تلخی که محمدجواد قاسمی یکی از جان‌باختگان معدن طبس قبلاً منتشر کرده بود. محمد – این استثمار شده به دست سرمایه‌داران بی‌رحم – می‌گوید: ما با هم فرق می‌کنیم"... آره ما با هم فرق می‌کنیم. و به‌راستی هزار بار باید فریاد برآورد که ما با هم فرق می‌کنیم. ما کارگران که جهان را آباد می‌کنیم، غذا برای مردم تولید می‌کنیم. جاده‌ها را می‌سازیم و کوه‌ها را صاف می‌کنیم و بر دره‌ها پل می‌زنیم و طلا از دل معدن بیرون می‌کشیم و نفت و گاز و زغال‌سنگ را از اعماق زمین استخراج می کنیم تا به خانه همه گرما بدهد و زندگی را آسان کند. آری ما با آن طبقه

جانی و مفت‌خور و استثمارگرِ قاتل فرق می‌کنیم.

این جنایت محصول مشترک حکومت و کارفرما است. به همین دلیل است که معادن در ایران، معادن مرگ نام‌گرفته‌اند. در حوادث مشابه آنچه که در معدن زغال‌سنگ طبس روی داده است، گزارش‌ها همواره از اطلاع قبلی وقوع چنین خطراتی و عدم توجه صاحبان جنایتکار معدن و سکوت وزارت کار و مقامات مسئول بوده است. تنها بعد از وقوع جنایت است که سروکله جنایتکاری از دولت پیدا می‌شود و وعده رسیدگی می‌دهد.

رژیم اسلامی سرمایه‌داران قاتل نمی‌خواهد این قتل‌عام عامدانه‌ای که در معدن زغال‌سنگ

معدنجو به وقوع پیوست است را مورد رسیدگی قرار بدهد. آنها مثل همیشه می‌خواهند خانواده‌های جان‌باختگان این جنایت سازمان‌یافته را هم سر بدوانند و از زیر بار این جنایت شانه خالی کنند. صدای دادخواهی خانواده‌های این معدنچیان جان‌باخته باشیم. به یاد این عزیزان جان‌باخته مراسم‌های یادبود برپا کنیم و شمع روشن کنیم و مطالبات انسانی و شرایط امن کار را بر حکومت ضد کارگری جمهوری اسلامی با مبارزه متشکل و سازمان‌یافته تحمیل کنیم. خانواده‌های این قربانیان استثمار سرمایه‌داران اسلامی را تنها نگذاریم.

# گوهر عشقی با اراده‌ای آهنین

## بابک یزدی

گوهر عشقی، مادر مبارزِ زنده‌یاد ستار بهشتی در حمایت از دایه مینا سلطانی مادر جاوید نام، شهریار محمدی اعلام اعتصاب غذا در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران کرده است. دایه مینا هم اکنون که در اطلاعات ارومیه در بازداشت بسر می‌برد نیز در اعتراض به دستگیری خود دست به اعتصاب غذا زده است.

گوهر عشقی عزیز – این عشق همه مبارزین راه آزادی و برابری – برای آزادی دایه مینا و دادخواهان زندانی و همه زندانیان سیاسی و

**در اعتراض به احکام اعدام شریفه محمدی و پخشان عزیزی روز دوشنبه دوم مهر را برای این اعتصاب غذا در مقابل دفتر در نظر گرفته است. این تهدید به اعتصاب وسیعاً در مدیای اجتماعی بازتاب یافته و باعث وحشت رژیم از این حرکت اعتراضی شده است.**

**در تورنتو نیز میلاد محمدی- برادر جان‌باخته شهریار محمدی و پسر دایه مینا – همراه با دوستان در حمایت از گوهر عشقی و برای آزادی مادرش و همه زندانیان سیاسی دست به تحصن زده‌اند. میلاد و دوستان ۲۴ ساعته در "میدان مل لسمن" این تحصن را ادامه می‌دهند.**

**نیروهای امنیتی رژیم اسلامی در وحشت از این اقدام سیاسی مهم، شب گذشته- یکشنبه ۱ مهر - خانه گوهر عشقی را به محاصره درآورده‌اند و روز دوشنبه نیز با اعمال کنترل و فشار از خروج این "گوهر بی‌همتا" از شهرستان رباط کریم جلوگیری کردند.**

**گوهر عشقی یک نفر نیست، یک انقلاب است؛ یک خشم عمومی و یک جنبش برای رهایی است. وحشت رژیم اسلامی هم تنها از یک فرد نیست. این رژیم در چهره و عمل گوهر عشقی جوانان و نوجوانان بسیاری را می‌بیند که از گوهر الهام و نیرو می‌گیرند و در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی مصمم‌تر می‌شوند. زنان آزادیخواه با فریاد**

آزادیخواهیِ این اسطوره مقاومت با عزم بیشتری بی‌حجابی را عمومی‌تر می‌کنند و مردم خواب از چشمان هراسیده جمهوری اسلامی می‌ربایند. در ایران عمل فردی افراد به دریایی از اعتراض وصل می‌شود و رژیم را در موج‌های بلند خود غرق می‌کند.

ضمن حمایت گسترده‌تر از گوهر عشقی عزیز، مبارزه فردی و جمعی را تکثیر کنیم. این راه مبارزه با جمهوری اسلامی است.

# هانیه توسلی مُهر باطل بر حجاب زد

## سیما بهاری

وکیل هانیه توسلی، بازیگر سرشناس تئاتر و سینما و از حامیان اعتراضات سراسری سال ۱۴۰۱، اعلام کرد موکلش بدون اینکه حکمی مبنی بر ممنوعیت از کار داشته باشد، همچنان با ممانعت از بازیگری مواجه است.

انقلاب زن زندگی آزادی چهرهٔ خیلی چیزها را تغییر داده است. هنرمندان زن که دیگر زیر بار حجاب اجباری نمی‌روند یکی از آن تغییرات اساسی هستند. تک‌تک سلول‌های چهرهٔ زیبای هانیه توسلی فریاد می‌زنند که در تضاد با قوانین

کپک‌زده و عهد حجری پیغمبر اسلام و خط و نشان کشیدن‌های حکومت اسلامی است. او مانند بیشمار زنان و مردان مدافع انقلاب، می‌خواهد زندگی آزادانه و قرن بیست و یکمی داشته باشد. یک زن جسور و مدرن، یکی از آن هزاران زن که در برابر حکومت ایستاده، از انقلاب زن زندگی آزادی دفاع کرده و دیگر قوانین پُر از تبعیض و سانسور حکومت را نمی‌پذیرد. خودش می گوید بعد انقلاب زن زندگی آزادی دیگر دستش به کار نمی‌رود. زیرا دیگر نمی‌خواهد تحت سانسور حاکم بر سینما کار و فعالیت کند.

از شروع انقلاب تا کنون بسیاری از هنرمندان را ممنوع‌الکار و دستگیر کرده‌اند و برایشان پرونده

تشکیل داده‌اند و هر روز برایشان احکام سنگین و جدیدی رو می‌کنند. هنرمندان هم مثل دیگر بخش‌های مردم کوتاه نمی‌آیند. مزهٔ آزادی انتخاب را چشیده‌اند و دیگر به عقب باز نمی‌گردند. خیلی از آنها از درون زندان هم دارند هنرشان را به بیرون ارائه می‌دهند و مردم با عشق و علاقه آنها را دنبال می‌کنند.

هانیه توسلی را مردم به‌خاطر ایستادگی‌اش مقابل حکومت و برای همراهی‌اش با انقلاب زن زندگی آزادی دوست دارند. حکومت به او اجازه نمی‌دهد که جلو دوربین برود. این رژیم مانع هر گونه زیبایی، مدرنیسم، انتخاب و آزادگی است. برای اینکه انسان‌ها بتوانند هنرشان را عرضه

کنند، برای آنکه بتوانند آزادانه خودشان را بیان کنند، برای آنکه معنای خوشبختی را زندگی کنند، باید از انقلابمان دفاع کنیم و برای پیشبرد و به سرانجام رساندن آن صفوفمان را فشرده‌تر و منسجم‌تر بسازیم. طاعون این حکومت را از زندگی و کارمان خواهیم زدود. آزاد خواهیم شد. این حکم انقلاب زیبا و انسانی زن زندگی آزادی است. هانیه نیز در این انقلاب می‌درخشد.

# "کشف" خیالی شبکه مرتبط با اسرائیل

شهاب بهرامی

**سپاه پاسداران جمهوری اسلامی مدعی شده که ۱۲ عضو یک "شبکه" مرتبط با اسرائیل در شش استان ایران را بازداشت کرده است.**

**چهره نگران، ترسیده و رنگ‌پریده خامنه‌ای هنگام نمازخواندن بر سر باقیمانده جسد "هنیه" در تهران را بیاد بیاورید، این چهره، آن تصویر واقعی از رژیم رجزخوان و عربده‌جویی است که قالب تهی کرده، ولی امروز نه عربده که زوزه می‌کشد. مردم، انتقام سخت رژیم را به مناسبت کتلت شدن قاسم سلیمانی دیدند و خندیدند. مردم**

**انتقام سخت رژیم به مناسبت حمله اسرائیل به سفارتخانه رژیم اسلامی را دیدند و خندیدند. اما امروز، مردم دیگر منتظر انتقام سخت رژیم بخاطر کباب‌شدن هنیه در قلب تهران نیستند تا باز هم بخندند.**

**معادلات سیاسی – نظامی در منطقه، به‌شدت علیه رژیم اسلامی تغییر کرده است تا جائیکه حتی کاریکاتورهای انتقام سخت از رژیم سلب شده و مجبور به انکار گشته است. محسن رضایی می‌گوید اصلاً ما همیشه مخالف جنگ و طرفدار صلح بوده‌ایم! فرمانده ارشد سپاه می‌گوید البته به نیروهای ما حمله نشده است که مجبور به پاسخ‌گویی باشیم... ناگهان موضوع**

تعطیلی تدریس فقه مجتبی خامنه‌ای به تیتر اول خبرهای رسانه‌هایشان ورود می‌کند تا ذهن جامعه از شکست‌های پی‌درپی نیروهای سپاه و نیابتی‌هایش در منطقه را به محاق فراموشی بسپارد.

در بطن چنین اوضاع بهم ریخته‌ای "فیلی هوا می‌شود" و خبر دستگیری ۱۲ موجود نامعلوم به‌عنوان همکاران دولت اسرائیل به سر تیتر و صفحه اول رسانه‌های رژیم می‌چسبد، چرا؟ چون باید به لشکر به هزیمت رفته‌اش در خارج مرزها و به مزدوران و نیروهای سرکوبش در داخل روحیه بدهد که بله ما هم دمار از روزگار اسرائیل در می‌آوریم. اما مشکل رژیم اینجا است که امروز

مزدوران و نیروهای سرکوبش هم از کُنه اتفاقات و حقایق باخبر بوده و امیدی به بقای رژیم ندارند.

شکست‌های پی‌درپی نیروهای نیابتی رژیم در منطقه، به تباهی کشاندن زندگی میلیون‌ها نفر از مردم لبنان و سوریه و فلسطین، موج وسیعی از اعتراض و انزجار علیه رژیم و شخص خامنه‌ای را در منطقه به دنبال داشته، مردم ایران هم مترصد فرصتی هستند تا با سرنگون‌کردن رژیم اسلامی به نجات جان میلیون‌ها انسان در کشورهای نامبرده بشتابند. کشف شبکه پیشکش، نگران سایه خودتان باشید.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۴۳

۲۴ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۳ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

## در این شماره ژورنال:

پزشکیان با پیام "صلح و امنیت" در سازمان ملل

یک سؤال از محسن ابراهیمی

در همبستگی با معدنچیان طبس: #ایرانم _اعتصاب

شهلا دانشفر

اعتصاب‌غذای زنان زندانی سیاسی اوین و سخنرانی پزشکیان

سینا پدرام

اسکار و نهادهای سانسور

میلاد رابعی

به جنگ و کشتار در خاورمیانه باید فوراً پایان داد!

حزب کمونیست کارگری ایران

# پزشکیان با پیام "صلح و امنیت" در سازمان ملل

## یک سؤال از محسن ابراهیمی

**سوسن صابری:** امروز پزشکیان در سازمان ملل سخنرانی می‌کند. در مورد شرکت وی در سازمان ملل و نتایجش و کلاً سیاست خارجی موردنظر جمهوری اسلامی اظهارنظرهایی از طرف سران رژیم صورت گرفته است. به‌عنوان نمونه عراقچی گفته که علی‌رغم اختلاف با امریکا می‌توان راه‌حلی برای محدودکردن تحریم‌ها "کم‌شدن هزینه اختلاف برای مردم" پیدا کرد و یا بعضاً در رسانه‌ها به امکان ملاقات پزشکیان با بایدن و تبعات آن و ارائه چهره خوبی از جمهوری اسلامی در سطح جهان اشاره شده است. به نظر

می‌آید که رژیم به‌نوعی در صدد عقب‌نشینی و دادن امتیاز است. شما سیاست خارجی جمهوری اسلامی را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا پزشکیان به دنبال مصالحه با غرب است؟

**محسن ابراهیمی:** عراقچی صریحاً هدف اولیه سفر به سازمان ملل را بیان کرد وقتی گفت که "وظیفه ما این است که یک تصویرسازی و وجهه‌سازی مناسب از خودمان به دنیا ارائه دهیم" و پزشکیان که به قول او"متخصص ساختن تصویرهای خوب است"، قرار است از تریبون سازمان ملل دروغ ببافد که ایران "خیلی امن‌تر و آزادتر از آنی است که برایش تصویرسازی کرده‌اند"؛ معلوم کند که در سیاست خارجی پیامشان "صلح و امنیت" است، حتی با آمریکا هم برادرند و آماده

**مذاکره در زمینه مسائل هسته‌ای هم هستند!**

**به یمن انقلاب زن زندگی آزادی، مردم جهان در مقیاس گسترده می‌دانند در ایران "امن‌تر و آزادتر" حکومت اسلامی چه خبر است. آنها با حکومتی آشنا شدند که در بیش از چهار دهه امنیت و آزادی و کرامت انسانی مردم را بی‌رحمانه پایمال کرده است و مردمی را دیدند که نبرد جسورانه‌ای علیه این حکومت راه انداخته‌اند. این تصویر قدرتمندتر از آن است که "دیپلمات‌های" دغل‌کار جمهوری اسلامی بتوانند پاک کنند!**

**جدا از این هدف تبلیغاتی، جمهوری اسلامی دنبال "نرمش قهرمانانه" دیگری است. هدف هم روشن است. حکومت که با انقلاب مردم به لبه پرتگاه**

رانده شده است، در فکر آویزان شدن به هر پاره طنابی برای عقب انداختن سقوطش است. حکام اسلامی تصور می‌کنند یک توافق هسته‌ای دیگر، کمترشدن فشار تحریم‌ها، دسترسی به بخشی از پول‌های مسدود شده و کاهش هر چند محدود انزوای سیاسی در جهان می‌تواند نقش چنین طناب نجاتی را برایشان بازی کند.

اما بنا بر تناقضات بنیادی و ماهیتی حکومت اسلامی، همه این تلاش‌ها محکوم به شکست هستند. حکومت اسلامی اگر بخواهد - که نمی‌تواند - گام جدی و بنیادی در تغییر سیاست خارجی‌اش بردارد، باید نرمشش خیلی "قهرمانانه" باشد. باید از پشت باندهای تروریستی کنار بکشد که در این صورت خامنه‌ای مجبور است در مراسم

**تشییع‌جنازه "محور مقاومت" نماز میت بخواند! باید به‌جای دروغ و حقه‌بازی درباره برنامه اتمی، کل آن را کنار بگذارد که در این صورت آرزوی گروگان‌گیری اتمی را باید به گور ببرد! باید شفاف باشد و از لیست سیاه "اف ای تی اف" (گروه ویژه اقدام مالی) خارج شود که در این صورت نخواهد توانست میلیاردها دلار ثروت چپاول شده از جامعه را به زیر عبای حسن نصرالله و امثال او روانه کند و خرج سنگین آیت‌الله‌ها و سپاه و بساط سرکوب را تأمین کند. همه اینها به‌مثابه مصداق‌های نرمش خیلی "قهرمانانه" یعنی اینکه جمهوری اسلامی باید برای بقای سیاسی خود، از همه آن ارکانی دست بکشد که اتفاقاً برای بقایش به آنها پناه برده است.**

اگر کسی تصور می‌کند حکومت اسلامی یک روزی برای بقای خودش ممکن است حاضر شود به چنین اقداماتی تن دهد، متوجه نیست که این دیگر "نرمش قهرمانانه" برای بقا نیست، تن‌دادن به مرگ رقت‌بار است. روشن است که حکومت اسلامی نمی‌تواند از ستون‌ها دست بکشد؛ اما خود عمارت اسلامی را نگه دارد!

در جریان همین سفر به سازمان ملل، تناقضات و بن‌بست‌های حکومت از هر گوشه‌ای بیرون می‌زند. پزشکیان می‌گوید دنبال صدور اسلام نیستند و"پیام صلح و امنیت" برای جهان دارند؛ خامنه‌ای یک‌مشت مرتجع اسلامی از گوشه‌وکنار دنیا را در کنفرانس "وحدت اسلامی" جمع می‌کند و آرزوی نابودی اسرائیل را تکرار می‌کند! وزیر

**خارجه از آمادگی برای مذاکره صحبت می‌کند؛ بوق خامنه‌ای در کیهان، هر طرف‌دار مذاکره با آمریکا را به‌عنوان "دست‌نشانده آمریکا" تهدید می‌کند! خود وزیر خارجه که قرار است مذاکره با آمریکا را هدایت کند، اعتراف می‌کند به‌خاطر "اختلافات مبنایی" با آمریکا " امکان رفع تنش‌ها و تخاصمی که وجود دارد واقعاً ممکن نیست"!**

**طناب "نرمش" قبلاً امتحان پس داده است. این بار هم همان سرنوشت را خواهد داشت!**

## در همبستگی با معدنچیان طبس:

## #ایرانم_اعتصاب

## شهلا دانشفر

**انفجار معدن طبس در شامگاه ۳۱ شهریور بیش از ۵۰ قربانی گرفت که جوان‌ترین آنها فقط هفده سال داشت. فاجعه مرگباری که قلب همه را به درد آورد. گزارشات بازهم حاکی از جنایتی دیگر در پس این فاجعه انسانی است. جنایت سرمایه‌داران مفت‌خور در همدستی با حکومت حامی خود به‌خاطر دریغ از کمترین هزینه برای امنیت جان و سلامت کارگر.**

**برادر یکی از معدنچیان جان‌باخته می‌گوید که**

یک روز قبل از حادثه، کارگران نشست گاز را به اطلاع مدیران رساندند اما گفتند بروید و کار کنید. اما احمد می‌دری، وزیر کار جمهوری اسلامی با بی‌شرمی تمام این انفجار را غیرقابل‌پیش‌بینی خوانده و بدین گونه این جنایت بزرگ را لاپوشانی می‌کند.

خشم تمام معدن و شهر و جامعه را گرفته است. اسماعیل بخشی می‌گوید: "محاکمه عوامل فاجعه معدن طبس باید به یک خواست ملی تبدیل شود! او در صفحه ایکس خود فراخوان به اعتصاب سراسری داده و می‌نویسد: "در پی حادثه وحشتناک معدن طبس وقت آن است که تمام کارگران و مزدبگیران ایران در اعتراض به شرایط اسفناک ایمنی محیط کار، قرارداد کار و

پایین‌بودن دستمزد نسبت به تورم و سختی کار دست به اعتصاب سراسری بزنیم. همچنین از تمام مردم شریف ایران که از وقوع این حادثه غمگین شده‌اند و از روی محبت تسلیت می‌گویند تقاضا دارم اگر به فکر طبقه کارگر هستید، اگر می‌خواهید دیگر شاهد چنین فجایع انسانی‌ای نباشیم کنار ما بایستید و بجای ایرانم تسلیت ، بگویید #ایرانم_اعتصاب". با این فراخوان همراه شویم.

سال گذشته طبق آمارهای دولتی بیش از ۲۱۰۰ کارگر به‌خاطر عدم ایمنی محیط کار جان باختند که معادن بالاترین رقم را داشت. در سه ماه آغاز امسال ۲۶ کارگر در معادن درگذشتند و انفجار کنونی طبس بیشترین کشته را داشته است. به

**این جنگ اعلام نشده و جنایت هر روزه باید پایان داد.**

**زمینه‌های اعتصاب سراسری مدت‌هاست فراهم است. بخش‌های مختلف کارگران در نفت در اعتراض‌اند. از لاستیک بارز گرفته تا واگن پارس اراک، از نیشکر هفت‌تپه گرفته تا گروه ملی فولاد اهواز و ذوب‌آهن اصفهان و مراکز کاری در شهرهای مختلف و از معلمان گرفته تا پرستاران همه‌جا فریاد اعتراض بالاست. اسماعیل بخشی درست می‌گوید وقت آن است که صدایمان را یکی کنیم و سراسری دست به اعتصاب زنیم و پایان این بردگی و توحش را فریاد بزنیم.**

# اعتصاب‌غذای زنان زندانی سیاسی اوین و سخنرانی پزشکیان

## سینا پدرام

بنا به خبرهای رسیده: "۴۷ نفر از زنان زندانی سیاسی و عقیدتی بند زنان اوین اعلام کرده‌اند که هم‌زمان با حضور و سخنرانی مسعود پزشکیان در هفتاد و نهمین مجمع‌عمومی سازمان ملل، از ساعت ۱۰ شب دوم مهرماه تا ساعت ۱۰ شب سوم مهرماه اعتصاب‌غذا خواهند کرد. این زنان زندانی دلیل اعتصاب‌غذای خود را اعتراض به تشدید اعدام‌ها و وضعیت زندانیان سیاسی و عقیدتی عنوان کرده و خواهان توقف اعدام‌ها و آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی هستند."

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ذوب شده در رهبری، قرار نیست چیز خاصی بگوید که تا کنون دیگر سران رژیم ابراز نکرده‌اند. در مقابل اما حرکت و اعتراض زندانیان سیاسی زن بدون شک تلاش ارزشمندی است که چهره ریاکارانه رژیم اسلامی را برملا می‌کند. اجلاس‌های سازمان ملل هر چند توخالی باشند، بلندگویی در دست رژیم اسلامی است. حرکت اعتراضی زندانیان سیاسی زن این بلندگو را از دست رژیم گرفته و نظرها را به مشکل اساسی مردم ایران یعنی حکومت اسلامی اعدام برخواهد گرداند.

این وظیفه ماست که به هر شکل این اعتراض را در سراسر دنیا منعکس کنیم. این زنان شایسته ستایش، قدردانی و حمایت‌اند و رژیم اسلامی لایق

تمامی انزجار جامعه جهانی. قطعاً تجمع ایرانیان در مقابل ساختمان سازمان ملل و رساندن صدای اعتراض این زنان بی‌باک اولین اقدام مناسب برای افشای این وحوش خون‌آشام خواهد بود.

امروز بار دیگر اردوی زنان انقلابی، رژیم را در آن‌سوی جهان به مصاف خواهند کشید. اعوان‌وانصار رژیم باید بدانند که جهان جای بسیار تنگی برایشان است. در این شکی نیست.

# اسکار و نهادهای سانسور

میلاد رابعی

کانون فیلمسازان مستقل ایران با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به آکادمی اسکار به شیوه انتخاب فیلم‌ها از ایران اعتراض کرد و ضمن برشمردن دلایلی از آکادمی خواست تا این امر توسط "هیئت انتخابی مستقلی" انجام پذیرد.

در ایران "بنیاد سینمایی فارابی" مسئول انتخاب آثار برای معرفی آنها به آکادمی اسکار است. نهادی دولتی که کارنامه سیاهی در سانسور و ممیزی به اشکال مختلف دارد و مستقیماً تابع و مجری سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی است. در

این نامه بنیاد فارابی به‌عنوان "مسئول سانسور و سرکوب سینماگران" معرفی شده است. اخیراً نیز فیلم "در آغوش درخت" که محصول مشترک حوزه "هنری سازمان تبلیغات اسلامی" و "کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان" است از سوی بنیاد فارابی به جشنواره اسکار معرفی شد.

سال‌ها است که ارگان‌های دولتی فوق بر سینمای ایران چنگ انداخته و تلاش کرده‌اند آن را به ابزاری تبلیغاتی برای حکومت اسلامی تبدیل کنند و در این راه تمام امکانات و بودجه‌های هنگفت خود را به کار گرفته‌اند. هر صدای مخالفی را با اعمال سرکوب و ممنوع‌الکاری خاموش کرده‌اند و تیغ سانسورشان لحظه‌ای بیکار نمانده است. با

توقیف آثار فراوان سینمایی موجبات ورشکستگی تهیه‌کنندگان زیادی را فراهم کرده‌اند تا عرصه را برای تاخت‌وتاز خود باز کنند.

چنین نهادهایی با این سابقه و کارکرد کوچک‌ترین حقانیت و صلاحیتی برای انتخاب نماینده از سینمای ایران در جشنواره‌های مختلف را ندارند. این جماعت اصلی‌ترین دشمنان سینمای مستقل و استعدادهای بی‌شمار آن هستند.

خوشبختانه با پایان عصر آنالوگ، وابستگی فنی فیلمسازان به امکانات این نهادها پایان یافت. از سوی دیگر در سال‌های اخیر و مشخصاً پس از آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی شاهد موجی از فیلم‌های

زیرزمینی هستیم که توسط جوانانی بااستعداد تولید می‌شوند و راه خود را به جشنواره‌های جهانی نیز گشوده‌اند. نداشتن حجاب اجباری بازیگران زن از مشخصه‌های تولیدات اخیر است. فیلم‌های "دانه انجیر معابد" ساخته محمد رسول‌اف و "کیک محبوب من" به کارگردانی مریم مقدم و بهتاش صناعی‌ها از این جمله‌اند.

این تولیدات سینمایی و فضای تازه‌ای که در آن‌ها به چشم می‌خورد کاملاً متأثر از شرایط متلاطم جامعه است. با به پیروزی رسیدن مبارزات مردم، سینمای ایران نیز روزهای درخشانی را در پیش رو خواهد داشت.

# به جنگ و کشتار در خاورمیانه باید فوراً پایان داد!

## حزب کمونیست کارگری ایران

حمله روزهای گذشته اسرائیل به نیروهای حزب‌الله لبنان از طریق انفجار از راه دور پیجرها و بی‌سیم‌های مورداستفاده آنها که درعین‌حال قربانیانی از مردم عادی گرفته و موجی از رعب و وحشت عمومی به‌ویژه در لبنان ایجاد کرده است، به جنگ و کشتار در خاورمیانه ابعاد تازه و نگران کننده‌ای بخشیده است.

کشته و مجروح شدن عده‌ای از غیرنظامیان در این عملیات را باید قاطعانه محکوم کرد. همچنین باید توجه داشت که این انفجارها چشم‌انداز هولناک

تبدیل وسائل ارتباطی که می‌تواند به‌وسیله افراد عادی جامعه نیز بکار برود به یک آلت قتاله را در برابر همگان قرار می‌دهد. دولت‌ها و نیروهای تروریستی ید طولایی در کاربرد ادوات و تکنولوژی‌های تازه جنگی علیه مردم بی‌گناه دارند. نمونه‌هایی نظیر تجربه کشتار اتمی مردم هیروشیما و ناکازاکی و بمباران خوشه‌ای مردم ویتنام و همین امروز به توپ و بمب بستن مردم غزه در جنگ جاری نشان می‌دهد که دولت‌ها هر جا منافعشان ایجاب کند از کاربرد آخرین ادوات جنگی علیه شهروندان عادی ابایی ندارند. نباید اجازه داد انفجار وسائل ارتباطی نیز به شیوه دیگری برای کشتارجمعی مردم بدل بشود.

انفجار پیجرها در دل جنگی رخ می‌دهد که در یک‌سوی آن تروریست‌های اسلامی حماس، حزب‌الله و جمهوری اسلامی جنایت‌کار و دیگر ایادی‌اش قرار گرفته‌اند و در سوی دیگر آن دولت فاشیست نتانیاهو و حامیانش قرار دارند. این جنگ به دنبال حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس به اسرائیل و کشتار بی‌رحمانه غیرنظامیان آغاز شد و سپس با حمله همه‌جانبه نظامی ارتش اسرائیل به غزه ابعاد گسترده‌ای به خود گرفت و اکنون سایه شوم خود را به لبنان نیز کشانده است.

این جنگ از هر دو سو سرتاپا ارتجاعی و ضدبشری است. این جنگی است مستقیماً علیه مردم فلسطین، لبنان، اسرائیل، ایران و در خدمت

بقا و توجیه موجودیت جمهوری اسلامی، حماس، حزب‌الله و همچنین نتانیاهو و ارتجاعی‌ترین محافل حاکم بر اسرائیل. این جنگی است علیه کل بشریت، که ارتکاب به جنایت علیه بشریت و اعمال جنایات جنگی را عادی‌سازی می‌کند و موجب تقویت ارتجاعی‌ترین و عقب‌مانده‌ترین نیروها و دولت‌های سرکوبگر از دولت ترکیه و دیگر دولت‌های منطقه گرفته تا امثال پوتین و ترامپ و گرایشات دست راستی در غرب شده و می‌شود. به این جنگ باید پایان داد. مردم سراسر جهان و به‌ویژه مردم اسرائیل، ایران، لبنان و فلسطین می‌توانند و باید نقش مهمی در شکل‌دادن به جنبشی ایفا کنند که علیه همه طرف‌های این جنگ ارتجاعی است و پایان فوری آن و تشکیل

دولت فلسطینی بر اساس طرح دو دولت را طلب می‌کند.

مردم ایران که در مبارزه‌ای گسترده علیه جمهوری اسلامی قرار دارند و می‌کوشند با متحد کردن صفوف خود رژیم اسلامی را سرنگون کنند و انقلاب عظیم زن زندگی آزادی را به پیروزی رسانند، بی شک می‌توانند به طور عملی نقشی پیشتاز و تعیین‌کننده در پایان‌دادن به این جنگ و کشتار در خاورمیانه ایفا کنند. مردم ایران با سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی زن زندگی آزادی نه فقط خود را آزاد می‌کنند که شرایط رهایی از شر اسلام سیاسی که یک‌سوی این جنگ ارتجاعی و بهانه توجیه سوی دیگر آن است را فراهم می‌کنند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۴۴

۲۵ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۴ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

## در این شماره ژورنال:

”تحریم‌ها“ و قتل‌عام معدن‌کاران طبس

کیوان جاوید

زندانیان سیاسی در اعتراض به قتل کارگران معدن طبس

سهیلا دالوند

حکومت درمانده در مقابل گوهر عشقی

رضا درویش

# "تحریم‌ها" و قتل‌عام معدن‌کاران طبس

## کیوان جاوید

**مسعود پزشکیان در دیدار روز دوشنبه ۲ مهر با آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل در باره انفجار معدن طبس گفت این رخداد تلخ یکی از آثار تحریم‌ها و ممنوعیت ورود تجهیزات به کشورمان است.**

**برادر محمدجواد بهشتی یکی از قربانیان فاجعه معدن طبس می‌گوید کارگرها روز قبل از فاجعه هشدار داده بودند اینجا گاز هست، اما به آنها گفتند مشکلی نیست یا بر سر کار حاضر شوید یا تسویه‌حساب کنید. فقط در ۶ ماه ابتدایی امسال،**

شاهد اتفاقاتی نظیر ریزش معدن شن و ماسه دهاقان اصفهان، ریزش معدن شن و ماسه شازند اراک، ریزش معدن ذغال سنگ آبنیل، حادثه در معدن قلعه شاهین کرمانشاه، حادثه در معدن گل کهر سیرجان و... بوده‌ایم.

لازم به ذکر است معدن زغال‌سنگ معدنجو با ذخیره اکتشافی ۷۵.۲ میلیارد تن زغال‌سنگ کک شو و حرارتی از بزرگ‌ترین منابع زغالی ایران محسوب می‌شود و با حجم بالای سوددهی، خالص دریافتی یک کارگر در عمق ۷۰۰ متری، در سال گذشته فقط ۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان در ماه بوده است.

انفجار این معدن ربطی به تحریم‌ها هم ندارد.

حتی اگر ممنوعیت تجهیزات سنجش گاز متان حقیقت داشت که ندارد، رژیمی که هر روز با لاف‌وگزاف، غنی‌کردن اورانیوم با غلظت بالا را به رخ جهان می‌کشد و ابزارش را در بازار سیاه روسیه و کره شمالی و چین و... فراهم می‌کند، اگر تنها یک‌سرسوزن به فکر جان کارگران بود، می‌توانست چنین امکانات ساده‌ای را فراهم کند، یا در داخل ایران بسازد. رژیمی که دست به تولید انبوه پهپاد می‌زند و به روسیه صادر می‌کند و در اختیار نیروهای نیابتی خود می‌گذارد و افتخار می‌کند که موشک بالستیک با برد ۲۰۰۰ کیلومتری تولید می‌کند، حتماً می‌تواند تجهیزات هشداردهنده گازهای خطرناک در دل معدن را هم فراهم کند.

نباید به رژیم اسلامی اجازه داد پشت تحریم‌ها پنهان شود و شانه از بار جنایتی که خود بانی آن است خالی کند. در جواب به این حکومت همان حرف اسماعیل بخشی را باید تکرار کرد، حرفی که وسیعاً در میان تشکل‌های مختلف کارگری و فعالین اجتماعی بازتاب یافته است: #ایرانم_اعتصاب. هر کجا که هستیم اعتصاب را فریاد بزنیم. کارگران همه معادن می‌توانند سوت آغاز اعتصاب را به صدا در بیاورند.

# زندانیان سیاسی در اعتراض به قتل کارگران معدن طبس

## سهیلا دالوند

**زندانیان سیاسی و عقیدتی در ادامه کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" در سی و پنجمین هفته اعتصاب‌غذا در اعتراض علیه اعدام، قتل عمد حکومتی ، روز سه‌شنبه سوم مهر ۱۴۰۳ در ۲۱ زندان مختلف کشور در ارتباط با فاجعه تکان‌دهنده معدن ایرانجوی در شهر طبس با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند:**

**"روز یکشنبه یکم مهرماه با شروع سال تحصیلی جدید، شاهد فاجعه معدن در شهر طبس بودیم**

که در این فاجعه ۵۲ نفر از کارگران معدن جان خود معدن در شهر طبس را ازدست‌داده و تعدادی نیز مجروح شدند. کارگرانی که در محیطی بدون کمترین ایمنی برای مخارج اولیه زندگی با به خطر انداختن جانشان، نان خانواده‌شان را تأمین می‌کردند. این نوع فجایع که به‌دفعات در کشور اتفاق افتاده است حاصل فساد و ناکارآمدی ساختاری حکومت استبدادی است که ضمن چپاول و غارت دسترنج مردم زحمت‌کش ایران، هرگز پاسخگوی عملکرد فاجعه‌آفرین خود نیز نبوده است.“

جامعه در مقابل این کشتار کارگران معدن مملو از خشم و نفرت و اندوه است. شریفه محمدی فعال کارگری محکوم‌به‌اعدام از درون زندان می‌نویسد

**که خبر مرگ "کارگران معدن در طبس لرزه بر جانم انداخت؛ فاجعه‌ای دیگر! از پشت میله‌های زندان به خانواده‌های این عزیزان تسلیت می‌گویم و به هم‌طبقه‌ای‌هایم که این روزها شرایط سخت زندگی و معیشت بر دوششان سنگینی می‌کند."**

**خانواده‌های دادخواه هم اعلام کرده‌اند که "عزیزان ما نه‌تنها به واسطه گلوله و طناب دار، بلکه به دست حکومت سرمایه‌دارانی که در سایه مافیاهای مفت‌خور عمل می‌کنند، به قتل رسیده‌اند. این حکومتی است که برای حفظ قدرت، چپاول و انباشت ثروت، جان انسان‌ها را قربانی می‌کند."**

**زندانیان سیاسی و عقیدتی که در صف اول مبارزه**

علیه ظلم و بی‌عدالتی هستند، با بیانیه اعتراضی خود علیه قتل کارگران در معدن به دفاع و حمایت از کارگران برخاسته‌اند، در کنار خانواده‌های داغدار معدنچیان به قتل رسیده ایستاده‌اند و علیه یکی از بی‌رحمانه‌ترین ستم‌ها به‌پاخاسته‌اند. این یک جلوه دیگر از اتحاد مبارزین سیاسی حق‌طلب زیر احکام سنگین در زندان، با محروم‌ترین و ستمدیده‌ترین بخش‌های جامعه، با کارگران است. این اعلام همبستگی جسورانه با کارگران علیه حکومت چوبه‌های دار، حکومت استثمارگر و چپاولگر و ضدکارگر، این دفاع از شان و منزلت انسان‌ها شایسته بیشترین احترام‌ها است.

# حکومت درمانده در مقابل گوهر عشقی

رضا درویش

بر اساس خبری که در صفحه گوهر عشقی در شبکه ایکس منتشر شده، روز دوم مهر نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی محل سکونت او را محاصره کرده تا به این وسیله از تحصن وی در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران جلوگیری کنند. این تحصن در اعتراض به بازداشت دایه مینا سلطانی مادر شهریار محمدی پیش‌تر در یک پیام ویدئویی توسط گوهر عشقی اعلام شده بود.

گوهر عشقی مادر دادخواهی است که فرزندش ستار بهشتی، وبلاگ‌نویس، در آبان سال ۹۱ زیر

شکنجه دژخیمان رژیم به قتل رسید. این مادر دادخواه بارها حمایت و همراهی خود را با دیگر دادخواهان همچون ماشاءالله کرمی و خانواده پویا بختیاری و نیز حمایتش از شریفه محمدی و پخشان عزیزی که در خطر اعدام هستند اعلام نموده است.

حکومت اسلامی از خانواده‌های دادخواه در هراس است. این رژیم راه منتهی به مزار جان‌باختگان را مسدود می‌کند چرا که می‌داند حضور خانواده‌ها در مراسم یادبود جان‌باختگان با حمایت گسترده مردم روبرو شده و سریعاً به تجمعات اعتراضی تبدیل می‌شود. بدیهی است رژیم از تداوم جنبش دادخواهی و حمایت مردم معترض از این جنبش و دیگر جنبش‌های اعتراضی موجود در

جامعه وحشت دارد. ترس حکومت از گسترش و یکپارچگی اعتراضات مردم بر هیچ‌کس پوشیده نیست. رژیم حتی از تحویل پیکر جان‌باختگان به خانواده‌هایشان ترس دارد. رژیم به‌خوبی می‌داند متصل‌شدن جنبش دادخواهی به دیگر جنبش‌های اعتراضی، همچون جنبش زنان علیه حجاب اجباری و نیز اعتراضات و اعتصابات کارگران و پرستاران به طرز غیر قابل انکاری با بی‌اثر ساختن دستگاه سرکوب این امکان را برای مردم فراهم می‌کند که رژیم را بار دیگر به سمت لبه پرتگاه سوق دهند.

در واقع اقدام رژیم به حبس خانگی گوهر عشقی با آگاهی از تأثیرگذاری جنبش دادخواهی بروی سایر جنبش‌های اعتراضی بوده است و به همین دلیل در مقابل قصد او برای تحصن در مقابل

دفتر سازمان ملل در تهران به حبس خانگی او و محاصره به‌وسیله نیروهای امنیتی روی آورده است.

از گوهر عشقی این نماد مقاومت در جنبش دادخواهی به طور گسترده حمایت کنیم و برای پایان فوری و بی‌قیدوشرط حبس خانگی این مادر دادخواه و معترض متحدانه مبارزه کنیم. این رژیم همانطور که گوهر عشقی به‌درستی گفته یک طبل توخالی‌ست.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۴۵

۲۶ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۵ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: آذر پویا

## در این شماره ژورنال:

هشت‌پای نرمش قهرمانانه

سیامک بهاری

توفان خشم علیه گرانی را گسترده کنیم

نسان نودینیان

بابا جان داد!

آذر پویا

بیروت، عروس خاورمیانه، قربانی ارتجاع مذهبی

سینا پدرام

دومین سالگرد جمعه خونین زاهدان

چند سؤال از پریسا پوینده

# هشت‌پای نرمش قهرمانانه

## سیامک بهاری

آشفتگی و سردرگمی کنونی جمهوری اسلامی در کل حیاتش بی‌سابقه است. سخنان خامنه‌ای در جمع خودی‌های ذوب شده در ولایت در داخل و پزشکیان به‌عنوان نماینده حکومت در صحن سازمان ملل دوروی یک سکه‌اند!

خامنه‌ای علی‌رغم رجزخوانی و قوت قلب به خودی‌ها، هراس واقعی‌اش را بیان می‌کند: «مسئولان بخش‌های مختلف بخصوص وزارت آموزش‌وپرورش، وزارت علوم، وزارت بهداشت، مطبوعات و صداوسیما مراقب نفوذ باشند. باید با

هوشیاری کامل اجازه نداد دشمنِ در داخل کشور بتواند با انواع ترفندها و حیله‌ها کار و توطئه خود را پیش ببرد.» او وحشت خود را نمی‌تواند پنهان کند، جنبش انقلابی زن زندگی آزادی زمین را زیر پای حکومت داغ کرده است.

سخنرانی پزشکیان در صحن سازمان ملل، روی دیگر سخنان خامنه‌ای و اساساً بیان سیاست‌های شکست‌خورده حکومت در سطح بین‌المللی است. پزشکیان هزیمت خامنه‌ای را با بالابردن پرچم سفید در سازمان ملل نشان می‌دهد. آشکارا اعلام می‌کند راه‌حل جمهوری اسلامی در عقب‌نشینی به گذشته است! اما جهان پس از هفت اکتبر و فروریزی خاکریزهای نیروهای نیابتی در غزه و لبنان، تشابهی با دوران خوش! برجام و

## عربده‌کشی‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ندارد!

شکست سیاست‌های کلان خامنه‌ای در تمامی جبهه‌ها، در سیاست داخلی عیان است. در سیاست داخلی بزرگ‌ترین شکست جمهوری اسلامی با خیزش انقلابی زن زندگی آزادی رقم خورد. علی‌رغم سرکوب بی‌رحمانه، اعتراضات به‌تمامی عرصه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه کشیده شده است. بساط انتخابات بر سر حکومت آوار شد، اعتصابات قدرتمند کارگران نفت و پتروشیمی‌ها تا اعتراضات سراسری پرستاران و بازنشستگان علیه فقر و فساد و مبارزه جسورانه زنان علیه حجاب، سنگرهای فتح شده‌ای است که مدام دارد گسترده‌تر می‌شود.

در سیاست خارجی جمهوری اسلامی منزوی‌تر از هر زمان، در قمار بر سر بزرگ‌ترین سرمایه‌اش، آنچه خود "محور مقاومت" می‌خواند، در ورطه‌ای که خود خلق کرده است دارد غرق می‌شود.

حزب‌الله فقط یک نیروی نیابتی در مقایسه حتی با حماس نیست. حزب‌الله لبنان، خودِ جمهوری اسلامی و خاکریز اول در قدرت‌نمایی در منطقه و کل "محور مقاومت" است. جمهوری اسلامی برای حفظ و نجات خود و حزب‌الله به تئوری بقا پناه برده است.

اینک نه حزب‌الله می‌تواند به داد حکومت برسد و نه جمهوری اسلامی می‌تواند حزب‌الله را نجات بدهد. این درماندگی و استیصال حکومت اسلامی

را باید به صحنه پرشور سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل کرد. این آینده‌ای است که دارد متولد می‌شود!

# توفان خشم علیه گرانی را گسترده کنیم

## نسان نودینیان

**تابناک: فاصله طبقاتی افزایش یافت/ جهش ۲۰۰ درصدی هزینه‌های زندگی ظرف سه سال.**

**هزینه‌های یک خانواده شهری و روستایی در سال ۱۳۹۹ به طور میانگین در هر ماه، حدود ۵ و ۳ میلیون تومان بوده است؛ ولی در سال ۱۴۰۲ به ترتیب ۱۷ و ۹ میلیون تومان شده است.**

**آمار و ارقام جهش‌های هزینه زندگی دامی است برای مشغول کردن مردم. میزان هزینه زندگی شهروند شهری و روستایی را باید از زبان شهروند شهری و روستایی که با گرانی و جهش‌های**

بالای زندگی درگیر است، شنید که درآمدهای چندبرابری زیر سقف زندگی استاندارد، زندگی او را به جهنمی که سرمایه‌داران و جمهوری اسلامی سرمایه به او تحمیل کرده‌اند، تبدیل کرده است. مدت‌های مدید است که مردم خود را گرفتار دام آمار و "خوش‌بینی"های متخصصان اقتصاد و وعده‌های پوچ و توخالی نکرده‌اند.

روزمرگی پیوند زندگی زیر تیغ گرانی و فقر را باید حل کرد. مسئله ما مردم غرق‌شدن در محاسبات آمارهای تابناک و دیگر سایت‌های وابسته به جمهوری اسلامی نیست. کارگران، بازنشستگان، پرستاران، معلمان، جوانان و حتی کودکان از تابناک و ده‌ها سایت "متخصص در اقتصاد" بهتر شکاف طبقاتی را فهمیده و تجربه می‌کنند. چه

**کسی است که نفهمد گرانی و بالارفتن جهشی هزینه‌های زندگی در سفره روزانه، در نوع خرید و تفریح، در ادامه تحصیل، در بهداشت و دکتر و معالجات پزشکی، پرورش و مراقبت از کودک نوزاد، مسکن، مراقبت از سالمند و مجروحان جنگی و... را تجربه نکرده باشد.**

**هم‌زمان با عمیق‌شدن شکاف طبقانی، شکاف سیاسی در جامعه عمیق‌تر از هر دوره‌ای شده است. مبارزه کارگران، معلمین و مردم اوج تازه‌ای گرفته است. طوفان خشم براه افتاده. طبقه کارگر وارد زورآزمایی شده. اعتصاب در مراکز کارگری و تولیدی هر روز در جریان است.**

**کارگران اعتصاب‌کننده، بازنشستگان و معلمین**

**معترض مصمم‌اند تا رسیدن به تمام خواسته‌های خود، پایان‌دادن به سونامی گرانی، تأمین امنیت شغلی، رسیدن به معیشت و منزلت و نابودی حکومت اسلامی به اعتصاب و اعتراض ادامه دهند.**

**دوره کنونی دوره راه‌حل‌های نهایی برای رهایی از دست این‌همه فلاکت و نداری است. گرانی جان‌های زیادی از ما مردم گرفته است. باید این بار گرانی را به بلای جان جمهوری اسلامی تا نابودی آن تبدیل کنیم.**

# بابا جان داد!

آذر پویا

در آستانه بازگشائی مدارس و شروع شوروشوق نونهالانمان برای ورود به مرحله جدیدی از زندگی‌شان، خبر دردناک معدن ایرانجوی طبس قلب‌های انسان‌های بی‌شماری را بدرد آورد و نفس‌ها را در سینه حبس کرد.

این روزها شروع یادگیری خواندن و نوشتن بابا آب داد، بابا نان دادن‌هاست! آموزش کودکانی که با جست و خیزهای بچگانه با خوشحالی دست در دست پدر و مادرانشان راهی کلاس‌های درس می‌شوند و به مرحله جدیدی از زندگی‌شان پا می‌گذارند. دراین‌بین شاهد باز ماندن از تحصیل

هزاران کودکی هستیم که در همین ایام راهی بازار کار می‌شوند. نان‌آوران خردسالی که در کودکی بزرگ شده‌اند. به گزارش روزنامه شرق امسال یک میلیون و ششصد هزار کودک به دلایل معیشتی و تهیه نان شب از تحصیل بازمانده‌اند.

کودکانی هم هستند که این روزها شاهد ضجه‌زدن و شیون مادرانشان‌اند، همسران کارگرانی که در عمق معدن‌های مرگ در جستجوی یک‌لقمه‌نان جان عزیزشان را از دست دادند و کودکانی که ناباورانه از وقوع فاجعه، در انتظار بازگشت پدرانشان، تا شادی روز اول مدرسه را با هم تقسیم کنند. فرزند یکی از همین کارگران به خبرنگار روزنامه شرق می گوید " قرار بود همین هفته برای خرید لوازم‌التحریر با پدرم راهی بازار شویم اما نشد! اگر بابا برنگردد

باید به‌جای او کار کنم قرار بود حقوق که گرفت برویم با هم دفتر و مداد اول مهرم را بگیریم، گفته بود پنجم مهر می‌رویم خرید"!

کیست که عاملین اصلی جنایت هولناک معدن طبس را نشناسد، کیست که نداند کلیه سران ریزودرشت جمهوری اسلامی در این جنایت شریک‌اند. بیایید خانواده‌های داغدار این عزیزان را تنها نگذاریم، در کنار آنها و کودکان منتظرشان بمانیم، غممان را به عزمی راسخ برای سرنگونی حکومت قاتلین تبدیل کنیم. بااعتراضات گسترده، با اعتصابات سراسری، با اتحاد و همبستگی و بهر شکل ممکن به حکومتی که جان انسان‌ها را به اشکال مختلف می گیرد باید اعتراض کرد. باید از فراخوان اسماعیل بخشی، یکی از رهبران کارگران

هفت‌تپه وسیعاً حمایت کرد و به گفتمان
" ایرانـدم – اعتصاب" وسیعاً دامن زد.

اما فردا معلم بر تخته‌سیاه خواهد نوشت بابا نان داد، بابا آب داد و کودک معصوم ما در دفتر مشقش خواهد نوشت بابا دیگر نیست که نان بدهد، بابا دیگر نیست که آب بدهد، بابا برای به‌دست‌آوردن یک‌لقمه‌نان جان داد!

# بیروت، عروس خاورمیانه، قربانی ارتجاع مذهبی

سینا پدرام

احمد علم‌الهدی، نماینده خامنه‌ای در خراسان رضوی گفت: "لبنان که یک روزی عروس خاورمیانه و مرکز تمام بی‌بندوباری‌ها بود، امروز مظهر مقاومت است". او افزود: "متأسفانه بعضی جریان‌های سیاسی اعتقاد دارند باید مقابل اسرائیل به اظهار تاسف بسنده کنیم و از درگیری و مبارزه صرف‌نظر کرد"

به بخش "درگیری با اسرائیل" باز خواهیم گشت، اما بلاهت، بی‌دانشی و تفکر زیرشکمی ویژه‌ای می‌طلبد تا زیبایی‌ها و رشد تمدن و مدرنیته در یک دوره خاص از یک شهر مانند بیروت این‌چنین

مورد تحلیل "فیضه‌ای و آخوندی" قرار بگیرد.

بیروت به واسطه رشد شهرنشینی، مدرنیسم و روابط غیرمذهبی در یک برهه از رشد کشورهای خاورمیانه توانسته بود گوی سبقت را از دیگر کشورهای عربی زبان منطقه برباید.

در گذرگاه تاریخ، از دریانوردان فنیقی تا جنگ‌های صلیبی از میراث‌های تاریخی بابل تا قصرهای قرون پیشین و از زیبایی‌های طبیعی تا میراث تاریخی و فرهنگی آن، لبنان و بیروت جایگاه ویژه‌ای از زوایای مختلف، از فرهنگ سیاسی و فکری گرفته تا رشد تمدن مدرن در منطقه داشته و دارد.

قبل از شروع جنگ‌های داخلی و سکتاریستی، قبل از عروج جنبش‌های ارتجاعی مذهبی اسلامی و مسیحی در لبنان، قبل از حملات و اشغال‌های متعدد ارتجاع یهودی - اسرائیلی، قبل از آنکه سایه شوم جنگ‌های مختلف سامانه زندگی مردم را از هم بپاشد، زندگی مردم مسیر متمدنانه‌تری را طی می‌کرد. توصیف این منطقه به‌عنوان عروس خاورمیانه تعریف جایگاه این کشور در رشد تمدن انسانی در منطقه است.

اما بخش دیگر اظهارات علم‌الهدی، یعنی جنگ و درگیری با اسرائیل، خارج از این که از "شعارهای توخالی" محسوب می‌شود، یکی از عمده دلایلی است که رشد و تعالی مردم این منطقه را به زوال کشید.

یکی از قربانیان واقعی عروج و به‌قدرت‌رسیدن اسلام سیاسی در ایران مردم لبنان و بیروت بودند.

سیاست‌های ارتجاعی رژیم اسلامی ایران در منطقه، سازماندهی گروه‌های تروریستی در بیروت و حمایت مالی و نظامی میلیاردی از حزب‌الله لبنان با پول مردم ایران از دلیل‌های عمده این هرج‌ومرج در لبنان محسوب می‌شود و تا زمانی که ارتجاع اسلامی بهانه‌ها و ملزومات لازم را برای ارتجاع یهودی – اسرائیلی برای مداخله در مقدرات مردم لبنان آماده می‌کند، بیروت و لبنان روی آرامش نخواهد دید.

عروس خاورمیانه اکنون به مادر داغدار خاورمیانه بیشتر شباهت دارد.

# دومین سالگرد جمعه خونین زاهدان

## چند سؤال از پریسا پوینده

**آذر پویا: در آستانه برگزاری سومین نشست شبکه جهانی آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی هستید. نیروهای تشکیل‌دهنده این شبکه کدام‌اند؟ مختصراً اهداف این شبکه را توضیح دهید. انتظارتان از نیروهای حامی این شبکه چیست؟**

**پریسا پوینده: این شبکه توسط افراد و تشکل‌های مدافع آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و حقوق بشر تشکیل شد. پس از نزدیک به دو ماه جلسات هفتگی و تعریف عرصه‌های کاری، تعریف و تعیین بخش‌ها، زیر گروه‌های کاری و اهداف، در یک**

نشست علنی عمومی، شبکه و اهدافش اعلام شد.

هدف همانطور که از اسمش پیداست یک کار شبکه‌ای هست. این شبکه تصمیم دارد چتری باشد برای معرفی و همکاری افراد، نهادها، کارزارها، سازمان‌ها و تشکلاتی که در دفاع از آزادی زندانی سیاسی تلاش و مبارزه می‌کنند. انقلاب «زن، زندگی، آزادی» امروز مطالبه جدیدی را روی میز فعالان سرنگونی جمهوری اسلامی گذاشته آن چیزی به جز حضور در خیابان، همین امروز، در یک اتحاد سراسری، در سنگرهای مختلف علیه جمهوری اسلامی نیست.

هدف شبکه این است که بتواند این اتحاد سراسری

را سازمان دهد تا بتوانیم هر چه قوی‌تر و باشکوه‌تر در مقابل دشمن قاتل کودک‌کش که بیش از چهار دهه است مردم را در فقر و فلاکت و محروم بودن از یک زندگی بهتر نگه داشته، ظاهر شویم.

ما باید بتوانیم همانطور که انقلاب «زن، زندگی، آزادی» توجه جهانیان رو به سرنوشت و مبارزات مردم در ایران جلب کرد، الان در ادامه آن انقلاب، جامعه جهانی را در دفاع از مبارزات مردم در ایران با خودمان متحد کنیم تا با فشار حداکثری در اتحاد با جامعه بین‌المللی، دفاع از مردم و مبارزاتشان را به دولت‌ها و مراجع بین‌المللی تحمیل کنیم.

هر چند شبکه قدم‌های اولش را بر می‌دارد؛ ولی تا

به امروز حمایت و استقبال بسیار خوبی از تشکیل این شبکه شده است. این حمایت‌ها لازم اما کافی نیستند. عرصه آزادی زندانیان سیاسی پتانسیل بیشتری در متحد کردن مردم و به زیر کشیدن جمهوری اسلامی دارد که می‌شود و باید بتوانیم از این پتانسیل استفاده کنیم. ما همین‌جا از همه فعالین این عرصه، جان بدر بردگان از زندان‌ها، خانواده زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادخواه می‌خواهیم که به این شبکه بپیوندند. این شبکه ظرف دادخواهی آنهاست.

آذر پویا: برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی چه اقدامات مشترکی علاوه بر کارهای انجام شده

**تا کنونی در دستور دارید؟**

**پریسا پوینده: دراین‌رابطه قبل از هر چیز باید بگویم، امروز خود زندانی سیاسی، در صف جلوی این مبارزه است. در همین یک ماه گذشته شاهد اعتصاب زندانیان در اعتراض به اعدام رضا رسایی، حمایت از دومین سالگرد انقلاب «زن، زندگی، آزادی»، پاسخ گل‌رخ ایرایی و چند نفر دیگر از زندانیان سیاسی امروز و سابق به نامه و خزعبلات فائزه رفسنجانی، نامه احمدرضا حائری در باره اول مهر و نامه زنان زندانی اوین از فاجعه دهشتناک کشته‌شدن کارگران معدن و سی و پنجمین سه‌شنبه‌های نه به اعدام و اعتصاب‌غذای زندانیان سیاسی، این بی‌سابقه‌ترین اعتراضات زندانیان**

سیاسی در سطح جهان بودیم. ما قصد داریم تا با برگزاری نشست‌های علنی عمومی، حامیان و اعضای شبکه را در پیشبرد اقدامات آینده بیشتر دخیل کنیم. همین‌طور در اتحاد و همکاری با کارزارها ، شبکه‌ها، نهادهای دادخواهی، کمپین‌ها، سازمان‌ها، تشکلات و رسانه‌ها اقدامات بین‌المللی جهت هر چه بیشتر منزوی کردن جمهوری اسلامی را در دستور کار داریم. در روزهای آینده در آستانه ده اکتبر، روز جهانی علیه اعدام، حمایت از اعتراضات بی‌نظیر زندانیان سیاسی و اعتصابات بی‌سابقه در ۲۲ زندان در سه‌شنبه‌های نه به اعدام و سازمان‌دادن برنامه‌های متفاوت در کشورهای مختلف را در دستور کار داریم. همین‌طور از برنامه لایو ۲۴ ساعته سازمان حقوق بشر و کارزار نه به

اعدام حمایت و در آن شرکت می‌کنیم.

**آذر پویا:** به دومین سالگرد جمعه خونین زاهدان و کشته‌شدن بیش از ۱۰۰ نفر از مردم معترض به دست نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی نزدیک می‌شویم، این شبکه چه اقداماتی را در دستور کار خود دارد؟

**پریسا پوینده:** یکی از موضوعات موردبحث و گفتگو، در نشست سوم شبکه جهانی آزادی زندانیان سیاسی که یکشنبه ۲۹ سپتامبر ساعت هفت شب به‌صورت آنلاین برگزار می‌شود، یادبود جمعه خونین زاهدان، یکی دیگر از جنایات جمهوری اسلامی، خواهد بود. دراین رابطه شیر احمد

شیرانی، زندانی سیاسی سابق بلوچ از سخنران‌های این نشست خواهند بود. هم چنین در این نشست سعید دهقان از وکلای حقوق بشری در معرفی کارزار "یک کلمه" سخنرانی خواهند کرد. شبکه هم چنین از فراخوان‌ها به مناسبت سالگرد جمعه خونین زاهدان قویاً حمایت می کند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۴۶

۲۸ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۷ مهر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

مرگ حسن نصرالله و شادی مردم منطقه

اصغر کریمی

دومین سالگرد جمعه خونین زاهدان

شهلا دانشفر

فتانه ولیدی بر شانه‌های زنان سنندج

مینا بهروزی

لایحه سرگردان حجاب اسیر مبارزات زنان

سیما بهاری

توماج صالحی و جایزه واتسلاو هاول

بابک یزدی

شکایت ۴ دولت علیه زن‌ستیزی طالبان

حسن صالحی

# مرگ حسن نصرالله و شادی مردم منطقه

اصغر کریمی

با اعلام خبر کشته شدن حسن نصرالله موجی از شادی در سوریه، تونس، لبنان و ایران شروع شده است. این موج در حال گسترش به سایر کشورهای اسلام زده است. مردمی که در این کشورها طعم تلخ زندگی تحت حاکمیت جریانات اسلام سیاسی یا وجود این جنبش ضد مردمی را چشیده‌اند با دشمنان مشترکی مواجهند که با ضربه خوردن به این دشمن مشترک جشن و شادی برگزار می‌کنند و نفرت خود را از آن اعلام می‌کنند. اتحادی اعلام نشده میان مردم منطقه در حال گسترش است.

**حسن نصرالله مهم‌ترین شاخص اسلام سیاسی در منطقه و مهمترین متحد جمهوری اسلامی بود و مرگ او در ادامه ضرباتی که حزب‌الله در هفته‌های گذشته خورده ضربه‌ای سخت به جمهوری اسلامی وارد کرده است. جمهوری اسلامی ناتوان از پاسخگویی به ضربات اسرائیل به خودش و به نیروهای نیابتی‌اش هر چه بیشتر اعتبار خود را در میان این نیروها از دست داده است و بعنوان ستون اصلی اسلام سیاسی سال‌ها است که زیر ضرب اعتراضات مردم ضعیف‌تر شده و با شروع انقلاب زن زندگی آزادی ضربات بسیار سختی خورده است. اکنون با مرگ حسن نصرالله میتوان گفت در ایران شاهد نقطه عطف مهمی در موقعیت جمهوری اسلامی و رابطه مردم با آن خواهیم بود.**

مردم ناتوانی و زبونی جمهوری اسلامی را به عیان می‌بینند و خود را در مقابل آن روزبروز قوی‌تر احساس می‌کنند. این وقایع شکاف‌های درون باندهای مختلف حکومت را نیز تشدید می‌کند و روحیه نیروهای حکومتی را بیشتر تضعیف خواهد کرد. در چنین شرایطی مردم باید خود را برای برداشتن گام‌های موثری آماده کنند.

شادی مردم منطقه از مرگ حسن نصرالله نشانه وحدت عمیق منافع مردم منطقه است. اما این وحدت فاقد هرگونه انسجامی است و به نهادهای منطقه‌ای خاصی تبدیل نشده است. مردم ایران بدلیل تجارب عمیق مبارزاتی خود می‌توانند پیش‌قدم شکل‌گیری نهادهای منطقه‌ای علیه

کل جنبش اسلام سیاسی بشوند و نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند. در سوریه، لبنان، عراق و فلسطین و تونس و ترکیه نیز جنبش‌ها و جریانات آزادیخواهی حضور دارند که میتوانند نقش مهمی بعهده بگیرند و نهادهایی فراکشوری ایجاد کنند. چنین نهادهایی علاوه بر تحکیم اتحاد در صفوف مردم این کشورها، انعکاس جهانی بزرگی خواهد داشت و می‌تواند به نیرویی چشمگیر در صحنه سیاست جهان در مقابل اسلام سیاسی و دولت‌های اسلامی تبدیل شود و مبارزات مردم این کشورها را گام‌های موثری به جلو سوق دهد.

# دومین سالگرد جمعه خونین زاهدان

## شهلا دانشفر

هشت مهر دومین سالگرد جمعه خونین زاهدان است. به این مناسبت در جمعه این هفته ۶ مهر مردم در زاهدان و در خاش به خیابان آمدند و با آتش زدن لاستیک و راهبندان و سردادن شعارهای "مرگ بر خامنه، لعنت بر خمینی"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، " قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان" یاد جانباختگان جمعه سیاه زاهدان که در جریان انقلاب زن زندگی آزادی بدست جنایتکارارن جمهوری اسلامی به گلوله بستند را گرامی داشتند. این تظاهرات علیرغم فضای امنیتی شهر و قشون کشی حکومت

صورت گرفت. در این روز همچنین در و دیوار شهرهای این استان و دیگر شهرها با شعارهای اعتراضی پُر شد.

جمعه خونین زاهدان روزی فراموش‌نشدنی در انقلاب زن زندگی آزادی است. در این روز جنایتکاران جمهوری اسلامی مردم معترض زاهدان را که در اعتراض به تجاوز فرمانده نیروی انتظامی به دختربچه‌ای پانزده‌ساله به خیابان آمده بودند، به رگبار بسته و حداقل صد نفر کشته و شمار بسیاری زخمی و دستگیر شدند و تعدادی از مغازه‌های مردم نیز به آتش کشیده شد و دو روز بعد هم خدانور لجه‌ای، جوان معترض زاهدانی، از دستگیرشدگان جمعه خونین به قتل

رسید. چهره‌ای که مرگش افسانه شد و به یکی از نمادهای انقلاب زن زندگی آزادی تبدیل گردید.

واکنش اعتراضی جامعه به یورش وحشیانه به مردم زاهدان و موج همبستگی‌ها در سطح جامعه با مردم این شهر صف متحد و سراسری انقلاب زن زندگی آزادی برای رهایی از جهنم جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت. از جمله در چهلمین روز این قتل‌عام در کردستان و بسیاری از دیگر شهرها مردم دست به اعتصاب و تظاهراتهای اعتراضی زدند، دانشجویان در چندین دانشگاه تحصن کردند و از تهران تا آذربایجان و از خراسان تا جنوب و در همه جا شعار "زاهدان، کردستان، چشم‌وچراغ ایران" سر داده شد.

حکومت به زاهدان یورش برد تا این کانون داغ انقلاب را عقب بزند. اما این کشتار سبعانه آتش اعتراض مردم را تندتر کرد و تظاهراتهای خیابانی آنان تا یک سال بعد از شروع انقلاب به گرمی تداوم داشت. بدینگونه مردم در این استان نقش مهمی در داغ نگاه‌داشتن تنور انقلاب ایفا کردند. تظاهرات پر شور جمعه امسال نیز صدای رسای جامعه‌ای است که با فریاد ایستاده‌ایم تا پایان تداوم انقلاب را فریاد می‌زند.

# فتانه ولیدی بر شانه‌های زنان سنندج

## مینا بهروزی

روز پنجشنبه ۵ مهر جمع کثیری از مردم سنندج، هنرمندان و فعالین حقوق زنان در خاکسپاری هنرمند نامی سنندج زنده‌یاد فتانه ولیدی شرکت کردند. در این مراسم خاکسپاری زنان مبارز سنندج پیکر این هنرمند را بر دوش کشیدند و این هم یک سنت شکنی دیگری در تقابل با اسلام و  رژیم اسلامی بود.

جمهوری سلامی در طی ۴۵ سال گذشته تا کنون تلاش‌های زیادی کرده که زنان  را در پستوی خانه‌ها نگه دارد و از صحنه جامعه محو کرده

و به آنها به‌زور حجاب اسلامی را تحمیل کند. این آرزوی رژیم با مبارزات مردم و به‌ویژه زنان دود شده و به هوا رفت. در ادامه این نبرد عظیم اجتماعی اما ما شاهد قتل حکومتی ژینا امینی برای حفظ حجاب اجباری، این بربریت اسلامی بودیم که باعث شعله‌ورشدن انقلاب زن، زندگی، آزادی شد.

رژیم اسلامی همچون طالبان در افغانستان علیه آوازخوانی زنان فتوا صادر کرد، اما زنان در ایران علیه این عقب‌ماندگی اسلامی ایستادند و به ارتجاع و عقب‌ماندگی اسلامی نه گفتند. نمونه این نبرد سرنوشت‌ساز در حفظ هویت انسانی زنان فتانه ولیدی خواننده محبوب مردم سنندج

است که به‌خاطر صدای زیبایش که عرش اسلام را به لرزه درآورده است ممنوع بود و به‌خاطر همین سنت‌شکنی ضداسلامی توسط مردم گرامی داشته شد و پیکرش بر دوش زنان سنندج حمل گردید. حمل تابوت بر دوش زنان هم یکی دیگر از سنت‌شکنی‌های ضداسلامی است که در سنندج به نمایش در آمد تا این پیام به رژیم داده شود صدای زنان بسیار بلند است و رژیم در تقابل با مردم درمانده‌تر از همیشه است.

چه بدرقه زیبایی. زنان سنندج تابوت را استوار بر دوش کشیدند و تا آرامگاه حملش کردند و صدای زیبای زنانه‌اش را زن و مرد با هم تکرار کردند. فقط همین یک حرکت گواهی بر این

**است که بر تمام قوانین اسلامی‌شان، از جمله ممنوعیت خوانندگی زنان مهر باطل زده شود. دست آوردهای انسانی انقلاب زن زندگی آزادی به‌سرعت دارد به‌پیش می‌رود و ارزش‌های انسانی بیش‌ازپیش زندگی را رقم می‌زند و قوانین تبعیض‌آمیز اسلامی را زیر پای خودش له می‌کند. زنده‌باد زن زندگی و آزادی و بیداری و ارزش‌های جهان‌شمول انسانی.**

# لایحه سرگردان حجاب اسیر مبارزات زنان

## سیما بهاری

احمد راستینه، سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس، و موسی غضنفر آبادی، عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، به فاصلهٔ چند روز از یکدیگر اعلام کردند لایحهٔ یادشده که مدت‌ها بین مجلس و شورای نگهبان در رفت‌وآمد بود توسط این شورا "تأیید" شده است.

همین اظهارنظرهای غیررسمی دو عنصر در مجلس اسلامی، حتی پیش از تأیید رسمی شورای نگهبان کافی بود تا واکنش‌ها به خبر "تأیید لایحهٔ حجاب" در شورای نگهبان دیدنی شود.

”سلام بر آپارتاید جنسیتی“ اولین و وسیع‌ترین واکنش بود.

یک ماه پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی و با فرمان حجاب اجباری خمینی، جامعه صدایش را بلند کرد و فریاد زد: ”ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم“. از آن روز تا حالا چهرهٔ خیابان‌ها و پارک‌ها و پاساژها خیلی عوض شده و زنان بی‌حجاب همه‌جا هستند. مجلس اسلامی و شورای نگهبان در شرایطی لایحهٔ حجاب را تصویب و تأیید می‌کنند که زنان زندانی در مخالفت با حجاب سرکردن، از رفتن به دادگاه امتناع می‌کنند؛ در خیابان‌های شهرهای بزرگ و کوچک بی‌حجابی بسیار وسیع است و در

مترو و مکان‌های عمومی مزدوران حجاب بان و گشت‌های رژیم مورد تمسخر مردم قرار می گیرند. یک جامعهٔ چند ده‌میلیونی دین و قرآن و قوانین مذهبی را پس زده‌اند و زندگی مدرنِ امروزی به رفتار روزمره اجتماعی آنها تبدیل شده است.

نمایندهٔ خامنه‌ای در خوزستان می‌گوید: وقتی مردان بی‌حجاب‌ها را می‌بینند، کانون خانواده متلاشی می‌شود. یکی از کاربران شبکه‌های اجتماعی پاسخ داده است: خانواده با گرانی سرسام‌آور مایحتاج زندگی متلاشی می‌شود و زنان شجاع و معترض به حجاب می‌گویند با دیدن بی‌حجابی آنچه متلاشی می‌شود حکومت شماست!

مزدورانتان را با خشونتی غیرقابل‌وصف به جانمان انداختید. پل‌عابر پیاده را به‌خاطر عبور بی‌حجاب‌ها بستید و مغازه و پارک و سینما و بسیاری از مکان‌های عمومی را پلمب کردید، اما ما نترسیدیم و به عقب برنگشتیم. در مترو آواز می‌خوانیم، در خیابان حجاب برمی‌داریم و در زندان شعار می‌دهیم. ما این نبرد را قوی‌تر می‌کنیم. هنوز جای بسیاری از زنان که کاملاً حجاب برنگرفته‌اند در صفوف میلیونی بی‌حجابی خالی است. کل جامعه علیه حجاب اسلامی دوش‌به‌دوش زنان باید به میدان بیاید. این یک جنگ سرنوشت‌ساز با حکومت اسلامی است.

# توماج صالحی و جایزه واتسلاو هاول

## بابک یزدی

بنیاد "واتسلاو هاول" جایزه سال ۲۰۲۴ میلادی خود را به نمایندهٔ توماج صالحی، خوانندهٔ رپ اعتراضی و زندانی سیاسی مبارز در ایران، اهدا کرد.

این جایزه "برهم‌زدن آرامش" نام دارد. حقاً که توماج صالحی سال‌هاست بخشی از آرامش رژیم و ایادی‌اش را بر هم زده است! این جایزه در چهارم مهرماه ۱۴۰۳ در طی مراسمی به خانم کیلن گالاهر که وکیل بین‌المللی توماج هست اهدا شده است. قبلاً نام توماج صالحی در میان

سه نفر کاندیدای این جایزه بود. این جایزه معمولاً به هنرمندانی که به حقوق بشر و مبارزات مردم توجه بیشتری دارند و همچنین مورد اذیت و آزاد دولت‌ها قرار می‌گیرند تعلق می‌گیرد.

خود این بنیاد قبلاً مطرح کرده بوده که این جایزه را به دلیل شجاعت توماج در مبارزه برای حقوق بشر و مخالفت‌های خلاقانه و مبتکرانه‌اش در نظر گرفته بوده و به این دلایل او را شایسته این جایزه می‌داند. جالب است که این بنیاد به‌درستی از توماج به‌عنوان نویسندهٔ شجاعی که جانش در خطر هست یاد کرده است. چرا که توماج نویسنده متن ترانه‌های اعتراضی خود نیز هست و مردم توماج را به‌عنوان نویسنده کمتر

**می‌شناسند!**

**کفالت‌های بین‌المللی برای توماج صالحی، حمایت‌های جهانی برای توماج صالحی، از داخل و خارج کشور رژیم اسلامی را مجبور کرد تا حکم اعدام این مبارز در بند را لغو کند. مبارزه و مقاومت توماج و توماج‌ها در درون و بیرون زندان امید ادامه مبارزه را در دل مردم و جنبش انقلابی زن زندگی آزادی تقویت کرده و راه نشان می‌دهد.**

**ما در کنار دیگر مخالفین رژیم بارها در خارج کشور در تظاهراتهای هزاران نفره عکس‌های توماج و سپیده و نرگس و دیگر زندانیان سیاسی**

در بند را در دست داشته و  فریاد مقاومت و آزادی آنها را به گوش جهانیان رسانده‌ایم.

توماج صالحی‌ها، بند زنان زندان اوین، سه‌شنبه‌های اعتراضی در درون زندان‌ها اعتراضات و اعتصابات کارگران و پرستاران و بازنشستگان و معلمان و... ادامه جنبش انقلابی زن زندگی آزادی را تضمین کرده و راه نشان می‌دهند. وجود هر نفر در مبارزه علیه جمهوری اسلامی ارزشمند است و همین افراد هستند که سیل جمعیت میلیونی را در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی به راه می‌اندازد.

# شکایت ۴ دولت علیه زن‌ستیزی طالبان

حسن صالحی

وزرای امور خارجه چهار کشور کانادا، استرالیا، آلمان و هلند در نشست مجمع‌عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک اعلام کرده‌اند که از طالبان به بالاترین دادگاه جهان به‌خاطر "نقض فاحش و سیستماتیک" معاهده حقوق زنان سازمان ملل متحد در افغانستان شکایت می‌کنند. چندی پیش "مریل استریپ" در سخنرانی تکان‌دهنده خود در سازمان ملل ابعاد این آپارتاید جنسیتی در افغانستان را چنین شرح داده بود: "در افغانستان گربه‌ها حق دارند صورتشان را در معرض نور خورشید قرار بدهند و آفتاب بگیرند

و در پارک‌ها دنبال سنجاب‌ها بدوند و پرندگان می‌توانند آواز بخوانند، اما زنان در افغانستان از همه اینها محروم‌اند.“ حبس خانگی زنان و محو آنها از انظار عمومی کاری است که طالبان با زنان این کشور کرده است.

شکایت چهار دولت غربی علیه طالبان یک موفقیت برای زنان نه فقط در افغانستان بلکه در ایران نیز هست. چرا که هر دو حکومت طالبان و جمهوری اسلامی رژیم‌های بندگی زن و مبتنی بر آپارتاید جنسیتی هستند. کشاندن پای طالبان به دادگاه بین‌المللی لاهه زمینه را برای محاکمه جمهوری اسلامی نیز در این دادگاه به دلیل زن‌ستیزی و اعمال آپارتاید جنسیتی هموار

خواهد کرد.

طالبان همچون جمهوری اسلامی از ایدئولوژی اسلام تبعیت می‌کند که به پیرو آن زن تنها به دلیل زن بودنش، به دلیل جنسیتش، یک عنصر مشکوک سیاسی است و اگر کنترل نشود ذاتاً یک تبهکار اجتماعی است. طالبان با جداسازی سازی سیستماتیک زنان از مردان به طرد زنان از جامعه پرداخته است. آپارتاید جنسیتی محو انسانیت زنان است و در همه‌جا باید به‌عنوان جنایت علیه بشریت شناخته و ممنوع شود.

دولت‌هایی که با حکومت‌هایی نظیر طالبان و جمهوری اسلامی  کنار می‌آیند وبر رنج زنان در

این دو کشور چشم می‌بندند عملاً شریک جرم جنایت علیه زنان‌اند. امید ما این است با جلب حمایت جهانی از سازمان‌های زنان، احزاب و انجمن‌ها و نهادهای مترقی و مدافع برابری زن و مرد و اتحادیه‌های کارگری و شخصیت‌های بانفوذ هنری و سیاسی، جنبش رهایی زنان در ایران و افغانستان را قوی‌تر سازیم. آپارتاید جنسیتی نباید جایی در جامعه جهانی داشته باشد. برپادارندگان آپارتاید جنسیتی علیه زنان باید طرد، منزوی و به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۴۷

۲۹ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۸ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

هلاکت حسن نصرالله و موقعیت رقت‌بار جمهوری اسلامی

حمید تقوایی

جمعه خونین زاهدان از یاد نمی‌رود

منظر دریاکناری

مرگ نصرالله و واکنش خامنه‌ای!

محسن ابراهیمی

در همبستگی با کارگران معدن طبس

اصغر کریمی

پیام پزشکیان به آمریکا و مردم ایران

کیوان جاوید

# هلاکت حسن نصرالله و
# موقعیت رقت‌بار جمهوری اسلامی

حمید تقوایی

خوشحالی مردم ایران، لبنان، سوریه و تونس در واکنش به مرگ حسن نصرالله یک‌بار دیگر بی‌پایگی و انزوای حزب‌الله و کل نیروهای تروریستی اسلامی در میان مردم منطقه را به نمایش گذاشت. این نیروها از بی‌عدالتی و ستم تاریخی که بر مردم فلسطین تحمیل شده است سرمایه‌ای برای قدرت‌گیری ارتجاعی‌ترین و ضد انسانی‌ترین جنبش عصر ما، جنبش تروریسم اسلامی ساخته‌اند. امر آنها امر برحق جنبش مردم فلسطین نیست، نقطه مقابل آنست. می‌خواهند

جهنمی که جمهوری اسلامی در ایران برپا کرده است را به کل منطقه و کل کشورهای اسلام‌زده گسترش بدهند. به این دلیل است که هر ضربه‌ای به این نیروها شادی مردم را بدنبال دارد.

تا آنجا که به شرایط سیاسی ایران مربوط می‌شود کشته‌شدن حسن نصرالله جمهوری اسلامی را در موقعیت رقت باری قرار داده است. حکومت از یکسو ناگزیر است برای حفظ موقعیت و حتی اعتبار و حیثیت خود در میان نیروهای اسلامی متحدش در منطقه واکنشی نشان بدهد و از سوی دیگر هر نوع تقابلی، حتی از نوع رجزخوانی‌های توخالی در مورد انتقام سخت که بعد از کشته‌شدن قاسم سلیمانی و اسماعیل هنیه از خود نشان داد، می‌تواند با اقدام شدیدتری از جانب اسرائیل

پاسخ بگیرد. تا کنون مقابله جمهوری اسلامی با اسرائیل در حد رجزخوانی‌های تبلیغاتی بعلاوه اقدامات ایذائی نیروهای تروریستی نیابتی‌اش بوده است. اکنون ضربه مهلک به حزب‌الله که مهم‌ترین و نزدیک‌ترین نیروی نیابتی رژیم و عملاً شاخه سپاه قدس در لبنان است، حتی جایی برای رجزخوانی هم باقی نگذاشته است. خامنه‌ای ناگزیر است از مخفیگاه امنش به کلی‌گویی در مورد ادامه کاری حزب‌الله و مرثیه‌خوانی برای شهید حسن نصرالله بسنده کند و هیچ حرفی از انتقام سخت و نیمه‌سخت بمیان نیاورد. این ته‌مانده آبرو و اعتبار جمهوری اسلامی در میان نیروهای درهم‌ریخته نیابتی‌اش را هم تماماً بر باد می‌دهد.

نتانیاهو از "نظم تازه" در خاورمیانه صحبت می کند و خامنه‌ای می‌گوید آینده منطقه را "نیروهای مقاومت" رقم خواهند زد. اما واقعیت چیز دیگری است. در خاورمیانه دو جنگ در جریان است: جنگ دولت اسرائیل با نیروهای تروریستی اسلامی و جنگ مردم ایران علیه جمهوری اسلامی. آینده خاورمیانه را این جنگ دوم، انقلاب زن زندگی آزادی، رقم خواهد زد.

# جمعه خونین زاهدان از یاد نمی‌رود

## منظر دریاکناری

۸ مهر ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات وسیع مردم در زاهدان، جانیان رژیم اسلامی به وحشیانه‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین وجه ممکن به‌سوی تظاهرات کنندگان بی‌دفاع شلیک کردند که بیش از ۱۰۰ کشته و صدها زخمی برجا گذاشت. این واقعه هولناک برگی دیگر از جنایت جمهوری اسلامی علیه مردمی است که برای یک زندگی انسانی تلاش می‌کنند.

دومین سال از این کشتار فاشیستی را پشت سر گذاشتیم. حکومت طی این دو سال نیز دره

عمیق‌تری بین خود و جامعه کنده است که روزانه بر عمق آن افزوده می‌شود. رابطه بین مردم با حکومت فقط خشم و نفرت و عزم سرنگونی این رژیم است.

ما مردم ایران در جریان انقلاب زن زندگی آزادی درس‌های بسیاری آموختیم که در ادامه مبارزه ما برای سرنگون‌کردن جمهوری اسلامی حیاتی است. ما اتحاد و همه با هم بودن و یک منافع مشترک انسانی داشتن را به بهترین وجه ممکن در دل این اعتراضات سراسری تجربه کردیم.

همیشه در تاریخ مبارزات مردم در ایران یک ضدارزش و یک خطر، بالای سر مردم چرخ می‌زد که شاید جریانات راست آریایی پرست و قومیت

پرست بتوانند تأثیری مخرب بر اتحاد سراسری مردم بگذارند. جریاناتی قومی – فاشیستی در آذربایجان که سال‌ها تخم نفاق بین کُرد و تُرک پاشیده بودند، یا جریانات قومی در کردستان که با فدراسیسم قومی سعی در تکه پاره‌کردن مبارزات سراسری مردم در سراسر ایران را داشتند، یا جریاناتی در خوزستان که با سنی‌گری اسلامی و سلفی گری ارتجاعی سعی در بیراهه بردن مبارزه مردم را داشتند، همگی در دل این انقلاب نوین و زیبای زن زندگی آزادی شدیداً حاشیه‌ای و بی‌اثر شدند.

در این انقلاب که بازتاب جهانی آن به‌خاطر نو بودن، مدرن و انسانی بودن آن بی‌نظیر است، اپوزیسیون راست سلطنت‌طلب بر طبل تفرقه و

**احیای ساواک و مرگ بر مخالفین رضا پهلوی کوبید و به ستون پنجم ضدانقلاب جمهوری اسلامی تبدیل شد.**

**مردم زاهدان و همه شهروندان در خوزستان نشان دادند که همراه با همه مردم در سراسر ایران یک هدف واحد دارند: سرنگونی جمهوری اسلامی و دست‌یافتن به کرامت انسانی و آزادی و برابری همگانی. یاد جانباختگان جمعه خونین زاهدان را با اتحادی هر چه بیشتر برای نابودی جمهوری اسلامی عزیز می‌داریم. نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم.**

# مرگ حسن نصرالله و واکنش خامنه‌ای!

محسن ابراهیمی

**اعلام پنج روز عزای عمومی توسط خامنه‌ای به‌خاطر قتل حسن نصرالله نشان می‌دهد که چه ضربه مهلکی بر جریان اسلامی مورد حمایت جمهوری اسلامی در منطقه وارد شده است.**

**می‌دانیم که حضور و تحرک "محور مقاومت" در منطقه، نقطه امید بزرگی برای خامنه‌ای از نقطه‌نظر بقای سیاسی در ایران بوده است و می‌دانیم که حزب‌الله رکن اصلی "محور مقاومت" و حسن نصرالله به قول خود خامنه‌ای "پرچمدار برجسته" حزب‌الله بود. کشته‌شدن این پرچمدار توسط دشمنی که خامنه‌ای قرار بود به دریا بریزد، بی‌تردید یک**

**شکست بزرگ نظامی، امنیتی و مهم‌تر از همه سیاسی برای اسلام سیاسی و در رأس آن نظام اسلامی و خامنه‌ای است.**

**حالا که مهم‌ترین عنصر محور مقاومت به قتل رسیده است، خامنه‌ای به‌جای رجزخوانی‌های آشنا در باره "انتقام سخت"، این بار پنج روز عزای عمومی اعلام کرد و سرنوشت حزب‌الله را به "مسلمانان و حول و قوه الهی" حواله داد. این یعنی خامنه‌ای بشدت از هرگونه درگیری مستقیم با اسرائیل هراس دارد. اعلام عزای عمومی به جای پاسخ سخت، دو حقیقتِ به هم مربوط را نشان می‌دهد: اهمیت حیاتی حزب‌الله و حسن نصرالله برای خامنه‌ای و جمهوری اسلامی از یک طرف و درماندگی و استیصال مفرط حکومت**

اسلامی در منطقه از طرف دیگر. خامنه‌ای روی لبنان به‌عنوان "عمق استراتژیک" حساب می‌کرد که حسن نصرالله پرچم اسلام سیاسی را از آنجا به مسجدالقصی خواهد رساند و بر بالای آن به اهتزاز در خواهد آورد. قتل حسن نصرالله ضربه سنگینی به این آرزوی مالیخولیایی زد.

خامنه‌ای عزادار است و مردم شادی می‌کنند. آنچه در این اتفاقات برای مردم در ایران مهم است، تبدیل‌کردن وضعیت آشفته و درمانده حکومت اسلامی در منطقه، به سکویی برای هجوم نهایی در داخل است. هر چقدر نیروهای وابسته به حکومت اسلامی در منطقه بیشتر نابود شوند، هر چقدر زیر پای این حکومت در منطقه خالی‌تر شود و بازوهای تروریستی این حکومت در منطقه تضعیف شوند،

همانقدر توازن قوا در ایران برای واردآوردن ضربه کارسازتر بر پیکر حکومت اسلامی به نفع مردم تغییر می‌یابد. ضربه‌ای که با ساقط کردن حکومت اسلامی فضای سیاسی را برای تعیین تکلیف امثال نتانیاهو توسط مردم اسرائیل و هموارکردن مسیر برای حل مساله فلسطین باز خواهد کرد.

# در همبستگی با کارگران معدن طبس

## اصغر کریمی

در میدان شهرداری رشت بنری با جمله بابا جان داد همراه با شمع‌های روشن در همبستگی با کارگران معدن طبس توجه زیادی جلب کرد. بازنشستگان کرمانشاه یک دقیقه سکوت اعلام کردند و گروه کوهنوردی چلچمه در سنندج بنری با این عبارت در دست گرفتند: "ما خواستار محاکمه کارفرما، اداره کار و عاملان قتل کارگران معدن طبس هستیم". درست می‌گویند این یک قتل بود، یک کشتار جمعی، و قاتلان را همه می‌شناسند.

این اتفاق نه طبیعی بود نه بخاطر تحریم. حکومت در

همراهی با کارفرما و مقاطعه‌کار زمینه‌های این قتل را سازمان داده بود. علیه این کشتار همبستگی‌های زیادی از طرف بازنشستگان، تشکل‌های کارگری، معلمان، پرستاران، نویسندگان، فعالین حقوق زن و زندانیان سیاسی شروع شده است. کشتارهای قبلی حتی در معدن یورت که ۱۲۰ کشته و زخمی بر جای گذاشت انعکاس زیادی نداشت. اینبار این جنایت در فضای انقلاب زن زندگی آزادی اتفاق افتاد و عکس‌العمل جامعه متفاوت است.

این همبستگی‌ها زمینه همبستگی‌های بیشتر را فراهم آورده است. مراسم‌های بزرگداشت بیش از ۵۰ کارگر جانباخته در راه است. در همه شهرها مانند رشت می‌توان شمعی روشن کرد یا گل‌هایی

را همراه با عکس جانباختگان در میدانی گذاشت. کارگران مراکز کارگری از هفت‌تپه و فولاد تا ماشین‌سازی‌ها و غیره، دادخواهان، دانشجویان، جوانان انقلابی، هنرمندان و ورزشکاران معترض و بخش‌های مختلف مردم می‌توانند دست به اقدامی بزنند و بهر شکلی که می‌توانند همبستگی‌شان را با کارگران معدن طبس و خانواده‌های جانباخته اعلام کنند. باید موجی از همبستگی در سراسر کشور شکل داد.

در خود طبس با ۱۴ هزار کارگری که در معادن ناامن این شهر مشغول کار هستند انتظار می‌رود مراسم‌های بزرگداشت جانباختگان هر چه باشکوه‌تر برگزار شود. در کل کشور نیز ۱۳۰ هزار کارگر

معدن نیروی عظیمی هستند با شرایطی مشابه از نقطه‌نظر شرایط ناامن کار تا دستمزدهای ناچیز و انواع بی حقوقی‌ها و اجحافاتی که علیه آنان صورت می‌گیرد. همبستگی‌هایی که با کارگران معدن طبس شروع شده زمینه را برای حرکت جمعی این نیرو، دست‌زدن به اعتصاب سراسری آنها، بیانیه‌های آنها، و بلندکردن پرچم مطالبات آنها آماده‌تر کرده است. شبکه‌ها و تشکل سراسری کارگران معادن حیاتی است که با اتکا به تجارب کارگران نفت، پرستاران، معلمان و بازنشستگان باید دست‌به‌کار ایجاد آن شد. زمینه‌های مساعد پیشروی برای کارگران معادن بیش از هر زمان آماده شده است. پیش بسوی تشکل سراسری کارگران معادن.

# پیام پزشکیان به آمریکا و مردم ایران

## کیوان جاوید

وقتی پزشکیان در سازمان ملل گفت: ”ما هم اسلحه‌های خودمان را زمین می گذاریم به شرطی که اسرائیل هم زمین بگذارد“، جوابش را با قتل حسن نصرالله گرفت. بااین‌وجود سلاح جمهوری اسلامی باروتش نم کشیده است و در حال برگزاری عزاداری عمومی حکومتی است. یا وقتی گفت حل اختلاف در حوزه برجام مشروط به این است که ”آمریکا باید ما را آدم حساب کند“، کسی در غرب ”آدم حسابش نکرد.“

در حوزه داخلی اما اوضاع متفاوت از آن چیزی

است که پزشکیان در خارج سعی کرده پیامش را به دولت‌های غربی و به‌ویژه به آمریکا برساند. طی همین روزها در حوزه اقتصاد و زیر پا له کردن بیشتر حقوق شهروندی، جمهوری اسلامی چهارنعل پیش تاخته است. چند نمونه:

– پس از افزایش ۲۰ درصدی قیمت شیر خام در روزهای اخیر، دبیر انجمن صنایع لبنی از افزایش ۱۴ درصدی قیمت لبنیات در روزهای پیشِ رو خبر داده است.

– قیمت نان نیز طی هفته‌های گذشته رشدی "۲۵" درصدی داشته است.

– شمار اعدام‌شدگان زندان عادل‌آباد شیراز در دو هفته گذشته به ۲۱ تن رسید.

– آنیشا اسداللهی، فعال کارگری زندانی در زندان

اوین، طی ۳ ماه گذشته از ملاقات با خانواده خود محروم بوده است.

- قیمت دلار با تایید رسمی کشته‌شدن حسن نصرالله از محدوده ۶۲ هزار تومان عبور کرد.

- ۵۲ کارگر معدن طبس درعین‌حال که یک روز پیش از انفجار هشدار داده بودند گاز انباشته شده در معدن به مرحله خطرناکی رسیده است با تهدید کارفرما (سرِ کار حاضر شوید یا ورقه تسویه‌حساب را امضا کنید) به قتل رسیدند.

وضعیت حفظ حکومت، اما رو به وخامت بیشتری گذاشته است. خامنه‌ای با مرگ حسن نصرالله به مخفیگاه فوق‌سری کوچ کرده است. در این فضای یاس حکومتی و شرایط انفجاری از خشم عمومی

مردم، می‌شود میخ آخر را بر تابوت رژیم کوبید. با اعتصابات و اعتراضات متشکل و به‌هم‌پیوسته و با بی‌حجابی‌های عمومی‌تر، جامعه از نظر سیاسی در موقعیت تعرضیِ بی‌نظیری قرار می‌گیرد. این تعرض سیاسی را می‌شود بیش از این به خیابان کشید. اعتصابات کارگری در رکن اصلی این عمل مستقیم قرار دارد. معلمان، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان، دانش‌آموزان و همه کسانی که از بیکاری رنج می برند، می‌توانند علیه حکومت همچون یک ارتش واحد با هنگ‌های ویژه عمل کنند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۴۸

۳۰ سپتامبر ۲۰۲۴ – ۹ مهر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

در مورد هلاکت حسن نصرالله

بیانیه حزب کمونیست کارگری

وضعیت قرمز رژیم خامنه‌ای

سینا پدرام

شکایت همسران چهار زندانی اعدام شده از جمهوری اسلامی به سازمان ملل

عبدل گلپریان

آمار حکومتی خط فقر، جنبش علیه فقر

کیوان جاوید

پاپ و اظهارت آشنای ضد زن

شهاب بهرامی

# در مورد هلاکت حسن نصرالله

## بیانیه حزب کمونیست کارگری

با هلاکت حسن نصرالله و شماری از سران قدس سپاه پاسداران که در روز گذشته ۷ مهرماه صورت گرفت، حکومت اسلامی عزای عمومی اعلام کرده و در مقابل، مردم در ایران و سوریه و لبنان و عراق به شادی و پایکوبی می پردازند. حذف سرکرده سازمان تروریستی حزب الله و فرماندهان ارشد آن، برای جمهوری اسلامی بسیار سنگین است و بویژه از آن رو که به دنبال قتل اسماعیل هنیه رهبر حماس در تهران و قتل شماری از سران سپاه پاسداران و ضربات متعددی در ماههای قبل صورت میگیرد، و حکومت اسلامی هیچ توانی برای

مقابله با دولت اسرائیل ندارد، برای حکومت و کل جنبش ارتجاعی اسلامی به مثابه ضربه مرگ قلمداد می شود. جمهوری اسلامی در جنگ با اسرائیل آشکارا قافیه را باخته و شکست خورده است و این شکست، نیروهایش را در برابر مردمی که در جنگ سرنگونی با این حکومت هستند، بسیار تضعیف و بی روحیه کرده و در موضع بسیار ضعیف تری قرار می دهد. پیامدهای حذف رهبر حزب الله قطعا صفوف حکومت را بیش از پیش از بالا تا پایین به هم خواهد ریخت، شکافها را بیشتر خواهد کرد، و بحران عمیق و گسترده ای را در صفوف آن دامن خواهد زد که  فی الحال نشانه هایش را در گفته های رسانه ها و برخی عوامل حکومتی میتوان مشاهده کرد.

**حکومت اسلامی در داخل کشور بشدت منفور و مورد انزجار مردم است و در سطح بین المللی بیش از پیش بی افق و منزوی است و با این ضربه و ضربات قبل از آن، پوچی قلدرمآبی ها و رجزخوانی هایش برای دنیا روشنتر شده و به موقعیت ضعیف تری رانده خواهد شد.**

**برای ما مردم که در پی سرنگونی این حکومت آدمکش هستیم و جنگ اصلی را با این حکومت به پیش می بریم، شکست سیاسی و نظامی حکومت اسلامی، بسیار خوشحال کننده است و فرصتی است که خود را برای وارد کردن ضربات کاری تر به آن و به زیر کشیدن حکومت درمانده و**

**مستاصل اسلامی آماده تر کنیم.**

**در همه جا و با استفاده از شیوه های مختلف گفتمان سرنگونی و انقلاب را وسیعا دامن بزنیم. به مزدوران حکومت در همه جا به شیوه های مختلف تعرض کنیم و روحیه هایشان را پایین تر بیاوریم. اعتراضات و اعتصابات بخشهای مختلف را گسترش دهیم. هر چه بیشتر متشکل شویم و همبستگی‌هایمان را محکم‌تر کنیم. بی‌حجابی را گسترش دهیم و سرپیچی از مقررات حکومتی را در سراسر کشور دامن بزنیم.در و دیوارها را از شعار پر کنیم و رسانه های اجتماعی را برای هماهنگی و شفافیت خواستهایمان و آماده سازی برای شروع خیزشهای سراسری وسیعا به کار**

گیریم.

ادامه انقلاب زن زندگی آزادی و به زیر کشیدن این حکومت با خیزشهای مردمی، تنها راه خلاصی مردم ایران و دنیا از شر حکومت اسلامی و تروریسم اسلامی و حاشیه ای کردن و پایان دادن به خصومتها و تفرقه های قومی و مذهبی است. صفوف خود را برای گسترش انقلابمان سازماندهی و آماده کنیم. دنیا برای دستیابی به امنیت و آزادی و صلح، به سرنگونی این حکومت بسیار نیازمند است و مردم دنیا خود را در کنار ما می دانند. با بزیر کشیده شدن جمهوری اسلامی کل جنبش ضد انسانی اسلام سیاسی در منطقه و در جهان منزوی و حاشیه ای خواهد شد و بهانه

**و توجیه تروریسم دولتی اسرائیل برای سرکوب و کشتار مردم فلسطین تحت لوای مبارزه با تروریسم نیز از بین خواهد رفت. پیروزی مردم ایران در مبارزه علیه جمهوری اسلامی نقطه آغاز حل انسانی مساله فلسطین و پایان بخشیدن به جنگ و کشتار در خاورمیانه خواهد بود.**

**حزب کمونیست کارگری همه مردم را به آمادگی و سازمان یافتن برای ادامه انقلاب و سرنگونی حکومت منفور اسلامی و برپایی جامعه ای شاد و برابر و آزاد و بدون اعدام و سرکوب و جنگ و چپاول فرا میخواند .**

# وضعیت قرمز رژیم خامنه‌ای

## سینا پدرام

**سازمان پدافند غیرعامل در اطلاعیه‌ای با توجه به اتفاقات افتاده و همچنین احتمال گسترش حملات سایبری به زیرساخت‌ها، وضعیت آماده‌باش سایبری با رنگ قرمز اعلام کرد.**

**جنگ در لبنان ادامه سیاست‌های جنگی بخش راست و فاشیست هیئت حاکمه اسرائیل در منطقه است. از سوی دیگر با توجه به وضعیت رقت‌بار نیروهای اسلامی که عمدتاً از سوی رژیم اسلامی ایران حمایت می‌شوند، فرصت مناسبی برای اسرائیل پیش آمده است که با توان کامل**

این جریانات اسلامی را از "حیات خلوت" خود پاکسازی کند.

اشتباهات محاسباتی حزب‌الله، حماس، رژیم اسلامی ایران در مورد حجم اطلاعات اسرائیل از توان نظامی و لجستیک این نیروها در منطقه لطمات جدی را به آنان وارد آورده است، اما این جنگ با چنین ابعادی بدون وجود وضعیت سیاسی مناسب نمی‌توانست شروع شود. سرانجام جنگ به فاکتورهای فرامنطقه‌ای و جهانی پیچیده‌تری مربوط می‌شود که باید به‌صورت مجزا بررسی شود.

اما موضع رژیم اسلامی در قبال کشته‌شدن حسن

نصرالله در جریان حمله اسرائیل به مقر این جریان در بیروت، نمایان گر سردرگمی، ضعف و ترس از رو در رویی نظامی با اسرائیل است. خامنه‌ای و سران رژیم به دنبال خرید "سوراخ موش" هستند. رژیم اسلامی می‌داند که هر درجه از تحریک اسرائیل می‌تواند به تضعیف هر چه بیشتر آن در منطقه منجر شود و "محور مقاومت" را به اوج حقارت بکشاند. "اعلام وضعیت قرمز" وضعیت "قرمز" رژیم را نشان می‌دهد.

آچمز نظامی در مقابل اسرائیل، روشدن دست رژیم اسلامی در منطقه، نتیجه مخرب این سیاست‌ها برای مردم غزه و لبنان در حال حاضر و از همه مهم‌تر "خطر بزرگ انقلاب" و آچمز سیاسی رژیم

**در مقابل مردم عوامل اصلی هستند که وضعیت و موقعیت فعلی رژیم را تعریف می‌کنند.**

**جنگ تروریست‌های اسلامی با تروریست‌های دولتی اسرائیل نتیجه‌ای جز خانه‌خرابی و فلاکت بیشتر برای مردم منطقه نخواهد داشت و نفرت بیشتر و عمیق‌تری را در بین مردم منطقه خواهد کاشت. آنچه روشن است انقلاب زن زندگی آزادی راه نجات منطقه از بربریتی است که دهه‌ها بر زندگی مردم چنبره زده است.**

# شکایت همسران چهار زندانی اعدام شده از جمهوری اسلامی به سازمان ملل

عبدل گلپریان

روز یکشنبه هشتم مهر جوانا طیمسی، ماریا محمودی، گلستان ارژنگی و بیان عظیمی همسران چهار زندانی سیاسی اعدام شده، محسن مظلوم، محمد فرامرزی، وفا آذربار و پژمان فاتحی با اشاره به این موضوع که "حرکت دادخواهی" خود را آغاز کرده‌اند، در اولین امکان حقوقی پیش رو، با مساعدت وکیل خانوادهها، از جمهوری اسلامی در این گروه شکایت کرده‌اند و افزودند: "ما خانواده‌های داغدار، تمامی سازوکارهای حقوقی موجود بین‌المللی و ملی ولو پیچیده و

دشوار را در مسیر دادخواهی‌مان طی خواهیم کرد“ و تأکید کردند که می‌خواهند ”صدای رسای عدالت‌خواهی“ علیه جمهوری اسلامی ایران باشند.

علی‌رغم اعتراض‌های گسترده بین‌المللی این چهار زندانی سیاسی نهم بهمن سال گذشته در زندان قزل‌حصار اعدام شدند. آنها عضو حزب کومله کردستان بودند که در سال ۱۴۰۱ در ارومیه بازداشت و به ”جاسوسی برای اسرائیل“ متهم شدند؛ اتهامی که قویاً توسط خود این چهار تن رد شد. وکیل آنها نیز به روند بررسی پرونده و اتهام علیه آنان اعتراض کرده بود. آدمکشان اسلامی قول انتقال اجساد آنان به

خانواده‌هایشان در کردستان داده بودند، اما از این کار خودداری کردند و تا کنون محل دفن آنها را به خانواده‌هایشان اطلاع نداده‌اند.

در آستانه روز جهانی علیه اعدام، جنبش دادخواهی صدای رسای خود علیه قاتلان فرزندان مردم را بیش‌ازپیش فریاد می‌زند. مردم در شهرهای کردستان و در سراسر کشور بخش بزرگی از جنبش دادخواهی علیه جمهوری اسلامی هستند. اقدامات پیگیرانه خانواده‌های دادخواه در جنبش دادخواهی بخشی از تلاش دادخواهان در مجامع بین‌المللی است که باید از سوی جنبش بین‌المللی علیه اعدام مورد حمایت و پشتیبانی گسترده قرار گیرد. باید قاتلان اسلامی را در

سراسر جهان مورد پیگرد قضایی قرار داد.

در داخل کشور جنبش علیه اعدام با جنبش انقلابی و سرنگونی‌طلبانه علیه جمهوری اسلامی درهم‌تنیده شده است. مردم آزاده و مبارز شهرهای کردستان قادرند و می‌توانند وسیعاً در کنار همسران و خانواده‌های دادخواه چهار زندانی سیاسی اعدام شده و در حمایت و پشتیبانی از تلاش آنان به اشکال مختلف صدای این دادخواهی باشند. در داخل و در سطح بین‌المللی باید قاتلان و باندهای اسلامی حاکم بر ایران را که این روزها در اوج درماندگی بسر می‌برند در منگنه حرکت‌های اعتراضی و اقدامات قضایی بین‌المللی قرار داد.

# آمار حکومتی خط فقر ، جنبش علیه فقر

کیوان جاوید

طبق آمارهای حکومتی ۲۸ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند. بر اساس همین آمارها خط فقر پارسال در تهران ۳۰ میلیون تومان و خط فقر در شهرستان‌ها نیز معمولاً ۲۰ درصد کمتر از تهران برآورد شده است. اما به گفته راغفر، اقتصاد دان نزدیک به حکومت "بنظر نمی‌رسد" تعداد افرادی که امروز زیر خط فقر مطلق قرار گرفته‌اند کمتر از ۵۰ درصد جمعیت کشور باشد.

لازم نیست به فرهنگ لغات رجوع شود تا معنی واقعی فقر را دریافت. کسی که با فقر زندگی

می‌کند عملاً تاثیر مخرب آن بر همه وجوه زندگی خود و خانواده‌اش را با همه وجود درک می‌کند. فقر و خطر بالای اعتیاد؛ فقر و خطر بالای خودکشی؛ فقر و یاس و ناامیدی؛ فقر و عدم دسترسی مؤثر به بهداشت و درمان و تحصیل؛ فقر و مهیا بودن زمینه اجتماعی برای تبدیل‌شدن به فروشندگان مواد مخدر؛ فقر یعنی تن‌فروشی – در ایران سن تن‌فروشی به ۱۰ ساله‌ها هم رسیده است –. در تقابل با این فقر عمومی باید بصورت مؤثرتر دست‌به‌کار شد.

جنبش علیه فقر و فلاکت یک ظرف مشترک برای همه کسانی است که در ایران با مزد بخور و نمیری زندگی می‌کنند. جنبش علیه فقر همه

مزدبگیران اعم از کارگر و بازنشسته و معلم و پرستار و دیگر بخش‌های حقوق‌بگیر را در بر می‌گیرد، اما به این محدود نمی‌ماند. یک بخش وسیع دیگر از جامعه که بیش از همه دچار فقر مضاعف است، بیکاران هستند. در شرایطی که مزدبگیران "آب‌باریکه‌ای" برای بقا دارند، این بیکاران هستند که در بیابان بی آب و غذای دست‌ساز حکومت اسلامی زیر نور آفتاب سوزانِ زندگی در حال سوختن‌اند.

جنبش علیه بیکاری یعنی ایجاد شرایطی که بخش هر چه وسیعی تری از مزدبگیران و بیکاران و "خانه‌دارها" در کنار هم قرار بگیرند و یک جنبش واحد ضد فقر را سازمان بدهند.

بخش متشکل مزدبگیران ازآنجاکه از موهبت در کنار هم بودن برخوردارند، می‌توانند در رأس این جنبش قرار بگیرند. اعتراضات و اعتصابات جاری که هر روزه در ایران در جریان است را می‌شود به یک حرکت "فرا صنفی" علیه فقر تبدیل کرد. رهبران جنبش‌های اعتراضی در این مسیر نقش تاریخ‌سازی دارند. جنبش ورود به خیابان با کاسه‌های خالی نیز حرکتی آشنا در جهان است.

# پاپ و اظهارت آشنای ضد زن

شهاب بهرامی

**اظهارات پاپ فرانسیس در یک دانشگاه کاتولیک در بلژیک در مورد نقش زن با انتقادهای زیاد روبه‌رو شده است.**

**باز هم جناب پاپ، باز هم واتیکان، باز هم رسوائی. ظاهراً سیر مداوم افتضاحات پاپ اعظم و واتیکان میل فروکش ندارد و "مردان خدا" هر روز دچار مخمصهٔ تازه‌ای می‌شوند. شنبه هشتم مهر، پاپ در سخنان خود به نقش زن در خانواده، جامعه و کلیسا پرداخت و گفت: "زن یک پذیرنده باور، نماد رسیدگی و تسلیم شونده زنده است". او**

افزود: ”زشت است وقتی زن خود را به مرد تبدیل کند... زن، زن است، و همین مهم است.“

شاید داستان ”واتیلیکس“ را شنیده باشید. دوازده سال پیش، کتاب جدیدی در ایتالیا منتشر شد. کتاب با استناد به مدارک محرمانه نشت شده از واتیکان، به شرح جزئیات جنگ قدرت، گرایشات و بازی‌های سیاسی، رشوه‌خواری و فساد مالی در بالاترین سطوح دولت واتیکان پرداخت. این تنها گوشه‌ای از مافیای مذهب در جهان امروز است.

در گذشته هم سخنان پاپ در مورد همجنس‌گرایان، درج اخبار وسیع پدوفیلیای کشیشان کاتولیک در اقصی‌نقاط جهان و سکوت

و زیر فرش‌کردن حقایق بوسیله پاپ، همکاری وی با نازیستهای آرژانتین و صدها نمونهٔ دیگر، به وجههٔ واتیکان ضربات مهلکی وارد کرد.

اصلاً کاری نداریم که چرا در قرن بیست و یکم، در یک کشور پیشرفته اروپایی باید دانشگاه کاتولیک داشته باشیم یا دانشگاه پرورش امام مثلاً در آلمان، البته در آنجا به‌غیراز پرورش امامان، پرورش چهارپایان حلال‌گوشت هم براه افتاده است. اما در مورد سخنرانی جناب پاپ در مورد زنان، شاید کمتر کسی متعجب شود که یک فرد روحانی به‌گونه‌ای دیگر سخن بگوید. بالاخره از کوزه همان برون تراود که در اوست. دستگاه مذهب همیشه علیه زنان و حقوق برابر

و انسانی آنها بوده است. تاریخ سرشار از جنایات این موجودات جاهل و مفتخور، جانی و حقه‌باز بوده، کشیش و آخوند و خاخام و موبد و غیره هم ندارد و همه سروته یک کریاس‌اند.

صنعت عظیم مذهب با دستگاه‌های عریض‌وطویل تحمیق سازی‌اش، یکی از نیازها و ابزارهای اساسی نظام سرمایه‌داری است. مبارزه با این صنعت و افسار زدن به آن کار جهان متمدن است. خروج ده‌ها هزارنفره و مداوم از کلیسا و جنبش عظیم ضداسلامی در ایران یک بیدارباش جهانی علیه مافیای مذهبی و جهالت دینی است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۴۹

۱ اکتبر ۲۰۲۴ – ۱۰ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

## در این شماره ژورنال:

مردم ایران و اسرائیل چه می‌خواهند؟
به بهانه پیام نتانیاهو به مردم ایران
حمید تقوایی

مقصر فاجعه طبس چه کسی است؟!
شهلا دانشفر

چشم‌انداز جنگ در خاورمیانه
دو سؤال از محسن ابراهیمی

تحمیل فقر و فلاکت با حق دسترسی به تحصیل و آموزش چه می‌کند؟
سیامک بهاری

”اجنه‌ها“ به نیروهای اطلاعاتی پیوسته‌اند!
میلاد رسایی‌منش

# مردم ایران و اسرائیل چه می‌خواهند؟
# به بهانه پیام نتانیاهو به مردم ایران

حمید تقوایی

نتانیاهو در پیامی به مردم ایران از دوستی مردم اسرائیل و ایران صحبت می‌کند. بی شک مردم ایران و اسرائیل خصومتی با هم ندارند؛ اما ایشان همان اندازه نماینده مردم و صلح و آرامش موردنیاز مردم منطقه است که خامنه‌ای!

حزب لیکود و حزب‌الله، تروریسم اسلامی و فاشیسم یهودی، دوروی یک سکه‌اند؛ از یکدیگر ارتزاق می‌کنند و به یکدیگر توجیه و زمینه می‌دهند.
نتانیاهو از آینده صلح‌آمیز خاورمیانه می‌گوید؛ اما

دولت او بهمان اندازه جمهوری اسلامی باعث‌وبانی جنگ و کشتار در خاورمیانه است. ریشه ناآرامی‌ها و جنگ و تنش جنگی مزمن در خاورمیانه، که با تأسیس دولت اسرائیل به دنبال جنگ جهانی دوم تا امروز همچنان ادامه داشته است، آواره‌کردن مردم فلسطین و پایمال‌کردن مستمر حق آنها برای زندگی در سرزمین خودشان است. آخرین تلاش برای حل این زخم کهنه بر پیکر بشریت طرح دو دولت بود که در پیمان اسلو به امضای دولت وقت اسرائیل، سازمان الفتح و دولت آمریکا رسید. قراردادی که حق تشکیل دولت فلسطین در سرزمین‌های اشغالی بعد از جنگ ۶ روزه را به رسمیت می‌شناخت و می‌توانست مبنای زندگی مسالمت‌آمیز میان مردم فلسطین و اسرائیل در کنار یکدیگر باشد. اما نیروهایی که امروز خاورمیانه را

به آتش کشیده‌اند هر دو مخالف سرسخت طرح دو دولت هستند. هم اسلامیون و هم حزب لیکود طرح دو دولت را خیانت به مردمی که ادعای نمایندگی آنان را دارند می‌دانند. اسحاق رابین امضاکننده پیمان اسلو به‌وسیله افراطیون حزب لیکود، حزب آقای نتانیاهو، ترور شد و انور سادات، از مدافعین طرح دو دولت، به جرم قرارداد صلح با اسرائیل به‌وسیله اخوان‌المسلمین، پدرخوانده حماس، به قتل رسید. در واقع نیروهایی که امروز دو طرف جنگ در خاورمیانه قرار گرفته‌اند (حماس و حزب‌الله و جمهوری اسلامی در یک‌سو و دولت حزب لیکود در سوی دیگر) هر دو از ترورکنندگان طرح دو دولت هستند. این نیروها امر بر حق مردم فلسطین را به زیر رتوریک و تخاصم و جنگ قومی - مذهبی بین یهودیت و اسلامیت مدفون

کرده‌اند. یکی می‌خواهد اسرائیل را به دریا بریزد و دیگری در صدد پاک‌سازی قومی فلسطینیان است. زخم کهنه مردم آواره فلسطین و در نتیجه تنش و جنگ و کشتار در خاورمیانه در قالب قومی – مذهبی که فاشیسم یهودی و تروریسم اسلامی به مسئله فلسطین داده است حل نخواهد شد. برای حتی نزدیک‌شدن به طرح دو دولت باید نیروها و دولت‌های اسلامی در ایران و کشورهای اسلام‌زاده، و راست افراطی در اسرائیل کنار زده بشوند.

مردم ایران دست‌اندرکار به زیر کشیدن جمهوری اسلامی هستند و هر درجه تضعیف این حکومت جهنمی و نیروهای نیابتی‌اش در منطقه، جنگ مردم ایران با حکومت اسلامی را تسهیل خواهد

کرد. از سوی دیگر با هر پیشروی مردم ایران در مبارزه با جمهوری اسلامی و نهایتاً سرنگونی این حکومت خون‌ریز کمر نیروهای تروریستی اسلامی نیز شکسته خواهد شد و این به نوبه خود فرش را از زیر پای راست افراطی نظیر حزب لیکود نیز خواهد کشید.

نظم تازه خاورمیانه که آقای نتانیاهو از آن دم می‌زند تنها با به‌رسمیت‌شناسی حق تشکیل دولت مستقل فلسطینی می‌تواند صلح و آرامش را به خاورمیانه باز گرداند. در خاورمیانه آزاد فردا نه برای تروریسم اسلامی جایی هست و نه برای فاشیسم اسرائیلی.

# مقصر فاجعه طبس چه کسی است؟!

## شهلا دانشفر

رسانه حکومتی ایلنا بحثی با عنوان"مقصر فاجعه "معدن طبس چه کسی است؟ را گشوده است و در بدر به دنبال مقصرند. می‌دری وزیر کار خراب کرد که گفت معدن مشکلی نداشته است. پزشکیان خراب کرد که گفت مقصر تحریم‌هاست و الان هم دولت با اعلام پرداخت یک میلیارد تومان به خانواده جان‌باختگان می‌خواهد پرونده جنایتشان را ببندد.

هدف ایلنا از چنین بحثی طبق وظیفه تعریف‌شده‌اش، تسلی بخشیدن به فضای انفجاری اعتراض در میان

خانواده‌های جان‌باختگان معدنجو و کارگران و کل جامعه است. فاجعه‌ای تکان‌دهنده روی داده و لرزه‌ای ایجاد کرده و ایلنا باید چیزی بگوید. این‌چنین است که پای سخن نفراتی به‌عنوان فعال کارگری نشسته و به موضوع پرداخته است. نکته مشترک اظهار نظرات، مقصر بودن دولت است که یک حقیقت است. ولی نقدها از اینکه نظارتی نیست، تشکلی نیست و البته کارفرمایان و پیمانکاران هم مقصرند فراتر نمی‌رود.

نکته پنهان این است که آنچه در معدن طبس گذشته یک جنایت است و کافی نیست بگوییم معادن مرگ، بلکه بحث بر سر معادن جنایت درایران است. خانواده‌های جان‌باختگان معدن طبس از لحظه آغاز فاجعه به سخن در آمدند و

فریاد دادخواهی سر دادند. گفتند که یک هفته قبل کارگران معدن هشدار داده بودند که وضع خطری است و در روز وقوع انفجار نیز از پخش بوی گاز در تونل‌ها خبر دادند. اما کارفرمایان جنایت‌کار وقعی نگذاشتند و با تهدید اینکه یا سرکار بروید ، یا تسویه‌حساب کنید، آنها را به تونل مرگ فرستادند و جانشان را گرفتند. این را هم یادآوری کنیم که معدنجوی طبس زیر مجموعه هلدینگ اقتصادی گل‌گهر و بانک سپه متعلق به بنیاد مستضعفان و زیر نظر خامنه‌ای قرار دارد.

بنابراین، دنبال مقصر نگردید. عوامل اصلی جنایت هولناک در طبس برای کارگران و همه مردم معرفه هستند. انگشت اتهام همگان به‌سوی

کارفرمایان، دولت و بساط سراپا جنایت جمهوری اسلامی است. این جنایتی است که هر روزه در محیط‌های کاری صورت می گیرد و امروز محاکمه عاملین این جنایت خواستی همگانی است.

فاجعه معدن طبس تکانی به مردم داد و جامعه با فریاد #ایرانم_اعتصاب و حمایت‌ها و همبستگی‌هایش علیه کل بساط توحش و بربریت سرمایه‌داری مافیایی حاکم به دادخواهی برخاست. تقویت گفتمان #ایرانم_اعتصاب و گسترش همبستگی‌ها قدم مهمی در تداوم انقلاب و نقطه پایان گذاشتن به چنین جنایاتی است.

# چشم‌انداز جنگ در خاورمیانه

## دو سؤال از محسن ابراهیمی

**سوسن صابری: بعد از به هلاکت رسیدن حسن نصرالله، شاهد بالاگرفتن تهدیدات و تبلیغات جنگی در منطقه هستیم. در پاسخ به تهدید اسرائیل به حمله زمینی به جنوب لبنان، نعیم قاسم قائم‌مقام دبیرکل حزب‌الله تهدید کرد که در این صورت نیروهای مقاومت پاسخ شدید خواهند داد. خامنه‌ای اما تا کنون، بر خلاف سابق وعده انتقام سخت نداده است. در دل این فضا نتانیاهو به مردم ایران پیام می‌دهد که به‌زودی ایران آزاد خواهد شد. شما چه ارزیابی از این اوضاع دارید؟ آیا شاهد گسترش جنگ و خونریزی در خاورمیانه خواهیم بود؟**

**محسن ابراهیمی: ترور رهبران تروریست جریانات اسلامی توسط دولت اسرائیل جدید نیست. اما به هلاکت رساندن رهبر حزب‌الله در واقع قطع بازوی اصلی نظام اسلامی در منطقه بود. حسن نصرالله به قول خامنه‌ای "پرچم‌دار برجسته" محور مقاومت بود. اما او در مرگ این پرچم‌دار به‌جای رجزخوانی‌های معمول، از "سوراخ‌موش" فراخوان به "مسلمین جهان" داد که با "امکانات خود" به کمک حزب‌الله بروند! معنای این نوع واکنش این است که پشم‌وپیله نظام اسلامی ریخته است و نمی‌تواند وارد جنگ با همان "دشمن" که قرار بود به دریا بریزد بشود.**

**آیا اسرائیل دنبال جنگ با جمهوری اسلامی است؟ نتانیاهو خامنه‌ای را تهدید کرده است که "دست**

دراز اسرائیل“ به همه‌جا در خاورمیانه می‌رسد. یعنی می‌تواند حتی خامنه‌ای را هم ترور کند و جنگ را به خاک ایران بکشاند. نتانیاهو امروز با گفتن اینکه ایران زودتر از آنکه مردم فکر می کنند آزاد خواهد شد، در واقع همین تهدید را تأکید کرد. نتانیاهو چرا می‌تواند با چنین لحنی رهبر نظام اسلامی را تهدید کند؟ چون می‌داند این ”رهبر“ را مردم ”الدنگ“ خطاب کرده‌اند و علیه او و نظامش انقلابی راه انداخته‌اند. نتانیاهو که خودش به‌موازات خامنه‌ای یک پای اصلی جنگ و کشتار و تراژدی انسانی در منطقه است، در اسرائیل با بحران مواجه است و دارد از موقعیت جمهوری اسلامی برای بقای سیاسی خودش در اسرائیل استفاده سیاسی می کند.

جمهوری اسلامی اما در موقعیت ورود به یک جنگ

نیست که اگر بود حتماً چنین جنگی رخ‌داده بود. اما آیا تهدیدات نتانیاهو می‌تواند جرقه آغاز جنگ مستقیم میان دولت اسرائیل با جمهوری اسلامی باشد؟ اگر چه موقعیت متزلزل سیاسی جمهوری اسلامی در داخل ایران یک نقطه قوت برای دولت اسرائیل است؛ اما یک محاسبه استراتژیک می‌تواند مثل گذشته مانع ورود دولت اسرائیل به یک جنگ تمام‌عیار شود. این محاسبه که نیروهای دست راستی در ساختار سیاسی اسرائیل همچنان به حضور باندهای تروریستی اسلامی برای بقای سیاسی خود نیاز دارند.

**سوسن صابری:** این اوضاع و به‌ویژه در صورت واردشدن مستقیم رژیم اسلامی به جنگ، چه تأثیراتی در مبارزات مردم در ایران و جنبش

سرنگونی خواهد داشت؟

**محسن ابراهیمی:** روشن است که جمهوری اسلامی نه فقط توان نظامی، بلکه به‌خاطر وضعیتش در داخل ایران، اراده سیاسی برای ورود به چنین جنگی را ندارد. اگر توانش را داشت حتماً تا کنون چند جنگ را برای بقای وجود نحسش علیه اسرائیل راه انداخته بود. بااین‌حال، در صورت ورود حکومت اسلامی به یک جنگ، دررابطه‌با تأثیراتش در مبارزه مردم ایران و جنبش سرنگونی باید روی یک موضوع تأکید گذاشت: می‌گویند بعضی از جنگ‌ها زمینه‌ساز انقلاب‌ها شده‌اند و بعضی از انقلاب‌ها هم زمینه‌ساز جنگ‌ها. در مورد جمهوری اسلامی گزینه اولی محتمل‌تر است. در جامعه ایران انقلابی رخ‌داده است که همچنان

پس‌لرزه‌هایش شبح سرنگونی را بالای سر حکومت اسلامی می‌چرخاند. انقلابی که اگرچه به فرجام نرسیده است؛ اما نه‌تنها شکست نخورده است؛ بلکه در اشکال متنوع ادامه دارد.

هر جنگی می‌تواند آن‌چنان مخرب باشد که انقلاب مردم را قیچی کند مگر اینکه نیرویی در میدان باشد که اوضاع را به جنگی علیه نظام حاکم تبدیل کند. مردمی که شعار می‌دهند "دروغ میگن آمریکاست، دشمن ما همین جاست"، مردمی که علی‌رغم رجزخوانی‌های همیشگی جمهوری اسلامی علیه اسرائیل از روی پرچم اسرائیل رد نمی‌شوند، مردمی که برای ساقط کردن جمهوری اسلامی انقلاب کرده‌اند، در هر جنگی پشت جمهوری اسلامی را خالی خواهند کرد. در مقایسه

با اغلب جنگ‌ها، باتوجه‌به فضای سیاسی جامعه، باتوجه‌به عمق و ابعاد گسترده خصومت مردم با حکومت، شرایط در ایران برای تبدیل یک جنگ خارجی به جنگی داخلی علیه جمهوری اسلامی که همان انقلاب علیه حکومت اسلامی است فراهم‌تر است. تمام تلاش ما باید این باشد که در صورت وقوع یک جنگ، فضای عمیقاً ضد حکومتی را به جنگ علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم.

# تحمیل فقر و فلاکت با حق دسترسی به تحصیل و آموزش چه می‌کند؟

سیامک بهاری

وب‌سایت اکونگار: "فضای آموزشی در تسخیر «بچه‌پولدارها» ، «فرزندان کارگران» از تحصیل طرد شدند".

تیتر بالا باید به اعلام‌جرم و کیفرخواست علیه نظام پولی و کالایی آموزش‌وپرورش در کشور بدل شود. کالایی به نام آموزش و تحصیل برای بخش اعظم جامعه دیگر قابل‌تهیه نیست. نتیجه بلاواسطه فقر و فلاکت تحمیلی به جامعه، نبرد نابرابر با نظام آموزشی بی‌رحم و تبعیض‌آمیز کنونی است.

بیش از ۲۶درصد از واجدین تحصیل از چرخه آموزشی باز می‌مانند. از حق دسترسی به تحصیل محروم می‌شوند. رشد گسترده ده‌میلیونی بی‌سوادی مطلق هم‌زاد و نتیجه محرومیت از تحصیل است. در ادامه این چرخه نابرابر، قربانیان بیشتری روی دست جامعه می‌گذارد. سنگینی تأمین هزینه سرسام‌آور تحصیل، دانش‌آموزان بیشتری را از چرخه تحصیل به بازار بی‌رحم کار پرتاب می‌کند.

طبق آمارهای رسمی در سال تحصیلی گذشته، در مقطع ابتدایی ۶ تا ۱۱ سال، حدود ۱۸۰ هزار دانش‌آموز مدرسه را ترک کرده‌اند. در مقطع متوسطه اول، ۱۲ تا ۱۴ ساله‌ها، حدود ۲۰۰ هزار ترک تحصیل کرده‌اند. حدود ۹۸ هزار نفر پسران و حدود ۹۹ هزار نفر را

دختران تشکیل می‌دهند. در مقطع متوسطه دوم، یعنی ۱۵ تا ۱۷ ساله‌ها، حدود ۶۰۰ هزار دانش‌آموز ترک تحصیل کرده‌اند! تا اینجا فقر و فلاکت حاکم بر زندگی خانواده، چیزی حدود یک میلیون دانش‌آموز را قربانی عدم امکان تأمین هزینه سرسام‌آور تحصیل می‌کند که در مقاطع مختلف به‌اجبار ترک تحصیل می‌کنند.

روند گزینشی تبعیض‌آمیز آموزش پولی و کالایی، عملاً سبب محرومیت بخش اعظم جامعه در دسترسی و ادامه تحصیلات عالی و رشته‌های تحصیلی معینی می‌گردد که به نمرات درسی بالاتری نیاز دارند.

نتایج آزمون بین‌المللی پرلز «PIRLS» نشان می‌دهد که سطح علمی دانش‌آموزان در مدارس

دولتی به زیر حد متوسط سقوط کرده است. در واقع آموزش‌وپرورش خصوصی شده، به یک بنگاه تجاری بدل شده است که بر اساس پرداخت قیمت، کالای مرغوب‌تر ارائه می‌کند. مافیای مؤسسات آموزشی وابسته به حکومت که عملاً آموزش‌وپرورش و آموزش عالی و دانشگاه‌ها را در سلطه خود دارند، بخش دیگر نظم سراسر تبعیض آموزشی در جمهوری اسلامی هستند.

نظام آموزشی جمهوری اسلامی بخشی از پیکره ضدبشری، فاسد و مافیایی کل حاکمیت است. تنها راه برپایی یک آموزش‌وپرورش رایگان، اجباری، متکی به آخرین دستاوردهای علمی، به زیر کشیدن و نابودکردن جمهوری اسلامی است.

# "اجنه‌ها" به نیروهای اطلاعاتی پیوسته‌اند!

## میلاد رسایی‌منش

مصطفی کرمی، مدرس حوزه علمیه اسلامی، در یک گفت‌وگوی تلویزیونی با بیان اینکه اسرائیلی‌ها از "اجنه و نیروهای شیطانی" به‌عنوان مهره‌های اجرایی، عملیاتی و اطلاعاتی استفاده می‌کنند، تأکید کرد که این موضوع "تحقیقاً و یقیناً" صحت دارد.

این ادعا که اگر به کسی که از واقعیات موجود در ایران باخبر نباشد گفته شود، احتمالاً آن را جوک تلقی خواهد کرد، نشان‌دهنده واقعیتی تلخ در مورد مردم گرفتار شده در زندان حکومت

اسلامی است. سران حکومت اسلامی مدت‌هاست که در باب وجود اجنه، و موجودات ماوراءالطبیعه سخن گفته، و برای اثبات یاوه‌سرایی خود به قرآن ارجاع داده‌اند. ترویج خرافات اما در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، صرفاً در گفتار مقامات حکومتی خلاصه نمی‌شود. خرافات‌پرستی و ترویج مزخرفات اسلامی، سیاستی است که رژیم برای تحمیق توده‌ها، از مدارس و کودکان شروع کرده است. از تدریس متون اسلامی شیعی، تا برگزاری انواع و اقسام مراسم مذهبی، رژیم همه تلاش خود را برای مغزشویی کودکان انجام داده است.

این مورد اخیر اما از یک نظر دیگر نیز حائز اهمیت است. بر کسی پوشیده نیست که رژیم

اسلامی پس از آغاز انقلاب زن زندگی آزادی، و جنگ در غزه و لبنان، و کشته‌شدن اسماعیل هنیه، حسن نصرالله و تعدادی از سرداران سپاه، به‌شدت تحقیر شده و در شرایط بسیار دشواری به سر می‌برد. جمهوری اسلامی که به‌اندازه عمرش در مورد نیروهای نیابتی و تروریستش در منطقه پروپاگاندا کرده و به افکار عمومی دروغ فروخته است، امروز با این پرسش مواجه شده که چرا در مقابل دشمن دیرینه خود، یعنی اسرائیل، تا این حد قافیه را باخته است. در این شرایط است که آخوندهای حکومتی برای توجیه وضعیت اسفناک خود، دست‌به‌دامن خرافات و نقش جن و موجودات ماوراءالطبیعه می‌شوند.

آخوندهای رانتی حکومت روی خرافه‌پرستی و اسلامی بودن بخشی از جامعه حساب ویژه‌ای بازکرده، و ترویج خرافات را تنها راه نجات از منجلابی که در آن گرفتار شده‌اند، یافته‌اند. غافل از اینکه مردمی که در یک‌قلم در انقلاب زن زندگی آزادی، کلیت اسلامِ حکومت را زیر سؤال برده‌اند، مدت‌هاست نسبت به این سیاست مزورانه حکومت آسیب‌ناپذیر شده‌اند. مردمی که با مبارزات خود دنیا را به احترام وادار کرده‌اند را قطعاً چند آخوند مفت‌خور و کذاب نخواهند توانست که فریب دهند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۵۰

۲ اکتبر ۲۰۲۴ – ۱۱ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

## در این شماره ژورنال:

حمله موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل،
اوضاع به کدام سمت می‌رود؟
حمید تقوایی

فریاد مرگ بر دیکتاتور در تهران
شهلا دانشفر

آزادی دایه مینا: پیروزی دادخواهان
رضا درویش

بهائیان را فراموش نکنیم و تنها نگذاریم
کیوان جاوید

# حمله موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل، اوضاع به کدام سمت می‌رود؟

حمید تقوایی

**محسن ابراهیمی: بعد از شوک اولیه و آشفتگی در صفوف حکومت اسلامی بعد از قتل حسن نصرالله، حکام اسلامی بالاخره تصمیم گرفتند در سطح وسیع به اسرائیل موشک‌های بالستیک پرتاب کنند. خامنه‌ای در روزهای اول بعد از قتل نصرالله به‌جای وعده "انتقام سخت"، کمک به حزب‌الله را به مسلمانان جهان حواله داد. فکر می‌کنید چه محاسباتی در بالای حکومت منجر حمله وسیع موشکی به اسرائیل شده است.**

**حمید تقوائی: جمهوری اسلامی به یک وضعیت باخت، باخت دچار شده است. حزب‌الله تنها یک نیروی نیابتی مثل حماس و یا حوثی و حشدالشعبی نیست؛ بلکه تماماً دست‌ساز جمهوری اسلامی است و محور حضور و نفوذ رژیم در منطقه و در میان دیگر نیروهای اسلامی در منطقه به شمار می‌رود. حمله هفته اخیر اسرائیل به حزب‌الله با حذف حسن نصرالله و تقریباً تمامی رهبران رده‌بالای این سازمان ضربه مهلکی به جمهوری اسلامی و موقعیت و نفوذ منطقه‌ای او زده است. ازاین‌رو جمهوری اسلامی به‌خاطر حفظ موقعیت و آبرو و اعتبار خود در جنبش تروریسم اسلامی هم شده خود را ناگزیر به پاسخگوئی می‌داند. از سوی دیگر حکومت به‌خوبی می‌داند که امکان و توان درگیری مستقیم با اسرائیل را ندارد. سکوت اولیه جمهوری اسلامی**

و سپس حمله موشکی به اسرائیل نتیجه این دو جنبه متناقض است. ظاهراً خامنه‌ای به این نتیجه رسیده است که بی عملی در قبال حملات کوبنده اسرائیل به حزب‌الله ته‌مانده اعتبار و نفوذش در میان نیروهای اسلامی - که حکومت آن را محور مقاومت می‌نامد - را بر باد خواهد داد و این به نوبه خود به ضعف و درماندگی بیش‌ازپیش حکومتش در داخل ایران و مقابله‌اش با مردم به‌پاخاسته ایران منجر خواهد شد.

اما از سوی دیگر موشک‌پرانی اخیر به اسرائیل نیز با احتمال زیاد با واکنش کوبنده‌ای از جانب اسرائیل روبرو خواهد شد و این نیز حکومت فی‌الحال متزلزل جمهوری اسلامی را بیش‌ازپیش به لرزه مرگ خواهد انداخت. درهرحال بازنده این شرایط تازه خامنه‌ای

و حکومت خون‌ریزش خواهد بود.

**محسن ابراهیمی:** پاسخ احتمالی اسرائیل چه می‌تواند باشد؟ آیا گسترش جنگ به داخل ایران می‌تواند فضا را برای جنبش‌های اعتراضی مردم علیه حکومت اسلامی و جنبش سرنگونی تنگ کند یا برعکس می‌تواند فرجه‌ای برای زدن ضربه نهایی به جمهوری اسلامی باز کند؟

**حمید تقوائی:** مقامات اسرائیل از جمله نتانیاهو در سخنرانی‌اش در سازمان ملل بارها اعلام کرده‌اند که پاسخ آنان به هر حمله‌ای از جانب جمهوری اسلامی حمله مستقیم به ایران خواهد بود. نتانیاهو بعد از حمله به حزب‌الله نسبت به ۶ ماه قبل که پاسخ محدود و کنترل شده‌ای به موشک‌پراکنی جمهوری

اسلامی داد دارای موقعیت بسیار قدرتمندتری است. حمله مستقیم اسرائیل این بار حمایت صریح‌تر آمریکا و دول غربی را نیز با خود دارد و این شرایط حمله قریب‌الوقوع و کوبنده اسرائیل را بسیار محتمل می‌کند.

دررابطه‌با قسمت دوم سؤال شما باید بگویم که هر ضربه‌ای به جمهوری اسلامی مبارزه مردم برای به زیر کشیدن حکومت را تسهیل خواهد کرد. درعین‌حال اگر و به هر اندازه که حمله اسرائیل با کشتار مردم و تخریب شهرها و خانه و کاشانه مردم همراه باشد این امر علاوه بر جنبه انسانی از نظر سیاسی نیز می‌تواند عاملی علیه جنبش انقلابی مردم باشد چرا که می‌تواند صورت‌مسئله و محور مبارزات مردم را از سرنگونی به قطع جنگ تغییر

بدهد. این احتمالی است که حکومت نیز روی آن حساب می‌کند و به نظر من با چنین محاسبه‌ای ریسک ورود به درگیری مستقیم با اسرائیل را پذیرفته است. اما می‌توان و باید این محاسبه رژیم را نیز نقش‌برآب کرد. در صورت آغاز جنگ مستقیم اسرائیل و جمهوری اسلامی وظیفه احزاب انقلابی مانند حزب ما تمرکز بر جنبش سرنگونی‌طلبی و تقویت و پیشبرد انقلاب زن زندگی آزادی در دل جنگ و شرایط جنگی خواهد بود. حتی بهترین راه پایان‌یافتن چنین جنگی سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب مردم است. بسیاری از انقلاب‌های عصر ما در شرایط جنگی رخ‌داده و به پیروزی رسیده‌اند و در ایران هم می‌تواند چنین اتفاقی بیفتد. موضع ما همواره و در مقاطع مختلفی که احتمال حمله نظامی به جمهوری اسلامی بالا گرفته است تقویت

**مبارزه علیه حکومت و متمرکزشدن بر انقلاب علیه جمهوری اسلامی بوده است و این بار نیز سیاست و جهت‌گیری عملی ما همین خواهد بود.**

**۱۰ مهر ۱۴۰۳، ۱ اکتبر ۲۰۲۴**

# فریاد مرگ بر دیکتاتور در تهران

شهلا دانشفر

به دنبال حمله موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل تهران و فضای جامعه رنگ دیگری به خود گرفته است. اولین واکنش مردم به این حمله بلندشدن فریاد مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای در چیتگر تهران این کانون داغ انقلاب زن زندگی بود. همچنین در مقابل درب اصلی دانشگاه تهران درحالی‌که اوباش جمهوری اسلامی جمع شده و علیه اسرائیل و آمریکا شعار می‌دادند و حیدر، حیدر می‌کردند، صدایشان در میان صدای سوت کشیدن و بوق‌زدن ماشین‌ها گم شده و فضایی از اعتراض شکل گرفته بود.

مردم می‌دانند جمهوری اسلامی در موقعیت بسیار ضعیفی دست به این حمله زده است. جمهوری اسلامی در این مدت با حملات پی‌درپی اسرائیل به نیروهای نیابتی‌اش در منطقه و کشته‌شدن سران این نیروها از جمله چهره‌ای چون حسن نصرالله ضربات مهلکی خورد. این ضربات صفوفش را متشتت‌تر کرده و وضعیتش را به‌شدت تضعیف کرد. جمهوری اسلامی راهی جز اینکه اقدامی انجام دهد نداشت و نهایتاً وادار به این واکنش شد. از نظر مردم به‌پاخاسته، ضعف حکومت فرصت و فرجه‌ای برای به میدان آمدن دوباره و به پایان رساندن انقلابشان برای رهایی از جهنم جمهوری اسلامی است.

اسرائیل تهدید کرده است که پاسخ حمله موشکی

**جمهوری اسلامی را خواهد داد. نتانیاهو خواهان این جنگ بود و برای پیشبرد اهداف سیاسی‌اش به آن نیازمند است. او موقعیت ضعیف حکومت اسلامی را در زیر ضرب انقلاب زن زندگی آزادی می‌بیند و در سایه آن می‌کوشد اهدافش را پیش ببرد.**

**در برابر جنگ اسرائیل و سردسته تروریسم اسلامی در ایران، به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی، رهایی مردم ایران و آرامش در منطقه را رقم خواهد زد. هم پتانسیل ادامه انقلاب و به پیروزی رساندنش در ایران وجود دارد و هم انجام آن امر فوری و حیاتی است. باید با تمام نیرو برای تحقق این هدف صفوف مبارزاتی خود را متحد کنیم.**

به دنبال قتل حسن نصرالله دیدیم که مردم چگونه شادی کردند. حکومت پنج‌روز عزای عمومی اعلام کرد و ما شاهد بیشترین تجمعات اعتراضی بخش‌های مختلف بازنشستگان، کارگران نفت، داغ‌شدن گفتمان اعتصابات سراسری و اولتیماتوم ازسرگیری اعتصابات پرستاران و اعتراضات بخش‌های دیگر جامعه بودیم. بلندشدن دوباره فریاد مرگ بر دیکتاتور در تهران نشانگر زنگ شروع فاز جدید قدرت‌گیری انقلاب در ایران است.

# آزادی دایه مینا: پیروزی دادخواهان

## رضا درویش

سه‌شنبه دهم مهرماه، میلاد محمدی فرزند دایه مینا سلطانی پس از یازده روز تحصن در تورنتو کانادا وقتی شنید مادرش آزاد شده و در مسیر بازگشت به خانه است شادی خود را جلوی دوربین به مادرش و دیگر دادخواهان این گونه ابراز داشت:

”مادر عزیز، جهان فریاد تو را شنید و صدای تو شد“.

دایه مینا سلطانی، مادر شهریار محمدی جان‌باخته خیزش انقلابی در بوکان، طی دو سال گذشته بارها توسط نیروهای سرکوبگر تهدید شده بود. وی

در ۲۲ شهریور ۱۴۰۳ در ادامه موجی از بازداشت خانواده‌های جان‌باختگان راه آزادی با خشونت بازداشت و به محلی نامعلوم برده شد.

جنبش دادخواهی یکی از جنبش‌های تأثیرگذار در میان دیگر جنبش‌های اعتراضی در جامعه امروز ایران است. تهدید و یا بازداشت از سوی نیروهای سرکوبگر رژیم هیچ یک نتوانسته در عزم و اراده دادخواهان در مسیر مبارزه در راه آزادی دیگر دادخواهان که همچنان در زندان به سر می‌برند خللی ایجاد کند.

آزادی دایه مینا سلطانی پس از اعلام گوهر عشقی، مبنی بر قصد تحصن مقابل دفتر سازمان ملل در تهران، و تحصن پیروزمندانه میلاد محمدی به

مدت یازده روز در تورنتو کانادا در اعتراض به بازداشت مادرش درس‌های گران‌بهایی برای جنبش دادخواهی به همراه دارد. تحصن به‌عنوان یک شیوه مؤثر در مبارزات حق‌طلبانه یکی از همین درس‌هاست. اتحاد و همبستگی میان خانواده‌های دادخواه، نظیر حمایت گوهر عشقی در تهران و تحصن میلاد محمدی همراه با فعالین دیگری از جنبش دادخواهی در تورنتو کانادا نمونه‌ای از این همبستگی پیروزمندانه است. حفظ اتحاد و یکپارچگی حین مبارزه و در مسیر تحقق مطالبات در داخل و حمایت خستگی‌ناپذیر فعالین سیاسی در خارج کشور نمونه دیگری از رمز موفقیت مبارزه علیه نیروهای سرکوبگر رژیم است.

اکنون این وظیفه بر دوش همه ما فعالین و مبارزان

راه آزادی گذاشته شده که صدای دادخواهان باشیم. نام "دادخواهان در بند" را در مبارزات و مطالبات حق‌طلبانه‌مان با صدایی رسا اعلام کنیم و خواستار آزادی‌شان باشیم. با نوشتن نام "دادخواهان در بند" در شعارنویسی‌هایمان مردم معترض را که از ستم و بی‌عدالتی رژیم قرون‌وسطایی به ستوه آمده‌اند آگاه کنیم.

آزادی دایه مینا گامی پیروزمندانه در راه آزادی دیگر دادخواهان و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی است. پیروزی‌های بیشتر در مبارزه متحدانه دادخواهان در راه‌اند. به‌پیش.

# بهائیان را فراموش نکنیم و تنها نگذاریم

## کیوان جاوید

سینا یوسفی وکیل دادگستری نوشت که وزارت اطلاعات با احضار صاحبان فروشگاه‌های بزرگ در تبریز و دیگر شهرها، آنها را از فروش محصولات شرکت "رافونه" به بهانه آنچه بهائی بودن مالک آن شرکت نامیده، منع کرده است.

شهروندان بهائی از روز به‌قدرت‌رسیدن این حکومت به طور هدفمند در معرض اعدام و تبعیض‌های گسترده اجتماعی قرار گرفته‌اند. گفته می‌شود بیش از ۳۰۰ هزار شهروند بهائی در ایران زندگی می کنند که تعداد زیادی از آنها به زندان‌های طویل‌المدت

محکوم شده‌اند.

جنگ جمهوری اسلامی با مردم بی‌وقفه ادامه دارد. جنگی که بسیار خشونت‌بار و خونین است. جنگی هولناک علیه مردم ایران که هرگز تعطیل نشده است. حلقه‌های ضعیف‌تری که جمهوری اسلامی مدام به آنها یورش می‌برد از جمله بهاییان در ایران هستند. رژیم اسلامی به تجربه‌دیده است تعرض و تجاوز به زندگی این بخش از شهروندان عکس‌العمل شدید جامعه را بر نمی‌انگیزد یا تا حالا آن طور که از جامعه مدرن و سکولار، که انسان‌گرایی محور مبارزاتش علیه جمهوری اسلامی است پاسخ کوبنده و عمیقاً انسانی دریافت نکرده است.

به این وضعیت باید پایان داد. رژیم اسلامی هر کجا که بتواند با خشونت غیرقابل‌وصف در برابر مردم ظاهر می‌شود و هدف نیز زهرچشم گرفتن از مردم در جهت تن‌دادن به این شرایط دونشان انسان است.

انقلاب زن زندگی آزادی جنبشی برای رهایی از ستم و علیه همه تبعیضات و در دفاع از جامعه انسانی و حقوق برابر شهروندان است؛ بنابراین در دفاع از بهائیان باید یک‌قدم اساسی و تعیین‌کننده به‌پیش بردارد. فعالین جنبش‌های اعتراضی در ایران باید در دفاع از حق زندگی برابر بهاییان پا به میدان بگذارند. هر انسانی که در ایران در آرزوی آزادی و برابری و رفاه عمومی است و برای این ایدئال انسانی مبارزه می‌کند، باید با همه توان و در هر فرصتی از بهاییان

در ایران دفاع کند. در این صورت است که رژیم درمانده اسلامی که رهبرش در سوراخ‌موش پنهان شده است، پا پس می‌کشد و از جنایت سازمان‌یافته حکومتی علیه بهاییان دست بر می‌دارد. درست مثل کنارگذاشتن سنگسار که با مبارزات ما و مردم متمدن جهان به کنج تاریک‌خانه اشباح جمهوری اسلامی رانده شده است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۵۱

۳ اکتبر ۲۰۲۴ – ۱۲ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: آذر پویا

## در این شماره ژورنال:

**حمله موشکی حکومت اسلامی به اسرائیل و تشدید فضای جنگی**

**بیانیه حزب کمونیست کارگری**

**فیلترینگ اینترنت و "شرایط فعلی" رژیم**

**سیاوش آذری**

**عواقب ممنوعیت فروش مشروبات الکلی در ایران**

**کیوان جاوید**

**جنگ خامنه‌ای و نتانیاهو و پیامدهای آن**

**سینا پدرام**

# حمله موشکی حکومت اسلامی به اسرائیل
# و تشدید فضای جنگی
## بیانیه حزب کمونیست کارگری

تحولات اخیر منطقه، حمله اسرائیل به حزب‌الله، کشته‌شدن حسن نصرالله و در واکنش به آن موشک‌پرانی اخیر جمهوری اسلامی، حمله مستقیم دولت اسرائیل به جمهوری اسلامی را بسیار محتمل کرده است. نتانیاهو و دیگر مقامات اسرائیلی در هفته اخیر بارها اعلام کرده‌اند که به حمله موشکی جمهوری اسلامی پاسخ سختی خواهند داد و این بار دولت نتانیاهو در مقایسه با ۶ ماه قبل که به پاسخ محدودی به حمله موشکی جمهوری اسلامی اکتفا کرد، در شرایط بسیار مناسب‌تری برای عملی

ساختن تهدیدهایش قرار دارد. حذف حسن نصرالله و فرماندهان رده‌بالای حزب‌الله ضربه‌ای کاری به نفوذ و اعتبار سیاسی و امکانات عملی جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش در منطقه وارد کرده است. این بار فاکتور "انتقام سخت" جمهوری اسلامی از طریق حزب‌الله و دیگر نیروهای نیابتی‌اش تقریباً تماماً منتفی شده است و این زمینه مساعدی برای حمله دولت نتانیاهو به جمهوری اسلامی فراهم می‌کند. برخورد دولت آمریکا و سایر دول اروپائی نیز به چنین حمله‌ای حمایت‌آمیزتر از گذشته است.

در این شرایط جمهوری اسلامی با دو گزینه روبرو بود. ادامه سکوت در قبال کشته‌شدن اسماعیل هنیه و حسن نصرالله یا موشک‌پراکنی دیگری به خاک اسرائیل. هر دو گزینه به تضعیف بیشتر موقعیت

حکومت در منطقه و در خود ایران منجر می‌شد. یکی با بی‌اعتباری و بی‌آبرویی کامل حکومت در میان نیروهای تروریست اسلامی، که به نوبه خود ضعف بیشتر حکومت در مقابل مردم را نیز به دنبال می‌داشت، و دیگری با تحمیل ضربه نظامی به مراکز هسته‌ای و نظامی‌اش در خود ایران که نتیجه بلاواسطه این هم به‌هم‌ریختگی و درماندگی بیشتر صفوفش در مقابله با مردم بود. جمهوری اسلامی گزینه دوم را انتخاب کرد با این امید که با اعلام اینکه اگر اسرائیل جواب ندهد حمله دیگری صورت نخواهد گرفت، بتواند حمله احتمالی اسرائیل را منتفی کند و صورت خود را با سیلی سرخ نگاه دارد.

اما فاکتور تعیین‌کننده در سرانجام تنش و شرایط

جنگی حاضر و حمله محتمل اسرائیل عمل و عکس‌العمل‌های دولت‌هایی که خود عامل جنگ و کشتار در خاورمیانه‌اند، نیست؛ بلکه واکنش مردمی است که بیش از دو سال است با پرچم زن زندگی آزادی جنگ بی امانی را برای سرنگونی جنایت‌کاران حاکم بر ایران به‌پیش می‌برند. هر ضربه‌ای به جمهوری اسلامی مبارزه مردم ایران علیه حکومت را تسهیل خواهد کرد و این واقعیت در جشن و شادی مردم در واکنش به کشته‌شدن اسماعیل هنیه و حسن نصرالله، به تمسخر و تحقیر کشیدن حکومت به دنبال موشک‌پراکنی‌هایش، در خیابان و مدیای اجتماعی و کل فضای سیاسی جامعه، و تداوم و گسترش اعتراضات بخش‌های مختلف مردم علی‌رغم رجزخوانی‌ها و فضای جنگی دست‌ساز رژیم خود را نشان می‌دهد. تا امروز

گفتمان و تنش‌ها و عملیات جنگی بین جمهوری اسلامی و اسرائیل نه‌تنها تأثیر منفی‌ای بر مبارزه و اعتراضات بخش‌های مختلف جامعه نداشته است؛ بلکه فاکتور دیگری بوده است در دامن‌زدن به خشم و تنفر توده مردم علیه رژیم و تأکید دیگری بر ضرورت و مطلوبیت و مبرمیت به زیر کشیدن جنگ‌افروزان حاکم. مردم تا کنون نشان داده‌اند که در هر شرایطی جنگ خود را با حکومت به‌پیش می‌برند و از هر ضربه نظامی و منطقه‌ای به جنایت‌کاران حاکم در جهت پیشبرد انقلاب خود سود می‌جویند.

اما این احتمال نیز منتفی نیست که حمله اسرائیل، به‌ویژه اگر با کشتار و بی‌خانمانی مردم همراه باشد، علاوه بر جنبه انسانی از نظر سیاسی نیز به‌عنوان

فاکتوری علیه جنبش انقلابی مردم عمل کند. به این معنی که فضای سیاسی جامعه را تحت‌تأثیر قرار دهد و صورت‌مسئله را، در خود ایران و در سطح جهانی، از سرنگونی و خلاصی از شر جمهوری اسلامی به ختم کشاکش جنگی و حملات متقابل تغییر بدهد. جمهوری اسلامی نیز احتمالاً با چنین محاسباتی تن به ریسک حمله موشکی به اسرائیل داده است. باید نیروهای انقلابی نظیر حزب ما با تمام توان خود این محاسبات و امید جمهوری اسلامی را نقش‌برآب کنند. باید در شرایط جنگی امروز و در دل جنگی که فردا برخواهد گرفت با تمام قوا در داخل و خارج کشور بر سرنگونی جمهوری اسلامی تأکید کرد. حتی قطع جنگ و پایان گذاشتن به تنش و کشمکش جنگی در گرو سرنگون‌کردن جمهوری اسلامی در خود ایران است. خامنه‌ای و

**نتانیاهو نماینده مردم و صلح و آرامش در منطقه نیستند؛ بلکه عامل جنگ و کشتار و بی‌ثباتی‌اند. پایان‌بخشیدن به این شرایط کار مردم منطقه به‌ویژه مردم ایران است.**

**امروز در خاورمیانه دو جنگ در جریان است: جنگ میان دولت اسرائیل با جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش، و جنگ مردم ایران با جانیان حاکم در ایران. سرنوشت منطقه را این جنگ دوم رقم خواهد زد. حزب ما با تمام توان خود می‌کوشد در هر شرایطی بر ضرورت و مبرمیت سرنگونی جمهوری اسلامی تأکید کند و در هر شرایطی تقویت و پیشبرد و پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی را محور فعالیت‌های خود قرار دهد.**

# فیلترینگ اینترنت و "شرایط فعلی" رژیم

## سیاوش آذری

**مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور رژیم اسلامی گفت که "باتوجه‌به شرایط فعلی" فیلترینگ اینترنت ادامه خواهد داشت و با فروشندگان فیلترشکن برخورد خواهد شد. این اظهارات پزشکیان در واکنش به سخنان خامنه‌ای مبنی بر "ول بودن" فضای مجازی است.**

**نکته اصلی در سخنان پزشکیان نه سودجو خواندن فیلترشکن فروشان و ادعای میلیاردر بودن آنهاست و نه حتی نقض سخنان پیشین خویش در دوره مضحکه "انتخابات " ریاست‌جمهوری**

در انتقاد از سانسور اینترنت است. مردم "سودجویان" اصلی در ایران، آخوند میلیاردرها، آقازاده‌ها، اعوان‌وانصار بیت رهبری و فرمانده‌های سپاه و دست‌اندرکاران ریزودرشت رژیم، را به‌خوبی می‌شناسند و بر توخالی بودن ژست‌های دمکرات‌مآبانه اصلاح‌طلبان و هدف اصلی آنها، که حفظ نظام و افزودن بر عمر آن است، واقف‌اند.

نکته اصلی همان "شرایط فعلی" است. این شرایط ازیک‌طرف حاصل جنبش انقلابی سرنگونی است که با انقلاب زن زندگی آزادی به اوج خود رسید و از طرفی دیگر حاصل انزوای سیاسی روزافزون رژیم در سطح جهان و البته باز به یُمن قدرت مبارزات مردم برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی و همین انقلاب است. متزلزل شدن هر

چه بیشتر پایه‌های رژیم بر اثر جنبش انقلابی حکومت الله را در نقطه ضعیف‌تری در تقابل با قدرت‌های رقیب منطقه‌ای و جهانی قرار داده که خود همین امر موجب افزایش شکنندگی رژیم و بالاگرفتن کشمکش‌های درونی آن گشته است. مردم "شرایط فعلی" را به‌خوبی رصد می‌کنند و مترصد فرصت مناسب برای زدن ضربه نهایی به رژیم هستند.

فیلترینگ اینترنت و سانسور قرار است با جلوگیری از خبررسانی و ارتباط و متشکل شدن مردم از طریق فضای مجازی رژیم را از زیر ضرب جنبش انقلابی برهاند؛ زهی خیال باطل! فیلترینگ و سانسور جزئی از "شرایط فعلی" است و مردم با تشدید اعتراضات و مبارزات خود به این شرایط

**پاسخ داده‌اند. پایان‌دادن به شرایط فعلی و ایجاد جامعه‌ای آزاد و بری از محدودیت‌های مدنی و سیاسی و سانسور با به زیر کشیدن انقلابی رژیم اسلامی میسر خواهد گشت. متشکل شدن در کمیته‌ها و شوراها در سطح محلات، محل کار، مدارس و دانشگاه‌ها قدمی واقعی و قابل‌اجرا در تقابل با فیلترینگ و سانسور و آماده‌شدن برای رودررویی نهایی با حکومت آدم‌خواران اسلامی است.**

# عواقب ممنوعیت فروش مشروبات الکلی در ایران

کیوان جاوید

نوشیدن مشروبات الکلی غیراستاندارد در ایران، بار دیگر جان ۲۶ نفر را گرفت. بر اساس گزارش خبرگزاری‌های حکومتی، چهار تن در همدان، ۹ تن در گیلان، و ۱۳ تن دیگر نیز در استان مازندران جان باخته‌اند.

آمار مرگ بر اثر نوشیدن مشروبات الکلی تقلبی در ایران مدام بیشتر می‌شود و ممنوعیت فروش الکل از دامنه مصرف گسترده آن کم نمی‌کند. در رابطه با گستردگی مصرف الکل در ایران، سازمان بهداشت جهانی گزارش داده است، تنها در سال ۲۰۱۸ میلادی، ایران از لحاظ مصرف الکل در

جهان، رتبه نهم را به خود اختصاص داده است. به گفته هدیه کیمیایی، روزنامه‌نگار اجتماعی، تنها "در سال ۹۸ در طول سه ماه ۸۹۶ نفر با مشروبات الکلی تقلبی کشته شدند."

در این مورد هم دست پنهان جمهوری اسلامی در قتل شهروندان قابل مشاهده است. رژیم می‌خواهد نشان دهد که ایران جامعه‌ای اسلامی است و مردم ایران مسلمانانی هستند که اصول اسلامی را به میل خود دنبال می‌کنند. به این دلیل برای حفظ ظاهر هم شده نمی‌تواند فروش الکل را قانونی کند. قانونی‌بودن فروش الکل تبلیغات رژیم را مبنی بر اسلامی بودن ایران خنثی می‌کند. همانطور که رژیم، با حجاب اجباری می‌خواهد چهره‌ای اسلامی به ایران بدهد تا نشان بدهد که زنان در ایران به

میل خود حجاب را رعایت می کنند.

مصرف زیاد الکل یک معضل بخش بزرگی از جوامع بشری است، اما راه‌حل کنترل مصرف الکل ممنوعیت آن نیست. در ایران مصرف مواد مخدر و الکل و... ربط مستقیم به حاکمیت جمهوری اسلامی دارد. رژیمی که همه خوشی‌ها را پایمال کرده است و ذره‌ای دلِ خوشی برای مردم نگذاشته است، زمینه وسیع استفاده از مواد مخدر و مصرف بیش از اندازه الکل را فراهم کرده است.

دلایل زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد یکی از عاملین اصلی فروش قاچاق مشروبات الکلی باندهای حکومتی هستند تا از مواهب این بازار بزرگ مالی سود سرشاری بدست بیاورند. در

ایران نیز باید مثل همه جای دیگر جهان، فروش مشروبات الکلی تحت قوانین خاصی آزاد اعلام شود تا به این وسیله جان مردم بر اثر استفاده از مشروبات تقلبی گرفته نشود. با قانونی شدن فروش مشروبات الکلی دست مافیا، از جمله مافیای وابسته به جمهوری اسلامی از این بازار پُر رونق کوتاه می‌شود.

# جنگ خامنه‌ای و نتانیاهو و پیامدهای آن

سینا پدرام

”من نمی‌دانم جنگ جهانی سوم چگونه به وقوع خواهد پیوست، اما می‌دانم که مردم در جنگ جهانی چهارم با چوب و سنگ به جنگ هم می‌روند! ” آلبرت انیشتین.

”رهبر جمهوری اسلامی، یک روز پس از حمله موشکی سپاه پاسداران به اسرائیل، خواستار خروج نیروهای آمریکایی و غربی از منطقه شد. هم‌زمان عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی گفت تهران به دنبال جنگ نیست؛ اما در صورت پاسخ اسرائیل، زیرساخت‌های اقتصادی این کشور

هدف قرار می گیرند.“

جنگ همچنان سایه شوم خود را در خاورمیانه گسترده است و قربانی می گیرد. موشک‌پرانی اخیر جمهوری اسلامی و تهدید اسرائیل برای گرفتن ”انتقام سخت“ بار دیگر این واقعیت را به‌روشنی نشان داد که جنگ‌های ارتجاعی چیزی جز کشتارجمعی قانونی شده نیستند.

قطعاً جنگ در خاورمیانه زوایای گوناگون خواهد داشت. ادامه جنگ برای اسرائیل و یا حداقل برای جناح راست فاشیستی آن معنای استراتژیک تری دارد و در پی اشغال بیشتر اراضی فلسطین‌ها و جوابگویی به استراتژی امنیتی خود است. از این منظر، مرتبط

کردن "آینده سیاسی" نتانیاهو با ادامه جنگ حاضر همه حقیقت را بیان نمی‌کند.

از سوی دیگر رژیم اسلامی و نیروهای نیابتی آن مانند حزب‌الله که در جنگ اخیر به‌شدت ضربه خورده‌اند در ادامه جنگ به دنبال بازگرداندن بالانس قدرت به‌پیش از جنگ اخیر و یا تقلیل هر چه بیشتر ضایعات این جنگ هستند. اما قدرمسلم رژیم اسلامی ازلحاظ اقتصادی توان درگیرشدن در جنگ با اسرائیل را ندارد.

اظهارات اخیر خامنه‌ای در ارتباط با خروج غرب از خاورمیانه جدا از اینکه از وراجی‌های همیشگی این آخوند محسوب می‌شود، بی افقی رژیم در تعیین

استراتژی خود در این کشمکش را نشان می‌دهد. ورود و یا خروج از این جنگ هر دو به یک اندازه برای رژیم ایران ویران‌کننده خواهد بود. ترس از این واقعیت نوین منطقه، چشم گشودن به خاورمیانه‌ای که رژیم اسلامی حرفی برای گفتن ندارد و ترس از اینکه در داخل، مردم هر شکست رژیم را رصد می‌کنند، بیت رهبری را به هذیان‌گویی واداشته است.

پیچیدگی این جنگ را شاید بتوان به این شکل خلاصه کرد که هیچ یک از دول درگیر در آن شانس پیروزی ندارند اما مردم ایران می‌توانند ورق را به نفع خود برگردانند. این نتیجه مطلوب جنگ خواهد بود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۵۲

۵ اکتبر ۲۰۲۴ – ۱۴ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

هر صلح طلب واقعی باید سرنگونی طلب باشد

حمید تقوایی

دادستانی تهران و "مخدوش‌کنندگان امنیت روانی جامعه"

کیوان جاوید

فضای جنگی حکومت و پاسخ مردم

شهلا دانشفر

سروناز احمدی، یار کودکان، مبارزی جسور در زندان

منظر دریاکناری

پذیرش حق پناهندگی زنان افغانستانی با حکم دیوان دادگستری اروپا

سیاوش آذری

# هر صلح طلب واقعی باید سرنگونی طلب باشد

حمید تقوایی

سیاست و جهتگیری حزب ما در شرایط بالا گرفتن تنشهای جنگی و وقوع جنگ تقویت و گسترش مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. نه تنها خاتمه بخشیدن به مصائب مردم ایران، امری که زمینه ساز و هدف انقلاب زن زندگی آزدی است، بلکه ختم تنشها و فضای جنگی و خطر جنگ نیز تماماً در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است. اما در شرایط امروز و در آستانه حمله نظامی اسرائیل مواضع و گرایشها و گفتمانهای دیگری نیز در جامعه اشاعه یافته است. مهمترین این مواضع و گرایشها و پاسخ ما

به آن چنین است:

• "جنگ ترسناک است". حکومت جنگ افروز هم به همان اندازه جنگ ترسناک است. تا این حکومت هست سایه سیاه جنگ و ترس از جنگ بر فراز سر مردم ایران و منطقه قرار دارد.

• "باید علیه هر دو بود". بله هر دو طرف این کشمکش جنگی نیروهایی بغایت ارتجاعی و ضد انسانی هستند. و همین واقعیت را باید در سطح تحلیلی و ترویجی به مردم توضیح داد. ولی در سطح اعتراضات میدانی و خیابانی باید با تمام قوا علیه جمهوری اسلامی بود. همانطور که در اسرائیل هم اعتراضات خیابانی مردم باید علیه دولت خودشان باشد. حتی در سطح تحلیلی

و آگاهگری هم باید به مردم گفت جمهوری اسلامی و نیروهای تروریست وابسته اش منشاء شرایط جنگی فعلی در خاورمیانه و حتی زمینه ساز قدرتگیری راست افراطی اسرائیل و دولت نتانیاهو هستند. در این سطح هم مساله پنجاه پنجاه نیست.

• "نه به جنگ و صلح طلبی از سر مخالفت با کشتار و خشونت". جامعه ایران در یک شرایط آرام و صلح آمیز نیست که تنها جنگ و خشونت جنگی آرامش اش را به هم بزند. مردم دست اندر کار یک جنگ بی امان با حکومت هستند و در این جنگ حکومت از هیچ توحش و خشونتی فروگذار نکرده است. قبل از هر چیز نه جنگ

**بلکه این خود رژیم اسلامی است که خشونت و کشتار و جنایت را به امری هر روزه در جامعه تبدیل کرده است. نه تنها عامل سرکوب و کشتار و جنایت علیه مردم ایران، در چهار دهه و از جمله در دو سال اخیر، حکومت اسلامی است بلکه عامل اصلی جنگ افروزی و تنش و فضای جنگی و خشونت و کشتار جنگی در منطقه نیز این رژیم است. تا زمانی این حکومت سر کار است سایه سیاه جنگ و تنش جنگی نیز همواره بر سر جامعه خواهد بود. جواب این وضعیت، در شرایط جنگی یا غیر جنگی، در مقابله با خطر جنگ و یا وقوع جنگ، سرنگونی جمهوری اسلامی است. هر صلح طلب واقعی باید سرنگونی طلب باشد.**

• ”بگذارید بزنند. حمله اسرائیل جمهوری اسلامی را سرنگون میکند“. این نوعی بازگشت به تز رژیم چنج است – تزی که فی الحال انقلاب زن زندگی ازادی از آن عبور کرده است. سرنگونی جمهوری اسلامی کار مردم و انقلاب مردم است. اسرائیل و آمریکا و دول اروپا خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی نیستند بلکه حداکثر میخواهند پروژه هسته ای رژیم را متوقف کنند و تروریسم منطقه ای اش را مهار کنند. این قدرتگیری و پیشروی انقلاب است که میتواند دولتها را نیز مجبور کند در مقابل کل حکومت، اساساً بخاطر تروریسمش در خود ایران و علیه مردم ایران و نه صرفا بخاطر آمریکا و اسرائیل ستیزی‌اش، بایستند. کمااینکه نمودهایی از این امر را در

جریان انقلاب زن زندگی آزادی شاهد بودیم. رابطه بین دولتها با جمهوری اسلامی خود تابعی از رابطه مردم با رژیم است و نه بر عکس.

در شرایط حاضر تداوم و تقویت انقلاب زن زندگی آزادی و جنبشهای اعتراضی جاری بخشهای مختلف جامعه در گرو مقابله فعال با گرایشات فوق است. حزب کمونیست کارگری با تمام توان خود این سیاست را دنبال میکند.

# دادستانی تهران و "مخدوش کنندگان امنیت روانی جامعه"

کیوان جاوید

دادستانی کل رژیم با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که علیه برخی افراد اعلام جرم و با برخی دیگر نیز برخورد قضایی کرده و به برخی افراد برهم‌زننده امنیت روانی جامعه تذکر داده" است.

این اطلاعیه می‌گوید در روزهای اخیر، برخی افراد در شبکه‌های اجتماعی یا برخی فعالان فضای مجازی "اقدام به انتشار اخبار کذب یا ایجاد رعب در راستای خدشه به امنیت روانی جامعه کرده‌اند".

به این می‌گویند خبر دلگرم‌کننده برای مردمی

که سرنگونی‌طلبی را به یک رویداد روزانه علیه رژیم تبدیل، و به "امنیت روانی" سردمداران و جیره‌خواران جمهوری اسلامی جدا خدشه وارد کرده‌اند. این دیگر به درک همه ما مردم تبدیل شده است که وقتی رژیم بنام مردم و جامعه حرف می‌زند منظورش همان نیروهای مزدور مواجب‌بگیر و همان سران قاتل جمهوری اسلامی است. آنها نگران از دست‌دادن همه امکانات مادی عظیمی هستند که با قتل و غارت و کشتار مردم بدست آورده‌اند. هر زمان ارگان‌های سرکوب رژیم، از دادستانی و قوه قضاییه و سپاه و ارتش و وزارت اطلاعات اطلاعیه می‌دهند و مردم را از حضور در مدیای اجتماعی برحذر می‌دارند و تهدید به دستگیری می‌کنند، باید دقیقاً پی

برد که این حضور ما از چه اهمیت بالای سیاسی برخوردار است.

حضور در مدیای اجتماعی یعنی هر فرد جامعه یک مبارزِ در میدان و مسلح به آخرین و پیشرفته‌ترین ابزار مبارزه در جنگ سیاسی - تبلیغی با حکومت اسلامی است. این به‌راستی برای یک حکومت منزوی که در درون صفوف خود با صدها درگیری روبرو است، ترسناک است. هر روز مردم یک‌بار دیگر در یک "کارزار جدید" شرکت، و هر آنچه که سران رژیم رشته‌اند را پنبه می‌کنند. سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای و جهانی رژیم را با نقد کوبنده خود در هم می‌کوبند و به همه جامعه روحیه مبارزه‌جویی می‌دهند.

**عرصه مبارزه در مدیای اجتماعی فقط فردی نیست. سازماندهی مبارزات اعتراضی و تحصن و اعتصاب و تجمع نیز در همین مدیای اجتماعی توسط فعالین جنبش‌های اعتراضی صادر می‌شود و این نیز یک جنبه دیگر از اهمیت بالای مدیای اجتماعی است. دیکتاتور و حکومت دیکتاتوری اسلامی می‌خواهند مردم را در کنج تنهایی و در بی‌خبری به‌زانو در بیاورند، اما مدیای اجتماعی این سیاست رژیم را زمین‌گیر کرده است.**

# فضای جنگی حکومت و پاسخ مردم

شهلا دانشفر

درست در این فضای جنگی، بازنشستگان فولاد و معدن در تهران، پرستاران و بازنشستگان تأمین اجتماعی در ۱۵ مهر، بازنشستگان مخابرات، کارگران رسمی سکوهای نفتی در ۱۶ مهر، کارگران ارکان ثالث در مجتمع گاز پارس جنوبی و بازنشستگان کشوری کرمانشاه در ۱۷ مهر و معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در تهران در ۲۱ مهر تجمع خواهند داشت. فراخوان‌هایی که با شعارهایی چون "جنگ‌افروزی را رها کن، فکری به حال ما کن"، "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" نشان می‌دهد مردم کجا ایستاده‌اند.

نمازجمعه این هفته با امامت خامنه‌ای - این به‌اصطلاح نمایش اقتدار - بیش از بیش نشانگر وضع خراب حکومت بود. خامنه‌ای به ناگزیر بعد از روزها از پناهگاهش بیرون آمد تا خودی نشان دهد و هدفش روحیه دادن به نیروهایش در داخل و طرفدارانش در منطقه بود. تمهیدات بسیاری دیده بودند و جمعیت کرایه‌ای‌شان را از شهرهای مختلف بسیج کرده و نیروهایشان در خیابان‌های اطراف مصلی مستقر بودند.

مردم در گفته‌هایشان با تمسخر، از زبونی حکومت می گویند: "قرار بود با فتح قدس در مسجدالاقصی نماز بخوانی الان با اینهمه تمهیدات در زیر سقف مصلی رفته‌ای و "نمایش اقتدار" می‌دهی."

خطبه خامنه‌ای هم حرف‌هایی توخالی و رجزخوانی محتاطانه‌ای بیش نبود. او در قامت رهبر لشکری شکست‌خورده که با موجی از نارضایتی و حتی دشمنی در میان مردم لبنان روبروست، ظاهر شد و با دلجویی از مردم منطقه بویژه از مردم لبنان، فراخوان به همبستگی داد و مجدداً از عملیات تروریستی هفت اکتبر حمایت کرد.

روشن است که هدف جمهوری اسلامی از جنگ افروزی برگرداندن گفتمان جامعه از ادامه انقلاب زن زندگی آزادی بسوی جنگ و تشدید اختناق و سرکوب به بهانه جنگ است. اما دست حکومت برای مردم رو است. همان شب موشک‌پرانی به اسرائیل شعار

مرگ بر دیکتاتور در تهران بلند شد و در همین مدت بخش‌های مختلف بازنشستگان، کارگران نفت و دیگر بخش‌های جامعه تجمعاتشان را داشتند و لیستی سریالی از فراخوان‌های اعتراضی داده شد.

مردم می‌گویند این موشک‌ها بر سفره خالی ما فرود آمدند. بحران بنزین و صف‌های کیلومتری آن صدای اعتراضاتشان را بلندتر کرده است. گسترش اعتراضات، به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی پاسخ فوری این شرایط است. جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین موقعیتش قرار دارد و "سر مار اسلام سیاسی" در منطقه است؛ باید آنرا زد. با اتحادی سراسری برای سرنگونی آن خیز برداریم.

# سروناز احمدی، یار کودکان، مبارزی جسور در زندان

## منظر دریاکناری

روز جمعه ۱۳ مهر، گزارشگر ویژه سازمان ملل از وضعیت سروناز احمدی، فعال حقوق کودکان که در زندان اوین محبوس است ابراز نگرانی کرد. خانم لاولر روز در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که به رغم وضعیت وخیم جسمی و توصیه پزشکان، سروناز احمدی از مرخصی پزشکی محروم شده است.

سروناز در اعتراض به عدم موافقت مسئولان زندان با مرخصی درمانی او دست به اعتصاب دارو زد و اکنون حدود ۱۷ روز است که این اعتصاب

ادامه دارد. سروناز احمدی اردیبهشت ۱۴۰۲ در آستانه روز جهانی کارگر به همراه شماری از فعالان اجتماعی و کارگری بازداشت شد. او در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به اتهام "اجتماع و تبانی به‌قصد برهم‌زدن امنیت ملی" و "تبلیغ علیه نظام" ابتدا به شش سال حبس محکوم شد، اما این حکم در دادگاه تجدیدنظر به سه سال و شش ماه کاهش پیدا کرد

احساس شما بعنوان یک خواننده این خبر چیست؟ غم و اندوه از اینکه یک زن مبارز که "دانشآموخته کارشناسی ارشد مددکاری است" و می‌توانست اگر بی‌خیال دیگران و خصوص کودکان بود، حالا زندگی‌ای داشته باشد. زندگی‌ای

هر چند توأم با صدها دغدغه، از حجاب اجباری گرفته تا آپارتاید جنسیتی؛ از محرومیت اقتصادی و انکار هویت انسانی بعنوان یک زن تا اسیر دست به سینه یک جامعه خفقان‌آور. سروناز می‌توانست همچون یک درخت در بیابان سوزان، خشک و پژمرده شود و هیچ اثری از خود برجای نگذارد، طوری که انگار هرگز وجود نداشته است. اما سروناز رسم همان درخت سبز سرو قامت را در پیش گرفته، برای زندگی و انسانیت و حق کودکان به میدان مبارزه پا گذاشته است و سبز مانده است.

سروناز البته تنها نیست. مرواریدی کمیاب در دل صدف نیست که نشود به‌راحتی پیدایش کرد.

او یکی از ما است. یکی از دانش‌آموزان دختر که در دل انقلاب زن زندگی آزادی به زیبایی درخشیدند. یکی از دانشجویان با آن حماسه‌هایی که آفریدند. او بازنشسته و معلم و پرستار است و کارگر است. او سرو زیبای انقلاب ما است. صدای این مبارز پُر شور انقلاب نوینمان باشیم که در اسارت است و آنجا نیز دست از مبارزه بر نمی‌دارد.

# پذیرش حق پناهندگی زنان افغانستانی
# با حکم دیوان دادگستری اروپا

سیاوش آذری

دیوان دادگستری اروپا روز جمعه ۴ سپتامبر ۱۳- مهر حکم کرد که جنسیت و تابعیت برای اخذ پناهندگی برای زنان افغانستانی در کشورهای اتحادیه اروپا کافی است و این زنان نیازی به اثبات وجود خطر واقعی و مشخص و مورد آزار و اذیت قرار گرفتن در صورت بازگشت به کشور خود ندارند.

تبعیض علیه زنان امری جهانی است. مبارزه بی‌امان جنبش زنان آزادیخواه و برابری طلب همراه با دیگر جنبش‌های حقوق اجتماعی و انسانی بویژه جنبش

سوسیالیستی دست‌آوردهای فراوانی در احقاق حقوق زنان در چهارگوشه دنیا داشته است. به این معنی مبارزه برای آزادی زنان نیز امری جهانی است. تحمیل نابرابری و بی‌عدالتی و تبعیض و خشونت علیه زنان در هر گوشه از دنیا تعرض به حقوق و آزادی زنان در سطح جهان است. همبستگی فعالین حقوق زنان و انسان‌ها از اروپا تا آمریکای شمالی و از افغانستان تا استرالیا با انقلاب زن زندگی آزادی و حمایتشان از آن جلوه‌ای از این وجه جهانی مبارزه برای آزادی زن بود. به این معنی حکم مذکور دیوان دادگستری اروپا پیروزی بزرگی برای جنبش زنان در جهان محسوب می گردد.

زنان از اولین قربانیان سبعیت و توحش جنبش

ضدبشری اسلام سیاسی هستند. زنان و مردم کشورهای اسلامزده، بویژه زنان افغانستان تحت سیطره طالبان بر این نکته واقف‌اند و از بدو بروی کار آمدن مجدد جانیان طالبان به قدرت در نتیجه زدوبند با دول غربی و در رأس آنان دولت آمریکا به مبارزه برای حقوق خود و مقاومت در برابر دست‌اندازی‌های جنبش اسلام سیاسی به آزادی‌های اجتماعی و سیاسی پرداخته‌اند. جنبش زنان و دیگر جنبش‌های اجتماعی پیشرو و جهان متمدن در این مبارزه در کنار زنان افغانستانی قرار گرفته‌اند. مبارزه زنان افغانستانی شایسته بزرگ‌ترین و عمیق‌ترین همبستگی و پشتیبانی جهان متمدن است. پیروزی اخیر و حکم کفایت جنسیت و تابعیت برای برخورداری از حق پناهندگی برای زنان افغانستانی

نمونه مشخصی از این همبستگی جهانی جنبش زنان و دیگر جنبش‌های مترقی است.

جهان متمدن نشان داد که می‌توان و باید علی‌رغم چشم‌پوشی دولت‌ها از فلاکت و مصیبت تحمیل شده به زنان افغانستانی در نتیجه مماشات دول غربی با طالبان به میدان آمد، از حقوق و آزادی زنان در افغانستان و مبارزاتشان علیه بربریت اسلامی حمایت کرد، خواب را از چشم دولت‌ها ربود و به پیروزی رسید.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۵۳

۶ اکتبر ۲۰۲۴ – ۱۵ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

**تجمعات مطالبه‌گری سراسری پرستاران**

### منظر دریاکناری

**محکومیت ژینا مدرس گرجی به دو سال و چهار ماه زندان**

### سیما بهاری

**دستاورد چشمگیر پزشکیان در سفر به قطر**

### کیوان جاوید

# تجمعات مطالبه‌گری سراسری پرستاران

## منظر دریاکناری

شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران فراخوان به اعتراضات سراسری داده است و زمان شروع تجمعات را ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۱۵ مهر اعلام کرده است.

در ابتدای این اطلاعیه می‌خوانیم: "برای تغییر فردا امروز متحد شویم! ". رمز پیروزی در همین یک کلمه است: متحد شویم! جمهوری اسلامی بر دوش تفرقه و تهدید و زندان ایستاده است و حق مردم را می‌خورد و زندگی مردم را به جهنم تبدیل می‌کند.

وقتی در فراخوان برای تجمعات سراسری با مطالباتی که شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران برشمرده است، متمرکز شویم! تازه به این نکته پی می‌بریم که چه سطحی از سازماندهی و بحث و هم نظری در رسیدن به این مطالبات قابل‌مشاهده است. کلید این پیشروی‌های اجتماعی در سازماندهی و متشکل عمل کردن این اعتراضات است.

قدرت در تشکل و روشن‌بینی سیاسی نهفته است. اگر فقط خواست‌های روشن و شفاف صنفی و مطالباتی داشته باشیم و نتوانیم جمعیت بزرگی در سطح یک مجتمع، فابریک یا در سطح شهر و کشور بسیج کنیم، طبعاً راه به جایی نمی‌بریم. طبیعتاً در هر عمل سازماندهی تفکرات و گرایشات سیاسی و منافع کوچک و بزرگ متفاوت قابل‌مشاهده

**است. هنر سازماندهی مبارزات به تفاهم رسیدن و نزدیک کردن آن مطالبات و خواست‌هایی است که بیشترین منافع را نصیب همه آن جمعیتی کند که برای هدف مشخصی دست به اعتراض و اعتصاب زده‌اند.**

**این هنر سازماندهی به نظر می‌رسد تا حد زیادی در همین فراخوان به تجمعات سراسری پرستاران ملحوظ شده است. اینجا دیگر باید جامعه و دیگر بخش‌های جنبش‌های اعتراضی یک گام در وحدت مبارزات جاری به‌پیش بردارند و از مطالبات شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران وسیعاً پشتیبانی کنند.**
**مطالبات این شورا ازاین‌قرار است:**

**مطالبات واقعی جامعه کادر درمان:**

۱. اصلاح تعرفه پرستاری دقیقاً همانند آنچه که برای پزشکان اجرا می‌کند

۲. اصلاح حکم پرستاران بر اساس نرخ تورم به‌ویژه حق شاغل، حق شغل، حق مسکن، حق ایاب‌وذهاب

۳. اصلاح مبلغ اضافه‌کاری بر اساس نرخ تورم، همچنین اجرای قانون "اضافه‌کار اختیاری" بدون تحت‌فشار قراردادن پرسنل

۴. اصلاح فوق‌العاده خاص با ضریب۳
(کادر درمان که در روزهای خاص همیشه در صحنه هستند با معوقات ترمیم حقوق ۴۰٪ تحقیر می‌کنند)

۵. استخدام نیروهای جدید بر اساس استاندارد جهانی "نسبت پرستار به تخت" و استخدام نیروهای طرحی دوران کرونا، نیروهای ۸۹ روزه، نیروهای شرکتی و قراردادی

۶. تأمین امنیت جانی پرسنل خدماتی درمانی

۷. اجرای صحیح قانون مشاغل سخت و زیان‌آور و ارتقای بهره‌وری

۸. افزایش کیفیت رفاهیات

اتحاد و اعتراض سراسری رمز پیروزی ماست!

جنگ‌افروزی کافیه، سفره ما خالیه

یه اختلاس کم بشه حق ما داده میشه
تنهاترین دسته‌ایم از وعده‌ها خسته‌ایم
حقمونو نگیریم شیفتامونو نمیریم
وعده زیاد شنیدیم ، جوابی هم ندیدیم
ما که نماد صبریم، صبرمون به سر رسیده!
حذف اضافه کار اجباری و تصحیح حق‌الزحمه مربوط به اضافه کاری.
پرستار داد بزن حقتو فریاد بزن
پرستار می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد
با کرونا جنگیدیم حمایتی ندیدیم

مکان: تهرانی‌ها مقابل وزارت بهداشت، شهرستانی‌ها مقابل دانشگاه‌های علوم پزشکی
اقدام بعدی پرستاران در جهت احقاق حقوق خود ، فراخوان #اعتصاب_روز_پرستار خواهد بود.

# محکومیت ژینا مدرس گرجی به دو سال و چهار ماه زندان

سیما بهاری

نزدیکان ژینا مدرس گرجی، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان، خبر دادند که دادگاه تجدیدنظر استان کردستان او را به دو سال و چهار ماه حبس محکوم کرده است. بنا به اطلاعات موجود ژینا از "اتهام همکاری با دولت متخاصم" تبرئه شده اما بابت اتهام "تبلیغ علیه نظام" به یک سال حبس و از بابت اتهام "تشکیل دسته و گروه غیرقانونی با هدف براندازی نظام" به ۱۶ ماه حبس، جمعاً به ۲۸ ماه حبس محکوم شده است.

براندازی یکی از مهم‌ترین کلیدواژه است که احتمالاً بشود دررابطه‌با ایران در گوگل به آن رسید. شاید تنها رقیب این کلمه جمله "تبلیغ علیه نظام" باشد. در فاصله کمتری از اینها احتمالاً به جمله "اتهام" به دلیل "تشکیل دسته و گروه غیرقانونی با هدف براندازی نظام برخورد کنیم.

تعداد افرادی که در ایران به اتهامات واهی "همکاری با دولت متخاصم" به زندان محکوم می‌شوند بسیار زیاد هستند. تقریباً همه زندانیان سیاسی در ایران با این اتهام روبرو شده‌اند. درعین‌حال باید از این واژه جرم‌زدایی کرد.

ارتباط با هیچ دولتی جرم نیست. اگر فرد مبارزی یا شهروندی در نقد "دولت خودی" طرف‌دار خط

**و مشی و اهداف سیاسی دولتی دیگر در جهان باشد این در چهارچوب آزادی بیان قرار می گیرد و هیچ خطری نباید شهروندان را از این بابت تهدید کند.**

**دنیا بر اساس تفکر و عقاید مردمان یک روستا و شهر و کشور شکل نگرفته است. عقاید و آرا و تفکرات سیاسی، فلسفی و اقتصادی و نوع سیستم‌های اقتصادی که بر اساس آنها نظام‌های اقتصادی و سیاسی دولت‌ها بنا می‌شود جهانی هستند و همانطور که اتومبیل و موبایل و وسایل جراحی در بیمارستان‌ها محصول "کارخانه‌های" دهات ما نیستند، عقاید نیز محصولات جهانی هستند.**

**در ادامه این محکومیت‌ها امروز به نام ژینا مدرس گرجی بر می‌خوریم که استوار علیه نظام اسلامی سینه سپر کرده و به دو سال و چهار ماه زندان محکوم شده است. این حکم یک سند جدید دیگر علیه رژیم درمانده اسلامی است که می‌پندارد به این وسیله می‌تواند مانعی بر سر راه سرنگونی‌طلبی ایجاد کند. دشمنان این رژیم از کودکستان تا بازنشستگان در صف مبارزه نام‌نویسی کرده‌اند. ژینا تنها نیست. از فعالیت سیاسی باید جرم‌زدایی شود.**

# دستاورد چشمگیر پزشکیان در سفر به قطر

کیوان جاوید

**دبیرکل اتاق مشترک بازرگانی ایران و قطر می گوید اگر نتیجهٔ سفر اخیر رئیس‌جمهور ایران به قطر ایجاد یک صرافی هم باشد، "دستاورد چشمگیری" خواهد بود.**

**این بزرگ‌ترین جوک سیاسی‌ای است که یک مقام جمهوری اسلامی می‌توانست در مورد اقتصاد به گند کشیده شده جمهوری اسلامی گفته باشد. در این سفر "رئیس‌جمهور محترم" بعد از سان‌دیدن و بجا آوردن همه پروتکل‌های دیپلماتیک قرار است پشت میز مذاکره با مقامات قطری بنشینند و "اگر" موفق شود که یک صرافی باز کند خودش یک**

دستاورد چشمگیر برای جمهوری اسلامی است. نکته بااهمیت همان "اگر" است.

اگر قرار نیست در این سفر به نتایج اقتصادی قابل ملموس و مهمی دست پیدا کنند پس چرا پزشکیان کفش و کلاه کرده و بار سفر به قطر بسته است؟ خلاصه اینکه این یک سفر برای دستاوردهای اقتصادی نبوده است. در این اوضاع وانفسای جمهوری اسلامی که از هر سو در محاصره انواع طوفان‌های سیاسی گرفتار آمده است، دیدارهای خارجی "رئیس‌جمهور" یک فیگور و یک ژست سیاسی است. باید وانمود شود در قطر کسی منتظر دیدار با یک مقام جمهوری اسلامی است. در شرایطی که اسرائیل یکی پس از دیگری مقامات نظامی رده‌بالای جمهوری و یاران

”محور مقاومت“ رژیم را به هلاکت می‌رساند و خطر جنگ بالا گرفته است، جمهوری اسلامی وانمود می‌کند اوضاعش خراب نیست و می‌تواند از طریق دیپلماسی چراغ‌سبزی به قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی داده باشد. شاید حامل پیامی برای سران بعضی از کشورها باشد؛ شاید می‌خواهند جام زهر جدید سربکشند و شایدهای بسیاری دیگر. اما این رژیم گیرش در ایران است. سیاست جمهوری اسلامی در منطقه و در مبارزه با شیطان بزرگ نمی‌تواند عوض شود. درست مثل‌اینکه نمی‌شود قلب بیماری را کِند و دور انداخت و انتظار ادامه حیات از او داشت.

یک پیام دیگر از این نمایش‌های مسخره دیدوبازدید خارجی مصرف داخلی دارد. رو به مردم

ایران که با اعتراضات و اعتصابات و زدن زیر هر آنچه که اسلامی است می‌خواهند بنیاد جمهوری اسلامی را از جا برِکنند، این‌طور القا می‌شود که رئیس‌جمهور موفق شده است در نشست سالانه سازمان ملل شرکت کند و بعد از آن راهی سفر به قطر شده است. "دستاورد چشمگیری" است!

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۵۴

۷ اکتبر ۲۰۲۴ – ۱۶ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

اعتراضات بر سر معیشت در دل فضای جنگی

شهلا دانشفر

رکورد جدید دلار و جنگ بر سر معاش

سینا پدرام

آزار جنسی زنان زندانی، هدفی برای ارعاب

عطیه نیک‌نفس

انتظاری نفسگیر از غیبت اسماعیل قاآنی

کیوان جاوید

سپاه پاسداران در لیست تروریستی پارلمان لیتوانی

محسن ابراهیمی

# اعتراضات بر سر معیشت در دل فضای جنگی

شهلا دانشفر

در فضای جنگی حاکم، اعتراضات بر سر معیشت گسترده‌تر شده و بخش‌های مختلف کارگری و مردم در سطح جامعه با فریاد خواست‌هایشان اجازه نمی‌دهند که اعتراضاتشان تحت‌الشعاع این اوضاع قرار گیرد. از جمله برای این هفته لیستی از فراخوان‌های اعتراضی از سوی بخش‌های مختلف کارگری و بویژه بازنشستگان را داریم. روز یکشنبه ۱۵ مهر شروع پُرشوری از این اعتراضات بود. فراخوان‌هایی که با شعارهایی چون "جنگ‌افروزی کافیه، سفره ما خالیه"، "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" پیام روشنی برای حکومت داشت.

روز یکشنبه بازنشستگان فولاد و معدن در تهران و اصفهان و اهواز و بازنشستگان تأمین اجتماعی در چند شهر تجمع کردند. تجمع بازنشستگان فولاد و معدن در تهران با یورش حکومت روبرو شد، اما ایستادگی بازنشستگان و درگیرشدن آنان با سرکوبگران با فریاد بی‌شرف بی‌شرف حساب را کف دست آنان گذاشت. در این روز بازنشستگان با فریاد خواست‌هایشان و شعارهای کارگر زندانی آزادی باید گردد، شریفه محمدی آزاد باید گردد، پیامشان این بود که اجازه نمی‌دهند در پرتو این شرایط سرکوبگری‌ها شدت یابد. بدنبال این تجمع بازنشستگان گفتند که ما را تهدید کردند که تجمع نکنیم و گفتند اسرائیل حمله می‌کند.

**معلوم شد اسرائیل و اسرائیلی کیست.**

**امروز دوشنبه ۱۶ مهر نیز بازنشستگان مخابرات تجمعات سراسری داشتند و کارگران رسمی نفت در شرکت‌های مختلفی در مناطق نفت‌خیز جنوب تجمعات اعتراضی بر پا کردند. بعلاوه اینکه تجمعات بیشتر بازنشستگان برای روزهای هفدهم و بیست و یکم مهر در راه است.**

**جنبش گسترده بر سر معیشت که یکسر قدرتمند آن بازنشستگان و سر دیگرش کارگران نفت، معلمان، پرستاران و بخش‌های مختلف جامعه هستند، در متن فضای انقلابی جامعه، جمهوری اسلامی را که در اوج زبونی خود قرار دارد به وحشت انداخته**

**است. جمهوری اسلامی از گسترش اعتراضات بر سر معیشت، از جمله اعتراضات بازنشستگان و پرستاران و فضای پر تلاطم اعتراضی نفت هراس دارد. حمله دیروز به تجمع بازنشستگان فولاد و معدن بازتابی از این هراس بود که جوابش را گرفت.**

**با گسترده‌تر کردن اعتراضاتمان و فریاد دوباره فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی، راه به پایان رساندن پیروزمند انقلاب را در پیش بگیریم. سرنگونی جمهوری اسلامی پاسخ فوری ما مردم در ایران برای رهایی از جهنم جمهوری اسلامی و رهایی مردم در کل منطقه از شر جنگ‌افروزان است.**

# رکورد جدید دلار و جنگ بر سر معاش

## سینا پدرام

به گزارش خبرگزاری‌ها نرخ دلار آمریکا شامگاه یکشنبه در بازار آزاد ایران به ۶۳ هزار و ۴۰۰ تومان رسید که بالاترین رقم از زمانی است که جمهوری اسلامی اولین حمله گسترده موشکی و پهپادی خود به خاک اسرائیل را انجام داده بود. افزایش نرخ دلار در سایه اعلام آمادگی ارتش اسرائیل برای حمله تلافی‌جویانه به دومین حمله گسترده موشکی رژیم به این کشور در سه‌شنبه هفته گذشته، اتفاق می‌افتد.

شعار "حقوق ما ریالیه، هزینه‌ها دلاریه" واقعیت

امروز و دیروز مردم ایران را در پایه‌ای‌ترین سطح بیان می‌کند. این بیانِ شعاری از اقتصادی است که بن‌بست آن سال‌هاست چیزی جز و فقر و فلاکت هیچ ثمری برای مردم نداشته است.

قیمت دلار در عرض ده سال گذشته از ۴ هزار تومان به ۶۳ هزار تومان رشد کرده است و در عین حال رشد حقوق کارگران و کارمندان درصد بسیار کمی تغییر کرده است. نمودارهای اقتصادی مختلف نشان می‌دهد که قیمت دلار در عرض یک سال گذشته بطور متوالی ۲۴ درصد رشد داشته است. معنای اقتصادی روزمره آن رشد قیمت اقلام و مایحتاج‌های روزمره، مسکن، لوازم خانگی، هزینه‌های کتاب و لوازم تحریر دانش

**آموزان و در یک کلام افت قدرت خرید مردم در تمامی سطوح حیات اقتصادی مردم است.**

**معنای واقعی جنگ برای مردم چیست؟ گرانی، کمبود مواد سوختی و غذائی، کمبود دارو و در یک‌کلام تباهی و استرس بی‌پایان برای میلیون‌ها میلیون انسان. این آن جنگی است که هر روز وحشتناک‌تر از هر جنگی در خاورمیانه سایه سیاه خود را بر زندگی مردم انداخته است. این آن جنگی است که تلفات آن در ده سال گذشته در اثر فقر وحشتناک، آلودگی هوا، افزایش بیماری‌های جسمی و روانی مختلف، سوءتغذیه مزمن، جاده‌های ناامن و ماشین‌ها ناامن‌تر و غیره جان میلیون‌ها انسان در ایران را گرفته است.**

فلاکت اقتصادی مردم و بویژه طبقات فرودست به همراه یک بحران سیاسی و سرنگونی خواهی عمومی، رژیم را در وضعیت پر مخمصه‌ای قرار داده است. رژیم با ایجاد فضای جنگی سعی در پوشاندن جنگ واقعی و دائمی مردم را دارد. این جنگی است که انقلاب زن زندگی آزادی یکی از نقطه اوج‌های آن بود. رژیم اسلامی و دولت اسرائیل سایه شوم جنگ را بر خاورمیانه گسترانده‌اند. انقلاب ایران جواب واقعی این جنگ خانمان‌سوز است.

# آزار جنسی زنان زندانی، هدفی برای ارعاب

عطیه نیک‌نفس

بیست و دو زن زندانی سیاسی و عقیدتی در زندان اوین خواهان توقف اذیت و آزار جنسی زندانیان در حین بازرسی بدنی شدند. زندانیان سیاسی زن خواستار رسیدگی به وضعیت موجود شده‌اند و گفته‌اند: "در صورت پاسخگو نبودن مسئولان، دست به اقدامات اعتراضی خواهند زد." اسامی این زندانیان از این قرار است:

سروناز احمدی – آنیشا اسداللهی – سمانه اصغری – ریحانه انصاری‌نژاد – گلرخ ایرایی – سکینه پروانه – ناهید خداجو نسرین خضری جوادی – راحله راحمی‌پور – ویدا ربانی – نسرین روشن – نسیم سیمیاری – سعیده شفیعی – مهوش

شهریاری پخشان - عزیزی سعیده قربانعلی - نرگس محمدی - ریشه مرادی پریوش مسلمی - معصومه نساجی - حورا نیکبخت - مریم یحیوی.

تعرض جنسی و جنسیتی همیشه یک ابزار بسیار شنیع رژیم اسلامی در مقابله با زندانیان بوده است. مخصوصاً در مورد زندانیان سیاسی که نه‌تنها با قوانین ضد زنِ مبتنی بر اسلام مخالفت و مبارزه می کنند، بلکه بخاطر زن بودن نیز جرمی مضاعف بر دوش می کشند

رژیم اسلامی درحالیکه با قوانین ضدزن اسلامی مالکیت بدن زن را می‌خواهد از او سلب کند، خودش بزرگ‌ترین متعرض به بدن زنان است.

رژیم اسلامی با قانون‌گذاری برای پوشش زنان و روابط آنها همیشه خواسته زن را سرکوب کند و مورد تعرض قرار دهد که این خود برگی دیگر از جنایات این رژیم است.

زنان برابری‌طلب در طول عمر جنایتکارانه رژیم اسلامی هرگز قوانین زن‌ستیزانه و غیرانسانی اسلامی رژیم را نپذیرفتند و شجاعانه باوجود جرایم نقدی، احکام طولانی‌مدت زندان، شکنجه‌های فراوان، محرومیت از ارتباط با خانواده و ده‌ها محرومیت و محدودیت‌های دیگر، همچنان از داخل زندان بیانیه صادر می‌کنند، اعتراض و اعتصاب سازمان می‌دهند و مبارزه می‌کنند و به‌این‌ترتیب رژیم اسلامی را در شرایط سخت و نفس‌گیر قرار داده‌اند.

این بار نیز همین زنان مبارز که به جرم آزادیخواهی در زندان هستند، به‌درستی و جسورانه در مقابل این تعرض ایستاده‌اند. این عمل ضدانسانی نه‌تنها باید فوراً در زندان‌ها متوقف شود، بلکه باید همه‌جانبه به آن معترض شد و در کنار زنان مبارز زندانی برای قطع فوری تعرض جنسی – این ابزار شکنجه علیه زنان زندانی – یکصدا و همدل از هر تریبونی اعتراض کنیم و صدای اعتراض این مبارزین شجاع باشیم.

# انتظاری نفسگیر از غیبت اسماعیل قاآنی

## کیوان جاوید

”دو مقام ارشد امنیتی“ جمهوری اسلامی به رویترز گفتند از زمان حمله هفته گذشته اسرائیل به حومه بیروت، از اسماعیل قاآنی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، هیچ خبری نیست“. قاآنی به دنبال به هلاکت رسیدن حسن نصرالله، به لبنان سفر کرده بود.

چه کسی فکرش را می‌کرد که ناپدیدشدن فردی چون قاآنی و بی‌خبری از وضعیت او تا این اندازه فکر مردم ایران را به خودش مشغول کند؟ همه منتظرند بدانند فرمانده سپاه قدس چه سرنوشتی

پیدا کرده است. قاآنی و نصرالله و هنیه و لیست بلندبالایی از دیگر تروریست‌های اسلامی هر چه بیشتر به هلاکت برسند بر شادی مردم ایران می‌افزایند. نه‌تنها مردم ایران که کل مردم منطقه و جهان از نبود چنین جانیان خونخواری نفس راحت‌تری می‌کشند. مردم می‌خواهند مطمئن شوند قاآنی نیز به هلاکت رسیده است تا جشن شادی بر پا کنند. دلیل انتظار را باید اینجا جستجو کرد.

گفته می‌شود قاآنی در سفرش به لبنان بعد از مرگ نصرالله قرار بود به کمک جانشین احتمالی رهبر جدید سازمان تروریستی حزب‌الله بشتابد، اما از همان روز ورودش همراه با سید هاشم

صفی‌الدین محو شده است. جمهوری اسلامی هر چه بیشتر سعی می‌کند دراین‌رابطه اظهارنظر رسمی نکند بر میل بیشتر مردم برای یافتن حقیقت بیش از اندازه می‌افزاید. شاید همچون هلاکت هنیه و نصرالله برای پخش شیرینی در خیابان‌ها و در جمع‌های دوستانه لحظه‌شماری می‌کنند.

ما مردم، سپاه پاسداران و همه انواع نیروهای نظامی و انتظامی و لباس‌شخصی و وزارت اطلاعات و دیگر سرکوبگران را دشمن شماره یک خود می‌دانیم. این نیروی مسلح جمهوری اسلامی است که مانع از سرنگونی رژیم تا این لحظه شده است. این رژیم مطلقاً مشروعیتی در

میان مردم ندارد و تنها با شلیک به‌سوی مردم؛ به بند کشیدن مبارزین؛ اعدام زندانیان سیاسی و دیگر زندانیان عادی سرپا ایستاده است. در چنین شرایطی هر تک خبری که حامل مرگ این جانیان باشد نویددهنده شکنندگی بیشتر رژیم در برابر مردم است. ایران مظهر اعتصابات و اعتراضات و تجمعات روزانه است و مقابله حکومت با این معترضان بر دوش نیروهای مسلح رژیم اسلامی سنگینی می کند. هلاکت این اوباش مسلح روحیه‌ها را برای گسترش مبارزه بالاتر می برد و باعث تضعیف روحیه سرکوبگران می‌شود.

# سپاه پاسداران در لیست تروریستی پارلمان لیتوانی

محسن ابراهیمی

روز یکشنبه ۱۳ مهر اتفاق خوبی در جهت منزوی کردن حکومت اسلامی رخ داد: پارلمان کشور لیتوانی با تصویب قطعنامه‌ای، سپاه پاسداران را به‌عنوان یک سازمان تروریستی اعلام کرد. رئیس کمیته روابط خارجی این کشور، بلافاصله اعلام کرد بعدازاین تصمیم، وزیر کشور لیتوانی موظف است اعضای سپاه پاسداران را در صورت ورود به این کشور تحت‌نظر قرار دهد!

در فضای جنگی این روزها و در جریان جنگ‌افروزی جمهوری اسلامی، این خبر خوبی برای مردم ایران

و نشانه‌ای از انزوای بیشتر جمهوری اسلامی است. نقش و جایگاه سپاه پاسداران در ساختار حکومت اسلامی را همه می‌دانند. اعلام سپاه به‌عنوان یک سازمان تروریستی توسط تعداد زیادی از دولت‌ها، سپاه و از این طریق جمهوری اسلامی را در مقابل مردم بپاخاسته ضربه‌پذیرتر خواهد کرد.

سپاه به همه قلمروهای اقتصاد چنگ انداخته است و بخش مهمی از پولشویی و پولسازی این نیروی نظامی تروریستی از طریق شرکت‌های متعدد وابسته به سپاه در خارج از کشور عملی می‌شود که به‌این ترتیب این درها به رویش بسته می‌شود. سپاه پاسدارانِ تضعیف شده که مهم‌ترین نیروی سرکوب در داخل است، در مقابل تعرض مردم ضربه‌پذیرتر

می‌شود. خصوصاً شاخه خارج از کشور سپاه، یعنی سپاه قدس تأمین‌کننده حضور جمهوری اسلامی در منطقه است که باوجود تحریم دست‌وپایش در منطقه کوتاه می‌شود.

بعد از موشک پرانی اول حکومت اسلامی به اسرائیل، در پارلمان اروپا قطعنامه‌ای با اکثریت بسیار بزرگی تصویب شد که از دولت‌های اتحادیه اروپا خواست سپاه را در لیست تروریستی قرار دهند. این یک گام بزرگ بود که اساساً فضای انقلاب زن زندگی آزادی زمینه‌اش را فراهم کرده بود، اما هنوز جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا می‌توانست در مقابل آن موش بدواند. امروز فضا بیشتر علیه جمهوری اسلامی است. اقدام پارلمان لیتوانی در

چنین فضایی امکان‌پذیر شده است که می‌تواند به سایر اعضای اتحادیه اروپا هم گسترش پیدا کند.

بعد از موشک‌پرانی اخیر حکومت اسلامی علیه اسرائیل، فضا برای فشارآوردن به دولت‌ها برای قراردادن سپاه در لیست تروریستی، بایکوت تمام‌عیار جمهوری اسلامی و بستن سفارتخانه‌هایش فراهم‌تر شده است. فعالیت در این جهت را باید گسترش داد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۵۵

۸ اکتبر ۲۰۲۴ – ۱۷ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

## در این شماره ژورنال:

مبارزه علیه جنگ به چه معنا است؟

یک سؤال از حمید تقوایی

رضا پهلوی در رؤیای یک گوادولوپ دیگر

محسن ابراهیمی

روز جهانی علیه اعدام

حسن صالحی

تهدید اصلی حکومت، مردم انقلابی است

یاشار سهندی

# مبارزه علیه جنگ به چه معنا است؟

## یک سؤال از حمید تقوایی

**سوسن صابری:** در سند "شرایط جنگی حاضر و سیاست حزب کمونیست کارگری" که دیروز منتشر شد گفته می‌شود: "ما موافق و خواهان هیچ نوع حمله نظامی به ایران نیستیم." ولی رهنمودی برای مخالفت و اعتراض به جنگ هم ارائه نداده‌اید. در زمان جنگ ایران و عراق، شعار محوری "قطع جنگ بی‌درنگ اعلام باید گردد" بود. چرا امروز این شعار را نمی‌دهید؟ چه تفاوت‌هایی بین اوضاع آن روزها و امروز وجود دارد؟

**حمید تقوایی:** قبل از هر چیز باید گفت که شعار

قطع بی‌درنگ جنگ موضوعیتی ندارد؛ چون هنوز جنگی آغاز نشده که خواهان پایانش باشیم، در صورتی هم که جنگی در بگیرد هیچ شباهتی به جنگ ایران و عراق نخواهد داشت. شرایط امروز با آن دوره کاملاً متفاوت است. جنگ ایران و عراق یک جنگ تمام‌عیار زمینی و هوایی ارتش دو کشور هم مرز بود که به مدت هشت سال به طول انجامید. جنگی که امروز ممکن است در بگیرد به شکل حملات هوایی متقابل - موشک‌پرانی و بمباران هوایی - خواهد بود و هر زمان به هر دلیلی یکی از طرفین به حمله متقابل دست نزند جنگ پایان یافته است. هم اکنون مقامات حکومتی می‌گویند اگر اسرائیل پاسخی ندهد ما هم به موشک‌پراکنی ادامه نمی‌دهیم. بعد از حمله اسرائیل هم اگر رژیم پاسخی ندهد جنگ عملاً پایان یافته است.

درهرحال همانطور که در سند هم گفته شده موضع و عملکرد ما بستگی به نوع و شدت حمله اسرائیل دارد. ما حمله به مراکز و یا مقامات نظامی و امنیتی حکومت را محکوم نخواهیم کرد ولی "هم از جنبه انسانی و هم سیاسی هر مورد صدمه به جان و زندگی مردم را محکوم می‌کنیم، به آن شدیداً اعتراض می‌کنیم، دولت اسرائیل و جمهوری اسلامی هر دو را مسئول و باعث صدمات جنگ به مردم می‌دانیم و مردم را به اعتراض فرامی‌خوانیم."

این را هم اضافه کنم بحث بر سر صرفاً اعلام موضع علیه جنگ نیست؛ بلکه نکته اصلی راه‌های عملی مبارزه برای ختم آن است. در نوشته "شرایط جنگی حاضر و سیاست حزب کمونیست کارگری" وظایف عملی ما در قبال عواقب و تبعات مخربی که جنگ

می‌تواند به دنبال داشته باشد مشروحاً توضیح داده شده است. اینجا صرفاً بر این نکته تأکید می‌کنم که رهنمود عملی ما در اعتراض به جنگ تشدید مبارزه با حکومتی است که با سیاست‌ها و نیروهای نیابتی‌اش در منطقه سال‌هاست سایه سیاه جنگ را بر فراز سر جامعه قرار داده است. همانطور که در سند هم آمده هر صلح‌طلب واقعی، هر نیرویی که می‌خواهد نه‌تنها موشک‌پراکنی متقابل بلکه گفتمان و فضا و تنش جنگی چند ده‌ساله بین حکومت و نیروهای نیابتی‌اش با دولت اسرائیل پایان بیابد، باید خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی باشد و فعالانه برای سرنگونی حکومت دست بکار بشود.

در شرایط امروز خاورمیانه مبارزه علیه جنگ و جنگ‌افروزی از مبارزه برای سرنگونی جمهوری

اسلامی جدا نیست. تروریسم اسلامی و تروریسم حاکم در اسرائیل از یکدیگر تغذیه می‌کنند و به یکدیگر زمینه و توجیه می‌دهند. هر اندازه جمهوری اسلامی تضعیف و به سرنگونی نزدیک‌تر شود، بهمان میزان زمینه و بهانه و توجیه راست افراطی اسرائیل که به بهانه مبارزه با تروریسم خاک منطقه را به توبره کشیده است نیز از میان خواهد رفت. مردم ایران فی‌الحال دست‌اندرکار مبارزه برای سرنگونی رژیم هستند. پیروزی مردم در این جنگ بر حق و انسانی، نقطه پایان جنگ ارتجاعی و ضدانسانی بین دو قطب اسرائیل و جمهوری اسلامی نیز خواهد بود.

# رضا پهلوی در رؤیای یک گوادولوپ دیگر

## محسن ابراهیمی

در سالگرد حمله تروریستی حماس به اسرائیل، رضا پهلوی در پیامی خطاب به دولت‌های همسایه ایران، با تأکید بر این که خاورمیانه "سرشار از پادشاهان، پیامبران بزرگ" از جمله "کورش و موسی" است، اطمینان داد که نترسند که "تغییر رژیم در ایران با خود هرج‌ومرج بیاورد" چرا که او به "هم‌میهنانش" گفته است "بنا به خواست آنها برای نظارت بر گذار مسالمت‌آمیز به دموکراسی" قدم پیش خواهد گذاشت.

رهبران خودگمارده در خاورمیانه کم نیستند.

یکی خامنه‌ای رهبر خودگمارده "شیعیان جهان" است که اتفاقاً خود را نماینده برحق یکی از همین "پیامبران بزرگ" خاورمیانه می‌داند. رضا پهلوی هم به‌صرف این که شاهزاده است، مدام سعی می‌کند در قامت رهبر خودگمارده اکثریت جامعه به‌پاخاسته‌ای ظاهر شود که با انقلاب "زن زندگی آزادی" نشان دادند که می‌خواهند خامنه‌ای را به زیر بکشند و اختیار زندگی‌شان را خود به دست گیرند.

رضا پهلوی تصور می‌کند با ادعای پوچ نمایندگی مردم و مردرندی در سیاست می‌تواند به‌عنوان "نماد ملت" سر یک جامعه آگاه را شیره بمالد. او که سال‌هاست که در میان انقلاب و اصلاح و رژیم‌چنج و سلطنت مشروطه و سلطنت انتخابی

و جمهوری‌خواهی بندبازی می‌کند، در جریان انقلاب زن زندگی آزادی به اشکال مختلف تقلا می‌کرد خود را نماینده مردم، حلقه اتصال و اتحاد اپوزیسیون معرفی کند. نشست جرج تاون همچون کاریکاتوری از یک آلترناتیو یکی از آن تقلاها بود. نشستی که اتفاقاً به‌خاطر ایفای نقش همچون یک رهبر خودگمارده توسط او مدت کوتاهی دوام نیاورد. رضا پهلوی این بار سعی کرد با معرکه "من وکالت می‌دهم" پیش دولت‌ها همچون یک وزنه سیاسی نماینده مردم ظاهر شود که کمکش کنند "گذار مسالمت‌آمیز به دموکراسی" یعنی همان بندوبست از بالای سر انقلاب مردم، به همراه بخشی از سرداران سپاه و روحانیت خوب را پیش ببرد که البته سرش به سنگ خورد.

**این روزها که فرزندان خلف "پیامبران بزرگ"، موسی و محمد به جان هم افتاده‌اند، رضا پهلوی واقعاً تصور می‌کند شرایط برای راه‌انداختن یک گوادولوپ دیگر آماده است که این بار تاج را به‌جای عمامه بنشاند. در جامعه ایران که آیکون‌های انقلابش سارینا‌ها و سپیده‌ها و توماج‌ها و جنبش‌های پیشرو با انسانی‌ترین تصویر از جایگاه برابر و آزاد شهروندان در ساختار سیاسی هستند، تصور رضا پهلوی پوچ است.**

# روز جهانی علیه اعدام

## حسن صالحی

روز پنجشنبه ۱۰ اکتبر (۱۹ مهر) روز جهانی علیه اعدام است. ۲۲ سال است که از اعلام چنین روزی می‌گذرد و من بسیار خوشحالم که صدای مخالفین علیه اعدام در همه جای دنیا و در ایران نیز قوی‌تر شده است.

در آستانه این روز ما به‌شدت مشغول برگزاری برنامه ۲۴ ساعته‌ای هستیم که سازمان حقوق بشر ایران و کارزار جهانی نه به اعدام در ایران با مشارکت طیف وسیعی از نهادها و فعالین اجتماعی قرار است امروز سه‌شنبه ۸ اکتبر در حمایت از کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام پخش

کنند. دقیقاً سی و هفت هفته است که زندانیان در ایران روزهای سه‌شنبه هر هفته در اعتراض به اعدام‌ها دست به اعتصاب‌غذا می‌زنند. این حرکت اعتراضی بی‌سابقه در حال حاضر به ۲۲ زندان سرایت کرده است. ما تصمیم داریم با پخش یک برنامه زنده ۲۴ ساعته از یوتیوب به‌منظور حمایت از این زندانیان، صدای آنها را جهانی کنیم.

در حال حاضر زندان‌های جمهوری اسلامی به سنگر مهمی در مبارزه علیه اعدام تبدیل شده‌اند. حرکت این زندانیان که در سلول‌های مرگ رژیم دلاورانه علیه اعدام اعتراض می‌کنند گویای این است که این رژیم نتوانسته است با اعدام موفق به خاموش‌کردن صدای اعتراض شود. خاصیت اعدام در جمهوری اسلامی مرعوب‌کردن مردم و

جلوگیری از اعتراض آنهاست. اینکه می‌گویند اعدام برای "تأمین امنیت" جامعه است حرف چرت است. این چه جامعه‌ای است که برای امنیت خود به جلاد و آدمکشی متوسل می‌شود؟! امنیت مردم ایران را جمهوری اسلامی گرفته است وقتی که در خیابان جوان‌کشی راه انداخته، در مدرسه دانش‌آموزان را مسموم می‌کند و محیط کار و معادن را به قتلگاه تبدیل می‌کند، به زنان اعلام جنگ می‌کند و علیه این کشور و آن دولت جنگ‌افروزی می‌کند.

جامعه ایران اعدام نمی‌خواهد. جامعه ایران آزادی می‌خواهد. ما رفاه می‌خواهیم. ما به فقرزدایی نیاز داریم. ما عدالت اجتماعی می‌خواهیم. اینها فراهم شود ناهنجاری‌های اجتماعی نیز کاهش

**خواهد یافت. در دهم اکتبر به اعدام نه بگوئید. بخواهید که کلیه احکام اعدام فوراً لغو شوند. با سه‌شنبه‌های نه به اعدام، با خانواده‌های محکومین به اعدام و همه دادخواهان اعلام همبستگی کنید! در تجمعات و بیانیه‌های خود بگوئید: تا لغو حکم اعدام ایستاده‌ایم تا پایان!**

# تهدید اصلی حکومت، مردم انقلابی است

## یاشار سهندی

عارف معاون اول پزشکیان در قبال مرگ حسن نصرالله و تحمل "غم سنگین" مرگ او و تهدیدهای حمله اسرائیل گفته است: "تهدیدها برای ما شوخی است." شروین حاجی‌پور در جواب او در شبکه ایکس نوشته است: "برای شما که بله ولی برای اون ۲۵ میلیون نفر که زیر خط‌فقر هستند، بعید می‌دونم." جنگ وسیع در بطن جامعه از هر سو در جریان است. جنگ مردم با حکومت هر روز شدت و حدت بیشتری میابد و این را می‌توان در انعکاس نظرات شخصیت‌های محبوب مردم در ایران به‌خوبی مشاهده و لمس کرد. جواب شروین انعکاسی از

مبارزه عمیق جاری در بطن جامعه است.

نمونه دیگر؛ عباس عبدی یکی از ماله‌کشان اصلاح‌طلب حکومت گفته: "پزشکیان آخرین شانس نظام است." اسماعیل بخشی رهبر شناخته شده و محبوب کارگران هفت‌تپه در اینستاگرام در جواب نوشته: "پزشکیان آخرین رئیس‌جمهور نظام است... " و اینها همه در بستر شرایطی اتفاق می‌افتد که خطر جنگ بر سر جامعه به پرواز درآمده است و ظاهراً قاعده این است که در این شرایط حکومت به بهانه جنگ دست بالا پیدا کند و هر حرکتی را سرکوب کند و هر اعتراضی را منکوب. اما در اینجا، در ایران در متن شرایطی که انقلابی در جریان

است، جامعه‌ای که مستأصل نیست و دشمن خود را حاکمان اسلامی می‌داند، مرعوب "شرایط جنگی" نشده است و به اعتراض خود ادامه می‌دهد.

برای عارف و کارگزاران حکومت شاید تهدیدهای اسرائیل شوخی باشد که نیست، اما او و دیگر دست‌اندرکاران رژیم می‌دانند تهدید اصلی از داخل است. از سوی مردمی که ساکت ننشسته‌اند و جنگ جمهوری اسلامی با اسرائیل را جنگ خودشان نمی‌دانند و به اعتراضات خود ادامه می‌دهند. نمونه‌اش اعتراض بازنشستگان تأمین اجتماعی، فولاد، مخابرات در شهرهای مختلف، اعتراض کارگران عسلویه، اعتراض کارگران پتروشیمی در ایلام به احضار همکارانشان،

**معلمان نسیم‌شهر تهران درست در زیر تهدیدهای اسرائیل و رجزخوانی‌های خامنه‌ای.**

**تهدیدها برای مردمی که زیر خطر فقر هستند شوخی نیست اما می‌دانند که دشمن اصلی کجاست. پزشکیان آخرین رئیس‌جمهور نظامی است که نه در محاصره دشمن خارجی، بلکه در محاصره مردم است که در سال‌های اخیر به‌صورت توده‌ای عزم کرده‌اند سرنگونش کنند و برای آخرین یورش آماده می‌شوند.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۵۶

۹ اکتبر ۲۰۲۴ – ۱۸ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: آذر پویا

## در این شماره ژورنال:

محور مقاومت در محاق

نسان نودینیان

اقتصاد ورشکسته و ماجراجویی نظامی

سیامک بهاری

هشدار: علیه کودک مادری مبارزه کنید

کیوان جاوید

رژیم اسلامی، دشمن علم و دانش

میلاد رسایی‌منش

# محور مقاومت در محاق

## نسان نودینیان

مجلس اسلامی برای ایجاد «پیمان امنیتی» میان اعضای «محور مقاومت» موردنظر جمهوری اسلامی طرح جدیدی را در «کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی»، در دستور کار خود قرار داده است.

تشکیل پیمان دفاعی گروه‌های تروریست محور مقاومت در شرایطی در مجلس اسلامی طرح شده، که این نیروها در وضعیت فلاکت‌بار و نزاری قرار دارند و این روزها دچار بیشترین شکست‌های نظامی و تلفات انسانی شده‌اند. از جمله روز سه‌شنبه ۱۷ مهر اعلام شد، هاشم صفی‌الدین جانشین حسن

نصرالله نیز به هلاکت رسیده است.

محور مقاومت، ائتلاف جمهوری اسلامی، سوریه، حزب‌الله، حماس، حوثی‌ها، حشدالشعبی و نیروهای اسلام سیاسی هستند که به‌عنوان بازوی مقاومت جمهوری اسلامی در بیش از ۲۵ سال گذشته با تأمین مالی از طرف جمهوری اسلامی، یکی بعد از دیگری تأسیس شده‌اند.

اهداف جمهوری اسلامی از تشکیل پیمان امنیتی، ایجاد ساختار دفاعی مشترک از نیروهای شکست‌خورده و ضربه دیده تروریست‌های محور مقاومت، تعریف شده است. مسئله این است که با حمله جنایت کارانه نیروهای تروریست حماس در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، حملات دولت نتانیاهو و ارتش اسرائیل به غزه (حماس)

و لبنان (حزب‌الله) و هم‌زمانی ضربات کوبنده به حزب‌الله لبنان، بحث پیمان امنیتی برای بازسازی محور مقاومت، در مجلس اسلامی طرح شده است و این در حالی است که ساختار نظامی ـ لجستیکی و رهبری سیاسی حزب‌الله، این قدر تمندترین نیروی محور مقاومت اسلام سیاسی، درهم‌ریخته شده و در این میان ده‌ها نفر از فرماندهان سپاه قدس نیز به هلاکت رسیده‌اند.

جمهوری اسلامی با صرف هزینه‌های میلیاردی و دزدی و چپاول از درآمدهای ملی و اقتصاد رو به زوالش می‌خواهد نفس تازه‌ای در کالبد نحیف و ناامید نیروهای مقاومت بدمد. ولی این راه‌حل هم دیگر کارساز نیست. پروبال اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی هر روز بیش از بیش ریخته می‌شود.

# اقتصاد ورشکسته و ماجراجویی نظامی

سیامک بهاری

**«وزیر اقتصاد از کمبود بودجه و برداشت دوباره از صندوق توسعه ملی خبر داد.»**

**جمهوری اسلامی و اقتصاد به‌گل‌نشسته و کسری بودجه‌های نجومی و خزانه خالی آن موضوع جدیدی نیست. دروغ‌های ملال‌آور و تکراری شاخص‌های رشد اقتصادی و کاهش تورم و افزایش درآمد سرانه ملی و انواع ُترهات نخ‌نمای آن هم جدید نیست.**

**همه منابع معتبر بین‌المللی اقتصادی بارها نشان داده‌اند که حکومت اسلامی عملاً ورشکسته است.**

چه کسی نمی‌داند این حکومت به ضرب سرکوب بی‌رحمانه مردم ایران یک نظام اقتصادی مافیایی و دزدسالار و اختلاس محور، را سرپا نگه داشته و با چنگ‌انداختن و خالی‌کردن تتمه زندگی مردم در ایران، با تحمیل سخت‌ترین ریاضت اقتصادی به اکثریت جامعه ۹۰ میلیونی ایران، روزگار مردم را سیاه کرده است؟!

آنچه این‌جا جلب نظر می‌کند این است که وزیر اقتصاد، درست در میانه ماجراجویی جنگی و موشک‌پرانی و رجزخوانی‌های نظامی از خالی بودن خزانه کشور و استقراض از صندوق توسعه ملی خبر می‌دهد. البته او عامدانه نمی‌خواهد فاش کند که چه حجم عظیمی از کسری بودجه زیر پای مردم کشور دهان بازکرده است و قرار است تأمین هزینه نجومی ۶۷۰ هزارمیلیاردی نهادها

**و مؤسسات مذهبی، آیت‌الله‌های مفت‌خور، هزینه نجومی نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی سرکوبگر، ماجراجویی‌های تروریستی سپاه پاسداران چه حجم از رکود تورمی، فقر و فلاکت بیشتر را به مردم تحمیل کند؟!**

**وزیر اقتصاد می‌گوید: «خود هدفمندی یارانه‌ها، کسری سنگین در ۶ ماه اول داشت و بخشی از بودجه عمومی را مجبور شدیم در موضوع هدفمندی یارانه‌ها هزینه کنیم». به زبان ساده‌تر می‌گوید دست در جیب سوراخ کردیم! این حکایت اقتصاد به زبان ساده در جمهوری اسلامی است!**

**حالا بخشی از ماجرا را از محسن زنگنه، عضو کمیسیون برنامه‌وبودجه مجلس بشنوید: میزان**

**کسری بودجه امسال ۸۷۵ هزار میلیارد تومان است. کسری بودجه شامل سه بخش است، اول ۳۳۵ هزار میلیارد تومان، کسری که به‌عنوان کسری میان منابع و مصارف، دوم ۱۲۰ هزار میلیارد تومان به‌عنوان کم‌برآوردی و بخش سوم برنامه هدفمندی یارانه‌ها!**

**برای مردم ایران خبر ته کشیدن بودجه دولت یعنی تحمیل سنگین‌تر سفره‌های خالی، گرسنگی و سوءتغذیه میلیونی، یعنی محرومیت از تحصیل، عدم دسترسی به بهداشت و درمان، یعنی زخم تیز فقر بر زندگی فلاکت‌بار. خیزش انقلابی زن زندگی آزادی از میانه این ویرانه سر برکشیده است! تا این حکومت فقر و فلاکت را به زیر بکشد و نابود کند.**

# هشدار: علیه کودک مادری مبارزه کنید

کیوان جاوید

جمهوری اسلامی محدودیت بارداری برای کودک – همسرها را لغو کرد. صابر جباریه، مسئول دبیرخانه قرارگاه جوانی جمعیت وزارت بهداشت، اعلام کرد که محدودیت بارداری در سن زیر ۱۸ سال لغو شده است. هم‌زمان علیرضا رییسی، معاون بهداشت وزارت بهداشت، با تأیید اینکه محدودیت سنی برای بارداری برداشته شده، گفت که ۱۵ سالگی برای بارداری مناسب است.

جمهوری اسلامی از هیچ جنایتی برای اسلامیزه کردن جامعه دست نمی‌کشد. این جامعه از دست مشتی از گور برخاسته اسلامی هر روز دچار

مصیبتی است و اگر فقط دست همین ایدئولوژی ضدبشری اسلامی از سر مردم و خصوصاً زنان کوتاه می‌شد ما در شرایط انسانی‌تری زندگی می کردیم.

در ایران فقط فقر و فساد و دزدی و غارتگری نیست که به جان مردم افتاده و هر روز مصیبت بیشتری بر زندگی ما حاکم می کند. در ایران فقط تن‌فروشی - که به سن ده‌ساله‌ها نیز گسترش‌یافته - و اعتیاد مزمن و وسیع اجتماعی نیست که به جان مردم افتاده است. در ایران حکومت سرمایه‌داران مفت‌خور که شمشیر اسلام در دست دارند به جان مردم افتاده اند.

ازدواج، و فاجعه‌بارتر از آن فرزندآوری دختران نوجوان یک جنایت سازمان‌یافته است که نباید در

برابرش سکوت کرد. ازدواج نوجوانان که وسیعاً از سرِ فقر اقتصادی و بعضاً بخاطر فرهنگ عقب‌مانده اسلامی و مردسالاری در بخشی از حاشیه جامعه رواج یافته است مستقیماً زندگی دختران را مورد تاراج قرار می‌دهد و از نظر روحی و روانی ضربات شدید و جبران‌ناپذیری بر این کودک – مادران وارد می کند.

با این جنون اسلامی حاکم بر ایران باید مقابله کرد. در درجه اول مدافعین حقوق کودک در ایران باید این موضوع حاد اجتماعی را وسیعا به نقد بکشند. دراین‌رابطه افشاگری کنند و اطلاعات لازم را در اختیار سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق کودک قرار دهند.

در ایران همه فعالین اجتماعی، اعم از معلمان و بازنشستگان همراه با جنبش کارگری این معضل دردناک را به رکنی از مبارزه خود تبدیل کنند؛ فعالین جنبش بی‌حجابی و مدافعان جنبش خلاصی فرهنگی مبارزه میدانی سازمان بدهند. همچنین جنبش دانشجویی وظیفه مهمی در دفاع از کودکان و بویژه دفاع از دختران نوجوانی دارد که زیر بمباران قوانین اسلامی جسم و روانشان مورد تاراج اسلام قرار گرفته است.

# رژیم اسلامی، دشمن علم و دانش

میلاد رسایی‌منش

سیاست‌های سهمیه‌بندی در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در پذیرش دانشجویان رشته‌های پزشکی، به یکی از نمونه‌های آشکار تبعیض و ناکارآمدی این حکومت تبدیل شده است. مصطفی معین، وزیر علوم در دولت محمد خاتمی، اعلام کرد که ۷۵ درصد از دانشجویان پزشکی دانشگاه تهران با سهمیه پذیرفته شده‌اند، آماری که به‌وضوح نشان‌دهنده انحراف نظام آموزشی از معیارهای علمی و تخصصی است. این امر نشان‌دهنده اولویت‌دادن به منافع گروه‌های خاص، به‌جای تمرکز بر شایسته‌سالاری و رشد علمی است.

این سیاست‌ها، نه‌تنها آینده علمی کشور را به خطر می‌اندازند، بلکه به طور سیستماتیک عدالت آموزشی را زیر سؤال می‌برند. وقتی که محمد ظفرقندی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۴۰۳ اعلام می‌کند که حتی رتبه‌های دورقمی بدون سهمیه هم پذیرفته نمی‌شوند، روشن می‌شود که این نظام آموزشی به نفع طبقات خاص و نزدیک به حکومت طراحی شده است. این روند، به طور مستقیم استعدادها و توانمندی‌های جوانان کشور را سرکوب می‌کند و فضایی را برای رشد نخبگان واقعی از بین می‌برد. از همین رو می‌توان درک کرد که چرا نرخ مهاجرت دانشجویان و اساتید دانشگاه در ایران تا این حد بالا است.

سیاست‌های ناعادلانه‌ای مانند سهمیه‌بندی نه‌تنها آموزش عالی را نابود کرده‌اند، بلکه به یکی از عوامل اصلی نارضایتی عمومی در جامعه تبدیل شده‌اند. این سیستم، ابزاری برای تثبیت قدرت و امتیازات خاص در دست حاکمان است و هر روز بیشتر نشان می‌دهد که ساختار کنونی نظام جمهوری اسلامی، مانعی بزرگ بر سر راه توسعه و پیشرفت واقعی کشور است. در واقع نهادهای آموزشی، نه کانونی برای آموزش‌وپرورش، که به مراکز تربیت افراد با ایدئولوژی مدنظر رژیم اسلامی تبدیل شده‌اند. تنها با تغییرات بنیادین و سرنگونی این ساختار معیوب می‌توان امید داشت که عدالت آموزشی و فرصت‌های برابر برای همه مردم ایران فراهم شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۵۷

۱۰ اکتبر ۲۰۲۴ – ۱۹ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

## در این شماره ژورنال:

عراقچی در عربستان به دنبال چیست؟

کیوان جاوید

دست حامیان حماس از کانادا کوتاه

رضا درویش

ده بمب هسته‌ای هم نظام اسلامی را نجات نخواهد داد

محسن ابراهیمی

سرنگون باد حکومت جنگ‌افروز جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران

# عراقچی در عربستان به دنبال چیست؟

## کیوان جاوید

روز چهارشنبه ۱۸ مهر، ۹ اکتبر عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در ریاض با فیصل‌بن‌فرحان وزیر خارجهٔ عربستان سعودی دیدار کرد.

ظاهرا در این دیدار قرار بود "اوضاع غزه و لبنان و منطقه" مورد بحث و بررسی و رایزنی قرار بگیرد و برای کنترل وضعیت آشفته و بحرانی منطقه راه حلهایی بین دو دولت ارائه شود. این تصویری غلط از دیدارهای فعلی مقامات جمهوری اسلامی با سران و مسئولین دولتها در منطقه است. اساس قضیه رابطه برابر دو دولت نیست. اینجا جمهوری اسلامی می

خواهد چنین تصویری به مردم ایران و دولت های جهان و حاکمین در منطقه ارائه بدهد که یکی از بازیگران پرنفوذ در منطقه است و تحرک سیاسی بالایی هم دارد. می خواهد تصویر حکومتی از خود بجا بگذارد که در باره سرنوشت جنگ و صلح در غزه و لبنان و منطقه می تواند تاثیر گذار باشد.

ویدئویی همین چند روز قبل از دیدار عراقچی با بشار اسد در مدیای اجتماعی منتشر شده است که مدعوین بعد از دست دادن با بشار اسد حاضر به دست دادن با عراقچی نمی شوند و او را سکه یک پول می کنند. این ویدئو تماما وضعیت زار جمهوری اسلامی را در منطقه به نمایش می گذارد.

سفرهای دیپلماتیک جمهوری اسلامی به منطقه در

شرایطی انجام می گیرد که اسرائیل یکی پس از دیگری سران موثر "محور مقاومت" و فرماندهان رده بالای نظامی جمهوری اسلامی را در لبنان و سوریه به هلاکت می رساند و رژیم هر چه بیشتر توان سازماندهی نیروهای نیابتی خود در منطقه را از دست میدهد.

در این وضعیت بحرانیِ جمهوری اسلامی همه نگاه ها و توجه ها در داخل ایران باید به سوی مبارزات جاری تمرکز پیدا کند. نباید تحت تاثیر تبلیغات رژیم مسائل روزه مره مبارزه به سمت "خطر جنگ" و "ترس از جنگ" معطوف شود. جنگ کلاسیکی بین جمهوری اسلامی و اسرائیل درنخواهد گرفت. لااقل جمهوری اسلامی توان جنگیدن با هیچ دولتی را ندارد. آنچه که برای حکومت اسلامی خوفناک

**است مبارزه متشکل مردم و جنبش های اعتراضی و مدنی و کارگری است. جامعه برای سرنگونی جمهوری اسلامی آماده است و این آمادگی را باید با تمرکز بر مبارزات متشکل تر و سراسری تر علیه رژیم صد چندان کرد.**

# دست حامیان حماس از کانادا کوتاه

رضا درویش

رسانه‌های کانادا اعلام کردند روز دوشنبه ۱۶ مهر در شهر ونکوور کانادا عده‌ای با صورت‌های پوشیده بنام مردم فلسطین در حمایت از حماس و حزب‌الله پرچم کانادا را به آتش کشیدند، شعار مرگ بر کانادا سر دادند و این فریادها شنیده می‌شد که: "ما حماس هستیم"، "ما حزب‌الله هستیم".

گروه صامدون Samidoun، برگزارکننده تجمع، بنا به گفته خبرگزاری دویچه‌وله برای حمله هفتم اکتبر در آلمان جشن گرفته و شیرینی توزیع کرده است. این گروه که می‌گوید از حمله حماس احساس غرور می‌کند، برای کشته‌شدن رئیسی هم بیانیه ابراز همدردی صادر کرده و او را پیش‌گام

در حمایت از "محور مقاومت" اعلام کرده بود. صامدون از "احساسات" مشترک و غم و اندوه حرف می‌زند و می‌گوید که رهبران ایران مواضع "شرافتمندانه" در حمایت از فلسطینیان داشته‌اند. جالب‌تر اینکه مسئول هماهنگی صامدون بنام شارلوت کیتس در آذر ۱۴۰۰ پس از بازگشایی دفتری در تهران از رژیم اسلامی مدال "حقوق بشر" دریافت کرده است.

این گروه که در نقش پادوی خارج کشور جمهوری اسلامی و جنبش اسلامی در همبستگی با حماس و حزب‌الله عمل می‌کند با سوءاستفاده از آزادی بیان در کشور کانادا به تداوم اهداف جنگ‌طلبانه جمهوری اسلامی یاری می‌رساند. گروه صامدون با شیوه‌های مرسوم و مورد حمایت رژیم اسلامی همچون نفرت‌پراکنی بر طبل هرچند تو خالی جنگ‌افروزی جمهوری اسلامی می‌کوبد. گروه‌های

اسلامی منطقه هنوز در این خیال باطل به سر می‌برند که رژیم حامی تروریسم در ایران توانایی این را دارد که مادام‌العمر با غارتگری و چپاول در ایران و محروم کردن اکثریت مردم از ابتدایی‌ترین امکانات معیشتی و رفاهی به حمایت‌های مالی و نظامی از تروریسم و جنگ‌های نیابتی ادامه دهد.

گروه‌های اسلامی در منطقه زیر لوای شعار سراپا فریبکارانه حمایت از مردم فلسطین هر جنایتی از جمله سپر بلا قراردادن مردم را برای بقای خود به کار می‌گیرند. حل انسانی مسئله فلسطین و راه مقابله با فضای جنگی و جنگ‌افروزی در منطقه اساساً منوط به ساقط کردن حکومت اسلامی است که پای اصلی چنین فضایی در منطقه و تداوم مسئله فلسطین است. راهی که مردم ایران در بستر انقلاب زن زندگی آزادی پیش گرفته‌اند.

# ده بمب هسته‌ای هم نظام اسلامی را نجات نخواهد داد

محسن ابراهیمی

**۳۹ نماینده مجلس شورای اسلامی از شورای‌عالی امنیت ملی خواسته‌اند در "دکترین دفاعی جمهوری اسلامی" تجدیدنظر کند. می‌گویند حکومتشان برای "بازدارندگی" باید به سلاح هسته‌ای مسلح شود و لازم است فتوای علی خامنه‌ای در باره "حرام" بودن "کاربرد" سلاح هسته‌ای به فتوایی برای حلال بودن آن تغییر یابد!**

**در ایران کسی از شنیدن عبارت "بازدارندگی در مقابل دشمن خارجی" فریب نمی‌خورد. مسئله و مشکل واقعی حکومت اسلامی بازدارندگی در**

مقابل مردمی است که شعار داده‌اند "دشمن ما همین جاست" و با انقلاب زن زندگی آزادی شبح سرنگونی را بالای سرش به چرخش درآورده‌اند.

واقعیت این است که همه سلاح‌های حکومت اسلامی برای بازدارندگی در مقابل مردم به‌پاخاسته در هم شکسته‌اند. اسلام که قرار بود مردم را پشت حکومت نگه دارد، خود موضوع تعرض مردم است. دستگاه سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام هم نه‌تنها کارساز نشده‌اند؛ بلکه به نحو بی‌سابقه‌ای در جهان از داخل زندان‌ها زندانیانی که طناب اعدام همیشه بالای سرشان است، جنبش قدرتمندی علیه اعدام راه انداخته‌اند. رکن سومی که حکومت اسلامی برای بقایش روی آن سرمایه‌گذاری سنگینی کرده است، ظاهرشدن به‌عنوان یک بازیگر قدرتمند

منطقه‌ای است. محور مقاومت اهرم اصلی برای تأمین قدرت منطقه‌ای حکومت اسلامی است و حماس و حزب‌الله نیروهای اصلی محور مقاومت هستند. دو نیرویی که بعد از طوفان الاقصی و تهاجم ماشین جنگی اسرائیل و ضربات سنگینی که خورده‌اند، امروز بیشتر از آنکه نماد قدرت برای حکومت اسلامی در منطقه باشند، به نمادی از درماندگی و ضعف حکومت تبدل شده‌اند.

اضطراب و عجله عربده‌کش‌های مجلس برای هر چه زودتر اتمی شدن حکومتشان از اینجا ناشی می‌شود. همه ابزارهای مقابله با مردم را ازدست‌داده‌اند و خیال می‌کنند اگر بتوانند بمب اتم داشته باشند می‌توانند مثل کره شمالی درهای جامعه را به روی دنیا ببندند، مردم را مرعوب

کنند و بقای منحوس حکومت اسلامی تضمین شود! این یک خیال باطل است. جامعه پرجوش و خروشی که فقط در هشت سال گذشته چندین خیزش عظیم و یک انقلاب بزرگ خلق کرده است را نمی‌توان حتی با ده سلاح اتمی هم به وضعیتی مثل کره شمالی انداخت. بمب مردم برای ویران کردن نظام اسلامی قدرتمندتر از بمب اتم برای ساکت کردن مردم است.

# سرنگون باد حکومت جنگ‌افروز جمهوری اسلامی

## حزب کمونیست کارگری ایران

خبرهای روزانه و توجه‌ها هر لحظه متوجه خطر جنگ و کشتاری است که می‌تواند با گسترش خود خاورمیانه را به آتش بکشد و زندگی‌های بیشتری را به خاک سیاه بنشاند و قربانیان بیشتری بگیرد. در کنار دولت دست راستی و فاشیست نتانیاهو، رژیم اسلامی است که این سناریوی سیاه و این جنگ کثیف علیه بشریت را رقم می‌زند. سرنگونی جمهوری اسلامی منطقه را از شر نیروهای اسلامی و جنگ‌افروزی آنان رها خواهد ساخت.

جنگ، کشتار و ترور، این است مفهوم و حقیقت

وجودی جمهوری اسلامی که با تأمین مالی تروریست‌های دست‌پرورده و مواجب‌بگیر خود، نه‌تنها منطقه خاورمیانه را به آتش می‌کشد که اسلام سیاسی ضدبشری را در همه سطوح به جان مردم و خصوصاً زنان انداخته است. جمهوری اسلامی سر مار اسلام سیاسی است که می‌چرخد و خون می‌پاشد و نکبت می‌آفریند. بدون وجود جمهوری اسلامی نیروهای نیابتی این رژیم، از عراق و یمن تا غزه و لبنان نمی‌توانستند پا بگیرند و با تروریسم عنان‌گسیخته خود به جان مردم بیفتند.

در داخل ایران زندگی مردم به‌مراتب با مصائب جدی‌تری روبرو است. فقر و فساد و دیکتاتوری جان مردم را به لب رسانده است. اما رژیم می‌داند که

مردم نه جنگ و موشک‌پرانی و تهدیدات جنگی‌اش را می‌خواهند نه خودش را. اعتراضات و اعتصابات هر روزه کارگران و تجمعات اعتراضی بخش‌های مختلف مردم حاکی از این است که سیاست‌های جنگ‌افروزانه حکومت و پروار کردن تروریست‌های اسلامی خشم مردم را بیش‌ازپیش دامن زده است. دیگر دوران دهه شصت و دوران جنگ ارتجاعی ایران و عراق نیست که رژیم بتواند مردم را به کمک فضای جنگی مرعوب کند. برعکس، این خشم و نارضایتی فزاینده مردم و وجود جنبش انقلابی زن زندگی آزادی است که حکومت را به ضعیف‌ترین موقعیت در ایران و در منطقه رانده است.

در این اوضاع که شیرازه حکومت اسلامی در حال

ازهم‌پاشیدن است و بازتاب این وضعیت انقلابی شکاف‌های عظیمی در میان صفوف حکومت انداخته است، جمهوری اسلامی تلاش می کند اذهان را از اصل مبارزه منحرف کند و خطر جنگ و موشک‌باران و ترس از حمله نظامی و مسائلی ازاین‌دست را برجسته کند. اما مردم می‌دانند که مسبب این فضای جنگی و ناامنی بیش از هر دولت و نیروی دیگری حکومت اسلامی است. این حکومت در تمام چهل و چند سال عمر ننگینش با تنش‌آفرینی‌های بین‌المللی، با جنگ‌طلبی و دامن‌زدن به تروریسم اسلامی و اسلام سیاسی در منطقه و دنیا، با کوبیدن بر طبل نابودی اسرائیل و به دریا ریختن کل مردم اسرائیل، با مرگ بر آمریکا و مرگ بر هرچه غربی است، و امثال این نوع تبلیغات و اقدامات فاشیستی، تخم جنگ و

بحران و ناامنی را کاشته است و بهانه و توجیهات بسیاری به نیروهای دست راستی و فاشیست و تروریست‌های رقیبش در دنیا داده است. جمهوری جنایت‌کار اسلامی اکنون دارد میوه این بذر نامیمون را درو می‌کند.

خلاصی از جنگ و ناامنی برای ما مردم در ایران تنها با سرنگونی حکومت جنگ‌افروز اسلامی امکان‌پذیر است. خلاصی مردم اسرائیل و دنیا از فاشیست‌های اسرائیلی و دیگر رگه‌های تروریسم نیز با سرنگونی این حکومت به‌مراتب تسهیل خواهد شد.

نابود با حکومت جنگ‌افروز جمهوری اسلامی
زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۵۸

۱۲ اکتبر ۲۰۲۴ – ۲۱ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

ممنوعیت سقط‌جنین در ایران

مصاحبه با دکتر سورینا از ایران

علیه اعدام از درون تا پشت دیوار بلند زندان‌ها

سهیلا دالوند

آمار تکان‌دهنده تجاوز به کودکان و نوجوانان

سیما بهاری

سبد معیشت ۳۷ میلیون‌تومانی در ماه

کیوان جاوید

# ممنوعیت سقط‌جنین در ایران

## مصاحبه با دکتر سورینا از ایران

رئیس بسیج جامعه پزشکی ایران گفت: "زوج‌هایی را که قصد سقط‌جنین دارند شناسایی می کنیم. در رابطه با سقط جنین با دکتر سورینا، متخصص زنان و زایمان گفتگو می کنیم.

**کیوان جاوید:** ممنون خانم دکتر که باوجود موانع حکومتی قبول کردید که به چند سؤال من دررابطه‌با سقط‌جنین پاسخ بدهید.

سؤال اول من این است که چه تعداد از زنان برای سقط‌جنین به شما مراجعه می‌کنند، از چه گروه سنی و از کدام اقشار اجتماعی هستند؟

**دکتر سورینا: در ماه حدود ۴۰ تا ۵۰ مادر باردار مراجعه می‌کنند که شاید ۵ مورد به تولد ختم می‌شود و متأسفانه آمار بالای سقط‌جنین در کشور یک چیز عجیبی، حدود ۳۵۰ تا ۵۴۰ هزار تولدی که باید رخ بدهد به سقط‌جنین ختم می‌شود. این آمار خیلی بالایی است که شاید ۳ تا ۴ درصد آن مادرانی هستند که خارج از ازدواج حامله شده‌اند. بقیه که تقریباً ۹۲ تا ۹۴ درصد در خانواده‌هایی است که متأسفانه به سقط‌جنین منجر می‌شود که بیشتر به دلایل مالی و همچنین حاملگی ناخواسته است. مادرانی که برای سقط‌جنین مراجعه می‌کنند، عموماً می‌گویند ما در حال حاضر نمی‌توانیم از عهده نگهداری فرزند برآییم. خیلی از آنها هم**

شاید قدرت باروری را از دست می‌دهند. توجه داشته باشیم که الان سن بارداری را به ۱۵ سال کاهش دادند، اما همچنان رشد تولد منفی است.

**کیوان جاوید:** باتوجه‌به تجربه شما دلیل اقتصادی تا چه حد در انتخاب زنان برای سقط‌جنین مؤثر است؟ لطفاً آماری ارائه بدهید.

**دکتر سورینا:** علل اقتصادی طبق آماری که دولت ارائه داده ۲۱ درصد است ولی، من بعید می‌دانم این آمار درست باشد اکثر زوجین دلیلش را بی‌موقع باردارشدن اعلام می‌کنند که بنظرم همین علت بازهم برمی‌گردد به شرایط بد اقتصادی آنها. اکثر مادرانی که به من مراجعه می‌کنند شاغل هستند

**و به دلیل نداشتن امنیت شغلی نمی‌توانند دوران باردارشدن را در سلامت کامل روحی و روانی به سر ببرند و تأمین زندگی یک کودک در این شرایط برای آنها ناممکن است. همین عامل باعث می‌شود که تن به سقط‌جنین بدهند که طبعاً همه این سقط‌جنین‌ها غیرقانونی انجام می‌شود.**

**کیوان جاوید: غیرقانونی کردن سقط‌جنین تا چه حد جان زنان را به خطر می‌اندازد. آیا حکومت موفق می‌شود که با غیرقانونی کردن سقط‌جنین به این پدیده پایان دهد؟**

**دکتر سورینا: مطمئناً با قانونی کردن سقط، جنین در مراکز دولتی و خصوصی میزان مرگ‌ومیر مادران**

بعد از سقط‌جنین، یا حین عمل خیلی پایین می‌آید، چون اکثر این جراحی‌ها در مراکز غیرقانونی و غیربهداشتی و بدون امکانات بیمارستانی صورت می‌گیرد. سقط‌جنین اگر در مراکز امن صورت بگیرد این آمار پایین می‌آید. هر چقدر سطح بهداشت در این عمل‌ها پایین می‌آید مستقیم با جان مادر در ارتباط است.

**کیوان جاوید:** اگر شما با سقط‌جنین موافقت کنید تا چه حد خودتان و شغلتان را به خطر می‌اندازید؟

**دکتر سورینا:** من با سقط‌جنین بعنوان کسی که به کارم سوگند خوردم ظاهراً نباید موافق باشم. قرار است حرفم تبلیغ مادر شدن و فرزندآوری

باشد، اما من ۱۰۰ درصد موافق سقط‌جنین هستم و خودم و شغلم همیشه بخاطر این موضوع در خطر است. هیچ زن از سرِ تفنن جگرگوشه خودش را دور نمی‌اندازد. من در چشم مادرانی که به‌قصد سقط‌جنین به من مراجعه می‌کنند اندوه بی پایانی را می‌بینیم و غم در چشم آنها موج می‌زند. بارها پیش می‌آید که از زنان فقیر یا کسانی که می‌دانم وضعیت مالی مناسبی ندارند هزینه‌ای دریافت نمی‌کنم. زیرا پول، ارزش زندگی نیست، انسانیت ارزش زندگی است. سقط‌جنین باید آزاد شود، اما ناهنجارهای اقتصادی و اجتماعی باید برطرف شود تا زمینه‌های روآوری خانواده‌ها و خصوصاً مادران برای انتخاب سقط‌جنین از بین برود.

# علیه اعدام از درون تا پشت دیوار بلند زندان‌ها

## سهیلا دالوند

زندانیان سیاسی در زندان اوین، همزمان با روز جهانی علیه اعدام، روز پنجشنبه ۱۹ مهر، با سردادن شعارهایی علیه اعدام، اعتراض خود را علیه اعدام این قتل عمد حکومتی اعلام کردند.

این اولین‌بار نیست که زندانیان سیاسی در دفاع از زندگی و حق حیات و در اعتراض علیه اعدام اعتراض می‌کنند. اما این پدیدهٔ اعتراض‌های سازمان‌یافته از داخل زندان‌ها علیه اعدام مستقیماً محصول پیشروی مبارزات مردم و نتیجه شرایط است که بدنبال انقلاب زن زندگی آزادی در

جامعه بوجود آمده است. این یک جنگ بین دو نیروی متخاصم است. در یک طرف رژیم اسلامی قرار دارد که بطور سیستماتیک و به‌منظور ایجاد رعب و وحشت در صدد مقابله با جامعهٔ در حال طغیان است و با توسل به سرکوب و شکنجه و چوبه‌های دار قصدِ مهار مردم را دارد و در مقابل حکومت یک جامعه بپاخاسته قرار دارد که سرنگونی، هدف بی کم و کاستش است.

این زنان جسور و شجاع و ستودنی همراه وهمصدا با زندانیان در بیش از ۲۲ زندان، از پشت دیوارهای بلند زندان اوین با شعارهایی چون "هم صدا و هم پیمان تا لغو اعدام ایستاده‌ایم تا پایان" به اعتراض خود علیه اعدام ادامه می‌دهند

**و خواب و آرامش را از رژیم ضد انسان می‌گیرند و صدای ایستادگی و مقاومت را به گوش جهانیان می‌رسانند.**

**گلرخ ایرایی زندانی سیاسی در زندان اوین می‌نویسد: "اعدام قتل سیستماتیک توسط دولت، توسط حکومت و توسط آنهایی که بر مسند قدرت تکیه زده‌اند اعمال می‌شود. برای لغو حکم اعدام باید بتوانیم پیش از برانگیخته‌شدن هر تصوری در ذهنمان، صدور این حکم را برای هر فردی که عملی حتی مجرمانه از او سرزده و در دورترین نقطه از ما ایستاده است و هیچ همسویی و اشتراکی با ما ندارد را نیز محکوم کنیم."**

این اعتراضات، این نامه‌ها، این تحصن‌ها بخشی از مبارزه مستمر و گسترده زندانیان سیاسی در کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام است که هر هفته در ۲۲ زندان کشور جریان دارد. این اعتراضات در امتداد مبارزات جاری در خارج از ایران است که علیه اعدام در ایران سازمان یافته‌اند. برای لغو اعدام و سرنگونی رژیم چوبه‌های دار همراه با زندانیان ایستاده‌ایم تا پایان.

# آمار تکان‌دهنده تجاوز به کودکان و نوجوانان

سیما بهاری

یونیسف، صندوق کودکان سازمان ملل متحد می‌گوید ۳۷۰ میلیون زن زیر ۱۸ سال، تجاوز یا آزار جنسی را تجربه کرده‌اند.

چشم‌های خود را ببندید و تصور کنید، دختربچه بازیگوشی هستید که با شیرین‌زبانی و دلبری کردن، توجه همه را به خود جلب می‌کنید؛ در کنار والدین و دوستان و آشنایان امنیت دارید و به بزرگسالان دوروبر اطمینان می‌کنید! این آن تصویر جامعه مدرن و انسانی برای همه و بخصوص کودکان است. تصور اینکه از هر ۸ زن

یک نفر در زمان کودکی تجاوز و تعرض جنسی را تجربه کرده وحشتناک است.

یک نوع ویژه از تجاوز در ایران حتی در آمارها هم ثبت نمی‌شود. در ایران تجاوز به کودک قانونی است. کودک‌همسری از نظر جمهوری اسلامی نه‌تنها مانعی ندارد که تبلیغ هم می‌شود. کودکانِ ۱۴-۱۳ ساله مادر می‌شوند و در حالیکه خودشان می‌بایست همان کودکان بازیگوش سرزنده و خوش و سر و زبان‌دار باشند، تبدیل به مادران افسرده و مضطربی می‌شوند که در نوجوان پژمرده شده‌اند.

این تجاوزات و تعرضات جنسی که عموماً توسط

افراد خانواده و آشنایان دور و نزدیک صورت می‌گیرند، معمولاً افشا نمی‌شوند تا "آبروریزی" نشود. کودکانی که چنین تجربه های تلخی را پشت سر گذاشته‌اند، به‌سختی می‌توانند به کسی اعتماد کنند و حس امنیت درونشان کشته می‌شود.

کودکان در جهانِ امروز توسط باندهای فحشا مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. آمار تجاوز به کودکان در کلیساها و دیگر مکان‌های "مقدس مذهبی" بسیار بالا است. در ایران این آمار هرگز منتشر نمی‌شود. آمارهای یونیسف به‌شدت ناکامل است و عمق فاجعه را نمی‌بیند و به رسمیت نمی‌شناسد و لاجرم اقدامی علیه آنها

صورت نمی‌دهد. تجاوز به کودکان نتیجه وجود سیستمی در جهان است که عموماً دست متجاوز را باز گذاشته است.

در ایران که مستقیماً با آن سر و کار داریم ما می‌توانیم ورق را برگردانیم. باید به کودک‌همسری و ازدواج‌های اجباری اعتراض کنیم. افشای فجایع ازدواج‌های زیر سن باید یکی از عرصه‌های فعالیت ما باشد. آموزش هدفمند به کودکان در مدرسه و در رسانه‌های اجتماعی برای مصون شدن از آزار و یا تعرض جنسی و آگاهی دادن به همه افراد جامعه یک امر حیاتی است. باید به جنگ اخلاقیاتی رفت که افشای تجاوز و تعرض جنسی را ناهنجار و بی‌آبرویی قلمداد می‌کند.

# سبد معیشت ۳۷ میلیون‌تومانی در ماه

## کیوان جاوید

**خبرگزاری حکومتی ایلنا در گزارشی از افزایش هزینه سبد معیشت خانوار به ۳۶ میلیون و ۷۸۰ هزار تومان خبر داد و نوشت: دستمزدها حتی یک‌سوم هزینه‌های زندگی را پوشش نمی‌دهد.**

**ما از تکرار این نکته هرگز خسته نمی‌شویم که چاره مقابله با این سونامی فقر ایجاد ظرفی برای مبارزه سراسری علیه فقر و دستمزدهای چندین برابر خط‌فقر است.**

**ما از تکرار این موضوع مهم مبارزاتی هرگز دست**

نمی‌کشیم که مقابله با هیولای فقر و نابرابری نیازمند دست‌های بی‌شماری است؛ دست‌های همه کارگران در همه رشته‌های تولیدی و صنایع و در همه بخش‌های خدماتی؛ دستی که به‌سوی همه معلمان، همه بازنشستگان و پرستاران دراز شود و از تک تک آنها که کارد فقر به استخوانشان رسیده نیرویی بسازد که این قدرت یک‌پارچه را داشته باشند تا حکومتِ باعث و بانی فقر را عقب برانند.

ما اصلاً از تکرار تمام آنچه تا حالا گفتیم کوتاه نمی آییم و مأیوس هم نمی‌شویم و راه مقابله با فقر فزاینده را متشکل شدن در سازمانهای "صنفی" خود جستجو می‌کنیم. اما همه این

سازماندهی ها باید یک مشت و یک قدرت واحد را تشکیل بدهند تا درعین‌حال که برای حقوق ویژه خود مبارزه می‌کنیم از دیگر بخش‌های جنبش اعتراضی نیز نیرو بگیریم.

تنها بودن در مبارزه و حتی به صنف و رشته و رسته خود معطوف شدن راه به جایی نمی‌برد. ما برای همین حالا، همین لحظه باید بجنگیم و همه نیروی خودمان را برای پیروزشدن به میدان بیاوریم.

ما نیروی عظیمی هستیم. همه نیروی خود را شناسایی کنیم و در خدمت مبارزه بکار بگیریم. ما از قدرت زنان که میلیون‌ها نفر با نام بی‌معنی

”خانه‌دار“ از هر حق‌وحقوق اجتماعی و اقتصادی محروم هستند بی‌بهره هستیم. ما از قدرت بیشمار بیکاران که انگار به دلیل بیکاری حقی برای زندگی ندارند و شاید به نظر عموم برسد که وظیفه اعضای شاغلان خانواده است تا بار هزینه‌های زندگی آنها را بر دوش بگیرند استفاده نمی کنیم.

هر انسانی به‌صرف اینکه حق حیات دارد باید هزینه زندگی‌اش با استاندارد بالا توسط دولت تأمین شود. برای مقابله با فقر و بالارفتن هر روزه هزینه‌ها، تنها یک راه پیشِ رو داریم. متشکل و سازمان‌یافته علیه جمهوری اسلامی به میدان بیاییم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۵۹

۱۳ اکتبر ۲۰۲۴ – ۲۲ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

سپاه پاسداران در سراشیب لیست تروریستی

محسن ابراهیمی

قطع سیم‌کارت و جنگ مردم و رژیم

سیاوش آذری

اصلی‌ترین عامل ادامه فیلترینگ

کیوان جاوید

دلیل نقض حکم اعدام شریفه محمدی چیست؟

منظر دریاکناری

# سپاه پاسداران در سراشیب لیست تروریستی

## محسن ابراهیمی

یک خبر خوب دیگر در باره قراردادن سپاه پاسداران در لیست تروریستی دولت‌های اروپا این هست که "اتحادیه اروپا موفق شده است مسیری قانونی را برای شناسایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک سازمان تروریستی پیدا کند." به گزارش "یورونیوز"، این "مسیر قانونی" برای اتحادیه اروپا، حکم دادگاه عالی منطقه‌ای دوسلدورف در آلمان است که "نشان می‌دهد حمله به یک کنیسه در شهر بوخوم آلمان در سال ۱۴۰۱ با حمایت یک سازمان حکومت جمهوری اسلامی ایران انجام شده است."

روشن است که این سازمان، یا خود سپاه و شاخه خارج از کشورش سپاه قدس یکی از انواع باندهای تروریستی وابسته به سپاه پاسداران و سپاه قدس هست.

یک هفته پیش پارلمان کشور لیتوانی با تصویب قطعنامه‌ای، سپاه پاسداران را در لیست تروریستی قرار داد. همانوقت در ژورنال شماره ۸۵۴ از این اتفاق به مثابه "یک گام بزرگ" در جهت قراردادن سپاه در لیست یک سازمان تروریستی یاد کردیم. گفتیم که این انقلاب "زن زندگی آزادی" بود که سپاه را به‌عنوان نیروی تروریستی و ابزار سرکوب حکومت در داخل و تروریسم اسلامی در منطقه در

افکار عمومی جهان شناساند. گفتیم که در آن مقطع افرادی مثل جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بر اساس سیاست مماشاتگرانه شان با حکومت اسلامی به این آویزان شدند که گویا باید یک نهاد قضایی از اتحادیه اروپا حکمی علیه سپاه صادر کند و در غیر اینصورت نمی‌توان سپاه رادر لیست تروریستی قرار داد! تأکید کردیم که اوضاع بسرعت علیه جمهوری اسلامی می‌چرخد و فضا برای قرار دادن سپاه در لیست تروریستی آماده‌تر می‌شود. حکم قضایی دادگاهی در آلمان به مثابه "مسیری قانونی" برای شناسایی سپاه پاسداران به‌عنوان یک سازمان تروریستی توسط اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که اوضاع در همین جهت پیش رفته است.

قطعاً موقعیت متزلزل حکومت اسلامی در ایران و در منطقه، اراده سیاسی دولت‌های اتحادیه اروپا برای قراردادن سپاه در لیست تروریستی را تحت‌تأثیر قرار داده است. مهم این است که این اوضاع مساعد را می‌توانیم و باید به سکوی فشار بیشتر بر دولت‌ها برای بایکوت تمام‌عیار جمهوری اسلامی، بستن سفارتخانه‌های این حکومت و قراردادن سپاه در لیست تروریستی توسط تعداد هر چه بیشتر دولت‌ها تبدیل کنیم. پیروزی در این عرصه، مردم بپاخاسته را در مقابله با سپاه پاسداران در موقعیت قدرتمندتری قرار خواهد داد.

# قطع سیم‌کارت و جنگ مردم و رژیم

## سیاوش آذری

بنا بر گزارش‌های فعالین مختلف در رسانه‌های اجتماعی، رژیم اسلامی اقدام به مسدودکردن سیم‌کارت‌های فعالین و مجبور کردن آنها به حذف محتوای صفحات مجازی خود نموده است. این اقدام ازطرف نیروهای "خودسر" و نهادهای نامشخص و بدون حکم قضایی صورت پذیرفته است.

ممیزی‌وسانسور،استبدادوپایمال‌کردن‌آزادی‌های اجتماعی و مدنی، دستگیری، زندان، شکنجه و اعدام مخالفین و منتقدین، قتل‌های زنجیره‌ای با

بکار گماردن افراد و نیروهای "خودسر" بخش جدایی‌ناپذیر سیاست و استراتژی رژیم برای حفظ و تداوم عمر خود بوده است. اما رژیم علی‌رغم تمام تلاش و تقلا در سرکوب مخالفین و به تمکین کشاندن جامعه عملاً شکست‌خورده است. نفس استفاده رژیم از حربه نیروهای خودسر، مانند همین اقدام اخیر در فیلترکردن فضای مجازی، از جمله نشانه‌های شکست این سیاست و استراتژی است.

استفاده رژیم از نهادها و ابزار "فراقانونی" نه نشانه قدر قدرت بودن جمهوری اسلامی، بلکه عملاً اعتراف به عدم توانایی اجرایی قوانین همین رژیم و نشانه نامتعارف بودن حکومت اسلامی و

**عدم خوانایی آن با انتظارات و مطالبات جامعه امروز ایران است. نامتعارف بودن رژیم، خود جلوه دیگری از بحران مزمن و دائمی حکومت اسلامی است.**

**در شرایط کنونی که رژیم در داخل در محاصره مردم انقلابی و مترصد سرنگون‌کردن آن قرار دارد و در خارج از کشور سیاست صدور تروریسم اسلامی و ایجاد بحرانش از طریق استفاده از نیروهای نیابتی خود در منطقه با شکست‌های بزرگ و پی‌درپی روبرو گشته، اتفاقاً همین ظهور مجدد "نهادهای نامشخص" و فراقانونی نشان‌دهنده انشقاق در صفوف رژیم و تشدید رقابت جناح‌ها و باندهای درونی و درهم‌ریختگی**

**نیروهای آن است.**

**واکنش کاربران و فعالین مختلف به اقدام اخیر رژیم برای سانسور اینترنت نیز نشانه دیگری از شکست سیاست رژیم در مرعوب‌کردن جامعه و امکان تبدیل تعرضات حکومت علیه حقوق مردم به ضد خود است. هم مردم و هم رژیم برای دور تازه‌ای از رودررویی‌های گسترده میدانی آماده می‌شوند. رژیمِ در سراشیبی سقوط در شکننده‌ترین شرایط بسر می‌برد؛ در مقابل، مردم سرنگونی طلب و انقلابی و تشنه آزادی و برابری و رفاه و آرامش از روحیه بالایی برخوردارند و خود را برای جشن رهایی و پیروزی بر فراز خرابه‌های رژیم آماده می‌کنند.**

# اصلی‌ترین عامل ادامه فیلترینگ

## کیوان جاوید

وزیر ارتباطات روز چهارشنبه در گفت‌وگو با خبرنگاران، رفع فیلترینگ را به "آینده نزدیک" موکول کرد بدون آن که زمان مشخصی برای آن بدهد. اما روزنامه کیهان طرفداران رفع فیلترینگ را "غرب‌گرا" خواند که می‌خواهند "راه برای گسترش فساد باز شود."

با هر برآمد انقلابی، هر شورش اجتماعی و هر حرکت میدانی وسیع و سراسری در ایران فوراً اینترنت قطع می‌شود و رژیم ارتباط مردم با همدیگر و رسانه‌های بین‌المللی را شدیداً محدود می‌کند تا جریان اطلاع‌رسانی صورت

نگیرد. اینترنت و رسانه‌های اجتماعی محصول دنیای ارتباطات دیجیتال است که دوطرفه عمل می‌کند. هم اطلاع می‌دهد و هم اطلاعات دریافت می‌کند. از این منظر می‌شود رسانه‌های اجتماعی را رسانه‌های در خدمت انقلاب هم نام نهاد.

با انقلاب زن زندگی آزادی ما شاهد این بودیم که مردمِ در میدان از هر حرکت اعتراضی و تجمعات خودِ فیلم می‌گرفتند و فوراً در اختیار رسانه‌ها می‌گذاشتند و در مدیای اجتماعی وسیعاً پخش می‌کردند. فیلترینگ گسترده از اینجا شروع شده و هنوز ادامه دارد. اما چرا حتی با فروکش کردن نبرد خیابانی مردم علیه رژیم فیلترینگ پایان نمی‌یابد و جامعه سیر عادی خود را طی نمی‌کند؟

دلیل عدم رفع فیلترینگ ساده است. جنبش عمیقاً اجتماعی و سراسری زن زندگی آزادی با همه قدرت ادامه دارد. رژیم نمی‌تواند جامعه را به حالت سکون و سکوت بکشاند و جامعه منظماً و لحظه‌ای در نبرد با جمهوری اسلامی است. به حجم اعتراضات و اعتصابات نگاه کنید. به بی‌حجابی گسترده که عظیم‌ترین جنبش سیاسی در ایران است نگاه کنید. به نقد مذهب و اسلام و حضور گسترده مردم در رسانه‌های اجتماعی نگاه کنید. در حال حاضر مردم از طریق فیلترشکن به جنگ فیلترینگ می‌روند و از این طریق نبرد بی‌امان خود علیه حکومت را دنبال می‌کنند. رژیم نمی‌تواند فیلترینگ را رفع کند چون خطر انقلاب را زیر بیخ گوش خود حس می‌کند و نمی‌تواند به شرایط پیشا انقلاب

زن زندگی آزادی برگردد. فقط می‌تواند به عصر حجر و دوران دایناسورها رجعت کند. اگر هم روزی در برابر فیلترینگ کوتاه بیاید باز هم باید قدرت مردم را در عقب راندن رژیم دید. این قدرت را می‌شود از همین امروز بکار گرفت.

# دلیل نقض حکم اعدام شریفه محمدی چیست؟

## منظر دریاکناری

وکیل شریفه محمدی، از نقض حکم اعدام این فعال کارگری خبر داده است. امیر رئیسیان گفته است: "دیوان عالی کشور بعد از رسیدگی، حکم موکلم خانم شریفه محمدی را نقض و پرونده را برای رسیدگی مجدد به شعبه هم عرض ارجاع داد."

شریفه محمدی که در زندان لاکان رشت به سر می‌برد، برای اتهام "بغی" مجرم شناخته شده و به اعدام محکوم شده بود. بغی در قانون مجازات اسلامی به معنای قیام مسلحانه علیه حکومت

اسلامی است.

"قانوناً" این دیوان عالی کشور است که حکم اعدام شریفه محمدی را نقض و پرونده را برای رسیدگی مجدد به "شعبه هم عرض" ارجاع داده است. اما حقیقت این است که درعقب‌نشینی رژیم از این حکم هزاران فعال جنبش علیه اعدام و چندین و چند نهاد بزرگ مبارزه علیه اعدام که یک جنبش جهانی علیه اعدام در ایران را سازمان می‌دهند و به‌پیش می‌برند، همراه با دخیل شدن نهادهای بین‌المللی و حتی دولت‌ها در فشارآوردن به رژیم تأثیرگذار بوده‌اند. این پیشروی محصول کار هر انسان شریفی هست که حتی یک‌بار در مدیای اجتماعی یک عکس از شریفه منتشر کرده است

یا اسمی از او بر زبان آورده و خواهان لغو اعدام و آزادی بی‌قید شرط این فعال سیاسی و تلاشگر جسور جنبش کارگری شده است.

باید این توان و قدرت فردی و جمعی خود را تماماً درک کنیم و به رسمیت بشناسیم و به هر آنکس که هنوز به این قدرت ما پی نبرده و جنبش علیه اعدام و مبارزه متشکل علیه جمهوری اسلامی نپیوسته، بگوییم که تنها قدرت متشکل ما مردم است که رژیم را در هم می‌شکند.

هدف همانا آزادی بی‌قیدوشرط شریفه محمدی است و همانطور که "کمپین حمایت از شریفه محمدی"، متشکل از گروهی از نزدیکان شریفه،

در واکنش به این حکم گفته است: "تا لحظه‌ای که شریفه را بی‌قیدوشرط آزاد نکنند ما حسی از جنس شادی نخواهیم داشت و مستمراً، صریحاً و قاطع به مبارزه و سازماندهی برای آزادی شریفه ادامه خواهیم داد."

عقب‌نشینی رژیم را تا آزادی بی‌قیدوشرط این فعال جسور و شجاع کارگری و فعال سیاسی ادامه می‌دهیم. راه پیروزی همین است. متشکل عمل کردن برای شکست حکومت اسلامی. متحد و متشکل عمل کنیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۶۰

۱۴ اکتبر ۲۰۲۴ – ۲۳ مهر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

زهرا قنبری فوتبالیست خاتون بم افتخار ما!

عطیه نیک‌نفس

تورم ۶۰۰ درصدی و دستمزدهای زیر خط فقر

سینا پدرام

دولت سوئد از اتحادیه اروپا خواست سپاه را تروریستی اعلام کند

شهاب بهرامی

تجمع ۵ هزار نفره بازنشستگان فرهنگی در تهران

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

# زهرا قنبری فوتبالیست خاتون بم افتخار ما!

## عطیه نیک‌نفس

باشگاه خاتون بم پس از اینکه تصاویر شادی پس از گل زهرا قنبری در بازی روز گذشته این تیم در لیگ قهرمانان آسیا موردتوجه رسانه‌ها قرار گرفت، در پیامی "شادی بدون حجاب این بازیکن را صحنه فوتبالی خواند و بابت "جریحه‌دار" شدن افکار عمومی عذرخواهی کرد."

زنان در ایران تحت حاکمیت رژیم زن‌ستیز اسلامی روزانه در جدال با این رژیم هستند و از تمام فرصت‌ها برای مبارزه با قوانین ضدزن اسلامی استفاده می‌کنند. بخش وسیعی از زنان در تمامی

**مناسبت‌ها با بی‌حجابی خواستهای انسانی‌شان را مطالبه می‌کنند و با مبارزه‌ای هر روزه و پیگیر شرایطی بسیار طاقت‌فرسا برای رژیم رقم می‌زنند. این نبرد لحظه‌ای زنان با حکومت مایه مباهات و افتخار است و تنها باعث "جریحه‌دار شدن" افکار حکومتی‌ها می‌شود.**

**زنان در ایران باوجود تمامی محدودیت‌های غیرانسانی و وجود قوانینی که حق‌وحقوق زنان را منظماً پایمال می‌کند، بازهم در عرصه‌های مختلف فرهنگی، ورزشی و علمی می‌درخشند. زنانی که باید با پوشش و حجاب اجباری در زمین فوتبال در مقابل حریفشان مبارزه کنند که کار را بسیار برای آنها دشوار می‌کند و باز هم دست از تلاش**

و مبارزه برنمی‌دارند.

حالا باشگاه خاتون بم با توضیحاتی بی‌پایه و بی‌مایه برای یک رفتار عادی و انسانی، شادی پس از گل زهرا قنبری، عذرخواهی می‌کند و بجای اینکه در کنار بازیکنان زن خود بایستد، از جملهٔ مضحک جریحه‌دار شدن افکار عمومی برای بی‌حجابی استفاده می‌کند!

افکار عمومی ۴۶ سال است که توسط رژیم اسلامی نه فقط جریحه‌دار شده بلکه زخم‌های جبران‌ناپذیر خورده است، وقتی سال ۱۳۵۷ روسری‌های را با پونز بر پیشانی زنان چسباندند، وقتی با چوب و چماق زنان را به دلیل عقب بودن روسری‌شان

**می‌زدند، وقتی مهسا امینی و آرمیتا گراوند، نیکا، سارینا، آیلار، حدیث، غزاله و هزاران زن دیگر را فقط به دلیل حجاب، این سلول انفرادی، این سرکوب روزانه و سمبل بی حقوقی زنان کشتند.**

**اما زنان مبارز ایران دادخواه زندگی به تاراج رفته‌شان توسط رژیم ضدزن اسلامی هستند و بی‌حجابی را مبارزه علیه رژیم می‌دانند، آنها از زخم‌ها و دردهایشان پتکی ساخته‌اند و پایه‌های رژیم را هدف گرفته‌اند و می‌دانند در این راه هرگز تنها نیستند.**

# تورم ۶۰۰ درصدی و دستمزدهای زیر خط فقر

## سینا پدرام

به گزارش خبرگزاری جماران، محمدرضا باهنر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، در گفت‌وگویی اظهار داشت: "ما هیچ‌وقت هفت سال پشت‌سرهم تورم ۴۰درصدی نداشتیم؛ اما الان این را داریم و این خیلی زیاد است؛ فاجعه است." باهنر در ادامه صحبت‌های خود گفت: "تورم از ۷ سال پیش تا امروز ۶۰۰ درصد افزایش داشته است."

خارج از اینکه طبق معمول همیشگی سران رژیم حتی "سواد کافی" برای طرح مسائل اقتصادی ندارند، باید این را نیز افزود که اطلاعات آماری دقیق هم

ندارند. تورم به زبان ساده یعنی افزایش قیمت‌ها و بهای خدمات در یک بازه زمانی مشخص. نرخ تورم در ایران به ادعای رژیم ۴۰ درصد است اما قیمت کالاهای مختلف و از جمله کالاهای اساسی در همین دوره چندین برابر شده است.

به‌عنوان‌مثال بر اساس داده‌های  مرکز آمار ایران نرخ نان به‌عنوان منبع اصلی غذا و تأمین کالری در ایران از سال ۹۲ تا کنون را چنین عنوان می‌کند: نان بربری از ۵۰۰ به ۸۰۰ تومان، نان سنگک از ۸۰۰ به ۳۰۰۰ تومان  و نان لواش از ۱۴۰ به ۵۰۰ تومان افزایش پیدا کرده است. این یعنی چیزی در حدود ۸ برابر شدن قیمت نان فقط در ۱۰ سال گذشته. اما سؤال این است در عرض همین ۱۰ سال

**دستمزد و حقوق کارگران، پرستاران، کارمندان و غیره ۱۰ برابر شده است؟**

**جواب ساده به این سؤال یک نه بزرگ است. در مورد تورم خزنده، شتابان و اَبَر تورم و دلایل آن در ایران قبلاً توضیحاتی نوشته‌ایم. بیشتر توضیحات و دلایل در مکاتب اصلی بر سر نقدینگی و افزایش میزان پول و غیره دور می‌زند، ولی از نظر ما دلیل اصلی تورم به مسائل پایه‌ای ارزش، نرخ نزولی سود سرمایه و ارزش کالایی مربوط می‌شود که بعداً جداگانه باید بحث شود.**

**در مورد مشخص تورم اقتصادی در رژیم اسلامی، وابستگی اقتصاد به نفت، تحریم‌ها، فرسودگی**

تکنولوژیک و بارآوری پایین کار، رانت‌خواری، دزدسالاری و غیره را باید به این معادلات افزود.

خواست افزایش چندین برابری دستمزدها، آموزش و بهداشت رایگان و دیگر مطالبات رفاهی و دقیقاً سیاستی است که از جانب تمامی کارگران و معلمان و پرستاران برای مقابله با این نوع تورم و گرانی باید اتخاذ شود. ما بارها گفته‌ایم که رشد قیمت‌ها است که باعث رشد دستمزدها می‌شود و نه برعکس.

# دولت سوئد از اتحادیه اروپا خواست سپاه را تروریستی اعلام کند

شهاب بهرامی

در پی حملات اخیر در نزدیکی سفارت اسرائیل، نخست‌وزیر سوئد گفت کشورش خواستار این است که اتحادیه اروپا سپاه پاسداران را رسماً سازمان تروریستی اعلام کند. سرویس امنیتی سوئد و موساد می‌گویند تهران باندهای جنایتکار را برای حملات خشونت‌آمیز علیه منافع اسرائیل در سوئد به کار گرفته است.

بدین ترتیب تا به امروز دولت‌های پنج کشور اروپایی سپاه پاسداران را رسماً تروریست اعلام

کرده‌اند، اما رأی هر ۲۷ عضو شورای اتحادیه اروپا برای نیل به این منظور لازم است. پارلمان اروپا دیماه ۱۴۰۲ همزمان با تظاهرات چندین هزارنفره ایرانیان مقیم اروپا جلو مقر این سازمان در استراسبورگ، با رأی قاطع، سپاه را یک گروه تروریستی اعلام کرد، اما این تصمیم قدرت اجرائی نداشته و همچنانکه بالاتر اشاره شد نیل به این هدف نیازمند رأی هیئت وزیران دولت‌ها به‌اتفاق آرا است.

متأسفانه مماشات تا امروزِ رهبری اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی و چشم‌بستن بر تمامی جنایات این رژیم در داخل و خارج کشور، مانعی در پیشروی‌های سیاسی بیشترِ جنبش سرنگونی علیه جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی است.

چکیده و کنه این سیاست را در مصاحبه خبرنگار رادیو فردا که هفته گذشته با "پیتر استانو" سخنگوی ارشد امور خارجی و سیاست امنیتی اتحادیه اروپا انجام داد، به بهترین وجه می‌شود دید. دررابطه با اینکه چرا هنوز با چنین رژیمی مماشات می‌کنید "پیتر استانو" می‌گوید ما با رژیم بحث می‌کنیم و برای تغییر رژیم مداخله نمی‌کنیم. طرفه اینجاست که سرنگونی دولت صدام و آوردن دوباره طالبان با هماهنگی کامل این آقایان با دولت آمریکا انجام پذیرفت. ایشان در جواب اینکه با توجه به موشک‌باران اسرائیل و به آشوب کشاندن منطقه و کمک تسلیحاتی به روسیه علیه اوکراین و غیره فکر نمی‌کنید که

باید سیاستان را تغییر داده و از جنازه فرجام دست بکشید؟ می‌گوید ما معتقدیم که هنوز می‌شود و باید فرجام را احیا نمود تا صلح! در منطقه برقرار شود!

با همه این سیاست‌ورزی‌های بی‌مایه و پوچ این جنبش سرنگونی زن زندگی آزادی است که حکم می‌راند و دولت‌ها را نهایتاً مجبور خواهد ساخت که حکومت اسلامی را بایکوت و سفارتخانه‌هایش را تعطیل کنند. پیش روی‌های تا کنونی مبنی بر تروریست اعلام‌کردن سپاه توسط چندین کشور اروپایی تازه آغاز راه در این مسیر است.

# تجمع ۵ هزار نفره بازنشستگان فرهنگی در تهران

## اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

روز ۲۲ مهر روز اعتراضات بخش‌های مختلف بازنشستگان بود و در این روز در تهران بیش از پنج هزار نفر از بازنشستگان فرهنگی تجمع کردند و بر خواست‌های خود تأکید کردند. این تجمع و اعتراض کوبنده چند هزار بازنشسته توجه مردم را به وسیعاً به خود جلب کرده بود. همچنین بازنشستگان تأمین اجتماعی، بازنشستگان فولاد و بازنشستگان معدن کرمان نیز در این روز در شهرهای مختلف تجمع کردند. بازنشستگان فرهنگی ۱۴۰۰ در اعتراض به وضع بد معیشتی و عدم پاسخگویی به مطالباتشان بار دیگر

تجمع بزرگ خود را در تهران در مقابل سازمان برنامه‌وبودجه بر پا کرده و با شعارهای کوبنده خود پیگیر مطالباتشان شدند. در کرمانشاه نیز بازنشستگان فرهنگی تجمع و اعتراض کردند که در آن حضور زنان چشمگیر بود. اجرای رتبه‌بندی و افزایش فوری حقوقها، پرداخت پاداش و مطالبات و درمان رایگان از جمله خواست‌هایی فوری این بازنشستگان است.

تجمع دیگر در این روز از سوی بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای اهواز، تهران، شوش و کرمانشاه صورت گرفت. در شوش به روال معمول بازنشستگان از کرخه، شوش و هفت‌تپه جمع شده و دست به راهپیمایی زدند. در این تجمع کارگران ضمن اعلام خوشحالی از لغو حکم اعدام

شریفه محمدی، بر آزادی فوری و بدون قیدوشرط او تأکید کردند. همچنین با ابراز همدردی با درگذشت فالح سعدی از کارگران فصلی نیشکر هفت‌تپه که بدلیل عدم تمدید قرارداد خود و از شدت خشم دست به خودکشی زده و جانش را از دست داد ابراز تأسف کردند و با خانواده وی و کارگران نیشکر هفت‌تپه اعلام همبستگی کرده و بر پیگیری مسببین این جنایت تأکید کردند.

بازنشستگان در این تجمع شعار می‌دادند: "تأمین و غارت کردند ما را بیچاره کردند"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "زیر بار تورم، شکسته پشت مردم"، "کو مهار تورم، دروغ میگین به مردم"، "بازنشسته داد بزن، حقتو فریاد بزن"، و "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون".

در تهران بازنشستگان در مقابل تأمین اجتماعی تجمع کرده و یک بنر قابل‌توجه در دست آنها تأکید بر آزادی شریفه محمدی بود. زیر فشار اعتراضات سراسری حکم اعدام شریفه این فعال کارگری لغو شد و اکنون خواست آزادی فوری و بدون قیدوشرط او خواست همگان است.

در تجمع این روز در تهران بازنشستگان شعار می‌دادند: "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون"، "اسماعیل گرامی آزاد باید گردد"، " و "اجرای همسان‌سازی بدون حقه‌بازی" و شعارهای دیگر.

در کرمانشاه نیز بازنشستگان تأمین اجتماعی مقابل ساختمان این سازمان در این شهر تجمع داشتند و شعار می‌دادند: "معلم زندانی آزاد باید گردد "، "کارگر زندانی آزاد باید گردد "،

”اسماعیل گرامی آزاد باید گردد“، ”حاصل کار دولت، غارت جیب ملت“، ”آقازاده آمریکاس، تورمش مال ماست“، و ”اختلاس نجومی، فلاکت عمومی“.

در اهواز بازنشستگان تأمین اجتماعی مقابل اداره کل سازمان تأمین اجتماعی خوزستان تجمع کرده و سپس تا میدان فرهنگ – شهر راهپیمایی کردند. آنها شعار می‌دادند: ”حاصل کار دولت، غارت جیب ملت“، ”حسین حسین شعارشون، دزدی و غارت کارشون“، و ”دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست“.

امروز ۲۲ مهر همچنین بازنشستگان فولاد همچون هفته‌های گذشته در اصفهان و اهواز

تجمع کردند و صدای اعتراض خود را به بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان بلند کردند. بازنشستگان شعار می‌دادند: "تا حق خود نگیریم از پای نمی‌نشینیم"، و " فولادی داد بزن حقتو فریاد بزن".

بازنشستگان زغال‌سنگ کرمان نیز در این روز باز دیگر دررابطه‌با مشکلات معیشتی و مطالبات پاسخ نگرفته خود تجمع کردند.

در این روز آموزش‌دهندگان نهضت سوادآموزی بعد از ۹۲ نیز در اعتراض به بلاتکلیفی وضع معیشتی و استخدامی خود جلوی وزارت آموزش‌وپرورش تجمع کردند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۶۱

۱۵ اکتبر ۲۰۲۴ – ۲۴ مهر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

## در این شماره ژورنال:

اشک‌تمساح قالیباف برای کودکان فلسطین

محسن ابراهیمی

تحریم‌های جدید اتحادیه اروپا و مطالبه بایکوت سیاسی رژیم

سیاوش آذری

”دانه انجیر معابد“، اسکار و سانسور حکومتی

میلاد رابعی

# اشک‌تمساح قالیباف برای کودکان فلسطین

## محسن ابراهیمی

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس اسلامی در نشست فوق‌العاده puic در حاشیه یک‌صد و چهل و نهمین اجلاس اتحادیه بین‌المجالس جهانی در ژنو، اظهار کرد: "قبل از ژنو به بیروت رفتم تا صدای مظلومیت و ایستادگی مردم لبنان را به ژنو برسانم. جمهوری اسلامی آماده کمک به ایجاد مفاهمه امنیتی مشترک درباره این خطر تاریخی رژیم صهیونیستی است. هر نوع همکاری، کمک و گفتگو و پروژه سیاسی و اقتصادی با رژیم صهیونیستی باید متوقف شود." قالیباف در این نشست همچنین گفت: "من وقتی به این می‌اندیشیدم که در این

اجلاس مهم با برادران و خواهران مسلمان خود چه مطلبی را باید در میان بگذارم، تصویر آن دختربچه نازنین فلسطینی را جلو چشم داشتم که با چشم‌های گریان به دوربین فیلم‌بردار نگاه می کرد و می گفت: چرا اینها می‌خواهند ما را بکشند؟ من که اسلحه ندارم! چرا اینها ما را بمباران می کنند؟“

پاسخ مردم ایران به اراجیف قالیباف در باره دختربچه‌های فلسطین این است که تو و همه مقامات ریزودرشت حکومت اسلامی باید خفه شوید. شما که در جریان انقلاب زن زندگی آزادی به دانش‌آموزان نازنین مدارس حمله شیمیایی کردید؛ چشمان جوانان و نوجوانان نازنین را با گلوله مستقیم هدف گرفتید، در موقعیتی نیستید

که برای دختربچه‌های نازنین فلسطین اشک بریزید. دانش‌آموزان مدارس در ایران، با مشاهده اشک‌تمساح تو و آدمکشان حکومت اسلامی به ریش تو و"مقام معظم رهبری" و حکومت کودک‌کش شما تف می‌کنند!

قالیباف می‌داند که حکومت اسلامی در میان مردم ایران منفور و در میان "جهان اسلام" منزوی است. می‌داند که "مفاهمه امنیتی مشترک" به رهبری جمهوری اسلامی برای به دریا ریختن یک کشور پوچ است. صحنه دیدار وزیر خارجه جمهوری اسلامی با بشار اسد آینه تمام‌نمای وضعیت رقت‌بار حکومت اسلامی در منطقه است. در آن دیدار حتی مهمانان "محور مقاومت" حاضر نمی‌شوند با عباس

## عراقچی دست بدهند!

تصویر واقعی از موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه را خود قالیباف می‌دهد وقتی ناامیدانه می گوید که "جهان اسلام طعم روزهای شیرین بدون اسرائیل را خواهد چشید. امیدوارم آن روز را ببینیم، و اگر ندیدیم صاحب مزاری باشیم که بر سنگ آن نوشته باشند سربازی که در راه مبارزه با اسرائیل شهید شد." قالیباف هم می‌داند که "روزهای شیرین" برای مردم زمانی است که حکومت اسلامی را به گور بسپارند و حکام اسلامی را "صاحب مزار" بکنند.

# تحریم‌های جدید اتحادیه اروپا و مطالبه بایکوت سیاسی رژیم

سیاوش آذری

اتحادیه اروپا روز دوشنبه ۲۳ مهرماه چند نهاد و فرد ایرانی از جمله سه شرکت هوایی ایران‌ایر، ماهان و ساها (سرویس اطلاعات و ارتباط هوایی ارتش) را در ارتباط با ارسال پهپاد و موشک بالستیک ساخت ایران به روسیه تحریم کرد. در همین حال بریتانیا نیز دو نهاد و هفت فرد ایرانی را به دلیل به خطر انداختن "امنیت اسرائیل" تحریم کرد.

هر چند تحریم‌های اخیر نه در مخالفت و تقابل با سیاست‌های ضدانسانی حکومت اسلامی علیه مردم ایران و منطقه، بلکه در چهارچوب کشمکش میان قدرت‌های غربی و آمریکا و اسرائیل در یک سو و جبهه جمهوری اسلامی، سوریه، حزب‌الله و دیگر نیروهای جنبش کثیف اسلام سیاسی به همراهی روسیه در دیگر سو صورت پذیرفته، بااین‌حال بازتابی از توازن قوای جدید میان مردم انقلابی و رژیم اسلامی است.

انقلاب زن زندگی آزادی به‌صورت بلاواسطه و باواسطه سیاست مماشات دولت‌های اروپایی با رژیم اسلامی را به چالش کشید. عروج انقلاب زنانه در ایران موجی از همبستگی جهانی از

جمله در کشورهای اروپایی را به همراه داشت؛ نمایان‌تر شدن چهره کریه جمهوری اسلامی به یمن انقلاب توجیه سیاست "دیالوگ انتقادی" دولت‌های غربی نزد اذهان عمومی غرب را بسیار دشوارتر از گذشته نمود. بعلاوه، شکننده‌تر گشتن شالوده‌های رژیم، نیروهای نیابتی آن را در موضعی ضعیف‌تر و تدافعی‌تر و اسرائیل و هم‌پیمانان غربی آن را در موقعیتی برتر و تعرضی‌تر قرارداد.

استراتژی دولت‌های غربی در قبال جمهوری اسلامی اهلی کردن آن و یا در صورت عدم موفقیت در این امر تغییر رژیم از بالای سر مردم است؛ این استراتژی هم ناظر بر سیاست هویج و چماق غرب در قبال جمهوری اسلامی، به‌ویژه دررابطه‌با

پروژه هسته‌ای رژیم، بوده و هم ناظر بر سیاست تشدید تحریم و اعمال تحریم‌های جدید آن بر علیه حکومت اسلامی است. با این‌همه دخالت مؤثر نیروهای انقلابی کمونیست، به‌ویژه حزب کمونیست کارگری، که همیشه خواهان تجرید کامل سیاسی جمهوری اسلامی بوده‌اند، در شرایط کنونی تحقق بایکوت سیاسی رژیم را، که گامی بزرگ در راستای پیروزی انقلاب جاری است، امکان‌پذیرتر از هر زمان دیگری ساخته است.

باید برای احقاق این امر با تمام قوا بپا خیزیم و دولت‌های غربی را وادار به گردن‌نهادن به این مطالبه برحق مردم ایران نماییم.

# "دانه انجیر معابد"، اسکار و سانسور حکومتی

میلاد رابعی

آخرین ساخته محمد رسول‌اف؛ "دانه انجیر معابد" به‌عنوان نماینده آلمان در مراسم آکادمی اسکار شرکت می‌کند. این فیلم که به‌صورت مخفیانه و بدون "مجوز" در ایران ساخته شده است حاوی داستانی سیاسی است که در دل آغاز انقلاب ۱۴۰۱ اتفاق می‌افتد. روشن است که چنین فیلم‌هایی که تولیدشان در ایران امروزه رو به فزونی هم هست هیچ شانسی برای شرکت در آکادمی اسکار به‌عنوان نماینده ایران ندارند. مسئول معرفی نمایندگان ایران به اسکار نهاد حکومتی "بنیاد سینمایی فارابی" است که مستقیماً زیر نظر "وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی" اداره می‌شود.

فارابی امسال نیز مانند همیشه فیلمی تبلیغاتی به نام "در آغوش درخت" را از ایران روانه مراسم اسکار کرده است. فیلمی که از نظر منتقدین کوچک‌ترین شانسی برای موفقیت ندارد.

با آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی و تغییر فضای جامعه بخشی از سینماگران ایران هم به رویارویی با حکومت پرداختند و مستقل از فعالیت‌های سیاسی مستقیم، شروع به تولید آثاری کردند که تمام خط‌قرمزهای رژیم را از حجاب اجباری و غیره زیر پا گذاشتند و توانستند وسیعاً با مخاطبان خود ارتباط برقرار کنند. "دانه انجیر معابد" یکی از همین آثار است. عدم امکان حضور چنین آثاری در مراسم اسکار موجب ایجاد بحث‌هایی

برای تغییر رویه انتخاب نماینده از کشورها از سوی آکادمی اسکار شده است تا این انتخاب نه توسط نهادهای دولتی بلکه به‌وسیله هیئتی بی‌طرف از سینماگران هر کشوری انجام شود. کانون سینماگران مستقل ایران نیز از این پیشنهاد پشتیبانی کرده است.

تا جایی که به ایران بر می‌گردد روشن است که نهادی مانند فارابی و یا حوزه هنری که خود از اصلی‌ترین تیغ به دستان سانسور و ممیزی در سینما هستند و بارهاوبارها موجب توقیف فیلم‌ها و ممنوع‌الکار کردن فیلمسازان شده‌اند و فلسفه وجودی‌شان چیزی جز شکستن قلم‌ها و تبلیغ مناسبات حکومتی نیست، کوچک‌ترین حقانیتی برای ابراز نظر در مورد کیفیت هنری

**آثار سینمایی و تصمیم‌گیری برای آن‌ها ندارند.**

**در شرایطی که هنرمندان و مشخصاً فیلم‌سازان، در ایران زیر خفقان و سانسور حاکم به مقابله با حکومت و نهادهای رنگارنگ آن می‌پردازند و دست از تولید آثار پیشرو و مترقی برنداشته‌اند، اسکار و سایر نهادهای هنری بین‌المللی نیز باید از به‌رسمیت‌شناختن این نهادهای حکومتی و آثار معرفی شده آن‌ها خودداری کنند و در کنار مردم و هنرمندان در ایران بایستند.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۶۲

۱۶ اکتبر ۲۰۲۴ – ۲۵ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

## در این شماره ژورنال:

محل کار یا کشتارگاه!

سینا پدرام

حکمرانی همچون هواپیمای مسافربری مشهد

رضا درویش

رونمایی از "مجسمه" قاآنی

کیوان جاوید

فاشیسم حکومت اسلامی علیه کودکان افغانستانی

محسن ابراهیمی

# محل کار یا کشتارگاه!

## سینا پدرام

به گزارش خبرگزاری‌ها در سه روز گذشته بیش ۱۱ کارگر به‌خاطر حوادث محیط کار جان خود را ازدست‌داده‌اند و ۱۵ نفر مصدوم شده‌اند.

آمارهای دقیقی در مورد سوانح کاری و مرگ در محیط‌های کاری در ایران موجود نیست. دلیل عمده آن است که بسیاری از این حوادث نه ثبت می‌شوند و نه به مراجع مربوطه گزارش می‌شوند. تعداد اندکی نیز رسانه‌ای می‌شوند.

اخبار خود گویای عمق فاجعه هستند.

کشته‌شدن ۲ کارگر و مصدومیت یک تن دیگر در اثر سقوط از بالابر در کارخانه آرد و ماکارونی سازی، جان‌باختن یک کارگر چاه‌کن ۶۰ساله به علت ریزش دیوار چاه در نیشابور، درگذشت یک کارگر در صنعت نیشکر به علت خودسوزی، جان‌باختن یک کارگر و مصدومیت ۱۲ نفر دیگر در انفجار کارخانه کلات پیش‌گامان بسپار نوین کرمان، جان‌باختن یک کارگر بر اثر سقوط از ارتفاع هنگام کار ساختمانی در ایلام، جان‌باختن یک کارگر ماهیگیر بر اثر برق‌گرفتگی در رودخانه منطقه ابوالعباس باغ‌ملک، کشته‌شدن دو کارگر و مصدومیت ۱۲ تن دیگر به‌خاطر واژگونی یک دستگاه مینی‌بوس و بسیار خبرهای این‌چنینی صفحات مختلف روزنامه‌های ایران را پر کرده‌اند.

بنا به آمار سازمان جهانی کار بیش سه میلیون کارگر جهان در سال در اثر حوادث محیط کار و بیماری‌های مرتبط با محیط کار جان خود را از دست می‌دهند. بیماری‌های مربوط به گردش خون، بیماری‌های نوپلاسمی بدخیم و بالاخره بیماری‌های تنفسی از دلایل اصلی مرگ‌ومیر در بین کارگران بشمار می‌روند.

کمبود و حتی نبود تجهیزات و امکانات ایمنی کار، پایین‌بودن استانداردهای ایمنی، عدم پاسخگو بودن کارفرمایان، قراردادهای ناعادلانه که شمشیر اخراج را بر سر کارگران نگه می‌دارد و اجازه هیچ اعتراضی را به کارگر نمی‌دهد از عمده دلایل کشتار کارگران در ایران به شمار می‌رود.

**نبود تشکل‌های کارگری قدرتمند و سراسری در واقعیت قدرت عمل جمعی کارگران در مقابله با این نوع تعرضات را بسیار محدود کرده است و امکان حسابرسی و بازرسی را از کارگران سلب کرده است.**

**فقط با مبارزات سراسری و متحدانه می‌توان ناامنی در این "قتلگاه‌ها" را کاهش داد. رژیم اسلامی به‌عنوان دولت و بزرگ‌ترین کارفرما با اعمال فشارهای پلیسی، زندانی کردن رهبران کارگری و سرکوب بزرگ‌ترین بانی چنین جنایاتی در ایران است و اولین شرط تبدیل کردن محل کار به محیط امن پایان حیات رژیم اسلامی است.**

# حکمرانی همچون هواپیمای مسافربری مشهد

## رضا درویش

در روزهای اخیر ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که در آن رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه شریف در حضور خامنه‌ای و خطاب به او می‌گوید: "نظام حکمرانی همچون هواپیمای مسافربری مشهد است که از نظر تیم پرواز، موتور هواپیما و مسیریابی دچار مشکل شده است."

این اقتصاددان نظام اسلامی به آمار و ارقام کلان اقتصادی توجه دارد و دغدغه‌اش اهداف تحقق‌نیافته‌ای نظیر افزایش تولید و کاهش تورم و عقب ماندن از رقباست. اما به‌راستی در جامعه

**امروز ایران طی چهل سال و اندی که از عمر نکبت‌بار این رژیم می‌گذرد کیست که نداند حکام اسلامی با فریبکاری و حیله و نیرنگ و با اتکا به صنعت مذهب جز برای غارت و چپاول و دست‌درازی به جان و مال مردم کارکردی نداشته‌اند.**

**شعارهایی که خامنه‌ای همه ساله تحت عنوان افزایش تولید هنگام تحویل سال نو اعلام کرده کیست که نداند در پایان سال جز افزایش ثروت‌های غارت شده از مردم و سرازیرشدن به حساب‌های شخصی مسئولان نظام و باندهای تروریستی اسلامی در منطقه معنایی نداشته است.**

اقتصاددان نظام نگران است که ”از رقبای خود عقب هستیم.“ کیست که نداند برای مسئولان معنایش در عقب نیفتادن از رقبایی است که شریک دزد و رفیق قافله‌اند و برای سهم بیشتر از منابع غارت شده دست یکدیگر را رو می‌کنند تا رقبای خود را از میدان بدر کنند.

اقتصاددان دانشگاه شریف می‌پرسد ”چرا نظام حکمرانی نمی‌تواند مسائل اساسی کشور را حل کند و حتی مسائل بزرگ‌تر هم می‌شوند.“ اما در میان مردم کیست که نداند قرار نیست تا رژیم ساقط نشده مشکلات فلاکت‌بار موجود حل بشود.

اقتصاددان دانشگاه شریف حکمرانی را به

هواپیمایی تشبیه کرده که موتورش دچار مشکل شده است. او می‌داند که فساد اقتصادی این نظام ازهم‌گسیخته را از درون پوسانده است. مشکل تیم پرواز این است که فقط در غارت و کشتار کارآمد هستند. اما اینکه گفته می‌شود در مسیریابی هم دچار مشکل شده دلیلش واضح است.این هواپیمای در حال سقوط با رشته کوه‌هایی احاطه شده است: کوه مشکلات لاینحل و کوه‌های سرسختی از مبارزان خستگی‌ناپذیر که جز سرنگونی سرنوشتی برای رژیم رقم نمی‌زنند.

# رونمایی از "مجسمه" قاآنی

## کیوان جاوید

**شبکه خبر جمهوری اسلامی در یک گزارش زنده تصاویری از اسماعیل قاآنی، فرمانده نیروی قدس سپاه، را در مراسم تشییع عباس نیل‌فروشان پخش کرد.**

**غیبت اسماعیل قاآنی از زمانی موردتوجه عموم قرار گرفت که در نمازجمعه ۱۳ مهر که توسط خامنه‌ای برگزار شده بود حضور نداشت. گمانه‌زنی‌ها در مورد این "گم‌شدن" فوراً همه عالم را فراگرفت اما جمهوری اسلامی پا در یک کفش کرد که نه نخیر ایشان در حال انجام کارهای خیلی مهمی است و فرصت نمی‌کند دو**

دقیقه در برابر دوربین قرار بگیرد و بگوید زنده است یا تحت بازجویی نیست و...

این رونمایی از قاآنی اوج درماندگی رژیم را یک‌بار دیگر برملا کرد. قاآنی تا همین حالا رسماً فرمانده نیروی قدس سپاه و جانشین قاسم سلیمانی است، اما وضعیت رژیم آن‌چنان وخیم شده است که این فرمانده عالی‌رتبه‌اش را برای چند هفته غیب می‌کند و وقتی تحت‌فشار فراوان از او رونمایی می‌شود آن‌چنان وضعیت آشفته‌ای دارد که از دور داد می‌زند که اوضاع اصلاً مساعد نیست.

رژیم اسلامی تا همین چند سال گذشته تصویری مخوف و قدرتمند از خود به جهان مخابره می‌کرد. نیروهای نیابتی‌اش در چندین کشور

یک پای قدرت به‌حساب می‌آمدند و اهرم "محور مقاومتش" یک کارت قوی در جنگ قدرت در منطقه به‌حساب می‌آمد. حزب‌الله در رأس این نیروی نیابتی جمهوری اسلامی ازیک‌طرف و حوثی‌ها در یمن و حشد شعبی در عراق و حماس در غزه این تصویر را به نمایش می‌گذاشتند که قدرت اول منطقه جمهوری اسلامی است. این تصویر با سرعت تمام به‌عکس خود تبدیل شده است.

اما تصور غلطی است اگر گفته شود نگون‌بختی جمهوری اسلامی حاصل شکست نظامی در خارج از ایران و توسط ارتش‌های "خارجی" و از جمله اسرائیل است. این وضعیت، نتیجه یک نبرد سراسری و همه‌جانبه مردمی است که

با دست‌خالی اما با اتحادی عمیق با خواست سرنگونی به جان رژیم افتاده‌اند. این وضعیت زار رژیم، حاصل جنبش انقلابی زن زندگی آزادی است که زمین را زیر پای رژیم می‌لرزاند.

قاآنی آخرین فرمانده عالی‌رتبه رژیم نخواهد بود که این‌چنین خوار و ذلیل در برابر دوربین رژیم قرار می‌گیرد. نوبت مقامات دیگر هم خیلی زود فرار می‌رسد.

# فاشیسم حکومت اسلامی علیه کودکان افغانستانی

محسن ابراهیمی

**محروم کردن کودکان افغانستانی از تحصیل توسط وزارت آموزش‌وپرورش حکومت اسلامی، یک رفتار آشکارا فاشیستی است.**

**بر اساس گزارشی در روزنامه فرهیختگان در برخی روستاهای اصفهان از ثبت‌نام دانش‌آموزان خانواده‌های افغانستانی در مدارس جلوگیری شده است. توجیه نژادپرستانه رئیس شورای روستای رحیم‌آباد اصفهان این است: "اتباع افغانستان بو می‌دهند" و بهداشت فردی را رعایت نمی‌کنند!**

این خبر فقط یک نمونه کوچک از محرومیت صدها هزار کودک افغانستانی در مدارس است. خیلی از این کودکان از تحصیل محروم می‌شوند چون خانواده‌شان قادر به پرداخت هزینه ثبت‌نام تحمیل شده توسط غارتگران آموزش‌وپرورش نیستند. اما فاشیسم دستگاه آموزش پرورش حکومت اسلامی علیه کودکان افغانستانی فراتر از این نمونه در یک روستاست.

”شیوه‌نامه ثبت‌نام دانش‌آموزان اتباع خارجی“ در مدارس صریحاً اعلام کرده است که ”ثبت‌نام از دانش‌آموزان اتباع خارجی فاقد اسناد اقامتی معتبر و غیرمجاز توسط مدارس ممنوع است.“ پناه‌جویان افغانستانی در نظام اسلامی با هزار و

یک مانع برای اخذ اسناد اقامتی مواجه هستند اما حتی ثبت‌نام برای کودکان خانواده‌هایی که اسناد اقامتی معتبر دارند، در استان‌هایی که "تردد و اسکان اتباع غیرمجاز است" (!) ممنوع اعلام شده است.

اینها همه جلوه‌های فاشیسم جمهوری اسلامی علیه کودکانی است که تنها "جرمشان" این است که خانواده‌هایشان از قلمرو هیولای سنی حاکم در افغانستان به قلمرو هیولای شیعی حاکم در ایران فرار کرده‌اند.

ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک تصریح می‌کند: "تمام کودکان بدون تبعیض و بدون توجه به نژاد،

رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یـا هر عقیده دیگـر، ملیت، قومیت و پیشینه اجتماعی، دارایی، معلولیت، تولد یا سایر موقعیت‌ها، از حقوق مندرج در این کنوانسیون برخوردار هستند.“ برطبق ماده ۲۸ همان کنوانسیون ”اجباری کردن و در دسترس قراردادن آموزش ابتدایی رایگان برای همه کودکان مسئولیت دولت‌هاست.“ حکومت اسلامی تجسم پایمال کردن حقوق کودکان است و انتظار اینکه این حکومت حتی یک بند چنین کنوانسیونی را اجرا کند پوچ است.

حکومت اسلامی حتی هیچ جنایتی هم مرتکب نمی‌شد، به‌خاطر تعرض فاشیستی به حقوق ابتدایی و نیازهای انسانی کودکان افغانستانی،

**به‌خاطر پایمال‌کردن آرزوها و آینده صدها هزار کودک محروم از تحصیل افغانستانی باید در دادگاه‌های بین‌المللی محاکمه شود. تا رسیدن به چنین لحظاتی اما باید به هر شکل ممکن از حق تحصیل رایگان برای کودکان افغانستانی در مقابل تعرض حکومت دفاع کنیم.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۶۳

۱۷ اکتبر ۲۰۲۴ – ۲۶ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: آذر پویا

## در این شماره ژورنال:

جنایتِ هولناک ارتش اسرائیل در بیمارستان غزه را شدیداً محکوم می‌کنیم!
حزب کمونیست کارگری ایران

عراقچی نماینده صلح یا بن‌بست؟
کاظم نیکخواه

چهار زندانی سیاسی در خطر قریب‌الوقوع اعدام
حسن صالحی

جنایت‌کاری در پالایشگاه پارس پترو شوشتر
سیاوش آذری

طرح "طراوت"، نخ‌نمای دیگر رژیم برای حفظ حجاب بربادرفته!
عطیه نیک‌نفس

سخنگوی دولت پزشکیان و راه‌حل مشکلات مردم
یاشار سهندی

# جنایت هولناک ارتش اسرائیل در بیمارستان
# غزه را شدیداً محکوم می‌کنیم!

## حزب کمونیست کارگری ایران

مشاهده انسان‌هایی که در پی حملات اخیر جنایت‌کارانه دولت اسرائیل به مجتمع بیمارستان الاقصی در مرکز غزه و یک اردوگاه چادری در مجاورت این بیمارستان به طور فجیعی در شعله‌های آتش سوختند و یا به‌شدت آسیب دیدند، بسیار تکان‌دهنده است و دل هر انسانی را به درد می‌آورد.

ارتش اسرائیل تحت عنوان مبارزه با حماس و یا حزب‌الله، بیمارستان‌ها، مدارس و مراکز غیرنظامی را به‌دفعات مورد حمله خود قرار داده است. این

حملات باعث کشتار هولناک مردم بی‌دفاع و غیرنظامی و آوارگی میلیونی مردم در غزه و اخیراً در لبنان شده است. حتی نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در لبنان از این حملات در امان نبوده‌اند.

حزب کمونیست کارگری ایران حملات جنایت‌کارانه ارتش اسرائیل به مراکز غیرنظامی و مردم بی‌دفاع در غزه و لبنان را شدیداً محکوم می‌کند. ما در همان حال حملات موشکی حزب‌الله و نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی به مناطق مسکونی اسرائیل را محکوم می‌کنیم. حزب کمونیست کارگری ایران از توقف جنگ و کشاکش‌های نظامی در لبنان و فلسطین حمایت می‌کند و از همه مردم و دولت‌ها می‌خواهد که به دولت اسرائیل و گروه‌های اسلامی فشار بیاورند که حملات نظامی

خود به مردم بی‌دفاع را فوراً متوقف کنند.

شرایط هولناک کنونی در غزه و لبنان از یکطرف حاصل سیاست‌های راست افراطی و فاشیست حاکم در اسرائیل است و از طرف دیگر به گروگان گرفته‌شدن زندگی مردم در لبنان و غزه توسط نیروی های تروریست اسلامی حماس و حزب‌الله که با حمایت جمهوری اسلامی داعیه نابودی اسرائیل را دارند. خاورمیانه باوجود چنین نیروهای فاشیست و ارتجاعی همواره با بحران، جنگ و یا خطر جنگ و کشتار روبرو خواهد بود.

تنها راه پایان‌دادن به این اوضاع ، کوتاه‌کردن دست نیروهای ارتجاعی از زندگی و مقدرات مردم در اسرائیل، فلسطین و لبنان و ایران است.

**حزب کمونیست کارگری ایران تلاش می‌کند که با سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب مردم و از میان برداشتن سرمنشأ تروریسم اسلامی در منطقه شرایط را به نفع مردم همه این کشورها تغییر دهد.**

**کلید پایان‌دادن به جنگ و کشتار مردم بی‌دفاع در منطقه در دست خود مردم است که در همه‌جا به میدان بیایند و با کنارزدن نیروهای ارتجاعی سرنوشت دیگری برای خود رقم بزنند. در حال حاضر مردم زیادی در اقصی‌نقاط جهان به جنایات اسرائیل در غزه و لبنان اعتراض می‌کنند. پشتیبانی از جنبش‌های مردمی مترقی در لبنان، فلسطین و اسرائیل و دیگر کشورهای منطقه، به‌ویژه حمایت از انقلاب زن زندگی آزادی، اقدام مؤثری است که**

**می‌تواند به طور فعال‌تری اوضاع هولناک منطقه را به نفع انسانیت تغییر دهد. ما همه مردم جهان را به حمایت از جنبش‌های ترقی‌خواهانه مردمی برای به زیر کشیدن حکومت‌های ارتجاعی و کنارزدن نیروهای تروریسم اسلامی در منطقه فرامی‌خوانیم.**

# عراقچی نماینده صلح یا بن‌بست؟

## کاظم نیکخواه

همه قرائن از وحشت جمهوری اسلامی از پاسخ نظامی اسرائیل به حملات موشکی حکومت در اول اکتبر حکایت دارند. این روزها عباس عراقچی وزیر امور خارجه حکومت اسلامی به هرجا که امکانش هست سفر می‌کند تا بلکه دولت‌های منطقه را متقاعد کند که به اسرائیل فشار بیاورند وارد تقابل جدی با جمهوری اسلامی نشود. عراقچی به اردن، عمان، عراق، مصر، ترکیه، و عربستان سفر کرده و همه‌جا تأکیدش این است که جمهوری اسلامی خواهان کاهش تنش نظامی است. طبعاً یک رجزخوانی توخالی هم در مورد

**اینکه اگر اسرائیل حمله کند پاسخ قاطع می‌دهیم چاشنی التماس کاهش تنش است.**

**جالب است که جمهوری اسلامی خواهان کاهش تنش نظامی است نه صلح یا سازش یا آتش‌بس! چرا که همه این نوع توافقات با اسرائیل در قاموس حکومت اسلامی گناه کبیره است. از این نظر حکومت اسلامی در بن‌بست کامل است. هم خواهان تنش‌زدایی بعد از حمله موشکی است و هم به تنش و فضای جنگی نیاز حیاتی دارد! هم موجودیت خود را در خطر نابودی می‌بیند و هم نمی‌تواند پرچم صلح با اسرائیل را بلند کند. به همین دلیل جناب عراقچی از تمام سفرهایش با دست‌خالی بازگشته است و سران حکومت**

همچنان در کابوس حمله مهلک اسرائیل نمی‌دانند کجا خود را مخفی نمایند.

به طور واقعی نیروهای تروریست و دست راستی اسرائیل و جمهوری اسلامی یکدیگر را کاملاً تغذیه می‌کنند. همه‌جا تقابل تروریست‌ها همین خاصیت متقابل را دارد. چهل سال است که حکومت بر طبل نابودی اسرائیل و آمریکا می‌کوبد. این طبل توخالی به‌طرف مقابل یعنی جناح‌های دست راستی و جنگ‌طلب اسرائیل نوعی مشروعیت داده که بر طبل واقعی جنگ بکوبند و پی‌درپی به حکومت اسلامی و ایادی‌اش ضربات مهلک وارد کنند و حتی گسترش اشغالگری در فلسطین و جنایات خود در غزه و لبنان را تحت عنوان دفاع

از موجودیت خود توجیه کنند. در این کشاکش تاکنون جمهوری اسلامی و ایادی‌اش بازنده اصلی بوده‌اند و مردم فلسطین و لبنان قربانیان بسیاری در این تقابل داده‌اند.

پایان‌دادن به این وضعیت خطرناک تلاش هر کولی یک نیروی عظیم انسانی در ایران و سطح جهان را می‌طلبد. پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی و سرنگونی حکومت اسلامی می‌تواند به این مهم بسیار کمک کند و پایان حیات فاشیسم اسرائیلی را نیز در دسترس قرار دهد.

# چهار زندانی سیاسی در خطر قریب‌الوقوع اعدام

## حسن صالحی

بنا به گزارش سازمان حقوق بشر کارون چهار زندانی سیاسی محکوم‌به‌اعدام از جمله «علی مجدم»، «معین خنفری»، «محمدرضا مقدم» و «عدنان غبیشاوی (موسوی)» روز سه‌شنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۳ به‌منظور اجرای حکم اعدام از زندان شیبان اهواز به سلول‌های انفرادی در زندان سپیدار منتقل شده‌اند و در خطر جدی اعدام قرار دارند. اتفاقی که ما نباید اجازه بدهیم بیفتد.

برای ما مخالفین اعدام هر خبری ازاین‌دست زنگ خطری‌ست که باید بر فعالیت‌های ضد اعدامی

خود بیفزایم و به نجات جان‌های بیشتری برخیزیم. جمهوری اسلامی اعدام می‌کند چون می‌خواهد با ایجاد وحشت و رعب بیشتر در جامعه، به هر قیمتی حاکمیت نحس خود را حفظ کند. اینها قربانیان خود را از محروم‌ترین بخش‌های جامعه می‌گیرند. من‌جمله از مردم عرب خوزستان و شهروندان بلوچستان که سهمشان از زندگی محرومیت و نداری بیشتر حتی در مقایسه با دیگر بخش‌های ایران بوده است.

به‌خوبی می‌دانند که این مناطق به دلیل فقر و محرومیت مضاعف انباشته از خشم و اعتراض و در حال فوران است. اعدام می‌کنند تا به خیال خود جلوی این فوران را بگیرند و یا از ابعاد آن

بکاهند. مردم این مناطق به جمهوری اسلامی به‌عنوان یک رژیم اشغالگر نگاه می‌کنند که برایشان اعدام، سرکوب، تحقیر و فقر و محرومیت بیشتر به ارمغان آورده است. حق دارند که از کرامت انسانی و حرمت انسانی خود به دفاع برخیزند. حق دارند که زندگی بهتر بخواهند. حق دارند که با صدای بلند فریاد بزنند این درد مشترک ماست و باید با هم یکی شویم تا جلوی این ظلم و ستم را بگیریم.

شما که این اخبار نگران‌کننده مرتبط با اعدام را می‌شنوید از کنار آن نگذرید. این اعدام‌ها دامن همه ما را خواهد گرفت. فرق نمی‌کند به چه بهانه‌ای مردم را از دم تیغ می‌گذرانند. هدف این

**است که کشتن بیشتر باب شود تا مردم ساکت شوند. هدف این است که من و شما قربانی شویم تا این رژیم ضدمردمی به حیات ننگینش ادامه دهد. برای نجات جان این چهار زندانی اهوازی اقدام کنید. مبارزه برای نجات این چهار جوان، مبارزه برای حق زندگی و حق اعتراض برای داشتن یک زندگی بهتر است. این خواست مشترک ماست. مبارزه برای لغو همه احکام اعدام وظیفه تک‌تک ماست.**

# جنایت‌کاری در پالایشگاه پارس پترو شوشتر

سیاوش آذری

سه‌شنبه‌شب آتش‌سوزی در پالایشگاه پارس پترو شوشتر موجب مصدومیت شش کارگر شد. حال سه تن از مصدومین وخیم گزارش شده که هم‌اکنون در بیمارستان سوانح سوختگی طالقانی اهواز تحت درمان قرار دارند. فرماندار شوشتر در مصاحبه با ایلنا ادعا کرد که "دلیل اصلی این حادثه، عدم رعایت ضوابط ایمنی در هنگام سوخت گیری خودروی حمل سوخت بوده است."

"سوانح کاری" جزئی جدایی‌ناپذیر از فرایند تولید در سیستم سرمایه‌داری هستند. برای سرمایه‌دار

آنچه اصولاً ارزشمند است پول و سود است و جان کارگر تنها تا آنجایی که استمرار فرایند تولید را تضمین کند وارد محاسبات می‌گردد. از جمله مهم‌ترین علل بروز حوادث در محیط‌های کار می‌توان از عدم استفاده از سیستم‌های با استاندارد بالای ایمنی مانند سیستم‌های هشداردهنده گاز متان در معادن زغال‌سنگ و یا سیستم‌های ایمنی در صنعت ساخت‌وساز، طولانی‌بودن ساعات کاری و شدت کار و قرارگرفتن کارگران در معرض مواد شیمیایی مورداستفاده در فرایند تولید مانند سیانور در فرایند استخراج طلا نام برد. یکی از شگردهای سرمایه‌داران و کارفرمایان برای کاهش هزینه‌های تولید و افزایش سود، کاهش هزینه‌های معطوف به ایمنی کار و طولانی‌تر کردن ساعات کاری و در

مقابل متهم‌کردن کارگران به عدم رعایت ضوابط ایمنی است. به این معنی "سوانح کاری" جنایات کاری هستند.

با این‌همه، به یمن بیش از سه قرن مبارزه پیوسته طبقه کارگر در سرتاسر جهان کارگران قادر به تحمیل برخی قوانین در راستای بهبود شرایط کار و ارتقا ایمنی محیط کار و حفظ جان و سلامتی کارگران در برخی کشورها گشته‌اند. اما در ایران تحت سیطره جمهوری اسلامی مبتنی بر اقتصاد دزدسالار و مافیایی حتی همین قوانین و حداقل‌ها در نظر گرفته نمی‌شوند. خدای سرمایه‌داری اسلامی و نمایندگان زمینی آن از جمله آخوندهای میلیاردر، رؤسای بنگاه‌های خصولتی و پاسدار میلیاردرها

**و آقازاده‌ها برای جان و سلامتی کارگران پشیزی ارزش قائل نیستند. ازاین‌رو جمهوری اسلامی دارای یکی از بالاترین آمار جنایات کاری و متعاقب آن مصدومیت، معلولیت و مرگ کارگران در جهان است.**

**باید پرچم مطالبه بهبود ایمنی در محیط کار و کاهش ساعات کاری و وضع و اعمال قوانین در راستای حفظ جان و سلامتی کارگران را در کنار دیگر مطالبات معیشتی و رفاهی خود برافرازیم. وضع چنین مطالباتی عامل مهمی در بسیج و پیشبرد مبارزه کارگران تا سرنگونی رژیم اسلامی است.**

# طرح "طراوت"، نخ‌نمای دیگر رژیم برای حفظ حجاب برباد رفته!

عطیه نیک‌نفس

"چند روز پس از انتشار خبرهای غیررسمی مبنی بر تصویب لایحه موسوم به «عفاف و حجاب» توسط شورای نگهبان، سپاه سمنان نیز از اجرای طرح «طراوت» در ارتباط با اعمال اجباری حجاب خبر داد. منصور شوقانی، فرمانده سپاه سمنان، با بیان این موضوع گفت که از ظرفیت دستگاه‌های اجرایی و خدماتی استان سمنان در اجرای این طرح بهره گیری خواهد شد."

بعد از بی‌نتیجه ماندن طرح عفاف و حجاب و

حتی پس از تصویب آن و اعلام "طرح نور" یعنی طرح دیگری برای کنترل حجاب، حالا رژیم طرح نخ‌نمای دیگری به نام "طراوت" را آورده تا به خیال باطلش بتواند اقدامی در جهت بازگرداندن حجاب به جامعه انجام دهد.

اما واقعیت این است که رژیم مستأصل و وامانده از اعتراضات و مبارزات زنان، باوجود جریمه نقدی، حتی در زندان، باوجود شکنجه و تجاوز، احکام بلندمدت، منع ارتباط با خانواده و عدم دسترسی به دارو و درمان، تلاش‌هایی مذبوحانه می‌کند که در نهایت نه‌تنها نمی‌تواند حجاب را به جامعه بازگرداند بلکه با ظهور طرح‌های پوسیده و از قبل شکست‌خورده‌اش به اختلافات درونی خودش نیز

دامن می‌زند. همین چند وقت پیش بود که برای تصویب لایحه عفاف و حجاب از شورای نگهبان تا نمایندگان مجلسش، تا نمایندگان شورای شهر و نیروی انتظامی‌اش بر سر یکدیگر می‌زدند تا بالاخره تصویبش کردند و حاصلش را می‌بینیم که زنان برابری‌طلب، بسیار باشکوه و جسورانه در جامعه با بی‌حجابی عملی در اماکن عمومی هر روزه طرح‌هایش را به سخره می‌کشند.

جنگ زنان با رژیم اسلامی تا رسیدن آنها به‌تمامی حقوق انسانی‌شان ادامه دارد. این جنگی است نابرابر اما برنده آن مدت‌هاست مشخص شده است. زنان آزادی‌خواه ایران که برای حجاب کشته شدند، از دیدن کودکانشان محروم شدند و مورد

تعرض و تجاوز قرار گرفتند همانطور که بارها گفتند " به عقب برنمی گردند" و هر روز در راه این مبارزه قدرتمندتر و هدفمندتر می‌شوند و همچنان به‌پیش می‌روند.

طرح طراوت نیز به‌زودی به فراموشی سپرده خواهد شد.

# سخنگوی دولت پزشکیان و راه‌حل مشکلات مردم

## یاشار سهندی

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکیان در مورد مطالبات بازنشستگان می‌گوید: "سپاسگزار زحمات بازنشستگان عزیز برای آبادانی کشور هستیم! " اما راهش این نیست "هر کسی همین‌الان اعتراض کرد همین‌الان هم باید حق او را بدهیم." ایشان تأکید کردند: "معتقدیم که باید بار را به‌اندازه بر دوش دولت گذاشت." وی گفت "دست‌بوس بازنشستگان گندم‌کاران، پرستاران و معلمان هستیم ولی ظرف بودجه دولت محدود است و باید دولت اولویت‌بندی کند... تلاش می‌کنیم با اقداماتی که صورت می‌گیرد کم‌ترین

فشار بر مردم را شاهد باشیم".

همین دو هفته پیش بود که بازنشستگان فولاد در مقابل "نهاد ریاست‌جمهوری" توسط یگان ویژه مورد ضرب و شتم قرار گرفتند، یعنی درست زیر نگاه خانم سخنگو، و این به‌خوبی ثابت می‌کند که ایشان واقعاً دست‌بوس چه کسانی هستند. یکی از راه‌های مطمئن در جمهوری اسلامی در جواب "هر کسی همین‌الان اعتراض کرد" باطوم و زندان است.

فاطمه مهاجرانی می‌گوید: "حقایق را با مردم به اشتراک بگذاریم" و اظهار می‌کند که "بودجه نیست اگر هم هست کم است! ".

روشن است وقتی بودجه تحت عناوین مختلف چپاول می‌شود، یا به حوزه‌های ترویج جهل و خرافه سرازیر می‌شود، وقتی سهم عمده آن خرج نیروهای نظامی، انتظامی، امنیتی و همین‌طور نیروهای نیابتی می‌شود که سرگرم شعله‌ور کردن جنگی هستند که تاوان سنگین آن را مردم فلسطین و لبنان می‌دهند؛ معلوم است بودجه باقیمانده باید اولویت‌بندی شود تا باری روی دوش دولت نباشد و قاعدتاً عوارض این اقتصاد ورشکسته روی سر مردم خراب می‌شود.

منت سر مردم گذاشتند که دولت پزشکیان توجه ویژه در به‌کارگیری زنان در کابینه دارد. یکی از آن زنان فاطمه مهاجرانی است. اظهارنظر ایشان در

خصوص جوابگویی به مطالبات بازنشستگان ثابت می‌کند خمیرمایه همه کار به دستان حکومت اسلامی دروغ و دغل است. خانم سخنگو باید بداند گوش ما از این سخنان پر است.

بزرگ‌ترین باری که روی دوش مردم است، حکومت اسلامی با همه اعوان و انصارش است. وقتی خود خانم سخنگو اعتراف می‌کند که حقی در میان است، وقتی حکومتی حق ابتدایی یعنی معیشت و منزلت اقشار مختلف مردم را زیر پا له کرده است، اولویت اول و آخر ما مردم نیز سرنگونی حکومتی است که این فلاکت و نکبت را در ظرفیت تمام بر سرمان خراب کرده است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۶۴

۱۹ اکتبر ۲۰۲۴ – ۲۸ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: آذر پویا

## در این شماره ژورنال:

مرگ سنوار و سگ هار نتانیاهو

کیوان جاوید

اتحادیه اروپا و سرنوشت جزایر سه‌گانه

شهاب بهرامی

جنبش سرنگونی و دفاع از معلمان آزاده

سیما بهاری

فقر و ابعاد آن

سینا پدرام

# مرگ سنوار و سگ هار نتانیاهو

## کیوان جاوید

روز چهارشنبه ۱۶ اکتبر – ۲۵ مهر، سنوار همراه با دو تروریست دیگر در یک درگیری با نظامیان اسرائیل به قتل رسید.

وقتی در ۷ اکتبر سال پیش حماس با حمله به اسرائیل و کشتن ۱۲۰۰ نفر، قلاده از گردن سگ هار راست فاشیست اسرائیل و شخص نتانیاهو باز کرد، اصلاً نمی‌دانست رهبرانش یکی پس از دیگری در تهران و لبنان و غزه به هلاکت خواهند رسید. حاصل این تروریسم کور که حماس چاشنی‌اش را زد، فرصت طلایی به فاشیست‌های حاکم بر

اسرائیل داد و مرگ هزاران کودک و مردم بی‌دفاع در غزه را رقم زد.

یک تصویر بسیار غلط در میان برخی جریانات چپ حاشیه‌ای در حال گشت‌وگذار است که انگار جنبش اسلامی از نوع حماس برای منافع مردم و حق مشروع مردم فلسطین برای برخوردار شدن از کشور مستقل می‌جنگد. این حقیقت ندارد. حماس و حزب‌الله لبنان و جمهوری اسلامی خواهان به‌رسمیت‌شناختن کشور اسرائیل نیستند و می‌خواهند "اسرائیل را به دریا بریزند". این جنبش از ایران و همه جای جهان دشمن زندگی، ارتجاعی و ضدبشری است.

ما مردمی که از دست حکومت اسلامی و جنبش

تروریست اسلامی جان‌به‌لب شده‌ایم قطعاً با مرگ سران این جنبش نه‌تنها عزا نمی‌گیریم که خوشحال هم می‌شویم. دنیا بدون این جنایتکاران جای امن‌تری است. ما با آن "چپ" ضدآمریکایی که دلسوز ارتجاع اسلامی از نوع حماس و حزب‌الله لبنان است و از مرگ آدمکشانی چون هنیه و حسن نصرالله و سنوار زانوی غم بغل می‌گیرد هیچ قرابت و نزدیکی نداریم. این چپ متوهم به اسلام سیاسی مردم را از چپ‌ها می‌ترساند. سیما و نماینده چپ اجتماعی حزب کمونیست کارگری است که ارتجاع اسلامی و راست فاشیست در اسرائیل را دشمن مردم می‌داند.

ما همیشه با صدای بلند اعلام کرده‌ایم که جنبش اسلامی در منطقه به رهبری جمهوری اسلامی تنها

مبشر بدبختی و فلاکت و سیاه‌پوش کردن جامعه است. ما بارها اعلام کرده‌ایم تنها راه خلاصی مردم فلسطین از دست کشتار و فرار و آوارگی تشکیل کشور فلسطین و به رسمیت شناخته‌شدن دو کشور مستقل فلسطین و اسرائیل است. این سیاست ریشه راست فاشیست در اسرائیل را می‌خشکاند و به جنبش اسلامی در فلسطین پایان می‌دهد.

شاید باید منتظر سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی بود تا خاورمیانه از این بلای تروریستی رها شود و مردم فلسطین نیز رها شوند.

# اتحادیه اروپا و سرنوشت جزایر سه‌گانه

## شهاب بهرامی

**اتحادیه اروپا در بیانیه مشترکی با شورای همکاری خلیج‌فارس، برای نخستین‌بار با عبارت «اشغال» از ادعای مالکیت امارات متحده عربی بر جزایر سه‌گانه خلیج‌فارس حمایت کرده است.**

**چرا در اولین اجلاس سران اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج‌فارس که ۲۵ مهر در بروکسل برگزار شد موضوع حق مالکیت جزایر سه‌گانه روی میز اجلاس قرار می‌گیرد؟ چه اتفاقی افتاده است؟ چه حادثه‌ای در شرف وقوع است؟ آیا اتحادیه اروپا که تا چند ماه پیش هنوز با رژیم**

**حاکم بر ایران مماشات و معاشقه سیاسی می‌کرد و چشم بر تمامی جنایات و رذالت‌های ضدانسانی سران رژیم می‌بست و در مورد منازعه امارات و ایران پند و اندرز مذاکره و راه‌حل سیاسی می‌داد، امروز رژیم را متهم به اشغال جزایر نامبرده می‌کند؟**

**صرف‌نظر از اینکه حق با کیست و چه کسی مالک این جزایر است باید گفت، نفس این چرخش سیاسی از جانب اتحادیه اروپا را باید در بطن اتفاقات مهمی که معادلات سیاسی، استراتژیک و نظامی منطقه را که به ضرر رژیم اسلامی در ایران رخ‌داده است، نگریست. افسانه هیولای محور مقاومت به‌سرعت برق و باد در هم پیچید**

و فسانه شد، با کشتن "یحیی سنوار" رئیس‌دفتر سیاسی حماس یکی از آخرین میخ‌ها بر تابوت نه‌تنها حماس و حزب‌الله که بر محور مقاومت به سرکردگی رژیم اسلامی در ایران فرود آمد.

فرستادگان ریزودرشت و ملتمس‌گوی رژیم که سراسیمه و هراسان دست به دامان کشورهای منطقه جهت پیداکردن متحدینی و یافتن راه فراری از دست جهنم خودساخته‌ای که اینک خودشان را خاکستر می‌کند، شدند و ناامید برگشتند. جهان این دریوزگی را دید، عظمت پوشالی نیروی بالستیکی و موشک‌پراکنی را دید، خندید و رصد کرد. اینک محور مقاومت در گوشه رینگ گیر افتاده و باید ناک‌اوت شود.

**کل غرب پشت اسرائیل به صف شده، حتی چین و روسیه هم به قول رسانه‌های رژیم در مورد محور مقاومت و هم اینک در مورد منازعه بر سر حاکمیت جزایر سه‌گانه، به رژیم ایران خیانت کرده‌اند. علی مانده است و حوضش.**

**آغاز پایان‌بخشیدن محور مقاومت، شروع سرازیری رژیم به ورطه سقوط با سراشیبی تند خواهد بود. مردم مبارز ایران قطعاً ضربه نهایی را وارد می‌کنند.**

# جنبش سرنگونی و دفاع از معلمان آزاده

سیما بهاری

**چند تشکل، احکام صادره برای اسماعیل عبدی و محمد حبیبی، فعالان صنفی معلمان را محکوم کردند.**

**وضعیت در جامعه ایران از هر لحاظی وارونه است. جنبش‌های اعتراضی دارند تلاش می‌کنند که همه چیز را از قاعده‌اش به زمین بگذارند.**

**در شرایط و در دوره‌ای که بشر مراحل دسترسی به علم و دانش را دارد به‌سرعت طی می‌کند، "استاد" دانشگاه تهران ادعا می‌کند رابطه خاخام‌های یهودی با اجنه قابل‌تأیید است! در دورانی که بشر**

با استفاده از هوش مصنوعی به مسائل پیچیده پاسخ می‌دهد، این حضرات "استاد دانشگاه" از اجنه و اثبات آن سخن می‌گویند. معلمان و استادان باتجربه و باسواد را اخراج می‌کنند و استادان جن‌گیر را می‌خواهند بجای آنها بنشانند. خوشبختانه جامعه ایران علم و دانش و پیشرفت را باور دارد و به همین دلیل معلمان و استادان باسواد و دلسوز را حمایت کرده و برای آزادی و اعاده‌حیثیت آنها تلاش می‌کند.

تشکل‌های مختلف معلمان به اخراج اسماعیل عبدی و محکومیت محمد حبیبی اعتراض می‌کنند و خواهان آزادی آنها می‌شوند. مردم قهرمانان خود را دوست دارند. جنبش عدالت‌خواهی و انقلاب زن زندگی آزادی انسان‌هایی چون اسماعیل عبدی

که دغدغه‌اش ارتقای آموزش است و محمد حبیبی که به مسموم‌سازی دانش‌آموزان توسط حکومت مرگ و نابودی اعتراض دارد را در دل خود پرورانده و از آنها حمایت می‌کند. حالا که عبدی را اخراج و حبیبی را محکوم به زندان می‌کنند، معلوم است که نه فقط تشکل‌های فرهنگیان که کل جنبش‌های اجتماعی باید از آنها دفاع کنند و خواهان رفع "اتهام" از آنها گردند. عبدی باید به کار بازگردانده شود و حبیبی باید آزاد گردد.

بخش‌های مختلف مردم به درست در اعتراضات خیابانی خود فریاد معلم زندانی آزاد باید گردد سر می‌دهند. این اعتراضات و شعاردهی‌ها باید کل جامعه را فراگیرد. خانواده‌ها باید با هم به استادان بی‌سواد و آنها که به‌جای علم و دانش و

نوع دوستی، خرافات و کینه توزی و نابرابری آموزش می‌دهند دست به اعتراض بزنند. دانش آموزان جسور در دفاع از معلمان محبوب خود باید درودیوار مدرسه و شهر را پر از شعارنویسی کنند. اسماعیل عبدی و محمد حبیبی تنها نیستند.

# فقر و ابعاد آن

سینا پدرام

گزارش امسالِ شاخص جهانی فقر چندبعدی (MPI) که به طور مشترک توسط برنامه پیشرفت و توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) و ابتکار توسعه انسانی و فقر آکسفورد (OPHI) مستقر در دانشگاه آکسفورد تهیه شده است، نشان می‌دهد ۱.۱ میلیارد نفر در سراسر جهان در فقر حاد زندگی می‌کنند، ۴۰ درصدِ آن‌ها در کشورهایی زندگی می‌کنند که شاهد درگیری، جنگ یا امنیت و آرامش شکننده هستند. این تحقیق آماری وضعیت فقر چندبعدی در ۱۱۲ کشور جهان که سکونتگاه ۶. ۳ میلیارد نفر است را مورد بررسی

قرار داده است.

در هیچ یک از شاخص‌های این ارزیابی، مانند مرگ‌ومیر کودکان، مسکن، بهداشت، برق و غیره، ما شاهد هیچ نوع تغییر قابل‌توجهی به نفع توده‌های مردم نیستیم. در کشورهایی که جنگ و درگیری‌های نظامی شیرازه جامعه را ازهم‌پاشیده است، کاهش فقر کمترین میزان را نشان می‌دهد. به‌عنوان‌مثال، بر پایه این گزارش، در سال‌های ۱۴۰۳/۱۴۰۴ نزدیک به ۶۵ درصد افغانستانی‌ها فقیر محسوب می‌شوند. همچنین بر حسب این گزارش، بیشتر از نیمی از ۱. ۱ میلیارد فقیر جهان را کودکان زیر ۱۸ سال تشکیل می‌دهند و بخش بزرگی از این ۱. ۱ میلیارد فاقد مسکن و سرویس

بهداشتی کافی هستند.

در هر علمی پرسش‌ها همواره از جواب‌ها پراهمیت‌تر هستند. پرسشگری ما را به عمق زندگی می‌برد نوری بر حقایق می‌تاباند. پرسش ما این است چرا فقر وجود دارد و نه‌تنها فقر نسبی کاهش نیافته است بلکه به فقر مطلق هر روز افزوده می‌شود؟ چه سیستم سیاسی و اقتصادی فقر را تولید و باز تولید می‌کند و به آن استمرار می‌بخشد؟ چرا میلیاردها انسان نسل‌اندرنسل باید به فقر چشم بگشایند، با فقر زندگی کنند، فقیر بمیرند و فقر را برای فرزندان خود به جا بگذارند؟ طرف دیگر این فقر میلیاردی، افراد انگشت شماری هستند که ثروت ۸ نفر آنها چندین برابر داروندار این

## ۱.۱ میلیارد انسان دیگر است.

فقر عصر ما، محصول سیستم سرمایه‌دارانه ایست که سود و انباشت ارزش، محور اساسی و شالوده درونی آن را تشکیل می‌دهد. انسان در این سیستم چیزی نیست جز ابزاری برای تأمین این سود بی‌پایان. فقر عصر ما حاصل حرص و آز عده‌ای شرور نیست، بلکه حرص و آز، خود محصول این سیستم سرمایه‌دارانه است که انسان در آن ارزشی ندارد مگر آنکه سودی برای اربابان سرمایه تولید کند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۶۵

۲۰ اکتبر ۲۰۲۴ – ۲۹ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: آذر پویا

## در این شماره ژورنال:

**کوه موش زائید، لایحه عفاف و حجاب تصویب شد!**

**آذر پویا**

**مبارزه تا آزادی شریفه محمدی ادامه خواهد داشت**

**عبدل گلپریان**

**ادامه جنایت در معدن طبس**

**شهلا دانشفر**

**شهریه‌های نجومی، اعتراضات عمومی**

**میلاد رسایی‌منش**

# کوه موش زائید، لایحه عفاف و حجاب تصویب شد!

آذر پویا

طبق اخبار رسیده شورای نگهبان ایران لایحه «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» را که به «لایحه عفاف و حجاب» معروف شده، سرانجام پس از ماه‌ها، تأیید کرده است.

صحبت در مورد لایحه حجاب به شوخی کسل‌کننده‌ای تبدیل شده است که دیگر حتی خود سران اسلامی هم آن را جدی نمی‌گیرند. هر روز از طرح جدیدی رونمائی کرده، آرا در

بوق‌وکرنا می‌کنند تا به جامعه پیام دهند که هنوز از مسئله حجاب غافل نشده‌اند و به این بی‌حجابی گسترده جواب مقتضی را خواهند داد.

هر کس که سری به شهرهای ایران بزند به‌وضوح مشاهده می‌کند که زنان از چه گذرگاه‌های صعب‌العبوری گذشته و چه قله‌هایی را فتح کرده‌اند.

سران مرتجع جمهوری اسلامی می‌دانند، گردبادی که سال ۱۴۰۱ حجاب و کل قوانینش را با خود برد دیگر برگشتنی نیست. زنان ایران سوزش اسید را بر چهره‌های خود احساس کرده‌اند، چشمان زیبایشان هدف ساچمه‌های نمایندگان الله قرار گرفته و با اهدای جان عزیزترین‌هایشان داغی

فراموش‌نشدنی بر دل دارند. تا همین‌جا راهی طولانی طی شده تمام پل‌ها پشت سرشان خراب و دیگر راه برگشتی نیست.

سؤال اینجاست چرا جمهوری اسلامی با تمام مشکلات عدیده‌ای که گریبانش را گرفته کماکان بر طبل حجاب می‌کوبد و این شمشیر چوبین را از بالای سر جامعه برنمی‌دارد.

جمهوری اسلامی هر روز عزادار کشته‌شدن یکی از قهرمانانش است که قصد داشت با کمک آنها اسرائیل را به دریا بریزد. از پرداخت حقوق بازنشستگان، پرستاران، کارگران و سایر حقوق‌بگیران عاجز است و روزانه با اعتراضات گسترده آنها روبروست، فقر و بیکاری در جامعه

بیداد می‌کند و هزاران مسئله دیگر که از حل آنها عاجز و درمانده است و تنها سلاح سرکوب و خود مشغولی با انواع لوایح "نور"، "عفاف" و "طراوت" را چاره کار می‌داند. "گشت ارعاب" هم که کسی را مرعوب نکرد!

زنان مدت‌هاست از این طرح‌ها عبور کرده و برای به ثمر رساندن سایر خواست‌هایشان مصرانه تلاش می‌کنند. در دو سال گذشته دنیا شکوه و عظمت این جنبش را دید و برای آن کلاه از سر بر گرفت. جنبش آزادی‌خواهی زنان در کنار سایر جنبش‌های مترقی تا برچیدن کل این بساط توحش و تحجر و رسیدن به آرمان‌های والای انسانی از پای نخواهد نشست.

# مبارزه تا آزادی شریفه محمدی ادامه خواهد داشت

## عبدل گلپریان

لاریسا واترز، سناتور استرالیایی و کفیل سیاسی شریفه محمدی، در پیامی ضمن ابراز خوشحالی از لغو حکم اعدام این فعال کارگری محبوس در زندان لاکان رشت ، تأکید کرد که مبارزه برای آزادی او همچنان ادامه خواهد داشت. وی با تأکید بر اهمیت یک محاکمه بی‌طرفانه و شفاف، حمایت خود را از شریفه، خانواده او و تیم حقوقی‌اش اعلام کرده و تصریح کرد که این مبارزه تا رسیدن به عدالت کامل ادامه می‌یابد.

کمپین دفاع از شریفه محمدی نیز با استقبال از این پیشرفت تأکید می‌کند که هنوز راهی برای رسیدن به آزادی شریفه در پیش است. این کمپین با ادامه پیگیری‌های بین‌المللی خود، تلاش دارد حمایت بیشتری از جامعه جهانی جلب کند. اعضای کمپین امیدوارند که با همکاری فعالان در عرصه‌های حقوق بشر، شریفه هرچه زودتر به آغوش خانواده بازگردد و خاطرنشان می‌کند این تلاش‌ها تا تحقق کامل حقوق و آزادی او ادامه خواهد داشت.

در این تردیدی نیست که قاتلان و باندهای آدمکش دستگاه قضایی حکومت اسلامی همچون موارد به‌عهده‌گرفتن کفالت دیگر محکومین به اعدام توسط بسیاری از نمایندگان پارلمان‌های

کشورهای غربی در ابتدای انقلاب زن زندگی آزادی، جرئت نخواهند داشت که به این کفالت‌ها تن در دهند چرا که این دست از اقدامات سیستم قضایی مافیای اسلامی را رسوا خواهد ساخت. این کمپین‌ها و عقب‌نشینی قاتلان اسلامی گویای واردآوردن ضربات کوبنده‌ای بر پیکر حکومت اعدام است.

اعتراضات و تجمعات در داخل و خارج از ایران همان اهرم کارسازی است که دستگاه قضایی حکومت قتل عمد دولتی در مقابل آن ناچار به‌زانو زدن و لغو حکم ضدانسانی اعدام شریفه محمدی کرده است. جنبش علیه اعدام و کمپین برای لغو احکام محکومین به اعدام ادامه خواهد داشت. قتل عمد دولتی رژیم اسلامی تنها ابزار

قرون‌وسطایی‌اش برای بقا و نجات خود از مخمصه اعتراضات و جنبش‌های سرنگونی‌طلبانه مردم است.

کمپین دفاع از شریفه محمدی کمپینی به وسعت جغرافیای ایران ، نه‌تنها برای لغو احکام ظالمانه محکومین به اعدام بلکه جنبشی عظیم علیه مجازات اعدام است. با لغو حکم ضدانسانی اعدام شریفه محمدی، خواست کمپین و جنبش علیه اعدام ، آزادی فوری و بدون قیدوشرط اواست. جنبش علیه اعدام تا لغو احکام اعدام زندانیان سیاسی و برچیدن مجازات اعدام از پای نخواهد نشست.

# ادامه جنایت در معدن طبس

شهلا دانشفر

درحالی‌که در فاجعه معدنجوی طبس ۵۲ کارگر جان خود را از دست دادند، محمد بهمنی، کارگر آسیب‌دیده این معدن می‌گوید " همان معدن دوباره راه افتاده و کارگران در همان جا مشغول کار هستند. بااین‌حال که هنوز بخشی از کارگران در بستر بیماری هستند و معدن با همان وضعیت مشغول کار است. پیمانکار و مسئولین همه مشغول کار هستند و کسی تغییر نکرده است."

بدین گونه جنایت در این معدن ادامه دارد. معدنی که زیر مجموعه هلدینگ اقتصادی گل‌گهر و بانک سپه، وابسته به بنیاد مستضعفان و تحت‌نظر

خامنه‌ای که زیر چتر حفاظتی مافیایی این بنیاد پیمانکار و مسئولینش علی‌رغم ارتکاب چنین جنایت هولناکی سر جایشان نشسته و مشغول ادامه ثروت‌اندوزی کثیفشان هستند و کارگران را به کام مرگ می‌فرستند.

فاجعه معدن طبس با موجی از اعتراض همراه شد. خانواده‌های کارگران جان‌باخته از ابعاد این جنایت پرده برداشته و دادخواه‌اند. کارگران این معدن و معدنی چون طزره با اعتصاب و تجمع خواستار پیگرد مسببین این جنایت شدند. تشکل‌های مختلف کارگری و اجتماعی و زندانیان سیاسی از درون زندان‌ها طی بیانیه‌هایی این کشتار وحشیانه را محکوم و با کارگران معدن طبس اعلام همبستگی کردند. بازنشستگان

فولاد و معدن در تجمعاتشان اعلام کیفرخواست نمودند. بخش‌های مختلف بازنشستگان و کارگران نفت شاغل در شرکت‌های پیمانکاری مجتمع گاز پارس جنوبی در تجمعاتشان با شعارهای حمایتی بر محاکمه مسببین این جنابت تأکید کردند و در این میان هشتگ ایرانم اعتصاب داغ شد. زیر فشار چنین اعتراضاتی بازپرس پرونده گفت: «این قصور متوجه مسئولان معدن است».

اما حکومت در پرتو فضای جنگ‌افروزی‌هایش و با وعده وعید دادن‌ها کوشید موضوع حاشیه‌ای شود و باز این کارگران معدن طبس هستند که سخن می‌گویند. محمد بهمنی از اینکه هیچ رسیدگی‌ای به این وضعیت نشده و خود مشکل نفس تنگی و عصبی پیدا کرده است و رئیس معدن

هم پیدایش نیست، می‌گوید: تأمین اجتماعی ۷ میلیون می‌دهد، من با ۷ میلیون به عنوان سرپرست خانواده چگونه هزینه‌ها را تأمین کنم؟ او همچنین می‌گوید: " با خانواده‌های از دست رفتگان صحبت شده است. با دیگر کارگران هم صحبتی درباره خانه نشده است. گفته‌اند فوت شدگانی که زمین یا خانه نداشتند، خانه دار می‌شوند. "

با اعتراضات سراسری جلوی این جنایات را باید گرفت و درب معادن مرگ‌آفرین را با گل بگیریم. کارگران معدن طبس دادخواه‌اند. ایرانم اعتصاب

# شهریه‌های نجومی، اعتراضات عمومی

میلاد رسایی‌منش

اعتراضات دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه آزاد علیه افزایش سرسام‌آور شهریه‌ها، نمادی از نارضایتی گسترده‌تر مردم ایران از رژیم اسلامی است. افزایش ۲۰۰ درصدی شهریه‌ها که دانشجویان و خانواده‌هایشان را با فشارهای اقتصادی شدید مواجه کرده است، بخشی از سیاست‌های ناکارآمد و فساد گسترده حاکمیت و دزدی از جیب مردمی است که همواره اقشار مختلفی در جامعه ایران را در تنگنای مالی قرار داده است. از سال‌ها پیش، رژیم جمهوری اسلامی با بی‌توجهی به مشکلات اقتصادی، مردم را در فقر و سختی‌های روزافزون

غرق کرده است. دانشجویانی که برای تحصیل و ساختن آینده‌ای بهتر تلاش می‌کنند، اکنون باید با مانعی به نام شهریه‌های نجومی مواجه شوند، شهریه‌هایی که به‌وضوح نشان از استثمار نظام‌مند این رژیم دارد.

این اعتراضات، که با تجمع در مقابل مجلس اسلامی به اوج رسید، نه‌تنها در برابر یک افزایش بی‌رویه شهریه‌ها بلکه علیه کل سیستم ناعادلانه جمهوری اسلامی است. نظامی که به‌جای حمایت از دانشجویان و اقشار ضعیف، منافع خود و حلقه‌های فاسدش را در اولویت قرار داده است.

دانشجویان به‌عنوان نیروی جوان و پویای جامعه،

همواره در تاریخ نقش مهمی در مبارزات علیه استبداد داشته‌اند و امروز نیز ایستادگی آن‌ها نشان می‌دهد که جامعه ایران، به‌خصوص جوانان، خواهان تغییرات بنیادین و سرنگونی این رژیم سرکوب‌گر و جنایت‌کار هستند. این اعتراضات را باید جرقه‌ای دانست که می‌تواند خشم و نارضایتی‌های فراگیرتر را علیه جمهوری اسلامی شعله‌ور سازد و به گامی مؤثر در مسیر رسیدن به آزادی و عدالت تبدیل شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۶۶

۲۱ اکتبر ۲۰۲۴ – ۳۰ مهر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره:سیاوش آذری

## در این شماره ژورنال:

اخاذی سیاسی با شبح تغییر دکترین هسته‌ای؟

محسن ابراهیمی

مسمومیت مجدد دختران دانش‌آموزان با گاز

عطیه نیک‌نفس

انگ اجتماعی به آوارگان افغانستانی در ایران باید فوراً متوقف شود

سیامک بهاری

بیمه طلاب یا دزدی از سفره کارگران

سینا پدرام

# اخاذی سیاسی با شبح تغییر دکترین هسته‌ای؟

محسن ابراهیمی

فضای جنگی میان جمهوری اسلامی و اسرائیل بحث تغییر دکترین و استراتژی هسته‌ای جمهوری اسلامی را بار دیگر در مجلس اسلامی و در بالای حکومت داغ کرده است. می‌گویند باید فتوای علی خامنه‌ای درباره "حرام بودن تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای" تغییر یابد که برای "بازدارندگی" حیاتی است. در همان بالای حکومت البته تعداد دیگری تلاش می‌کنند طرف مقابل را متوجه کنند که سلاح هسته‌ای "نه امنیت می‌آورد و نه بازدارندگی ایجاد می‌کند."

جمهوری اسلامی از همان اول دنبال مسلح شدن به بمب هسته‌ای بود. اما بعد از خیزش‌های بزرگ سیاسی علیه موجودیتش در سال‌های ۹۶ و ۹۸ و مخصوصاً انقلاب زن زندگی آزادی، به‌طورقطع تبدیل‌شدن به یک دولت اتمی به یک امر حیاتی‌تر تبدیل شده است با این تصور پوچ که مسلح شدن به بمب هسته‌ای می‌تواند بقای سیاسی حکومت را تضمین کند! البته که بقای حکومت "اوجب واجبات" است و فتوا سهل است، حتی اصول‌دین را هم می‌توان فدای بقای حکومت یعنی تداوم حیات سرمایه‌داران چپاولگر حاکم کرد.

تصور تضمین بقای حکومت با سلاح هسته‌ای پوچ است چون قرار نیست حکومت اسلامی را دولت‌ها سرنگون کنند که مثلاً از ترس اتمی بودن

جمهوری اسلامی دست‌به‌عصا باشند. جمهوری اسلامی را مردمی سرنگون خواهند کرد که به هر سه رکن بقای جمهوری اسلامی نه گفته‌اند: -۱ اسلام به‌مثابه ایدئولوژی رسمی‌اش وبال گردن حکومت شده است. -۲سرکوب کارایی خود را ازدست‌داده است. -۳ "محور مقاومت اسلامی" هم که قرار است حکومت را نگه دارد، حال و روز خوبی ندارد.

برتری نظامی، امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل و انزوای روبه‌رشد جمهوری اسلامی در منطقه هم یک فاکتور دیگر است که حکومت اسلامی را مجبور کرده است عجله کند و با مترسک "تغییر فتوای خامنه‌ای و تغییر دکترین هسته‌ای" از دول غرب و کشورهای حاشیه خلیج اخاذی سیاسی کند که

اگر می‌خواهند رژیم اسلامی اتمی نشود اسرائیل را تحت‌فشار بگذارند که در واکنش به پرتاب موشک‌های بالستیک در سطحی پاسخ بدهد که خامنه‌ای و سردارانش فقط با رجز خواندن بتوانند صورت خود را با سیلی سرخ نگه دارند. بی‌اعتنایی دولت‌ها و مشخصاً دولت‌های حاشیه خلیج به "صلح‌طلبی" وزیر خارجه جمهوری اسلامی جنگ‌افروز اما درمانده، نشان داد که این اخاذی نخواهد گرفت.

# مسمومیت مجدد دختران دانش‌آموزان با گاز

## عطیه نیک‌نفس

”مسمومیت و بستری‌شدن ۲۹ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی دخترانه در شهر آشخانه با گاز مرکاپتان.

۳۱ دانش‌آموز در سملقان خراسان شمالی به‌خاطر استنشاق گاز مرکاپتان راهی بیمارستان شدند. دادستانی گفته است: کارکنان شرکت گاز یک بشکه حاوی مقادیری مواد افزودنی نامطبوع را به محل این شرکت (گاز) واقع در مجاورت دبیرستان انتقال دادند که انتشار بوی این ماده سبب بدحال شدن دانش‌آموزان شده است.“

تنها چیزی که در ایران تحت حاکمیت رژیم ضدانسانی اسلامی هیچ ارزشی ندارد، جان انسان‌هاست؛ انسان‌ها هر روزه عامدانه در معرض خطر مرگ قرار می‌گیرند. دادستانی و مسئولین مرتبط با توضیحاتی مبهم و ناکافی می‌خواهند این اتفاق مهلک را به مسمومیت‌های برنامه‌ریزی‌شده زنجیره‌ای دختران در مدرسه بی‌ربط جلوه دهند و بازهم بدون ارائه پاسخ موضوع را رها کنند.

اما برای والدین این دختران و تمام جامعه هیچ فرقی ندارد که مسئولین چه می گویند، همه می‌دانند که برای جمهوری اسلامی نه تنها جان انسان‌ها هیچ ارزشی ندارد بلکه از تمام فرصت‌ها برای حذف و کشتن مردم استفاده می کند. دردسترس نبودن واکسن کرونا، نبود آب آشامیدنی، نبود داروهای

ضروری، شلیک به هواپیمای مسافربری، شلیک مستقیم به مردم معترض با دست‌خالی، گرانی سرسام‌آور و در گروگرفتن معیشت مردم، کشتن مردم زیر شکنجه در زندان‌ها، اعدام و حالا باز با مسمومیت در مدارس دخترانه.

جمهوری اسلامی که این روزها به واسطه مبارزات پیگیر و هدفمند مردم ایران در مخمصه‌ای وحشتناک دست‌وپا می‌زند و از همیشه ضعیف‌تر و البته متوحش‌تر است اما باید به او فهماند که حق ندارد به‌راحتی و مرتباً جان دختران دانش‌آموز را به خطر بیندازد.

باید وسیعاً علیه این جنایت اعتراض کنیم. رژیم اسلامی باید بداند ما در مقابل چنین فجایع انسانی

**ساکت نخواهیم ماند و با اعتراض، تحصن و مبارزه او را به عقب خواهیم راند.**

# انگ اجتماعی به آوارگان افغانستانی در ایران

# باید فوراً متوقف شود

## سیامک بهاری

**ابوالفضل فاتح، رئیس بخش سل و تحقیقات ریوی انجمن انستیتو پاستور ایران: "بیشترین موارد مثبت ابتلا به سل مربوط افغان‌ها است"!**

**این اظهارات عمیقاً نژادپرستانه، غیرعلمی با واکنش اعتراض جمع قابل‌توجهی از پژوهشگران روبرو شد. ۷۲ تن از دانشگاهیان و پژوهشگران در حوزه سلامت، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی از داخل و خارج ایران، با امضا نامه سرگشاده‌ای اظهارات او را گسترش نفرت‌پراکنی قومی و نژادپرستی خوانده‌اند. تأکید کرده‌اند که عامل بیماری‌ها، میکروب‌ها و باکتری‌ها هستند نه**

**قومیت‌ها، نه نسبت‌دادن بیماری به یک گروه ملیتی.**

**نامه اعتراضی پژوهشگران در میانه کثیف‌ترین رفتارهای ضدانسانی و نژادپرستانه حکومت اسلامی ایران علیه آوارگان و مهاجرین افغانستانی، بسیار مهم و ارزشمند است. این اقدام به‌موقع، جهت‌گیری و روحیه جامعه نسبت به توطئه‌های ضدانسانی حکومت اسلامی را نمایندگی می‌کند. راه نشان می‌دهد، دسیسه‌های ظاهراً علمی حکومتی را خنثی می‌کند و خطر تحقیر و نفرت‌پراکنی علیه مهاجرین بی‌پناه افغانستانی را به‌درستی گوشزد می‌کند.**

**انسانیت‌زدایی جمهوری اسلامی ایران انتها ندارد. هر چقدر بر دامنه شکست، بن‌بست و بحران**

حکومت اسلامی ایران افزوده می‌شود، هر چقدر دامنه نارضایتی و اعتراضات عمومی گسترده‌تر و بر پیگیری مطالبات و خواسته‌ها افزوده می‌شود و اتحاد و همبستگی عمومی جامعه علیه حکومت به‌عنوان مسبب و عامل بقا فقر و فلاکت بر جامعه عمیق‌تر می‌شود، در مقابل بر میزان گسترش نفرت‌پراکنی حکومت علیه آوارگان و مهاجرین افغانستانی در ایران افزوده می‌شود.

حکومت در باتلاق جنگ‌افروزی و ماجراجویی‌های منطقه‌ای گیر افتاده است. جامعه به‌روشنی دارد شکست و فروپاشی عمق استراتژی جمهوری اسلامی را می‌بیند. در اوج استیصال تقلا می‌کند صورت‌مسئله شکست‌های مفتضحانه خود و اعتراضات برحق جامعه را عوض کند. حواس

جامعه به سمت دیگری بکشاند. دشمن‌تراشی کند. ناسیونالیسم عظمت‌طلب و فاشیست ایرانی را با خود همراه سازد و به جان آوارگان و مهاجرین افغانستانی این آسیب‌پذیرترین بخش جامعه ایران بیندازد. در صفوف متحد جامعه تفرقه و جدایی ایجاد کند. بار تقصیرات خود را بر گردن گروهی از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه ایران بیندازد. این سیاست کثیف فاشیستی را باید با قدرت و دقت خنثی کنیم.

بدون تردید تشکل‌ها و فعالین کارگری، معلمان، نویسندگان، وکلای دادگستری، هنرمندان و همه مردم انسان‌دوست ایران در این راه بیشترین تلاش را خواهند کرد. آوارگان افغانستانی را تنها نخواهند گذاشت و باشکوه‌ترین همبستگی

انسانی را خلق خواهند کرد.

# بیمه طلاب یا دزدی از سفره کارگران

سینا پدرام

بنا به گزارش خبرگزاری‌ها ، طلابِ مشغول به تحصیل در حوزه‌های علمیه چندین کارزار آنلاین ایجاد کرده‌اند تا سابقه ۱۰ساله بیمه آن‌ها در دوره طلبگی به‌عنوان سوابق شغلی پذیرفته شود تا بتوانند با حداکثر با ۱۰ تا ۱۵ سال کار در نهادهایی مانند آموزش‌وپرورش بازنشست شوند.

در همین رابطه طبق آخرین آمار ۴۱ هزار و ۷۳۶ طلبه در استان قم زیر پوشش تأمین اجتماعی قرار گرفته‌اند.

در این مدت همچنین استقراض صدها هزار میلیاردتومانی دولت به سازمان تأمین اجتماعی در صدر خبرها قرار داشته است. خبرهای مربوط

به سازمان تأمین اجتماعی در دهه‌های اخیر با جنبش بازنشستگان همواره مورد پوشش ما بوده است و خوانندگان را به شماره‌های قبلی ژورنال ارجاع می‌دهم.

اما خبرهای تحت پوشش بیمه بازنشستگی قراردادن آخوندها و متخصصان اشاعه خرافه و جهالت در دو دهه گذشته و آن هم تحت‌فشار نیروهای نزدیک به حکومت نه‌تنها خبرهایی ناراحت کننده هستند بلکه در شرایطی که بازنشستگان و کارگران با هزاران زحمت و مشکل شامل این طرح می‌شوند، یک دزدی آشکار از سفره ۴۲ میلیون مردم تحت پوشش این صندوق است.

قسمت فکاهی اما تلخ قضیه این است که این پارازیت‌های اجتماعی بدون پرداخت یک ریال به این صندوق خودشان را مشمول حال می‌دانند و مدعی هستند که به‌خاطر "خدمات اخلاقی" و "زحمات ده‌ساله" در حوزه‌ها و فیضه‌ها شایسته تحت پوشش قرارگرفتن هستند.

همه می‌دانند که "بیمه‌های تکلیفی" طلاب و خادمان مساجد و غیره دزدی حکومت از صندوقی است که در حال ورشکستی کامل است و به نظر متخصصین باید مشمول حال ماده ۱۴۱ قانون تجارت قرار بگیرد و این در حالی است که دولت میلیاردها تومان به این صندوق قرض دارد و بازنشستگان در بدترین وضعیت معیشتی قرار

دارند و باید با تورم بالای ۵۰-۴۰ درصد دست‌وپنجه نرم کنند.

باید برای پایان دادن به این دزدی‌ها دست دم‌ودستگاه مافیایی مذهبی - دولتی را از این صندوق کوتاه کرد. باید یک‌لحظه هم اجازه نداد این پارازیت‌های مفت‌خور به حقوق مسلم کارگران، بازنشستگان، پرستاران، معلمان و مردم دست دراز کنند. ملا، آخوند، طلبه شامل بیمه نمیشه!

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۶۷

۲۲ اکتبر ۲۰۲۴ – ۱ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره:سوسن صابری

## در این شماره ژورنال:

دنیا فرهادی، دختر ۱۷ساله اهل نوسود هم قربانی حجاب اجباری شد

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

پیروزی انقلاب، پاسخ قتل‌های ناموسی

سیما بهاری

جنگ کثیف حکومت علیه بهائیان ادامه دارد

کیوان جاوید

نیلوفر حامدی و الهه محمدی نباید به زندان بازگردند!

حسن صالحی

# دنیا فرهادی، دختر ۱۷ساله اهل نوسود هم قربانی حجاب اجباری شد

## کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

**صبح روز شنبه ۲۸ مهرماه دنیا فرهادی دختر ۱۷ساله اهل نوسود که مورد ضرب و شتم پدر مرتجع و اسلامی‌اش قرار داشت پس از فرار از مدرسه «ام‌المؤمنین عایشه» در پاوه، که گفته می‌شود به دلیل تهدیدات و فشارهای وارد به او بوده است، از ساختمان متروکه بانک کشاورزی در نزدیکی مدرسه‌اش خود را به پایین پرتاب کرده و در دم جانش را از دست می‌دهد. پدر بی‌رحمش بخشی از موی سر او را تراشیده بود**

که او را مجبور به حجاب اجباری کند. به دنبال خودکشی این دختر، پدر اسلامی و قاتل او به نام سرکوت فرهادی در یک استوری از مردم خواسته است که چون دنیا کافر بوده هیچ‌گونه مراسمی برای او برگزار نکرده و عکس او را هم منتشر نکنند. طبق گزارش هنگاو جنازه دنیا ساعت ۱۰ صبح ۲۸ مهر به بیمارستان قدس پاوه منتقل شده و قبل از ورود جنازه به بیمارستان، فضای محیط توسط نیروهای حراست و سپاه به شدت امنیتی شده بود.

دنیا فرهادی قربانی حکومت اسلامی و قوانین زن‌ستیز اسلامی شد. دنیا در اعتراض به حجاب اجباری و قوانین ارتجاعی و ضد زن و ضد کودک اسلامی و ظلم و ستمی که پدرش در پناه قوانین

حکومت به او اعمال می‌کرد متأسفانه دست به خودکشی زد تا برگ دیگری بر پرونده قطور سراپا کثافت و جنایت حکومت اسلامی اضافه کند.

علی‌رغم فراخوان پدر بی‌رحمش که در مکتب اسلام‌پرورش یافته است و خواسته بود برای دنیا مراسمی گرفته نشود و عکسش جایی منتشر نشود، مادر دنیا که خود قربانی کودک‌همسری بوده و مدتی قبل از پدر دنیا طلاق‌گرفته بود همراه با تعدادی از هم‌کلاسی‌ها و دوستان و اقوام دنیا روز ۳۰ مهر با قلبی سرشار از غم و آکنده از نفرت از پدر بی‌رحم و قوانین جنایت‌کارانه اسلامی، مراسمی در آرامستان چاله چرمی نوسود برای دنیا برگزار کرد و عکس‌های متعددی از او در این مراسم در

دست گرفته شد و در میان حاضرین توزیع شد.

دنیا به سمبل اعتراض به بی حقوقی زنان و کودکان تبدیل شد. دنیا نیز مانند ژینا / مهسا امینی رمز دیگری برای اعتراض علیه این نظام بی‌رحم اسلامی شد. او را همه‌جا گرامی بداریم و عکس و سرگذشت دردناکش را همه‌جا منتشر کنیم. در پاوه و نوسود و در سنندج و مریوان و مهاباد و در سراسر کشور هر جا که می‌توانیم مراسم بزرگداشتش را برگزار کنیم، دست به اعتراض بزنیم و یاد عزیز او را به تشدید مبارزه برای سرنگونی حکومت کثیف اسلامی و کوتاه‌کردن دست اسلام از زندگی زنان و جامعه تبدیل کنیم.

# پیروزی انقلاب، پاسخ قتل‌های ناموسی

سیما بهاری

**در خبرها آمده است در شش ماه اول سال جاری ۷۸ زن توسط مردان نزدیک به خود، به قتل رسیده‌اند.**

**جامعه مردسالار ایران مرتباً از زنان قربانی می‌گیرد. جمهوری اسلامی به دلایل مختلف و عمدتاً سرپیچی زنان از قوانین اسلامی، آنها را دستگیر، تحقیر، و اعدام می‌کند. قوانین این حکومت ضد زن است. زن از نظر حکومت کالایی است که مالک دارد. صاحبش اختیار دارد مهربان باشد و او را در قفس طلائی نگه دارد، بال**

پروازش را قیچی کند، صدای آوازش را ببُرد، و هر گاه و به هر بهانه‌ای اگر خواست، راه نفسش را هم ببندد. می‌تواند بدون نشان دادن دُم نرم و نازک، از ابتدا شلاق به دست وارد میدان شود و اجازه زندگی را از زن بستاند. اینها را قوانین الهام گرفته از قرآن و کلام خدا به زندگی زنان تحت حاکمیت نمایندگان خدا بر روی زمین برای آنها می‌خواهند. ذکور خانواده اجازه دارند هر کجا که لازم بدانند، حتی اگر فقط عصبانی هستند و یا جواب رد به خواسته‌هایشان شنیده‌اند، شیشه اسید را از جیبشان در آورند و به چهره زن نافرمان و سرکش بریزند و یا تفنگ و چاقو و یا حتی داس را به کمک بطلبند و زنی که جرئت "نه" گفتن را یافته بکُشند. این اَعمال با قوانین ضد زن اسلامی در ایران حمایت می‌شود.

**لعنت به این قوانین ضدبشری! لعنت به دین و مذهبی که از پدر و برادر و همسر قاتل می‌سازد. لعنت به احکامی که زنان را برده و مطیع می‌خواهد. زنان دارند همه قوانین این بازی را زیر و رو می‌کنند.**

**زنان از همان ابتدا " نه" را با تحکم در گوش حاکمان اسلامی فریاد زدند، هر روز این فریاد بلندتر شده و امروز دیگر پژواک این صدا به گوش جهانیان هم رسیده است.**

**زنان، امروز پرچمدار مبارزه‌ای هستند که انسانیت را به جامعه باز خواهد گرداند. پایان بخشیدن به اینهمه قتل و کشتار کار زنان و مردانی است که انسان آزاد و برابر ایده‌آلشان است. انقلاب**

جاری دارد چنین جامعه‌ای را خشت روی خشت می‌سازد. انقلاب زن زندگی آزادی دارد این راه را هموار می‌کند. جامعه ایران دیگر قتل ناموسی و غیر ناموسی نمی‌خواهد. زندان نمی‌خواهد. شکنجه و دستگیری نمی‌خواهد. این جامعه تشنه دوست داشتن و دوست داشته شدن است. راه زیادی نمانده!

# جنگ کثیف حکومت علیه بهائیان ادامه دارد

## کیوان جاوید

روز یکشنبه ۲۹ مهرماه شعبه یک دادگاه انقلاب با صدور احکام سنگین برای ۱۰ شهروند بهائی، آنها را در دادگاه بدوی به حبس‌های طولانی‌مدت و پرداخت میلیون‌ها تومان جزای نقدی، ممنوع‌الخروجی و ممنوعیت استفاده از فضای مجازی محکوم کرد. بر اساس این حکم، یگانه آگاهی، یگانه روح‌بخش، نگین خادمی، شانا شوقی‌فر، مژگان شاهرضایی، پرستو حکیم، آرزو سبحانیان و ندا بدخش به ۱۰ سال حبس و ۱۰۰ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شده‌اند و ندا عمادی و بهاره لطفی هر کدام به ۵ سال حبس و ۵۰ میلیون جزای نقدی محکوم شدن

که ۴ سال از مدت حبس آنها تعلیقی اعلام شده است.

یک وضعیت هرگز در ایرانِ تحت حاکمیت جمهوری اسلامی تغییر نمی‌کند، مگر اینکه با قدرت و با زور و نیروی وسیع مردم بشود تغییرش داد. این رژیم به زبان خوش و منطق انسانی دست از سر بهاییان بر نمی‌دارد.

مسئله به حق شهروندان یک جامعه بر می‌گردد که بتوانند به هر آنچه که باور دارند عمل کنند و قدرت حاکم حق نداشته باشد علیه آنها فتوا و حکم صادر کند و به قتل برساند یا به زندان بیندازد. نباید اجازه داد مشتی اسلامی عقب‌مانده و ضد بشر زندگی و خوشی و آزادیِ بخشی از

مردم را به دلیل باورهایشان نابود کند.

در برابر این دشمنی کور علیه بهائیان، هر انسان شریف و هر مدافع انقلاب زن زندگی آزادی، و هر کس که حتی به فکر آزادی فردی خودش هست باید قد علم کند. جمهوری اسلامی تنها می‌تواند ما را جدا از هم شکست بدهد و با هر پیشروی علیه هر بخش از جامعه سراغ گروهی دیگر برود و نهایتاً کاری کند که آدم‌ها در تنهایی و انزوا، درد و غم و فقر و فلاکت و دیکتاتوری را پدیده‌ای دائمی و ازلی و ابدی قلمداد کنند.

مردم در ایران نشان دادند در برابر رژیم تا مرز جانفشانی و از خودگذشتگی فردی و جمعی پیش می‌روند و اعتراضات و اعتصابات و حتی

قیام برای سرنگونی سازمان می‌دهند. دفاع از هر انسان و هر شهروند هم باید در همین راستای مبارزه برای تضعیف حکومت و نهایتاً به زیر کشیدن این جلادان باشد. آستین‌ها را علیه زندانی کردن و جریمهٔ شهروندان بهایی در ایران بالا بزنیم. صدای اعتراضمان را علیه این بهایی ستیزی حکومتی بلندتر کنیم.

# نیلوفر حامدی و الهه محمدی
# نباید به زندان بازگردند!

حسن صالحی

درحالی‌که نیلوفر حامدی و الهه محمدی، دو روزنامه‌نگاری که خبر قتل مهسا ژینا امینی و مراسم بزرگداشت وی را پوشش دادند، برای اجرای حکم حبس احضار شده‌اند، مردم خواستار لغو حکم زندان برای این دو روزنامه‌نگار هستند.

در یک کارزار در دفاع از این دو خبرنگار حدود ۳۲ هزار نفر خواستار لغو حکم زندان نیلوفر حامدی و الهه محمدی شده‌اند و بیش از پانصد نفر از هنرمندان، حقوق‌دانان، روزنامه‌نگاران و فعالان اجتماعی از مقامات حکومتی خواسته‌اند که با

لغو حکم حبس این دو خبرنگار پرونده آنها را مختومه اعلام کنند.

جمهوری اسلامی این دو خبرنگار را حدود ۴۰۰ روز در زندان نگه داشت فقط به این خاطر که در باره قتل مهسا اطلاع‌رسانی کرده بودند. به آنها اتهام همکاری به "دولت متخاصم" زد تا از آنها شدیداً انتقام بگیرد. این تقلاها، با اعتراضات وسیع در ایران و جهان روبرو شد و نهایتاً رژیم مجبور گردید تا این دو خبرنگار را البته با پرداخت وثیقه ۱۰ میلیاردتومانی آزاد کند.

اینکه جمهوری اسلامی اصرار دارد که دوباره این دو خبرنگار را با اتهاماتی نظیر" تبلیغ علیه

نظام" و "اجتماع و تبانی بر ضدامنیت کشور" به زندان بفرستد نشان از حال زار حکومت دارد. اینها بخصوص در شرایطی که احتمال حمله تلافی‌جویانه اسرائیل وجود دارد از همه چیز به وحشت افتاده‌اند. از این بیم دارند که کنترل اوضاع از دست آنها خارج شود و مردمی که بر ضدجنگ افروزی این حکومت هستند و آزادی و معیشت و منزلت می‌خواهند بساطشان را جارو کنند.

نیلوفر حامدی و الهه محمدی نباید به زندان برگردند. مبارزه برای لغو حکم حبس این دو خبرنگار فقط مبارزه‌ای بر سر فعالیت آزادانه خبرنگاران نیست. مبارزه‌ای است برای تداوم جنبش انقلابی زن زندگی آزادی. کاری که این دو خبرنگار کردند

کمکی بود به اعتراضاتی که به انقلاب زن زندگی آزادی منجر شد. جمهوری اسلامی می‌خواهد اینها را از ذهن‌ها پاک کند. جمهوری اسلامی می‌خواهد تهدید انقلابی از جانب مردم را از میان بردارد. مردم این را تشخیص می‌دهند و جانانه از این دو خبرنگار دفاع می‌کنند. باید با تمام قوا به حمایت از این دو خبرنگار ادامه داد و شکست دیگری را به رژیم تحمیل کرد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۶۸

۲۳ اکتبر ۲۰۲۴ – ۲ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

## در این شماره ژورنال:

زنده‌باد سه‌شنبه‌های نه به اعدام

اصغر کریمی

قاتلین کارگران معدن طبس باید محاکمه شوند!

محسن ابراهیمی

قطع بیمه تأمین اجتماعی، قتل کارگران

سیاوش آذری

عملیات روانی مردم علیه جمهوری اسلامی

کیوان جاوید

جمهوری اسلامی در فاز مظلوم‌نمایی اتمی

رضا درویش

# زنده‌باد سه‌شنبه‌های نه به اعدام

## اصغر کریمی

سه‌شنبه ۱ آبان‌ماه جمعی از خانواده‌های محکومین به اعدام با شعار «اعدام نکنید» در مقابل مجلس اسلامی دست به تظاهرات زدند و تعدادی از مردمی که در محل بودند به آنها پیوستند.

«سه‌شنبه‌های نه به اعدام» حرکت وسیعی است که از آبان سال قبل با دست‌زدن به اعتصاب‌غذا در زندان‌ها شروع شده و هر هفته به زندان‌های بیشتری گسترش‌یافته است اما این بار هم‌زمان با اعتصاب در زندان‌ها در بیرون زندان نیز تجمع مقابل مجلس شکل گرفت. این هفته همچنین با

پیوستن زندان شیبان اهواز به این حرکت تعداد زندان‌هایی که سه‌شنبه‌ها علیه اعدام دست به اعتصاب می‌زنند به ۲۳ زندان رسید. دو هفته قبل به مناسبت ۱۰ اکتبر روز جهانی اعدام برنامه لایو ۲۴ ساعته‌ای به فراخوان سازمان حقوق بشر ایران و کارزار جهانی علیه اعدام در حمایت از سه‌شنبه‌های نه به اعدام سازماندهی شد که تشکل‌ها و فعالین از طیف‌های بسیار متنوع ایرانی و غیرایرانی از جمله جاوید رحمان و مای ساتو گزارشگر ویژه قبلی و کنونی سازمان ملل در آن شرکت کردند. هم‌زمان با این برنامه در کشورهای مختلف تجمعاتی علیه اعدام برگزار شد. این مجموعه حرکت‌ها گفتمان علیه اعدام را در داخل و در سطح بین‌المللی گسترده‌تر کرد.

اینها و همین‌طور بیانیه‌های تشکل‌ها و فعالین در داخل کشور و اعتراض به اعدام در تجمعات پرشور بازنشستگان، نمونه‌هایی از پیشروی مستمر و هماهنگ جنبش علیه اعدام در ایران و در سطح بین‌المللی است و نشان می‌دهد که چگونه این جنبش قدم‌به‌قدم به‌پیش می‌رود، نیروی بیشتری به خود جذب می‌کند و زمینه گسترش خود را فراهم می‌کند.

تجمع قابل‌توجه دیروز سه‌شنبه در مقابل مجلس گام بزرگی در این جهت است و می‌تواند به نقطه عطفی در تقویت جنبش علیه اعدام تبدیل شود. گسترش سه‌شنبه‌های نه به اعدام در ایران، در زندان‌ها و بیرون زندان‌ها همراه با پیوستن هر چه بیشتر فعالین و تشکل‌ها به این حرکت

مهم در داخل ایران و گسترش فعالیت نهادها، سازمان‌ها و فعالین در خارج و در سطح بین‌المللی علیه اعدام از جمله با خواست بستن سفارت‌های جمهوری اسلامی و کلاً بایکوت این حکومت، جنبش درخشانی است که می‌تواند در ادامه خود فشار سیاسی قابل‌توجهی به حکومت اعدام اسلامی وارد کند و به توقف اعدام‌ها و یا حداقل به کاهش چشمگیر آن کمک کند.

# قاتلین کارگران معدن طبس باید محاکمه شوند!

## محسن ابراهیمی

بعد از گذشت یک ماه از شامگاه شنبه خونین ۳۱ شهریور، شبی که ۵۲ کارگر زغال‌سنگ معدنجو در طبس قتل عام شدند، تازه کمیسیون‌های مجلس یعنی همان قانون‌گذاران علیه کارگران - در گزارشی اعلام کردند "عدم رعایت استانداردهای ایمنی، تجمع تدریجی گاز به دلیل تهویه ناکافی، نبود زهکشی مناسب، فقدان حس‌گرهای دقیق برای نظارت بر گاز، نبود سیستم‌های هشدار خودکار، نبود تجهیزات حفاظتی کافی، نبود آموزش‌های لازم، حفاری غیراصولی که منجر به دفن شدن کارگران شد،

استفاده از ماشین‌آلات قدیمی، ضعف دستگاه‌های نظارتی، عدم اطلاع‌رسانی به‌موقع به کارگران مهم‌ترین دلایل وقوع این سانحه بودند"!

گزارش مجلس تأیید می‌کند که کارگران پیش از وقوع حادثه انتشار بوی گاز را خبر داده بودند اما این هشدارها موردتوجه قرار نگرفت! همه می‌دانیم که کارگران از پیمانکار خواسته بودند تا به دلیل وجود گاز، کارگران را داخل نفرستد اما پیمانکار با تهدید کارگران به اخراج آنها را مجبور کرده بود به قتلگاه بروند! در همین گزارش از کارفرما و سه وزارتخانه نام برده می‌شود که "متهم به تخلف، سوءمدیریت" هستند: "وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت)، وزارت بهداشت، درمان و

آموزش پزشکی"!

لازم نیست کارشناس خبره باشی تا بدانی که مسئول مستقیم این جنایت چه نظامی و چه کسانی هستند. اطلاعات همین گزارش را که قبلاً کارگران به اطلاع مردم رسانده بودند – حتی اگر دانش‌آموزان مدارس هم ببینند، آدرس دقیق قاتلین کارگران را به شما نشان خواهند داد: همان کودک‌کش‌ها که به ما دانش‌آموزان حمله شیمیایی کردند!

شیادان مجلس که مدام مشغول قانون‌گذاری علیه کارگران هستند در گزارش مجلس نیستند. اما کارگران می‌دانند که هفت‌خط‌های اسلامی سرمایه‌دار مجلس امروز مجبور شده‌اند در فضای

**خشم و نفرت کشتار ۵۲ کارگر و به خاک سیاه نشاندن خانواده‌شان، نقش "پلیس خوب در مقابل پلیس بد" را بازی کنند. همان نقشی که در سطح وسیع‌تر همدستان اصلاح‌طلب حکومتی سال‌ها بازی کردند و مردم از رویشان عبور کرده‌اند!**

**گزارش مجلس اسلامی، یعنی سند اعتراف خود حکومتی‌ها به جنایت هولناک نظامشان را باید بر سر کل نظام اسلامی خراب کرد. سرمایه‌داران اسلامی حاکم باید به جرم جنایت علیه کارگران محاکمه شوند. محاکمه‌ای که فقط روی عمارت ویران شده نظام اسلامی ممکن است که زندگی چندین نسل از کارگران را ویران کرده است.**

# قطع بیمه تأمین اجتماعی، قتل کارگران

سیاوش آذری

بنا بر گزارش ایلنا در یک سال گذشته سازمان تأمین اجتماعی تنها در یک استان بیمه دست کم ۱۰ هزار کارگر را قطع کرده است. طبق همین گزارش حتی یک نفر از هشت هزار کارگر متقاضی بیمه نشده است. بنا بر انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی قسمت اعظم کارگرانی که بیمه آنان قطع شده کارگران ساختمانی بیکار شده هستند. بنا بر ادعای سازمان تأمین اجتماعی علت قطع بیمه و یا رد تقاضای بیمه "پالایش افرادی که به‌ناحق از حمایت دولتی در این زمینه بهره‌مند شده‌اند" و همچنین "کمبود بودجه" است.

بیمه تأمین اجتماعی یکی از دست‌آوردهای بزرگ مبارزات چندصدساله طبقه کارگر جهانی است. از منظر سرمایه و سرمایه‌دار جان و سلامت کارگر از ارزشی فی‌نفسه برخوردار نیست و موجودیت کارگر تنها به‌عنوان عاملی در فرایند تولید کالا و سود موردتوجه قرار می‌گیرد. تمایل ذاتی سیستم سرمایه‌داری تحمیل شدیدترین شرایط کاری به کارگران در راستای سودآوری هر چه بیشتر است. با این‌همه مبارزات بی‌وقفه کارگران و همچنین نیاز سرمایه به افزایش بارآوری نیروی کار موجب بهبود نسبی شرایط کاری گشته است.

تحت سیطره رژیم اسلامی اما حتی قوانین نیم‌بند تحمیل شده بر جمهوری اسلامی هم اجرا نمی‌شود. قطع بیمه و یا بیمه نکردن کارگران در

**حقیقت مجبور کردن کارگران به کار تا سرحد مرگ است زیرا نبودن بیمه تأمین اجتماعی یعنی عدم برخورداری از حقوق بازنشستگی، بیمه از کارافتادگی، بیمه بیکاری، بیمه بهداشت و درمان؛ یعنی گفتن این به کارگر که "یا کار کن یا بمیر!" و این در حالی صورت می‌گیرد که آخوندهای میلیاردر، اعوان‌وانصار بیت رهبری، فرماندهان سپاه و آقازاده‌ها هر روزه به یمن اقتصاد مافیایی و دزدسالار اسلامی ثروت مردم را به جیب می‌زنند، میلیاردها دلار خرج مراکز جهلیه و تولید خرافات و تسلیح و تأمین نیروهای تروریستی اسلامی در داخل و خارج از کشور می‌کنند.**

**باید با تمام قوا در مقابل این توحش سرمایه‌داری اسلامی ایستاد. باید در کنار کارگران، معلمان،**

پرستاران و بازنشستگان معترض ایستاد و پرچم مطالبه بیمه تأمین اجتماعی شامل بیمه مکفی بیکاری و ازکارافتادگی و حقوق بازنشستگی در شأن انسان برای تمامی کارگران شاغل و بیکار را برافراشت. باید بر سر دست‌اندرکاران حکومت الله فریاد زد یا معیشت و منزلت کارگران را فراهم کنید - که نه می‌خواهند و نه می‌توانند - و یا گورتان را گم کنید!

# عملیات روانی مردم علیه جمهوری اسلامی

## کیوان جاوید

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی از دادستان‌ها و سایر مسئولان قضایی خواست تا "در راستای مقابله با برهم‌زنندگان امنیت روانی جامعه و کسانی که به نفع دشمن، عملیات روانی طراحی می کنند، اقدامات قانونی و مقتضی را انجام دهند."

یک دنیا حرف مفید که بدرد مردم می خورد می توان از این هشدار و تهدیدات اژه‌ای بیرون کشید. از این اظهارنظر اژه‌ای و دیگر دست‌اندرکاران نظامی – اطلاعاتی و سیاسی حکومت اسلامی نباید

به‌سادگی گذشت. ماجرا ازاین‌قرار است که از سر تا ته کارگزاران جمهوری اسلامی، از نیروهای مسلح تا مبلغین سیاسی حکومت و آنها که در خیابان‌ها گشت می‌زنند تا جلوی زنان بی‌حجاب را بگیرند، زیر فشار یک جامعه سرنگونی طلب قرار دارند که اجازه نمی‌دهد رژیم کسی را مرعوب کند. فکرش را بکنید اگر تهدیدات رژیم کارساز بود حالا ما با چه موقعیتی روبرو می‌شدیم؟ زندانیان سیاسی را اعدام می‌کردند بدون اینکه صدای کسی در بیاید؛ اعتصاب کارگران را به گلوله می‌بستند و رهبران عملی جنبش کارگری را در سکوت به زندان می‌انداختند؛ حجاب را با زور سرنیزه واسیدپاشی و قتل و کشتار مجدداً بر سر زنان می‌کردند و جلوی اعتراضات متعدد و روزانه

بازنشستگان و معلمان و پرستاران را می‌گرفتند و جامعه را در خفقان مطلق فرومی‌بردند. حالا می‌شود به‌خوبی دید "امنیت روانی" چه کسانی دارد بر هم می‌خورد، رژیم یا جامعه؟

این رژیم در دورانی هزار هزار زندانی سیاسی را اعدام کرد، اما آنطور که نیاز بود صدای همگانی اعتراض در سایه خفقان از داخل بلند نشد و بازتاب وسیع جهانی پیدا نکرد. شرایط امروز با این‌همه اعتراض اجتماعی که پشتوانه چندین قیام سراسری را طی همین ۱۰ – ۱۵ سال گذشته در کارنامه خود دارد را به تصویر اضافه کنیم و موقعیت فعلی رژیم را با گذشته نه چندان دورش مقایسه کنیم تا به عمق ماجرا بهتر و بیشتر پی

ببریم. رژیم از درون دارد از هم می‌پاشد.

مردم از مدیای اجتماعی بعنوان سنگری برای مقابله با حکومت استفاده می‌کنند و تعداد این مبارزین آنچنان فراوان است که مقابله با آنها برای حکومت ممکن نیست. در تقابل با این تهدیدات توخالی، استفاده هدفمندتر از مدیای اجتماعی در جهت سازماندهی مبارزات سرنگونی‌طلبانه را می‌توان و باید گسترده‌تر کرد.

# جمهوری اسلامی در فاز مظلوم‌نمایی اتمی!

رضا درویش

سخنگوی وزارت امور خارجه رژیم اسلامی اعلام کرد که جمهوری اسلامی کتباً از تهدیدهای اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای به آژانس بین‌المللی انرژی شکایت کرده است. وی گفت: "حمله به تأسیسات هسته‌ای برخلاف قطعنامه‌های سازمان ملل است."

تردیدی نیست که دولت نژادپرست دست راستی نتانیاهو برای بقای سیاسی دارودسته خودش به هر کاری می‌تواند دست بزند. اما حکومت اسلامی با وعده محوکردن اسرائیل از صحنه روزگار زمینه

برای هر جنایتی توسط امثال نتانیاهو فراهم کرده است.

رژیمی که از بدو تأسیس برای بقای خودش به ترور روی آورده و از کشتار شهروندانش روی گردان نبوده حالا از تهدیدهای اسرائیل شکایت می کند!

جمهوری اسلامی به استناد گزارش کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل مرتکب جنایت علیه بشریت شده است. حالا همین رژیم می گوید که تهدیدات اسرائیل مغایر قطعنامه‌های سازمان ملل است!

نظامی که بنیان گذارش از بدو روی کار آمدن در جهت جنگ‌افروزی‌اش به امام‌جمعه‌هایش دستور

داد با دست گرفتن اسلحه خطبه بگویند، رژیمی که حتی هم اکنون سخنگوی وزارت خارجه‌اش می گوید که میانجیگری معنا ندارد، برای کاهش تهدیدات اسرائیل دست به دامن نهادهای بین المللی شده است!

برای مردم ایران جنگ افروزی های جمهوری اسلامی بیش از هر زمانی برجسته شده است. رژیم از یک‌سو با حمایت مالی از تروریسم اسلامی فقر و فلاکت هر چه بیشتری به مردم ایران تحمیل می‌کند، از سوی دیگر راه را برای رژیم دست راستی مذهبی نژادپرست نتانیاهو هموار می‌کند تا با دستاویز قراردادن حملات تروریست‌های دست‌پرورده جمهوری اسلامی به ویرانی و کشتار

**هر چه بیشتر علیه مردم فلسطین ادامه دهد.**

**مردم ایران بارها در جریان اعتراضات خیابانی با شعارهایی نظیر "فلسطین را رها کن، فکری به حال ما کن" به رژیم فهمانده‌اند که از مبارزه در مسیر سرنگونی جمهوری اسلامی که خود در تداوم رنج مردم فلسطین مستقیماً نقش دارد منحرف نخواهند شد.**

**جمهوری اسلامی خود را در بد مخمصه‌ای گرفتار می‌بیند. از یک‌سو سپاه قدس را به قیمت آوارگی مردم سوریه تا مرز اسرائیل گسیل داشته است، از سوی دیگر در سطح بین‌المللی همه زورش را بکار می‌گیرد تا از تهدیدهای اسرائیل کم کند.**

**آنچه بیشتر خواب را بر سران رژیم حرام می‌کند خشم میلیون‌ها مردم محروم از زندگی انسانی و معترض است. خشمی که تهدید اصلی برای موجودیت رژیم اسلامی است.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۶۹

۲۴ اکتبر ۲۰۲۴ – ۳ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: آذر پویا

## در این شماره ژورنال:

هذیان‌گویی‌های معاون رئیس‌جمهور

سیامک بهاری

تمجید خامنه‌ای از یحیی سنوار

نسان نودینیان

بودجه سال ۱۴۰۴ و سفره‌های هرچه خالی‌تر

سینا پدرام

سامان یاسین با چهار میلیارد وثیقه به مرخصی آمد!

عطیه نیک‌نفس

# هذیان‌گویی‌های معاون رئیس‌جمهور

## سیامک بهاری

**معاون اجرایی پزشکیان: سرمایه‌دار را ارزشمند تلقی کنیم و همه آنها را مفسد نبینیم**

**افاضات محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، تکرار ملال‌آور و مضحک تاجر ورشکسته‌ای است که با سیلی صورتش را سرخ می‌کند. آقای معاون خوب می‌داند دیگر خبری از سرمایه‌گذاری خارجی و حضور در بازارهای جهانی نیست. در این انزوای سیاسی و اقتصادی، در بازار بحران‌زده و رکود اقتصادی کشور و حکومتی لرزان و منفور، کسی سراغ جمهوری اسلامی نخواهد آمد.**

بزرگ‌ترین شرکای اقتصادی مانند روسیه و چین هم او را به بازی نگرفته‌اند. آن‌قدر که پزشکیان در اجلاس اخیر «بریکس» مجبور می‌شود گلایه کند که: "بریکس نباید صرفاً یک باشگاه گفتگو باشد"!

حکومت از فرط استیصال ناچار است با سفیدنمایی از سرمایه و سرمایه‌دار، سراغ سرمایه‌گذار داخلی برود. او بهتر از هر کس می‌داند شاهرگ‌های اقتصادی کشور در سیطره سیاست‌های ماجراجویانه تروریستی نظامی، در دست برادران قاچاقچی است. این اقتصاد غرق در بحران سیاسی حکومتی است. به‌کلی فروریخته است، ممکن نیست روی پای خود بایستد.معنی‌امروزی‌ارزش‌گذاری‌به‌سرمایه‌گذاران و جانبازی آنها در میدان جنگ، عکس‌برگردان خاوری‌ها، بابک زنجانی‌ها و اختلاس‌های نجومی از

جنس "چای دبش" است. سرمایه و سرمایه‌گذار و جان‌فشانی، در یک کلمه در اقتصاد دزدسالار و اختلاس محور خلاصه می‌شود.

الیگارشی مالی هسته سخت قدرت، از بیت رهبری تا سپاه پاسداران، سرمایه و ثروت جامعه را صاحب شده و قابل‌رجوع نیست. بیخودی در روز روشن‌چراغ برداشته دنبال سرمایه‌گذار می‌گردد. این دایره همان دایره رانت حکومتی و حلقه دزد سالار آقازاده‌ها و نو کیسه‌های آن است.

آقای معاون می‌داند مهمل‌بافی او در انزوای کشنده سیاسی و اقتصادی حکومت اسلامی، عربده‌کشی گنده‌لات‌های سپاه پاسداران، هزینه‌های نجومی ماجراجویی‌های تروریستی - نظامی، تَرک‌برداشتن

عمق استراتژیک، کسری بودجه ۸۵۰هزارمیلیاردی، استقراض مداوم از صندوق توسعه ملی، فروریزی پایه‌ها و شاخص‌های اقتصادی، ورشکستگی آشکار کشور و تنزل بی‌وقفه رشد اقتصادی، رکود تورمی، بیکاری و گرانی سرسام‌آور، در میانه غوغای رانت و فساد و اختلاس، جز به ضرب و سرکوب بی‌رحمانه، یورش به معیشت جامعه، تأمین هزینه سیاست جنگی، یعنی تحمیل ریاضت بیشتر بر سفره‌های خالی، برای وصله‌پینه کردن کسری بودجه و به‌ظاهر سرپا نگه‌داشتن اقتصاد کشور.

ترمیم و بازسازی اقتصاد کشور، یعنی نفی استثمار، برابری و رفاه جز با به زیر کشیدن و نابودکردن جمهوری اسلامی ممکن نیست. این راه مردم آزادی‌خواه ایران است!

# تمجید خامنه‌ای از یحیی سنوار

## نسان نودینیان

خامنه‌ای حدود دو هفته پس از کشته‌شدن یحیی سنوار، رهبر پیشین حماس، از او تمجید کرد و او را به‌عنوان "مجاهد قهرمان" و "شهید" معرفی نمود. این تمجید در راستای تأکید خامنه‌ای بر نقش سنوار در مقاومت علیه اسرائیل بود.

اهداف خامنه‌ای مشخص است، تلاش برای ترمیم و ادامه راه نیروهای نیابتی در لبنان و غزه که با چالش‌های جدی ترکیبی از ناکامی‌های نظامی، کاهش کنترل و کاهش نفوذ منطقه‌ای، مواجه شده‌اند، و استراتژی جمهوری اسلامی را

تحت‌فشار قرار داده و قدرت و کارایی کلی آن‌ها به طور قابل‌توجهی کاهش‌یافته است.

خامنه‌ای تبهکار همچنین از نقش سنوار در عملیات ۷ اکتبر۲۰۲۳ که به گفته او "ضربه جبران‌ناپذیری" به دشمن (به مردم عادی و سویل و به رقص و شادی جوانان که از گروه‌های صلح‌طلب بودند حمله کردند) تجلیل کرد.

چالش‌های خامنه‌ای در ارتباط با نیروهای نیابتی (محور مقاومت) بی‌شمارند. حزب‌الله و حماس به‌شدت تحت‌تأثیر حملات هوایی اسرائیل قرار گرفته‌اند که به رهبری و عملیات آن‌ها آسیب‌های جدی زده است. درحالی‌که این گروه‌ها همچنان از حمایت‌های ایران برخوردارند، اما قدرت و

کارایی کلی آن‌ها به طور قابل‌توجهی کاهش‌یافته است. بازوی مدافع اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی در لبنان و غزه در موقعیت شکننده‌ای قرار دارد.

نیروهای نیابتی و جمهوری اسلامی با نارضایتی فزاینده از سوی هم‌پیمانان منطقه‌ای مواجه هستند. کشورهایی مانند عراق و سوریه به‌تدریج از ایران فاصله گرفته‌اند که نشان‌دهنده کاهش نفوذ جمهوری اسلامی بر آن‌ها است.

پزشکیان در ارائه لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ به افزایش بودجه نهادهای نظامی باتوجه‌به شرایط پرتنش خاورمیانه اعلام کرد؛ در احکام بودجه اطمینان شده تقویت بنیه دفاعی موردتوجه قرار گیرد.

**نارضایتی مردم به‌شدت افزایش‌یافته و فضای جنگی و تنش‌های نظامی و گرانی به اعتراضات کارگران، بازنشستگان و مردم دامن زده است. طبق نتایج یک نظرسنجی، بیش از ۹۰ درصد از مردم از وضعیت کنونی ناراضی و بخش زیادی از آنان می‌گویند که وضعیت کشور "بیرون از توان اصلاح" است.**

**باتوجه‌به وضعیت اقتصادی، تورم بالا، بیکاری و کاهش شدید ارزش پول ملی، مردم به‌شدت نگران هستند که تنش‌های نظامی، به‌ویژه در ارتباط با اسرائیل، می‌تواند به ناپایداری‌های بیشتر و مشکلات اقتصادی بزرگ‌تری منجر شود. توجه مردم در سطح عمومی به مشکلات اقتصادی، گرانی و تورم بالا معطوف شده است.**

# بودجه سال ۱۴۰۴ و سفره‌های هرچه خالی‌تر

سینا پدرام

به گزارش رسانه‌ها، مسعود پزشکیان، رئیس جمهور ایران با ارائه لایحه پیشنهادی بودجه سال آینده (۱۴۰۴) به مجلس گفت: باتوجه‌به شرایطی منطقه‌ای در احکام بودجه اطمینان شده تقویت بنیه دفاعی موردتوجه قرار گیرد. ”

بار دیگر یک بودجه به‌تمام‌معنا نظامی قرار است که تمامی امکانات رفاهی میلیون‌ها انسان را در ایران ببلعد و به تولید ”موشک“ و به قول حضرات به ”بنیه دفاعی“ تبدیل کند. خود به‌کارگیری لغت ”دفاعی“ یک شیادی ویژه بودجه امسال است که از وضعیت نظامی و ناامنی که خود

رژیم یک‌پایه و دلیل وجود آن را تشکیل می‌دهد استفاده می‌کنند تا تمامی منابع مادی و مالی را به اسم بودجه بالا بکشند. سال گذشته بودجه نظامی نسبت به سال قبل‌تر ۱۷۰ هزار میلیارد تومان افزایش داشت و امسال هم همین افزایش لحاظ شده است.

بودجه دولتی در رژیم اسلامی در ذات خود یعنی چپاول اموال عمومی و دزدی آشکار از جیب مردم. دولت رژیم اسلامی نیز چیزی نیست جز باند مافیایی ویژه‌ای که قرار است این چپاول و باقی امورات طبقه حاکمه را اداره کند. سال آینده نیز قرار است بدون درنظرگرفتن تورم واقعی قیمت‌ها، با افزایش چند درصد به حقوق کارگران، کارمندان، معلمان، پرستاران و بازنشستگان و

غیره، سایه دهشت‌بار فقر و فلاکت را در جامعه بیشتر و گسترده‌تر کنند.

موضوع افزایش قیمت بنزین هم به‌اصطلاح به "بشکه باروت" این بودجه تبدیل شده است. بعد قضیه آبان ۹۸ و شعله‌ورشدن اعتراضات بعد از اعلام افزایش نرخ بنزین، رژیم اسلامی واهمه عجیبی در اعلام این افزایش در بودجه سال آینده را دارد. با برداشتن سوبسیدهای مواد سوختی هزینه سنگینی را بر دوش میلیون‌ها خانوار تحمیل خواهد کرد.

بودجه امسال نیز یک بودجه نظامی شده برای سرکوب مردم خواهد بود. "بنیه دفاعی" اسم رمز چپاول و غارت و سرکوب مردم است. آنچه که

از این بودجه می‌توان دریافت این است که رژیم انتظار اعتراضات وسیع‌تری از جانب جامعه را دارد و می‌داند که آمادگی کافی برای این امر را ندارد. ورشکستگی اقتصادی و افزایش اعتراضات اجتماعی شاخص‌های اساسی تنظیمات بودجه سال آینده را تشکیل می‌دهند.

# سامان یاسین با چهار میلیارد وثیقه به مرخصی آمد!

عطیه نیک‌نفس

سامان یاسین، خواننده سبک رپ که در تاریخ دهم مهرماه ۱۴۰۱، در جریان اعتراضات سراسری توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت شده بود و پس از چندی، از بابت اتهاماتی چون "محاربه، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم و اقدام علیه امنیت ملی" در دادگاه عمومی و انقلاب تهران محاکمه و به اعدام محکوم شده بود، بعد از تحمل حدود ۲۶ ماه حبس از زندان قزل‌حصار با نظر کمسیون پزشکی و موافقت مرجع قضایی با سپردن چهار میلیارد وثیقه به مرخصی استعلاجی آمد.

از اینکه سامان یاسین عزیز، خواننده مردمی و معترض بعد از مدت‌ها به مرخصی آمده و می‌تواند لحظاتی را در کنار خانواده‌اش بدون شکنجه و آزار عوامل حکومتی بگذراند، بسیار خوشحالیم.

سامان و همه انسان‌ها حق دارند اعتراض کنند و آزادی بیان داشته باشند. آزادی بیان یکی از حقوق اولیه هر انسانی است، این حق نه‌تنها توسط رژیم جنایت کار اسلامی هرگز به رسمیت شناخته نشده بلکه مانند سایر حقوق انسانی توسط این رژیم به گرو گرفته شده است. معترضینی که به اشکال مختلف فقط اعتراضشان را بیان کنند در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به بدترین نحو ممکن

مجازات می‌شوند، اعدام، شکنجه، محکومیت‌های بلندمدت، جریمه‌های غیرقابل‌پرداخت، محرومیت از ارتباط با خانواده و وثیقه‌های سنگین از جمله احکام صادره بسیار شنیع این حکومت است.

جمهوری اسلامی که این روزها در شرایط سختی دست‌وپا می‌زند و در تنگناهای داخلی و بین‌المللی متحمل هزینه‌های سنگین شده است با دریافت وثیقه‌هایی با ارقام نجومی برای فقط چند روز مرخصی از شکنجه‌گاه‌های مخوفش، آن هم برای انسان‌هایی که فقط اعتراضشان را بیان کرده‌اند، می‌خواهد بخشی از این هزینه‌ها را جبران کند. فارغ از اینکه همین احکام غیرانسانی او را بیشتر در باتلاق خودساخته‌اش فرومی‌برد.

توحش، جنایت و به گروگرفتن معیشت و رفاه انسان‌ها دیگر راه نجات این رژیم نیست، مردم مبارز و آزادی‌خواه ایران مدت‌هاست تصمیم خود را گرفته‌اند و به‌درستی می‌دانند که یک جامعه آزاد و سکولار میسر نمی‌شود مگر با کوتاه‌کردن دست مذهب از زندگی‌شان.

به همین علت در تمام اعتراضاتشان فریاد می‌زنند ”حکومت مذهبی نمیخوایم ، نمیخوایم“ و ”زندانی سیاسی آزاد باید گردد.“ برای ساختن چنین جامعه‌ای از پای نمی‌نشینیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۷۰

۲۶ اکتبر ۲۰۲۴ – ۵ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

**بعد از حمله نظامی اسرائیل، حالا چه؟**

**کیوان جاوید**

**جامعهٔ زیر خط فقر و جنبشی گسترده بر سر معیشت**

**شهلا دانشفر**

**تداوم تبهکاری در معدنجوی طبس**

**یاشار سهندی**

**اقتصاد ایران از نگاه صندوق جهانی پول**

**منظر دریاکناری**

# بعد از حمله نظامی اسرائیل، حالا چه؟

کیوان جاوید

ارتش اسرائیل بامداد شنبه پنجم آبان، ۲۶ حملاتی را به چندین مرکز نظامی در ایران انجام داد. سخنگوی ارتش اسرائیل می‌گوید عملیات هوایی این کشور علیه "اهداف کاملاً نظامی" شامل تأسیسات ساخت موشک، پایگاه‌های موشکی زمین به هوا و سایر قابلیت‌های هوایی ایران بود. دانیل هاگاری، سخنگوی ارتش اسرائیل در تازه‌ترین اظهارنظر در خصوص این حملات گفت، تهران "بهای حملات اخیر خود به اسرائیل را پرداخته است."

با این عملیات هر دو طرف مدعی پیروزی‌اند، اما حالا چه؟

شرایط جنگی به نفع هر دو طرف این ماجرا است. اسرائیل تمرکز خبری و فضای فکری را از غزه و لبنان به‌سوی ایران هدایت می‌کند و منطقه را با این پرسش درگیر می‌کند که آیا خطر یک جنگ فراگیر در کل خاورمیانه جدی است؟ در این میان کشتار در غزه توسط اسرائیل حاشیه‌ای می‌شود.

جمهوری اسلامی با یک شرایط انقلابی برای سرنگونی دست‌وپنجه نرم می‌کند. موج اعتراضات معیشتی و مخالفت با حکومت اسلامی فضای

سیاسی ایران را در می‌نوردد. منحرف کردن این فضای فکری و سیاسی و میدانی یک فرصت طلایی به رژیم می‌دهد که بتواند از این موقعیت انقلابی جان بدر ببرد.

جمهوری اسلامی می‌خواست و هنوز نیز می‌خواهد با تکیه بر نیروهای نیابتی‌اش در منطقه قدرت‌نمایی کند اما این فرصت از این رژیم گرفته شده است. نیروهای نیابتی یکی پس دیگری زمین‌گیر می‌شوند و این شرایط اصلاً به نفع جمهوری اسلامی نیست. از سوی دیگر جمهوری اسلامی یارای درگیری مستقیم با هیچ کشوری را ندارد.

رژیم اسلامی هم در درون و هم از بیرون شدیداً در

منگنه قرار داد. مهم‌ترین خطر بالای سر حکومت اما به میدان آمدن مردم برای سرنگونی است. این فضای جنگی با این هدف دامن زده می‌شود که مردم بجای پرداختن به مسائل انقلاب درگیر "اسرائیل موشک زد حالا نوبت جمهوری اسلامی است" شوند. این چرخه باید با اعتراض مردم ایران علیه حملات موشکی به اسرائیل پایان یابد. شعار "موشک‌پرانی را رها کن فکری به حال ما کن" برآمده از همین خواست مردم است.

فرا رفتن از شرایط جنگی و رسیدن به اصل ماجرا در ایران هدف جنبش انقلابی زن زندگی آزادی است. رژیم اسلامی را در میدان مبارزه اجتماعی شکست می‌دهیم. هدف این است.

# جامعهٔ زیر خط فقر و جنبشی گسترده بر سر معیشت

شهلا دانشفر

مرکز پژوهشهای مجلس اسلامی از افزایش نرخ فقر و اینکه هم اکنون یکسوم جمعیت ایران به خط فقر رسیده اند گزارش میدهد و نتیجه می گیرد که: "ما شاهد وخیم تر شدن هر روزه وضعیت معیشتی مردم هستیم."

بعلاوه در پرتوی فضای جنگی ای که حکومت دامن زده قیمت دلار افزایش یافته و تحت الشعاع آن بهای بسیاری از کالاها بصورت نجومی بالا رفته است. دولت نیز خود از کمبود ۳۰۰ هزار میلیاردی برای تامین بودجه های عمومی خبر

میدهد. همه شواهد حاکی از بن بست اقتصادی حکومتی است که فساد و اختلاس سراپایش را گرفته و در حلقه محاصره جنبشی قدرتمند بر سر معیشت قرار دارد. جنبشی که با شعار "اتحاد اتحادعلیه فقر و فساد" تداوم انقلاب زن زندگی آزادی را فریاد میزند.

در چنین شرایطی وقتی که موشک های جمهوری اسلامی بسوی اسرائیل پرتاب شدند مردم فریاد زدند و گفتند این موشکها مستقیما به سفره ما مردم خورد و با شعار "جنگ افروزی را رها کن فکری به حال ما کن"، دور گسترده تری از اعتراضاتشان را رقم زدند.

**اکنون نیز با حمله متقابل اسرائیل به مراکز نظامی جمهوری اسلامی، مردم با فریاد "موشک پرانی را رها کن، فکری به حال ما کن" مقابل جنگ افروزیهای حکومت می ایستند و جنبش بنیان کن بر سر معیشت را گسترش میدهند.**

**در چنین اوضاعی آمارهای حکومتی بر سر گسترش فقر در جامعه، بطور واقعی آمار به ته خط رسیدن اقتصاد حکومتی درمانده است. گسترش اعتراضات بر سر معیشت پاسخ محکم مردم به این شرایط و در تداوم شعار "فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی" است که در میانه انقلاب زن زندگی آزادی سر داده می شد.**

**اتفاقات همین هفته فراخوانهای سریالی اعتراضی کارگران نفت، بخشهای مختلف بازنشستگان، پرستاران و بخشهای مختلف کارگری، فاز جدیدی از جنبش بر سر معیشت را به نمایش گذاشت که وسعت آن کل جامعه را در بر میگرد و جنبش کارگری ستون اصلی آنست. جنبشی رادیکال و معترض که دست به ریشه می برد و کل بساط فقر و تبعیض، چپاول و سرکوب و جنگ افروزیهای حکومت را به چالش میکشد. جنبشی که با حرکت بسوی اعتصابات و تجمعات سراسری میرود تا تنور انقلاب در کف خیابان را داغ کند و نوید بخش به پیروزی رساندن آن است. با گسترش اعتراضات صف این جنبش را قدرتمند تر کنیم.**

# تداوم تبهکاری در معدنجوی طبس

## یاشار سهندی

درحالی‌که وزارت صَمت، دوم آبان اعلام کرد که معدن زغال‌سنگ معدنجوی طبس همچنان تعطیل است، اما به گزارش ایلنا به جز کارگران بلوکی که فاجعه قتل ۵۲ کارگر در آن رخ‌داده "کارگران سایر بلوک‌ها به سرکار خود بازگشته‌اند، همه چیز مثل قبل است، سنسور مرکزی، مانیتورینگ و تهویه‌های قوی در کار نیست، چیزی در معدنجو عوض نشده و احتمال بروز حادثه مرگبار همچنان بالاست... کارگران سالم با همان حقوق‌های ناچیز و در همان شرایط پرخطر به سرِ کار بازگشته‌اند و مصدومان مجبورند با مستمری ناچیز ازکارافتادگی

روزگار بگذرانند.“ دبیر اجرایی خانه کارگر طبس، تشکیلاتی در خدمت توجیه ستمکاری فرمودند: ”البته در اصل، کارگاه زغال‌سنگ نمی‌تواند مدت زیادی تعطیل باشد اما ایمن‌سازی باید اتفاق بیفتد(!)“

در جمهوری اسلامی کارفرمایان تنها چیزی که حتماً اتفاق می‌افتد تضمین استثمار بی‌حدوحصر و بسیار خشن کارگران است.

مجلس اسلامی سرمایه در گزارشی فقدان نظارت بر نقشه‌های تهویه شرکت زغال‌سنگ معدنجو طبس، شرایط کاری نامناسب شامل عدم رعایت قوانین، استانداردهای ایمنی و قواعد حرفه‌ای، کمبود تجهیزات حفاظتی، ایمنی و آموزش ناکافی،

استفاده از ماشین‌آلات قدیمی یا نامناسب، ضعف در عملکرد دستگاه‌های مسئول دارای وظیفه قانونی در امر نظارت بر فعالیت و محیط کار معدن، عدم توجه به هشدار کارگران و عدم ارائه آموزش‌های ایمنی لازم به کارگران معدن به‌عنوان دلایل مرتبط با این حادثه اشاره کرده است. این یعنی اذعان به قتل عمد کارگران.

به‌دروغ منت گذاشتند که بیش از یک میلیارد به بازماندگان هر کارگر داده می‌شود. در گزارش ایلنا می‌خوانیم: "تبلیغات دولت بیشتر روی خانه‌هایی دور می‌زند که قرار است به برخی از خانواده‌های کارگران فوت شده داده شود." شک نکنید همین را نیز عملی نخواهند کرد. گزارشگر ایلنا نوشته است:

”سوگواری برای معدن طبس تمام شد، حالا همه چیز به حالتِ ”عادی“ برگشته“. هیچ‌چیزی باوجود ادامه حاکمیت جمهوری اسلامی به حالت عادی برنخواهد گشت. حالت عادی در این حکومت یعنی ادامه تبهکاری و جنایت، یکی از جنایت‌های بزرگ قتل کارگر بخاطر کارکردن است. حالت عادی برای ما یعنی جمهوری اسلامی باید برود.

جمهوری اسلامی روی این حساب باز می‌کند که یک مدت بگذرد آب‌ها از آسیا می‌افتد و همه چیز فراموش می‌شود. قتل و عام کارگران در محل کار جز لیست بزرگ دادخواهی است. کاربدستان این حکومت باید بابت تک تک اینها محاکمه شوند و جواب پس بدهند.

# اقتصاد ایران از نگاه صندوق جهانی پول

## منظر دریاکناری

**براساس برآوردهای صندوق جهانی پول، اقتصاد ایران تا پنج سال آینده به تدریج ضعیف‌تر خواهد شد و از تمام کشورهای خاورمیانه به جز چند کشور جنگ‌زده و در وضعیت بحرانی شدید دیگر نظیر افغانستان، تونس، لیبی، فلسطین و لبنان با کمترین رشد اقتصادی روبرو خواهد بود.**

**این اقتصاد ادامه سیاست جمهوری اسلامی در ایران و جهان است؛ ادامه سیاست مرگ بر آمریکا و شیطان بزرگ و اقتصاد به دریا ریختن اسرائیل. این اقتصاد ادامه تجهیز و فعال نگهداشتن**

تروریست‌های منطقه‌ای وابسته به حکومت است. اقتصاد در این حکومت یعنی هر کس که زورش بیشتر می‌رسد بیشتر بدزدد و به نهادهایی "فرهنگی" – اسلامی و وابسته به سران جمهوری اسلامی بصورت نجومی پول پرداخت شود. این اقتصاد یعنی مفت و مجانی سند مرغوب‌ترین زمین‌ها را به نام امام‌جمعه‌هایی مثل صدیقی زدن و در عوض دست "آفتابه‌دزد" را قطع کردن است. این اقتصادی فقط در خدمت حفظ بقای حکومت است. اقتصادی در خدمت چپاول و غارت ته مانده زندگی مردم.

با این وضعیت رژیم واقعاً به بن‌بست رسیده است. راهی برای ترمیم آن سیاست که می‌خواست

باتکیه‌بر آن جنبش اسلام سیاسی در جهان به یک قدرت قابل‌اعتنا تبدیل شود ندارد. نمی‌تواند دست از شعار توخالی شیطان بزرگ بردارد و نمی‌تواند بدون اقتصاد درهم‌تنیده جهانی به عمر خود ادامه بدهد. پس کشیدن از هر شعار اساسی که هویت رژیم را ساخته است باعث پیشروی بیشتر مردم می‌شود.

در این اوضاع یک فاکتور دیگر جلوی رژیم قد علم کرده است. اعتراضات معیشتی رو به گسترش که کل رژیم را به چالش می‌کشد و رگ حیات جمهوری اسلامی را می‌فشارد. این اعتراضات باید گسترده‌تر شود و طیف‌های هر چه بیشتری از مردم را در بر بگیرد. ایران کشوری ثروتمند

**است و همه مردم می‌توانند در این کشور در رفاه زندگی کنند. باید قدرت را از دست سرمایه‌داران بیرون کشید و همه دارایی‌های اجتماعی را صرف زندگی همه شهروندان کرد.**

**جنبش برای معیشت انسانی بخش جدایی‌ناپذیر انقلاب زن زندگی آزادی است؛ جنبش همه شهروندان علیه بربریت و فقر و علیه دیکتاتوری که زندگی مردم را در چنبره خود می‌فشارد. اقتصادی که در سایه جمهوری اسلامی درهم‌شکسته تنها با انقلاب اجتماعی شکوفا می‌شود و در خدمت مردم قرار می گیرد.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۷۱

۲۷ اکتبر ۲۰۲۴ – ۶ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

**تهدید زندان درصورت خبررسانی!**

**کاظم نیکخواه**

**حمله نظامی جیش‌العدل**

**سینا پدرام**

**پیوند فرهنگیان با بازنشستگان**

**کیوان جاوید**

**در باره زمزمه بیرون راندان فلسطینی ها از غزه**

**حسن صالحی**

# تهدید زندان درصورت خبررسانی!

## کاظم نیکخواه

روز گذشته جنگنده‌های اسرائیلی به مراکز نظامی جمهوری اسلامی حمله کردند. بلافاصله سپاه پاسداران به مردم هشدار داد که اگر در این مورد خبررسانی کنید به زندان‌های طویل‌المدت محکوم می‌شوید!

همین تهدید و هشدار به‌خودی‌خود نشان داد که ضربه سنگین بوده است. مرکز بررسی جرائم سازمان‌یافته سپاه پاسداران در اطلاعیه‌ای، ارسال هر گونه عکس و خبر از داخل ایران برای رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور را جرم اعلام کرده و

تهدید کرد که با "مجرمین" برخورد خواهد کرد و تهدید یک تا ده سال زندان را جلو کشید.

جمهوری اسلامی در گرداب خودساخته "نابودی اسرائیل"، در حال غرق‌شدن است. ماه گذشته تماماً در وحشت ضربه‌ای کاری و مهلک بسر می‌برد. چرا که اسرائیل ثابت کرده است که هرجا و هرکس را که بخواهد می‌تواند نابود کند. با ضربه دیروز معلوم شد که اسرائیل و آمریکا عجالتاً قصد ایجاد تلاطم سیاسی در حکومت را ندارند و تنها می‌خواهند توان نظامی و تهاجمی‌اش را تحت کنترل در آورند. این برای حکومت که انتظار ضربات مهلکی را داشت خوشحال‌کننده بود. فوراً تلاش کردند مانع خبررسانی شوند تا

بتوانند اوضاع را مهندسی کنند. اعلام کردند که حمله چیزی نبوده و فقط دو ارتشی کشته شده‌اند. بعداً گفتند چهار نفر کشته شده‌اند. بعدتر گفتند عده‌ای هم زخمی شده‌اند و ممکن است تلفات افزایش یابد! با خبرسازی قطره چکانی تلاش کردند اوضاع را تحت کنترل نگه دارند.

گزارشات زیادی گویای اینست که حکومت ضربات نظامی سنگینی خورده و توان پدافندی و موشکی‌اش فلج شده و به‌سادگی قدرت جایگزینی آنرا ندارد. اینهم روشن است که تهدید زندان و دستگیری کمکی به سانسور خبری نکرده و از دیروز تا امروز اخبار زیادی از ابعاد وسیع ضربات اسرائیل منتشر شده است. اعلام اعتراضات گسترده

بازنشستگان و کارگران نفت و پرستاران برای روزهای آینده نشان می‌دهد که مردم نیز از اینکه گفتمان جنگ کمتر بر خواست‌ها و گفتمان‌هایشان سایه بیندازد خوشحال‌اند.

حکومتی که کارش به جایی رسیده که از انتشار اخبار رویدادهایی که مردم شاهد آن هستند وحشت مرگ دارد، روشن است که مرگش فرارسیده است. بحران و تنش‌های جنگی کنونی دودش به چشم مردم می‌رود و تنها با مرگ حکومت جنگ‌افروز اسلامی با انقلاب مردم می‌توان کل سناریوی خطرناک جنگ و ناامنی را از سر مردم کنار زد.

# حمله نظامی جیش‌العدل

## سینا پدرام

وب‌سایت خبری "حال‌وش" به نقل از منابع خود نوشت "حملهٔ افراد مسلح به دو خودرو نظامی در ورودی شهر گوهرکوه باعث شد همه سرنشینان دو خودرو جان خود را از دست بدهند."

خبرگزاری فردا اعلام کرد "تاکنون هیچ گروهی مسئولیت آن را به عهده نگرفته است. بااین‌وجود گمان می‌رود که این حمله توسط گروه اسلامی "جیش‌العدل" انجام شده باشد."

مردم در ایران با هر حمله‌ای که نیروهای نظامی

و سرکوبگر رژیم اسلامی را از بین ببرد خوشحال می‌شوند. این کاملاً طبیعی و به جاست. این قدر مسلم از فلسفه دشمنِ دشمن من، دوست من است ناشی نمی‌شود بلکه در حالی که نیروهای رژیم چنین آشفته هستند، منطق مبارزاتی سنجیده‌ای است که مردم از ضربه خوردن نیروهای رژیم به هر شکلی توانمند و پرقدرت‌تر می‌شوند.

تحرکات نیروهای ارتجاعی و اسلامی مانند "جیش‌العدل" در منطقه سیستان و بلوچستان قدرمسلم هیچ درجه از آزادیخواهی و مطالبات رفاهی و آزادیخواهانه مردم را دنبال نمی‌کنند و در واقعیت امر هیچ تفاوتی با رژیم اسلامی ایران ندارند. یکی در قدرت است و دیگری خارج از قدرت.

رخدادهای اخیر اعم از حملات رژیم اسلامی به اسرائیل و متعاقب آن حملات هوایی دولت اسرائیل به رژیم اسلامی و تحرکات جریانات ارتجاعی اسلامی در ایران نشان می‌دهد که تمامی نیروهای ارتجاعی هدف‌هایی غیر از دستیابی مردم ایران به اهداف انسانی و مدرنشان را دارند.

در مقابل و درست در جهت عکس این حرکات نظامی، اعتراضات زنجیره‌ای کارگران، بازنشستگان و طبقات تحت ستم جامعه جو همبستگی و قدرت دوگانه را در جامعه به رژیم اسلامی تحمیل می کند.

رژیم اسلامی از پایین و توسط مردم فرو خواهد پاشید. این نه یک اصل بلکه واقعیت و دینامیسم روندهای جاری سیاسی در ایران است. انقلاب

زن زندگی آزادی چنان تغییرات سیاسی و روانی در سطوح مختلف سیاسی و فرهنگی جامعه به جا گذاشته است که تخت پرش بسیار مطمئنی برای بازیگران اصلی عرصه سیاست ایران و جنبش‌های سیاسی مختلف اعم از جنبش کارگری، زنان، محیط‌زیست و غیره به جا گذاشته است.

در مقابل نیروهای فاشیستی، شاه‌الهی، قوم گرا، مذهبی و ارتجاعی بار دیگر دست‌به‌دامن ترامپ و نتانیاهو و غیره هستند تا بلکه برایشان فرش قرمز برای عروج به عرصه قدرت پهن کنند.

اتحاد و حرکات مشترک جنبش‌های اجتماعی مترقی در ایران تاریخ آینده ایران را خواهند نوشت و نه تحرکات نظامی جریانات ارتجاعی.

# پیوند فرهنگیان با بازنشستگان

## کیوان جاوید

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در بیانیه‌ای که یکشنبه ۶ آبان منتشر کرده، ضمن حمایت قاطعانه از مطالبات تمام مزدبگیران، اعتراض و تجمع را حق آنها دانسته و از فراخوان تجمعات بازنشستگان از جمله فراخوان آنها برای تجمعات در روز شنبه ۸ آبان حمایت کرده است.

چنین همبستگی ای اگر نگوییم بی‌سابقه، باید گفت در این برهه از شرایط اجتماعی کم‌سابقه است. همبستگی بخش‌های مختلف جامعه یکی از باشکوه‌ترین سنت‌های مبارزاتی است که هر روز بیش‌ازپیش گسترش می‌یابد و همین همبستگی‌ها

است که بیش از هر موشکی رژیم را به وحشت می‌اندازد.

بیانیه این شورا اعلام کرده در شرایطی که حکومت با چالش‌های متعدد ناشی از ناکارآمدی ساختاری دست‌وپنجه نرم می‌کند و کشور را در تازه‌ترین بحران به آستانه جنگ رسانده، شاهد افزایش اعتراضات و مطالبه گری در میان گروه‌های مختلف از جمله بازنشستگان محترم هستیم.

این هم بُعدی دیگر از مبارزات تعطیل ناپذیر و حیاتی مردم علیه رژیم غارتگر اسلامی است. در شرایطی که رژیم از ایجاد شرایط جنگی قصد به حاشیه راندن اعتراضات معیشتی را در سر می‌پروراند، تشکل‌ها یکی پس از دیگر پا به میدان اعتراض

می‌گذارند و برای معیشت و کرامت انسانی خود مبارزه را بیش از گذشته گسترش می‌دهند. این نیز درس‌آموز است و باید بیش از این مورداستفاده همه اقشار جامعه قرار بگیرد.

مردم ایران و همه تشکل‌های مبارز که برای رسیدن به یک زندگی بهتر در ایران رودرروی رژیم قرار دارند به‌خوبی می‌دانند که اتحاد سراسری همه بخش‌های مبارزاتی علیه رژیم تا چه حد تأثیرگذار و برای پیروزی حیاتی و تعیین‌کننده است. بدون اتحاد سراسری و دست در دست هم دادن همه آحاد جامعه و همه تشکل‌ها، شکست جمهوری اسلامی بسیار سخت‌تر به سرانجام می‌رسد. دراین‌رابطه باید ابتکار شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان را پاسداشت و تکثیر کرد.

باید به‌سوی اعتراضات سراسری گام برداشت و نشانه‌ها نیز هم اکنون بر این حقیقت تأکید می گذارد که تشکل‌ها قدم‌های مهمی در این راستا برداشته‌اند. این قدم‌ها باید سریع‌تر، همه‌گیرتر، اجتماعی‌تر و با نیروی انسانی بیشتری سازمان یابد.

راه پیروزی بر جمهوری اسلامی مشخص است. همه با هم در اعتراض همه بخش‌های جنبش‌های اعتراضی – معیشتی شرکت کنیم. آن روز که مجدداً خیابان‌ها به تسخیر جوانان، زنان و همه مردم در می‌آید، باید به‌هم‌پیوستگی اعتراضات معیشتی قیام برای سرنگونی را تسهیل کند. برای آن روزها آماده می‌شویم.

# در باره زمزمه بیرون راندان فلسطینی ها از غزه

حسن صالحی

در خبرها آمده بود که گروهی از اسرائیلی‌ها، از جمله چند مقام دولتی و نماینده پارلمان این کشور در تجمعی که توسط سازمان "ناحالا" در کیبوتص بئری، در نزدیکی مرز غزه برگزار شد، درباره برنامه‌های خود برای مهاجرت به نوار غزه سخن گفتند. برخی از حاضران در این رویداد خواستار تسهیل فرآیند مهاجرت به باریکه غزه و بیرون راندن فلسطینی‌ها از آنجا شدند.

آنچه که در این جلسه عنوان شده است در حقیقت تمایل راست افراطی در اسرائیل و

شاید یکی از اهداف حملات جنایتکارانه دولت فاشیست اسرائیل به غزه است. مسئله فقط مبارزه با حماس نیست. حمله جنایتکارانه و تروریستی حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به اسرائیل که به کشته شدن ۱۲۰۶ نفر، عمدتاً غیرنظامی، منجر شد بهانه ای به راست افراطی داد که با قتل عام وحشیانه فلسطینی ها در غزه و آوارگی میلیونی این مردم حالا از استقرار مهاجران اسرائیلی در نوار غزه سخن بگوید.

چنین سخنانی حتی در سطح ایده لازم است که با مخالفت وسیع و همه جانبه مردم در اسرائیل و تمام جهان روبرو شود. شکی نباید داشت که بخش وسیعی از مردم در اسرائیل مخالف چنین

رفتار ظالمانه و جنایتکارانه ای با مردم فلسطین و خواهان صلح و رابطه ای انسانی و عادلانه با آنها هستند. اما اسرائیل یک راست افراطی و قوی دارد که با انکار حقوق مسلم فلسطینیان و با جنایت و نسل کشی می خواهد راه حل انسانی و عادلانه مسئله فلسطین را از بین ببرد. همانطور که در طرف دیگر این نزاع اسلامی ها با ادعای نابودی اسرائیل و شهروندانش همین هدف را دنبال می کنند.

راست افراطی و دولت اسرائیل با بهره برداری شوونیستی از ستم تاریخی بر مردم یهود می کوشد که اعمال ستم بر مردم فلسطین را توجیه کند و به جنایت و کشتار خود علیه مردم

فلسطین ادامه دهد. مردم اسرائیل باید در مقابل جنایاتی که به اسم آنها صورت می گیرد قد علم کنند. همچنین دولت آمریکا بعنوان حامی اصلی اسرائیل باید تحت فشار قرار گیرد که به حمایت از تجاوزگری دولت اسرائیل پایان دهد و مانع از اجرای چنین خیالپردازی های شومی شود. حل مسئله فلسطین همچنان در گرو برسمیت شناختن راه حل دو کشور و دو دولت متساوی الحقوق است که تنها با کنار زدن راست افراطی در اسرائیل و اسلامیون در جبهه دیگر میسر است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۷۲

۲۸ اکتبر ۲۰۲۴ – ۷ آبان ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

پرستاران در تدارک اعتصابی سراسری

شهلا دانشفر

آپارتاید فرهنگی درآموزش و پرورش حکومت اسلامی

فریبرز پویا

پس لرزه های "کیک محبوب من"

میلاد رابعی

معمای زندگی و "دلار آتی"

سینا پدرام

# پرستاران در تدارک اعتصابی سراسری

## شهلا دانشفر

شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستار ایران از خانه‌نشین بودن ۵۰ هزار پرستار خبر داد. این در حالی است که رئیس‌کل سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی در آغاز امسال از کمبود بیش از ۱۰۰ هزار پرستار خبر داد و معاونت درمان وزارت بهداشت با اشاره به اضافه شدن ۱۶ هزار تخت به ظرفیت بیمارستان‌ها از جذب فقط ۸ هزار پرستار در نظام سلامت سخن گفت. همچنین سلمان اسحاقی، سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس اسلامی از استعفای ۱۵۹۰ پرستار در سال گذشته خبر داد.

این اظهارات حاکی از استاندارد فاجعه‌بار و اسفناک درمان و بهداشت در ایران و فشار سنگین کاری بر گرده پرستاران است. در ایران ما با پدیده اضافه کاری اجباری پرستاران روبرو هستیم و هر پرستار مجبور به انجام ماهانه ۸۰ تا ۱۲۰ ساعت اضافه کاری است. از جمله شیفت‌های طولانی، شب کاری‌های پی‌درپی و اضافه کاری‌های اجباری موجب افزایش بیماری‌ها و بالارفتن آمار سکته‌های قلبی و حتی در مواردی خودکشی در میان پرستاران شده است.

اعتراضات پرستاران در مردادماه امسال نقطه عطفی در مبارزات آنان علیه وضعیت برده‌وار کاریشان بود. لغو اضافه کاری‌های اجباری

آنهم در ازای ساعتی ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان در رأس خواست‌های آنان قرار دارد. پرستاران در اعتراضات سراسری خود اولتیماتوم داده بودند که اگر خواست‌هایشان تا روز پرستار (۱۷ مرداد) پاسخ نگیرد، اعتصاب سراسری خواهند کرد. این خواست‌ها عبارت بودند از: استخدام رسمی کلیه پرستاران و کادر درمان، بازگشت به کار تمامی پرستاران اخراجی از جمله پرستارانی که در دوره کرونا اخراج شدند، قول استخدام پرستار بیشتر با عدد و رقم و زمان‌بندی شده بصورت کتبی

بعلاوه پرستاران به حقوقهای زیر خط‌فقر و تبعیض‌آمیز معترض‌اند و خواستهای معیشتی آنان عبارت‌اند از: تصحیح و افزایش محسوس رقم‌های پرداختی تعرفه‌گذاری‌ها، افزایش حقوق

و مزایا در احکام حقوقی، و بهبود شرایط رفاهی و تسویه کامل معوقات،

امروز پرستاران با چنین مطالباتی و با اولتیماتوم‌های پی‌درپی خود در تدارک اعتصابی سراسری برای روز پرستار هستند. پرستاران یک نیروی مهم جنبش بر سر معیشت هستند که در فضای جنگی ای که حکومت تلاش می‌کند دامن بزند تا جامعه را عقب زند، با مطالبه‌گری و فراخوان‌های اعتراضی‌شان اولتیماتوم به اعتصاب داده و شعار "جنگ‌افروزی کافیه، سفره ما خالیه" سرسخن بیانیه‌های اعتراضی‌شان است. از اعتراضات و خواستهای پرستاران پشتیبانی کنیم.

# آپارتاید فرهنگی
# در آموزش و پرورش حکومت اسلامی
## فریبرز پویا

روز ۲۷ اکتبر، ۶ آبان در لندن در آمفی‌تئاتر SOUTH BANK هزاران نفر آمده بودند تا به آخرین سخنرانی ریچارد داوکینز دانشمند انگلیسی در مورد ژنتیک گوش دهند و از خدمات او در چندین دهه برای رشد و آموزش علم، اهمیت نقد و بررسی علمی و فکر باز تجلیل کنند. او تجربه خود از کشمکش با جریانات مذهبی علیه علم و دانش که تهدیدی برای سلامت بشر است را به‌روشنی بیان کرد.

پنج هزار کیلومتر آن‌طرف‌تر در ایران، هم‌زمان صدای اعتراض هزاران نفر از دانشجویانی که دوره آموزش معلمی را بعد از چهار سال به اتمام رسانده‌اند بگوش می‌رسد. عدم استخدام و ردی قبل از مصاحبه به دلایل واهی مانند "داشتن سبیل مانند مارکسیست‌ها"، لایک زدن پست‌های اینستاگرام، نحوه لباس پوشیدن و یا خواندن کتاب‌های فلسفی غیر قبول مذهبیون اسلامی از استخدام آنها برای شغل معلمی جلوگیری شده است. البته امیرمحمد خرازانی، دبیر هیئت مرکزی گزینش وزارت آموزش‌وپرورش چند روز پیش به‌دروغ تأییدنشدن وضعیت استخدامی دانشجو – معلمان به دلیل بالا را تکذیب کرده بود. به گزارش روزنامه شرق چندین هزار فارغ‌التحصیل

و دانشجویان سال آخر را با کدهای ۶ و ۱۹ قبل از دعوت به مصاحبه گزینش رد کرده بودند.

آموزش و پرورشی که هدفش تبلیغ و ترویج آتش جهنم، خشم خدا و اجبار به حجاب و چادر و انجام امور دینی است در خدمت حکومتی است که فقط مردم خاموش و کار ارزان برده‌وار تربیت می‌کند و معلم آموزش‌دیده و جامعه‌ای متفکر، پرسشگر که با آخرین دستاوردهای تفکر بشری در ارتباط است نیاز ندارد و آن را تهدیدی برای خود می‌بیند.

پاکسازی آموزش‌وپرورش از طریق اخراج معلمان معترض و باتجربه، عدم استخدام فارغ‌التحصیلی‌ها

و پر کردن مدارس آموزش‌وپرورش با آخوندها و هواداران حکومت با اینکه خطر جدی برای سلامت فکری جوانان است، اما درعین‌حال نشان‌دهنده عدم توانایی حکومت برای مقابله با نسل تشنه علم و پیشرفتی است که آینده خود را خارج از چهارچوب این حکومت و فکر مذهبی جستجو می‌کند. در اعتراضات دانشجو – معلمان در کنار آنها باشیم تا حکومت بهتر و بیشتر به قدرت ما مردم پی ببرد.

# پس لرزه های "کیک محبوب من"

میلاد رابعی

گزارشها حاکی از آن است که سازندگان فیلم "کیک محبوب من" در یک پرونده اتهامی تازه علاوه بر "تبلیغ علیه نظام"، به دو اتهام جدید شامل "اشاعه فساد به‌وسیلهٔ تولید فیلم مبتذل و اشاعه فساد به‌وسیلهٔ توزیع و انتشار فیلم مبتذل" نیز متهم شده‌اند.

از نخستین روزهای تثبیت حکومت اسلامی همواره دره‌ای میان فرهنگ حکومتی و فرهنگ مردم وجود داشته است. دره‌ای که با گذشت زمان مدام عمیق‌تر شده و حکومت را با چالش‌های

جدی مواجه کرده است. هر زمان که مردم در زمینه سیاسی توانسته‌اند رژیم را گامی عقب برانند به همان میزان فرهنگ پیشرو و مدرن بیشتر امکان بروز و ظهور پیدا کرده است.

پس از آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی و با تغییر تناسب قوا به سود مردم بیش از هر زمان دیگری این فرهنگ مدرن، سکولار و مترقی توانست جای خود را باز کند و هنرمندان در عرصه‌های مختلف دست به تولید آثاری متفاوت و همسو با گفتمان انقلاب زن، زندگی، آزادی زدند.

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین این اشکال هنری، سینما است و یکی از آثار مهم این دوره فیلم

”کیک محبوب من“ است. اثری از مریم مقدم و بهتاش صناعی‌ها که بی‌هیچ واهمه و لکنتی یک‌جا تمام حکومت و فرهنگ و مقدسات آن را زیر ضرب گرفت. هم داستان این درام و هم روابط میان زن و مردِ داستان و مهم‌تر از همه عدم رعایت حجاب اجباری در آن حکومت را بی‌آبروتر و رسواتر از پیش ساخت و تصویری واقعی از فرهنگ و مناسبات واقعی جاری میان مردم به جهان ارائه داد.

رژیم هم بلافاصله به تکاپو افتاد، از تلاش برای دزدیدن نسخه تدوین نشده فیلم تا ممنوع‌الخروج کردن سازندگان آن و اکنون نیز زدن اتهامات تازه به کارگردانان این اثر هیچ یک نتوانسته آبروی

رفته رژیم را بازگرداند. این فیلم در اقصی‌نقاط جهان به‌نمایش‌درآمده، جوایزی را دریافت کرده و پیام خود را وسیعاً به مخاطبانش رسانده است.

فضای اعتراضی جامعه به حکومت جرئت این را نداده که تا کنون بتواند سازندگان این فیلم را بازداشت کند. باید با حمایت همه‌جانبه از همه عوامل این فیلم که شجاعانه با حکومت و فرهنگش درافتادند، اجازه نداد که مقامات قضایی بتوانند کوچک‌ترین آسیبی به آنها برسانند و برایشان پرونده‌سازی کنند. مردم معترض در ایران باید یک‌صدا خواهان رفع هرگونه اتهام از سازندگان این فیلم و رفع ممنوع‌الخروجی آنها باشند.

# معمای زندگی و "دلار آتی"

## سینا پدرام

خانم نسیم کارمند رسمی یکی از ادارات دولتی می‌گوید: "دقیقاً روز سوم آبان پایان ماه را اعلام کردم، چرا که با پرداخت قبوض و اقساط، دیگر نه پولی برای پس‌انداز دارم و نه توان هزینه برای چیزی دیگر."

او با تمام وجود احساس "فقیر بودن" می‌کند، کلمه‌ای که برایش مشمئزکننده است و می‌گوید: "کدام ۳۰ درصد؟ فقط همان ۴ درصدی‌ها زندگی می‌کنند و بقیه دسته‌جمعی همه زیر خط فقریم."

نوشتن در مورد مشکلات مردم ایران هم سخت است و هم آسان.

آسان است چون که به حدی مشکلات نوظهوری در ایران پیدا می‌شود که از فرط ازدیاد به‌وفور در دسترس است.

سخت‌است،برای‌اینکه‌به‌تصویرکشیدن‌حتی گوشه کوچکی از مشکلاتی که مردم با آنها دست‌وپنجه نرم می کنند، کاری است بسیار دشوارتر از تحلیل دلایل این حجم از ستم طبقاتی که بر مردم تحمیل شده و می‌شود.

گزارش جدید مرکز پژوهش‌های مجلس در ارتباط با نرخ فقر، نشان از گسترش فقر در سال‌های اخیر و به طور مشخص سال گذشته دارد. این مرکز همچنین افزود کالری مصرفی نیمی از ایرانیان کمتر از حد استاندارد است. به‌هرحال بین اجازه خانه یا خرید

میوه و گوشت، داشتن سرپناه مهم‌تر است.

چگونه می‌توان از درد مادر و پدری که توان تأمین غذای کافی برای کودکان خود را ندارند را در یک جمله خلاصه کرد. استیصال، افسردگی مزمن، خشم، عصبیت، استرس جسمی و روحی، تمایل به خودکشی؟ کدام یک را می‌توان در چهره شهروندان نادیده گرفت؟

برای میلیون‌ها شهروند، از بد مسکنی تا بی‌مسکنی فاصله زیادی نیست. حاشیه‌نشینی یک انتخاب نیست، روال معمول امروز میلیون‌ها انسان در ملان شهرهای ایران است. تحلیل دلایل آن آسان است، اما حال‌وروز خانواده‌ها را چگونه می‌توان در یک خط نوشت.

خسرو آذر بیگ، نوازنده، مستندساز و جهانگرد، با انتشار ویدئویی در اینستاگرام خود خطاب به علی خامنه‌ای گفت: "به دلیل ممنوع‌الفعالیتی عنقریب است که از گرسنگی بمیرم. لطفاً دستور بدهید که زندانی‌ام کنند."

شاید در خلوت و در انزوا، وقتی تمامی درها بر رو شما بسته باشد، کار خسرو آذر بیگ تنها راه باشد. اما راه دیگری نیز هست. راهی که هزاران بازنشسته، پرستار، معلم و کارگر انتخاب کرده‌اند. مبارزه برای یک زندگی بهتر. این بهترین راه برای جواب‌دادن به معمای زندگی در ایران است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۷۳

۲۹ اکتبر ۲۰۲۴ – ۸ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

اعدام جنایتکارانه جمشید شارمهد، زندانی سیاسی

پیام حسن صالحی، سخنگوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام

گسترش اعتراضات معیشتی، اعتراض علیه جنگ‌افروزی

اصغر کریمی

افزایش ۲۰۰ درصدی بودجه نظامی در لایحه دولت

کیوان جاوید

بعد از حمله اسرائیل به جمهوری اسلامی

سوال از کاظم نیکخواه

# اعدام جنایتکارانه جمشید شارمهد، زندانی سیاسی

## پیام حسن صالحی،

## سخنگوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام

**جمهوری جنایتکار اسلامی صبح روز یکشنبه ۶ آبان جمشید شارمهد زندانی سیاسی را اعدام کرد و خبر این قتل عمد حکومتی را یک روز بعد از اجرای این جنایت به اطلاع عموم رساند. جمشید شارمهد در تابستان سال ۱۳۹۹ در کشور امارات ربوده شد و در زندان جمهوری اسلامی تحت انواع شکنجه‌های وحشیانه جسمی و روحی قرار گرفت و ماه‌های مدیدی را در سلول انفرادی بسر برد. دادگاهی فرمایشی برای او تشکیل داده و کوهی از اتهامات بی‌پایه‌واساس به او نسبت دادند.**

این زندانی سیاسی به دلیل اتهامات کذبی که به او نسبت دادند اعدام نشد. اعدام جمشید شارمهد به این دلیل صورت گرفت که جمهوری اسلامی انتقامی که نمی‌تواند بعد از حمله به تأسیسات نظامی خود بگیرد را از مردم ایران می‌گیرد. اعدام جمشید شارمهد به این خاطر صورت گرفت تا این حکومت ضعف و درماندگی خودش را بپوشاند و بگوید من هنوز قدرتمند هستم و کنترل اوضاع از دستم خارج نشده است. به جمشید شارمهد اتهاماتی نظیر همکاری با موساد و اسرائیل نسبت دادند تا به‌این‌ترتیب به خیال خودشان پیامی به همه بدهند که ما از اقتدار خودمان دفاع می‌کنیم. اینها نشانه قدرت‌نمایی جمهوری اسلامی نیست، نشانه ضعف و درماندگی حکومتی است که از زندانیانی که در

اسارت خود دارد یک نفر را به قتل می‌رساند تا به خیال خام گلیم خود را از آب بیرون بکشد. این رویه جنایت‌کارانه جمهوری اسلامی همیشه بوده. این تلخی‌ها را ما همیشه در طول عمر حکومت اسلامی بارها تجربه کردیم. اما با این تلخی‌ها به مبارزه خودمان ادامه دادیم و عزم ما راسخ‌تر شده تا این حکومت وحشی و آدمکش را هر چه زودتر به زیر بکشیم.

برای ما قتل عمد جمشید شارمهد فقط یک پیام دارد، حکومت اعدام جمهوری اسلامی باید سرنگون بشود. این آدم کشی‌ها باید پایان بگیرد و بساط اعدام و جنایت باید برای همیشه از جامعه جارو شده و به زباله‌دان تاریخ ریخته شود. این است جواب ما. جواب ما به حکومت، تشدید مبارزه علیه اعدام و

تشدید مبارزه علیه جنگ‌افروزی و تشدید مبارزه علیه زندان و دستگیری و فعالین اجتماعی و سیاسی است.

این حکومت از ما مردم می‌ترسد و ما باید با گسترش اتحاد خودمان این ترس را به کابوس وحشتناک‌تری برای حکومت تبدیل کنیم و با اعتراض و مبارزه خودمان این حکومت را به‌زانو در بیاوریم. این قدرت را ما داریم و تجربه ثابت کرده است که ما می‌توانیم این رژیم را شکست بدهیم.

انقلاب زن زندگی آزادی که از سال ۱۴۰۱ شروع شد سرآمد همچون حرکت عظیم و مردمی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی بود. شعار ما مردم این بود: "ما همه با هم هستیم. نترسید، نترسید" و ما

همچنان همین پیام را به جمهوری اسلامی می‌دهیم. جامعه در حال مبارزه است و اعتراضات کارگران و بازنشستگان و معلمان و خانواده‌های محکوم‌به‌اعدام در خیابان‌ها جاری است و جمهوری اسلامی خواب راحتی نخواهد داشت.

ما اعدام جنایت کارانه جمشید شارمهد را به گسترش هر چه بیشتر مبارزه علیه جمهوری اسلامی و این حکومت اعدام تبدیل خواهیم کرد. با خانواده جمشید شارمهد صمیمانه ابراز همدردی می کنیم و با غزاله شارمهد، دختر آقای شارمهد که قهرمانانه برای نجات جان پدرش در کنار سایر مخالفین اعدام جنگید و مبارزه کرد عمیقاً ابراز همدردی می کنیم و او را در آغوش می گیریم. نه می‌بخشیم، نه هرگز فراموش می کنیم. یاد جمشید شارمهد گرامی باد.

# گسترش اعتراضات معیشتی،
# اعتراض علیه جنگ‌افروزی

اصغر کریمی

درست یک روز پس از حمله اسرائیل به مراکز نظامی جمهوری اسلامی و در حالیکه تمام رسانه‌های ریز و درشت حکومت تلاش کردند که اذهان را متوجه این مساله بکنند بازنشستگان کرمانشاه و اهواز با شعارهای همیشگی خود علیه فقر و فساد و بیحقوقی به میدان آمدند و علیه جنگ و تبلیغات جنگی حکومت نیز شعار دادند. "جنگ‌افروزی کافیه، سفره ما خالیه"، "جنگ‌افروزی رو رها کن، فکری به حال ما کن"، "حاصل کار دولت، غارت جیب ملت". و با این شعارها اعلام کردند که

دشمن ما همینجا است و مبارزه ما و تمام شعارهای ما متوجه همین دشمن است و مردم را فراخوان دادند: "درد ما درد شماست مردم بما ملحق شوید". بازنشستگان مخابرات نیز در شهرهای مختلف تجمع کردند و شعار دادند: "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون."

دانشجویان دانشکده علوم  دانشگاه تهران نیز در ادامه اعتراضات رو به رشد دانشجویی دست به تجمع زدند و با فریاد "نه پادگان، نه بنگاه، درود بر دانشگاه" صدای اعتراض خود را بلند کردند و با قرائت بیانیه‌ای از حقوق زنان، دانشجویان و کارگران حمایت کردند. آنها در یکی از پلاکاردها نوشته بودند "کارگران طبس به سلبریتی نیاز

ندارند بلکه به تشکل مستقل کارگری“ نیاز دارند. پلاکاردهایی نیز در ”اعتراض به حذف زنان از فضاهای عمومی“ در دست داشتند و با شعار زیبای ”زن زندگی آزادی“، تأکید کردند که راهی جز انقلاب برای رهایی از شر حکومت اسلامی نمی‌شناسیم.

مقامات حکومت از بیت رهبری و دولت و اوباش مجلس تا فرماندهان سپاه و مبلغان حکومتی گلوی خود را پاره می‌کنند تا مردم را متوجه دشمن خارجی کنند اما مردم چشم در چشم مقامات به هزار زبان می‌گویند نه جنگتان را می‌خواهیم نه فقر و فلاکت و فسادتان را و نه حکومت جهل و جنایتتان را. دشمن ما همینجاست و همینجا

تکلیفش را روشن می‌کنیم. جنایتکاران جمشید شارمهد را هم اعدام کردند تا با سلاح ارعاب مقابل مردم بایستند اما جز شعله‌ورتر شدن خشم مردم چیزی تحویل نخواهند گرفت. دیگر نه خدای دهه شصتی در کار است و نه هیچ‌چیز دیگری می‌تواند حکومت را نجات دهد.

قطب‌نمای مردم روشن است. مبارزه برای سرنگونی. هیچ سیاستی، هیچ بیراهه‌ای، هیچ جنگ و صلحی، هیچ درجه تنش یا تعامل با آمریکا و هیچ فاکتوری حتی اگر از آسمان سنگ ببارد، گمراهمان نمی کند. قطب‌نمایمان روشن است: اتحاد، مبارزه، پیروزی. زن زندگی آزادی.

# افزایش ۲۰۰ درصدی بودجه نظامی در لایحه دولت

کیوان جاوید

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت اسلامی می گوید برای برطرف‌شدن نیازهای دفاعی کشور باید ۲۰۰ درصدی به بودجه نظامی کشور اضافه شود. او گفت: "گاهی اوقات تصور می‌شود که باید تمام بودجه را صرف مردم کنیم و اینگونه القا می‌شود که هرچه بیشتر به مردم پول داده شود، وضعیت بهتری خواهیم داشت."

در این کشور هر روز و ساعت اعتراضی نسبت به فقر و گرانی و فلاکت اقتصادی سازمان داده می‌شود و چهره ایران با اعتراض و اعتصاب و

مبارزه برای معیشت بازشناخته می‌شود. در ایران صندوق‌های بازنشستگی یکی پس از دیگر غارت شده و ورشکسته می‌شوند؛ حقوق‌ها بطور وحشتناکی زیر چندین برابر خط فقر است و بخش وسیعی از مزدبگیران کارهای دو شیفه انجام می‌دهند تا نان شبشان را تامین کنند و اگر خیلی خوشبخت باشند بتواند هزینه مسکن را که سر به فلک می‌زند مقداری تامین کنند. در ایران مردم هر چه بیشتر کار می‌کنند کمتر از حق زندگی‌کردن برخوردار می‌شوند. در عوض رژیم در تلاش برای سرنگون‌نشدن مدام بر بودجه نظامی می‌افزاید.

شناخت از ماهیت این رژیم در شعارهای اعتراضی

و اعتصابات بازتاب روشنی یافته است. مردم می‌دانند پول هست اما به جیب یک‌مشت متتخور اسلامی سرازیر می‌شود و سر از حساب آقازاده‌ها و مراکز ترویج خرافه در می‌آورد. مردم می‌بینند میلیاردها دلار صرف گسترش عدوات جنگی می‌شود تا موشک بالستیک و پهپاد و... تهیه کرده و به اینجاوآنجا شلیک کنند و به دست نیروهای ضد بشر نیابتی خود برسانند.

حالا هم بهانه جدید، این فضای جنگی است که رژیم در شیپور آن می‌دمد. رژیم از این فضا سود می‌برد تا باز هم سفره مردم را خالی‌تر کند و به این منظور قرار است ۲۰۰ درصد بر بودجه سرسام‌آور تا کنونی خود بیفزاید. در جواب به این

رژیم فقر و فلاکت عمومی باید بیش از همیشه بر شعارهای مشترک اجتماعی همه مردم تأکید گذاشته شود. ”جنگ‌افروزی را رها کن، فکری به حال ما کن“، یکی از این شعارها است. باید با وسیع‌ترین شکل ممکن همه مردم را درگیر مبارزه بر سر معیشت و رفاه عمومی کرد. همه شهروندان جامعه در ایران در این مبارزه عمومی برای زندگی انسانی ذی‌نفع‌اند. دست‌های بیشتری باید به هم داده شود.

# بعد از حمله اسرائیل به جمهوری اسلامی

## سوال از کاظم نیکخواه

**کیوان جاوید: حمله اسرائیل انجام شد عکس العمل رژیم چه خواهد بود؟**

**کاظم نیکخواه: جمهوری اسلامی در موقعیت سخت‌تری نسبت به قبل قرار گرفته است. هم ضربه نظامی سنگینی خورده و هم ناتوانی‌اش در برابر اسرائیل بر همه آشکارتر شده و هم ناچار است به دلیل سیاست هویتی‌اش در مورد نابودی اسرائیل، به رجزخوانی‌هایش ادامه دهد. این رجزخوانی‌ها اکنون دیگر حتی خودی‌هایشان را نیز عصبانی می‌کند. چون می‌دانند که توخالی**

**است و می‌دانند که همه می‌دانند که توخالی است و تکرار آنها به هر شکلی فقط باعث تمسخر و مضحکه حکومت است.**

**باتوجه‌به همه اینها جمهوری اسلامی قطعاً نه توان و نه قصد جواب‌دادن ندارد. همین حد که هنوز بعد از حمله سرپا مانده است باید خدایش را شکرگزار باشد. اما فضای بین جمهوری اسلامی و اسرائیل وارد فاز تازه‌ای شده که فاز جنگی و تقابل نظامی مستقیم است. این اوضاع با قبل که اساساً جمهوری اسلامی رجزخوانی می‌کرد و قدرت نیابتی‌هایش را به رخ می‌کشید و اسرائیل هم سرداران و نیروهای هسته‌ای حکومت را ترور می‌کرد و به روی خود نمی‌آورد، قابل‌مقایسه**

نیست. چگونگی تحولات فضای جنگی دقیقاً برای هیچکس حتی برای نیروهای مستقیم درگیر، قابل پیش‌بینی نیست و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد.

**کیوان جاوید:** ارزیابی شما از موقعیت رژیم در حال حاضر چیست؟

**کاظم نیکخواه:** جمهوری اسلامی وارد یک بحران و بن‌بست جدی هویتی شده است. همانطورکه گفتم فاز تازه‌ای در رودررویی حکومت اسلامی و اسرائیل شروع شده است. آرامش در این فاز نمی‌تواند بسیار طولانی‌مدت ادامه یابد. در شرایط فعلی طرفین هیچکدام خواهان گسترش

دامنه درگیری‌ها نیستند. اسرائیل ضربات کاری ای به توان پدافندی و موشکی و زیرساخت‌های نظامی حکومت وارد کرده و تا مدتی خیالش راحت است. درعین‌حال باتوجه‌به اینکه سیاست دولت بایدن درگیرشدن در یک جنگ گسترده منطقه‌ای نیست، دولت نتانیاهو نیز عجالتاً تا اعلام نتیجه انتخابات روزهای آینده آمریکا باید صبر کند و برای روشن‌شدن سیاست رئیس‌جمهور جدید منتظر بماند. اما جمهوری اسلامی به‌شدت ضربه خورده است و رأس خود حکومت هم نسبت به اسرائیل بر همگان آشکار شده است و جایی برای لاف‌زدن باقی نمانده است.

این شرایط ناهنجار، برای حکومت قدرت مانور

زیادی مقابل اسرائیل باقی نمی‌گذارد. جمهوری اسلامی نشان داده است که در این‌گونه موارد به سراغ مردم می‌رود و تلاش می‌کند با تشدید دستگیری‌ها و اعدام‌ها و سرکوب، فضای جامعه را تحت کنترل نگه دارد. همین روزها بعد از حمله اسرائیل یک زندانی سیاسی به نام جمشید شارمهد را اعدام کرد. اما این تقلاهای جنایتکارانه نیز در شرایط انفجاری کنونی دیگر جواب نمی‌دهد و برای حکومت گران تمام خواهد شد. چرا که با انقلاب زن زندگی آزادی جامعه در یک فضای تعرضی و سرنگونی نسبت به حکومت قرار گرفته و مردم نشان داده‌اند که با جنایات حکومت خشم خود را فرونمی‌خورند و عاصی‌تر از قبل به خیابان می‌آیند. تشدید سرکوب‌ها و جنایات حکومت با

**عکس‌العمل شدید مردم در ایران و در سطح بین‌المللی پاسخ خواهد گرفت و حکومت را به سراشیب سقوط خواهد کشاند.**

**درهرحال حکومت اسلامی در موقعیتی قرار گرفته که به هر سو حرکت کند ضربات کاری خواهد خورد و باتوجه‌به این باید دید که از کدام مسیر خود را به نابودی نزدیک می‌کند.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۷۴

۳۰ اکتبر ۲۰۲۴ – ۹ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: آذر پویا

## در این شماره ژورنال:

مُرْجِفون!

نسان نودینیان

دررابطه‌با اعدام جمشید شارمهد

گفتگو با مینا احدی

دزدی نفت با لوله‌کشی از پالایشگاه!

کاظم نیکخواه

برق گران و خاموشی‌های طولانی

سینا پدرام

# مُرْجِفون!

## نسان نودینیان

خامنه‌ای در دیدار ۷ آبان ۱۴۰۳(بعد از حمله اسرائیل در ۵ آبان) با خانواده کشته‌شدگان امنیت گفته؛ "مسئولان همان‌گونه که درباره امنیت «مرزها و...» وظایف دارند، در زمینه حفظ امنیت روانی مسئول‌اند" و بر ضرورت برخورد با مرجفون یعنی کسانی که مردم را از جمله در فضای مجازی با شایعات یا تحلیل‌ها و تفسیرهای غلط دچار تشویش و اضطراب و ترس و تردید می‌کنند، یادآور شد.

مرجفون اصطلاحی است که در قرآن برای توصیف افرادی به‌کاررفته که در شرایط بحرانی و دشوار با

**شایعه‌پراکنی، ایجاد تردید و تضعیف روحیه جامعه، سعی در ایجاد ترس و نگرانی در میان مردم دارند.**

**بعد از حملات اسرائیل به مراکز نظامی جمهوری اسلامی سیستم دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ضربات سنگینی را متحمل شد. مردم از شکست و ضربات وارد شده به جمهوری اسلامی خوشحال شدند، خامنه‌ای و سپاه در اوج بی قدرتی مورد تمسخر قرار گرفتند.**

**خامنه‌ای دو روز بعد از شکست اقتدار نظامی به جمع‌کردن عوامل مزدور و بسیجی مشغول شد. او با استفاده از واژه مرجفون با لحن هشدار و تهدید و مجازات الهی (که چیزی جز بریدن زبان و اعدام در جمهوری اسلامی نیست) متوسل شد.**

خامنه‌ای همچنین در دیدار ۵ آبان درباره «جنگ خاکستری» می‌گوید؛ «جوامع دائماً در یک فضای ابری مه‌آلود مشغول زورآزمایی ژئوپلیتیک با رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود هستند و رویدادهای روزمره خبری مانند دیدارها و نشست‌های سیاسی و رفت‌وآمدهای دیپلماتیک و انعقاد قراردادهای اقتصادی و ازاین‌دست رخدادها، همه‌وهمه وجوهی از جنگ خاکستری هستند».

جنگ خاکستری عملیات‌های نیابتی و سایبری است که جمهوری اسلامی را قادر می‌سازد از طریق متحدان منطقه‌ای و گروه‌های هم‌پیمان خود، مانند حزب‌الله، حماس، و...، اقدامات تهاجمی انجام دهد.

نیروهای نیابتی در شرُف فروپاشی یا فاصله‌گرفتن

**از جمهوری اسلامی هستند. اعتراضات مردمی یک دهه گذشته، و انقلاب زن زندگی آزادی و ضربات سنگینی که به حوزه "اقتدار" نظامی جمهوری اسلامی در ۵ آبان وارد شده، مقابله با مردم با لحن تند و تهدیدآمیز را دشوار و ناممکن کرده است!**

**مردم به دلیل شرایط اقتصادی و مشکلات داخلی، تمرکزی بر حملات نظامی خارج از کشور ندارند. درعین‌حال، مردم در سطح عمومی نیز از سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی و حمایت از گروه‌های مقاومت ناراضی‌اند و ترجیح می‌دهند که منابع و بودجه کشور به مسائل داخلی اختصاص یابد.**

# در رابطه‌با اعدام جمشید شارمهد

## گفتگو با مینا احدی

**آذر پویا: شما به‌عنوان سخنگوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام حدود دو سال پیش کمپینی را برای نجات جان جمشید شارمهد به همراه دخترش غزاله در آلمان پیش بردید که منجر به مسکوت ماندن حکم اعدام ایشان شد. ولی دیدیم که رژیم جنایت‌کار جمهوری اسلامی روز دوشنبه در سکوت خبری و بدون اطلاع حتی خانواده‌اش جمشید را اعدام کرد. نظرتان در این مورد چیست، انتظارتان از دولت آلمان به‌جز محکوم‌کردن در قبال این مسئله چیست؟**

**میناحدی:ما کمپینی بر علیه گروگان گیری جمشید شارمهد توسط جمهوری اسلامی شروع کردیم و همه اتفاقات در ایران را زیر نظر داشتیم. دیدیم که رژیم دادگاه نمایشی برپا کرد و حکم اعدام داد. ما هم‌زمان در دو جبهه فعالیت می‌کردیم، مقابله با داستان‌سرایی‌های رژیم و پروپاگاند علیه جمشید شارمهد و از طرفی سازمان‌دادن میتینگ و تظاهرات در سراسر جهان و درعین‌حال صحبت با مقامات دولت‌های آلمان و آمریکا که شهروند آنها در خطر اعدام بود. از یک مقطعی غزاله شارمهد در عمل سازمان‌دهنده بسیاری از حرکت‌ها و همچنین اعمال فشار بر دو دولت مزبور بود. متأسفانه باوجود تمام این حرکات اعتراضی رژیم اسلامی جمشید شارمهد را اعدام کرد. ما درعین‌حال می‌دانیم که جمهوری اسلامی**

**با این اعدام‌ها، انتقام تحقیرشدن و شکست‌های پی‌درپی خود را از مردم ایران می‌گیرد. بی‌دلیل نیست به اتهامات واهی علیه شارمهد حالا دفاع و همکاری با صهیونیسم را هم اضافه کرده است تا این عمل شنیع خود را توجیه کند.**

**انتظارم از دولت آلمان این است به‌جای محکوم‌کردن از سر ناچاری و از سر خود باز کردن فاجعه، اولاً قبول کند که سهل‌انگاری کرده است و در قتل شارمهد سهیم است و ثانیاً اگر می‌خواهد دوستی‌اش را با خانواده شارمهد و ما منتقدین اثبات کند، دَر سفارتخانه رژیم اعدام را تخته کند و تروریست‌ها را اخراج کند.**

**آذر پویا: به نظر شما این روش جمهوری اسلامی،**

خطر جدی برای جان سایر محکومین به اعدام نیست، نباید مرتباً اسامی این افراد را در مدیای اجتماعی و در گفتمان‌های علیه اعدام عنوان کرد و نگذاریم تحت‌الشعاع مسائل دیگر قرار بگیرند.

مینا احدی: به نظر من با تظاهرات و گفتمان و مطرح‌کردن اسامی اکنون دیگر زیاد پیشروی نمی‌کنیم. من معتقدم برای نجات محکومین به اعدام باید استراتژی روشنی داشت. محکومین مواد مخدری را با اعمال فشار به سازمان ملل و واحد مبارزه با تجارت مواد مخدر می‌توان نجات داد. مرکزی در وین اتریش هست که باید در مقابل آن تحصن کرد و وادارشان کرد جمهوری اسلامی را تحت‌فشار بگذارند و روابط خود با حکومت اسلامی را منوط به قطع اعدام محکومین

مواد مخدری کنند. در مورد زندانیان سیاسی در خطر اعدام و بقیه محکومین باید در مقابل پارلمان‌ها در اروپا و کانادا و آمریکا و... باید تحصن کرد و این دولت‌ها را تحت‌فشار گذاشت به اعدام‌ها اعتراض کنند و روابط دیپلماتیک خود با حکومت را منوط به قطع اعدام‌ها کرده و عملاً واقعاً در مقابل هر اعدام، این جانیان را بایکوت کنند. الان وقت بستن سفارتخانه‌هاست و تمرکز باید روی این باشد.

# دزدی نفت با لوله‌کشی از پالایشگاه!

کاظم نیکخواه

هر جای این کشور را انگشت بگذارید لانه سارقان دانه‌درشت حکومتی است. آخرین مورد دزدی‌ها، سرقت مقادیر زیادی نفت طی سال‌ها از یکی از پالایشگاه‌هاست که عضو کمیسیون مجلس اسلامی آن را در میان دعواهایشان رو کرد. مالک شریعتی، عضو کمیسیون انرژی مجلس اسلامی، روز هشتم آبان در یک برنامه تلویزیونی از سرقت نفت به طور مستقیم از زیر خط لوله یک پالایشگاه در ایران پرده برداشت. به گفته شریعتی مسئولان این پالایشگاه «برای چندین سال» متوجه نبودند که از زیر خط لوله نفتی یک انشعاب زده شده و نفت از آنجا سرقت می‌شود. او نام پالایشگاه

مزبور را ذکر نکرد.

واقعاً متوجه نبودند؟! معلوم است که این نماینده مجلس تلاش دارد موضوع را لاپوشانی کند و بگوید مسئولین پالایشگاه علی‌رغم گذشت چندین سال خبر نداشتند که از لوله‌های عظیم نفتی انشعاب زده شده و نفت به‌جای دیگری می‌رود! او می‌پرسد "چرا کسی که خط لوله را از ابتدا تا انتها باید رصد کند، متوجه این موضوع نشده است؟"

اینکه این دزدی دقیقاً چند سال جریان داشته و ارزش نفت به سرقت رفته چند میلیارد دلار است و آیا کسی یقه مدیر این پالایشگاه را می گیرد که جناب! دزدی ای که در روز روشن جلوی چشمت

صورت می‌گرفت را چطور ندیدی؟ و پول‌هایش به جیب چه کسانی رفته است. اینها همه جزو اسرار است. حتماً دلیل روکردن این دزدی‌ها طبق معمول این است که کارکنان پالایشگاه مزبور متوجه انشعاب از لوله‌های نفتی شده‌اند و این باعث شده که موضوع آفتابی شود. معمولاً دزدی‌ها را خودشان رو نمی‌کنند و به این شکل‌ها رو می‌شود.

این اولین‌بار نیست که خبر سرقت نفت و فرآورده‌های نفتی در ایران منتشر می‌شود. در سال‌های اخیر بارها از دزدی‌های نجومی در شرکت نفت پرده برداشته شده و کسی هم دستگیر یا پاسخگو نشده. چون آنها که قرار است پیگیری کنند خودشان از دزدان اصلی هستند. اقتصاد

جمهوری اسلامی با دزدی و قاچاق و رانت‌خواری می‌چرخد. دزدی‌ها فقط از شرکت نفت و امثالهم صورت نمی‌گیرد. حتی از حقوق ناچیز بازنشسته و معلولین و کارگران و معلمان هم مدام می‌دزدند و هرچه اعتراض می‌شود پاسخگو نیستند.

روزی که این حکومت سرنگون شود تازه سر قرقره روکردن دزدی‌ها و جنایاتشان باز می‌شود و دنیا از این‌همه خباثت و رذالت و اختلاس‌های نجومی انگشت‌به‌دهان خواهد شد.

# برق گران و خاموشی‌های طولانی

سینا پدرام

وزیر نیروی ایران می گوید طبق قانون «مانع‌زدایی»، دولت دیگر نقشی در تأمین ریالی برق نخواهد داشت و مردم باید برق موردنیاز خود را خریداری کنند. دولت می‌گوید علت کسری فزاینده برق، رشد مصرف داخلی و قیمت پایین برق است، درحالی‌که آمارهای توانیر نشان می‌دهد میزان هدررفت برق فقط در روند انتقال و توزیع معادل ۴۰ تراوات ساعت است که با مصرف ۴۰ درصد از کل خانوارهای ایرانی برابری می‌کند.

قدیمی و فرسوده بودن مفرط سیستم برق‌رسانی،

تولید نا مکفی برق، قدیمی بودن نیروگاه‌های برقی فقط بخشی از معضل برق در ایران است. واقعیت آن است که رژیم اسلامی هیچ برنامه و هدف واقعی برای بالابردن رفاهیات مردم در ایران ندارد. هدف پر کردن جیب میلیاردرهای اسلامی است.

گران کردن هر کالایی توسط دولت یعنی دزدی از سفره مردم. یعنی پر کردن حساب‌های بانکی آیت‌الله‌ها و مؤسسات وابسته به رژیم. گران کردن برق تعبیر و تفسیر بردار نیست. روش این کار نیز چندان اهمیتی ندارد، چه این دزدی‌ها با حذف یارانه‌ها انجام شود، چه با تخصیص بودجه‌های کلان برای مؤسسات مذهبی و ماشین سرکوب

و جنگی هیچ فرقی به حال مردم نمی‌کند. واژه کذایی "مانع‌زدایی" نیز مسخره‌ترین ترمی است که "سیاست‌مداران" دولت "فخیمه" اسلامی برای توجیه این دزدی به کار برده‌اند.

روش‌های تولید برق در ایران مانند خود رژیم پوسیده است. در کشوری مانند ایران اکنون می‌بایست بخش عمده برق از انرژی‌های بادی و خورشیدی و تکنیک‌های جدید تأمین می‌شد. جواب این نوع تشبثات و حمله به معیشت مردم فقط یک چیز است. اعتراض همبسته و متشکل در سراسر کشور بر علیه هر نوع گران‌کردن برق و بنزین و احتیاجات روزانه مردم.

رژیم می‌داند که با هر اقدام این‌چنینی، با اعتراض مواجه خواهد شد ازاین‌رو بودجه امسال رژیم مانند گذشته چندین برابر نظامی‌تر شده است. اعتراضات سراسری تنها راه ایجاد مانع در مقابل دست‌اندازی‌های رژیم به رفاه زندگی مردم است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۷۵

۳۱ اکتبر ۲۰۲۴ – ۱۰ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: آذر پویا

## در این شماره ژورنال:

کمبود شدید مدارس دولتی اما وفور موشک بالستیک

کیوان جاوید

دستان خونین اردوغان در دستکش مخملی

محسن ابراهیمی

قطع انگشتان مجرمین یا قطع دست حکومت جانی

سیما بهاری

جنگ‌افروزی و غارت هستی مردم برای بقا

عبدل گلپریان

# کمبود شدید مدارس دولتی
# اما وفور موشک بالستیک

## کیوان جاوید

به گزارش خبرنگار اجتماعی خبرگزاری تسنیم: "درحالی‌که طبق قانون به‌ازای ساخت ۲۰۰ واحد مسکونی باید یک مدرسه ساخته شود، اما "انبوه‌سازان" از ساخت مدرسه سرباز می‌زنند. فاطمه مهاجرانی؛ سخنگوی دولت در اینباره گفت: "ولی راه‌هایی برای دورزدن قانون در این پروژه‌ها اعمال شده مثلاً به‌جای ۲۰۰ واحد، ۱۹۹ واحد ساخته می‌شود!

نیمی حقیقت و نیمی فریب در این خبر وجود دارد.

**حقیقت اینکه دانش‌آموزان با کمبود شدید مدارس روبرو هستند که حتی خبرگزاری تسنیم نیز این معضل بزرگ را با صدای بلند اعلام می‌کند.**

**نیمه فریب اینجا است که می‌خواهند مقصر واقعی را زیر فرش پنهان کنند و "گناه" را فقط به گردن "انبوه‌سازان" یا همان بخش خصوصی بیندازند تا حکومت از زیر ضرب اعتراضات مردم خلاص شود.**

**در مقابل این کمبود مدارس دولتی؛ کمبود شدید معلم برای مدارس دولتی؛ هزینه‌های بالای شهریه مدارس؛ خطر ریزش ساختمان‌های مدارس دولتی و غیراستاندارد بودن بسیاری از مدارس در سطح ایران و خصوصاً عدم برخورداری بسیاری از دانش‌آموزان در مناطق محروم به مدرسه ما با پدیده دیگری در**

ایران روبرو هستیم که روزبه‌روز با صرف میلیاردها دلار نوسازی می‌شود و بخش اعظم بودجه دولتی را می‌بلعد و این هیولای بلعیدن بودجه چیزی جز صنعت نظامی نیست. صنعت ساخت موشک‌ها و پهپادها و موشک‌های بالستیک و شلیک به اسرائیل و ارسال برای نیروهای نیابتی، از جمله حماس و حزب‌الله لبنان و حوثی‌های یمن و جیش شعبی عراق و صنعت پروار کردن نیروی سرکوب که به جان معترضان بیفتند. غارتگری زندگی مردم و ربودن از سفره خالی مردم روی دیگر این فلاکت عمومی است.

می‌گویند دادستانی دررابطه‌با این تخلفِ عدم ساخت مدرسه توسط "انبوه‌سازان" مداخله کند. اما چه کسی است که نداند دست همه این مافیای

حکومتی در دست همین "انبوه‌سازان" است که مجوز چنین ساخت‌وسازهایی را از حکومت دریافت می‌کنند و پشتیبان آنها همین حکومت است.

راه مقابله مشخص است. در تقابل با این چپاول زندگی مردم دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها، معلمان و دانشجویان و بازنشستگان و همه کارگران باید خواست ساخت مدارس توسط دولت را به دیگر خواسته‌های معیشتی خود اضافه کنند. آنگاه می‌توان شاهد بود که سر کیسه دولت نیز شل می‌شود.

# دستان خونین اردوغان در دستکش مخملی

## محسن ابراهیمی

اردوغان در سخنرانی خود در نشست پارلمانی حزب عدالت و توسعه گفت ترکیه متعلق به همه ۸۵ میلیون شهروند این کشور است و کردها "برادر و عزیز" هستند و از آنها خواست تا دستی که "صادقانه" به سویشان دراز کرده را محکم بگیرند! او درخواست دولت باغچه لی رهبر حزب حرکت ملی، حزب دست راستی ناسیونال- فاشیست ترکیه از عبدالله اوجالان برای انحلال پ ک ک را "تاریخی" و "عاقلانه" خواند و اعلام کرد: "قصد داریم مسئله تروریسم را به‌طور کامل از دستور کار کشور خارج کنیم.

رهبر حزب "حرکت ملی ترکیه" گفته بود اجازه داده شود اوجالان در پارلمان ترکیه صحبت کند و "فریاد بزند که تروریسم به پایان رسیده و سازمان او منحل شده است. اردوغان البته یادش نرفت تاکید کند "با تروریست‌ها در شمال سوریه و عراق مذاکره نمی‌کنیم". یعنی تروریسمش علیه کردهای عراق و سوریه را ادامه خواهد داد.

ظاهراً قضیه این است که اردوغان و حزب علناً ناسیونالیست - فاشیست "حرکت ملی" یکباره از پهلوی انسانیت و برابری از خواب برخاسته‌اند و قبول کرده‌اند که میلیون‌ها مردم تحت ستم و تبعیض که از طرف ناسیونال - فاشیست‌های ترکیه به "ترک‌های کوهستانی" ملقب شده‌اند، می‌توانند مثل شهروند برابر زندگی کنند!

**بانی تروریسم علیه کردها احزاب ناسیونال – فاشیست حاکم و ادامه‌دهنده سیاست فاشیستی علیه کردها حزب اسلامی اردوغان بوده‌اند. اردوغان همان است که داعش زیر پوشش تانک‌های ارتش تحت فرماندهی او به کوبانی یورش برد که با مقاومت جسورانه یگان‌های مدافع خلق شکست خورد. اردوغان و دولت باغچلی اگر می‌خواهند "تروریسم از دستور کشور خارج شود"، باید دستشان از قدرت کوتاه شود.**

**جنبش گزی پارک در سال ۲۰۱۳، کسب آرای بالا توسط حزب دمکراتیک خلق‌ها در پارلمان ترکیه و اخیراً شکست حزب حاکم در انتخابات شهرداری‌های ترکیه، همه نشانه‌های جدی متزلزل شدن پایه‌های حزب اردوغان است. دراز کردن**

دستان خونین پوشیده در دستکش مخملی "برادر و عزیز" به‌سوی کردها می‌تواند نمونه دیگری از توطئه‌های سیاسی شناخته شده اردوغان باشد. برای مثال، او مدت‌هاست از لزوم تغییرات در قانون اساسی حرف می‌زند. تغییراتی که زمینه قانونی برای ادامه حاکمیتش را فراهم کند. "برادر و عزیز" خطاب‌کردن کردهایی که ارتش تحت فرمان اردوغان بارها خانه و زندگی‌شان را بمباران کرده است، می‌تواند تلاشی تبلیغاتی برای جلب رِاَی احزاب مورد حمایت در میان مردم مناطق کُردنشین در این جهت باشد.

# قطع انگشتان مجرمین یا قطع دست حکومت جانی

سیما بهاری

به گزارش رسانه‌های حقوق بشری، "حکم قطع چهار انگشت دست راست شهاب و مهرداد تیموری، سه‌شنبه هشتم آبان‌ماه با دستگاه گیوتین در زندان ارومیه به اجرا در آمد. این دو برادر به اتهام سرقت محکوم به قطع انگشتان دست شده بودند."

پروندهٔ دزدی‌های سران حکومت اسلامی بسیار قطور است. گاهی ارقام دزدیده شده آن‌قدر صفر دارد که نمی‌شود آنها را شمرد. از میلیارد پائین نمی‌آید. تفاوت‌های دزدی‌ها فقط با تومان و دلار و یورو معلوم می‌شود. همهٔ سران حکومت هم

پرونده‌های مشابه دارند.

البته از هر فسادی گفته شود، پرونده‌های این جانیان رودست ندارد. دزدی، قاچاق، تجاوز، ترور، و کشتار در داخل و بیرون زندان، در همهٔ این موارد سر دستهٔ همه هستند. چنین حکومتی انگشت قطع می‌کند به‌خاطر دزدی؟! خود حکومت بزرگ‌ترین دزد است. از همه مهم‌تر اینها دزدان زندگی و انسانیت هستند.

در دنیا دارند با استفاده از علم و دانش دست‌وپای مصنوعی می‌سازند تا انسان‌های آسیب‌دیده را یاری دهند بتوانند کار آیی بهتری داشته باشند. حکومتی که فقر و بیکاری و محرومیت را به بخش وسیعی از جامعه تحمیل کرده با چه روئی انگشت

قطع می‌کند؟ سال گذشته انگشتان دست فردی که از یک عضو سپاه گوسفند دزدیده بود را در شهر قم قطع کردند. آیا حکومت جرئت می‌کند که از دزدی‌های همین گوسفنددار سپاهی بگوید؟ اگر دزدی‌های سران حکومت بخواهد عواقب داشته باشد چند دست و انگشت و سر و... از حکومتی‌ها باید قطع شود؟

مردم شایستهٔ این وضع نیستند. این وضع باید عوض شود. اگر دست حکومت دزد و فاسد را از زندگی مردم قطع کنیم، اگر تلاشمان برای به زیر کشیدن حکومت را بیشتر کنیم، اگر هر کدام به سهم خود مبارزات جاری را تقویت کنیم، دیگر دستی یا انگشتی قطع نخواهد شد. اعدامی صورت نخواهد گرفت. مادر یا پدری

داغ به دل نخواهد شد. تنمان از صدای انفجار موشک و بمب نخواهد لرزید. آن‌وقت مثل آدم زندگی می‌کنیم. آن‌وقت حرمت خواهیم داشت. آنها که در صف اعدام و قطع عضو قرار دارند فقط با تشدید مبارزاتمان نجات خواهند یافت. تا این حکومت سر کار است، می‌کشد و زندگی می‌گیرد و حرمت می‌شکند. ما هیچ راهی جز انقلاب نداریم.

# جنگ‌افروزی و غارت هستی مردم برای بقا

## عبدل گلپریان

نعیم قاسم دبیرکل جدید حزب‌الله لبنان می گوید که، "گروه شبه‌نظامی حزب‌الله راه حسن نصرالله، دبیرکل کشته‌شده خود در حمله اسرائیل را دنبال می‌کند و جمهوری اسلامی «بدون هیچ چشمداشت» از پروژه ما حمایت می‌کند. او گفت استراتژی جنگی که توسط حسن نصرالله پایه‌ریزی شده بود را ادامه خواهد داد. او مدعی شد که «حزب‌الله به نیابت از هیچ‌کسی نمی‌جنگد و جمهوری اسلامی در قبال حمایت از ما هیچ چشمداشتی ندارد.»

سخنان جانشین حسن نصرالله چیز تازه‌ای در بر ندارد این همان گفته‌های پیشین نصرالله دررابطه‌با تأمین و تغذیه مالی حزب‌الله مبنی بر ریخته‌شدن سرمایه و هستی مردم ایران توسط جمهوری اسلامی در گلوی جانوران اسلامی برای تداوم جنگ و ناامنی و برای بقای حکومت اسلامی و دارودسته‌های نیابتی‌اش در منطقه است. نعیم قاسم و حزب‌الله لبنان امروز دیگر بسیار بیشتر از دوره حسن نصرالله از هستی مردم ایران که زیر خط گرسنگی هستند احساس آسودگی خاطر می‌کنند.

از بدو راه‌اندازی جریان دست‌ساز حزب‌الله توسط حکومت اسلامی و سرهم‌بندی کردن مابقی باندهای

اسلامی دیگر، همچون، جهاد اسلامی، فاطمیون و زینبیون، حشدالشعبی، حماس و حوثی‌ها، رژیم اسلامی چشم داشت و توقع بالایی در هزینه‌کردن از ثروت و دسترنج مردم برای تحقق استراتژی خود یعنی ایجاد بحران، ناامنی و جنگ‌افروزی در منطقه برای بقای خود داشته است. افق و استراتژی حکومت اسلامی برای تداوم حکومت درهم‌ریخته‌اش ایجاد این شبکه‌های تارعنکبوتی از قبل هستی و دسترنج مردمی بوده است که قادر به تأمین کمترین مایحتاج زندگی‌شان نیستند.

از بدو شروع انقلاب زن زندگی آزادی مردم انقلابی و سرنگونی‌طلب این واقعیت را به‌خوبی دریافتند که تاریخ موجودیت حکومت اسلامی چیزی جز

تحمیل فقر و فلاکت و قتل و جنایت نبوده است. دیدیم که بازنشستگان در اعتراضاتشان شعار سر دادند جنگ‌افروزی کافیه، سفره ما خالیه و جنگ‌افروزی رو رها کن فکری به حال ما کن. سایر بخش‌های مختلف مردم نیز همچنان در کمین برای به زیر کشیدن غارتگران اسلامی هستند. قطعاً این شاهرگ مالی را مردم منزجر از چپاولگران اسلامی قطع خواهند کرد. با سرنگونی حکومت جهل و جنایت اسلامی و بازگرداندن حرمت و کرامت انسانی، بساط جیره‌خواران نیابتی هم برچیده خواهد شد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۸۷۶

۲ نوامبر ۲۰۲۴ – ۱۲ آبان ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

با تمام قوا از پرستاران مبارز حمایت کنیم

محسن ابراهیمی

تعطیلی کنسولگری‌های رژیم در آلمان و قدم‌های بعدی

سوال از اصغر کریمی

در همبستگی با کارزار برای آزادی نسرین جوادی

شهلا دانشفر

بمب تهدیدات جنگی خامنه ای و سفره خالی مردم

کیوان جاوید

# با تمام قوا از پرستاران مبارز حمایت کنیم

## محسن ابراهیمی

حتی اخبار خود رسانه‌های مجاز حکومتی هم نشان می‌دهد که پرستاران مبارز زیر سنگین‌ترین فشارهای اقتصادی و بیعدالتی هستند و مبارزه‌شان حق طلبانه و شایسته بیشترین حمایت‌ها است.

فقط به این اخبار توجه کنید که بخشا در خود رسانه‌های حکومتی هم منعکس شده‌اند:

کمبود پرستار در شبکه درمان و تشدید روند مهاجرت پرستاران؛ حقوق پرستاران متناسب با سختی کار آنان نیست؛ با مهاجرت پرستاران و کمبود نیروی پرستاری در کشور مواجه هستیم؛ بیش از

**۵۰ هزار پرستار خانه‌نشین شده‌اند؛ با کمبود بیش از ۱۰۰ هزار پرستار مواجه هستیم؛ پرستاران مجبور به شیفت‌های طولانی، شب‌کاری‌های پی‌درپی و اضافه‌کاری‌های اجباری هستند!**

**پرستاران در اعتراض به این شرایط کار برده‌وار اعتراضات گسترده‌ای را پیش برده‌اند. پرستاران خواهان لغو اضافه‌کاری‌های اجباری، استخدام رسمی کلیه پرستاران و کادر درمان، بازگشت به کار تمامی پرستاران اخراجی، پایان دادن به حقوقهای زیر خط فقر و تبعیض آمیز، افزایش حقوق و مزایا در احکام حقوقی و غیره هستند.**

**پرستاران در کنار بخش‌های دیگر طبقه کارگر،**

علی‌رغم فضای جنگی به حکومت اسلامی اعلام کردند که "جنگ‌افروزی کافیه، سفره ما خالیه" و به اعتصاب و اعتراض خود ادامه خواهند داد.

هر پیشروی و پیروزی پرستاران در تحمیل خواسته‌هایشان بر حکومت اسلامی، عملاً پیشروی و پیروزی همه طبقه کارگر ایران است. پرستاران نه‌تنها به‌عنوان بخش مهمی از طبقه کارگر ایران که زیر شدیدترین ستم و بیعدالتی هستند، بلکه به گواه اعتصابات و اعتراضات حق‌طلبانه‌شان، شایسته بیشترین حمایت و همبستگی از طرف نه تنها بخش‌های دیگر طبقه کارگر بلکه همه بخش‌های جامعه هستند که از فقر و بیعدالتی، نابرابری و ستم اعمال شده از طرف حکومت اسلامی رنج می‌برند.

ما که می‌خواهیم از بیعدالتی و نابرابری حکومت اسلامی رها شویم؛ ما معلمان، ما کارگران نفت و پتروشیمی، هفت تپه و فولاد و مخابرات و ما کارگران در همه رشته‌ها، ما دانشجویان و دادخواهان و مبارزین برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدام، ما مبارزین رهایی زنان، ما مبارزین برای برابری و عدالت و انسانیت باید با تمام قوا در کنار پرستاران باشیم. از اعتصابات و اعتراضات برحق و جسورانه پرستاران حمایت کنیم. هر پیشروی و هر پیروزی پرستاران در تحقق اهداف انسانی‌شان، مسیر عقب راندن حکومت اسلامی و پایان‌دادن به عمر حکومت اسلامی و رهایی همه ما را تسریع خواهد کرد.

# تعطیلی کنسولگری‌های رژیم در آلمان
# و قدم‌های بعدی
## سوال از اصغر کریمی

**بعد از اعدام جمشید شارمهد، دولت آلمان در اقدامی بی سابقه اعلام کرد همه کنسولگری‌های جمهوری اسلامی در آلمان را تعطیل می‌کند. وزیر خارجه آلمان نیز از حکومت اسلامی بعنوان "قاتل مردم خودش" نام برد. این چرخش در سیاست دولت آلمان را چگونه ارزیابی می‌کنید و آیا انتظار فراتر رفتن از بستن کنسولگری‌های رژیم را دارید؟ این سیاست تا چه حد می‌تواند در کل اروپا دنبال شود. حزب کمونیست کارگری که مدافع و مبلغ دائمی بایکوت و تعطیلی سفارت‌های جمهوری**

**اسلامی بوده است در این شرایط چه سیاستی را دنبال می‌کند؟**

**اصغر کریمی: بستن کنسولگری‌های جمهوری اسلامی در آلمان اقدامی بی‌سابقه بود. هر چند هنوز سفارت را نبسته‌اند و اینطور توجیه می‌کنند که بستن آن به نفع جمهوری اسلامی است اما بستن هر سه کنسولگری جمهوری اسلامی در این کشور قدمی است که می‌تواند در گام بعد به بستن سفارت هم منجر شود. جنبه دیگری از اهمیت این اقدام این است که دولت آلمان در اعتراض به اعدام دست به اینکار زد. هر چند روشن است که این تنها دلیل و یا حتی دلیل اصلی نیست اما نفس اعلام این مساله که در اعتراض به اعدام جمشید**

شارمهد کنسولگری‌ها بسته می‌شود اهمیت دارد. وزیر امور خارجه آلمان همچنین از اتحادیه اروپا خواسته است که سپاه پاسداران را در لیست نیروهای تروریست قرار دهد. این درخواست نیز حائز اهمیت است.

اما تحرکی که در این زمینه شروع شده ابعاد وسیعتری دارد. دولت آلمان مرکز اسلامی هامبورگ، مهمترین مرکز سیاسی تروریستی جمهوری اسلامی در خارج کشور، را در مرداد امسال تعطیل کرد. پارلمان لیتوانی به اتفاق آرا سپاه را یک نیروی تروریست اعلام کرده و از اتحادیه اروپا خواسته است سپاه را در فهرست نیروهای تروریست قرار دهد. دولت سوئد نیز درخواست

مشابهی را به اتحادیه اروپا داده است. علاوه بر این لحن دولت‌های اروپایی در هفته‌های گذشته علیه جمهوری اسلامی تندتر شده است. این مجموعه یک روند رو به رشد در جهت انزوای رژیم را نشان می‌دهد.

بستن سفارت‌های رژیم، بایکوت و تروریست اعلام کردن سپاه خواست مردم ایران است و حزب کمونیست کارگری سالها است در این جهت فعالیت می‌کند. بسیاری از فعالین انقلاب زن زندگی آزادی نیز این خواست‌ها را مطرح کرده‌اند و امروز نتایج این فشارها را داریم می‌بینیم. اقدامات دولت‌های اروپایی دلایل متعددی دارد. حمایت جمهوری اسلامی از روسیه در جنگ با

اوکراین و درگیری با اسرائیل دو دلیل مهم این رویکرد هستند و بنظر من این رویکرد نهایتا محصول انقلاب زن زندگی آزادی است. جمهوری اسلامی در داخل با فضای انفجاری برای سرنگونی مواجه است و در سطح منطقه بشدت ضعیف شده و دولتهای غربی در توازن قوای جدید دارند فشار دیپلماتیک بیشتری به جمهوری اسلامی می‌آورند که امتیازات بیشتری از آن بگیرند. علاوه بر این خطر اعدام برخی زندانیان سیاسی از جمله افرادی که جمهوری اسلامی گروگان گرفته مانند احمدرضا جلالی جدی‌تر شده و باید دول غربی را تحت فشار قرار داد که در این زمینه نیز اقدامات قاطع‌تری را در دستور بگذارند.

در چنین شرایطی زمینه برای بایکوت جمهوری اسلامی و بستن سفارت‌های آن بیش از پیش فراهم شده است. باید این شرایط را دید و فشار به دول غربی را در این جهت تشدید کرد. این سیاستی است که حزب کمونیست کارگری دنبال می‌کند و به سهم خود تلاش در این راستا را گسترش خواهد داد. روشن است که یک فاکتور مهم و تعیین کننده گسترش اعتراضات و اعتصابات در داخل کشور است. مردم تضعیف جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی و در هم شکستن یک رکن مهم حکومت یعنی نیروهای نیابتی‌اش در منطقه را می‌بینند و از این فضا برای گسترش اعتراضات خود استفاده خواهند کرد.

# در همبستگی با کارزار برای آزادی نسرین جوادی

شهلا دانشفر

۳۱۸ نفر از فعالان شناخته شده کارگری، زنان و فعالین اجتماعی و زندانیان سیاسی، طی بیانیه‌ای خواهان آزادی "نسرین جوادی خضری" فعال کارگری بازنشسته زندانی شده و بر آزادی همه زندانیان سیاسی تأکید کرده‌اند.

نسرین جوادی کارگر بازنشسته ایست که در تجمع روز جهانی کارگر ۹۸ در مقابل مجلس شورای اسلامی بازداشت و سپس با اتهامات "اجتماع و تبانی جهت اقدام علیه امنیت کشور"، "اخلال در نظم و آسایش عمومی" و "تبلیغ علیه نظام" به هفت

سال زندان و حکم وحشیانه  شلاق محکوم شد که پنج سال از این حکم قابل‌اجرا است.

نسرین جوادی از تیر ۹۸ در اوین بسر می‌برد و در زندان نیز همواره صدای آزادیخواهی و انسانیت بوده است. نسرین از بیماری‌هایی همچون پوکی شدید استخوان، بیماری قند، فشارخون بالا و نارسایی اعضا داخلی رنج می‌برد و اینک بیماری مهلک تنها فرزندش و بستری‌شدن  وی  در بیمارستان موجب فشار سخت و شکنجه آور روحی بسیار  بر او شده است.

بنا بر گزارش‌ها فرزند چهل‌ساله نسرین که پدرش را نیز ازدست‌داده است،  به دنبال زندانی‌شدن مادرش

شرایط روحی بدی پیدا کرده و با توجه به ابتلا به بیماری درجه یک قند خون نیاز حیاتی به مراقبت و بودن با مادرش را دارد.

علیرغم اینکه نسرین جوادی نیمی از دوران محکومیتش را طی کرده و به رغم گذشت ده روز از بستری شدن تنها فرزندش در آی سی یو و سپس بخش مراقبتی بیمارستان، مقامات قضایی به او حتی مرخصی نمی‌دهند. تنها جرم نسرین دفاع از حقوق کارگران و بازنشستگان و شرکت در تجمعات اعتراضی آنان برای خواستهای معیشتی شان است.

در قسمتی از طومار برای آزادی فوری نسرین جوادی

چنین آمده است: "بدینوسیله از تمامی مردم آزاده ایران و فعالان و مجامع حقوق بشری و عفو بین‌الملل تقاضا داریم برای آزادی فوری نسرین جوادی هر گونه اقدام لازم را بعمل آورده و در اقدامی متحدانه خواهان آزادی همه فعالین صنفی و سیاسی در بند بشوند. بدیهی است که تبعات بروز هر اتفاقی برای زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان، مستقیماً متوجه حکومت جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی آن است."

ادامه حبس نسرین جوادی یک جنایت آشکار است. به دفاع از او برخیزیم و حمایت و پشتیبانی قاطع خود را از او و طومار برای آزادی وی اعلام کنیم. صدای نسرین جوادی در سطح جهان باشیم.

# بمب تهدیدات جنگی خامنه ای و سفره خالی مردم

کیوان جاوید

**خامنه‌ای در تازه ترین اظهار نظرهایش درباره رویارویی نظامی با اسرائیل و آمریکا گفت: "دشمنان پاسخ دندان‌شکنی خواهند گرفت."**

**در تقابل با این تهدیدات دولت آمریکا اعلام کرده است که بمب‌افکن‌های بی ۵۲-، جنگنده‌ها، هواپیماهای سوخت‌رسان و ناوشکن‌های نیروی دریایی را برای تقویت حضور نظامی به خاورمیانه اعزام می کند.**

**اگر داستان تهدیدات جنگی رژیم اسلامی و**

مقابله به مثل با اسرائیل به همینجا ختم می‌شد ما مردم هم می‌توانستیم بنشینیم و تماشاگر وقایعی باشیم که منجر به ضعف و زبونی رژیم و شکست‌های پی در پی نظامی‌اش و بی‌خاصیت شدن بیشتر نیروهای نیابتی‌اش در منطقه می‌شود. اما واقعیت فراتر از این بازی "پینگ پنگ موشکبارن" دو طرف است.

با هر تهدید جمهوری اسلامی برای گرفتن انتقام از اسرائیل بر بودجه نظامی دولت افزوده می‌شود. تا همینجا دولت پزشکیان درخواست اضافه شدن ۲۰۰ درصد به بودجه نظامی را به مجلس برده است و این در حالی است که گفته می‌شود بیش از ۸۰ درصد درآمد دولت صرف مصارف نظامی

می‌شود. لازم به ذکر است که تا اینجا دولت پزشکیان با کسری بودجه بیش از هزار تریلیون تومانی مواجه است و این بودجه باید ازجیب مردم تامین شود.

هر شرایط جنگی جمهوری اسلامی بمبی است که روی سفره مردم ایران فرود می آید. احمد میدری، وزیر کار جمهوری اسلامی از جدیدترین "اثبات این بمب" به سفره مردم پرده برداشت و از بایگانی شدن طرح کمک معیشتی کالایی خبر داده و گفت: "در لایحه بودجه ۱۴۰۴ اعتباری برای کالابرگ الکترونیک (شامل هفت دهک یعنی ۶۰ میلیون نفر) در نظر گرفته نشده است.

جهش قیمت مواد غذایی دوربردتر از همه موشک‌های بالستیک رو به اوج است و قوی‌تر از همه بمب‌های بکار گرفته شده در جنگها سفره مردم را هدف قرار داده است. در برابر این جنگ افروزی رژیم اسلامی باید با همه توان و با همه نیروی اجتماعی ایستاد. تحقق شعار "موشک پرانی را رها کن، فکری به حال ما کن" قدم بزرگی در جهت شکست‌های بیشتر جمهوری اسلامی است. هر شهروند در ایران می‌تواند در این جنگ علیه جمهوری اسلامی مسئولیتی داشته باشد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۷۷

۳ نوامبر ۲۰۲۴ – ۱۳ آبان ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

اعتراض عریان در مقابل دانشگاه آزاد تهران

سینا پدرام

بی بی سی، باز هم افتضاح

اصغر کریمی

دختر انقلاب آزارگر جنسی را گوشمالی داد

کیوان جاوید

رژیم اسلامی تنها با اعدام نفس می‌کشد

بابک یزدی

# اعتراض عریان در مقابل دانشگاه آزاد تهران

## سینا پدرام

**روز شنبه ۱۲ آبان با پخش ویدئویی از اعتراض عریان یک دختر دانشجو در دانشگاه آزاد تهران بار دیگر سرها به‌سوی انقلاب زن زندگی آزادی چرخید.**

بنا به گزارش خبرنامه تلگرامی امیرکبیر نام این دانشجو آهو دریایی ۳۰ساله دانشجوی ترم ۷ زبان فرانسه دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات اعلام شده است.

ویدئوهای منتشر شده در فضای مجازی نشان می‌دهد که این دختر دانشجو پس از تعرض فیزیکی فاشیست‌های حراست دانشگاه که با پاره شدن لباس او همراه بود، دست به یک حرکت جسورانه زده و لباس خود را نیز درآورده است و با خونسردی تمام در مقابل این تعرض اعتراض می‌کند. ویدئوی دیگری دستگیری خشونت‌آمیز و ربوده شدن وی توسط یک اتومبیل متعلق به حراست را نشان می‌دهد. به ادعای مقامات

دانشگاهی این دختر دانشجو را پس از دستگیری به بخش "روانی" منتقل کرده‌اند.

متعاقب پخش این خبر، مهدی یراحی، خواننده حامی خیزش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" در واکنش به بازداشت این دختر دانشجو، در شبکه ایکس نوشت "بانگ رسای زن است".

مای ساتو، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد درباره وضعیت حقوق بشر ایران نوشت که این رخداد و واکنش مقامات جمهوری اسلامی را از نزدیک زیر نظر دارد.

اعتراض عریان آهو دریایی به تعرض نیروهای

**فاشیست حراست دانشگاه آزاد تهران بار دیگر قدرت باورنکردنی اعتراضات زنانه را در مقابل چشم جهانیان گرفت. جمهوری اسلامی در یک واکنش مذبوحانه این مبارز جسور را روانی قلمداد کرده است و بی بی سی فارسی در یک اسکاندال باور نکردنی و بی هیچ شرمی این ادعای رژیم را در بوق کرده است. آن کسانی که در ایران "روانی" تشریف دارند، جنایتکاران و زن‌ستیزان اسلامی و حکومتی هستند. آنچه در ایران "ناهنجار" است، ادامه عمر رژیم اشغالگری است که آزادی میلیون‌ها زن و مرد و شهروند را برای چند دهه سلب کرده است.**

**"اعتراض عریان"، اعتراض آگاهانه زنانی است**

که به عجز و زبونی رژیم "روانی" اسلامی در مقابل پیکر عریان زنان پی برده‌اند. خوب نگاه کنید و نبض و تپش قلب انقلاب را در ایران مشاهده کنید. این دانشجوی جوان با پیکر خود تمامی خبرهای "جنگی" را حاشیه‌ای کرده است.

خوب نگاه کنید. آینده خاورمیانه، نه در اتاق‌های جنگ رژیم اسلامی و دولت اسرائیل، بلکه با اعتراض عریان این زنان شکل خواهد گرفت. ما خواستار آزادی بدون قیدوشرط آهو دریایی و تضمین سلامت جسمی او از هر نوع تعرضی هستیم.

# بی بی سی، باز هم افتضاح

## اصغر کریمی

در حالیکه حتی خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران، به برخورد ماموران حراست دانشگاه بدلیل "پوشش نامناسب" دختر علوم و تحقیقات در کلاس درس اشاره کرده و در حالیکه پارس نیوز، دیگر رسانه حکومتی گفته است که دو نیروی حراست به این دانشجو تذکر داده‌اند، بی بی سی موذیانه تلاش کرده است آب سردی روی خشم مردم بریزد و تصویری از این ماجرا بدهد که گویا نه تذکری در کار بوده، نه حراست با این دختر برخوردی داشته است.

خبرنامه دانشجویان دانشگاه امیرکبیر حتی تصویر مامور حراست واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد را هم که عامل حمله به این دختر بوده منتشر کرده است اما بی بی سی اینرا هم نادیده گرفته و از قول دو شاهد عینی که معلوم نیست چکاره‌اند و از قول امیر محجوب، مدیر روابط عمومی و تشریفات دانشگاه آزاد روایتی باب طبع حکومت داده است. این خود به خوبی جایگاه بی بی سی را که همچنان با فرخ نگهدار همسویی می‌کند نشان میدهد.

یادمان هست که یک روز همین بی بی سی خمینی را در ماه کرد تا مسیر انقلاب ضد سلطنتی و آزایخوانه مردم ایران در سال ۵۷ را به سمت

جنبش اسلامی بچرخاند. همین بی بی سی که تا توان داشت در خدمت جریان موسوم به اصلاح طلبان حکومتی قرار گرفت و از خاتمی بتی ساخت که انگار قرار است ایران را به سوی گفتگوی تمدنها رهنمون شود. خاک پاشیدن در چشم مردم و انکار عظمت مبارزات مردم انگار در تخصص این رسانه بی پرنسیپ است.

گند جدید بی بی سی واقعا مشمئز کننده است. واقعا باید به این بی بی سی چه گفت؟ وقاحت هم حدی دارد.

# دختر انقلاب آزارگر جنسی را گوشمالی داد

## کیوان جاوید

روز جمعه یک زن جوان بی‌حجاب با انتشار ویدئویی از خود، نشان می‌داد در پیاده‌رو مورد آزار جنسی قرار می گیرد. او در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: "یک سکانس از زن بودن در ایران."

با زندگی روزانه خود کلنجار می‌رویم و برای سرپا ماندن و فائق آمدن با هزار مصیبت مادی و روحی همه نیروی خودمان را جمع می‌کنیم که کوتاه نیاییم. مایی که از خوشی‌های زندگی بی‌نصیب مانده‌ایم و هر روز منتظر فاجعه‌ای جدید هستیم.

ما این دردها را زندگی می‌کنیم و درعین‌حال برای آن آرمان والای انسانی که خوشبختی شخصی و جمعی بخش از هویت انسانی است بی‌محابا می‌جنگیم. می‌جنگیم و کشته می‌دهیم، می‌جنگیم و دستگیر می‌شویم. بعضاً تنهایی ما را از پا در می‌آورد و دوباره برای اینکه تسلیم مرگ و نابودی و پوچی نشویم سرپا می‌مانیم. ما محکوم به جنگیدن برای بقا هستیم.

در این گیرودار روزانهٔ زندگی شاهد اعتراض کارگران و پرستاران و بازنشستگان می‌شویم یا آنکه خود بخشی از همین نیروی اجتماعی برای تغییر این اوضاع نابسامان هستیم. در همین روزها که زندگی خود یک نبرد برای زنده‌ماندن است

شاهد اعتراض دانشجویان می‌شویم که نوری در دل ما می‌تاباند و به خود می‌گوییم ما هستیم و می‌جنگیم.

درست در سایه این تهدیدات جنگی که قرار است حواس‌ها را از مبارزه پرت کند، زنی جوان و بی حجاب خیابان را با قدم‌های استوار می‌پیماید و مردی از تبار حکومت اسلامی، مردسالاری و تجاوزگر دست به تعرض جنسی به این زن می‌زند ... و در یک لحظه غرش شیروار زن طعمه را به چنگ می‌کشد و باران مشت بر سر این تجاوزگر باریدن می گیرد. در تقابل با این پایداری، جمهوری اسلامی برای این زن شجاع پرونده بی حجابی تشکیل داده است. آن پرونده را

باید در آتش خشم اعتراض سوزاند و به خاکستر تبدیل کرد.

این است آن انقلابی که برای آن تدارک می‌بینیم. این است زن زندگی آزادی که دنیا را پیش چشم حکومت زن‌ستیز تیره و تار کرده است. به این جنبش انقلابی بپیوندیم و نیرومندترش کنیم تا کرامت و هویت انسانی ما پایدار بماند و آزادی و برابری سرود زندگی شود. از این زنِ انقلابی بی‌پروا بیشتر بیاموزیم.

# رژیم اسلامی تنها با اعدام نفس می‌کشد

بابک یزدی

طبق آمار سازمان‌های حقوق بشری و با استناد به آمار ثبت شده در ایران فقط در ماه اکتبر حداقل ۱۶۱ نفر اعدام شده‌اند. در سال ۲۰۲۳ بیشترین اعدام‌ها در ایران اتفاق افتاده که بالاترین آمار در دهۀ گذشته بوده که شامل ۸۱۱ نفر است که ۷۵ درصد اعدام‌های جهان را تشکیل می‌دهد.

جمهوری اسلامی از موضع ضعف و از ترس اعتراضات و اعتصاب‌ها و انقلاب مردم و برای ارعاب و وحشت از مردم انتقام می‌گیرد. در پاسخ به کشتن قاسم سلیمانی هواپیمای اوکراینی را

می‌زند و در پاسخ به حمله اسرائیل جمشید شارمهد را به  قتل می‌رساند تا شاید جنبش انقلابی زن زندگی آزادی و خیزش دوباره مردم را چند وقتی به عقب بیندازد.

مردم مبارز ایران اما خوب می‌دانند که عمر رژیم به سر آمده و دیر نخواهد بود که به گورستان تاریخ سپرده شود. اعتراض علیه اعدام‌ها در گوشه‌وکنار جهان و در داخل ایران روزبه‌روز بیشتر می‌شود. بیش از ۴۰ هفته هست که در بسیاری از زندان‌های ایران اعتراض و اعتصاب در سه‌شنبه‌ها سازمان‌یافته و به سه‌شنبه‌های علیه اعدام معروف گردیده و روزبه‌روز بر تعداد زندان‌ها اضافه می‌شود. اخیراً خانواده‌های زندانی

و زیر حکم  اعدام اعتراض و تظاهرات خود را به جلوی مجلس نیز کشانده‌اند.

در خارج کشور در ده‌ها کشور و نزدیک به صد شهر در اعتراض به اعدام‌ها  میزگرد، سخنرانی، تظاهرات و سمینار گذاشته شده و می‌شود. کارزار جهانی علیه اعدام در ایران با حمایت بیش از هشتصد شخصیت و بیش از یک صد حزب و سازمان و گروه سیاسی، مدنی، اجتماعی، هنری، و حقوق بشری تا کنون ۳۴ جلسه برنامه زنده داشته و با گزارش اعتراضات، سخنرانی، سمینار و بحث و نظر از صدها چهره و شخصیت فعال علیه اعدام و  در نهایت  بزرگ‌ترین حرکت اعتراضی و سمبلیک  در برنامه‌ای زنده و ۲۴ ساعته همراه با

**انجمن حقوق بشر ایران با شرکت صدها سخنران از سراسر جهان، مبارزه علیه اعدام را یک گام اساسی به‌پیش برده است.**

**این مبارزات باید روزبه‌روز بیشتر و گسترده‌تر شود و همه انسانیت آزادیخواه و شریف به این جنبش بپیوندد تا با خیزش و پیروزی هرچه زودتر انقلاب زن زندگی آزادی جامعه ایران یک‌بار برای همیشه به چرخه اعدام و آدم‌کشی پایان دهد.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۷۸

۴ نوامبر ۲۰۲۴ – ۱۴ آبان ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

سکوت راست سلطنت‌طلب در قبال آهو دریایی

کیوان جاوید

معادن وحشت و ترس!

نسان نودینیان

زهرا قنبری با سری افراشته چهار گل به رژیم زد

سیما بهاری

دیگر بس است! ما حق زندگی داریم!

اصغر کریمی

# سکوت راست سلطنت‌طلب در قبال آهو دریایی

## کیوان جاوید

اتفاقی تاریخی در ایران جلوی چشم ما همین جمعه ۱۲ آبان افتاده است. اتفاقی که همچون بمب صدا کرده است. آهو دریایی دختر دانشجوی علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد با برهنه شدن در اعتراض به تعرض حراست به نوع پوشش و حجابش تمام توجه‌ها را به خود جلب کرده است. رسانه‌های اجتماعی این خبر و عکس برهنه آهو را وسیعاً منتشر و ده‌ها هزار نفر در این باره اظهارنظر کرده و شجاعت این زن جوان را ستودند و به قدرت و استواری او درود فرستادند. نهادهای بین‌المللی از عفو بین‌الملل تا نماینده سازمان ملل در امور

حقوق بشر و رئیس پارلمان فرانسه به حمایت از او برخاستند.

در این میان اتفاقی دیگر هم افتاده است. رضا پهلوی و خیل سلطنت‌طلبان تا فعالین و نهادهای نزدیک به رضا پهلوی چشم‌هایشان را در مقابل برهنه شدن آهو دریایی بسته‌اند.

این سکوت آیا یادآور همان حرف‌های رضا پهلوی نیست که به‌صراحت گفته اگر اسلام قرار باشد در ایران مورد تعرض قرار بگیرد ترجیح می‌دهد همین جمهوری اسلامی روی کار باشد؛ همان احترام به فرهنگ اسلامی، مردسالار و ضد زن نیست که قرار است زن ناموس خانواده باشد

و با رعایت هنجارهای رسمی و قانونی و اخلاقی حاکم بر جامعه از شئونات بجا مانده از هزاران سال نابرابری جنسیتی پاسداری کند؟

به یک نکته مهم دیگر نیز با برهنه شدن آهو دریایی اشاره کنیم. نکته اینجا است که برخی از رسانه‌های فارسی‌زبان با مات (بلور) کردن عکس و کلیپ منتشر شده آهو دریایی مانع دیده‌شدن تصویر واضح این اعتراض عریان می‌شوند. این در حالی است که میلیون‌ها بار این تصاویر بدون روتوش و اورژینال در مدیای اجتماعی باز پخش شده است. طبعاً کسی نمی‌تواند مدعی شود این حرکت بعضی از رسانه‌ها از جمله بی بی سی فارسی برای حفظ امنیت این زن مبارز است. اینها بلندگوی جریان

**ملی اسلامی و اصلاح‌طلب‌اند و هدفشان رعایت هنجارهای رسمی، مردسالار و اسلامی است.**

**ضمن حمایت همه‌جانبه از آهو دریایی و خواستار آزادی بی‌قیدوشرط این مبارز شجاع‌شدن، باید با جریانات راست سلطنت‌طلب و رسانه‌هایی که نمی‌خواهند صدای رسای این زن جسور باشند نیز مقابله کرد. آهوی ما کجاست! آزادش کنید.**

**خوب نگاه کنید. آینده خاورمیانه، نه در اتاق‌های جنگ رژیم اسلامی و دولت اسرائیل، بلکه با اعتراض عریان این زنان شکل خواهد گرفت. ما خواستار آزادی بدون قیدوشرط آهو دریایی و تضمین سلامت جسمی او از هر نوع تعرضی هستیم.**

# معادن وحشت و ترس!

## نسان نودینیان

۷۰۰ نفر از کارگران معدن زغال‌سنگ طبس در استان خراسان جنوبی در اعتراض به شرایط شغلی و حقوقی خود از کار استعفا داده‌اند. این کارگران که در معدن زغال‌سنگ پروده و تحت مدیریت شرکت زغال‌سنگ پروده طبس فعالیت می‌کردند، به دنبال عدم افزایش حقوق و مشکلات بیمه‌ای (عدم پرداخت حق بیمه به‌صورت کامل و منظم، پوشش ناکافی بیمه در برابر حوادث و بیماری‌های شغلی، عدم برخورداری از بیمه بازنشستگی مناسب، بیمه‌های غیرفعال و مشکلات در دسترسی به خدمات درمانی، نبود نظارت

کافی بر رعایت قوانین کار و بیمه، مشکلات در دریافت بیمه بیکاری)، ناامنی جانی دست به این اقدام زده‌اند. یادآوری می‌کنیم که روز ۳۱ شهریور امسال انفجار در این معدن جان حداقل ۵۳ کارگر را گرفت و تعداد زیادی مجروح و مصدوم برجای گذاشت.

یکی از دلایل اصلی اعتراض و استعفای دسته‌جمعی کارگران معدن طبس، ناامنی در محیط کار و کمبود امکانات ایمنی بوده است. کارگران معدن، به دلیل شرایط خاص و خطرات محیط معدن، نیازمند تجهیزات ایمنی مناسب و اقدامات پیشگیرانه هستند تا از جان و سلامتشان محافظت شود. کارگران در بسیاری از معادن،

با کمبود امکانات ایمنی مانند تهویه مناسب، تجهیزات حفاظت فردی و آموزش‌های کافی رنج می‌برند. به همین دلیل، کارگران به عدم رعایت استانداردهای ایمنی و نبود شرایط ایمن در محیط کار اعتراض کرده‌اند.

یکی دیگر از دلایل این استعفاها، دستمزدهای ناچیز کارگران و عدم انطباق حقوق آنها با میزان تورم و هزینه‌های زندگی است.

به اشکال مختلف باید از کارگران معدن طبس حمایت کنیم؛ بهبود شرایط کاری و ایمنی کارگران، حمایت از حقوق و دستمزدهای مکفی، دستمزد کارگران باید هزینه‌های زندگی آنها را پوشش

دهد و بعلاوه باید از مزایای مناسب مانند بیمه‌های تأمین اجتماعی و درمانی برخوردار شوند.

اصلاح قراردادهای کاری و اطمینان از عدم اخراج کارگران از حقوق اساسی آنها است که باید توسط کارفرما و نهادهای نظارتی رعایت شود. باید رسانه‌های حکومتی را وادار کرد که شرایط کار کارگران معادن و اعتراضات آنها را از زبان خود کارگران منعکس کنند. کارگران برای تحقق این خواست‌ها راهی جز متشکل شدن و شکل‌دادن به شبکه‌های سراسری خود ندارند.

# زهرا قنبری با سری افراشته چهار گل به رژیم زد

سیما بهاری

زهرا قنبری، برترین گل زن تاریخ فوتبال باشگاهی ملی زنان ایران است. زهرا قنبری مقابل کالج اسکالرز، گل پیروزی تیمش را زد و در حالی گل‌زدنش را جشن گرفت که مقنعه‌اش روی سرش دیده نمی‌شد. تصویر این شادی گل بدون حجاب اجباری خیلی زود در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و بازتاب گسترده‌ای میان کاربران داشت. سایت "طرفداری" خبر محرومیت زهرا قنبری را از بازی مقابل تیم "تام اصفهان" به دلیل عدم رعایت حجاب در جریان این بازی آسیایی منتشر کرد.

یادآوری گل‌هایی که جنبش زنان، و خصوصاً در روند انقلاب زن زندگی آزادی، به رژیم ضد زن اسلامی در ایران زده اشک شوق به چشم‌ها می‌آورد. همین دو سه روز پیش آهو دریایی با اعتراض برهنه گل بزرگ‌تری وارد سبد جنبش سرنگونی کرد و یکبار دیگر زنده و جاری بودن جنبش انقلابی زن زندگی آزادی را برجسته‌تر کرد.

جنبش سرنگونی پر طپش و زنده است و هرچه جمهوری اسلامی بخواهد به حاشیه‌اش براند ممکن نمی‌شود. این جنبش روحیه می‌بخشد و جسارت و بی‌باکی بیشتری به انقلاب تزریق

می‌کند. کارهایی که در این دوره زنان انجام داده‌اند ستودنی است. دختران خیابان انقلاب، الناز رکابی و پرت کردن حجاب، جلو دوربین رفتن زنان هنرپیشه، شعاردادن سپیده قلیان بلافاصله پس از آزادی از زندان، عریان‌شدن آهو دریایی و حالا بی‌حجابی زهرا قنبری و صدها نمود انتخاب آزاد دیگر، نمونه‌هایی از بیرون‌زدن خشم علیه این حاکمیت ضد زن است و درعین‌حال نمایانگر موقعیت مستأصل رژیم است که در مقابل خود زنانی را می‌بیند که چشم در چشمش دوخته‌اند و دارند قدم‌به‌قدم عقبش می‌رانند و جنبش سرنگونی را به جلو سوق می‌دهند.

اتفاق مهم، بازگشت زهرا قنبری بعد از دو هفته

محرومیت به زمین بازی بود. ستاره‌ای که بعد از بازگشت با زدن چهار گل در مقابل تیم طاران البرز یکبار دیگر همه توجه‌ها را به خود جلب کرد. بعد از آن محرومیت به‌خاطر حجاب از سربرداشتن و این بازگشت مقتدرانه، در واقع زهرا قنبری ۴ گل زیبا به حکومت ضد زن زد. انقلاب زن زندگی آزادی ادامه دارد و هر روز جمهوری اسلامی باید منتظر گل‌های بیشتری باشد که جنبش انقلابی به دروازه‌های پوسیده‌اش وارد می‌کند.

# دیگر بس است! ما حق زندگی داریم!

اصغر کریمی

با جنگ‌افروزی حکومت سفره اکثریت مردم با شیب تندتری خالی شده است. قیمت‌ها با سرعت بیشتری افزایش یافته و قدرت خرید ناچیز مردم تولیدکننده و زحمتکش جامعه هر ساعت پایین‌تر می‌آید. مردم هر روز گرسنه‌تر می‌شوند و این روند با سرعت ادامه دارد. به این وضعیت میتوانیم و باید خاتمه دهیم.

پول به اندازه کافی هست، امکانات برای تامین زندگی مردم به حد کافی وجود دارد. اما صرف ماجراجویی‌های ارتجاعی نظامی، صرف سرکوب

زنان و مردم معترض، صرف نهادهای خرافه و مذهب، صرف حقوق‌های نجومی مقامات و مسئولین و صرف دزدی‌های انگل‌های حاکم می‌شود. مجلس مفتخوران بودجه نظامی را از جیب مردم سه برابر کرده است. بودجه اوباش سرکوب مدام افزایش می‌یابد. هر سال نهادهای مذهبی تازه‌ای به منظور بالاکشیدن ثروت جامعه از زمین سر بر می‌آورند و بودجه این نهادها بطور تصاعدی بالا می‌رود.

بلند شویم و یک‌صدا اعلام کنیم که این جنگ جنگ ما نیست ما با کسی جز حکومت جنایتکار اسلامی دشمنی نداریم. اعلام کنیم که جنگ‌افروزی‌تان را پایان دهید. اعلام کنیم که در

نهادهای مذهبی‌تان را گل بگیرید و بودجه آنها را قطع کنید. بودجه ارگان‌های سرکوب را قطع کنید. اعلام کنیم که اموالی که توسط مقامات و آیت‌الله‌ها و نهادهای حاکم دزدیده شده باید مصادره شود و صرف زندگی مردم شود.

ما حق زندگی داریم. کودکانمان حق زندگی دارند. سرکوب بس است. حجاب اجباری بس است. فقر بس است. دزدی بس است. خرافه بس است. بمب و موشک بس است. رجزخوانی بس است. بلند شویم و متحدانه به این جهنم فقر و سرکوب و لجنزار اسلامی پایان دهیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۷۹

۵ نوامبر ۲۰۲۴ – ۱۵ آبان ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

## در این شماره ژورنال:

ایران پنج سال پس از خیزش آبان

یک سؤال از اصغر کریمی

احتمال حمله به اسرائیل، انتخابات آمریکا و تناقضات جمهوری اسلامی

محسن ابراهیمی

زنده‌باد بازنشستگان کرمانشاه

اصغر کریمی

صدای بچه‌های اکباتان باشیم

سهیلا دالوند

مرگ کسب‌وکار نظام نکبت اسلامی است!

بابک یزدی

# ایران پنج سال پس از خیزش آبان

## یک سؤال از اصغر کریمی

**سوسن صابری: پنج سال از خیزش آبان خونین ۹۸ می‌گذرد. در این سال‌ها جامعه ایران شاهد تحولات بسیار مهمی بوده است. امروز فضای سیاسی و توازن قوای میان مردم و جمهوری اسلامی را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

**اصغر کریمی: اینکه اقدام دختر علوم تحقیقات این‌چنین در جامعه ولوله می‌اندازد، سر تیتر رسانه‌های حکومتی می‌شود و بلافاصله در سطح جهان انعکاس پیدا می‌کند، نشان می‌دهد که در عرض پنج سال گذشته چه زلزله سیاسی‌ای در**

ایران اتفاق افتاده و چه توازن قوای متفاوتی در جریان است.

خیزش آبان ۹۸ و قبل از آن خیزش‌های دی ۹۶ و تابستان ۸۸ همه حلقه‌های زنجیری هستند که جامعه را از مراحل مهمی عبور دادند و زمینه را برای انقلاب زن زندگی آزادی آماده کردند. انقلابی که دستاوردهایش چنان عمیق و ماندگار است که به هیچ قیمتی آن را نمی‌توان پس گرفت.

اینکه امروز تظاهرات‌های توده‌ای با شعارهای سرنگونی در خیابان نمی‌بینیم ممکن است این تصور ایجاد شود که گویی این انقلاب نیز به جایی نرسید و رژیم دارد به حیات قبلی‌اش ادامه می‌دهد. اما

این‌طور نیست. این انقلاب به اشکال مختلف دارد خشت‌خشت بنای حکومت را از جا می‌کند. نه مردم، مردم قبل از شهریور دو سال قبل هستند، نه حکومت، حکومت دو سال قبل. دستاوردهای این انقلاب را مطلقاً نمی‌توان با میزان تظاهرات در خیابان سنجید. قهرمانی بی‌حجابی توده‌ای نهادینه شد. شوینیسم و مردسالاری ضربه مهلکی خورد و موقعیت زن در جامعه زیرورو شد. اینها بنیادهای اسلام و حکومت است که جلو چشمان آیت‌الله‌ها و نیروهای سرکوب و مردم ایران و جهان درهم‌شکسته شده است. و موقعیت زن در جامعه ایران تحت حکومت اسلام که عوض شود یعنی همه چیز عوض شده است.

تداوم انقلاب زن زندگی آزادی محصول خیزش‌های

قبلی بود و منشأ اثرات بسیار مهمی شد. فرصت داد که قشرهای مختلف جامعه از سینماگران و خوانندگان تا ورزشکاران و وکلا به میدان بیایند و به سهم خود توازن قوای دیگری ایجاد کنند. اعتصابات پرقدرت و عمومی در کردستان شکل گرفت، سیستان و بلوچستان روی نقشه مبارزاتی جامعه آمد، خارج کشور به یک رکن قدرتمند مبارزه مردم تبدیل شد و همسویی و همراهی عمیقی در میان مردم در سراسر کشور و میان داخل و خارج شکل گرفت. جنبش‌های مهمی مانند دادخواهان پا به میدان گذاشت. جنبش‌های موجود نیز کیفیت تازه‌ای پیدا کردند. اعتصابات و تجمعات قدرتمند پرستاران محصول توازن قوای جدید است. جنبش وسیع علیه اعدام و سه‌شنبه‌های اعتراض به اعدام، حضور قدرتمند زنان زندانی، شعارهای رزمنده و

سیاسی جنبش کارگری و سربلند کردن تشکل‌های مختلف کارگری، شکل‌گیری شبکه‌های سراسری جوانان، دانشجویان و زنان، شعارنویسی‌ها که به یک جنگ روانی مهم برای حکومت تبدیل شده، اینها همه محصول شرایط تازه‌اند.

چه کسی فکر می‌کند که اگر این تحولات در جامعه اتفاق نیفتاده بود، کنسولگری‌های جمهوری اسلامی در آلمان و مرکز اسلامی آن بسته می‌شد و لحن نهادهای بین‌المللی و حکومت‌های غربی با جمهوری اسلامی این‌چنین تحقیرآمیز می‌شد.

یک نکته مهم دیگر وضعیت حکومت در منطقه و تصویر خوار و حقیر آن است. نقطه‌ضعف اصلی حکومت در منطقه نیز نه توان نظامی آن بلکه ترس

و وحشت از مردمی است که شعارشان این است: «نه جنگ میخوایم نه کشتار» و «دشمن ما همین جاست». خیلی نکات هست که توازن قوای جدید و کاملاً متفاوت میان مردم و حکومت را نشان می‌دهد که اینجا فرصت پرداختن به همه آنها نیست.

اما اجازه بدهید به یک نکته مهم اشاره کنم و آن وضعیت نیروهای سرکوب است. انقلاب زن زندگی آزادی روحیه و تفکر نیروی سرکوب را نیز دگرگون کرد. بخشی از خانواده‌های سرکوبگران در تجمعات شرکت می‌کردند، تعداد قابل‌توجهی از همسران و دختران آنها از حجاب و فرهنگ اسلامی و حکومتی بریده‌اند و مشاهدات خود سرکوبگران از جامعه، از فساد و فقر و ابعاد جنایت و حتی فقر در بدنه نیروی سرکوب، باعث شد که فرماندهان سپاه اقرار

کنند که نیروهایشان از حکومت عبور کرده‌اند. این فاکتور بی‌اندازه مهم و اساسی از ناتوانی حکومت در مقابل مردم است. حاصل این وضعیت نه ارعاب که امید عمیق در جامعه به سرنگونی حکومت است.

# احتمال حمله به اسرائیل، انتخابات آمریکا و تناقضات جمهوری اسلامی

محسن ابراهیمی

بعد از حمله اخیر اسرائیل به جمهوری اسلامی، خامنه‌ای پاسخ را به "مسئولین" حواله داد که آنچه "صلاح است" انجام خواهند داد. یک هفته بعد اما در باره "پاسخ دندان‌شکن" لاف زد. جالب است که هم‌زمان، پرچم سفید دست پزشکیان داد تا اعلام کند "اگر اسرائیل آتش‌بس را بپذیرد ممکن است نوع و شدت پاسخ تغییر کند." این واکنش‌های متناقض هم‌زمان شده است با انتخابات امریکا که امروز برگزار می‌شود.

**خامنه‌ای بلوف می‌زند؟ نگران گسترش جنگی است که در آن نظامش را بازنده می‌بیند؟ انتخابات آمریکا دررابطه‌با زمان حمله احتمالی به اسرائیل تأثیر داشته است؟**

**جمهوری اسلامی حضور حزب دمکرات در کاخ سفید را به ترامپ ترجیح می‌دهد. احتمالاً حمله احتمالی موردنظر به این خاطر پیش از انتخابات آمریکا انجام نگرفته است که می‌توانست با ارائه تصویر ضعیف از حزب دمکرات برای مهار بحران در خاورمیانه، موقعیت کاندید این حزب در مقابل ترامپ را تضعیف کند. اما جدا از این، هدف هر دو جناح در هیئت حاکمه آمریکا نه تغییر رژیم در ایران بلکه مهار جمهوری اسلامی در منطقه است اگر چه سیاستشان زمانی که**

مردم حکومت اسلامی را به لبه پرتگاه نزدیک کنند نمی‌تواند مثل سابق باشد.

این موقعیت نظام اسلامی در ایران و منطقه است که خامنه‌ای را به موضع‌گیری‌های متناقض رانده است. روز اول نمی‌دانستند ضربات اسرائیل چقدر سنگین بوده است و حتی آرزو می‌کردند سطح ضربه طوری باشد که بتوانند زیرسبیلی رد کنند. وقتی ابعاد سنگین ضربه معلوم شد، خامنه‌ای و نظامش ازیک‌طرف در مقابل این سؤال قرار گرفتند که اگر اقدامی انجام ندهند پاسخشان به حامیان متوهم نظام در بسیج و سپاه در ایران و بقایای نیروهای نیابتی در منطقه چیست؟ اولی‌ها قرار است حکومت را در داخل حفظ کنند و دومی‌ها کارت بازی منطقه‌ای حکومت اسلامی

هستند. از طرف دیگر، حکام اسلامی یک جنگ گسترده را خطری جدی برای موجودیت نظامشان می‌دانند که مردم برای ساقط کردنش در کمین نشسته‌اند. این مجموعه فاکتورها باعث شده است که رئیس‌جمهور پرچم سفید بلند کند و ولی‌فقیه وعده "پاسخ دندان‌شکن" بدهد.

# زنده‌باد بازنشستگان کرمانشاه

## اصغر کریمی

**آهوی دریایی آزاد باید گردد**

**نه جنگ میخوایم نه کشتار، رفاه میخوایم ماندگار**

**تورم، گرانی، نه به جنگ و ویرانی**

**اینها از جمله شعارهای بازنشستگان کرمانشاه امروز سه‌شنبه ۱۵ آبان بود. دستگیری آهوی دریایی، جنگ و کشتار و تورم و گرانی از مهم‌ترین مسائل امروز جامعه‌اند و بازنشستگاه جسور و قهرمان کرمانشاه روی هر سه مسئله انگشت گذاشتند و به نماینده کل جامعه تبدیل شدند. واقعاً باید درود فرستاد به این درجه از رزمندگی، شجاعت و هوشیاری بازنشستگان کرمانشاه که**

این‌چنین اعتراض مردم در این سه عرصه داغ را به شعارهای زیبا و رسای خود تبدیل کردند و مهر خود را بر شرایط پرتحول سیاسی در ایران کوبیدند.

امروز نیز به روز ماندگار و مهم دیگری در تاریخ مبارزات مردم علیه حکومت جنگ‌افروز اسلامی، علیه حکومت ضد زن و علیه حکومت فقر و فلاکت اسلامی تبدیل شد. امروز به اسم بازنشستگان قهرمان کرمانشاه ثبت خواهد شد.

رفاه، پایان‌دادن به جنگ‌افروزی و آزادی فوری آهو دریایی و در واقع پایان‌دادن به حجاب اجباری و آپارتاید جنسیتی سه خواست مهم و فوری مردم است. سه خواست متحدکننده اکثریت عظیم

جامعه. از کارگر و بازنشسته و معلم تا زنان و دانشجویان و کارمندان زحمت‌کش ادارات و میلیون‌ها جوان محروم و بیکار. از میلیون‌ها مردم به فقر و محرومیت رانده شده و مردم کردستان و بلوچستان، تا هر انسان آزادی‌خواهی که قلبش برای رهایی از شر حکومت نکبت اسلامی می‌زند.

این شعارها تکثیر می‌شوند و باید تلاش کنیم که هر چه زودتر سراسری شوند. شعارهایی که می‌تواند چسب کل جامعه شود و نیروی عظیمی را به میدان بیاورد. آنها را همه‌جا تکثیر کنیم.

# صدای بچه‌های اکباتان باشیم

سهیلا دالوند

آخرین جلسه دادگاه میلاد آزمون، سید محمدمهدی حسینی، مهدی ایمانی و نوید نجاران از بازداشت‌شدگان انقلاب دررابطه‌با پرونده موسوم به شهرک اکباتان روز شنبه ۱۲ آبان برگزار شد. درست یک روز پس از برگزاری دادگاه آنها خبر بازداشت حسین نعمتی، علیرضا برمرزپورناک، علیرضا کفایی و امیرمحمد خوش‌اقبال، ۴ متهم دیگر این پرونده که بهمن ۱۴۰۲ با وثیقه از زندان قزل‌حصار آزاد شده بودند، در رسانه‌های اجتماعی منتشر شد.

پیام درفشان وکیل‌مدافع حسین نعمتی در واکنش به این تصمیم در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: "امروز پس از برگزاری جلسه اخذ آخرین دفاع در پرونده اکباتان که در شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک تهران برگزار شد و در اقدامی غیرقابل‌پیش‌بینی متأسفانه قرار تأمین وثیقه موکل حسین نعمتی و همچنین ۳ تن دیگر از متهمین آزاد شده به قرار بازداشت تبدیل گردید و همگی به زندان رجایی شهر اعزام شدند."

حکومت جنگ‌افروز برای رهایی از بن‌بست‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود چه در داخل و چه در سطح بین‌المللی با استفاده از فضای جنگ با اسرائیل مذبوحانه تلاش می‌کند که جامعه به

طغیان درآمده را با تشدید سرکوب و زندان و اعدام به عقب براند. رژیم تلاش می‌کند که با حاکم کردن فضای جنگی، بازداشت مجدد و صدور احکام سنگین و اعدام زندانیان را در حاشیه و در بی‌خبری، راحت و بدون هزینه انجام دهد. گل‌رخ ایرایی زندانی سیاسی در زندان اوین در واکنش به محاکمه بچه‌های اکباتان می‌نویسد: "بی‌توجهی نسبت به پرونده بچه‌های اکباتان کار را برای رژیم راحت‌تر می‌کند."

ما مردم معترض به سرکوب و زندان و اعدام، ما مدافعین آزادی، ما مدافعین انسانیت، نباید اجازه دهیم که جمهوری جنگ‌افروز، حکومت فقر و اعدام، با استفاده از فضای جنگی که حاکم کرده

است، سرکوب و اعدام را تشدید کند. نباید اجازه داد شرایط و وضعیت بچه‌های اکباتان تحت‌الشعاع فضایی که رژیم اسلامی حاکم کرده در سکوت خبری قرار بگیرد. با اطلاع‌رسانی و ادامه اعتراضات هر روزه می‌توان هزینه را برای این غارتگران زندگی و انسانیت بالا برد و این چرخه آدم‌کشی جمهوری اسلامی را متوقف کرد. بچه‌های اکباتان باید فوراً آزاد شوند.

# مرگ کسب‌وکار نظام نکبت اسلامی است!

بابک یزدی

حداقل ۷۰ نفر از بیماران دیالیزی به دلیل آلودگی دارو به آلومینیوم جان خود را ازدست‌داده‌اند. این داروها فرآورده شرکت دارویی ثامن، وابسته به آستان قدس رضوی است که محلول‌های دیالیزی تولید می‌کند.

سلمان اسحاقی، که خودش سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی است، روز ۱۲ آبان از مرگ ده‌ها نفر بر اثر استفاده از محلول‌های مسموم خبر داد و گفت نه‌تنها در سه ماه گذشته با شرکت تولیدکننده آن برخورد قضایی جدی نشده است، بلکه دوباره به آن سفارش تولیددارو

نیز داده‌اند. فردای آن روز حیدر محمدی، رئیس سازمان غذا و دارو در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر تأیید می‌کند که خرداد امسال، در داروهای دیالیزی شرکت ثامن درصد کمی آلومینیوم وجود داشته که منجر به بروز "عوارض" شده است! طبق گفته مسئولین نظام، ۸۰۰ هزار بیمار در ایران از طریق دیالیز درمان می‌شوند و این محلول‌ها خطر مرگ‌ومیر آنها را هر لحظه بیشتر می‌کند.

در رژیم اسلامی تقریباً کمتر چیزی هست که در آن استانداردهای جهانی و بین‌المللی رعایت شود. از ساختمان‌سازی که یک زلزله حتی ۵ ریشتری می‌تواند باعث مرگ‌ومیر ساکنین آن شود تا عدم رعایت استانداردها در امور فنی در ده‌ها رشته

و واحد صنعتی، تولیدی، تکنیکی مختلف و تا صنعت داروسازی. سرمنشأ اکثر این عدم رعایت استانداردها نیز کسب سود بیشتر برای سران و دست‌اندرکاران رژیم است که نتیجه‌ای جز مرگ‌ومیر مردم به دنبال ندارد.

رژیم اسلامی مدعی است که به دلیل تحریم‌ها کمبودهای زیادی دارد ولی صرف‌نظر از اینکه تحریم‌ها نیز محصول همین رژیم اسلامی است، یکی از اقلامی که شامل تحریم‌ها نیست همین دارو است. سران رژیم، سپاه و آقازاده‌ها که قسمت عمده اقتصاد و شریان حیاتی کشور را در دست گرفته و به جان و مال مردم برای سود و سرمایه بیشتر خود زالووار چسبیده‌اند، حتی از واردکردن

همین دارو از خارج و پرداخت هزینه‌اش نیز خودداری می کنند.

برخورداری از سلامت و درمان مناسب و باکیفیت و رایگان از حقوق انکارناپذیر شهروندان است. با طرح این مطالبات در جریان اعتراضات بخش‌های مختلف جامعه، باید رژیم را وادار به تأمین این حقوق پایه‌ای انسانی کرد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۸۰

۶ نوامبر ۲۰۲۴ – ۱۶ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

## در این شماره ژورنال:

ربودن آهو دریایی در پوشش درمان!

رضا درویش

نزاع رژیم "برقع" با رژیم "حجاب" بر سر اعدام!

سینا پدرام

قوه قضائیه: جمشید شارمهد پیش از اعدام "فوت کرد"

کیوان جاوید

غزه: عروسک‌های شادی برای کودکان غمگین

محسن ابراهیمی

# ربودن آهو دریایی در پوشش درمان!

## رضا درویش

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت سه‌شنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۳ در گفتگو با روزنامه میهن ضمن انکار بازداشت آهو دریایی می‌گوید: "برای این زن دانشجو پرونده قضایی تشکیل نشده است". مهاجرانی همچنین گفت: "او از کلانتری با اورژانس اجتماعی به مراکزی برای درمان منتقل شده است."

رژیم یکبار دیگر در عمل نشان داد تا چه حد در تحمیل حجاب اجباری مستأصل و درمانده است. رژیم بعد از بکارگیری وحشیانه‌ترین سرکوب همچون زندان، شکنجه، تجاوز، شلیک مستقیم به

چشم و سر معترضان حالا با اعتراض عریان مواجه شده است: یک زن به‌تنهایی و تنها باتکیه‌بر جسارت و استقامت در پافشاری برحق انتخاب پوشش، رژیم را در موقعیت آچمز قرار داده است. از یک‌سو رژیم نمی‌تواند زنان را به قبل از جنبش مهسا برگرداند، دوره‌ای که توسط نهادهای حکومتی با زنان به‌عنوان بدحجابی مقابله می‌شد و هنوز اعتراضات گسترده شکل نگرفته بود. از سوی دیگر رژیم نمی‌خواهد مفهوم ساده "حجاب یک امر اختیاری است" را در مغزهای فندقی سران و مسئولین و سرکوبگران این نظام ارتجاعی جای دهد، چون حجاب پرچم اسلام سیاسی است.

وجه دیگر این اعتراض عریان بروز یک نقطه عطف جدید در مسیر مبارزه علیه حجاب اجباری است.

مبارزه‌ای که در دی‌ماه ۹۶ به جنبش دختران خیابان انقلاب معروف شد و دقیقاً پس از قتل مهسا – ژینا امینی به جنبش عظیم زن زندگی آزادی منجر شد. انقلابی که به واسطه حضور گسترده زنان در صف اول مبارزه انقلاب زنانه نام گرفت. حالا بار دیگر مردم ایران و جهان جسارت زنی را در اعتراض عریان می‌بینند که علیه یک رژیم ارتجاعی ایستاده و به خواسته رژیم اسلامی تن نمی‌دهد.

خبر اعتراض آهو دریایی با سرعت بی‌سابقه‌ای جهانی شده است. کاربران شبکه‌های اجتماعی ضمن حمایت از آهو نگرانش هستند و خواهان آزادی بی‌قیدوشرط او هستند. این حقه‌بازی رژیم اسلامی را که مدعی است آهو دریایی نیاز به درمان دارد و او را به مرکز درمان معرفی کرده است را باید بر

سرش خراب کرد.

گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل گفته وضعیت آهو دریایی را به‌دقت دنبال می‌کند. عفو بین‌الملل ضمن نگرانی از وضعیت نامعلوم آهو دریایی، آزادی بدون قیدوشرط او را که در اعتراض به حجاب اجباری لباس از تن درآورده خواستار شده است.

تا آزادی آهو دریایی از پای ننشینیم.

# نزاع رژیم "برقع" با رژیم "حجاب" بر سر اعدام!

سینا پدرام

طالبان پس از گزارش سازمان حقوق بشر ایران درباره افزایش اعدام افغانستانی‌ها از جمهوری اسلامی خواست شهروندان محکوم را به افغانستان تحویل دهد. سابقاً نیز وزیر خارجه طالبان، امیرخان متقی، در نشست "علما و متنفذین قومی" در کابل گفته بود "در زندان‌های ما به آن تعداد که شما اعدام می‌کنید، زندانی وجود ندارد."

این اولین بار نیست که این دو نماینده الله بر سر "مجازات" افغانستانی‌های مقیم ایران با هم به نزاع می‌پردازند. مضحک و چندش‌آور است.

مثال معروفی است که می‌گوید "دیگ به دیگ میگه، روت سیاه".

این دو "برادر مسلمان" هرازگاهی خشتک همدیگر را پاره می‌کنند تا به عالمیان ثابت کنند که چقدر از "حقوق" شهروندان خود دفاع می‌کنند! بخصوص در مورد اعدام و قطع دست و انگشت این جانیان رکورددار منطقه هستند.

هر دو رژیم اسلام که انسان‌ستیزی، زن‌ستیزی، کودک‌آزاری، حیوان آزاری، خشونت و غیره از خصوصیات ویژه هر دو به شمار می‌آیند، محصول و فرآورده‌های غرب و آمریکا در نیم‌قرن اخیر هستند. این نمایندگان خدای اسلامی هدیه "حکومت‌های دمکراتیک غرب" هستند که برای

مقابله با "خطر کمونیسم" زندگی میلیون‌ها زن، مرد و کودک را به تباهی کشیده‌اند.

رژیم اسلامی در ایران که محصول دوران جنگ سرد است، برای سرکوب انقلاب آزادیخواهانه ۵۷ در یک "تفاهم" تاریخی مابین آمریکا و چند دولت اروپایی و جنبش ملی –اسلامی به اریکه قدرت رانده شد. به‌قدرت‌رسیدن مجدد طالبان نیز نتیجه شکست فضاحت‌بار "نظم نوین جهانی" و سناریوی رژیم چنج غرب و آمریکا در قرن ۲۱ است.

اما پروژه هر دو رژیم چیزی نیست جز مبارزه بر علیه جنبش عدالت‌خواهانه و مساوات‌طلبانه مردم هر دو کشور. در تقابل با این ارتجاع اسلامی

**انقلاب زن زندگی آزادی است که راه نجات زنان در ایران و افغانستان را نشان می‌دهد.**

**هر دو سوی این نمایندگان جنبش ضدبشری اسلامی می‌دانند که بدون اعدام و سرکوب یک‌لحظه نیز پابرجا نخواهند ماند و هر دو رژیم می‌دانند که حیاتشان به "تار موی زنان بند است"**

# قوه قضائیه: جمشید شارمهد پیش از اعدام "فوت کرد"

کیوان جاوید

قوه قضائیه جمهوری اسلامی روز هفتم آبان اعلام کرد که "جمشید شارمهد به سزای اعمال خود رسیده است" و مسعود پزشکیان در واکنش به دولت آلمان گفته بود: "باورکردنی نیست وقتی یکی را در کشورمان "اعدام" می‌کنیم، می‌گویند شما حقوق بشر را رعایت نمی‌کنید."

از این "ترفند" جدید حکومت چه نتیجه می‌توان گرفت؟ "شارمهد به سزای اعمالش رسیده" قطعاً به این معنی نیست که او در هواخوری زندان

پایش لیز خورده و سرش به سنگ اصابت کرده و فوت کرده است و معنی موضع گیری پزشکیان هم قطعاً همین است که شارمهد اعدام شده است.

نتیجه این مزخرف‌بافی آخوندی قوه قضاییه رژیم این است که فشار اعتراضی مردم همراه با برخورد شدید دیپلماتیک و سیاسی دولت آلمان که در قدم اول کنسولگری‌های این رژیم جانی را بسته است و قصد دارد فشار سنگین سیاسی به جمهوری اسلامی در سطح اروپا وارد کند، دور از انتظار مقامات رژیم اسلامی بود. فکر می‌کردند دولت آلمان باز هم غرولندی می‌کند و اوضاع بعد از چندی به حالت عادی بر می‌گردد و "گفتگوهای انتقادی" اروپا با رژیم اسلامی ازسرگرفته می‌شود. تیر حکومت اینبار

به سنگ خورده، کمانه کرده و به‌سوی خودش برگشته است.

این فشار دولت آلمان نیز تصادفی و فقط به این دلیل صورت نگرفته است که یکی از شهروندانش بدست جلادان جمهوری اسلامی ربوده و شکنجه شده و نهایتاً اعدام شده است. سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی در تضاد شدید با سیاست‌های اروپا قرار گرفته است و ارسال موشک و پهپاد به روسیه در جنگ علیه اوکراین و مسلح‌کردن نیروهای نیابتی و اعمال تروریستی در منطقه در تضاد شدید با منافع دول اروپایی است. این تضاد منافع وقتی در کنار یک جنبش عظیم سرنگونی‌طلبی در ایران قرار می‌گیرد ورق را به ضرر حکومت بر می‌گرداند و به دولت‌های

اروپایی جرئت می‌دهد که علیه رژیم اسلامی سیاست قاطعی اتخاذ کنند.

غزاله، دختر جمشید شارمهد با توصیف "اعدام‌کنندگان" پدرش به عنوان "جهادی‌های بزدل حکومت اشغالگر"، خواستار مجازات آن‌ها شده است. همه ما نیز همراه با غزاله خواهان محاکمه جانیان حکومت اسلامی هستیم.

وقتی رژیم از اعدام به "فوت" جمشید شارمهد عقب‌نشینی می‌کند ما بیشتر به قدرت روزافزون خود پی می بریم و اتحاد و همبستگی خودمان را صدچندان می کنیم. قدرت ما مردم مایه وحشت حکومت است.

# غزه: عروسک‌های شادی برای کودکان غمگین

محسن ابراهیمی

بمباران‌ها در غزه همچنان ادامه دارند. خانه‌ها همچنان ویران می‌شوند. کودکان همچنان لت‌وپار می‌شوند. گرد مرگ همچنان بر چهره شهر می‌نشیند. زندگی اما مقاومت می‌کند. حتی غرش مرگ‌زای جت‌های نتانیاهو هم در مقابل قدرت نوع‌دوستی و انسانیت کم می‌آورد. حتی در بستر ویرانه‌های جنگ هم قلب‌هایی بزرگ برای کودکان بی‌پناه می‌تپند. انسان‌دوستی قدرتمند است. آنچنان قدرتمند که حتی در فضای تیره‌وتار و خون‌آلود، بر فراز تل جنازه‌ها و کشتارها و آوارگی‌ها، زیر باران بمب‌های ویرانگر نتانیاهو، روی تونل‌های

آدمکشان همدست خامنه‌ای تلاشی انسانی برای نشاندن خنده بر چهره اندوهناک کودکان در جریان است.

مهدی کریره، هنرمندی است که در میان ویرانه‌ها می‌چرخد؛ قوطی‌ها و پلاستیک‌ها و پارچه‌ها و زباله‌های باقیمانده از ویرانه‌ها را جمع می‌کند؛ با آنها عروسک می‌سازد و برای کودکان غم‌زده، هراسان، ناامید و بی‌پناه غزه نمایش عروسکی راه می‌اندازد و لبخند بر چهره‌های اندوهگینشان می‌آورد.

مهدی می‌گوید "وقتی عروسک‌ها ظاهر می‌شوند، پچ‌پچ‌ها و لبخندها آغاز می‌شوند و خنده‌ها اوج

می گیرند. پسری یا دختری به یکی از شخصیت‌ها نزدیک می‌شود تا سلام کند و همه با شادی به آسمان لبخند می‌زنیم.“ مهدی در میان غم، شادی؛ در میان ناامیدی، امید؛ در میان مرگ، زندگی خلق می کند. مهدی لبخند می کارد، با یک‌دنیا امید که زندگی درو کند! او می گوید: ”ما انسانیت را خواهیم ساخت، بدون تسلیم‌شدن و بدون افراط گرایی.“

می‌بینیم که این فقط لحظات انقلاب نیست که باشکوه‌ترین خلاقیت‌ها، عمیق‌ترین انسان‌دوستی نهفته در انسان‌ها را از زیر آوار نظام‌های انسان ستیز بیرون می کشد، شکوفا می کند و در مقابل چشم جهانیان به نمایش می گذارد. میدان تحریر مصر فقط یک نمونه بود. در هجده روزی که

میدان تحریر در دست جوانان به‌پاخاسته بود، باشکوه‌ترین جلوه‌های همدردی و هم رزمی و نوع‌دوستی به نمایش گذاشته شد.

هنرمند کودکان در غزه تنها نیست. نباید تنها باشد. دستان خلاق و مهربانش را به گرمی می‌فشاریم. می‌توان تصور کرد وقتی کرکس‌های مرگ‌آور اسرائیل از بالای سر کودکان بی‌پناه غزه ناپدید شوند؛ وقتی تونل‌های زیر پای کودکان از مارهای سمی حماس پاک شوند؛ آنگاه خلاقیت انساندوستانه رها شده از چنگال خونین "ویرانگران انسانیت"، با چه خلاقیت شگفت‌آوری خواهند توانست جهانی سرشار از لبخند و شادی برای کودکان جان بدر برده هدیه کنند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۸۱

۷ نوامبر ۲۰۲۴ – ۱۷ آبان ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

## در این شماره ژورنال:

زمینه‌های انتخاب مجدد ترامپ

سئوال از حمید تقوایی

دست چپاولگران حکومتی از منابع انرژی کوتاه

عبدل گلپریان

سینمای اعتراضی، نگاهی به پیام جهانی "دانه انجیر معابد"

میلاد رسایی منش

جایزه گنکور و "دختر علوم تحقیقات"!

آذر پویا

# زمینه‌های انتخاب مجدد ترامپ

## سئوال از حمید تقوایی

**آذر پویا: اخبار انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا مدت‌ها در رأس اخبار جهان قرار داشت. بالاخره روز چهارشنبه ۶ نوامبر دونالد ترامپ با بدست آوردن ۶۸ رای الکتورال بیشتر از رقیب انتخاباتی خود کامالا هریس، به ریاست جمهوری ایالات متحده برگزیده شد. به نظر شما چرا مجدداً ترامپ که آشکارا یک راسیست است و بسیاری از رسانه‌ها و سیاستمداران آمریکا، حتی کامالا هریس در کمپین انتخاباتی‌اش، او را فاشیست می‌نامند، به ریاست‌جمهوری انتخاب می‌شود؟**

**حمید تقوایی: به نظر من انتخاب ترامپ چه در دور اول ریاست‌جمهوری‌اش و چه امروز بخاطر مواضع و سیاست‌های راسیستی او نیست بلکه به این دلیل است که او یک سیاستمدار متعارف – حتی یک جمهوریخواه متعارف – نیست. پدیده ترامپ و ترامپیسم نشاندهنده این واقعیت است که مردم آمریکا از رهبران و سیاست‌های هر دو حزب حکومتی در این کشور رویگردان شده‌اند و خواستار تغییر اساسی اوضاع هستند. ترامپ بخصوص در دور اول انتخابش در سال ۲۰۱۶، از یک موضع راست افراطی علیه سیاستمداران حرفه‌ای و سنتی و کل سیستم حکومتی در آمریکا سخن می‌گفت و خود را شخصیتی خارج از سیستم که می‌خواهد واشنگتن را لایروبی کند**

معرفی می‌کرد. در کمپین انتخاباتی اخیرش هم با همین لحن در مورد بایدن و هریس و دیگر چهره‌های حزب دموکرات و حتی مخالفینش در حزب جمهوریخواه سخن می‌گفت. در این دور تورم و گرانی بیسابقه در آمریکا، که خود یک عارضه جهانی سرمایه‌داری است، نیز به کمک ترامپ آمد و او مدام بر این تأکید می‌کرد که وضعیت معیشتی مردم آمریکا در دوره او بسیار بهتر از دوره بایدن بوده است. از این نقطه‌نظر می‌توان گفت که در این انتخابات ما با پدیده کلاسیک سربلند کردن فاشیسم در دوره‌های رکود و یا تورم سرمایه‌داری مواجه هستیم. آلترناتیو جامعه در برابر این عروج فاشیسم تنها می‌تواند چپ انقلابی باشد که متأسفانه در

صحنه سیاسی آمریکا چنین نیرویی غایب است. نزدیک‌ترین چهره سیاسی به چنین نیروی چپی، برنی ساندرز بود که در جریان انتخاباتی ۲۰۱۶ آمریکا کاندید شد ولی حزب دموکرات کنارش گذاشت و هیلاری کلینتون را بعنوان کاندید خود اعلام کرد. برنی ساندرز خود را سوسیالیست می‌نامد و در نظر پرسی‌ها بعنوان محبوب‌ترین سیاستمدار آمریکا شناخته شده است ولی البته برای حزب دموکرات آمریکا و کلاً فضای سیاسی در آن کشور چنین شخصیتی "چپ افراطی" محسوب می‌شود که باید به هر شکل جلواش گرفته شود. (در انگلیس هم نظیر همین اتفاق برای جرمی کوربین افتاد). در چنین شرایطی که جامعه آمریکا از سیاستمداران متعارف رویگردان شده

تنها چپ رادیکال می‌تواند از یک زاویه مترقی و انسانی سیستم موجود را بچالش بکشد. در غیاب چنین نیرویی راست افراطی و شارلاتان‌هایی نظیر ترامپ میداندار می‌شوند.

انتخاب ترامپ مومنتم تازه‌ای به احزاب راست افراطی و راسیست در آنسوی آتلانتیک و در سطح جهانی خواهد داد و در خود آمریکا نیز زمینه‌ساز خارجی‌ستیزی و زن‌ستیزی و کلاً مواضع عقب‌مانده و ضدانسانی ارتجاعی در مقابل هر حرکت مترقی و پیشروئی خواهد شد. باید امیدوار بود و تلاش کرد تا جنبش‌های مترقی و پیشرو، نظیر "می تو" و "می‌خواهم نفس بکشم" و حمایت از مهاجرین و حفظ محیط زیستت و نظایر آن

**فعال‌تر از همیشه بمیدان بیایند و یکه‌تازی‌های ترامپیستهای فاشیست را مهار کنند. انتخابات اخیر آمریکا یکبار دیگر نشان داد که جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی تبدیل می‌شود.**

# دست چپاولگران حکومتی از منابع انرژی کوتاه

عبدل گلپریان

محمدجعفر قائم پناه، معاون اجرایی مسعود پزشکیان، گفته است: "کمبود برق، انرژی و گاز داریم و برای کم‌کردن خاموشی‌ها باید چند درجه هوای خانه را کاهش دهیم و گاز و برق کمتری مصرف کنیم". او اضافه کرد: "بخشی از موضوع ناترازی انرژی در کشور، ارزانی شدید و یارانه‌هایی است که پرداخت می‌شود."

مفتخوران حکومتی در حالی از "کمبود برق، انرژی و گاز" سخن می‌گویند که مردم ساکن در ایران بر روی بزرگ‌ترین منابع انرژی، نفت

و گاز زندگی می‌کنند اما طی حاکمیت ۴۵ساله دزدان و چپاولگران اسلامی از سرمایه و هستی که متعلق به خود آنان است محروم هستند.

مردم به‌خوبی چپاولگران هستی‌شان را می‌شناسند. از خامنه‌ای و بیت رهبری گرفته تا آدمکشان و تروریست‌های سپاه پاسداران برای پرتاب پهپاد و موشک و ایجاد ناامنی در سراسر کشور و کل منطقه، از مجلس‌نشینان گرفته تا گله‌های بسیج و حجاب بان جیره‌خوار که با حیف‌ومیل ثروت و هستی جامعه، در تلاش‌اند تا در خدمت به جنگ‌افروزی‌شان برای تداوم یک روز بیشتر به عمر سراپا نکبت این رژیم بیفزایند.

دزد سالاران اسلامی حاکم، جامعه را نه تنها با مشکل جدی برق، گاز و دیگر نیازمندی‌های اولیه مواجه کرده‌اند بلکه با تحمیل فقر و محرومیت، مردم را از ابتدایی‌ترین نیازمندی‌های روزانه بی بهره ساخته‌اند. افزایش چند برابری بودجه برای سرکوب در داخل و اختصاص انرژی و دیگر ابزار آلات نظامی برای ایجاد فضای جنگی در کل منطقه و تحمیل فقر زیر خط گرسنگی، ارمغان بیش از چهار دهه دزدان و قاتلان اسلامی حاکم بر مردم است. محروم کردن مردم از ابتدایی‌ترین نیازمندی‌های روزانه‌شان مصداق جنایت علیه بشریت است. باید علیه این تباهی روزمرگی با تمام قدرت بپا خاست. مردم فرمان پایان دادن به جهنم اسلامی را هرروزه در خیابان‌ها

با خواست منزلت معیشت حق مسلم ماست، با فریاد جنگ‌افروزی را رها کن فکری به حال ما کن بر سر حاکمان و باندهای مافیای اسلامی فرود می‌آورند.

همانگونه که طی حرکت‌های باشکوهمان در ۹۶، ۹۸ و ۱۴۰۱ این چپاولگران را تا لب گور روانه کردیم، می‌توانیم باقدرت متحد و همبسته خود آخرین ضربه نهایی را بر پیکر این شبکه مافیای غارت و چپاول و در حال مرگ فرود آوریم.

# سینمای اعتراضی، نگاهی به پیام جهانی

# "دانه انجیر معابد"

میلاد رسایی منش

فیلم دانه انجیر معابد، ساختهٔ محمد رسول‌اف، داستانی تکان‌دهنده و عمیق دربارهٔ زندگی در سایهٔ سرکوب و محدودیت‌های اجتماعی در ایران روایت می‌کند. این فیلم تصویرگر مبارزهٔ مردم، به‌ویژه زنان، در برابر قوانین و محدودیت‌های سرکوب‌گرانه جمهوری اسلامی پرداخته و نمادی از جنبش «زن، زندگی، آزادی» و خواستی برای دستیابی به عدالت و حقوق برابر است. فیلم با ظرافت و دقت، زندگی‌هایی را به تصویر می‌کشد که تحت‌فشار و نظارت مداوم هستند،

اما به‌گونه‌ای عمیق و انسانی مبارزه می‌کنند.

یکی از برجسته‌ترین دلایل موفقیت و کسب سه نامزدی در اسکار اروپایی برای این فیلم، روایت واقع‌گرایانه و هنرمندانه‌ای است که رسول‌اف به نمایش گذاشته است. او با استفاده از نمادها و کنایه‌های قدرتمند، داستانی را روایت می‌کند که جهان‌شمول است و درعین‌حال، به طور خاص به مردم ایران مربوط می‌شود. روایت فیلم، تصویری واقعی از مبارزه‌ای سخت و مقاومتی بی‌پایان در برابر سرکوب را به مخاطب منتقل می‌کند و از این طریق توجه جهانی را به مسئلهٔ حقوق بشر و وضعیت حقوق زنان در ایران جلب کرده است.

فیلم دانه انجیر معابد علاوه بر کیفیت هنری برجسته، به‌خاطر توانایی‌اش در بیان حقیقت‌های ناگفته و شرایط دشوار، مورد تحسین بین‌المللی قرار گرفته است. این فیلم، با بازی‌هایی قوی و کارگردانی ماهرانه رسول‌اف، موفق شده است داستانی را روایت کند که احساسات عمیق مخاطب را برمی‌انگیزد و او را به همدردی با مبارزات مردم ایران وامی‌دارد. روایت این فیلم به‌گونه‌ای است که فاصله عمیق زندگی مردم معمولی و حکومتیان را به نمایش می‌گذارد و تماشاگر را به دنیای شخصیت‌ها وارد می‌کند و به آن‌ها اجازه می‌دهد درد، امید و خشم مردم را تجربه کنند.

دلیل موفقیت و انتخاب این فیلم در جوایز اسکار اروپایی نه فقط دستاوردی هنری، بلکه به‌عنوان پیام قدرتمندی از طرف مردم ایران به جهان محسوب می‌شود: مقاومت در برابر ظلم و سرکوب و ایستادگی برای آزادی و عدالت. دانه انجیر معابد، فراتر از یک فیلم، صدای معترضان، مبارزان و به‌ویژه زنان ایرانی است که در برابر ستم و محدودیت‌ها تسلیم نمی‌شوند و در مسیر دستیابی به حقوق انسانی خود مصمم‌اند. انتخاب این فیلم، پیامی است به دنیا که جنبش زنان و حقوق بشر در ایران همچنان زنده و پرتوان است و تا رسیدن به عدالت ادامه خواهد یافت.

# جایزه گنکور و "دختر علوم تحقیقات"!

آذر پویا

طبق اخبار رسیده مهم‌ترین جایزهٔ ادبی فرانسه، امسال به کمال داوود، نویسندهٔ الجزایری – فرانسوی، اهدا شد که رمان "حوری‌ها" را دربارهٔ وضعیت زنان در کشورش (الجزایر) نوشته است. جایزه گنکور بیش از ۱۲۰ سال قدمت دارد و معتبرترین جایزهٔ ادبی فرانسوی‌زبان به شمار می‌رود. آقای داوود روز سه‌شنبه ۱۴ آبان پس از دریافت این جایزه، به مبارزات زنان ایرانی اشاره کرد و به خبرنگاران گفت که شخصیت اصلی رمانش تجسم همهٔ زنان از جمله زن معترضی است که به‌تازگی در یکی از دانشگاه‌های ایران

برهنه شد. کمال داوود پیش‌تر نیز دربارهٔ مسائل ایران بارها اظهارنظر کرده است. این نویسنده در جریان جنبش "زن زندگی آزادی" در مطلبی با عنوان "حجاب، زن‌کشی است"، نوشته بود: "حجاب می‌کشد. مرگ مهسا امینی بار دیگر این گواه را یادآوری می‌کند."

اینکه شهامت و شجاعت زنان در ایران بخصوص بعد از انقلاب ژینا زبان زد خاص و عام شده است تردیدی نیست. در همان مقطع هم دیدیم که چگونه دنیا برای مبارزات زنان ایران کلاه از سر برگرفت، وکیل و وزیر به اظهارنظر و تحسین و تمجید زنان پرداختند و شجاعتشان را ستودند.

جنبش آزادیخواهی زنان در ایران تاریخ طولانی دارد، این جنبش مرتباً و به اشکال مختلف پیشرفته است. در انقلاب زن زندگی آزادی دستاوردهای ارزشمند و غیر قابل برگشتی را صاحب شد که با چنگ‌ودندان از آنها مراقبت می‌کند. در این راه عزیزان زیادی را از دست داده‌ایم و زنانی چون سپیده قلیان، نرگس محمدی، گلرخ ایرایی، زینب جلالی و صدها زن در بند دیگر با جان و هستی‌شان از این دستاوردها محافظت می‌کنند. دیدیم که چگونه آهو دریائی با اعتراض جسورانه‌اش و ایستادگی با صلابتش، از تنش سنگری و از هر تار مویش تیری ساخت و مصممانه به جنگ لشکریان اسلام رفت.

بی‌جهت نیست که آقای کمال داوود پس از دریافت جایزه‌اش به "دختر علوم تحقیقات" اشاره می‌کند و می‌گوید: که شخصیت اصلی رمانش تجسم همهٔ زنان ازجمله زنی است که در یکی از دانشگاه‌های ایران لباس‌هایش را درآورد.

پیروزی انقلاب در ایران قطعاً در آزادسازی جامعه جهانی زنان از بند خرافات مذهبی و فرهنگ مردسالار تأثیر بسزایی خواهد داشت. با مبارزات متحدانه و اعتراضات سراسری و یکپارچه و در حمایت از آهو دریائی‌ها تا رسیدن به خواست‌هایمان از پای نمی‌نشینیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۸۲

۹ نوامبر ۲۰۲۴ – ۱۹ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

اعتراض عریان میدان یک جنگ

سخنرانی مریم نمازی

مجمع جهانی دانشجویان و حمایت از آهو دریایی

پیمان بخشایش

جامعه‌ای که انقلاب را فریاد می‌زند

شهلا دانشفر

۶۴ میلیارد دلار افزایش ثروت در یک شب

کاظم نیکخواه

# اعتراض عریان میدان یک جنگ

## سخنرانی مریم نمازی

سازمان "فمن" و "قانون برابر برای همه" خواستار برگزاری روز جهانی برای دفاع از آهو دریایی را روز هشتم نوامبر اعلام کرده بودند. در چندین شهر از جهان به ابتکارهای جمعی و فردی بسیاری از این روز حمایت کرده تا توجه جهان را به سرنوشت آهو دریایی جلب کنند و بپرسند او کجاست؟ و خواستار آزادی او شوند.

در این روز در میدان پیکادلی" لندن فعالین حقوق زنان تجمع کردند و چندین زن با اعتراض عریان و سوتین لباس زیر شبیه آهو پوشیده در این تظاهرات

شرکت کردند. مریم نمازی در این تجمع اعتراضی سخنرانی کرد و گفت:

آهو به دلیل برهنه شدن در محوطه دانشگاهش با خشونت دستگیر شد و به بهانه "روانی بودن" در بخش روانپزشکی بیمارستان تهران بستری و در واقع زندانی شده است. در حقیقت هیچ‌چیز دیوانه‌ای در مورد فریاد آهو علیه زن‌ستیزی وجود ندارد. زنان مبارز همواره از سوی رژیم اسلامی در ایران و همچنین در طول تاریخ، با برچسب روانی و مجنون روبرو شده‌اند. در واقع این رژیم، قوانینش، اسلام، دین، زن‌ستیزی، مردسالاری است که دیوانه است نه آهو.

برخی می‌پرسند اعتراض برهنه چرا؟ برهنگی

برای‌آنکه نقطه مقابل حجاب است. واژگونی زنی "ایده‌آل" است که باید مطیع، فرمانبر باشد و از فضای عمومی محو شود. رژیم اسلامی زنان بی‌حجاب را برهنه می‌خواند. ما به شما نشان خواهیم داد که برهنگی چیست. اصرار اسلامیون برای محو کردن زنان، بدن آنها، صدای آنها، انسانیت آنها از فضای عمومی، برهنگی را شکل مهمی از مقاومت تبدیل کرده است.

می‌پرسند، پس شما می‌خواهید همه زنان به قول رژیم برهنه باشند؟ شاید شما مفهوم "بدن من، انتخاب من" یا نحوه عملکرد حقوق را درک نمی‌کنید. حق سقط‌جنین یا حقوق همجنس‌گرایان به این معنا نیست که شما باید سقط‌جنین کنید یا

همجنس گرا باشید.

برهنگی زنان به‌عنوان اعتراض، نفرت و زن‌ستیزی عمیق در جامعه را آشکار می‌کند. به‌ویژه زمانی که بدن او خارج از محدودیت‌های پذیرفته شده اجتماعی یعنی بین یا باکره یا "فاحشه" بودن، باید در دست او خود باشد.

بااین‌حال، اغلب اپوزیسیون رژیم اسلامی هم برهنگی را با انحراف یکی می‌دانند. این نگاه همانند نگاه اسلامی‌ها به زنان و بدن آنها است. پاسخ اینها همان شعار زن، زندگی، آزادی "هیز توی، هرزه توی، زن آزاده منم" است.

باید گفت که برهنه شدن آهو محور و جوهر انقلاب زن، زندگی، آزادی است. بحث فقط حجاب نیست. مو ادامه بدن است. بدن زنان شرم‌آور نیست. ناموس بین پاهای زن و  در سینه‌های او نیست. همانطور که ژیزل پلیکو در دادگاه تجاوز دسته‌جمعی خود که در فرانسه در جریان است گفت: "طرفِ شرم باید عوض شود." این رژیم اسلامی ایران، زن‌ستیزها، پدرسالاران هستند که باید شرمنده باشند، نه آهو. مشکل بدن زنان نیست، مشکل زن‌ستیزی عمیق شماست.

اعتراض برهنه بدن زنان درملأعام قد علم می‌کند و باز تعریف می‌کند که چه کسی بدن او را کنترل می‌کند – نه دین، فرهنگ، پدرسالاری، و قطعاً

نه "مرد، میهن، آبادی" همان خواست همیشگی مردسالاری که در تقابل با "زن، زندگی، آزادی" مطرح شد.

اعتراض برهنه میدان جنگ برای سرکوب را به میدان نبرد برای رهایی خود و جامعه تبدیل می‌کند. اعتراض عریان تجسم‌کردن مجدد جهان دیگری را که نه بر اساس "مرد، میهن آبادی"، بلکه بر پایه عمیق "زن، زندگی، آزادی" را فراهم می‌کند.

# مجمع جهانی دانشجویان و حمایت از آهو دریایی

## پیمان بخشایش

آهو دریایی، دختری شجاع و دلاور که آوازه‌اش جهانی شد. در ادامه حمایت‌های جهانی از آهو دریایی روز جمعه ۱۸ آبان - ۸ نوامبر، مجمع جهانی دانشجویان از آهو دریایی، "دختر دانشجوی علوم و تحقیقات " دفاع کرد و با انتشار بیانیه‌ای خواهان فشار به جمهوری اسلامی برای آزادی او شد.

آهو دریایی در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی کاری کرد که سرآغاز یک موج خروشان در آینده‌ای نزدیک خواهد شد. جمهوری اسلامی

با تمامی قساوتش در نسل‌کشی دههٔ شصت با احکام ننگین سنگسار و قصاص و حدودش در مخیله‌اش نمی‌گنجید که دختری جوان در اعتراض به گیردادن مأمورین حجابش تمامی لباس‌هایش غیر از لباس زیرش را در بیاورد. دختری که می‌تواند تجسم همه زیبایی‌های زندگی باشد. هم همچنین میلیتانت و معترض. تمامی آنچه که آهو دریایی انجام داد چشمان ایرانیان و جهان برابری‌طلب و حق‌طلب را خیره کرد.

جمهوری اسلامی سعی دارد او را به لحاظ روانی مهجور و سخیف العقل جلوه دهد تا ضرب عمل اعتراضی او را بگیرد. اما به‌غایت واضح است که تمامی ترس جمهوری اسلامی از آینده‌ای

نزدیک است که در آن زنان و دختران عاصی از مذهب با سلاح بدن عریانشان به جنگ حکومتی قرون‌وسطایی می‌روند. حمایت از آهو دریایی و همراهی با سازمان‌های متمدن بشری از جمله مجمع جهانی دانشجویان در ادامهٔ دفاع همه‌جانبه از آزادیخواهی در ایران است. ادامه حمایت‌های خیره‌کننده از انقلاب زن زندگی آزادی است. نباید اجازه داد جمهوری اسلامی "آهو"ی سرکش ما را مورد تعرض روحی و روانی سیستماتیک قرار دهد. "آهویی" که آتش به خرمن ارتجاع زد آزاد باید گردد و روی دستان ما به‌عنوان یک قهرمان بلند شود. آهو دریایی هنوز گرفتار دستان خونین جمهوری اسلامی است. ما ایرانیان مبارز در خارج کشور با تماس از هر نهاد و تشکلی که

**در محل زندگی خود می‌شناسیم کمک بخواهیم تا به حکومت اسلامی اعتراض کنند و خواهان آزادی بی‌درنگ آهو دریایی شوند. هر یک از ما همچون آهو دریایی عزیز می‌توانیم نقشی مهم در گسترش مبارزه برای تحقق آزادیخواهی و انسان‌دوستی و تداوم کرامت انسانی باشیم.**

**من به زنان مبارز ایران رأی میدهم.**

# جامعه‌ای که انقلاب را فریاد می‌زند

شهلا دانشفر

بازنشستگان تامین اجتماعی در کرمانشاه و دیگر شهرها در ادامه یکشنبه‌های اعتراضی و جهت پیگیری مطالبات خود برای بیستم آبان‌ماه فراخوان به تجمع داده‌اند. کرمانشاه یک کانون داغ اعتراضات بازنشستگان است و پیشتاز برپایی تجمعات مشترک و الگویی برای اتحاد صف ۲۵ میلیونی بازنشستگان در سطح سراسری هستند.

در پانزده آبان تجمع مشترکی از بازنشستگان کشوری، تأمین‌اجتماعی، بهداشت‌ودرمان، مخابرات و سایر صندوق‌های بازنشستگی کرمانشاه برگزار شد که حضور زنان در آن چشمگیر بود. روزی

تاریخی و نقطه عطفی در مبارزات بازنشستگان و کل جامعه و بازنشستگان شعار می‌دادند: "آهوی دریایی آزاد باید گردد"، "نه جنگ میخوایم نه کشتار، رفاه میخوایم ماندگار"، "تورم، گرانی، نه به جنگ و ویرانی"، "جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه"، "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد". این شعارها فریاد اعتراض کل جامعه هستند که در شهر کرمانشاه توسط بازنشستگان به خشم آمده از فقر و بی تأمینی فریاد زده شد.

اعتراض عریان آهو دریایی، دختر علوم و تحقیقات در ۱۲ آبان در واکنش به برخورد وحشیانه حراست به خاطر حجاب، نمادی از تپش گرم انقلاب زن زندگی آزادی و اقدامی تاریخی، شجاعانه علیه

کل بساط آپارتاید جنسیتی حاکم بود. جامعه پیام آهو دریایی را شنید و به حمایت برخاست و بازنشستگان کرمانشاه بازتاب زیبای این همبستگی بودند.

شعارهای دیگر بازنشستگان از جمله شعار "نه جنگ میخوایم نه کشتار، رفاه میخوایم ماندگار"، و اعتراض علیه جنگ‌افروزی‌های حکومت در تجمعات بازنشستگان در شهرهای دیگر گوشه دیگری از اتفاق مهمی است که در کرمانشاه و در کف خیابان‌ها شاهدیم.

در شرایطی که حکومت تلاش می‌کند با جنگ‌افروزی‌هایش گفتمان انقلاب را حاشیه‌ای کند، آهو دریایی اعتراض عریان می‌کند، دانشجویان

شعار زن زندگی آزادی سر می‌دهند و بازنشستگان با شعار اتحاد، اتحاد علیه فقر فساد جامعه را به اتحاد و اعتراض فرامیخوانند.

این در حالی است که در این هفته پرستاران در بیست شهر تجمع داشتند و از تمدید اعتصاباتشان از ۱۹ آبان به مدت یک هفته سخن می‌گویند. اعتراضات کارگران نفت با گستردگی جریان دارد و در این هفته کارگران ارکان ثالث در ادامه سه‌شنبه‌های اعتراضی خود در پالایشگاه‌های مختلف مجتمع گاز پارس جنوبی تجمع داشتند. دادخواهان نیز در گرامیداشت سالگرد آبان با فریاد کشته آبان ما ۱۵۰۰ نفر صدای رسای دادخواهی هستند. جامعه‌ای که هر روزه تداوم انقلاب را فریاد می‌زند.

# ۶۴ میلیارد دلار افزایش ثروت در یک شب

کاظم نیکخواه

بنا به گزارش بلومبرگ که ثروت میلیاردرها را رصد می‌کند در همان شب پیروزی ترامپ ثروت ده نفر از میلیاردرهای جهان ۶۴ میلیارد دلار، یعنی به‌اندازه بودجه یک سال کشوری مثل ایران افزایش یافت. هیچ بلیط بخت‌آزمایی ای اینچنین شانس نجومی ای به برندگان نمی‌دهد. این ۶۴ میلیارد دلار حاصل یک روز است و طی چهار سال‌های آتی حرکت سیل ثروت به‌سوی آنها مدام جریان خواهد داشت. بیشترین بخش این افزایش یعنی ۲۵.۵ میلیارد نصیب ایلان ماسک شد که روی ترامپ به‌طورجدی شرط‌بندی کرد

و تمام امکاناتش را در اختیار او گذاشت. جف بزوس و بیل گیت نیز میلیاردها دلار افزایش ثروت داشتند. البته فقط میلیاردرها نیستند که از روی کار آمدن ترامپ میلیاردرتر می‌شوند. میلیونرها هم میلیونرتر می‌شوند.

اما این پول‌ها از کجا می‌آید؟ اگر در این سؤال تعمق کنید متوجه می‌شوید که این پول‌ها از جیب آن هفتاد هشتاد میلیون‌نفری که به ترامپ رأی دادند و آن هفتادمیلیونی که رأی ندادند مخفیانه و آشکارا بیرون کشیده می‌شود: از بودجه محیط‌زیست که قرار است بیش‌ازپیش نابود شود و فاجعه پشت فاجعه خلق کند. از کار برده‌وار خیل وسیع مهاجرین که قرار است

زیر تیغ دیپورت بدتر از قبل به هر مشقتی تن دهند تا زنده بمانند. از افزایش قیمت همه چیز. از قطع بیمه‌های ناچیز اجتماعی برای بیماران و بازنشستگان و کودکان، و از هزاران روزنه دیگر. بسیاری از آنها که رأی دادند نگاهشان به میلیاردرهایی مثل ترامپ و ماسک است و آنها را تحسین می‌کنند و از شکوه و عظمت امپراطوری‌های آنها دهانشان آب می‌افتد و در همان حال که آنها را تحسین می‌کنند جیب‌هایشان توسط همین صاحبان ثروت زده می‌شود و خالی‌تر می‌شود. این رأی‌دهندگان قابل سرزنش نیستند. چرا که چهار سال صدارت بایدن و هریس چیزی جز گرانی و فقر و بیکاری و بی تأمینی بیشتر نصیبشان نکرده بود. انتخاب

**دیگری جز پشت کردن به دموکرات‌ها و روی آوری به جمهوریخواهان و ترامپ روبروی آنها قرار نداشت و ندارد.**

**این دور باطل "دموکرات" و "جمهوریخواه" که در اروپا نیز مدام تکرار می‌شود تنها با بیداری اجتماعی و تحولی پایه‌ای می‌تواند شکسته شود. اما میلیاردرها عجالتاً خیالشان تخت است که چنین بیداری و چنین جنبش تحول بخشی در افق آمریکا دیده نمی‌شود.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۸۳

۱۰ نوامبر ۲۰۲۴ – ۲۰ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره:کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

از جنگ سنگر به سنگر تا حمله بزرگ

سینا پدرام

ترانه و آهو و مهسا، نبردی بی‌وقفه برای زندگی

کیوان جاوید

قتل شارمهد و عراقچی وزیر یک حکومت قاتل

حسن صالحی

کولبران و سوختبران شایسته یک زندگی بهتر

هژار علیپور

# از جنگ سنگر به سنگر تا حمله بزرگ

## سینا پدرام

**بیانیه مشترک فعالین و تشکل‌ها: "راه خروج از بحران جنگ‌افروزی، نقش‌آفرینی ما مردم آزادی‌خواه و سازماندهی اعتراضات و اعتصابات سراسری و برپایی اعتصاب عمومی است."**

**در این بیانیه مشترک که روز جمعه ۱۸ آبان‌ماه توسط بیش از ۱۲۰ تشکل دانشجویی، دانش‌آموزی و فعالین سیاسی و اجتماعی منتشر شد به نکات بسیار ارزشمندی در ارتباط با چگونگی مبارزه با رژیم اسلامی و شروط پیروزی انگشت گذاشته شده است که شایسته دقت و تأمل است.**

بیانیه باتوجه به دستاوردهای زن زندگی آزادی، شرایط موجود و متحول سیاسی ایران، جنگ افروزی‌های اخیر رژیم و جایگاه مبارزه متشکل در ادامه مبارزات مردم به درست به امر اعتصاب عمومی اشاره کرده و به اهمیت آن در اعتلای مبارزات تأکید کرده است.

از سوی دیگر بیانیه مسئله تشکل‌یابی در شوراها، جمع‌ها و نهادهای مبارزاتی در محلات و شهرها برای مقابله با حربه‌های رژیم برای سرکوب ارزیابی کرده و مردم را برای مقاومت در مقابل رژیم فرامی‌خواند.

بیانیه در ادامه باتوجه به موشک‌پرانی‌های رژیم، موقعیت ضعیف رژیم در منطقه و جهان سرنگونی رژیم به دست خود مردم را راه نجات می‌داند و هر

**گونه تغییر رژیم از بالای سر مردم و بدون دخالت مردم را راهی عبث می‌داند. در این بیانیه می‌خوانیم: "ما، مردم آزادی‌خواه، نه‌تنها در کنار حکومت جنگ‌افروز نیستیم؛ بلکه منتظر معادلات خارجی و "ناجی" هم نبوده و نخواهیم ماند. راه نجات ما در مبارزه جمعی، سازماندهی شده و مقاومت خودمان با پرچم زن زندگی آزادی است."**

**جنبش‌های اجتماعی و کارگری در ایران نه‌تنها آگاهانه در مقابل رژیم اسلامی به میدان آمده‌اند، بلکه آلترناتیوهایی مانند رژیم‌چنج، جابه‌جایی قدرت از بالای سر مردم و بدون دخالت آنان و از همه مهم‌تر بدون تغییر در شرایط رفاهی و اجتماعی خود را به رسمیت نشناخته و قبول نخواهد کرد.**

**اما این بیانیه گویای یک واقعیت امروز سیاست ایران نیز هست. در ادامه انقلاب زن زندگی آزادی و باتوجه‌به دستاوردهای آن، مردم ایران در یک جایگاه بسیار قدرتمندتر و تعرضی‌تر در مقابل رژیم قرار دارند. از سوی دیگر این بیانیه شروع تعرضات جمعی‌تر را به جامعه خاطرنشان می‌کند. از جنگ‌های "سنگر به سنگر" دوره‌های اخیر، از مقاومت زندانیان سیاسی تا اعتراض عریان آهو دریایی و مبارزات مردم که روزبه‌روز متحدانه‌تر می‌شود.**

# ترانه و آهو و مهسا، نبردی بی‌وقفه برای زندگی

کیوان جاوید

رسانه‌های سینمایی تصاویر جدیدی از ترانه علیدوستی، بازیگر محبوب مردمی را منتشر کرده‌اند که او را بدون حجاب حکومتی نشان می‌دهد. ترانه در روزهای آغازین انقلاب زن زندگی نیز به طور علنی از اعتراضات مردمی حمایت کرده و در مجامع عمومی بدون حجاب حاضر شده است.

از مهسا تا بی‌حجابی ترانه که باعث شد قید کار در سینمای تحت کنترل حکومت اسلامی را بزند و بازداشت شود راه درازی طی نشد. از ترانه تا

آهو دریای هم جاده مبارزه علیه حکومت زن‌ستیز اسلامی کوبیده تر شده است و توفان بنیان‌کن فرهنگ مدرن و ضداسلامی هر روز به یُمن آن انقلاب زیبای زن زندگی آزادی سدهای بیشتری از حکومت اسلامی را در هم می‌کوبد و به جلو می‌تازد.

آن مقاومت مهسا در برابر عفریت سیاه‌پوش اسلامی غرش در آسمان بی‌ابر نبود و بی‌حجابی میلیونی زنان و شخصیت‌های مبارزی چون ترانه علیدوستی نیز ناشی از یک عصیان زودگذر نبوده و نیست. تبلور همه آنچه که در تاریخ مبارزات زنان برای رهایی از قید آپارتاید جنسیتی صورت گرفته است در عریانی آهو دریایی بازتاب یافته است.

**اینها یک زنجیره به هم پیوسته‌اند که اجازه نداده است زن اسیر دست‌وپابسته مذهب و حکومت اسلامی در ایران باشد. این شجاعت زنانه بازتاب یک نبرد عظیم اجتماعی برای رهایی کل جامعه از همه عقب‌ماندگی‌هایی است که به قدمت مذهب به جان زنان و کل جامعه افتاده است. این فریاد رهایی برای انسانی زیستن و دفاع از هویت و کرامت انسانی است که به انقلاب ما معنا می‌دهد.**

**مهسا و ترانه و آهو و آن خیل میلیونی زنانی که در طول حیات خود زیر عبای خونین و چرکین حاکمان اسلامی چیزی جز سرکوب و غم و انکار ندیده‌اند یک زنجیر به‌هم‌تنیده فولادی هستند. از اعتراضات بازنشستگان سالمند کرمانشاه که**

برای معیشت و رفاه به خیابان آمده و فریاد "آهو دریایی آزاد باید گردد" سر داده‌اند تا دانشجویان و کارگران مبارز و پرستاران و معلمان سخت‌کوش که برای زنده‌ماندن و زندگی‌کردن دست به اعتراض می‌زنند دیواری بلند از انسانیت ساخته شده است. در این نبرد برای زندگی متحدتر شویم.

# قتل شارمهد و عراقچی وزیر یک حکومت قاتل

## حسن صالحی

عباس عراقچی وزیر امور خارجه حکومت جنایتکار اسلامی در مصاحبه با خبرنگار اشپیگل در باره قتل حکومتی جمشید شارمهد حد و مرز وقاحت و بیشرمی را در هم نوریده است. او در واکنش به گفته خبرنگار اشپیگل که از ربوده شدن شارمهد در دوبی، شکنجه شدن وی در زندان، نداشتن وکیل و غیرعادلانه بودن محاکمه وی سخن گفته بود بی‌شرمانه پاسخ می‌دهد که "شکنجه در جمهوری اسلامی ممنوع است و شارمهد علناً به اعمال خود اعتراف کرده بود و نیازی به وکیل نداشت و شواهد موجود هم ذکر شده‌اند". زمانی که خبرنگار می‌پرسد آیا

جمشید شارمهد اعدام شدهَ، وقیحانه می‌گوید: "آقای شارمهد دیگر در این دنیا نیست و این‌که آیا او اعدام شده یا به مرگ طبیعی فوت کرده، فرقی نمی‌کند. وقتی مرگ فرابرسد، فرارسیده است."

همه می‌دانند که در زندان‌های جمهوری اسلامی انواع و اقسام شکنجه‌های جسمی و روحی وجود دارد و معترضین دستگیر شده مورد تعرض جنسی نیز قرار گرفته‌اند. همه می‌دانند که آنچه رژیم اسلامی تحت عنوان "اعتراف داوطلبانه" زندانیان از آن یاد می‌کند  تنها زیر شکنجه و تهدید جانی بدست آمده است. کوهی از اسناد و مدارک در این موارد وجود دارد. با استفاده از این اسناد ما همه سران این رژیم جنایتکار و کسانی نظیر

**عباس عراقچی را به جرم جنایت علیه بشریت به یک دادگاه عادلانه خواهیم کشاند. انکار کمکی به شما نخواهد کرد.**

**به عباس عراقچی همچنین باید گفت که شما آنقدر بزدل هستید که حتی حاضر نیستید مسئولیت جنایات خود را بر عهده بگیرید! جمشید شارمهد، این فعال سیاسی را در زندان زیر شکنجه و یا با اعدام به قتل رسانده‌اید و حالا می گوئید "چه فرقی دارد زمان مرگش فرارسیده بود"؟! زهی بیشرمی! معلوم است که حسابی از واکنش عمومی و هم چنین دول غربی و بویژه دولت آلمان به قتل حکومتی جمشید شارمهد و بسته شدن سه کنسولگری خود در آلمان به هراس افتاده‌اید و حالا می‌خواهید کشتن شارمهد**

را مرگ طبیعی جلوه دهید.

اگر کسی مرگش فرارسیده باشد این حکومت ظالم شماست. مفلوک‌ها، از آینده خود بترسید وقتی که مردم حکومت شما را به زیر بکشند و شما حتی نتوانید در هیچ سوراخ موشی خود را پنهان کنید. از عدالت نمی‌توانید بگریزید!

# کولبران و سوختبران

# شایسته یک زندگی بهتر

هژار علیپور

در چند روز گذشته وزیر اقتصاد دولت پزشکیان، عبدالناصر همتی از تصویب طرحی برای "ساماندهی کولبران" و دریافت سرانه یا همان عوارض گمرکی از این کولبران مرزی خبر داده است. به گفته وزیر اقتصاد دولت سیزدهم استانداران استان‌های مرزی موظف به "ساماندهی" کولبران تا پنج سال آینده خواهند بود که به‌موجب این طرح "عوارض گمرکی" در نظر گرفته خواهد شد و این هزینه‌ها از جیب کولبرانی پرداخت خواهد شد که حامل کالاهای وارد شده به داخل کشور از طریق معابر

مرزی انجام می‌گیرد.

این طرح به‌خودی‌خود فشردن گلوی کولبرانی است که بجای اینکه شغل دیگری غیر از "کولبری" داشته باشند و از امکانات و تسهیلات کار با معیارهای استاندارد انسانی برخوردار باشند، عملاً سیاست تبعیض و ستم طبقاتی را بیشتر به این قشر محروم و زحمتکش تحمیل کرده و تازه می‌خواهند از آنان به شیوه رسمی "اخاذی" کنند.

وعده طرح‌هایی این‌چنینی را سران رژیم دزدان و چپاولگران حاکم در هر دوره از حاکمیت منفور اسلامی به مناطق حاشیه‌ای در کردستان و بلوچستان را داده‌اند و هیچگاه عملی نشد. این بار

هم تازه اگر عملی شود، چه دردی را از سفره خالی طبقه زیر خط فقر جامعه با تورم بالا و هزینه‌های کمرشکن زندگی و بحران‌های اقتصادی موجود دوا خواهد کرد. در شش ماه گذشته حدوداً ۱۴۰ کولبر در همین مناطق مرزی کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه کشته و مجروح شده‌اند.

عدم دسترسی مردم و توده کارگر و زحمتکش در استان‌های مرزی از جمله کردستان و حتی مناطق سیستان و بلوچستان به امکانات رفاهی و بیکاری‌های گسترده، هیچ مسیر دیگری برای ادامه حیات و امرار معیشت این مردم به‌جز روی آوردن به کولبری یا سوختبری باقی نگذاشته است. کولبران و سوختبران صاحبان کالاهایی که حمل می کنند

هم نیستند و بلکه با پذیرفتن ریسک و به خطر انداختن جانشان برای دریافت دستمزدی ناچیز مسیرهای صعب‌العبور و پر خطر را طی می‌کنند و فاقد هر نوع بیمه درمانی و یا بیکاری هستند.

مطالبات کولبران خیلی واضح و روشن است، کار قانونی و بیمه بیکاری و پایان‌دادن به قتل و کشتار آنان توسط جمهوری اسلامی، محاکمه کلیه قاتلان و عوامل کشتار کولبران و سوختبران اصلی‌ترین خواست همه کولبران، سوختبران و خانواده‌های دادخواهی است که عزیزانشان توسط جمهوری اسلامی به قتل رسیده‌اند و یا معلول شده‌اند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۸۴

۱۱ نوامبر ۲۰۲۴ – ۲۱ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

اعتراض متحدانه علیه حکم اعدام وریشه مرادی

حسن صالحی

برق خاموش ولی مردم روشن

سینا پدرام

حل مشکل مسکن، موانع و راهکار

اصغر کریمی

فیلترینگ مانع از سرنگونی رژیم نمی‌شود

کیوان جاوید

# اعتراض متحدانه علیه حکم اعدام وریشه مرادی

## حسن صالحی

روز یکشنبه ۲۰ آبان‌ماه اعلام شد که زندانی سیاسی وریشه مرادی از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست قاضی جنایتکار ابوالقاسم صلواتی به اعدام محکوم شده است.

وریشه مرادی مردادماه ۱۴۰۲ در حومه سنندج بازداشت و از بابت اتهام "بغی" مورد محاکمه قرار گرفت. این اتهام به دلیل عضویت در"جامعه زنان شرق کردستان" معروف به "کژار" به این فعال سیاسی وارد شده است. در کیفرخواست اولیه او صدور حکم حبس درخواست شده بود

که مجازات آن حداکثر ۱۵ سال حبس است، اما قاضی صلواتی نهایتاً با استناد به ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی برای وی حکم اعدام صادر کرد.

جمهوری اسلامی پس از شکست سخت نیروهای نیابتی‌اش در منطقه و بدنبال حملات دولت اسرائیل به مراکز نظامی رژیم دارد "انتقام سختش" را از مردم ایران می‌گیرد. رژیم اسلامی چندی پیش زندانی سیاسی دو تابعیتی جمشید شارمهد را سراسیمه به قتل رساند و همچنین به اعدام شماری از زندانیان تحت عنوان "جاسوس" و "همکار اسرائیل" دست زده است. حالا نوبت یک زندانی سیاسی دیگر است که تاوان شکست‌های جمهوری اسلامی را بدهد.

صدور حکم اعدام برای وریشه مرادی که به یکی از سمبل‌های اعتراض علیه ظلم و بیداد جمهوری اسلامی در زندان تبدیل شده است باید با اعتراض عمومی همه ما روبرو گردد. اعتصاب‌غذای بیست‌روزه وریشه مرادی در زندان، از قضا علیه مجازات شنیع و ضدانسانی اعدام بود تا از اعدام‌های بیشتری جلوگیری شود. اکنون رژیم جنایتکار اسلامی طناب دار را به گردن او انداخته است تا صدایش را خفه کند. این صداها خاموش‌شدنی نیست.

مردم کردستان که به‌دفعات علیه اعدام و جنایات رژیم دست به اعتصاب سراسری زده‌اند این بار

**نیز لازم است که از سلاح اعتصاب برای جلوگیری از اعدام وریشه مرادی و پخشان عزیزی استفاده کنند و با این اقدام آنها را از مرگ نجات دهند. اعتصاب سراسری پیشگیرانه در کردستان سلاح موثری برای جلوگیری از اعدام این دو زندانی سیاسی است. در همانحال ما همه مردم آزادیخواه ایران و جهان را فرا می‌خوانیم که در دفاع از وریشه مرادی و برای متوقف کردن فوری ماشین آدم کشی جمهوری اسلامی برنامه‌های اعتراضی متعددی را در دستور کار خود قرار دهند. همصدا با هم‌بندی های وریشه در زندان اوین ما نیز شعار می‌دهیم: وریشه مرادی، پخشان عزیزی آزادی باید گردند!**

# برق خاموش ولی مردم روشن

## سینا پدرام

به گزارش تجارت نیوز، در توضیح خبر قطع برق در تهران و سراسر ایران از امروز، دوشنبه ۲۱ آبان، آمده است: "با توجه به اهمیت تأمین برق در کشور و ناترازی موجود در حوزه تامین سوخت نیروگاه‌ها ودستور رئیس جمهور مبنی بر جلوگیری از مازوت‌سوزی احتمالاً از روز آینده شاهد انتشار برنامه منظم خاموشی خانگی در سراسر کشور خواهیم بود.

قبلاً نیز وزیر نیرو اعلام کرده بود که برق گران‌تر خواهد شد و اکنون کمبود گاز و عدم استفاده از

مازوت را دلیل کمبود آن اعلام می‌کنند.

واقعاً در حل این معما باید سراغ پرتقال فروش رفت. مسئله برق نیز مانند باقی زندگی مردم تحت حاکمیت رژیم اسلامی به چیستان تبدیل شده است.

اما واقعیت چیست؟ آیا موضوع تحریم‌ها و عدم امکان استفاده از انرژی هسته‌ای برای توضیح این مشکل کافی است؟ یا شاید فرسودگی سیستم انتقال برق که موجب اتلاف برق به میزان ۴۰ درصد از مصرف برق خانگی کشور می‌شود را باید دلیل اصلی این موضوع دانست؟ و یا شاید فروش سوخت مازوت به برادران طالبان در

**افغانستان دلیل شأن نزول  حکم رئیس‌جمهور پزشکیان در جلوگیری از تولید برق با سوخت مازوتی باعث تمامی این آشفته‌بازار است؟**

**عدم سرمایه‌گذاری زیر ساختی در تولید برق با انرژی‌های سبز مانند انرژی خورشیدی و بادی را نیز قطعاً به لیست این دلایل می‌توان افزود. به‌هرحال تمامی دلایل بالا به نسبت‌های گوناگون در ایجاد بحران برق و انرژی در ایران تأثیر دارند.**

**اما مهم‌ترین عامل در این بحران همانا خود رژیم اسلامی است که با دزدسالاری مزمن تمامی امکانات طبیعی و انسانی کشور را بالا کشیده و در جیب گشاد یک‌مشت اندک میلیاردرها و**

آیت‌الله‌های مفت‌خور واریز کرده است.

برای مقابله با این نوع تضییقات عمومی چاره‌ای جز اعتراض به شکل گسترده و جمعی وجود ندارد. به‌جای خاموشی برق خانه‌ها و اماکن عمومی بهترین راه ممنوعیت استفاده از دارایی‌های مردم برای پروژه‌های بیهوده نظامی و خرج این امکانات برای خرید برق از کشورهای هم‌جوار در کوتاه‌مدت است. اما کوتاه‌ترین مدت همان خلاص‌شدن از دست رژیمی است که باعث‌وبانی این مشکلات است.

# حل مشکل مسکن، موانع و راهکار

اصغر کریمی

رسانه‌های جمهوری اسلامی می‌گویند وزارت راه و شهرسازی دولت پزشکیان "بیش از یک میلیون و ۸۰۰ هزار هکتار" در اختیار دارد. می‌گویند به اندازه ۳۰ تهران، زمین احتکار شده است". "با واگذاری کمتر از شش درصد اراضی تملک‌شده توسط وزارت راه، می‌توان ناترازی هفت میلیون واحد مسکونی در کشور را حل کرد". قالیباف هم گفته است سازمان ملی زمین و مسکن دو برابر مساحت زمین‌های مسکونی کل کشور، زمین‌های خالی در اختیار دارد. طبق آمار حکومتی حدود نیمی از هزینه زندگی مردم را مسکن تشکیل

می‌دهد.

اولا، دولت پزشکیان هم از دولت رئیسی اینرا به ارث برده و دولت رئیسی هم از دولت‌های قبلی. بنابراین، این کل حکومت است که به اندزه ۳۰ تهران زمین در اختیار دارد. ثانیا، سایر امکانات جامعه هم در اختیار حکومت و بعبارتی یک قشر طفیلی میلیاردر است و یا صرف نیروهای نظامی و سرکوب و مذهب و در واقع صرف بقای نظام در مقابل مردم می‌شود.

بنابراین آمارهای حکومتی اولا اعترافی به این حقیقت مهم است که امکان تامین مسکن برای همه مردم وجود دارد و ثانیا اعترافی به این است

که جمهوری اسلامی مانع آن است.

و آیا مثل روز روشن نیست که با مصادره نه تنها زمین‌ها بلکه همچنین کل نیروهای تولید که در اختیار حکومت و قشر مفتخور سرمایه داران است و تبدیل کردن این امکانات عظیم به دارایی کل جامعه و خاتمه دادن به تقسیم طبقاتی جامعه، یعنی برقراری یک نظام سوسیالیستی می‌توان یک جامعه خوشبخت برای همه مردم ایجاد کرد؟ تمام شرایط ایجاد چنین جامعه‌ای، از نظر توان علمی، تکنولوژیکی، تولیدی و نیروی انسانی تحقق آن مدت‌ها است به وجود آمده است. تحقق آن در گرو به زیر کشیدن این حکومت و پی‌ریزی جامعه‌ای انسانی است که تصمیم گیری

و اعمال اراده مستقیم خود توده وسیع مردم یعنی یک نظام شورایی در تمام سطوح جامعه ضامن آن خواهد بود. هیچ راه دیگری پیش پای جامعه نیست.

اکثریت عظیم مردم شرایط موجود را نمی‌خواهند. نه فقط حکومت اسلامی را بلکه کل مناسبات ظالمانه اقتصادی موجود را نمی‌خواهند. حقوق‌های نجومی و فلاکت عمومی را نمی‌خواهند. حاکمیت یک طبقه استثمارکننده را نمی‌خواهند. هم مسکن مناسب می‌خواهند و هم برابری و رفاه و عدالت و این توان را دارند که حاکمیت جمهوری اسلامی و قدرت طبقه حاکم را در هم شکنند و نظامی انسانی و آزاد و برابر سازمان دهند.

# فیلترینگ مانع از سرنگونی رژیم نمی‌شود

## کیوان جاوید

**مجید انصاری معاون حقوقی پزشکیان رئیس جمهور حکومت اسلامی می گوید فروشندگان فیلترشکن "به دلیل درآمد هنگفت، با تمام توان جلوی رفع فیلترینگ ایستاده‌اند."**

**جمهوری اسلامی همچون خفاشی است که از نور گریزان است و با تاریکی به حیات خود ادامه می‌دهد. دیکتاتوری جمهوری اسلامی با ظهور مدیای اجتماعی زیر شدیدترین بمباران‌های مردمی قرار دارد و واقعاً در برابر این قدرت فراگیر جهانی راه‌حلی ندارد. هر چند در جریان انقلاب زن زندگی**

آزادی با ازکارانداختن شدید پلتفرم‌های ارتباط جمعی حرکت اطلاع‌رسانی را شدیداً کُند کرد و مانع ارسال سریع و به‌موقع کلیپ‌های اعتراضی شد اما نتوانست تماماً مانع این ارتباطات داخلی و بین‌المللی شود و در سطح ایران نیز نتوانست به دلیل وجود تلویزیون‌های ماهواره‌ای یک گورستان خبری در جامعه بوجود بیاورد.

امروز دیگر مسجل شده است که حتی فیلترینگ نیز نمی‌تواند ادامه‌دار باشد و درد حکومت اسلامی را درمان کند. به نوشته رسانه‌های داخلی، طی روزهای اخیر برخی کاربران گزارش داده‌اند که بدون فیلترشکن به پلتفرم‌های فیلترشده‌ای مانند اینستاگرام دسترسی پیدا کرده‌اند و این زنگ

خطر بزرگی برای جمهوری اسلامی است. حقیقتاً نفس‌کشیدن فیلترینگ به شماره افتاده است و دیگر ادامه این وضعیت ممکن نخواهد بود.

به‌تازگی، علی ربیعی، دستیار اجتماعی پزشکیان نیز در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، با اشاره به خسارت سالانه یک‌میلیارددلاری فیلترینگ برای مردم، به‌نقد شدید سیاست فیلترینگ پرداخته و آن را بی‌فایده دانسته است. اما این‌همه داستان نیست. مشکل ادامه فیلترینگ از طرف فروشندگان فیلترشکن هم نیست. هر چند مافیای حکومتی در ارائه فیلترشکن سود سرشاری به جیب می‌زنند، اما اگر حکومت اسلامی به نفعش باشد می‌تواند از پلتفرم‌های مدیای اجتماعی رفع فیلترینگ کند،

**اما با ادامه‌دار کردن فیلترینگ می‌خواهند مرگ خودشان را حتی برای یک روز هم شده عقب بیندازند.**

**با حل مشکل جهانی فیلترینگ و ارائه راه‌حل‌های جهانی توسط شرکت‌ها و متخصصین مربوطه، این اهرم مقابله با مدیای اجتماعی نیز دود می‌شود و به هوا می‌رود. آن روز به‌زودی می‌رسد و رژیم اسلامی لخت‌وعور در مقابل سیل ارسال اخبار و اطلاع‌رسانی و سازماندهی مبارزات از طریق مدیای اجتماعی قرار می گیرد.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۸۵

۱۲ نوامبر ۲۰۲۴ – ۲۲ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

## در این شماره ژورنال:

**بازگشت ترامپ: آرزوها و توهمات**

**رضا پهلوی و عبدالله مهتدی**

**محسن ابراهیمی**

**بیانیه ای با ۲۲۲ امضا در حمایت از آهو دریایی**

**شهلا دانشفر**

**خودکشی راهش نیست**

**سیما بهاری**

**افتتاح کلینیک ترک بی‌حجابی در تهران**

**کیوان جاوید**

# بازگشت ترامپ: آرزوها و توهمات رضا پهلوی و عبدالله مهتدی

محسن ابراهیمی

دو پیام تبریک به دونالد ترامپ، یکی از طرف رضا پهلوی از طیف راست سلطنت‌طلب و دیگری از طرف عبدالله مهتدی از طیف قوم‌پرستان کرد، نشان می‌دهد که حضور یک کاراکتر مرتجع نژادپرست در کاخ سفید، سوسوی امیدی در دل دو شکست‌خورده جرج تاون روشن کرده است.

رضا پهلوی ضمن پیام شادباش به "جناب رئیس‌جمهور ترامپ"، از او به‌عنوان شخصیتی "در کنار مردم ایران" یاد کرده و گفته است که "اکنون

**شما این فرصت را دارید که تاریخ‌ساز شوید و با کمک به پایان‌دادن به این تهدید، (تهدید جمهوری اسلامی) یک‌بار برای همیشه، میراثی از صلح پایدار به جا بگذارید. در این مأموریت، مردم ایران بهترین شریک صلح شما هستند.“**

**عبدالله مهتدی هم به دونالد ترامپ تبریک گفته و اظهار امیدواری کرده است که ”روابط دوستانه دولت ایالات متحده و جامعه کورد در ایران تقویت شود“ و اینکه ”مشتاقانه منتظر حمایت او“ از ”آرمان‌های مردم ایران برای آزادی، صلح و ثبات“ است!**

**شباهتی قابل‌توجه در این دو تبریک وجود دارد.**

رضا پهلوی و عبدالله مهتدی امیدوار شده‌اند که دونالد ترامپ برایشان رژیم‌چنج راه خواهد انداخت و به نان و نوایی خواهند رسید. منظور رضا پهلوی از "تاریخساز" شدن، تکرار تاریخ است. او از ترامپ انتظار دارد که همان نقشی را که کارتر در کنفرانس گوادولوپ برای جایگزینی تاج با عمامه ایفا کرد، این بار ترامپ برای جایگزینی عمامه با تاج ایفا کند. عبدالله مهتدی هم امیدوار شده است که ترامپ همان نقشی را که جرج بوش برای قدرت‌گرفتن مافیای مشترک طالبانی – بارزانی در "اقلیم کردستان عراق" ایفا کرد، این بار ترامپ برای راه‌انداختن "مافیای کورد" در "اقلیم کردستان ایران" ایفا کند. آرزوی این دو منتظرالدوله این است که شاید بعد از شکست

**”جرج تاون“، با حضور ترامپ در کاخ سفید فرجی حاصل شود!**

**در کشوری که سارینا‌ها و نیکا‌ها و توماج‌ها و سپیده‌ها تاریخساز شده‌اند؛ در کشوری که کارگران و بازنشستگانش همراه با فریاد ”فقط کف خیابان، بدست میاد حقمان“ مدام اعلام می کنند ”نه جنگ میخوایم نه کشتار، رفاه میخوایم ماندگار“، در کشوری که مردم با انقلاب زن زندگی آزادی نشان دادند می‌خواهند بدست خود نظام اسلامی را ویران کنند، فضا برای تغییر گوادلوپی باز نخواهد بود که رضا پهلوی شاه شود و مهتدی رئیس یک اقلیم.**

# بیانیه ای با ۲۲۲ امضا در حمایت از آهو دریایی

شهلا دانشفر

۲۲۲ فعال کارگری و اجتماعی در حمایت از آهو دریایی "دختر علوم تحقیقات" و از آزادی‌های فردی بیانیه‌ای داده‌اند. امضا کنندگان این بیانیه اقدامات سرکوبگرانه علیه آهو دریایی را به شدت محکوم کرده و بستری کردن اجباری او در بیمارستان روانپزشکی را اقدامی آشکار در جهت خاموش‌کردن صدای اعتراض و نقض آشکار حقوق بشر خوانده و می‌نویسند: "تلاش نابخردانه و بزدلانه شما برای خاموش نمودن صدای ملت با پروپاگاندا، مجنون‌سازی و حبس، ما را از مبارزه برای آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی

باز نمی‌دارد. اگر از قیام مهسا و جنبش زن زندگی آزادی درس عبرت نگرفته‌اید، بدانید که تاریخ پُر است از درس‌های عبرت‌آموز.“

این بیانیه از جامعه جهانی می‌خواهد که در برابر چنین اقدامات سرکوبگرانه‌ای سکوت نکنند و از همه آزادیخواهان و اکتیویست های اجتماعی خواستار شده که با امضای آن صدای اعتراضشان را جهانی کنند. بیانیه بر خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط آهو دریایی و پایان‌دادن به اقدامات سرکوبگرانه و خشونت‌آمیز در باره حجاب اجباری تأکید کرده است.

اعتراض عریان آهو دریایی در برابر تعرضات

**حکومت به زنان برای بازپس‌گرفتن خاکریز فتح شده حجاب، یک پیشروی مهم در جهت تداوم انقلاب است. اعتراض او عصیانی علیه تابوها و علیه نگاه به زن بعنوان کالای جنسی است که به جنبش علیه حجاب عمق بخشیده و از آن فراتر می‌رود و کل بساط آپارتاید جنسی حاکم را به چالش می‌کشد. بویژه در حالیکه حکومت اسلامی با گفتمان جنگ تلاش دارد مبارزات مردم را تحت‌الشعاع قرار دهد و کمرنگ و حاشیه‌ای کند، اعتراض عریان آهو دریایی توجه‌ها را مجدداً به مبارزه زنان و جنبش انقلابی زن زندگی آزادی در ایران جلب کرد.**

**جامعه پیام آهو دریایی را گرفت و او را در آغوش**

کشید و شعار "آهو دریایی آزاد باید گردد" به شعار اعتراضی کف خیابانی تبدیل شده است. در حمایت از آهو بیانیه‌ها داده شده و نام وی در شعارهای اعتراضی بر دیوارها نقش بسته و برای او ترانه می‌سازند و به موضوع هنر اعتراضی جامعه تبدیل شده است. جان آهو در خطر است. پزشکان امنیتی تلاش می‌کنند با تجویز قرص و آمپول‌های ناشناخته او را به مرز جنون بکشانند. با حمایت قاطع خود به نجات جان او بشتابیم.

# خودکشی راهش نیست

## سیما بهاری

”روزنامۀ اعتماد به نقل از اقوام آیناز کریمی، دانش‌آموز ۱۷ ساله‌ای که به دلیل داشتن لاک ناخن و موی رنگ شده از مدرسه اخراج شد و خودکشی کرد، نوشت مدیر مدرسه به آیناز فحاشی کرده و حرف‌های نامربوط زده است.“

جمهوری اسلامی حکومتی است که با گل‌ها به زبان داس سخن می‌گوید. از شروع انقلاب مهسا تا مقطع فروکش‌کردن اعتراضات خیابانی صدها نفر را کشت  و هزاران نفر را زخمی کرد. دستگیرشدگان را شکنجه کرد و بسیاری از آنها

را زیر شکنجه کشت. به چشم‌ها شلیک کرد، و هر آنچه سبعیت غیرقابل‌تصور را که توانست، بر سر آن جامعه فروریخت. این حکومت دشمن هر چه شادابی و زیبایی است. از جوانان بدش می‌آید. دنبال روضه و عزاداری است. با جامعه به‌شدت در تضاد است. مردم اعتراضشان را نه فقط با تظاهرات که با رقص و موزیک و رنگ و خنده هم نشان می‌دهند.

در آبان‌ماه و در فاصله‌ای کوتاه دو دانش‌آموز نوجوان به‌خاطر رفتار توهین‌آمیز و مرتجعانهٔ مسئولین مدرسه و احتمالاً از عصبانیت دست به خودکشی زدند و متأسفانه جانِ عزیزشان را از دست دادند. یکی به‌خاطر حجابَ و دیگری به‌خاطرداشتن

لاک روی ناخن‌ها و رنگ روی موهایش. چه راحت می‌کشند!

مدارس را می‌خواهند به حسینیه تبدیل کنند و می‌دانند که نمی‌توانند. یادشان به دختران جوانی می‌افتد که جلو عکس رهبر منفورشان با موهای زیبا و افشان ایستادند و انگشت میانه را نشانش دادند. یاد زنان زندانی می‌افتند که حاضر به‌سرکردن حجاب نشدند و از رفتن به دادگاه امتناع کردند. یادشان به نمونهٔ اخیر، آهو دریایی، می‌افتد و به یاد می‌آورند که اینها هم‌نسل‌اند، از هم شجاعت می‌آموزند و به هم انرژی می‌دهند. می‌دانند که حریف این نسل بی‌قرار تمامیت‌خواه نیستند. زیبایی و جوانی و جسارت را با فحاشی و

بددهنی تحقیر می‌کنند. آیناز کریمی این بددهنی و رفتار توأم با خشونت و تحقیر را تحمل نکرد و متأسفانه جان خود را گرفت. او مثل آرزو خاوری جوانی با رؤیاهای زیبا و سرشار از امید برای آینده بود.

خودکشی راه چاره نیست. باید اعتراض سازمان دهیم. اگر مسئولین مدارس به دوستانمان توهین می‌کنند و می‌خواهند لایحهٔ حجاب را در مدارس پیاده کنند، راهش سازمان‌دادن اعتراض است نه خودکشی!

# افتتاح کلینیک ترک بی‌حجابی در تهران

## کیوان جاوید

رئیس اداره زنان و خانواده ستاد امربه‌معروف استان تهران از افتتاح کلینیک ترک بی‌حجابی در تهران با هدف "درمان علمی و روان‌شناختی" بی‌حجابی ویژه نسل نوجوان، جوان و بانوان خبر داد.

احتمالاً اولین عکس‌العمل همه مردم ایران حتی آنها که باحجاب هستند نسبت به شنیدن این خبر، خندیدن تا مرز غش‌کردن است. آخر کدام آدم عاقل می‌تواند این خبر را بشنود و به عقل این تهی‌مغزهای حاکم شک نکند؟ بی‌حجابی سراسر ایران را برداشته است و یکی از بزرگ‌ترین

**جنبش‌های اجتماعی ۱۰۰ سال اخیر در ایران علیه ارتجاع ضد زن اسلامی هم اکنون در ایران در جریان است.**

**بی‌حجابی یکی از ارکان اصلی انقلاب زن زندگی آزادی است که چهره حقیقی زندگی اجتماعی در ایران را به جهانیان نشان داده است. تقریباً برای هر انسان شریفی دیگر مسجل است که جامعه ایران یکی از سیاسی‌ترین و ضد اسلامی‌ترین جوامع موجود است. جامعه‌ای که کافی است در خیابان‌هایش راه بروی تا ببینی بین مردم و حکومت دریایی از تضادهای فرهنگی وجود دارد که طوفان این دریای سهمگین هر روز بیش از قبل موجودیت این رژیم را زیر سؤال می‌برد.**

در این شرایط که مردم تمام ارگان‌های سرکوب حکومت را که به‌منظور حفظ حجاب اسلامی ناکارآمد کرده‌اند و زمین را زیر پای رژیم به لرزه درآورده‌اند و طرح‌های امنیتی -فرهنگی رژیم اسلامی یکی پس از دیگر شکست می‌خورد، ما با پدیده مسخره و خنده داری به نام افتتاح کلینیک ترک حجاب روبرو می‌شویم. اول‌ازهمه با طرح این اسم می‌خواهند ناشیانه این‌طور القا کنند که بی‌حجابی هم مثل مواد مخدر یا اعتیاد به الکل یک ناهنجاری روحی و روانی و "بیماری" است و راه مقابله با آن هم ترک بی‌حجابی از طریق مشاوره است.

رژیم اسلامی کور خوانده است و با این ترفند های

احمقانه نمی تواند کوچکترین خللی در عزم زنان در مبارزه علیه حجاب بوجود بیاورد. جامعه نه‌تنها بی‌حجابی را تبدیل به سلاحی برای سرنگونی این رژیم کرده است که همچون نمونه آهو دریایی وقتی حراست دانشگاه علوم تحقیقات می‌خواهد به‌زور حجاب بر سر این زن مبارز شجاع کند او لباس از تن بر می‌کند و دنیا را شگفت‌زده می‌کند. ایران بستر یک انقلاب زیر و رو کننده است و یکی از مهم‌ترین نتایج این انقلاب خلاصی از مذهب و همه عقب‌ماندگی‌های مذهبی - اسلامی است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۸۶

۱۳ نوامبر ۲۰۲۴ – ۲۳ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

## در این شماره ژورنال:

پیام دوم نتانیاهو به مردم ایران

کیوان جاوید

نشست سازمان ملل در مورد محیط‌زیست:امیدی هست؟

سؤال از کاظم نیکخواه

روشنک مولایی باید بی قید و شرط آزاد شود

رضا درویش

پزشکیان و سیاست"با دوستان مروت با دشمنان مدارا"

محسن ابراهیمی

# پیام دوم نتانیاهو به مردم ایران

## کیوان جاوید

بنیامین نتانیاهو در پیام دومش خطاب به مردم ایران می‌گوید: جمهوری اسلامی ۲.۳ میلیارد دلار برای حمله به اسرائیل هزینه کرد. این پولی است که آنها از سرمایه گران‌بهای شما در این حملات بیهوده هدر دادند.

در این حقیقتی است که این مبلغ ۲.۳ میلیارد دلار و میلیاردها دلار دیگر طی سالهای حاکمیت جمهوری اسلامی به یغما رفته است، می‌توانست صرف تأمین رفاه و خوشبختی و یک زندگی انسانی برای همه مردم ایران شود.

در این شکی نیست که جمهوری اسلامی یک نیروی "اهریمنی" خطرناک به حال مردم ایران و کل بشریت است؛ در این شکی نیست که این رژیم چه هیولای ضد زندگی‌ای است و شکی نداریم که جنایت جمهوری اسلامی در جهان کم‌نظیر است. همه آنچه که ما مردم ایران لازم است در مورد این رژیم بدانیم را خوب می‌دانیم و به‌خاطر آگاهی بر همین واقعیت است که اراده کرده‌ایم این رژیم را سرنگون کنیم.

ما این را هم خوب می‌دانیم که دامن‌زدن به این فضای جنگی توسط رژیم حربه‌ای برای مقابله با شرایط انقلابی در ایران است تا توجه‌ها را به سمت دیگری غیر از سرنگونی و مبارزات جاری بر سر معیشت و منزلت سوق دهد. در این شرایط است که

در اعتراضات جاری در ایران این‌چنین شعارهایی سر داده می‌شود: "نه جنگ میخوایم نه کشتار، رفاه میخوایم ماندگار"، "تورم، گرانی، نه به جنگ و ویرانی"، "جنگ‌افروزی کافیه، سفره ما خالیه". به این خواسته‌ها یک خواست فوری دیگر هم باید علیه جمهوری اسلامی اضافه کرد: "موشک‌پرانی را رها کن، فکری به حال ما کن"

در جواب به پیام‌های نتانیاهو خطاب به مردم ایران باید گفت: شما همانقدر دوست مردم ایران هستید که دوست مردم بی‌دفاع غزه؛ باید به این قاتل کودکان و زنان بی‌دفاع در فلسطین گفت شما و خامنه‌ای دو روی یک سکه هستید و از دست همه شما خون می‌چکد؛ باید به این قصاب مردم فلسطین گفت با انکار زندگی انسانی و به رسمیت

**نشناختن حق تشکیل کشور فلسطین، آب به آسیاب تروریست‌های اسلامی و جمهوری اسلامی می‌ریزید و باعث ادامه حیات این تروریست‌های ضدبشری می‌شوید. مردم ایران برای پایان‌دادن به عمر حکومت اسلامی در صحنه‌اند. مردم اسرائیل نیز برای به زیر کشیدن این دولت فاشیست باید وسیعاً به میدان بیایند.**

# نشست سازمان ملل در مورد محیط‌زیست: امیدی هست؟

## سؤال از کاظم نیکخواه

**سوسن صابری: نشست سالانه سازمان ملل برای تغییرات آب‌وهوایی (cop۲۹) از روز یازده نوامبر در باکو شروع به کارکرده و ادامه دارد به نظر شما آیا تابه‌حال این‌گونه نشست‌ها تأثیری در مسائل زیست‌محیطی داشته‌اند؟**

**کاظم نیکخواه: متأسفانه همه چیز نشان می‌دهد که جواب منفی است. بیش از ۱۰۰ سال است که دانشمندان در مورد تغییرات خطرناک اقلیمی هشدار می‌دهند و سران دولت‌ها درگیر جلسه**

و مذاکره و قول و وعده‌های توخالی هستند. محیط‌زیست عملاً دارد به نابودی نزدیک می‌شود. دولت‌ها به‌خودی‌خود کار چندانی نمی‌کنند. هر کاری تا کنون برای محیط‌زیست انجام شده با فشار از پایین توسط مردم، توسط جوانانی امثال گرتا تونبرگ انجام شده که از ۱۵ سالگی مبارزه برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست را در سوئد شروع کرد و دور دنیا می‌گردد و آگاهی می‌پراکند. در توافقنامه پاریس در سال ۲۰۱۶ در مورد محیط‌زیست وعده داده شد که افزایش گرمای زمین تا یک دهه دیگر در حد یک و نیم درجه سانتیگراد محدود شود. دو سال بعد افزایش گرمای زمین از این مرز عبور کرد. فجایع محیط زیستی دارد مدام فاجعه می‌آفرینند. در فلوریدای آمریکا همین امسال دو توفند عظیم

هلن و میلتون را داشتیم که به‌راستی وحشتناک بود. در والنسیا در اسپانیا همین دو هفته پیش یعنی روز ۸ آبان برای اول بار در تاریخ سیل آن‌چنان ویرانی ایجاد کرد که بی‌سابقه بود. بیش از ۲۳۰ نفر کشته شدند و صدها نفر دیگر ناپدید هستند و صدها هزار نفر آواره شدند. در آفریقا و آسیا اوضاع از این بسیار بدتر است. دولت‌ها می‌نشینند، وعده می‌دهند و همان جا مشغول چرتکه انداختن بر سر این هستند که چقدر به‌حساب شخصی آنها پول سرازیر می‌شود و آقازاده‌هایشان چه مدارجی را طی می‌کنند. جالب است که نشست کاپ ۲۹ در آذربایجان با سخنرانی الهام علی‌اف رئیس‌جمهور این کشور شروع شد که گفت نفت و گاز "هدیه خداوند هستند" و نباید ما به‌خاطر استفاده از آنها سرزنش

شویم و به‌این‌ترتیب از همان ابتدا نشان داد که این نشست چه سرنوشتی خواهد داشت و آب پاکی روی دست همه ریخت. درست قبل از این نشست دونالد ترامپ که کلاً مشکل گرمایش زمین را انکار می‌کند در آمریکا به قدرت رسید. اینها به‌تنهایی نشان می‌دهد که این نشست‌ها چه جایگاهی دارند و خواهند داشت. طبق معمول بودجه‌های کلانی به نام محیط‌زیست جابه‌جا خواهد شد اما در مسیر راه توسط دزدان حاکم بالا کشیده می‌شود. در یک‌کلام به دولت‌ها و چنین نشست‌هایی نباید امید بست، بلکه باید آنها را زیر فشار قرار داد. اوضاع بسیار خطرناک است.

سوسن صابری: سیاست‌های جمهوری اسلامی

باعث‌وبانی معضلات بزرگ زیست‌محیطی در ایران شده است. یکی از بزرگ‌ترین این معضلات خشکسالی و بی‌آبی است. در جامعه فردای پس از سرنگونی جمهوری اسلامی به این معضل چگونه باید پاسخ داد؟ یک جامعه سوسیالیستی چه راه‌حلی برای این معضل و کلاً مسائل زیست‌محیطی دارد؟

**کاظم نیکخواه:** جمهوری اسلامی کاری کرده است که بخش زیادی از این کشور عملاً غیر قابل زیست شده و بخش زیادی به‌زودی غیر قابل زیست خواهد شد و نشانه‌های چنین فاجعه‌ای را هم اکنون در خشک‌شدن رودخانه‌ها و دریاچه‌ها تا نابودی جنگل‌ها و فرونشست زمین و هزار نشانه دیگر می‌توان مشاهده کرد. همین دیروز

در رسانه‌ها می‌خواندم که حتی دریاچه خزر تا اواخر قرن حاضر خشک خواهد شد. اینکه بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی چه باید کرد که این روند وحشتناک زیست‌محیطی برعکس شود پیش‌بینی‌اش از اکنون غیرممکن است. اما اساس مسئله این است که منابع انسانی و اقتصادی به‌جای سرازیرشدن به‌سوی تسلیحات کشتار انسانی و تروریسم و پرکردن جیب میلیاردرهای مفت‌خور، در خدمت جامعه و بهبود جامعه و شرایط زیست انسان‌ها قرار گیرد. اگر این اساس هر جامعه‌ای باشد من تردیدی ندارم که کارهای زیادی می‌توان انجام داد. ثروت و امکانات در همین جامعه فقرزده ایران بی‌انتهاست. مشکل اصلی جامعه کنونی و جوامع کنونی این است که سیستم و مناسبات انسانی نیست. بازسازی

جنگل‌ها، جلوگیری از آلودگی هوا، متوقف کردن پروژه‌های آبی و هوایی مخرب و امثال اینها را می‌شود سریع به جریان انداخت.

# روشنک مولایی باید بی قید و شرط آزاد شود

رضا درویش

در روزهای اخیر ویدیویی در شبکه های اجتماعی با عنوان "زن بودن در ایران" منتشر شده که نشان می دهد یک زن جوان بی حجاب با سرباز موتور سواری که به آزار جنسی او اقدام کرده است درگیر می شود. نام این زن روشنک مولایی است. از او به عنوان یکی از نمادهای مقاومت، یکی از قهرمانان مبارزه علیه حجاب اجباری یاد شده است. در واکنش به انتشار این ویدیو، روشنک در ۱۳ آبان توسط پلیس فتا بازداشت شده است و پیگیری خانواده اش برای اطلاع از محل نگهداری او بی نتیجه مانده است.

به این ترتیب، نیروی سرکوب رژیم یکبار دیگر نشان داد که با عناوینی مثل پاسداری از "عفت عمومی"، مدام به حرمت و کرامت و انسانیت زنان تعرض میکند. زنی که در مواجهه با یک آزار رسان جنسی شجاعانه مقاومت کرده بجای فرد متعرض هم اکنون در بازداشت است بی آنکه حتی به خانواده اش بگویند او کجاست. نیروهای امنیتی به رسانه حکومتی مهر گفته اند که روشنک بعد از تحت تعقیب قرار گرفتن به علت عدم رعایت حجاب به مرجع قضایی معرفی شده است. رژیم مثل همیشه بی شرمانه آزار رسانی علیه زنان را سازمان میدهد؛ زنان جسور و مبارز را به عنوان مجرم بازداشت و شکنجه می کند؛ برای تحمیل حجاب بر زنان از زندان و سرکوب استفاده میکند و

در مقابل زنان همچنان شجاعانه مقاومت میکنند.

به گفته شبکه انقلاب زنانه روشنک بدلیل فعالیت هایش در جریان انقلاب زن زندگی آزادی بازداشت و مدتی را در زندان های قرچک و اوین سپری کرده بود. او در کارزار حجاب بی حجاب نیز فعال بوده است. هم بندی سابق روشنک در دوران بازداشت در زندان قرچک به نقل از روشنک مولایی می گوید که او در حین انتقال به دادگاه کف ماشین خوابانده و مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. حتی در پله های دادگاه بدلیل خودداری از داشتن حجاب، افسر همراه موهای او را پیچانده و او را روی پله ها کشانده بطوری که نرمه گوش روشنک پاره شده و تا صبح درد می کشیده است.

**بازداشت روشنک مولایی نمونه بارز سرکوب وحشیانه رژیم علیه زنان شجاع است که در چشم مردم نماد مقاومت در برابر ستم و آزار علیه زنان هستند.**

**روشنک باید بی قید و شرط آزاد شود. برای آزادی روشنک متحدانه تلاش کنیم.**

# پزشکیان و سیاست
# "با دوستان مروت با دشمنان مدارا"

محسن ابراهیمی

مسعود پزشکیان روز سه‌شنبه ۲۲ آبان گفت: "در رابطه با آمریکا، ما چه بخواهیم و چه نخواهیم بالاخره در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی با این کشور مواجهه خواهیم داشت و بهتر است این عرصه را خودمان مدیریت کنیم." او اضافه کرد که سیاست "با دوستان مروت و با دشمنان مدارا" ضرورت دارد که به قول او "روابط بین‌الملل" سامان داده شود و "تنش‌ها رفع شود"!

این سخنان بسته بندی دیپلماتیک برای "نرمش

قهمرمانانه“ جدید از طرف حکومتی است که همچنان از بازگشت انقلاب زن زندگی آزادی هراس دارد و بعد از شکست در جنگ افروزی اخیر در منطقه هم در موقعیت بسیار ضعیفی قرار گرفته است.

خامنه ای گفته بود ”جنگ نخواهد شد، مذاکره هم نخواهیم کرد!“ گفته بود ”اگر غلطی از آنها سر بزند جمهوری اسلامی تل آویو و حیفا را با خاک یکسان خواهد کرد!“

برخلاف پیشگویی ”داهیانه“ خامنه ای هم جنگ شد و هم ”مذاکره“ گدایی میکنند. آدمکشی حماس در طوفان الاقصی، زنجیر ماشین جنگی

اسرائیل را پاره کرد؛ زندگی دهها هزار انسان نابود شد؛ در جنگ میان اسرائیل با حماس و حزب االله، بازوهای اصلی حکومت اسلامی در منطقه قلع و قمع شدند؛ اسرائیل با صد جنگنده به سیستم دفاعی و انبارهای موشکی حکومت اسلامی حمله سنگینی کرد؛ خامنه ای، سرداران رجزخوان و نظام اسلامیش بدجوری باختند؛ و با ورود ترامپ به کاخ سفید، نتانیاهو حتی در موقعیت قویتری قرار گرفت و  نهایتا خامنه ای درمانده الان به سیاست "با دشمنان مدارا" پناه برده است!

اما مهمترین ترس حکام اسلامی از شبح یک انقلاب در چشم انداز است که دو سال پیش جثه عظیمش را با چشمان ناباور و نگران در خیابانها

رویت کردند. ترس اصلیشان از خالقین انقلاب "زن، زندگی، آزادی" است که دو سال پیش لاشخوران عمامه دار و چپاولگران تسبیح بدست اسلامی را به وحشت مرگ انداختند و در کمین هستند تا در خیزش بعدی پوزه خونین خامنه ای و سران حکومت را به خاک بمالند. و به این اعتبار، یک دلیل اصلی بلند کردن پرچم "مدارا" با آمریکا و اسرائیل، هراس از مردمی است که در کمین حکومت اسلامی نشسته اند تا کارش را یکسره کنند.

"با دشمنان مدارا" در مقابل آمریکا قبلا در برجام تجربه شده است. مردم اما بر دوش تجربه انقلابشان تعرض قدرتمندتری علیه دشمنشان،

**حکومت اسلامی را پیش خواهند برد.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۸۷

۱۴ نوامبر ۲۰۲۴ – ۲۴ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: آذر پویا

## در این شماره ژورنال:

برای جوانان معترض اکباتان

حسن صالحی

جمهوری اسلامی مسبب مرگ کیانوش سنجری است

میلاد رسایی‌منش

قاتلان حکومتی، اعتراض و ایستادگی زندانیان

عبدل گلپریان

کادر درمانی و خشونت

سینا پدرام

# برای جوانان معترض اکباتان

## حسن صالحی

شهرک اکباتان در سال‌های اخیر همواره یکی از کانون‌های اعتراضی پرشور علیه جمهوری اسلامی بوده است و جنایت‌کاران حاکم بر ایران همواره از ساکنین این شهرک وحشت داشته‌اند و به سلاح سرکوب و دستگیری و آدم‌ربایی علیه این مردمان متوسل شده‌اند.

حالا درست در آستانه قیام آبان ۹۸ شش تن از جوانان اکباتان را به نام‌های میلاد آرمون، علیرضا کفایی، امیرمحمد خوش‌اقبال، نوید نجاران، حسین نعمتی و علیرضا برمرزپورناک به اعدام محکوم

کرده‌اند. گفته‌اند که جرمشان این است یک بسیجی را که در سرکوب مردم دست داشته، کشته‌اند. معلوم نیست چرا باید جواب مردمی که آزادی و زندگی بهتر می‌خواهند گلوله جنگی و اعزام گله‌های بسیجی باشد؟! رژیم اسلامی برای کشتن بهانه کم نمی‌آورد. ولی می‌بینید که چگونه در این احکام اعدام، ترس رژیم تبهکار موج می‌زند؟ می‌ترسند چون از قیام و انقلاب دوباره مردم دچار کابوس هر روزه هستند. می‌ترسند چون‌که وقتی در منطقه و جهان متحمل شکست می‌شوند می‌دانند که مردم خود را قوی‌تر احساس می‌کنند و حکومت را مورد تعرض بیشتری قرار می‌دهند.

جوانان معترض اکباتان کار خلافی نکرده‌اند. آنها مانند بسیاری دیگر در جنبش انقلابی زن زندگی

آزادی به خیابان‌ها آمدند و آزادی را فریاد زدند. آنها از منزلت و کرامت انسانی خود در مقابل وحوش اسلامی دفاع کردند. این حکومت اسلامی است که با زور و قلدری می‌خواهد بر مردمی حکومت کند که آن را نمی‌خواهند.

اعتراض به احکام اعدام این جوانان یعنی دفاع از جان‌های عزیزی که برای آزادی همه ما مبارزه کردند. اعتراض به احکام اعدام این جوانان یعنی اعتراض به استبداد سیاسی و اعتراض به فقر و فساد و گرانی که این جوانان علیهش به خیابان رفتند.

نبرد ما برای به‌دست‌آوردن آزادی ادامه دارد. این نبرد با مبارزه برای لغو مجازات مرگ در ایران گره‌خورده‌است. بیایید همگی صدای جوانان معترض

**اکباتان باشیم. همه‌جا بگوئید که احکام اعدام این جوانان باید فوراً ملغی گردد. همه معترضین بازداشتی اکباتان باید آزاد شوند. ماشین آدمکشی و جنایت جمهوری اسلامی فوراً باید متوقف شود. شعار ما زندگی است و با همین شعار در مقابل رژیم اسلامی که مظهر مرگ و نیستی است متحدانه می‌ایستیم و از قهرمانان خود به دفاع برمی‌خیزیم!**

# جمهوری اسلامی مسبب مرگ کیانوش سنجری است

میلاد رسایی‌منش

خبر خودکشی کیانوش سنجری، روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر، به‌عنوان اعتراضی تکان‌دهنده علیه سرکوب و خفقان جمهوری اسلامی و در اعتراض به ادامه بازداشت چهره‌های معترض از جمله فاطمه سپهری، نسرین شاکرمی، توماج صالحی و آرشام رضایی، یک‌بار دیگر توجه جامعه جهانی را به وضعیت حقوق بشر در ایران جلب کرده است.

سنجری، که پیش‌تر بارها در دفاع از آزادی بیان و حقوق بشر فعالیت کرده بود، با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) اعلام کرد

درصورتی که این فعالان تا چهارشنبه آزاد نشوند، او برای نشان دادن اعتراض خود به دیکتاتوری و سرکوب رژیم به زندگی خود پایان خواهد داد. این حرکت، هرچند دردناک و تراژیک، به‌روشنی عزم جامعه ایران برای دفاع از زندانیان سیاسی، و خواست سرنگونی رژیم سفاک اسلامی در ایران را نشان می‌دهد و نمایانگر فشار سنگینی است که رژیم جمهوری اسلامی بر دوش شهروندان خود گذاشته است.

این اقدام کیانوش سنجری باید به‌عنوان زنگ خطری برای جامعه بین‌المللی و مدافعان حقوق بشر تلقی شود. بازداشت و محاکمه مخالفان و منتقدان رژیم به دلیل بیان عقاید و شرکت در اعتراضات مسالمت‌آمیز، نه‌تنها نقض آشکار

حقوق بشر است، بلکه تاکتیکی آشکار برای ارعاب و جلوگیری از گسترش "انقلاب زن، زندگی، آزادی" در ایران محسوب می‌شود. رژیم ایران با صدور احکام سنگین از جمله اعدام برای معترضان، تلاشی نافرجام در خاموش‌کردن صدای حق‌طلبی و آزادی‌خواهی مردم ایران دارد؛ مردمی که سال‌ها است خواهان تغییر و ایجاد جامعه‌ای آزاد و عادلانه هستند.

مرگ کیانوش سنجری نمادی است از شدت سرکوب در ایران و شرایطی که بسیاری از مخالفان و فعالان با آن روبرو هستند. جامعه بین‌المللی باید با به‌رسمیت‌شناختن مبارزات مردم ایران، و بایکوت سیاسی رژیم اسلامی از بروز چنین فجایعی جلوگیری کند. رژیم اسلامی باید درک

کند، فشار بر فعالین سیاسی هزینه‌ای بالا برایش خواهد داشت تا جرئت نکند روشنفکران و هیچ معترضی را تحت‌فشار قرار دهد و سرکوبشان کند. عواقب خودکشی کیانوش سنجری قطعاً دامن رژیم را خواهد گرفت. درعین‌حال این وظیفه فعالین سیاسی و جامعه جهانی است، که رژیم اسلامی را به‌خاطر خودکشی کیانوش سنجری مورد بازخواست قرار داده و مجبور به پاسخگویی کند.

# قاتلان حکومتی، اعتراض و ایستادگی زندانیان

عبدل گلپریان

چهل و دومین هفته کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" با اعتصاب‌غذای زندانیان عضو این کارزار در ۲۵ زندان کشور روز سه‌شنبه ۲۲ آبان هم ادامه داشت. زندانیان عضو این کارزار در بیانیه‌ای تأکید کردند: "توقف ماشین کشتار جمهوری اعدام تنها با کنشگری فعال و همبستگی جمعی و اتحاد عمل ممکن است."

در همین رابطه شعبه ۱۵ دستگاه بیدادگاه آدم کشی حکومت اسلامی به سرکردگی صلواتی که گوی سبقت از خلخالی ربوده است، برای وریشه مرادی

حکم قتل حکومتی (اعدام) صادر کرده است. در جلسات دادگاه، وریشه مرادی نه‌تنها حق دفاع از خود نداشته است بلکه صلواتی قاضی مرگ جمهوری اسلامی حتی به وکلای وریشه مردادی نیز اجازه دفاع از او را نداده است. از سوی دیگر صدور حکم اعدام برای ۶ جوان شهرک اکباتان و حکم اعدام وریشه مرادی خشم عمومی در داخل و خارج از ایران علیه خونخواران و باندهای آدمکش اسلامی را صدچندان کرده است.

تداوم کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام و اعتصاب‌غذای زندانیان عضو کارزار در ۲۵ زندان کشور یکی از مهم‌ترین حرکت‌های اعتراضی زندانیان علیه اعدام‌ها و علیه احکامی است که

هر روز از سوی بیدادگاه‌های حکومت اسلامی صادر می‌شود. ماشین آدمکشی حکومت اسلامی برای نجات خود از مخمصه فضای تعرضی و تنفر روزافزون مردم بستوه آمده از این رژیم درمانده که خود را در بن‌بست و در محاصره اعتراضات مردم می‌بیند، همچنان تلاش می‌کند جان محکومین به اعدام را بگیرد. قاتلان اسلامی می‌دانند که این توحش نمی‌تواند مانع از گسترش اعتراضات هر روزه، پرستاران، بازنشستگان، کارگران و موج وسیع بی‌حجابی شود.

جنبش دادخواهی جنبشی به وسعت سراسر ایران است. سنگری محکم که نه تنها در میان دادخواهان در سراسر کشور بلکه در میان زندانیان نیز ابعاد

تازه‌ای به خود گرفته است. در کردستان سه تشکل "دادخواهان کردستان"، "اتحاد زنان کردستان" و "زنان کردستان علیه تبعیض جنسیتی"، با صدور بیانیه‌هایی حکم اعدام برای وریشه مرادی را به‌شدت محکوم کرده و به‌تمامی مردم و فعالین عرصه‌های مختلف اجتماعی فراخوان داده‌اند که صدای اعتراض خود برای لغو حکم اعدام وریشه مرادی و آزادی فوری و بی‌قیدوشرط او را رساتر فریاد بزنند. جنبش عظیم و قدرتمند علیه قتل عمد دولتی می‌تواند و باید این ماشین کشتار را از کار بیندازد.

# کادر درمانی و خشونت

## سینا پدرام

به گزارش رسانه‌های ایران ، کادر درمان بیمارستان امام سجاد (ع) شهر یاسوج در تجمعی اعتراضی به دنبال قتل پزشک متخصص قلب، مسعود داوودی از سوی برادر یک بیمار فوت شده، خواستار رسیدگی جدی به امنیت مراکز درمانی شدند.

سال‌هاست که کادر درمانی ایران در ارتباط با خشونت در بیمارستان‌ها و مراکز پزشکی زنگ خطر را به صدا درآورده‌اند و در این میان هیچ اقدامی از سوی مقامات رژیم اسلامی صورت نگرفته است. سؤال این است، چرا؟

پیش از هر چیزی باید تأکید کرد رژیم اسلامی بخش عمده صورت‌مسئله دررابطه‌با خشونت و از جمله در مراکز درمانی است. کادر درمانی قربانی سرایت خشونت دولتی به جامعه و آحاد آن است.

با نگاهی سطحی به دلایل خشونت در این بخش ، بدون شک قصور کادر درمانی به نظر اولین دلیل این‌گونه حملات فیزیکی به نظر می‌رسد. قطعاً چنین کاستی‌ها و خطاهایی در هر حلقه از زنجیره درمانی می‌تواند رخ دهد. کمبود کادر درمانی، خستگی کار، فشار کاری، فشارهای اجتماعی و اقتصادی که بخش کثیری از کادر درمانی را مستهلک کرده است، کمبود تجهیزات درمان، کمبود دارو و غیره از عمده دلیل‌های بروز

اشتباهات و خطاها در مراکز درمانی به شمار می‌رود.

نبود ارگان‌هایی که مستقیماً منافع بیماران را تحت پوشش قرار دهند، عدم اجرای ضوابط قانونی ناظر بر روابط پزشک و کادر درمانی با بیمار، رشوه‌خواری، نبود کنترل همه‌جانبه در ارتباط با تخلفات درمانی، و غیره بخش عمده مردم را نسبت به خدمات درمانی در ایران بی‌اعتماد کرده است. همچنین نبود یک عدالت اجتماعی در جامعه و عدالت پزشکی در مراکز درمانی، عدم رواج فرهنگ علمی در میان شهروندان و اشاعه یک سنت خرافی به نام "طب اسلامی" به یک رابطه ملتهب بین بیمار و پزشک دامن زده است.

برای بررسی خشونت در مراکز درمانی عوامل بسیاری اهمیت خاص خود را دارند. در ایران خشونت دولتی، فرسودگی و عدم تخصیص امکانات لازم برای مراکز درمانی، فرهنگ عقب‌مانده رابطه کادر درمانی و مردم، عدم وجود یک سیاست انسانی حاکم دراین‌رابطه، کالایی‌سازی خدمات درمانی و پزشکی، محاسبه ارزش جان بیمار بر حسب میزان پول کیف بیمار و غیره از عمده دلایل سرایت خشونت به این مراکز است. بانی این خشونت باید از صورت‌مسئله حذف شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۸۸

۱۶ نوامبر ۲۰۲۴ – ۲۶ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

پنجمین سالگرد آبان خونین ۹۸

سینا پدرام

۱۶۱ سال حبس برای ۲۲ متهم سیاسی در اصفهان

کیوان جاوید

رضا پهلوی و توهم رهبری در دوران گذار

اصغر کریمی

ترامپ و مبارزه مردم ایران برای سرنگونی

سوال یک خواننده ژورنال

پاسخ محسن ابراهیمی

# پنجمین سالگرد آبان خونین ۹۸

## سینا پدرام

با گذشت ۵ سال از آبان خونین، هنوز آمارهای دقیقی از کشتار معترضین این اعتراضات در دست نیست و رژیم دیکتاتوری اسلامی با تمام توان اطلاعات لازم از این اعتراضات را مخفی نگاه‌داشته است. ۵ سال پس از این اعتراضات که به دنبال اعلام گرانی ۲۰۰ درصدی قیمت بنزین اتفاق افتاد هنوز خانواده‌های دادخواهان هیچ پاسخی نگرفته‌اند.

در عرض ۲۵ سال گذشته ایران شاهد اعتراضات و قیام‌ها شهری مختلفی بر علیه رژیم اسلامی بوده

**است. انقلاب زن زندگی آزادی متأخرترین تلاش وسیع مردم برای سرنگونی رژیم بوده است.**

**با خیزش دی‌ماه ۹۶ جامعه عملاً به تمامی جناح‌های آن اعلان جنگ کرد و نشان داد که هیچ توهمی به هیچ یک از جناح‌های رژیم ندارد. اگر در گذشته، جامعه از اختلافات جناح‌ها به عنوان محملی برای شروع اعتراضات خود سود می‌جست، با شورش‌های شهری دی ۹۶ و با اعتراض به فقر و گرانی تمامی جناح رژیم را به مصاف کشید.**

**اما خیزش آبان‌ماه ۹۸ جایگاه ویژه‌تری در اعتراضات معاصر پیدا کرد چرا که موضوع**

سرنگونی رژیم و اعتراضات معیشتی را مستقیماً به هم گره زد. سرنگونی به گفتنان رایج جامعه تبدیل کرد. خیزش‌های شهری به سرعت با وحشیت تمام توسط رژیم به خون کشید شد ولی در کمترین فرصت دریچه‌ای به روی جامعه گشود که مطالبه اصلی جامعه یعنی سرنگونی رژیم اسلامی را در صدر دستور کار اصلی جامعه قرار داد.

شیوع ویروس کرونا گرچه وقفه‌ای در این امر جامعه ایجاد کرد، ولی همانطور که انتظار می‌رفت عزم و اراده معترضین آبان در انقلاب زن زندگی آزادی بار دیگر متبلور شد و این بار به شکلی گسترده‌تر سوت پایان کار رژیم را به صدا در

آورد.

خیزش‌های دی ۹۶ و آبان ۹۸ یک ویژگی دیگر اعتراضات ایران را هرچند به شکل موجز به جامعه نشان داد و آن حضور بارز زنان بود. انقلاب زن زندگی آزادی که به اولین انقلاب زنانه معروف هست، بارقه‌های این خصوصیت را در دی ۹۶ و آبان ۹۸ نشان داده بود.

آبان ۹۸ به خون کشید شد اما نهال امید و رزوی آزادی را در دل میلیون‌ها انسان کاشت. امیدی که با هر جرقه‌ای به آتشفشانی مبدل می‌شود. یاد جان باختگان آبان ۹۸ گرامی باد.

# ۱۶۱ سال حبس برای ۲۲ متهم سیاسی در اصفهان

کیوان جاوید

**بیست و دو متهم سیاسی توسط شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان به ریاست "قاضی" محمد توکلی مجموعاً به ۱۶۱ سال حبس و مجازات‌های تکمیلی محکوم شدند.**

**بر اساس حکمی که توسط شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان به "ریاست قاضی محمد توکلی" صادر و اواسط آبان‌ماه، به این شهروندان به‌صورت شفاهی ابلاغ شده، سمانه عموشاهی به ۲۳ سال حبس، مرجان بشتام و مینو حیدری هر کدام به ۱۱ سال حبس، شمیم بهارزاده به هشت سال**

حبس و مهشاد کشانی، هدی صادقی، عرفان خلیلیان، مهرشاد برجیان، پویا طالبیان، مریم فرهنگ، کیان طالبی، مینا ندایی، روزبه دانا، پویا دانا، بهار سلیمانی، محمدرضا قطبی‌زاده، سیما ترکیان، زینب (مریم) پرنده، محمد سخنور، امیر عجمیان، پارسا حاجی‌آقایی و امیر سالاری هر کدام به شش سال حبس محکوم شده‌اند. همچنین از بابت مجازات‌های تکمیلی هر یک از این افراد به دو سال منع خروج از کشور و دو سال ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی محکوم شدند.

سناریوی مضحکِ "محاکمات" همان است. "قاضی" متن از پیش تهیه شده‌ای را که نهادهای

**امنیتی در اختیارش گذاشته‌اند را طوطی‌وار می‌خواند: توهین به رهبری، تبلیغ علیه نظام و همچنین عضویت در دسته‌ها و جمعیت‌ها با هدف برهم‌زدن امنیت کشور.**

**حقیقتاً جامعه ایران در یک چیز نمونه است و آن هم صدور گسترده‌ترین احکام زندان علیه شهروندانی که برای زندگی می‌جنگند. اما اعتراض و اعتصاب روزمره و خیزش‌های شهری به فواصل کوتاه‌تر و هر بار با قدرت بسیج بیشترِ مردم، توام با اتحاد بیشتر با محوریت سرنگونی‌طلبی انقلابی، به یک اتفاق روتین در ایران تبدیل شده است.**

**حکومت آنچنان در منگنه و محاصره اعتراضات**

اجتماعی قرار گرفته است که حتی کودکان دبستانی نیز در تقابل با این حکومت ضد زندگی سیاسی شده‌اند. این در جهان بی‌سابقه است که یک حکومت در چنین ابعاد بی‌نظیری کل مردم را علیه خودش بسیج کرده باشد. همین‌که در یک شهر ۲۲ نفر را به جرم براندازی محاکمه می‌کنند نشان‌دهنده اوضاع سیاسی حاکم بر جامعه است. رژیم از صدور این احکام حتی یک میلیمتر هم در جهت ثبات پیش نخواهد رفت. این احکام مردم را نمی‌ترساند، زندان‌ها نیز بیش‌ازپیش به سنگر فعالیت و آموزش فعالین شجاع زن زندگی آزادی تبدیل می‌شوند. هر تعرض به انسانیت در ایران عزم مردم را به سرنگونی رژیم پابرجاتر می‌کند.

# رضا پهلوی و توهم رهبری در دوران گذار

اصغر کریمی

رضا پهلوی گفته است: "من بنا به خواست شما، آمادگی خود را برای هدایت تغییر و رهبری دوران گذار اعلام کرده‌ام."

اینکه رضا پهلوی اینبار با صراحت بیشتری برای رهبری دوران گذار اعلام آمادگی کرده است مربوط به انتخاب ترامپ است. ایشان بلافاصله به ترامپ پیام داد که "اکنون شما این فرصت را دارید که تاریخ‌ساز شوید" و خودش دچار این توهم شد که وقت تاریخ‌سازی او نیز فرارسیده است.

رضا پهلوی با اعتصابات رو به گسترش کارگری، با تجمعات قدرتمند پرستاران، با بیانیه‌های صدها تشکل و فعال انقلاب زن زندگی آزادی، با تحرک چشمگیر دادخواهان و مبارزات شجاعانه زنان و زندانیان قوت قلب پیدا نکرد. چون اینها پیامی به او نداده‌اند. ایشان مرد تحولات از بالا و از طرف بالایی‌هاست. اما جامعه از پائین انقلاب می‌کند نه از بالا! ایشان تاریخ و تاریخ‌سازی را اشتباه گرفته است. قبل از آن نیز در منشور شش نفره خواهان "ادغام نیروهای سپاه در سایر نیروهای نظامی" شده بود و قبل‌تر از آن نیز گفته بود که همین سپاه است که باید از مرزهای میهن دفاع کند یا اگر قرار است با اسلام در بیفتیم

بهتر است همین حکومت سر کار بماند. این درافشانی‌ها آنهم در اوج انقلاب زن زندگی آزادی و در اوج رویارویی مردم با سپاه در خیابان‌های کشور به حد کافی شایستگی ایشان برای رهبری مردم را نشان داده بود.

تحولات از بالا و تاریخ‌سازی از بالا توسط ترامپ و سپاه تا ادعای رهبری بعنوان یک شاهزاده، جوهر درک ایشان از تاریخ است. در واقع تنها راه به قدرت رسیدن یک شاهزاده می‌تواند از چنین مسیری بگذرد. اما تاریخ از پایین ساخته می‌شود توسط همان فعالین و تشکل‌ها و نیروهایی که با تلاش‌های هر روزه‌شان دارند سیر تحولات را رقم می‌زنند و هزاران انسان خوشنام و لایق رهبری در

میان آنها شکل گرفته است. ایشان به نظاره‌گری هم اشاره کرده است اما کسی "نظاره‌گری" را دامن می‌زند که از ترامپ انتظار تاریخ‌سازی دارد.

دوران گذار و پس از دوران گذار را فعالینی یا حزب و سازمانی رهبری می‌کنند که قبل از هر چیز حساب خود را از سپاه و اسلام جدا کرده باشند و در مطالبات، بیانیه‌ها، تلاش‌های روزمره و فعالیت‌های سازمانگرانه خود تغییرات بنیادی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را سرلوحه کار خود قرار داده باشند. چنین نیرویی قادر است از فشار جهانی به حکومت نیز بهره سیاسی لازم را ببرد.

# ترامپ و مبارزه مردم ایران برای سرنگونی

## سؤال یک خواننده ژورنال از ایران

## پاسخ محسن ابراهیمی

**سؤال: نظرتان در رابطه با آمدن ترامپ به صحنه بین‌المللی چیست؟ آیا ترامپ در سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی می‌تواند مؤثر باشد؟ مردم در ایران باید چه‌کار کنند؟ آیا امیدشان به ترامپ و عملکردش باشد؟ یا به توانایی‌های خودشان تکیه کنند و مبارزه را گسترش دهند؟**

**محسن ابراهیمی: سیاست دو حزب رقیب در آمریکا در قبال مسائل جهان و مشخصاً خاورمیانه و جمهوری اسلامی در یک سطح کلان**

و استراتژیک تفاوت اساسی ندارد. این تشابه استراتژیک حتی در مواضع و سیاست‌های علنی و اعلام‌شده‌شان هم مشهود است.

وجه مشترک سیاستشان در قبال جمهوری اسلامی مهار است نه سرنگونی. وادارکردن جمهوری اسلامی به بازی در میدانی است که آمریکا در منطقه تعیین می‌کند. هر دو حزب برای پیش‌بردن این سیاست روی دو عرصه تمرکز دارند: اول، ممانعت از اتمی شدن حکومت اسلامی، دوم، محدود و مهارکردن نیروهای نیابتی حکومت اسلامی تا جایی که منافع آمریکا را تهدید نکنند. حشدالشعبی می‌تواند در سرکوب شهروندان معترض عراق فعال باشد؛ آمریکا

کاری به کارش ندارد اگر پایش را از گلیمش دراز نکند و مثلاً فکر راکت‌پراکنی به این یا آن پایگاه آمریکا را از سرش بیرون کند. حزب‌الله هم همین‌طور، می‌تواند، مثلاً در بعلبک حتی جمهوری اسلامی کوچک خودش را راه بیاندازد اگر پایش را از گلیمش به سمت اسرائیل، متحد آمریکا در منطقه دراز نکند.

اما دو حزب برای تحقق این اهداف منطقه‌ای روش‌های متفاوتی دارند. تفاوت‌هایی که مخصوصاً با حضور ترامپ در کاخ سفید پررنگ‌تر هم شده‌اند. مقایسه ساده میانِ دوره ترامپ با دوره اوباما و بایدن تصویر روشنی از این تفاوت و تأثیرش در موقعیت حکومت اسلامی می‌دهد. در

دوره اوباما و بایدن حکومت اسلامی به میلیاردها دلار درآمد از فروش نفت و آزادشدن دارایی‌های بلوکه شده دست‌یافت و دستش برای تقویت حماس و حزب‌الله و حشدالشعبی بازتر شد. در دوره ترامپ، حکومت اسلامی در هر دو عرصه نفت و دارایی‌های بلوکه شده در موقعیت بسیار بدی قرار گرفت.

مردم از هر اتفاق سیاسی که موقعیت جمهوری اسلامی را در منطقه و ایران تضعیف کند خوشحال می‌شوند. همین‌که ترامپ دستور کشتن قاسم سلیمانی را صادر کرده، او را به تیم بایدن ترجیح می‌دهند. این یک واکنش روانی طبیعی از طرف مردمی است که جمهوری اسلامی زندگی‌شان

را ویران کرده است. این واکنش فرق می‌کند با شوق و ذوقی که در محافل نیروهای دست راستی مخصوصاً منتظرالسلطنه‌های نگران از یک انقلاب زیرورو‌کننده راه افتاده است. آنها تصور می‌کنند سیاست‌های تندتر ترامپ در مقایسه با حزب دمکرات شرایط را برای بندوبست سیاسی از بالا فراهم خواهد کرد و صندلی قدرت در اختیارشان قرار خواهد گرفت.

اما سیاست هیچکدام از دو حزب از جمله ترامپ تغییر رژیم نیست. البته وقتی مردم با انقلابشان حکومت را تا لبه پرتگاه سقوط هل دهند، سیاستشان می‌تواند عوض شود با این هدف که برای گذار از حکومت در حال سقوط

به دوره بعد نقش ایفا کنند و نگذارند انقلاب به دگرگونی همه‌جانبه و بنیادی در اقتصاد و ساختار سیاسی، به قدرت‌گیری خود مردم منجر شود.

مردمی که قبلاً با انقلاب منحصربه‌فرد زن زندگی آزادی جهان را شگفت‌زده کردند، می‌دانند که انقلاب هم ممکن و هم تنها راه نجاتشان است و این مردم به امامزاده ترامپ که به موازین دمکراسی و حقوق بشر در خود آمریکا هم لجن می‌پاشد دخیل نمی‌بندند. مهم است که هر سطح تضعیف حکومت اسلامی در نتیجه سیاست‌های ترامپ را به سکویی برای تعرض به حکومت تبدیل کرد و درعین‌حال هم در ایران و هم در خارج از کشور در مقابل شکل‌گرفتن هرگونه

**مماشات ترامپ با جمهوری اسلامی بایستیم. هر چقدر در ایران اعتراضات بیشتر و گسترده‌تر جریان داشته باشد، هر چقدر حامیان انقلاب در خارج از کشور دولت‌ها را برای بایکوت سیاسی حکومت اسلامی قدرتمندتر زیر فشار قرار دهند، همانقدر فضا برای بندوبست با حکومت اسلامی تنگ‌تر می‌شود و برعکس دست مردم در خود ایران برای تعرض نهایی به حکومت اسلامی بازتر می‌شود.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۸۹

۱۷ نوامبر ۲۰۲۴ – ۲۷ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

داستان ترامپ و جمهوری اسلامی!

کاظم نیکخواه

ماندگاری ابدی کیان پیرفلک

کیوان جاوید

فریاد رسای تداوم انقلاب در زندان‌ها

شهلا دانشفر

کلینیک ترک بی‌حجابی و بودجه ۲۵۵ میلیاردتومانی

عطیه نیک‌نفس

# داستان ترامپ و جمهوری اسلامی!

کاظم نیکخواه

از وقتی که ترامپ در انتخابات آمریکا پیروز شده جمهوری اسلامی سرگیجه مرگ گرفته است. این روزها عمدتاً بحث‌ها حول‌وحوش سیاست ترامپ در قبال جمهوری اسلامی می‌چرخد. هم جمهوری اسلامی از وحشت گیج شده و هم اپوزیسیون راست و سلطنت‌طلب با هر سرفه دوروبری‌های ترامپ به تقلا می‌افتند که معنای آنرا برای آینده خود و "رژیم چنج" کذایی‌شان توضیح دهند!

امروز خبرها حاکی از ملاقات نماینده جمهوری اسلامی با ایلان ماسک بود و عباس عراقچی با تأخیری

معنادار آنرا تکذیب کرد. در حالیکه به گزارش برخی رسانه‌های آمریکایی از جمله ای‌بی‌سی نیوز نماینده جمهوری اسلامی توانسته دیداری با ایلان ماسک، مشاور نزدیک دونالد ترامپ، ترتیب دهد. یک نماینده دولت آمریکا نیز این را تأیید کرده است.

برای حکومت واقعاً موقعیت سختی است. ترامپ کسی‌است که "حاج‌قاسم" و یارانش را به‌قتل رسانده و حکومت اسلامی چند بار برای ترور او تلاش کرده و ناکام مانده است. یعنی با هم دشمن خونی‌اند. اما در افتادن با ترامپی که در آمریکا به‌قدرت‌رسیده می‌تواند خیلی گران تمام شود. گران‌تر از قتل قاسم سلیمانی. سؤال اینست که جمهوری اسلامی چه‌کار باید بکند؟ راهش همین است که در خفا مذاکره

کند و برای تلاش‌های ناکامش معذرت‌خواهی کند و درعین‌حال اجازه بگیرد که حق داشته باشد برای خالی نبودن عریضه گاه‌گاه شعار مرگ بر آمریکا و اسرائیل را سر دهد. بعید نیست که ترامپ هم به چنین معامله‌ای رضایت دهد. از برخی سیگنال‌های سران جمهوری اسلامی این جهت‌گیری مشخص است.

حقیقت غیرقابل‌انکار اینست که آینده جامعه ایران را مردم و انقلاب مردم تعیین می‌کنند نه ترامپ و سیاست "رژیم چنج" کذایی. این حقیقتی است که راست‌ها و سلطنت‌طلبان نفهمیده‌اند، اما جمهوری اسلامی کاملاً آنرا می‌فهمد و لمس می‌کند و سرانش از وحشت این انقلاب واقعاً خواب ندارند. در سطح بین‌المللی جمهوری اسلامی بسیار منزوی است و

حتی آلمان کنسولگری‌های جمهوری اسلامی را بسته و بقیه دولت‌های اروپایی هم دارند بحث تروریست اعلام‌کردن سپاه پاسداران را می‌کنند. پیروزی ترامپ تأثیر روانی‌اش تسریع این روند است. بهر رو حکومتی که در حال سرازیری و زوال است هر اتفاقی در سطح دنیا بیفتد به زیانش تمام می‌شود و به سرنگونی‌اش در داخل توسط مردم کمک می‌کند.

# ماندگاری ابدی کیان پیرفلک

## کیوان جاوید

میثم، پدر دردمند کیان پیرفلک با انتشار ویدئویی به مناسبت دومین سالگرد قتل حکومتی فرزند خردسالش نوشت: ”کیان! پسر باهوش و مهربانم، سخت است که بگویم دو سال از ندیدنت می‌گذرد، چون تو از قلبم و از ذهنم هرگز نرفته‌ای، نام و یادت تا ابد به نیکی بر زبان‌ها جاری است و این تنها تسلی قلب من است.“

یک کودک در کنار پدر و مادر به رگبار بسته می‌شود و جان می‌سپارد. این درد عظیم کمر کوه را می‌شکند. قابل‌تصور نیست که این درد

را پایانی باشد و مادر و پدر کیان عزیز هرگز به آرامش برسند. قلب آنها را حکومت اسلامی آن‌چنان شکسته است که شاید هیچ‌چیز نمی‌تواند تسلای خاطر این زخم‌خوردگان باشد. نفرین‌شدگان خدای اسلام و حکومت اسلامی؛ نفرین‌شدگان مشتی خونخوار زشت صفت و سنگدل که مرگ مردم کسب و کار آنها است و تضمین کننده سود و ثروت سرشاری که به جیب می‌زنند.

قتل کیانِ ما یکی از غم‌انگیزترین لحظات انقلاب زن زندگی آزادی در ایران است. قتلی که جامعه ایران را تکان داد و یک‌بار دیگر با عمق بیشتری ثابت کرد حکومت اسلامی یکی از خونخوارترین و کثیف‌ترین حکومت‌های موجود در جهان است.

اگر مبارزه و امید به سرنگونی جمهوری اسلامی نبود؛ اگر نبردی هر روزه و مداوم برای به زیر کشیدن این جانیان نبود و اگر اعتصاب و اعتراض و بی‌حجابی زنان که تبلور یک جامعه بی مذهب و آزاد و انسانی است در کار نبود خانواده زنده‌یاد کیان پیرفلک در هم می‌شکست؛ قطعاً ما مردم که این‌همه کشته دادیم و شاهد قتل این‌همه جوان مبارز راه آزادی و انسانیت هستیم روزگارمان تیره و تار می شد. اگر با امید به سرنگونی این حکومت هر صبح را آغاز نمی‌کردیم و هر شب با همین امید سر بر بالین نمی‌گذاشتیم دیگر یارای سرپا ماندن در ما نبود.

اما ما هستیم و می‌جنگیم تا آینده‌ای سرشار از خوشبختی را بسازیم. سرشار از زیبایی و زندگی

و برابری و آزادی را بنا کنیم. تنها این امید است که به مادر و پدر کیان و همه ما قوت قلب می‌دهد تا معنای زندگی باشیم. نام و یاد کیان و همه جان‌باختگان انقلاب زیبای ما تا ابد به نیکی بر زبان‌ها جاری است.

# فریاد رسای تداوم انقلاب در زندان‌ها

## شهلا دانشفر

شامگاه جمعه ۲۵ آبان زندانیان سیاسی زندان قزل‌حصار با فریاد "مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای پنجمین سالگرد خیزش آبان ۹۸ و یاد جان‌باختگان آنرا گرامی داشتند. در این حرکت اعتراضی زندانیان سیاسی شعار "آبان ادامه دارد" سر دادند و بدین‌گونه عزم خود را برای تداوم انقلاب زن زندگی آزادی و به پیروزی رساندن آن اعلام داشتند و این فریاد کل جامعه است که از درون زندان، از جایی که ابزاردست حکومت برای عقب راندن اعتراضات مردم است، چنین رسا و شکوهمند از دیوارهای آهنین آن عبور کرده و به

صدر اخبار تبدیل شده است. دیگر شعارهای این زندانیان عبارت بودند از: "آبان ادامه دارد – حتی اگر شب و روز بر ما گلوله بارد" آبان‌ماه تابان – نظام رویه‌پایان"، "طناب دار جلاد بر گردن جوانان دیگر اثر ندارد"، " آبان‌ماه خون است – سید علی سرنگونه".

بدینگونه زندانیان سیاسی در قزل‌حصار بار دیگر حماسه آفریدند. قزل‌حصار همان زندانی که در آن زندانیان سیاسی هم‌صدا با زندانیان عادی آغازگر کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام بودند. کارزاری که در چهل و دومین هفته‌اش در ۲۲ آبان ۲۵ زندان را در بر گرفت. کارزاری که صدایش جهانی شده و به مرکز ثقل جنبشی اجتماعی و مردمی علیه

اعدام تبدیل شده است.

کمی آن‌طرف‌تر همین فریادها را از زندان زنان اوین می‌شنویم. از جمله این زندانیان در همین هفته پس از ابلاغ حکم اعدام زندانی سیاسی وریشه مرادی در ۲۰ آبان در اعتراض به صدور این حکم جنایتکارانه در هواخوری زندان شعارهای ضد حکومتی سر دادند. آنها شعار دادند: ”مرگ بر دیکتاتور“،”مرگ بر خامنه‌ای“، ”بند زنان اوین هم صدا هم پیمان تا لغو حکم اعدام“، ”آزادی آزادی آزادی“، ”صدور حکم اعدام انتقام حاکمان از زنان“، ”طناب دار جلاد، بر گردن دماوند دیگر اثر ندارد“، ”کردستان کردستان گورستان فاشیستان“، ”زندانی سیاسی آزاد باید گردد“.

گوشه دیگر این تصویر خانواده‌های دادخواه هستند. خانواده‌های دادخواه که در سنندج جمع شدند و با فریاد "اعدام نه" اعتراض خود را به‌حکم اعدام وریشه مرادی و پخشان عزیزی اعلام داشتند. خانواده‌های دادخواه که با گرامیداشت سالگرد آبان ۹۸ بر سر مزار جان‌باختگان آبان‌ماه با فریاد ایستاده‌ایم تا آخر راه رهایی از جهنم جمهوری اسلامی را دنبال می‌کنند. آری این جامعه ایست که ایستاده است و کوتاه نمی‌آید.

# کلینیک ترک بی‌حجابی و بودجه ۲۵۵ میلیاردتومانی

عطیه نیک‌نفس

”طبق گزارش‌ها ۲۵۵ میلیارد تومان از بودجه سال جاری دولت جمهوری اسلامی به طرح ”کلینیک ترک بی‌حجابی“ اختصاص‌یافته است.

رئیس اداره زنان ”ستاد امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر“، می‌گوید: ”در بودجه سال ۱۴۰۳ رقم ۱۵۵ میلیارد تومان (معادل بیش از ۳ میلیون دلار) بودجه از ردیف بودجه عمومی و ۱۰۰ میلیارد تومان بودجه اختصاصی به این طرح اختصاص‌یافته است. این در حالی است که فاطمه مهاجرانی، سخنگوی

دولت مسعود پزشکیان مدعی شد، دولت از این مسئله اطلاعی ندارد.“

اولین‌بار نیست که جمهوری اسلامی مخالفین قوانین زن‌ستیزانه اسلامی‌اش را دیوانه و روان‌پریش می‌داند و آنها را روانه مراکز روان‌درمانی می کند. حالا هم طرح مشمئزکننده و نخ‌نمای بازگشایی کلینیک ترک بی‌حجابی را روانه بازار کرده‌اند.

کسی شکی نداشت و ندارد که این طرح مضحک ”کلینیک ترک بی‌حجابی“ با سر به زمین می‌خورد و مردم این مزخرفات اسلامی را فوراً روانه زباله‌دان می کنند. در همین فضا است که سخنگوی دولت پزشکیان منکر این طرح می‌شود، اما رئیس ستاد

امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر پرده از بندوبست مالی پشت این طرح برمی‌دارد.

تخصیص این بودجه‌ها در حالی است که مردم معیشتشان توسط این حکومت به گرو گرفته شده و میلیون‌ها انسان در ایران حتی نمی‌توانند غذای روزمره خود را تأمین کنند. این بودجه‌ها می‌توانست فوراً بخشی از مشکلات مردم را حل کند، اما به جیب مشتی هیولای ضد زندگی سرازیر می‌شود تا در ناز و نعمت زندگی کنند و آقازاده‌هایشان هم روانه خارج شوند تا بهشت اسلامی‌شان را در همین دنیا بسازند.

جنبش عظیم و بی‌نظیر سرنگونی‌طلبی در ایران

برای تسویه‌حساب با هرآنچه که رژیم اسلامی نماینده و پاسدار آن است با همه توان به‌پیش می‌رود تا بر ویرانه‌های این حکومت ضد انسان جامعه‌ای انسانی بسازد. جامعه‌ای که نه از مافیای اقتصادی خبری باشد نه از استثمار و نه از جمود فکری و فرهنگی و نه از زن‌ستیزی. جامعه‌ای که همه امکانات رفاهی جامعه متعلق به همه شهروندان باشد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۹۰

۱۸ نوامبر ۲۰۲۴ – ۲۸ آبان ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

قطع برق و افزایش هزینه گاز

محسن ابراهیمی

پیش فروش زنده ماندن یا خرید قسطی "طبقه متوسط"

بابک یزدی

موزه هنرهای معاصر تهران و یک صف متفاوت

منظر دریاکناری

کودکان فاقد شناسنامه با مادران ایرانی

کیوان جاوید

# قطع برق و افزایش هزینه گاز

محسن ابراهیمی

بنا به دستور دولت، قطع برق سراسری در ساعاتی از روز آغاز شده است. همچنین بر اساس دستورالعمل دولت، افزایش قیمت گاز خانگی و تعطیلی ادارات آغاز خواهد شد.

در کشوری که ۷۰ درصد مصرف انرژی وابسته به گاز است، می‌توان حدس زد افزایش قیمت گاز چه هزینه سنگینی بر سبد معیشت مردم و بر کسب و کار اکثریت جامعه خواهد داشت. توجیهات دولت در باره علت قطع برق توقف مازوت سوزی در نیروگاه‌ها است. ظاهراً نگران

**آلودگی محیط زیست و سلامتی شهروندان هستند!**
**کسانی هم سعی می‌کنند با ژست انتقادی کل ماجرا را با "بی کفایتی" و "مدیریت بد دولت‌ها" توضیح دهند.**

**در کشوری که دومین ذخایر گازی جهان را دارد، چرا مازوت منبع تامین نیروگاه‌های برق است که با ادعای توقف مازوت سوزی زندگی مردم را با قطع برق مختل می‌کنند؟**

**محیط زیست و سلامتی شهروندان به عنوان علت قطع برق و افزایش تعرفه گاز از طرف حکومتی که بزرگ‌ترین ویرانگر محیط زیست و نابود کننده جان و زندگی است، یک دروغ بیشرمانه است.**

در بودجه همین امسال، محیط زیست به امان خدا رها شده است در حالیکه بودجه نظامی برای تولید موشک و پهباد و نگه داشتن تروریست‌های اسلامی در منطقه ۲۰۰ درصد افزایش یافته است.

توضیح این وضعیت با "بی کفایتی و سوء مدیریت" در بهترین حالت سطحی نگری است. در ایران یک مافیای تمام عیار حاکم است که شغلش چپاول و انباشت ثروت به قیمت نابودی محیط زیست و جان و زندگی شهروندان است. بر اساس برآورد آژانس بین‌المللی انرژی، روزانه معادل ۴۰ درصد از متوسط مصرف روزانه گاز توسط شهروندان در طول سال در مرحله تولید و انتقال تلف می‌شود. چرا؟ چون مافیای حاکم

برای به روز کردن زیرساخت‌های تولید و توزیع پولی خرج نمی‌کند تا هزینه تولید موشک و پهپاد برای نیروهای تروریست اسلامی را تأمین کند.

حل ریشه‌ای معضل برق و گاز فقط با نابودی حکومت اسلامی امکان‌پذیر است که مسبب این وضعیت است. اما تا ساقط شدن حکومت، فقط به قدرت مقاومت و اعتراض و مبارزه می‌توانیم جلوی تعرض حکومت به معیشت و زندگیمان از جمله قطع برق و افزایش هزینه گاز که متعلق به مردم است بایستیم. یک لحظه تصور کنید اگر میلیون‌ها مشترک برق و گاز متحدانه قبض برق و گاز را نپردازند حکومت اسلامی در چه وضعیتی قرار خواهد گرفت!

# پیش فروش زنده ماندن
# یا خرید قسطی "طبقه متوسط"

بابک یزدی

**یک گزارش میدانی در ایران درباره فقر و گرانی نشان می‌دهد که زندگی مردم "نسیه‌ای شده" و خرید قسطی کالاهای ضروری حتی "بر زندگی طبقه متوسط سایه انداخته" است.**

**موضوع گزارش تحت فشار سخت قرار گرفتن "طبقه متوسط" است. این هنوز با آن جمعیت عظیمی که زیر خط فقر مطلق قرار دارند فرق می‌کند. بر اساس اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سوم آبان سال جاری، نرخ فقر**

در سال ۱۴۰۲ با رشد چهار دهم درصدی، به بیش از ۳۰ درصد جمعیت ایران رسیده است. طبعاً این همه واقعیت را بیان نمی‌کند.

حالا سونامی فقر و فلاکت گسترده‌تر می‌شود. فقری که بقول خودشان دامن طبقه متوسط را هم گرفته است. وقتی خوب به این طبقه متوسط نگاه می‌کنیم زندگی اکثریت عظیم مزدبگیران را مشاهده خواهیم کرد. طبقه متوسط با معیار سرمایه داران یعنی اساسا کسانی که یک خانه از خودشان داشته باشند و شغلی که از حد معمول حقوق‌های زیر خط فقر به درجه‌ای بیشتر دریافت کنند. این طبقه متوسط نیست این زندگی یک بخش دیگر از طبقه کارگر و کارمندانی است

که اسیر فقر مطلق نیستند. با این "طبقه بازی" دارند خاک به چشم مردم می‌پاشند که انگار هر کس لقمه نان اضافی سر سفره خودش داشته باشد از نظر اقتصادی گلیمش را به خوبی از آب بیرون می‌کشد.

با این وجود این تعرض جدیدتر و وسیع‌تر به سفره‌های مردم را باید به خوبی رصد کرد و تعرض حکومت به رفاه و آسایش مردم را در همه ابعاد به دقت بررسی کرد. خرید قسطی کالاهای اساسی یعنی اینکه شما آینده را پیش فروش می‌کنید و بدهکارتر از گذشته، راهی برای جبران آن عقب‌ماندگی‌های اقتصادی ندارید. در ظاهر، این امروز به فردا کردن و از این ستون

به آن ستون فرجی شدن شاید دردی را از آنان درمان کند، اما این درمان درد نیست این فرو رفتن بیشتر در باتلاق فقر و فلاکت است.

همانطور که می‌دانیم در حال حاضر، حداقل دستمزد ماهانه کارگران مشمول قانون کار، متأهل و دارای فرزند حدود ۱۱ میلیون تومان است، اما سبد معیشت به حدود ۳۷ میلیون تومان در ماه رسیده است. در برابر این چرخه نابودی اقتصادی فقط می‌توان با اتحاد سراسری همه مزدبگیران، بیکاران و معترضان پیشرو اجتماعی مبارزه کرد. باید دست‌به‌کار این اتحاد فرا صنفی هم شد.

# موزه هنرهای معاصر تهران و یک صف متفاوت

## منظر دریاکناری

استقبال پرشمارِ نمایشگاهی از پرتره‌های مشهور جهان و ایران که با بخشی از گنجینه کم نظیر موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شده، موجب تمدید آن شده است.

این نمایشگاه با گذری بر سیر تحولات هنری و مفهومی هنر پرتره از ۱۵ مهر در گالری شماره یک تا پنج این موزه برگزار و تا ۴ آذر تمدید شده است. در این نمایشگاه آثاری از آن‌ری‌دو تولوز لوترک، پابلو پیکاسو، ونسان ونگوگ، اندی وارهول، آلبرتو جاکومتی، جیمز انسور، ادوارد مونه،

جیم داین، ژان دوبوفه، رابرت راشنبرگ، فرنان لژه، خوان میرو، کمال الملک، بهمن محصص، مارکو گریگوریان، محمود جوادی پور، احمد اسفندیاری، ژازه تباتبایی، کامبیز درم بخش، غلامحسن نامی، مهدی سحابی، فرشید ملکی، کوروش گلناری و ... به نمایش گذاشته شده است.

در کنار نمایش این آثار یک نمایش دیگر برای وارد شدن به محل نمایشگاه در جریان است که این نیز باعث شور و هیجان هر بیننده‌ای می‌شود. صف زنان بی حجابی که فضای این روزها در ایران را به نمایش گذاشته‌اند. در صف، بی حجاب‌ها در انتظار اند یا اینکه در رفت و آمد اند. این دو اتفاق اجتماعی، "نمایشگاه پرتره‌ها" و

بی‌حجابی زنان وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، زنگ خطری برای جمهوری اسلامی می‌شود تا بهتر با چشمان کوردلی خود ببینند مردم چه می‌خواهند و چه نمی‌خواهند.

مردم در هر اتفاقی به روشنی نشان می‌دهند از اسلام و روضه خوانی و تاسوعا و عاشورا و ماه محرم و دیدن چهره‌های تهوع آور آخوندها و تیم‌های مقابله با بی حجابی و  و هر آنچه رنگ حکومت دارد عمیقاً تنفر دارند. مردم نه تنها در آرزوی یک زندگی مدرن و شاد و انسانی‌اند بلکه برای به دست آوردن این زندگی از هیچ کوششی دریغ نمی کنند. این یک دستاورد جهانی است و مهر ملی و میهنی هم بر خود ندارد.

بین آرزو داشتن و هرگز به آن نرسیدن و همیشه افسوسش را خوردن، و مبارزه کردن برای بدست آوردن آن آرزوهای انسانی، عمل اجتماعی قرار دارد. جامعه با عمل اجتماعی انسان‌ها، چه فردی و چه جمعی تغییر می‌کند. این عمل اجتماعی وقتی یک حکومت و سیستم متحجر را در برابر خود می‌بیند به یک انقلاب دسته جمعی و عمومی تبدیل می‌شود. نمایشگاه "چشم در چشم" نمایشی از عمق فاصله حکومت با مردم است.

# کودکان فاقد شناسنامه با مادران ایرانی

کیوان جاوید

در حالی که هنوز تعداد بی شماری از کودکان حاصل از ازدواج مادران ایرانی با مردان فاقد تابعیت ایرانی، بدون شناسنامه هستند، دبیر "مرجع ملی حقوق کودک" دلیل آن را "اجرای ناقص" قانون تابعیت و "کندی روند رسیدگی" به درخواست‌های صدور شناسنامه دانست.

یک مشت دروغ به خورد ما مردم می‌دهند که اصل ماجرا را از دیده پنهان کنند. به "اجرای ناقص قانون تابعیت" متوسل می‌شوند تا نگویند تحت قوانین

اسلامی زن انسان کامل و بالغ و برابر با مرد به رسمیت شناخته نمی‌شود. همان بلایی که بر سر همه زنان در ایران می آورند و زندگی، جوانی، شادی و هویت و کرامت انسانی آنها را زیر بمباران قوانین اسلامی به نابودی می کشند، با همان قوانین پوسیده ضد زن سراغ کودکان با مادر ایرانی و مردان فاقد تابعیت ایرانی می‌روند.

اینهمه کله معلق زدن که از آخوندهای مرتجع و شارلاتان از قرن‌های گذشته تا امروز آموخته‌اند را به خورد ما می دهند که این یک کلمه را زیر عبای چرکین ملا پنهان کنند که زنان نمی‌توانند برای فرزندان خود مستقلاً شناسنامه دریافت کنند. باید حتماً یک پدر که زاده در خاک ایران باشد مهر تأیید بزند که اسپرم متعلق به همین خاک پاک

ایرانی – اسلامی است.

این بازی تهوع‌آور اسلامی را باید بر هم زد. نباید اجازه داد مشتی از گور برخاسته مانع شناسنامه دار شدن بخشی از شهروندان این جامعه شوند. حتی فکر کردن به این آپارتاید جنسیتی و به این جنایت در حق کودکان خون هر انسان شریفی را به جوش می‌آورد. این کودکان حق دارند از حق شهروندی برخوردار شوند و به مدرسه بروند و از امکانات رفاهی و اجتماعی برخوردار شوند. ما مردم؛ ما فعالین سیاسی و اجتماعی؛ ما چهره‌های شناخته شده جنبش‌های اعتراضی و مدافعان حقوق کودک در ایران و ما مدافعان حقوق انسانی زنان باید سریع و بی‌هیچ معطلی با این سلب حق شهروندی بخشی

از جامعه برخورد قاطع کنیم و رژیم را وادار کنیم که فوراً و بی معطلی و بدون اما و اگر نه تنها شناسنامه برای این کودکان صادر کند، بلکه حق شهروندی این کودکان و پدران این کودکان را بی درنگ به رسمیت بشناسد.

هر چه فوری‌تر آستین مبارزه را بالا بزنیم و نگذاریم انسانیت یکبار دیگر و به بهانه‌ای دیگر توسط حکومت اسلامی زیر پا له شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۹۱

۱۹ نوامبر ۲۰۲۴ – ۲۹ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

## در این شماره ژورنال:

**علت گرانی و راه مقابله با آن**

**دو سؤال از کاظم نیکخواه**

**فاجعه محیط زیستی در اصفهان!**

**شهاب بهرامی**

**قتل ۵ زن در هر ساعت و انقلاب زنانه**

**سیاوش آذری**

# علت گرانی و راه مقابله با آن

## دو سؤال از کاظم نیکخواه

**سوسن صابری:** در یکی دو هفته گذشته شاهد افزایش سریع و پی‌درپی قیمت‌ها هستیم. افزایش تعرفه گاز، افزایش قیمت برق و افزایش ۳۰ درصدی ایران‌خودرو و سایپا. قیمت مواد غذایی و اجاره مسکن هم که مدت‌هاست افزایش صعودی دارند. چه اتفاقی افتاده؟ به‌غیراز تورم چه توضیح دیگری می‌شود برای این وضعیت داشت؟

**کاظم نیکخواه:** گرانی یک گوشه از فشاری است که در جمهوری اسلامی زندگی مردم را به عذاب تبدیل کرده است. شرایط بسیار بدتر از این حرف‌هاست.

ما بارها گفته‌ایم که اقتصاد جمهوری اسلامی در حال فروپاشی است. این دیگر واقعی نیست. اقتصاد جمهوری اسلامی به‌عنوان یک سیستم سرمایه‌داری مدت‌هاست که به طور واقعی فروپاشیده است. هیچ‌چیز سر جای خودش نیست. هیچ‌چیز کار نمی‌کند. تولید کار نمی‌کند و بسیار محدود زیر ظرفیت است. صادرات و واردات کار نمی‌کند. بودجه‌بندی کار نمی‌کند. سیستم مزد و حقوق کار نمی‌کند. تأمینات و خدمات اقتصادی و اجتماعی کار نمی‌کند و توخالی است. خلاصه هیچ‌چیز سر جای خودش نیست. این یک لاشه بر زمین افتاده است که یک‌مشت لاشخور دارند هرچه زورشان می‌رسد از آن می‌کنند و به کشورهای دیگر قاچاق می‌کنند. اساس این "اقتصاد" بر قاچاق، دزدی، رانت‌خواری، بالاکشیدن حقوق کارگران و کارکنان، تقلب و

دوزوکلک استوار است و یک دزدبازار کامل است که مافیای اقتصادی که عمدتاً همان "آقازاده‌ها"ی منفور هستند از قبل آن ثروت‌های میلیارددلاری به هم زده و مردم زجر می‌کشند و مچاله می‌شوند. همین‌الان روی کار آمدن ترامپ در آمریکا و چشم‌انداز گسترش تحریم‌ها و تنش‌ها به جامعه شوک وارد کرده و به گرانی‌ها شدت بیشتری داده است.

بر متن این شرایط است که شاهد افزایش مداوم قیمت‌ها هستیم که و امروز قیمت برق و گاز و مواد غذایی و اجاره‌ها بالا می‌رود و فقر و محرومیت را برای مردم محروم خردکننده‌تر می‌کند. در این اقتصاد رکود و تورم سال‌هاست هم‌زمان دارد به مردم فشار می‌آورد. نتیجه این شده که ما وسیعاً شاهد کارتن

خوابی، زباله‌گردی، مرگ از بیماری‌های ساده، کار کودکان، محرومیت از تحصیل، تن‌فروشی و اعتیاد و هزار مشکل و معضل دیگر هستیم. این توضیح کوتاهی در مورد تشدید گرانی‌ها است.

**سوسن صابری:** در مقابل این افزایش ناگهانی قیمت‌ها چه باید کرد؟

**کاظم نیکخواه:** جواب سرراست و درعین‌حال تکراری به این سؤال این است که باید جمهوری اسلامی را سرنگون کرد. این راه‌حل اساسی معضلات اقتصادی حاکم است. کارگران و معلمان و پرستاران و بازنشستگان هر روز دارند اعتصاب و اعتراض و تجمع و مبارزه می‌کنند تا بتوانند ذره‌ای از فشارها را کم کنند. این مبارزات بسیار مهم و کلیدی است.

جمهوری اسلامی فقط زبان زور را می‌فهمد. باید به جمهوری اسلامی مدام فشار آورد که از گوشه‌ای از بودجه‌های کلان مراکز تحمیق و جاسوسی اسلامی و نیروهای سرکوب و ریخت‌وپاش‌های نهادهای رنگارنگش بزند و صرف زندگی مردم کند. گسترش اعتراضات و اعتصابات، به‌ویژه به هم پیوستن آنها به‌صورت اعتصابات سراسری، دفاع سراسری از درمان رایگان و تحصیل رایگان، فشار گذاشتن روی گرده مفت‌خورانی که حقوقهای کارگران و بازنشستگان را بالا می‌کشند، و خلاصه به جریان انداختن یک جدال گسترده و سراسری و متحدانه برای دفاع از معیشت و رفاه عمومی، فوری‌ترین و مبرم‌ترین کاری است که می‌شود و باید کرد. این اعتراضات می‌تواند کاری کند که حکومتیان ناچار شوند از دزدی‌ها و اختلاس‌هایشان

**کم کنند و ثروت‌های عمومی را صرف زندگی مردم و کاهش فشار کمرشکن گرانی کنند. اتحاد، اعتصابات سراسری و تجمعات سراسری، اعتراض به امنیتی‌کردن مبارزات! اینها کلیدواژه‌های مقابله با این وضعیت است که باید برای آنها بسیار کار کرد.**

# فاجعه محیط زیستی در اصفهان!

## شهاب بهرامی

مدیرکل آموزش‌وپرورش استان اصفهان با بیان اینکه حدود ۱۵۰ مدرسه استان تحت‌تأثیر فرونشست قرار گرفته‌اند، گفت: تاکنون ۴۲ مدرسه به طور کامل تخلیه شده‌اند.

اگر آمارهای دست‌کاری شده و دروغ این آقایان را بپذیریم باز ناگفته پیداست که به‌زودی‌زود، مابقی آن صد و پنجاه مدرسه دیگر هم تخلیه خواهند شد. آیا برای دانش‌آموزان این مدارس ساختمان‌های جدیدی احداث خواهد شد؟ آیا دانش‌آموزان، روانه کوچه و خیابان و کار در سن کودکی نخواهند شد؟ پاسخ: "ان‌شاءالله با رفع

تحریم‌ها فکری خواهیم کرد ولی تا آن موقع خانواده‌های دانش‌آموزان می‌توانند به همت یکدیگر، مدارس صحرایی و چادری تهیه کنند که خب البته امروز در بسیاری از نقاط ایران هم امری عادی است"!

بحران تخلیه سفره‌های زیرزمینی آب و فرونشست زمین و هشدار و اخطار متخصصین به سه دهه گذشته برمی‌گردد. خشک‌شدن تالاب‌ها و رودخانه‌ها و دریاچه‌ها، احداث صدها سد غیرکارشناسانه و ضد محیط زیستی و ده‌ها نمونه دیگر برای نابودی طبیعت و محیط‌زیست، در عرض کمتر از سی‌سال کافی بود تا امروز تمام خط‌قرمزهای عبور به مرز نابودی را در نوردیم. و این نتیجه وجود چنین رژیمی دزد

سالار با سیستمی نابکار که مدال رکورد جهانی بیابان‌زایی را به گردن‌شکسته و ناپاکش آویزان کرده است.

مدت‌هاست که سازمان‌ها و نهادهای جهانی حفظ محیط‌زیست هشدار داده‌اند که اگر روند نابودی المان‌های محیط زیستی ایران متوقف نشود تا کمتر از دو دهه دیگر بیش از نیمی از مناطق جنوبی و مرکزی ایران خالی از سکنه می‌شود و بیش از بیست میلیون نفر مجبور به ترک شهرها و روستاهایشان خواهند شد. سؤال این است، به کجا خواهند رفت و سرنوشتشان چگونه رقم خواهد خورد؟

به بودجه سال آینده اشرار حاکم نگاه کنید، بیش

از نصف کل بودجه به خودشان یعنی نیروهای نظامی و گله‌های سرکوب، نهادهای مذهبی و شرکای بیت رهبری اختصاص‌یافته. سهم عمران و آبادانی؟ سهم آموزش‌وپرورش؟ سهم حداقل معیشت برای زنده‌ماندن؟ فراموش کنید؟

گویند روزگاری، دزدی شرور، به همراه اشرار و گردنه‌بگیران دیگر، غارت و قتل‌عام و تجاوز به زنان و کودکان را حلال فرمودندی و سوار بر الاغ بال‌دار سفرهای فضایی بپیمودی. امروز کپی برابر اصل است. پایان حیات این دزدان و نابودکنندگان زندگی در راه است.

# قتل ۵ زن در هر ساعت و انقلاب زنانه

سیاوش آذری

بنا بر آخرین اطلاعات مرکز آمار ایران ۹۶ درصد از ۱۶ هزار و ۲۶۴ نفری که به دلیل همسرآزاری توسط سازمان پزشکی قانونی معاینه شده‌اند را زنان تشکیل می‌دهند. در سه ماه نخست سال‌های ۱۴۰۱، ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ دست‌کم ۸۵ زن و دختر به دست اقوام مرد خود به قتل رسیده‌اند. این در حالی است که خشونت علیه زنان در سطح جهان (من‌جمله ایران) در هر ساعت به طور متوسط منجر به قتل پنج زن توسط مردان می گردد. زنان در سطح جهان نیز از سنین بسیار پایین مورد تعرض و خشونت بدنی، جنسی و عاطفی، ختنه و

انواع تبعیض‌های جنسیتی قرار می گیرند.

خشونت و تبعیض علیه زنان امری تازه و مختص جامعه سرمایه‌داری نیست. اما ازآنجاکه سیستم سرمایه‌داری بر مبنای نابرابری استوار است، اشکال مختلف تبعیض و اجحاف از جمله زن‌ستیزی را به شیوه‌ای سیستماتیک و در اشکال جدید و بسیار وحشیانه‌تر از گذشته بازتولید می‌نماید. به این معنی تبعیض علیه زنان و نابرابری جنسیتی پدیده‌ای کاپیتالیستی و امروزی و سیاسی است؛ بنابراین، مبارزه علیه تبعیض جنسیتی و خشونت علیه زنان نیز امری کاملاً سیاسی است. مبارزه برای رهایی زنان بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزه برای رهایی کل بشر و آزادی، برابری و رفاه همگان

و در ذات خود مبارزه علیه سرمایه‌داری است.

در جمهوری اسلامی زن بودن جرم است و به همین دلیل موجودیت زنان در ذات خود در تقابل با موجودیت رژیم اسلامی است. ازاین‌رو، وجه سیاسی مسئله زن و مبارزه برای حقوق زنان و ذات آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه جنبش رهایی زن در ایران تحت سلطه رژیم اسلامی در مقایسه با کشورهای غربی بسیار آشکارتر و مشهودتر است. تبعیض جنسیتی، دشمنی با زنان و زن کشی سیستماتیک، پایمال کردن حقوق جهان‌شمول زنان که نتیجه صدها سال مبارزه خستگی‌ناپذیر زنان در سرتاسر جهان است روی دیگر سکه تحمیل فقر و فلاکت به جامعه، ضدیت با زندگی،

**شادی، انسانیت، برابری، رفاه، آزادی و کرامت انسانی است. سرشت زنانه انقلاب ژینا نتیجه اجتناب‌ناپذیر این تقابل ذاتی است.**

**رهایی زن رهایی جامعه است. امروز انقلاب زن زندگی آزادی نوک تیز پیکان مبارزه برای رهایی کل بشر در جهان است. پیروزی انقلاب زنانه در ایران نه‌تنها پایان بختک اسلام سیاسی در ایران و منطقه، بلکه همچنین پیشروی بزرگ زنان و کل بشریت علیه تبعیض و توحش سرمایه‌داری خواهد بود.**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۹۲

۲۰ نوامبر ۲۰۲۴ – ۳۰ آبان ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: آذر پویا

## در این شماره ژورنال:

جنگ مافیایی بر سر جانشینی خامنه‌ای

محسن ابراهیمی

پزشکیان و درد بی‌درمان عقب‌ماندگی کشور

سیامک بهاری

خودسوزی یک کارگر و ناامنی شغلی

سیاوش آذری

آهوی زخمی و شکارچی هراسان

آذر پویا

# جنگ مافیایی بر سر جانشینی خامنه‌ای

## محسن ابراهیمی

خامنه‌ای در جلسه اخیر مجلس خبرگان گفته است که در جریان جنگ احد بر پیامبر اسلام آیه‌ای نازل شده است که از پیروان او می‌خواهد در صورت کشته‌شدنش راه پیامبر را ادامه دهند. اخیراً، یک عضو مجلس خبرگان ضمن اشاره به سخنان خامنه‌ای اظهار کرده است که "حضرت آقا" با اشاره به آن آیه، خواسته است که جامعه را برای "شهادتش" آماده کند و اعضای مجلس خبرگان با شنیدن این "فرمایشات" های‌های گریه کرده‌اند!

لازم نیست جامعه را برای مرگ یا "شهادت"

**خامنه‌ای آماده کنند. جامعه در همین هشت سال گذشته سه بار برای روانه‌کردن نظام اسلامی به زباله‌دان در مقیاس گسترده وارد میدان شده است و در هر اتفاقی در بالای حکومت دنبال فرصتی خواهد بود تا کلیت نظام اسلامی را به "شهادت" برساند!**

**جانشینی خامنه‌ای اولاً موضوع تنش میان لاشخورهای مختلف مافیای اسلامی برای سهم بیشتر از چپاول است و ثانیاً همین باندها نگران هستند که مرگ یا "شهادت" او چه تأثیری در فروپاشی نظامشان می‌تواند داشته باشد!**

**عباس پالیزدار، همان نماینده مجلس اسلامی که ۱۶ سال پیش در باره فساد گسترده در میان باندهایی**

از حکومتشان افشاگری کرده بود، هم‌زمان با بحث جانشینی خامنه‌ای یکباره در رسانه‌ها ظاهر شد و بعد از تکرار افشاگری‌هایش در باره فساد سران مرده قوه قضاییه، گفت آقا مجتبی اگر جانشین شود می‌تواند با فساد مبارزه کند! خبرگزاری فارس از قوه قضاییه خواست که با او برخورد کند. قبلاً هم در یکی از جلسات مجلس خبرگان بحث در باره جانشینی بوده است که گویا ابراهیم رئیسی و احمد خاتمی با طرح چنین بحثی مخالفت کرده‌اند. رئیسی که شهید هلی‌کوپتر شد و احمد خاتمی هم کنار گذاشته شده است. اینها فقط شواهد کوچکی از این حقیقت هستند که بحث جانشینی موضوع تنش مافیایی میان باندهای حکومتی است و باند خامنه‌ای دارد مجتبی را برای صندلی ولایت‌فقیه آماده می‌کند.

تبدیل‌شدن مسئله جانشینی خامنه‌ای به بحث و تنشی داغ میان محافل حکومتی، از نظر مردم فرصتی برای داغ‌تر کردن مبارزه خودشان علیه کلیت حکومت اسلامی است. شعار "مجتبی بمیری، رهبری را نبینی" که قبلاً به گوش خامنه‌ای رسیده است، گویای این واقعیت است که مردم همچنان مبارزه داغشان را ادامه خواهند داد تا نظام اسلامی را به خاکستر تبدیل کنند.

# پزشکیان و درد بی‌درمان عقب‌ماندگی کشور

سیامک بهاری

## مسعود پزشکیان: اصلاً نمی‌پذیرم ایران از هیچ کشوری عقب‌تر باشد

هسته سخت قدرت حکومت اسلامی در میانه جنگ‌افروزی، تنش، بحران و انزوای بین‌المللی در کشمکش‌های بی‌انتهای اختلافات درونی، اقتصاد ورشکسته و کسری بودجه نجومی، پزشکیان را آورد تا با وسط بازی افسار دولت را دستش بدهند. او دقیقاً عکس‌برگردان بیت خامنه‌ای و برادران قاچاقچی است. خیال‌پردازی و توهم‌زدگی او در همان راستای سیاست راهبردی خامنه‌ای برای تأمین هزینه جنگ‌افروزی و پنهان‌کردن پوزه به

**خاک مالیده در رقابت‌های منطقه‌ای و انزوای سیاسی است.**

**جامعه در گرداب فقر و فلاکت غوطه می‌خورد، خشمگین و زخم‌خورده است! جای تولید انرژی سوخت و تأمین برق را جدول خاموشی و قطع گاز و کمبود بنزین و افزایش قیمت گرفته است. در میانه تحریم‌های کمرشکن و مسدودشدن راه‌های بند و بست‌های پنهانی دست‌به‌دست کردن قاچاق ارز و رشد کسری بودجه‌ای که دیگر دارد لایه اوزون را هم سوراخ می کند، رئیس دولت وامانده که دست در جیب خالی مردم دارد می گوید نمی‌پذیرد ایران از هیچ کشوری عقب‌تر باشد! از اجرای حداکثری برنامه‌های کلان نظام و رشد ۸ درصدی اقتصاد کشور نوید می‌دهد.**

پیش پای او سازمان برنامه‌وبودجه سیاه روی سفید حساب کرده بود، رشد اقتصادی ۸ درصدی به معنای جذب ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جدید برای هر سال است.

محمود نجفی رئیس اتاق بازرگانی تهران می‌گوید: " در سال ۲۰۲۳ کل تأمین مالی انجام شده در اقتصاد ایران ۶۵ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد شده است. درحالی‌که تأمین مالی بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان که با رشد اقتصادی یک تا دو درصد روبرو هستند برای مثال ژاپن ۴۷۱، بریتانیا ۴۶۶، کره جنوبی ۳۳۲، آمریکای شمالی ۲۹۶ و چین ۱۸۵ درصد تولید ناخالص داخلی آن کشورها بوده است." او می‌گوید: " در ۶ماهه گذشته در اقتصاد کشور حدود ۱۲۰۰ هزار

میلیارد تومان، نقدینگی انجام شده است که ناشی از فشار تأمین مالی دولت به‌خاطر کسری بودجه بوده است.“ این خیال‌پردازی‌ها بخشی از شارلاتان‌بازی حکومت اسلامی است. جامعه منتظر آمارسازی حکومتی نیست!

بحران اقتصادی، حاصل کارکرد سیاست‌گذاری حکومت برای تأمین ماجراجویی و عربده‌کشی‌های منطقه‌ای و پر کردن جیب گشاد آیت‌الله‌ها و آقازاده‌ها و ایادی حکومتی است.

مردم منشأ سفره خالی و فلاکت اقتصادی و سیه‌روزی خود را می‌دانند، بارها فریاد زده‌اند، فقر، فساد گرونی میریم تا سرنگونی، حرف اول و آخر جامعه با حکومت اسلامی روشن است.

# خودسوزی یک کارگر و ناامنی شغلی

## سیاوش آذری

سید اصغر موسوی، کارگر اخراجی ذوب‌آهن اصفهان با آغشته کردن خود به بنزین و سپس به‌آتش کشیدن خود اقدام به خودسوزی کرد. این کارگر با تلاش دیگران از مرگ نجات یافت اما متأسفانه آتش موجب سوختگی شدید وی گشته است. معالجه این کارگر مجروح ادامه دارد و وضعیت سلامتی وی "پایدار" گزارش شده است.

اصغر موسوی یکی از کارگران پیمانی سابق شرکت طرف قرارداد با مجموعه ذوب‌آهن بوده که بعد از پایان قرارداد شرکت مذکور کار خود

را ازدست‌داده است. کار پیمانی یعنی ناامنی و بی‌ثباتی شغلی؛ یعنی چرخاندن شمشیر اخراج، بیکاری و فقر و فلاکت بر فراز سر کارگران برای به تمکین واداشتن و تحمیل شرایط برده‌وار کاری بر آنان. بنا بر آمار نهادهای رسمی رژیم، در ایران قریب به ۹۶ درصد از کارگران قراردادهای موقت دارند و این در حالی است که آمار دقیق و قابل اتکایی از کارگران غیررسمی و قرارداد سفید امضا و سفته گذاری وجود ندارد. به‌علاوه، بنا بر آمار رسمی رژیم تعداد بیکاران در ایران سه تا سه و نیم‌میلیون نفر است اما کارشناسان معتقدند که تعداد بیکاران در ایران بیش از چهار میلیون نفر است. همچنین بنا بر آمار غیررسمی، نرخ بیکاری جوانان بین ۱۵ تا ۲۵ سال در ایران نزدیک به ۸۰

درصد است.

این شرایط جهنمی است که رژیم سرمایه‌داری اسلامی و اقتصاد مافیایی – دزدسالار آن برای مردم و توده‌های کارگر و مزدبگیر رقم زده. چنین شرایطی یعنی تحمیل مرگ تدریجی و چندین‌باره به کارگران؛ این یعنی تحمیل شرایطی که در آن مرگ یکباره و خودخواسته در مقایسه با ادامه حیات و تحمل فشار و تحلیل بدنی و روحی ناشی از شدتِ کار، ناامنی شغلی و بیکاری مزمن گزینه‌ای مطلوب‌تر می‌نماید، یعنی تقلیل زندگی به زیست مادون شأن انسان.

باید با تمام قوا در مقابل تحمیل و استمرار این

شرایط برخیزیم. باید در تمامی اعتراضات خود پرچم مطالبه جایگزینی قراردادهای موقت با قراردادهای دائم را برافرازیم. باید همراه با کارگران، معلمان، پرستاران و بازنشستگان معترض خواست معیشت و منزلت و زندگی در شأن انسان و دستمزد و حقوق مکفی برای تمامی کارگران شاغل و بیکار را فریاد کنیم. تشدید مبارزه در این راستا اعتلای انقلاب و سرنگونی رژیم سرمایه اسلامی آخوندهای میلیاردر، آقازاده‌ها و مافیای حاکم اسلامی را تسریع خواهد کرد.

# آهوی زخمی و شکارچی هراسان

## آذر پویا

سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی درباره آهو دریایی، دانشجوی دانشگاه علوم و تحقیقات، گفت: "ازآنجاکه مشخص شده بیمار بوده، اکنون به خانواده‌اش تحویل داده شده و تحت مراقبت آنها قرار دارد." او افزود هیچ پرونده‌ای در دستگاه قضایی برای او تشکیل نشده است.

آهو دریائی آتشفشانی که روز دوازدهم آبان منفجر شد، ذرات مذابش در خیابان‌های تهران روان گشت و زمین را زیر پای دژخیمان اسلامی داغ کرد، صدای انفجارش به گوش جهانیان رسید و

بلافاصله مورد حمایت تمامی انسان‌های منصف و تشکل‌های حقوق بشری واقع شد. کوس رسوائی جمهوری اسلامی به صدا در آمد و مجبور شد با سری افکنده و خجول اعلام کند برای آهو پرونده قضائی تشکیل نشده او را به خانه‌اش بازگردانده‌اند.

این اولین‌بار نیست که جمهوری اسلامی معترضین را دستگیر و بعد از شکنجه‌های فیزیکی آنها را روانه بیمارستان‌های روانپزشکی کرده و تحت بدترین شکنجه‌های روانی و شوک‌های الکترونیکی قرار داده و سپس آنها را به حال خود رها کرده و به‌اصطلاح آزادشان می‌کند. بیاد داریم عزیزانی چون مریم اروین، عرشیا امام قلی‌زاده، احسان جواهری و یلدا آقافضلی را که بعد از آزادی از

زندان یا اقدام به خودکشی کردند و یا اندکی بعد به طور نامشخصی فوت کردند و جان عزیزشان را از دست دادند.

جمهوری اسلامی تحت‌فشار اعتراضات جهانی و فشارهای داخلی مجبور به آزادی آهو شد. برای خاموش کردن صدای معترضین اعلام کرد آهو را به خانواده‌اش برگردانده است. باید مراقب این آهوی زخمی، این زن عاصی و این گلوله خشم بود. آهو باید تحت بهترین مراقبت‌های پزشکی قرار گیرد تا اثرات مخرب داروهای بیمارستان خنثی شوند. نباید بگذاریم فاجعه‌ای دیگر تحت نام خودکشی جان عزیز آهو را بگیرد و قاتلین اصلی را از زیر تیغ مسئولیت رها کند.

خانواده، دوستان، هم‌کلاسی‌ها و تمام انسان‌های شریفی که با افشاگری و حمایت‌هایشان در چند هفته گذشته، باعث آزادی آهو شدند در این موقعیت بسیار حساس نیز نباید او را تنها بگذارند. با آغوشی باز مهر بی‌دریغمان را نثارش کنیم. با مراقبت‌های پزشکی مسئولانه از جان عزیز آهویی که دل به دریا زد و تمام شئونات یک رژیم فاسد و ضدانسانی را زیر پاهای استوارش له کرد حمایت کنیم. فرزندان آهو باید به داشتن چنین مادری افتخار کنند و از او درس آزادگی بیاموزند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۹۳

۲۱ نوامبر ۲۰۲۴ – ۱ آذر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

## در این شماره ژورنال:

واکنش علیه نقض گسترده حقوق بشر در ایران

کیوان جاوید

”محدودیت هوشمند“ و گیج‌سری سران رژیم

سیاوش آذری

درخواست پزشکیان از پاپ برای گسترش صلح

رضا درویش

اخاذی اتمی جمهوری اسلامی

محسن ابراهیمی

# واکنش علیه نقض گسترده حقوق بشر در ایران

کیوان جاوید

کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل روز چهارشنبه ۳۰ آبان، قطعنامه‌ای علیه نقض گسترده حقوق بشر در ایران تصویب کرد که در آن، از جمله نسبت به افزایش اعدام از سوی جمهوری اسلامی هشدار داده است.

صدور احکام اعدام به دلیل اعترافات اجباری زیر شکنجه. اعدام بخاطر جرایم مواد مخدر، به دلیل زنای محصنه و روابط جنسی همجنسگرایان و به دلیل ارتداد، توهین به مقدسات و نوشیدن مشروبات الکلی از جمله دلایلی است که جمهوری اسلامی

دست به اعدام می‌زند.

در راستای قعطنامه محکومیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا نیز طی قطعنامه‌ای که حمایت آمریکا و کاندا را با خود دارد، با تمرکز بر تحولات و وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی طی سال گذشته، وضعیت حقوق زنان، آزادی بیان و امنیت روزنامه‌نگاران، شرایط مدافعان حقوق بشر و خانواده‌های آنها را وخیم توصیف کرده و استفاده گسترده از مجازات اعدام در ایران را به‌شدت محکوم کرده است.

جمهوری اسلامی این محکومیت‌ها را سیاسی کاری نام نهاده است و آن را محکوم کرده است. جمهوری اسلامی هم می‌داند در موقعیت وخیمی گرفتار آمده است که محکومیت‌ها علیه حکومتش

مدام گسترده‌تر می‌شود. ما در این محکومیت‌ها نیز قدرت مبارزات سرنگونی‌طلبی خود را می‌بینیم که گوشه‌ای از آن مبارزات در قطعنامه‌های جدید سازمان ملل و اتحادیه اروپا بازتاب یافته است.

ما به‌خوبی می‌دانیم که جمهوری اسلامی در این برهه از حیات خود در موقعیت بسیار ضربه‌پذیری در عرصه جهانی قرار داد. قدرت نیروهای تروریست نیابتی‌اش بیش از همیشه تضعیف شده است و قدرت عرض‌اندام منطقه‌ای‌اش را بشدت از دست داده است. حمایت گسترده جمهوری اسلامی از روسیه در جنگ علیه اوکراین نیز یک عامل مهم فشار سیاسی بیشتر اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی است.

اما حقیقتی که در این محکومیت‌های متعدد مشاهده می‌شود موقعیت فلاکتبار جمهوری اسلامی و مبارزات بی وقفه مردم ایران علیه این جانیان است. جامعه ایران یکپارچه شور و حرکت و تعرض است. این تعرضات هم زمان کمک می‌کنند که دولت‌ها نیز مماشات و حسابگری را کنار بگذارند و امکانات سیاسی را علیه جمهوری اسلامی بکار بگیرند. گزارش پایمال‌شدن حقوق انسانی در ایران باید وسیع‌تر از این به اطلاع افکار عمومی جهان و سازمان‌ها و دولت‌ها برسد. در این زمینه فعالانه‌تر اقدام کنیم.

# "محدودیت هوشمند" و گیج‌سری سران رژیم

سیاوش آذری

**بنا بر گزارش روزنامه فرهیختگان به نظر می‌رسد سران سه قوه رژیم اسلامی در مورد ادامه سانسور اینترنت، اما نه در شکل موجود، بلکه با استفاده از "محدودیت هوشمند"، به توافق نظر رسیده‌اند.**

**"محدودیت هوشمند" به‌خاطر پیشرفت تکنولوژی و استفاده از پروتکل‌های امن برای انتقال محتوا میان سرورها و موبایل‌ها و کامپیوترهای کاربران و رمزگذاری بلافاصله محتوای تولید شده که مداخله در محتوا و "حکمرانی" بر سایت‌ها را امکان‌ناپذیر ساخته است، کاملاً غیرعملی است و مسلماً سران و دست‌اندرکاران رژیم بر**

این امر واقف هستند. روشن‌تر اینکه دغدغه اصلی مسئولین رژیم اسلامی اعمال سانسور و جلوگیری از دسترسی شهروندان به اطلاعات و سایت‌های مخالف رژیم و همچنین پیشگیری از سازمان‌یابی مردم از طریق اینترنت و رسانه‌های اجتماعی به‌ویژه در دوران اعتراضات گسترده خیابانی است.

نکته حائز اهمیت، ناکارایی فیلترینگ اینترنت و تبدیل آن به ضد خود است زیرا استفاده از فیلترشکن‌ها نه‌تنها تلاش برای جلوگیری از دسترسی کاربران به سایت‌های غیرمجاز را عقیم کرده و ردیابی از کاربران را عملاً غیرممکن ساخته است بلکه، به اذعان دست‌اندرکاران حکومت، نارضایتی اجتماعی از سیاست سانسور

و کلیت رژیم را گسترده‌تر ساخته است. اعمال "محدودیت هوشمند" در حقیقت انصراف از سیاست فیلترینگ حتی به بهای چشم‌پوشی از درآمد بادآورده حاصل از فروش قاچاق فیلترشکن توسط بخشی از همین مافیای حاکم اسلامی است زیرا این بار آنچه بیش‌ازپیش در خطر است موجودیت جمهوری سفاک اسلامی است.

این عقب‌نشینی خجولانه از سیاست اعمال فیلترینگ و سانسور اینترنت شکست فرهنگی و سیاسی دیگری برای رژیم در تقابل با مردم است. قبلاً هم در تلاش برای جلوگیری از دسترسی مردم به تلویزیون‌های خارجی و مخالف، رژیم به تهدید مردم و جمع آوری ماهواره‌ها و اعمال جرایم نقدی و غیره کرده بود اما در آن دوره هم این سیاست

توسط مردم به شکست کشیده شده بود. آنچه در مورد شکست سیاست سانسور اینترنت بدیع و متفاوت است توازن قوای اجتماعی جدید میان مردم و حکومت اسلامی به یمن پیشروی‌های حاصل از انقلاب زن زندگی آزادی است. هراس از سرنگونی به دست مردم و گیج‌سری رژیم بر اثر ضربات کوبنده انقلاب ژینا در سیاست دخیل بستن به امامزاده "محدودیت هوشمند" کاملاً هویداست. مردم مترصد سرنگونی انقلابی، دفتر سانسور اینترنت، چه هوشمندانه و چه بیهوش را همراه با کلیت حکومت الله خواهند بست.

# درخواست پزشکیان از پاپ برای گسترش صلح

رضا درویش

مسعود پزشکیان در نامه‌ای که ۳۰ آبان ۱۴۰۳ در خبرها انعکاس یافته از رهبر کاتولیک‌های جهان خواسته است تا سران کشورهای جهان را به کمک برای برقراری صلح در غزه و ارسال کمک‌های بشردوستانه ترغیب کند.

رژیمی که نوکیشان مسیحی در ایران را بارها بازداشت و روانه زندان کرده حالا "به جامعه مسیحی سلام‌های گرم و صمیمانه" می‌فرستد. رئیس‌جمهور حکومتی که از عوامل اصلی ناامنی و جنگ‌افروزی در منطقه و جهان بشمار می‌رود در

این نامه ادعا می‌کند: "گفتمان صلح بین‌المللی محور سیاست خارجی‌اش است و به گسترش صلح و عدالت در جهان امیدوار است."

رژیمی که از ابتدای روی کار آمدنش در نهایت قساوت مخالفانش را در ایران و حتی خارج از مرزها با تعقیب و تهدید و نهایتاً ترور به کام مرگ کشانده است، حالا می‌گوید: "جای بسی تأسف است که چنین قساوت و تجاوز به حقوق انسان‌ها را در سرزمین‌های مقدسی به نظاره نشسته‌ایم که زادگاه پیامبران الهی و پیام‌آوران صلح و آرامش برای کل بشریت بوده‌اند." یادمان نرود این را رژیمی می‌گوید که از نظر گزارشگر ویژه حقوق بشر مرتکب جنایت علیه بشریت شده است.

پزشکیان در ادامه و به‌دروغ ادعا می کند "جمهوری اسلامی در تلاش بوده جلوی کشتار بیشتر انسان‌های بی گناه گرفته شود." این در حالی است که گروه تروریستی حزب‌الله توسط حکومت ایران تأسیس شده و رژیم همچنان به حمایت مالی و تسلیحاتی این گروه و دیگر تروریست‌های اسلامی مثل حماس در منطقه ادامه می‌دهد.

جمهوری اسلامی از یک‌سو می گوید برای جبران خرابی‌های ببار آمده در غزه و لبنان، خرابی‌هایی که خودش مستقیماً در به وجود آوردنش نقش داشته، هزینه خواهد کرد. از سوی دیگر می‌داند در داخل بیش از آن منفور است که بتواند مانند دوران جنگ ایران عراق کاروان‌های کمک‌های

مردمی راه بیندازد. همچنین از نظر بین‌المللی رژیم منزوی‌تر از آن است که بتواند برای اعمال فشار بر دولت اسرائیل روی مذاکره با دولت‌های غربی حساب کند؛ بنابراین تصور می‌کند شاید بشود از پاپ در چنین شرایطی استفاده کند.

پزشکیان مأیوس از ناکارآمدی "خدای دهه شصت" برای سرکوب در داخل؛ به روح‌القدس پناه برده است تا شاید برای حکومت منزوی در منطقه فرجی حاصل شود!

# اخاذی اتمی جمهوری اسلامی

محسن ابراهیمی

درست در مقطع اجلاس شورای حکام آژانس بین‌المللی اتمی، همانطور که انتظار می‌رفت اخاذی اتمی جمهوری اسلامی شروع شده است. اخبار رسانه‌ها حاکی از این است که سه دولت فرانسه، آلمان و انگلستان قطعنامه‌ای برای تصویب در این اجلاس ارائه کرده‌اند. مقامات جمهوری اسلامی که استاد رجزخوانی و حقه‌بازی هستند به هر کاری که بلدند متوسل می‌شوند تا چنین قطعنامه‌ای به تصویب نرسد.

اقدامات جمهوری اسلامی در آستانه اجلاس شورای حکام شبیه فیلمی شده است که همیشه

در مقطع اجلاس این شورا از اول اکران می‌شود. هم‌زمان با وعده‌هایی برای شیره مالیدن سر آژانس، تهدیدهایشان را تکرار می کنند و زمانی که "خطر" رفع شد، پروژه‌های مخفی هسته‌ای‌شان را ادامه می‌دهند تا مقطع اجلاس بعدی.

راه افتاده‌اند و تهدید می‌کنند که توقف حجم ذخایر اورانیوم در سطح ۱۸۵ کیلوگرم مشروط به لغو قطعنامه پیشنهادی قدرت‌های غربی در نشست جاری شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. می گویند در صورت تصویب قطعنامه ، به "پاسخ متقابل" متوسل خواهند شد. تهدیدهای قبلی در باره آمادگی دسترسی به سلاح هسته‌ای را تکرار می کنند و حتی می گویند حکومت می تواند ظرف ۲۴ ساعت به "بازدارندگی نظامی هسته‌ای"

برسد که همان دسترسی بمب اتم است.
جمهوری اسلامی هم به‌خاطر بحران حکومتی در داخل و هم به‌خاطر ضرباتی که در منطقه خورده است، هم به‌خاطر تندتر شدن مواضع دول اروپایی و تحولاتی که در هیئت حاکمه آمریکا رخ‌داده است، به‌طورجدی نگران قطعنامه‌ای است که می‌تواند به فعال‌شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های پیش از برجام منجر شود و حتی زمینه برای ضربات نظامی به برنامه‌های هسته‌ای‌اش فراهم شود.
اما یک چیز روشن است. حکومت اسلامی هم به‌خاطر وضعیت بحرانی‌اش در ایران و هم به‌خاطر موقعیت به‌شدت ضربه خورده‌اش در منطقه نمی‌تواند از پروژه هسته‌ای‌اش که قطعاً برای مجهز

شدن به سلاح هسته است دست بردارد. می‌دانند راه نجاتی برای رهایی از بحران حکومتی در داخل و نهایتاً سرنگونی ندارند و تصور می کنند تنها راه برای حداقل به عقب انداختن سرنگونی، بازدارندگی هسته‌ای در منطقه و جهان است. باتوجه‌به تمام این فاکتورها، بحران هسته‌ای جمهوری اسلامی منوط به حل بحران حکومتی جمهوری اسلامی است که فقط با سرنگونی ممکن است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۹۴

۲۳ نوامبر ۲۰۲۴ – ۳ آذر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

۲۵ نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان

ژینو ابراهیمی

مسئله حجاب و کربلای پنج

کیوان جاوید

نسیم سلطان‌بیگی و جایزه آزادی بیان

شهاب بهرامی

رابطه موز ۶ میلیون‌دلاری و تشنگان در حال مرگ

سینا پدرام

# ۲۵ نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان

ژینو ابراهیمی

در آستانه رسیدن به ۲۵ نوامبر، روز جهانی منع خشونت علیه زنان هستیم. این در شرایطی است که میلیون‌ها زن در سراسر جهان مورد خشونت و تبعیض جنسیتی قرار می‌گیرند یا این خشونت و تبعیض علیه زنان را با همه وجود خود حس می‌کنند. خشونت، فقط جسمی نیست، بلکه خشونت جنسی، کلامی، روحی و روانی و خشونتی که هویت و کرامت انسانی زنان را مورد تعرض قرار می‌دهد، ابعاد متنوعی از خشونت علیه زنان است.

**بیش از ۴ دهه از حاکمیت جمهوری اسلامی زنان و دختران زیادی به اسم ناموس و شرف کشته شدند و هیچ دادگاهی هم نبوده که معترضین به زنان را محاکمه کند، چون حکومت از مردسالاری حمایت می‌کند و قوانین اسلامی و ضد زن گویای خشونت آشکار علیه زنان است. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی کدام زن مورد خشونت قرار نگرفته است؟**

**خشونت علیه زنان در ایران حکومتی است و تمام دستگاه‌های قانون‌گذار و مجری قانون همراه با همه نهادهای انتظامی و نظامی و اطلاعاتی در همراهی با همه دستگاه‌های تبلیغی دست‌به‌هم دادند تا زنان را در کنج خانه‌هایشان نابود کنند.**

**در تقابل با این وضعیت یک انقلاب در ایران به نام زن جهان را متوجه عظمت خود کرده است. انقلابی که با نام زن شروع شده و زندگی و آزادی را طلب می‌کند.**

**جدیدترین نمونه این مبارزه با آپارتاید جنسیتی آهو دریایی است. زن جوانی که در اعتراض به خشونت نیروهای سرکوبگر رژیم ضد زن دست به اعتراض عریان زد و نشان داد زنان برای رهایی مرز و محدودیت ناموس پرستی، خرافی و عقب‌مانده زن ستیز را در هم می‌شکنند.**

**به انقلاب زن زندگی آزادی نگاه کنیم که هزاران زن شجاع پرچم‌دار این انقلاب بودند و در کف**

خیابان‌ها فریاد آزادی سر دادند و در این راه عده‌ای کشته و مجروح و تعداد وسیعی بازداشت و زندانی شدند.

روز جهانی خشونت علیه زنان را باید به اعتراضی گسترده و وسیع در سرتاسر جهان و به‌خصوص ایران تبدیل کنیم. ما زنان برای رهایی دوش به‌دوش همه انسان‌های برابری‌طلب و آزادیخواه به میدان آماده‌ایم و با اتحاد و همبستگی‌مان پرچم آزادی و برابری را برافراشته کرده‌ایم و علیه تمامی تابو ها و تبعیض‌ها و آپارتاید جنسیتی تا سرنگونی رژیم اعدامی و ضد زن مبارزه می‌کنیم. زنده‌باد زن زندگی آزادی.

# مسئله حجاب و کربلای پنج

## کیوان جاوید

**میثم رضوان‌پور، معاون اجتماعی سازمان بسیج، روز شنبه سوم آذرماه گفت: "ما برای رفع محاصره دشمن و تک دشمن در مسئله حجاب، نیاز به کربلای پنج داریم. خرمشهرها در پیش است نه در میدان جنگ نظامی، در میدانی که از جنگ نظامی سخت‌تر است."**

**بی شک نسل جدید احتمالاً خاطره‌ای از جنگ ارتجاعی ایران و عراق ندارد. خصوصاً نسل جوان شاید اصلاً نداند میثم رضوان‌پور منظورش از**

**”کربلای پنج“، اشاره به چه چیزی است. همین‌قدر اشاره کنیم که عملیات کربلای ۵ در تاریخ ۱۹ دیماه سال ۱۳۶۵ در منطقه شلمچه و شرق بصره آغاز شد که به گفته رژیم موفقیت‌های بزرگی در این عملیات علیه ارتش عراق کسب شد.**

**یادآوری و ربط دادن موج میلیونی بی‌حجابی با کربلای پنج چه معنایی برای رژیم اسلامی دارد؟ آیا غیر از این است که بگویند در محاصره یک نیروی عظیم اجتماعی قرار دارند که مقابله با این فوج عظیم از همه عملیات نظامی که جمهوری اسلامی در جنگ ۸ ساله انجام داده است دشوارتر است؟ این چه نیرویی است که حکومت اسلامی می‌گوید نبرد با آن از میدان جنگ نظامی سخت‌تر**

**است؟ این کدام ارتش و با کدام تجهیزات به‌روز شده و با چه قدرت سازماندهی و تعرضی پا به میدان جنگ گذاشته است که رژیم مجبور می شود برای روحیه دادن به ارتش شکسته خورده خود به عملیات کربلای پنج خود دخیل ببندد؟**

**یادآوری کربلای ۵ از روی قدرت رژیم نیست تا با به رخ کشیدن آن، روحیه میلیونها زن و کل جامعه را خراب کند و در دل‌ها ترس بیندازد. این رژیم قدرت این نیروی شکست ناپذیر اجتماعی؛ قدرت زنان که با قدم‌های استوارشان زمین را زیر پای حکومت می‌لرزانند را دیده است و برای همین به صحرای کربلا زده است تا بگوید ما آنیم که روزی در خرمشهر جنگیدیم و ارتش**

**عراق را از این شهر عقب راندیم.**

**ما زنان و همه جوانان و کلیت این جامعه ۸۷ میلیونی که در ایران زندگی می‌کنیم، حرف‌های پوچ معاون اجتماعی سازمان بسیج که بیشتر به پارس سگ نشسته شبیه است را نشانه‌ای بسیار مهم از قدرت زنان در مبارزه با بی‌حجابی می‌بینیم. ما این درماندگی حکومت را به فال نیک می‌گیریم و مبارزه خود را برای سرنگونی جمهوری اسلامی گسترش می‌دهیم.**

# نسیم سلطان‌بیگی و جایزه آزادی بیان

## شهاب بهرامی

سازمان بین‌المللی "شاخص سانسور"، نسیم سلطان بیگی، روزنامه‌نگار ایرانی، را به‌عنوان برنده جایزه "آزادی بیان" سال ۲۰۲۴ خود در بخش روزنامه‌نگاری معرفی کرد.

به نسیم سلطان بیگی و همه روزنامه نگاران شجاعی که با تمام وجود در دفاع از آزادی و کرامت انسانی و برای جامعه‌ای انسانی مبارزه و تلاش کرده‌اند تبریک می‌گوئیم. جمهوری اسلامی با همه سرکوب و کشتار و جنایت و خفقان و ارعاب، نتوانست جامعه را به گورستانی

خاموش و خالی از اعتراض و مبارزه تبدیل کند. در تمام طول تاریخ ننگینِ این اشرار حاکم، مبارزات اقشار مختلف مردم به شیوه‌های گوناگون ادامه داشت و پا به پای این مبارزات، گزارشگران شجاعی در نهایت بیباکی، تلاش کردند گزارش اعتراضات و مبارزات مردم را به گوش جهانیان برسانند و اینهمه در شرایطی رخ داد که به گفته نسیم، "ایران در فهرست ۱۰ کشور دارای بزرگ‌ترین زندان روزنامه‌نگاران قرار دارد، اما "ما خبرنگاران مستقل همیشه در کنار حقیقت و مردم ایستاده‌ایم." این هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند."

اساساً نقش دولت‌ها تنظیم قوانین و مقرراتی به

نفع حاکمین یا بهتر است گفته باشم باندهای حاکم بویژه در کشورهای دیکتاتور زده است که دست به سانسور و سرکوب و ارعاب می‌زنند تا جیبمان را آسان‌تر خالی کنند و نان را از سفره‌هایمان بربایند، بنابراین بحث و اهمیت آزادی بیان بویژه آزادی بی قید و شرط آن، اینجا معنی پیدا می‌کند. انسان گرسنه و دردمند، آزاد نیست، لذا برای رهایی از چنگال فقر و گرسنگی اول باید آزاد شود.

قطعاً آزادی بیان یکی از اصول بنیادین یک جامعه آزاد است و به افراد این امکان را می‌دهد که نظرات، ایده‌ها و احساسات خود را بدون ترس از سرکوب یا مجازات بیان کنند. این آزادی نه‌تنها

برای توسعه فردی و اجتماعی ضروری است، بلکه به مشارکت فعال در امور سیاسی و اجتماعی جامعه و به دست‌گرفتن سرنوشت آحاد جامعه به دست خود نیز کمک می‌کند. تا آنجا که "شرط آزادی هر فرد شرط آزادی همگان شود."

جایزه آزادی بیان، به نسیم سلطان بیگی تعلق گرفت، جایزه نوبل شجاعت برای مبارزه در این راه قطعاً و باید به سپیده قلیان و ده‌ها زندانی سیاسی شجاع دیگر تعلق بگیرد. به یاد بیاوریم، سپیده اولین جمله‌ای که پس از آزادی چهارساعته از زندان و جلو چشم دژخیمان رژیم سر داد این بود: "خامنه‌ای ضحاک، می‌کشیمت زیر خاک."

# رابطه موز ۶ میلیون‌دلاری و تشنگان در حال مرگ

سینا پدرام

در خبرها آمده است که یک موز به‌عنوان اثر هنری، به قیمت ۶ میلیون و ۲۰۰ هزار دلار در حراج فروخته شد. همان روز خبر دیگری از وضعیت آب‌های آلوده در سودان گزارش شده است.

نیاتاباه، زنی از سودان جنوبی که در دل میدان‌های نفتی ایالت یونیتی دام پرورش می‌دهد، می‌گوید: "اگر این آب را بنوشی، نفست می‌گیرد و به سرفه می‌افتی. ما می‌دانیم این آب آلوده است، اما جای دیگری نداریم، از تشنگی در حال مرگیم."

چیز غریبی نیست. هر روز می‌توان به خیابان‌های تهران، کلکته، بوینس آیرس و حتی لندن، نیویورک و پاریس سری زد و تناقضات ساده و بغرنج جامعه سرمایه‌داری را مشاهده کرد. خیابان‌های شلوغ، متروهای پر رفت و آمد، میدان‌ها مملو از پیر و جوان، رهگذرانی که همدیگر را نمی‌شناسند و از کنار هم می‌گذرند. گاه با نگاهی خسته، گاه با لبخندی سرد و غالب اوقات بی‌هیچ نگاهی، چهره نوین جوامع انسانی را نقش زده‌اند. داستان فقر اکثریت انسان‌ها و ثروت و شیوه زندگی افسانه‌ای یک‌درصدی‌ها، دیگر حتی برای کودک خیابانی که "سرد و گرم" خیابان‌ها "درس" زندگی را به او آموخته نیز پنهان نیست.

خبرهایی ازاین‌دست که کسی به‌عنوان خریدار و یا کلکسیونر هنری ۶ میلیون برای یک عدد موز و یک چسب بر روی دیوار پرداخت می‌کند هر از گاهی و به درست حیرت‌ها، افسوس‌ها و عموماً خشم شنوندگان را بر می‌انگیزند.

آمارهانشان‌می‌دهند،میلیاردهاانسان آب آشامیدنی تمیز و سالم ندارند؛ میلیاردها انسان دسترسی به توالت و حمام ندارند و هزاران زن و کودک در هندوستان شب‌ها در راه‌رفتن به توالت مورد تجاوز قرار می‌گیرند؛ مدرسه کافی برای کودکان نیست؛ از بیمارستان و دارو و درمان خبری نیست و غیره و در همان حال شخصی میلیون‌ها دلار برای موز روی دیوار هزینه می‌کند و میلیاردر دیگر ۳۰ میلیون

می‌دهد تا چند ساعت به فضا برده شود. این دنیایی است که هر ۴.۴ ثانیه یک کودک از انواع بیماری های علاج پذیر و بی غذایی می‌میرد.

سؤال تنها این نیست که چرا این‌چنین است. جواب این سؤال، علت این نابرابری حداقل از دوران مارکس بادقت موشکافی شده است. سؤال دقیق‌تر پیش روی ما این است که چگونه باید به این وضع نقطه پایانی گذارد؟

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۹۵

۲۴ نوامبر ۲۰۲۴ – ۴ آذر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

درخواست مذاکره با ترامپ در اوج ذلت

اصغر کریمی

آذردخت، واضح و رسا علیه اعدام

کیوان جاوید

اوج افزایش قیمت برق خانگی

منظر دریاکناری

شناسایی یک مقام ارشد رژیم اسلامی در کانادا

بابک یزدی

# درخواست مذاکره با ترامپ در اوج ذلت

## اصغر کریمی

با انتخاب ترامپ به ریاست‌جمهوری آمریکا خواهش و تمنا از طرف مقامات جمهوری اسلامی برای مذاکره شروع شده است. سخنگوی سازمان انرژی اتمی، خطاب به دولت‌های غربی می‌گوید: "هنوز برای تعامل و کنارگذاشتن فشار و تهدید فرصت باقی است و ایران در عین این که خود را برای مقابله با تهدیدها آماده کرده، تعامل را به تقابل ترجیح می‌دهد."

علی لاریجانی در مقام مشاور خامنه‌ای نیز پیشنهاد مذاکرات جدید را در وب‌سایت شخص خامنه‌ای

نوشته است: "اگر طرف‌های غربی برجام را قبول ندارند، برجام "وحی منزل" نبوده و اگر آمریکایی‌ها احساس می‌کنند سرشان کلاه رفته، بیایند سر موضوعات جدیدی مذاکره کنند."

به یاد بیاوریم که ترامپ را تهدید به قتل کرده بودند و خامنه‌ای در دومین سالگرد کشته‌شدن سلیمانی گفته بود که قاتلان او تقاص پس خواهند داد و در زباله‌دان تاریخ گم‌وگور خواهند شد. در مورد نیروهای نیابتی نیز گفته بود که وضعیتشان "پررونق‌تر و امیدوارتر از دو سال قبل است."

امروز همه چیز تغییر کرده است. اسرائیل که قرار بود به دریا ریخته شود از داخل و خارج کشور ضربات سختی به جمهوری اسلامی زده، نیروهای

نیابتی که یک رکن حاکمیت جمهوری اسلامی بودند درهم‌شکسته شده‌اند و حکومت در اوج ذلت برای مذاکره با ترامپ به خواهش و تمنا افتاده است. این را رسانه‌های داخل کشور نیز دارند اقرار می‌کنند. دول اروپایی نیز فشارهای دیپلماتیک و سیاسی خود علیه جمهوری اسلامی را تشدید کرده‌اند.

در داخل کشور اوضاع به‌مراتب بیشتر به زیان حکومت تغییر کرده است. اقتصاد بیش‌ازپیش به ورشکستگی کشیده شده، ناامیدی در سطوح مختلف حکومت تشدید شده و حکومت در مقابل مردم ناتوان‌تر و زبون‌تر از همیشه است. شکست استراتژیک خامنه‌ای برای همه مقامات عیان شده و بحث از جانشینی او داغ شده است. اما حکومت در هیچ زمینه‌ای راه پس و پیشی ندارد. با ترامپ

مذاکره کند یا نکند و غنی‌سازی را تشدید کند یا نکند هر دو برای حکومت زیان‌بار است. چون همه این تصمیمات در شرایطی است که موقعیت حکومت در داخل و خارج از همیشه وخیم‌تر است. این وضعیت حکومتی است که در سراشیب قرار دارد.

مردم به‌دقت این اوضاع را دنبال می‌کنند و روحیه می‌گیرند. می‌بینند که دشمنشان در گوشه رینگ گیر افتاده است. تحولات مهمی در پیش است. در توازن قوای جدید بیش‌ازپیش باید خود را آماده کنیم.

# آذردخت، واضح و رسا علیه اعدام

## کیوان جاوید

آذردخت حق‌جویان، مادر رضا رسایی، معترض اعدام‌شده به دست جمهوری اسلامی، ویدئویی را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده که نشان می‌دهد بر مزار فرزندش در "میناآباد" کرمانشاه حاضر شده و خواستار "نه به اعدام" برای همیشه در جامعه انسانی شد. رضا رسایی، ۳۴ساله اهل شهر "صحنه" در استان کرمانشاه، روز سوم آذر ۱۴۰۱ دستگیر و در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۴۰۳ اعدام شد.

یک مادر در بر مزار فرزند جان‌باخته‌اش ایستاده و متنی را قرائت می‌کند که تاریخ یک کشور را

می‌تواند ورق بزند و جامعه را از دوران بربریت و توحش اسلامی به عصر انسانیت وصل کند. این زن، این مادر دردمند و این انقلابی انسان‌گرا علیه یکی از بزرگ‌ترین معضلاتی که گریبان جامعه را گرفته دادنامه صادر کرده است.

این لحظه تاریخی را بیاد داشته باشیم. مادر یک اعدامی، در مزار فرزند اعدام‌شده‌اش که برای آزادی و برابری و انسانیت به‌پاخاسته و به خاک افتاده است علیه اعدام بیانیه می‌خواند. او خواهان "پایان‌یافتن اعدام برای همیشه داد سخن سر می‌دهد."

جنبش علیه اعدام در ایران مدت‌ها به جنبش اجتماعی، تاریخی و تأثیرگذار در حیات سیاسی

ایران تبدیل شده است. این یک جهت‌گیری عمیق اجتماعی در ایران است که ماهیت و هدف از اعدام را شناخته است.

"علیه اعدام" در تاریخ معاصر ایران تاریخی مدون دارد که زنده‌یاد منصور حکمت پایه‌های سیاسی و تئوریک و اجتماعی آن را ۳۰ سال پیش باز کرد و بر همین اساس کمیته بین‌المللی علیه اعدام ایجاد شد و هم اکنون نیز این نهاد با قدرت به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

این جنبش هم اکنون نه فقط در زندان‌ها توسط زندانیان سیاسی یا توسط خانواده‌های محکومین به اعدام ادامه‌دارتر و قدرتمندتر شده است بلکه در یک هارمونی به‌هم‌پیوسته ابعاد متنوع‌تری هم

به خود گرفته است. کارزار جهانی علیه اعدام یکی از بروزات سیاسی جنبش علیه اعدام است که صدها فعال و تشکل علیه اعدام را متشکل کرده است.

آن‌طور که آذردخت حق‌جویان می‌گوید: "نه به اعدام برای همیشه در جامعه انسانی". این خواست تبلور انقلاب زن زندگی آزادی است که رضا رسایی در تلاش برای پیروزی این انقلاب به خاک افتاد.

# اوج افزایش قیمت برق خانگی

## منظر دریاکناری

**بررسی تعرفه‌های جدید نشان می‌دهد قیمت مصرف برق برای خانوارهای ایرانی بین ۳۸ تا ۸۳ درصد جهش‌یافته است.**

**دولت ورشکسته و مستأصل اسلامی برای اینکه بیشتر از جیب مردم بدزدد و صرف دستگاه سرکوب و ماشین جنگی‌اش بکند برای بالابردن قیمت مصرف برق کلی آمار و ارقام جورواجور، گمراه‌کننده و سرگیجه‌آور ردیف کرده است که این جمله را بگوید. قیمت برق گران شده است.**

این افزایش قیمت در حالی رخ می‌دهد که حکومت از حدود دو هفته پیش به دلیل کمبود گاز و سوخت مایع برای نیروگاه‌ها، قطع برق خانگی و تجاری را در سراسر کشور آغاز کرده است. این البته همه دلایل قطع برق نیست. بسیاری تأکید دارند که قطع برق خانگی به این دلیل صورت گرفته است تا صرف تولید بیت‌کوین شود که منبع جدید درآمد برای حکومت است.

چوب اقتصاد ورشکسته و مافیای حکومتی جمهوری اسلامی را باز هم مردم می‌خورند. هزینه تأمین مالی نیروهای تروریست اسلامی را مردم ایران می‌پردازند. مردمی که در این زمستان نه‌تنها از روشنایی و گرما محروم شده‌اند که برای برق

نداشته هم باید هزینه بسیار بالاتر بپردازند. این حکومت بر ویرانی زندگی مردم و مکیدن خون آنها بنا شده است. این زالوهای زندگی به جان یک جامعه افتاده‌اند تا تمامی امکانات تولیدی و منابع طبیعی و ثروت اجتماعی آن را تا ذره آخر غارت کنند. این را همه مردم به‌خوبی می‌دانند و علیه این حکومت پا به میدان مبارزه گذاشته‌اند.

علیه خاموشی‌های گسترده و علیه گرانی برق با تمام نیرو و توان و با همه نیروی انسانی باید به میدان بیاییم. قطع برق یعنی مختل‌شدن بخش اعظم زندگی اجتماعی که حتی تولید نان را هم مختل کرده است. این خاموشی‌ها را ضربدر افزایش هزینه ۳۸ تا ۸۳ درصدی کنید تا عمق

**فاجعه روشن‌تر شود.**

**در تقابل با این یورش به ته‌مانده سفره ما، یک تن واحد از همه شهروندان تشکیل دهیم و رژیم فاسد و غارتگر اسلامی را عقب برانیم. نپرداختن قبوض برق و گاز و آب ابزاری است برای عقب راندن حکومت. اقدام کنیم.**

# شناسایی یک مقام ارشد رژیم اسلامی در کانادا

بابک یزدی

آژانس خدمات مرزی کانادا اعلام کرد، یکی دیگر از "مقام‌های ارشد رژیم ایران" در کانادا شناسایی شده است. به گفته مقامات مهاجرتی کانادا، تعداد "عوامل شناسایی‌شده وابسته به رژیم ایران" اکنون به ۱۶ نفر رسیده است. آژانس خدمات مرزی کانادا (CBSA) روز جمعه ۲ آذر از شناسایی یکی دیگر از مقامات ارشد رژیم جمهوری اسلامی و تشکیل پرونده برای او خبر داد.

این کافی نیست که یکی دیگر از مقامات رژیم شناسایی شده و پرونده‌اش در حال بررسی است

تا از کانادا اخراج شود. اخراج برای این جانیان که پول مردم را کیسه کردند و با کارنامه‌ای پر از جنایت و کشتار و ویران کردن زندگی مردم ایران چمدان‌ها را بستند و برای ادامه زندگی وارد کانادا شدند جواب ما مردم را نمی‌دهد. صدها تن از مقامات جمهوری اسلامی یا آقازاده‌های این قاتلان در کانادا زندگی می‌کنند. حتی اگر در مورد این آقازاده‌ها پرونده قضایی تشکیل نشده است، صرف اینکه با پول دزدیده شده مردم وارد کانادا شده‌اند نباید با تقاضای اقامت آنها در کانادا موافقت شود.

اخراج برای مقامات ارشد جمهوری اسلامی کافی نیست. وقتی ثابت می‌شود شخصی از مقامات ارشد است یا در سرکوب نقش داشته است یا

اموال مردم را غارت کرده است باید محاکمه شود و در کانادا به جرم جنایت علیه بشریت زندانی شود.

مقامات هیئت مهاجرت و پناهندگی کانادا به گلوبال نیوز گفتند، این اداره طبق رویه معمول خود اطلاعاتی درباره پرونده‌هایی که عمومی نیستند ارائه نمی‌کند. این نیز مورد انتقاد شدید ما، خصوصاً ایرانیان مقیم کانادا باید باشد. چرا و به چه دلیل نام و مشخصات و موقعیت سیاسی مقامات ارشد جمهوری اسلامی در کانادا افشا نمی‌شود؟ مردم حق دارند سازمان‌دهندگان حفظ نظام سراپا جنایت اسلامی را بشناسند. همانطور که اسم نام هر قاتلی در کانادا در روزنامه‌ها اعلام

می‌شود در این مورد هم باید جنایت کاران اسلامی به مردم معرفی شوند.

مخالفت و مبارزه در کانادا علیه جمهوری اسلامی سابقه‌ای طولانی دارد و نیروی زیادی حول آن سازمان‌یافته است. این قدرت را علیه مقامات ریزودرشت جمهوری اسلامی که به کانادا کوچ می‌کنند بکار بگیریم و خواهان محاکمه و زندانی‌شدن این قاتلان مردم ایران شویم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۹۶

۲۵ نوامبر ۲۰۲۴ – ۵ آذر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

پرستاران، این ناجیان زندگی در اعتراض

کیوان جاوید

زن‌کشی و رژیم خشونت اسلامی

سیاوش آذری

پرونده چای دبش در لجنزار حکومت اسلامی

محسن ابراهیمی

افزایش بیماران مبتلا به ویروس اچ آی وی در ایران

سینا پدرام

# پرستاران، این ناجیان زندگی در اعتراض

## کیوان جاوید

در پی اعتراضات کارکنان بیمارستان‌ها در اهواز، دوشنبه ۵ آذر، حدود ۴۰۰ نفر از پرستاران و کادر درمان بیمارستان "امام خمینی" اهواز در اعتراض به عدم تحقق مطالباتشان دست به اعتصاب زدند. به گزارش صفحه اینستاگرام "کانون پرستار" این کارکنان شامل پرستاران، تکنسین‌های اتاق عمل، کارکنان تأسیسات و خدمات بودند که در محوطه بیمارستان تجمع کرده و از ادامه کار خودداری کردند.

این اعتصاب در حالی صورت می‌گیرد که در

روزهای اخیر اعتراضات مشابهی در دیگر بیمارستان‌های زیرمجموعه دانشگاه علوم پزشکی اهواز، از جمله بیمارستان‌های گلستان و رازی، نیز رخ داده است. اعتراضات سراسری پرستاران در شهرهای دیگر همچنان ادامه دارد.

این اعتراضات پرستاران و همه اعتراضات معیشتی دیگر، از جمله اعتراضات و اعتصابات کارگری در صنعت نفت و فولاد و... اعتراضات بازنشستگان، معلمان و مال‌باختگان، قدرت یک جامعه به‌پاخاسته علیه فقر و فلاکت را به نمایش می‌گذارد. جمهوری اسلامی در برابر این اعتراضات بسیار شکننده‌تر شده است و قدرت مقابله با حجم عظیم اعتراضات را روز به روز

بیشتر از دست می‌دهد.

خواسته‌های پرستاران و همین‌طور خواست‌های رفاهی و معیشتی دیگر معترضین و اعتصاب‌کنندگان روشن و شفاف است. جامعه‌ای که زیر خط فقر، یا درست‌تر است گفته شود زیر خط بقا با چنگ و دندان می‌جنگد تا به منزلت، معیشت و رفاه برسد، خود را در برابر خشن‌ترین و ضد انسانی‌ترین حکومت سرمایه‌داری جهان می‌بیند. این رژیم اسلامی است که با شدیدترین استثماری که به مزدبگیران تحمیل کرده است زندگی را به یک جهنم واقعی برای مردم و یک بهشت زمینی برای یک‌درصدی‌های زالوصفت تبدیل کرده است.

**این رژیم را فقط باید با اتحادی سراسری و فرا "صنفی" در هم کوبید. اعتراضات معیشتی - رفاهی در ایران مختص یک بخش از جامعه نیست. به این دلیل می‌توان و باید توسط همه جامعه مورد حمایت قرار بگیرد. اعتصابات معیشتی را می‌شود به اعتراضات خیابانی ای که بی شک در پیش خواهد بود وصل کرد و کار رژیم را یکسره کرد و به آزادی و رفاه و یک جامعه انسانی رسید. از پرستاران و همه کارگران و دیگر بخش‌های معترض جامعه که برای رفاه و معیشت در میدان هستند با همه توان حمایت کنیم.**

# زن‌کشی و رژیم خشونت اسلامی

## سیاوش آذری

شهین دخت مولا وردی، معاون امور زنان و خانواده در دولت روحانی در نشستی در ارتباط با خشونت علیه زنان گفت که خشونت علیه زنان در ایران شامل تمامی اقشار و طبقات جامعه می‌گردد. در همین راستا الهه کولایی، عضو مجمع ادوار مجلس شورای اسلامی، اذعان کرد که قوانین جمهوری اسلامی زن را به‌مثابه ابزار تولیدمثل در نظر می‌گیرد و "قانون عفاف و حجاب" یکی دیگر از نشانه‌های خشونت علیه زنان است. کامبیز نوروزی، حقوقدان و یکی دیگر از سخنرانان در این نشست، گفت از آنجا که در جمهوری اسلامی

آمارهای کیفری در دسترس نیست از مقیاس واقعی خشونت علیه زنان اطلاع دقیقی نداریم.

خشونت علیه زنان و زن‌کشی متأسفانه معضلاتی جهانی هستند. مسلماً بافت و ساختار فرهنگی جوامع و سنن و باورهای موجود در دامن زدن به چنین پدیده‌ای دخیل هستند. اما فرهنگ و باورها، حتی شرایط روانی افراد اموری قائم به ذات نیستند و تحت تاثیر سوخت و سازهای اجتماعی و سیاسی تولید و بازتولید می‌گردند. این امر در ایران تحت سیطره رژیم آپارتاید جنسیتی اسلامی کاملاً مشهود است. از سویی این رژیم با تبدیل تبعیض و خشونت علیه زنان به قوانین حاکم بر جامعه عامل اصلی و مروج زن ستیزی و آزار و

**خشونت سیستماتیک علیه زنان بوده است. تلاش برای تحمیل حجاب اسلامی اجباری به زنان از بدو به قدرت رسیدن جنبش اسلامی در ایران بارزترین نمونه تبعیض و خشونت سیستماتیک علیه زنان است.**

**قوانین رژیم اسلامی همچنین شرایط رشد و اشاعه سنن و باورهای مردسالارانه و زن‌ستیزانه را فراهم می‌آورند. بنا بر قانون مجازات اسلامی فاعلین قتل زنان به بهانه "دفاع از ناموس و حرمت" و یا با "ظن رابطه نامشروع" از مصونیت قضایی برخوردار هستند.**

**به‌علاوه جمهوری اسلامی با تحمیل یکی از**

**هولناک‌ترین اشکال خشونت، یعنی فقر و فلاکت اقتصادی و به تبع آن خشونت سیاسی به مردم، خشونت در جامعه را نهادینه کرده که خود این نیز در دامن‌زدن به خشونت علیه زنان و زن‌کشی سیستماتیک به شکلی بلافصل دخیل است.**

**آزادی و رهایی جامعه منوط به آزادی و رهایی زنان است. زنان در ایران در صف مقدم مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی قرار دارند. باید یکصدا هم‌دوش زنان و در حمایت از آنان در مقابل رژیم آپارتاید جنسیتی و زن‌کش بپاخیزیم و با سرنگونی رژیم تبهکاران اسلامی انقلاب زن زندگی آزادی را به فرجام برسانیم.**

# پرونده چای دبش در لجنزار حکومت اسلامی

## محسن ابراهیمی

دادستان عمومی تهران از صدور کیفرخواست پرونده چای دبش خبر داد که شامل ۶۳ متهم می‌شود اما اسامی این تعداد اعلام نشده است! او گفت که این پرونده با ضمائم آن دارای ۳۵۰ جلد و ۷۰ هزار صفحه  است و اتهامات اصلی "اخلال کلان و عمده در نظام اقتصادی و ارزی کشور، تحصیل مال نامشروع و همچنین پرداخت و اخذ رشوه است."

نیازی به افشاگری توسط مخالفین نیست تا معلوم شود فساد در جمهوری اسلامی نجومی،

سیستماتیک، سازمانیافته و حکومتی است. خود باندهای حکومت که پرونده فساد همدیگر را زیر بغل دارند، در رقابت‌های مافیایی در باره فساد باندهای رقیب "افشاگری" می‌کنند که هربار بیشتر معلوم می‌شود فساد در جمهوری اسلامی هم از نظر ابعادش و هم از نظر اشکال آن در جهان بی رقیب است. در ایران سازماندهندگان و دست اندرکاران فساد بالاترین مقامات قضایی، اجرایی و امنیتی و مذهبی هستند. ریاست‌جمهوری، ریاست مجلس، ریاست قوه قضاییه، امامان جمعه، آیت‌الله‌های لم داده در مجلس خبرگان و شورای نگهبان، سرداران سپاه مهره‌های فعال فساد سازمانیافته هستند و همین‌ها با هر جابجایی در دستگاه‌های حکومتی، به نوبت ادعا می‌کنند

فساد را ریشه کن خواهند کرد و این چرخه با دست بالا پیدا کردن هر باندی در نهادهای حکومتی تکرار می‌شود.

در جریان فساد چای دبش، بانک مرکزی میلیاردها دلار ارز ترجیحی داد؛ چای تاریخ مصرف گذشته ایران به خارج رفت و در بسته بندی چای خارجی وارد شد؛ دستهای فساد در گمرک همکاری کردند؛ وزارت بهداشت مجوز صادر کرد و آنگاه که خبر فساد درز کرد، انگشت اتهام را به سوی همدیگر گرفتند! رئیسی گفت فساد در دولت قبلی شکل گرفته، دولت او فساد را کشف کرده ومتخلفین را به دستگاه قضایی سپرده است. اژه‌ای گفت هیچ مدیر متخلفی به قوه قضاییه معرفی نشده است!

همان قوه قضاییه که معمولاً با تغییر روسایش بوی تعفن فساد خودش و قضات و مدیرانش به بیرون درز می‌کند و معلوم می‌شود دستگاهی که مدعی مبارزه با فساد است لانه فاسدین است.

در لجنزار کل این فساد سیستماتیک نقش خامنه‌ای چیست؟ این است که با هر فساد گنده‌ای در نقش "دلال محبت" ظاهر شود و از مقامات فاسد نظامش بخواهد "کش" ندهند!

در مقابل چنین لجنزار اسلامی مردم حق دارند در کف خیابان فریاد برآورند: فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی!

# افزایش بیماران مبتلا به ویروس اچ آی وی در ایران

سینا پدرام

لادن عباسیان، رئیس مرکز تحقیقات ایدز ایران، روز یکشنبه ۴ آذر، آمار مبتلایان به ایدز در این ایران را نگران کننده دانست و هشدار داد که "انتقال اچ‌آی‌وی از طریق روابط جنسی در ایران افزایش یافته است."

طبق آخرین آمار ۱۴۰۳، تست اچ آی وی ۲۴ هزار و ۷۶۰ نفر مثبت شده است، اما تخمین زده می‌شود که ۴۴ هزار نفر HIV مثبت داشته باشند.

بسیاری از متخصصان امور بهداشتی عدم آموزش‌های

جنسی لازم از سنین کودکی، نبود اطلاعات لازم در مورد بهداشت روابط جنسی، عدم دسترسی به کاندوم، تابوهای مذهبی و سنتی مربوط به اچ آی وی و موانعی ازاین‌دست را از دلایل اصلی رشد بیماری‌های مقاربتی و از جمله ایدز در ایران می‌دانند.

گرچه آمار دولتی همواره بسیار کمتر از آمار واقعی در مورد بیماری‌های مقاربتی را نشان می‌دهند، اما این‌چنین درصدی از افزایش بیماری ایدز و شیوع ویروس اچ آی وی نشان از عدم تمایل و ناکارآمدی سیستم بهداشتی و آموزشی در مقابله با بیماری‌ها در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی دارد.

در جهان امروز، در بسیاری از کشورهای مدرن

آموزش‌های بهداشت جنسی در صدر برنامه‌های آموزشی در مدارس را تشکیل می‌دهد. در مقابل رژیم اسلامی با ترویج کودک‌همسری، غیرقانونی کردن سقط جنین، آپارتاید جنسی و جنسیتی، ممانعت از استفاده شهروندان از بهترین روش‌ها جلوگیری، فرهنگ عقب مانده‌ای را در جامعه ترویج می‌دهد که مستقیماً جان و سلامت شهروندان را به مخاطره انداخته است.

از سوی دیگر ما شاهد پیشرفت‌های شگرفی در علم پزشکی برای یافتن درمان ویروس اچ آی وی در عرصه جهانی هستیم که امیدها را برای شکست این ویروس در آینده نزدیک روشن‌تر کرده است.

ویروس‌ها و میکروارگانیسم‌ها می‌توانند کشنده باشند و شیوع و رشد آنان طبعاً پیچیده هستند و در غالب موارد به آمادگی درمانی - بهداشتی و تخصیص امکانات جامعه در امور پزشکی مربوط می‌شود. بی‌هیچ تردیدی تخریب زیرساخت‌های بهداشتی - درمانی و محیط زیستی ایران توسط رژیم اسلامی عامل اصلی شیوع بیماری‌هایی واگیری مانند ایدز است. با نابودی اَبَر ویروس جمهوری اسلامی جامعه با آمادگی کامل به مقابله با دیگر بیمارهایی دست می‌زند که مضر به حال انسان است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۹۷

۲۶ نوامبر ۲۰۲۴ – ۶ آذر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

## در این شماره ژورنال:

سانسور رژیم اسلامی، هنرمندان وانقلاب زن، زندگی، آزادی

میلاد رسایی‌منش

همبستگی بین‌المللی با مبارزات کارگران در ایران

دو سؤال از شهلا دانشفر

جمهوری اسلامی، حکومت کودک‌آزار

نسان نودینیان

رژیم اسلامی و بازداشت کودکان و نوجوانان

سهیلا دالوند

# سانسور رژیم اسلامی، هنرمندان و انقلاب زن، زندگی، آزادی

میلاد رسایی‌منش

سانسور در جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ابزاری کلیدی برای سرکوب صدای مخالفان و محدود کردن آزادی بیان به کار گرفته می‌شود. این سیاست به‌ویژه در حوزه‌های فرهنگی و هنری، به‌شدت اعمال می‌شود. هنرمندان و سینماگران، به دلیل قدرت تأثیرگذاری‌شان بر جامعه، یکی از اهداف مهم این سیستم هستند. سانسور در چنین رژیمی نه‌تنها مانع بیان آزاد اندیشه‌ها می‌شود، بلکه به منزله تلاشی برای کنترل روایت‌های اجتماعی و تثبیت ایدئولوژی حکومتی است. سخنان احمد بهرامی،

کارگردان فیلم "شهر خاموش"، که اخیراً در جشن حافظ، جایزه خود، "نشان عباس کیارستمی" را به بازیگران زن ممنوع‌الفعالیت تقدیم کرد، نمونه‌ای از این سانسور و همچنین تقابل با آن است. این حرکت مثبت بهرامی در تقابل با سرکوب رژیم در رسانه‌های حکومتی منعکس نشد.

جنبش زن، زندگی، آزادی که از پاییز ۱۴۰۱ آغاز شد، تحولی بزرگ در رویکرد جامعه ایران به مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایجاد کرد. این جنبش که ابتدا با محوریت حقوق زنان و آزادی‌های فردی شکل گرفت، هنرمندان را به‌عنوان صداهای مهم اعتراضات، تحت‌تأثیر قرار داد. بسیاری از هنرمندان، چه داخل و چه خارج از ایران، با اعلام همبستگی با این انقلاب، به مبارزه با سرکوب و محدودیت‌ها

پرداختند. بازیگرانی چون ترانه علیدوستی، هنگامه قاضیانی و دیگر چهره‌های هنری که به دلیل حمایت از این جنبش ممنوع‌الفعالیت شدند، نمونه‌ای از این تأثیرات هستند. انقلاب زن، زندگی، آزادی به هنرمندان جسارت بیشتری بخشیده تا علیه سانسور و اختناق اعتراض کنند و از هنر خود به‌عنوان ابزاری برای مقاومت استفاده کنند.

یکی از بارزترین نمودهای این اعتراضات، حجاب‌برداری هنرمندان زن بوده است. حجاب، به‌عنوان نمادی از سیاست‌های تحمیلی جمهوری اسلامی، به محوری‌ترین موضوع مقاومت در میان زنان تبدیل شده است. بازیگران و هنرمندان زن با برداشتن حجاب یا به نمایش گذاشتن تصاویری بدون پوشش اجباری، به طور مستقیم به چالش با

قوانین حکومت پرداخته‌اند. این اقدام، نه فقط شکلی از نافرمانی مدنی، بلکه بیانگر مخالفت هنرمندان با کنترل سیستماتیک بدن و هویت زنان توسط حکومت است.

در مجموع، سانسور در جمهوری اسلامی ایران ابزاری برای تثبیت ایدئولوژی حاکم و خفه کردن صدای مخالفان است. اما انقلاب زن، زندگی، آزادی به هنرمندان و مردم این جرئت را داده که با این سازوکار مقابله کرده و با تلاش برای آزادی عملاً سانسور را به درجه زیادی بی‌اثر کنند.

# همبستگی بین‌المللی با مبارزات کارگران در ایران

## دو سؤال از شهلا دانشفر

**سوسن صابری:** اخیراً استفان سیچووسکی، دبیرکل شورای اتحادیه‌های کارگری ونکوور و حومه در کانادا نامه سرگشاده‌ای خطاب به سران جمهوری اسلامی منتشر کرده است. لطفاً در مورد محتوای این نامه برای خوانندگان ژورنال توضیح بدهید

**شهلا دانشفر:** همانطور که اشاره کردید استفان سیچوسکی دبیرکل شورای اتحادیه‌های کارگری ونکوور و حومه در کانادا با ۶۰ هزار عضو، در حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و مشخصاً چهار کارگر زندانی که در وضعیت اضطراری قرار دارند، نامه‌ای سرگشاده با عنوان

”به سرکوب پایان دهید“ خطاب به پزشکیان و مقامات جمهوری اسلامی نوشته است. او با استناد به نامه‌ای که ”کمپین برای آزادی کارگران زندانی“ برای این اتحادیه و دیگر اتحادیه‌های کارگری نوشته است، نسبت به تشدید سرکوبگری‌های حکومت اظهار نگرانی کرده و اشاره مشخصش به وضعیت اضطراری کارگران بازنشسته زندانی چون نسرین جوادی، اسماعیل گرامی، ناهید خداجو و نیز رضا اقدسی فعال کارگری که مشکل ناشنوایی دارد و همین‌طور خطر اعدام عباس دریس از بازداشت‌شدگان خیزش مردمی آبان ۹۸ است.

او می‌نویسد: ”VDLC همراه با کارگران و مردم ایران بر آزادی فوری و بدون قیدوشرط تمامی این فعالان کارگری و لغو حکم اعدام عباس دریس

تأکید دارد. این اتحادیه خواستار آزادی فوری و بدون قیدوشرط تمامی کارگران و معلمان زندانی و زندانیان سیاسی و پایان‌دادن به سرکوب‌ها و اعدام‌های رژیم اسلامی در ایران است. حق تجمع، تشکل و اعتراض از حقوق اساسی کارگران و مردم در سراسر جهان است. رژیم اسلامی باید از نهادی مانند سازمان بین‌المللی کار به دلیل جنایات مستمرش علیه کارگران و مردم ایران اخراج شود.“

**سوسن صابری:** در سال‌های گذشته ما شاهد صدور بیانیه‌های زیادی از طرف اتحادیه‌های کارگری در سطح جهان در حمایت از اعتراضات و خواسته‌های کارگران در ایران بوده‌ایم. به نظر شما تابه‌حال این نوع حمایت‌ها و ابراز همبستگی

**بین‌المللی چه تأثیری در مبارزات کارگران ایران داشته و یا می‌تواند داشته باشد؟**

**شهلا دانشفر: مبارزه طبقاتی یک امر همه‌جانبه است و یک عرصه مهم پیشروی آن جلب حمایت و همبستگی جهانی کارگری است. کارگر نمی‌تواند فقط در کارخانه با سرمایه‌دار طرف شود. بلکه باید در کارخانه، در خیابان و در سطح بین‌المللی بجنگد. از همین رو باید تلاش کند صدای اعتراضش را به گوش کل جامعه و افکار عمومی جهان برساند تا با جلب همبستگی گسترده در سطح داخلی و بین‌المللی با قدرت بیشتری مبارزاتش را جلو ببرد. به‌ویژه در برابر جمهوری اسلامی که با سرکوبگری‌هایش می کوشد اعتراضات کارگران و کل جامعه را عقب بزند،**

جلب همبستگی‌های جهانی و به انزوا کشاندن جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی مهم و کلیدی است. تأثیر حمایت‌های بین‌المللی از مبارزات کارگران و مردم ایران فشار مستقیمی بر روی حکومت است و بازتاب آن را در واکنش‌های حکومتیان شاهد بوده‌ایم.

انقلاب زن زندگی آزادی نقش مهمی در جلب توجه جهانیان به مبارزات مردم ایران داشت. امروز جمهوری اسلامی بیش از هر وقت در انزوا قرار دارد و زمینه جلب حمایت‌های جهانی فراهم‌تر است. "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" سال‌هاست که در این راستا و برای جلب همبستگی اتحادیه‌های کارگری و نهادهای انسان‌دوست در سطح جهان فعالیت می‌کند و می‌کوشد که

صدای اعتراضات کارگران، معلمان و کل جامعه باشد. یک شکل عملی این همبستگی‌ها حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و قراردادن جمهوری اسلامی زیر فشار جهانی برای توقف بساط سرکوب و اعدام در ایران است. همچنین بایکوت جهانی جمهوری اسلامی به‌خاطر تمام جنایاتش یک تأکید مهم ما است و این اقدامی در جهت سرنگونی این رژیم است. و اخراج آن از سازمان جهانی کار یک کارزار مهم ماست. نامه حمایتی استفان سیچوسکی پاسخی به این کارزار است. خوشبختانه تا کنون شمار دیگری از اتحادیه‌های کارگری ما را همراهی کرده‌اند.

# جمهوری اسلامی، حکومت کودک آزار

نسان نود ینیان

ایلنا در گفت‌وگو با پژوهشگر حقوق کودک نوشته: "بیشترین کودک آزاری در خانواده در سنین ۳ تا ۷ سال صورت می گیرد. مناطق محروم و حاشیه‌نشین در صدر آمار کودک آزاری قرار دارند". همچنین به قانون "معافیت پدر از قصاص در قتل فرزند" اشاره شده است.

پژوهشگر بجای اشاره به ستم‌های ساختاری کودک آزار از قبیل جشن تکلیف دختران در سن ۸ سالگی، جداسازی جنسیتی و پوشاندن جسم و موی کودک دختر در مدارس و اماکن عمومی،

وجود چند میلیون کودک کار و خیابان که به شیوه‌های مختلف استثمار می‌شوند، دختران و پسران کم‌سن‌وسال دست‌فروش و گل‌فروش که از کودکی با طعم تلخ تحقیر روبرو می‌شوند، قانون شنیع اسلامی کودک‌همسری، استفاده از کودکان در میدان‌های جنگ ایران و عراق که تأثیرات روحی مخربی در چند نسل از کودکان بجای گذاشته و از میان ده‌ها اقدام لازم و فوری برای رهایی کودک از دست این اختاپوس سیستماتیک کودک‌آزار، به کمک‌های مالی به خانواده‌های فقیر اشاره می‌کند.

باید گفت در یک‌کلام جمهوری اسلامی با ده‌ها مورد ستم قانونی و ساختاری که به مهم‌ترین آنها اشاره شد، از بنیان ضد کودک و کودک‌آزار است.

به این قوانین ضد کودک باید قانون ضدانسانی اسلامی "معافیت پدر از قصاص در قتل فرزند" را اضافه کرد. معافیت پدر از مجازات قتل فرزند، در نظام تبهکار و ضد کودک جمهوری اسلامی مبتنی است بر حق ولایت و مالکیت نسبی شرعی پدر بر فرزند.

ممنوعیت فعالیت نهادهای مردمی دفاع از حقوق کودک را باید به لیست سرکوبگری رژیم اضافه کرد. یکی از راه‌های مقابله با کودک‌آزاری و خشونت علیه کودکان در خانواده و جامعه دفاع و حمایت از این نهادهاست. حمایت و تقویت آنها توسط کارگران، معلمان و دانشجویان در جهت کاهش آمار کودک‌آزاری مؤثر و کارساز است.

# رژیم اسلامی و بازداشت کودکان و نوجوانان

سهیلا دالوند

نگار دباغی، نوجوان ۱۷ ساله اهل تبریز، از ۲۳ آبان ۲۰۲۴، از سوی شعبه ۱۰ دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب تبریز به اتهام "ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی و خارجی، اهانت به اسلام، تبلیغ علیه حکومت و توهین به خامنه‌ای و خمینی" بازداشت و به زندان منتقل شده است. بر اساس گزارشات، این اتهامات بر مبنای اعترافات اجباری اخذ شده توسط نیروهای اطلاعاتی و همچنین محتوای تلفن همراه وی مطرح شده است.

جمهوری اسلامی برخلاف کنوانسیون حقوق کودک،

کودکان را تحت بازداشت، بازجویی و پیگرد قرار می‌دهد. در انقلاب مهسا ۷۰ کودک و نوجوان را با گلوله جنگی عامدانه به قتل رسیدند. ده‌ها کودک و نوجوان بازداشت و به طرز وحشیانه‌ای مورد شکنجه و تجاوز جنسی قرار گرفتند؛ شکنجه، آزار جنسی و قتل نیکا شاکرمی نوجوان معترض توسط مأموران سپاه پاسداران، قتل سارینا اسماعیل‌زاده، آرمیتا گراوند، اعدام حمیدرضا آذری که فقط ۱۷ سال داشت و ... سرکوب و هجوم نیروهای امنیتی به مدارس دخترانه و بازداشت، زندان، ضرب‌وجرح و قتل کودکان اوج توحش و قساوت رژیم کودک کش اسلامی را به نمایش گذاشته است.

این جنایات علیه کودکان و نوجوانان تنها گوشه

بسیار کوچکی است از توحش رژیمی که قوانینش به‌شدت علیه کودکان است. باوجوداینکه جمهوری اسلامی در ظاهر کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفته ، اما به طور مکرر با استفاده از فشارهای شدید جسمی و روانی و بازداشت و گرفتن اعترافات اجباری این واقعیت را نشان می‌دهد که استمرار این سیاست تعرض و زیر پا گذاشتن تمام قوانین جهان‌شمول مربوط به کودکان، جهت سرکوب کل جامعه و نجات لاشه متعفن خود می‌باشد.

سرکوب اعتراضات از طریق بازداشت کودکان و نوجوانان و استفاده از اعترافات تحت‌فشار برای پرونده‌سازی، نقض صریح حقوق انسان و حقوق کودکان است. امروز می‌بینیم چگونه نگار دباغی

این نوجوان معترض را که خواستار یک‌دنیای شاد، آزاد و رها از تمام قوانین مذهبی و خالقان آن است، در زندان‌های رژیم گندیده و فاسد، با شکنجه و اذیت و آزار مجبور به اعترافات اجباری می کنند. جان نگار دباغی باتوجه‌به اتهامات واهی در معرض خطر است. با اتحاد و همبستگی خواستار آزادی وی باشیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۹۸

۲۷ نوامبر ۲۰۲۴ – ۷ آذر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

## در این شماره ژورنال:

اعتراف قالیباف به فروپاشی اقتصادی

کیوان جاوید

اعتراض حورا نیک‌بخت علیه حکم اعدام وریشه

سهیلا دالوند

حکم اعدام برای نتانیاهو توسط خامنه‌ای!

رضا درویش

مبارزه با قرون‌وسطای اسلامی علیه زنان

محسن ابراهیمی

# اعتراف قالیباف به فروپاشی اقتصادی

## کیوان جاوید

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس اسلامی روز سه‌شنبه ۶ آذر در مورد بحران ناترازی انرژی و تأثیر آن بر نقش ایران در صحنه بین‌المللی گفت: "دیگر نفتی نیست که دشمنانمان را با آن تهدید کنیم."

قالیباف یکی از کلیدی‌ترین مقامات حکومت اسلامی روز روشن از تریبون رسمی حکومت اعترافی را به زبان آورده که در نگاه اول باورکردنش سخت است. چطور ممکن است یکی از سران سه قوه، عملاً فروپاشی اقتصاد حکومتش را در ملأ عام جار

بزند؟ فهم این اعتراف اصلاً سخت نیست. باید گفت جنازه رژیم بر زمین افتاده است و نفس‌های آخر را می‌کشد و انکار این وضعیت دیگر ممکن نیست.

آیا ممکن است بعد از اعلام فروپاشی، فرد دیگری از مقامات پیدا شود و بتواند از قدرت اقتصادی و پایداری سیاسی این رژیم سخن بگوید؟ آیا این بیان صریح فروپاشی اقتصادی جمهوری اسلامی یک تصمیم آنی و فردی توسط قالیباف است و بدون هماهنگی با دیگر سران حکومت و شخص خامنه‌ای بیان شده است؟ چنین نیست. به نظر می رسد این یک تصمیم سیاسی مشترک در رأس حکومت است تا زمینهٔ سازش با آمریکا و غرب را برای کل نظام توجیه کنند.

این تلاش رژیم به چند دلیل محکوم به شکست است. اول‌از همه به‌این دلیل که با شکست‌خوردگان معامله نمی‌کنند، شرایطِ تسلیم را دیکته می‌کنند. ثانیا جمهوری اسلامی نه اقتصادی برایش مانده است؛ نه نیروی نیابتی قابل اتکایی و نه انسجامی در بالای حکومت دارد. تنها چاره‌ای که پیشِ روی خود می‌بیند بالابردن پرچم سفید تسلیم در برابر "شیطان بزرگ" است. این آخرین مرحله از اقدام سیاسی رژیم برای حفظ همین اقتصاد فروپاشیده حکومت است. ثالثا جمهوری اسلامی دشمنی قهار و آماده نبرد نیز در داخل کشور دارد که این عقب‌نشینی سیاسی در برابر آمریکا را به اهرمی برای پیشروی‌های بیشتر برای سرنگونی رژیم تبدیل می‌کند. دشمنی با آمریکا هویت این رژیم است و پایان این دشمنی یعنی نشان‌دادن آشکارتر همه ضعف‌های درونی و

بیرونی حکومت؛ یعنی از دست‌دادن قدرت چانه‌زنی در منطقه با کارت نیروهای نیابتی؛ یعنی قدرت زنان در تقابل با قوانین اسلامی و حجاب اجباری. این وضعیت جامعه را یکبار دیگر به خیابان می‌آورد و می‌تواند یک هماهنگی کامل بین اعتصابات و اعتراضات معیشتی و رفاهی و اعتراضات خیابانی به وجود بیاورد. یک جامعه در حال انقلاب و یک رژیم درهم‌شکسته. داستان به همین سادگی است.

# اعتراض حورا نیک‌بخت علیه حکم اعدام وریشه

سهیلا دالوند

حورا نیک‌بخت، ناشر و مدیرمسئول انتشارات "مشقِ برابری"، مدرس دانشگاه و از فعالین حقوق زنان در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۴۰۲ بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. جلسه دادگاه وی در تاریخ ۲۰ تیرماه برگزار شد و نهایتاً اوایل مردادماه به یک سال حبس به اتهامات تبلیغ علیه نظام و اهانت به رهبری محکوم شد! حورا نیک‌بخت در نامه اخیرش از زندان اوین ضمن اشاره به لغو حکم اعدام وریشه مرادی اعلام می‌کند که نه‌تنها ایران بلکه "خاورمیانه به زن، زندگی، آزادی محتاج است."

حورا یکی از زنان شجاع و جسوری است که در دفاع از حقوق زنان حتی از پشت دیوارهای زندان اوین، با صدای بلند در جواب حکم خود اعلام می‌کند "رؤیای آزادی زنان تحمل حبس را برایم آسان می‌کند، اگر اغتشاش یعنی مختل کردن زن‌ستیزی سازمان‌یافته، من اغتشاشگرم و تا روز آزادی و برابری به اغتشاش ادامه خواهم داد."

در تاریخ مبارزه علیه تبعیض جنسیتی، نابرابری و رهایی از رژیم زن‌ستیز اسلامی می‌توان به صدها نام اشاره کرد که مدام جمهوری اسلامی را به چالش کشیده‌اند. سپیده قلیان زندانی سیاسی با افشاگری در مورد اعترافات اجباری بر اثر شکنجه حکومت را مجبور می‌کند به سناریوی نخ نمایی مثل "طراحی سوخته" پناه ببرد. گل‌رخ

ایرایی و ده‌ها زن زندانی در اعتراض به احکام اعدام زندانیان و پیوستن به سه‌شنبه‌های اعتراضی علیه اعدام و در اعتراض به‌حکم اعدام وریشه مرادی و پخشان عزیزی بیانیه می‌دهند و در زندان دست به تجمع می‌زنند و علیه جمهوری اسلامی شعار می‌دهند. آهو دریایی با اعتراض عریان خود به حجاب اجباری ستون‌های رژیم را به لرزه درمی‌آورد. نمونه‌های فراوان مشابه نشان می‌دهند که زنان در مقابل فشار، سرکوب، زندان، شکنجه و قوانین زن‌ستیزانه نه‌تنها عقب ننشستند بلکه هر روز جمهوری اسلامی را در زمین و سنگرهای خودش به عقب رانده و انقلاب زن زندگی آزادی را در تاریخ مبارزاتی جهان رقم زدند.

نامه حورا از زندان اوین نه‌تنها از شجاعت او در دفاع از حقوق انسانی و زنان حکایت دارد، بلکه همبستگی او را با تمامی کسانی که در منطقه برای عدالت و آزادی مبارزه می‌کنند نشان می‌دهد. نامه او نمونه دیگری از صدای امید، همبستگی و مبارزه برای رهایی زنان است که فراتر از مرزهای جغرافیایی و جهان‌شمول است.

# حکم اعدام برای نتانیاهو توسط خامنه‌ای!

رضا درویش

علی خامنه‌ای در دیدار با گروهی از بسیجیان گفت صدور حکم جلب نتانیاهو از سوی دیوان کیفری بین‌المللی کافی نیست و باید حکم اعدام برای سران جنایت کار صادر شود. وی با جنایت کار خواندن سران دولت اسرائیل در واقع کارنامه پر از جنایت رژیمی که رهبری‌اش را دارد در پیش چشم جهانیان مورد سؤال قرار داد. مگر جمهوری اسلامی طی بیش از چهار دهه گذشته کم جنایت کرده است؟ آیا جنایتی هست که رژیم برای بقای خودش مرتکب نشده باشد؟

خامنه‌ای در ادامه می‌گوید: "احمق‌ها خیال نکنند چون اجتماعات مردم را بمباران می‌کنند پس پیروز شدند. کاری که آنها کردند پیروزی نیست، جنایت جنگی است." این حرف‌های سرکرده یک رژیم فاشیستی است که با کشتار وحشیانه مردم کردستان از ابتدای به‌قدرت‌رسیدن نشان داد برای بقای خودش از هیچ جنایتی روی‌گردان نیست.

خامنه‌ای خطاب به بسیجیان از توانایی و اراده انسان برای خلق‌کردن می‌گوید. کسی از اراده انسان برای خلق‌کردن حرف می‌زند که شخصاً در نابودکردن زندگی میلیون‌ها انسان در ایران، سوریه، عراق، غزه و لبنان نقش داشته است.

سرکرده رژیم جرم و جنایت در ادامه به بسیجی‌ها درس تاریخ می‌دهد. او می‌گوید که فرعون قوم خودش را خفیف و تحقیر کرد. امتیازاتشان را انکار کرد و قومش از او اطاعت کردند. درواقع خامنه‌ای می‌گوید که او نیز همه کار کرد فقط از بد حادثه مردم از این فرعون کوچک فرمان نمی‌برند!

خامنه‌ای برای بسیجیان از شهادت‌طلبی و شهامت رویارویی با مرگ می‌گوید. اما در کدام جبهه؟ این را برای مخاطبانش مشخص می‌کند وقتی که می‌گوید: " بسیج باید به‌عنوان بازوی فعال برای دستگاه اجرایی همه‌جا آماده کار باشد." او می‌داند برای مقابله با مردمی که هر روز و همه‌جا با شعارهایشان علیه فقر و فساد و گرانی کل نظام

را نشانه گرفته‌اند نیروی سرکوب باید همه‌جا آماده باشد.

اما در کنار حکم جلب نتانیاهو و سران حماس که به‌درستی توأمان صادر شده جای حکم جلب خامنه‌ای خالی است. فریادهای حق‌طلبانه مردم گواهی می‌دهند که این حکم را انقلاب مردم ایران صادر کرده است. باید تلاش کنیم دیوان کیفری بین‌المللی حکم جلب خامنه‌ای را در کنار نتانیاهو صادر کند.

# مبارزه با قرون‌وسطای اسلامی علیه زنان

محسن ابراهیمی

**به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان**

**رکن اساسی خشونت علیه زنان در جهان معاصر چیست؟ فرهنگ مردسالارانه؟ مذهب علی‌العموم؟ اسلام و اسلام سیاسی و حکومت‌های اسلامی؟ راهکار اساسی چیست؟ فرهنگ‌سازی یا در هم شکستن اسلام سیاسی و حکومت‌های اسلامی؟**

**این یک سؤال ساده است و پاسخش هم روشن است، مگر اینکه در دام توجیهات سیاسی**

آگاهانه‌ای بیافتیم که تفاله‌های اصلاح‌طلب درون و بیرون جمهوری اسلامی پیش پای جامعه پهن کرده‌اند. جریانی که در جلد دفاع از حقوق زنان و ژست مدافع فرهنگ و فرهنگ‌سازی، ریشه و منشأ خشونت علیه زنان را فرهنگ حاکم در میان مردم می‌داند و فرهنگ‌سازی و تغییر فرهنگ در خانواده و جامعه را به‌عنوان راهکار حل مسئله قلمداد می کنند!

در دنیایی که تعرض و خشونت و تجاوز به زنان شکل و قالب و ساختار حکومتی به خودش گرفته است، کسانی که با ژست فرهنگی برای تبیین مسئله و راه‌حل فرهنگی به سراغ مسئله می‌روند، یا ناآگاه‌اند و یا ریگی در کفش دارند و هیچ هدفی

ندارند جز اینکه اسلام و اسلام سیاسی و حکومتش در ایران را از زیر ضرب جنبشی که در انقلاب زن زندگی آزادی متبلور شد نجات دهند!

فرهنگ مردسالارانه قطعاً یک پای مهم تاریخی و جهانی خشونت علیه زنان است و به این اعتبار فرهنگ‌سازی علیه فرهنگ مردسالارانه همیشه جایگاه مهمی دارد. اما ما در دوره‌ای زندگی می کنیم که به‌جای کلیسای مسیحیت قرون‌وسطی، اسلام و اسلام سیاسی در جامعه‌ای به بزرگی ایران حکومت می کند. ما با قرون‌وسطای اسلامی علیه زنان مواجه هستیم. قرون‌وسطای اسلامی که در آن بوکوحرام، داعش، حشدالشعبی، حماس و حزب‌الله و طالبان جنایت می کنند و در رأس همه آنها عمامه بسران

**و همدستان کت‌وشلوارپوش تسبیح به دستشان در ایران یک سازمان مافیایی حکومتی علیه زنان راه انداخته‌اند و خشونت علیه زنان را به قانون تبدیل کرده‌اند!**

**در چنین دنیایی که رکن اصلی خشونت علیه زنان، اساساً حکومتی و اسلامی است، اولین و مهم‌ترین و کارسازترین قدم برای مقابله با آن چیزی نیست جز به گور سپردن جنبش اسلامی، اسلام سیاسی و در رأس آنها جمهوری اسلامی! شعف‌انگیزترین اتفاق این است که انقلابی با پرچم "زن زندگی آزادی" بلندترین گام را در این مسیر برداشته است!**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۸۹۹

۲۸ نوامبر ۲۰۲۴ – ۸ آذر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: آذر پویا

## در این شماره ژورنال:

کمبود مدارس، مشکل اقتصادی یا سیاسی؟

سینا پدرام

درماندگی در رجزخوانی

سیامک بهاری

”ناکامی در شناسایی عوامل ترور فخری‌زاده: چالش‌ها، دلایل و پیامدها“

نسان نودینیان

آتش جنگ و آتش زیر خاکستر

آذر پویا

# کمبود مدارس، مشکل اقتصادی یا سیاسی؟

سینا پدرام

عباس زارع، مدیر کل نوسازی مدارس استان تهران، گفت که این استان برای رسیدن به استاندارد فضای آموزشی کشور به ۱۳ هزار کلاس درس جدید نیاز دارد که ساخت آن‌ها ۷ سال زمان می‌برد اما با شرایط فعلی و بودجه اداره نوسازی مدارس، رسیدن به این استاندارد ۷۰ سال طول می‌کشد.

در مورد سایز اتاق‌های درسی، بزرگی مدارس و میزان فضای لازم برای هر شاگرد، اهمیت ایجاد مکان‌های ورزشی، سالن‌های غذاخوری و بسیاری از مسائل مربوط به طراحی مدارس مدرن محاسبات

مختلفی وجود دارد که باید دقیق‌تر موردبحث قرار بگیرد. در حال حاضر طبق محاسبات "سرویس جهانی در آموزش" مستقر در استرالیا میزان فضای آموزشی برای هر دانش‌آموز در حدود ۱۰ مترمربع باید باشد. وزیر آموزش‌وپرورش نیز اخیراً گفته است که تراکم بیش از ۳۵ دانش‌آموز در کلاس‌های درس، عمدتاً به دلیل کمبود فضای آموزشی ایجادشده است.

تحقیقات نشان می‌دهند که ازدحام در کلاس‌های درس، توانایی معلم برای رسیدگی به نیازهای دانش‌آموزان و در نتیجه میزان یادگیری را کاهش می‌دهد. خواست و مطالبه محیط کار مناسب، امن و استاندارد همواره در صدر مطالبات معلمان و کادر آموزشی ایران بوده و هست.

از سوی دیگر، مشکل و معضل مدارس در تهران و در کل ایران مانند هر معضل دیگری در این کشور بسیار سیاسی‌تر است تا اقتصادی. مانع اساسی در مقابل یک سیستم آموزشی مبتنی بر استانداردهای جهانی در واقع خود رژیم اسلامی است که یک آپارتاید جنسیتی را بر علیه دانش‌آموزان به راه انداخته است. این که رژیم اسلامی قرار نیست برای ساخت مدارس با استانداردهای جهانی اقدام کند، برای مردم ایران نه پوشیده است و نه امری غیرمترقبه.

رژیم اسلامی برای هر گروه نیابتی تروریستی ریزودرشت، برای هر مدرسه حوزوی و فیضیه‌ای، برای هر دستگاه ضد علمی و خرافه‌پراکنی میلیاردها تومان هزینه کرده و خواهد کرد. اما ساخت مدارس

**موردنیاز را ۷۰ سال قرار است کش و لفت دهد. واقعیت آن است که درحالی‌که این جماعت هنوز برای ۷۰ روز آینده خود رژیم توان برنامه‌ریزی ندارند، به خودشان دلخوشی می‌دهند که قرار است ۷۰ سال در قدرت باشند. باید به این حضرات گوشزد کرد که داشتن حس تناسب هم چیز بدی نیست!**

# درماندگی در رجزخوانی

## سیامک بهاری

**خامنه‌ای: ” توان کشور را برجسته کنید تا دشمن احساس کند برخوردش هزینه دارد“.**

**دیدار خامنه‌ای با فرماندهان نیروی دریایی و دیدار پزشکیان در مراسم بسیج مستضعفین، دوروی سکه ورشکستگی جمهوری اسلامی در تمامی عرصه‌های نظامی و سیاسی و اقتصادی را یکجا نمایان می‌کند.**

**شکست از پی شکست در ”میدان“، دود شدن توهمات و خیال‌بافی محور مقاومت و عمق استراتژیک، دست‌وپازدن حکومت اسلامی در**

ورطه فروپاشی اقتصادی و مردم خشمگین و متنفر از حکومت اسلامی، حقیقت غیرقابل کتمان اوضاع کنونی است.

خامنه‌ای به‌خوبی می‌داند معنای واقعی آتش‌بس حزب‌الله و اسرائیل شکست مفتضحانه ماجراجویی‌های اوست. غبار توهمات فرونشسته است، حقیقت ناتوانی حکومت، عریان‌تر از آنچه انتظار می‌رفت، آشکار شده است. خطاب به فرماندهان نیروی دریایی می‌گوید: درباره توان رزمی‌تان گنده‌گویی کنید، تا "دشمن" احساس کند برخوردش هزینه دارد. این را به فرماندهانی می‌گوید که با فضاحت تمام حتی تنها ناوشکن پیشرفته و مدرن بنا به تعریف خود حکومت را نتوانستند در لنگرگاه خودی از غرق‌شدن نجات

دهند.

پزشکیان در دیدار با مقامات سازمان بسیج سپاه پاسداران می‌گوید: "ما الان در یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی هستیم... اگر فکر می‌کنید دولت پولی دارد که وضعیت مردم را بهتر کند، اشتباه می‌کنید. روزبه‌روز هم نارسایی‌ها و مشکلات ما بیشتر خواهد شد." پزشکیان هم رجزخوانی رشد اقتصادی ۸ درصدی را کنار گذاشته است. همه سران و سخنگویان حکومتی از لشکری و کشوری یکی پس از دیگری از وضعیت فاجعه‌بار اقتصادی و ورشکستگی تمام‌عیار سخن می‌گویند.

قالیباف توان اقتصادی و تهدید حکومت برای بستن تنگه هرمز و اخلال در تجارت بین‌المللی

نفت را به باد ریشخند می‌گیرد. هم‌زمان مدیر پژوهشکده باقرالعلوم (پژوهشکده پشتیبانی از عرصه تبلیغ) می‌گوید: حکومت درباره درک قدرت "دشمن" نادان است. فکر می‌کنند کار نظامی‌کردن پلی‌استیشن بازی‌کردن است. آوارگان شیعه حزب‌الله، که در هتل‌های دمشق ساکن‌اند بالا تا پایین همه را فحش می‌دهند، و اول از همه حکومت ایران را".

جمهوری اسلامی برای حفظ خود ناچار است به تئوری بقا پناه ببرد. اما جامعه به‌پاخاسته، معترض و ناراضی راه را بر حکومت بسته است!

کلید برون‌رفت از وضعیت کنونی و خاتمه‌دادن به جنگ‌افروزی و ماجراجویی‌های ابلهانه

**حکومت اسلامی، تنها در دست مردم به‌پاخاسته و معترض است! انقلاب مردم ایران و سرنگونی حکومت اسلامی تنها ابزار واقعی بازگرداندن کرامت انسانی به جامعه و فروکش‌کردن بحران خاورمیانه است.**

# "ناکامی در شناسایی عوامل ترور فخری‌زاده: چالش‌ها، دلایل و پیامدها"

نسان نود ینیان

۱۴ آبان‌ماه سال جاری دادگستری آذربایجان غربی، اسامی ۳ نفر (دریس آلی و آزاد شجاعی، رسول احمد محمد، اهل شهر سلیمانیه اقلیم کردستان عراق) که به اتهام انتقال تجهیزات کشتن محسن فخری‌زاده به اعدام محکوم شده‌اند را اعلام کرد. دو نفر از ساکنین دو روستای سقز که یک ماه پس از ترور فخری‌زاده دستگیر شده بودند با اسامی رحمان قنجه اهل روستای سوره‌چوم سردشت و خالد الیاسی اهل روستای قلعه‌رش سردشت با اعترافات اجباری به ۸ سال زندان محکوم شدند.

محکومیت ۵ نفر از ساکنین شهرهای سقز و سلیمانیه با سپری‌شدن ۲ سال از ترور فخری‌زاده سؤالات و ابهامات زیادی در باره توانایی امنیتی جمهوری اسلامی را دامن زده است! تردیدها در حالی به روز شده که "محمود علوی، وزیر پیشین اطلاعات جمهوری اسلامی، به شکست‌های اطلاعاتی متعدد جمهوری اسلامی در برابر اسرائیل اذعان کرده وزارت اطلاعات در شناسایی عوامل ترور دانشمندان هسته‌ای ناکام مانده و حتی نتوانسته روش انجام این ترورها را کشف کند". طبق گمانه‌زنی‌ها در رسانه‌ها افراد مظنون اصلی دخالت در ترور فخری‌زاده از ایران گریخته‌اند. جمهوری اسلامی با دستگیری سه نفر از ساکنین سلیمانیه که با همکاری حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق انجام داده، می‌خواهد شکست

و ناتوانی‌اش را با سیاست کثیف اعدام و زندان لاپوشانی کند.

طبق اخبار علنی شده، ترور فخری‌زاده همانند اسماعیل هنیه رهبر حماس، توسط سازمان اطلاعاتی موساد و فناوری‌های پیشرفته سلاح‌های کنترل از راه دور و اطلاعات دقیق از مسیر حرکت آنها صورت گرفته، که نشان‌دهنده نفوذ گسترده اسرائیل به ساختارهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی است.

ترور فخری‌زاده و اسماعیل هنیه رهبر حماس پیامدهای گسترده‌ای در جهت سلب اعتماد عمومی جمهوری اسلامی را در میان نیروهایش به همراه داشته وبی اعتمادی وسیع در میان نیروهای

نظامی از سپاه تا اطلاعات و ارتش را دامن زده است. اولین پیامد این ناکامی شکست اطلاعاتی عمیق در سیستم امنیتی جمهوری اسلامی است و نشان‌دهنده شکاف و ضعف‌های ساختاری در سیستم امنیتی و همچنین سطح بالای نفوذ اسرائیل در میان فرماندهان اطلاعات و سپاه است. سیستم نفوذ در ساختارهای امنیتی و سپاه پاسداران مبتنی است بر فساد مالی، رانت‌خواری و جمع کردن اندوخته‌های مالی میلیون‌دلاری.

ناکامی‌های جمهوری اسلامی در عرصه داخلی و منطقه‌ای نیروهای نیابتی‌اش (حزب‌الله و حماس) فرصت‌های مناسبی برای پیشروی خیزش مردمی زن زندگی آزادی است.

# آتش جنگ و آتش زیر خاکستر

آذر پویا

پس از حدود ۱۴ ماه جنگ میان ارتش اسرائیل و حزب‌الله لبنان که به کشته‌شدن هزاران نفر انجامید، سرانجام روز چهارشنبه هفتم آذر آتش‌بس بین طرفین آغاز شد. رئیس‌جمهور آمریکا این توافق را "خبر خوب" خوانده و تاکید کرده که اکنون برای آتش‌بس در غزه تلاش می‌کند.

بانک جهانی نیز میزان خسارات وارده به ساختمان‌ها و واحدهای مسکونی در لبنان را حدود ۲.۸ میلیارد دلار تخمین زده و اعلام کرد که بیش از ۹۹ هزار واحد مسکونی کاملاً یا نسبتاً ویران شده‌اند.

همچنین بر اساس آمارهای سازمان بین‌المللی مهاجرت و کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهجویان، تا پایان آبان‌ماه بیش از ۸۸۶ هزار نفر آواره شده‌اند. طبق داده‌های سازمان ملل بیش از ۵۴۰ هزار نفر نیز از لبنان به سوریه گریخته‌اند. در اسرائیل هم جمعیتی حدود ۶۰ هزار نفر از ساکنان شهرها و روستاها در شمال این کشور تخلیه و در نقاط دیگر اسکان یافته‌اند.

خبر توافق آتش‌بس بین اسرائیل و لبنان قطعاً خبری مسرت‌بخش است. اینکه این جنگ را چه کسی شروع کرد و حالا به چه دلایلی برپاکنندگان آن و عاملین کشتار هزاران‌هزار نفر از شهروندان دو طرف این جنگ خانمان‌سوز به توافق آتش‌بس

رسیده‌اند در این نوشته کوتاه موردبحث ما نیست.

واقعیت تلخ این است که این آمار و ارقام بیان کننده عمق فاجعه نیستند. بار مسئولیت ۸۸۶ هزار آواره به عهده کیست؟ پاسخگوی کودکانی که والدینشان را ازدست‌داده‌اند چه کسانی هستند؟ چه چیزی می‌تواند جای فرزندان به خاک و خون افتاده را برای والدین داغدارشان پر کند؟ به کسانی که موفق شده‌اند با کوله باری از درد و رنج خود را به مکانی امن برسانند، آیا دولت‌هایی که تا دیروز یا مدافع جنگ بودند و یا در مقابل آن سکوت اختیار کردند اجازه اقامت می‌دهند؟

اینکه بعد از ۱۴ ماه کشتار و ویرانی، جنایت کاران

دور هم جمع می‌شوند بعضاً لبی تر می‌کنند و بعد از زدن چند آروغ تصمیم می‌گیرند به موشک‌پرانی‌هایشان خاتمه دهند را می‌شود به فال نیک گرفت. ولی عمق فاجعه برای قربانیان این بازی‌های وحشیانه تازه نمایان می‌شود. آنها فرصت می‌کنند که به امید پیداکردن عزیزانشان باشند، برای آن‌هایی که در جلوی چشمانشان زنده‌به‌گور شدند عزاداری کنند و برای زخم‌های عمیقی که بر جان و دلشان نشسته به دنبال مرهمی باشند. هزینه جنگ را این هزاران‌هزار پرداخت می‌کنند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳


ژورنال

ژورنال

شماره ۹۰۰

۳۰ نوامبر ۲۰۲۴ – ۱۰ آذر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

جمهوری اسلامی در باتلاق سوریه

سیامک بهاری

بن‌بست اتمی جمهوری اسلامی!

محسن ابراهیمی

این گستاخی نسبت به دختران دانش‌آموز بی‌پاسخ نمی‌ماند

سیما بهاری

نگار دباغی: پشیمان نیستم و نخواهم شد

کیوان جاوید

# جمهوری اسلامی در باتلاق سوریه

## سیامک بهاری

روشن بود که توافق خفت‌بار حزب‌الله با اسرائیل، شکست و هزیمت جبهه مقاومت و متلاشی‌شدن "عمق استراتژیک" جمهوری اسلامی، گستره دگرگونی‌های بسیار وسیع‌تر از خطوط جبهه جنگ در لبنان را رقم خواهد زد.

پیشروی ناگهانی نیروهای مخالف بشار اسد و تسلط نسبی در شهر حلب و ده‌ها نقطه استراتژیک دیگر، حاصل تغییر تناسب قوا، شکست فاحش نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در کل منطقه است. قربانیان توهمات محور مقاومت دست‌ساز

جمهوری اسلامی، با هزیمت در مقابل رقیب، ناچارند میدان را خالی کنند.

جریانات تروریستی اسلامی سلفی مخالف حکومت بشار اسد، از قبیل هیئت تحریر الشام، "جبهۀ النصره" سابق و دیگر هم‌پیمانانش، با استفاده از ضعف اسد، پشتیبانی آشکار و نهان دولت‌های ترکیه، قطر و موافقت ضمنی اسرائیل با حملات سنگین در مرزهای سوریه و لبنان برای قطع ارتباط میان حزب‌الله و نیابتی‌ها عملاً زمینه را برای این پیشروی مهیا کرد.

مدت‌هاست، بشار اسد به دنبال مفری برای حفظ حکومت لرزان خود در سراشیب تمرکز روسیه در

جنگ اوکراین، ناتوانی و پسرفت پیاپی جمهوری اسلامی ایران و نیابتی‌های مورد حمایت آن، سراسیمه به دنبال متحدین جدید و راهیابی به اتحادیه عرب، به سعودی‌ها نزدیک شد تا بتواند در قمار تعامل با ترکیه و نیروهای آمریکایی در منطقه، تعادل خود را در تغییرات زیرورو کننده در منطقه حفظ کند. تعادلی شکننده که بسرعت خود را در از دست دادن دومین شهر استراتژیک حلب نشان می‌دهد.

خاورمیانه پس از هفتم اکتبر، بکلی پوست‌انداخته است. اوضاع منطقه دگرگون شده است. باز تعریف تناسب قوای جدید و کشمکش‌ها و بلوک‌بندی‌های ارتجاعی دولت‌های رقیب نیز بنا بر آن تغییر

یافته است. شکست سیاست‌ها و ماجراجویی‌های جمهوری اسلامی بعنوان مهم‌ترین مرکز و منبع تغذیه اصلی تروریسم اسلام سیاسی نوع شیعه، انزوای کشنده‌ای را به آن تحمیل خواهد کرد.

تا آنجا که به جمهوری اسلامی و کشمکش‌های منطقه برمی‌گردد، شکست همه‌جانبه کل استراتژی حکومت اسلامی آنرا به سه کنج آخر رسانده است. جامعه به‌پاخاسته و معترض که برای سرنگونی حکومت اسلامی خیز برداشته است جبهه اصلی نبردی است که جمهوری اسلامی نمی‌تواند با زدوبند و سازش و توافق از آن سر به‌سلامت بیرون بیاورد.

**انقلاب مردم ایران و کوبیدن سر اژدها، در دل تحولات جاری در خاورمیانه بزرگ‌ترین نقش را در فروکش‌کردن بحران جاری بازی خواهد کرد و شگفتی‌های عظیمی خواهد آفرید.**

# بن‌بست اتمی جمهوری اسلامی!

## محسن ابراهیمی

بر طبق گزارش خبرگزاری رویترز، مذاکرات ژنو میان جمهوری اسلامی و سه کشور اروپایی دررابطه‌با برنامه هسته‌ای حکومت اسلامی با "پیشرفت اندکی" همراه بوده است!

آینده مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی با دول غرب به دلایل زیادی مثل آینده خود جمهوری اسلامی تیره‌وتار است و مثل گذشته ناگزیر با بن بستهای مکرر مواجه خواهد شد.

استراتژی جمهوری اسلامی در منطقه دو رکن دارد:

محور مقاومت متشکل از باندهای اسلامی و دست یافتن به سلاح هسته‌ای. محور مقاومت ضربات ویرانگر متحمل شده است. مقابله با هسته‌ای شدن هم با اقدامات شدیدتری از طرف دول غرب مواجه است. نه حکومت اسلامی از برنامه هسته‌ای می‌تواند دست بردارد. نه دول غرب می‌توانند در مقابل آن کوتاه بیایند. این تضادی است که با وجود حکومت اسلامی قابل حل نیست و بن بست هسته‌ای ادامه خواهد داشت.

"طوفان الاقصی" که قرار بود نمایش قدرت محور مقاومت و جمهوری اسلامی باشد، عملاً به تراژدی محور مقاومت و جمهوری اسلامی تبدیل شده است. با توجه به این وضعیت، رکن دیگر استراتژی

جمهوری اسلامی یعنی هسته‌ای شدن هم ضرورت بیشتری پیدا کرده است. تن دادن جمهوری اسلامی به مذاکرات هسته‌ای که با سه کشور آغاز شده است به معنای دست‌کشیدن از هدف هسته‌ای شدن نیست. ادامه خدعه دیپلماتیک است که قبلاً در جریان برجام دنبال می‌کرد با این تفاوت که این بار موقعیت جمهوری اسلامی هم در داخل و هم در منطقه متزلزل‌تر است.

به دلیل وضع وخیم اقتصادی، جامعه سراپا اعتراض، محکومیت‌های متعدد جنایات حکومت در نهادهای بین‌المللی، قطعنامه اخیر شورای حکام آژانس بین‌المللی، ضربات سنگین بر محور مقاومت و برخورد قاطع‌تر دول غرب نسبت به گذشته،

**حکومت اسلامی پرچم تسلیم بلند کرده است. مهم‌ترین اهداف اینها هستند: کاهش تحریم‌ها، بازنگشتن تحریم‌های گسترده‌تر پیش از برجام، گشایش در امکان صدور نفت بیشتر، کسب درآمد برای حفظ دستگاه سرکوب در داخل و نجات‌دادن محور مقاومت از فروپاشی در منطقه.**

**اما نه حکومت اسلامی از برنامه مخفیانه‌اش برای رسیدن به بمب اتم دست خواهد کشید و نه دول غرب کوتاه خواهند آمد. مثل همه معضلات ناشی از وجود نحس حکومت اسلامی از جمله حل قطعی بحران هسته‌ای در گرو نابودی کامل نظام اسلامی است. کاری که نهایتاً به دست مردم رقم خواهد خورد.**

# این گستاخی نسبت به دختران دانش‌آموز بی‌پاسخ نمی‌ماند

سیما بهاری

کانال چالش صنفی معلمان ایران نوشته است: "مدیران آموزش‌وپرورش همدان در اقدامی زن‌ستیزانه، دختران دبیرستانی را در یک نمایش مشمئز کننده با طناب بسته و روی مانتوی آنها اتیکت قیمت درج کرده‌اند". به گفتهٔ این کانال "هدف مدیران القای این موضوع بوده که نشان دهند اگر مدافعان حرم و جبههٔ مقاومت نبودند، اینگونه دختران ایران به اسارت گرفته می‌شدند و بدن آنها به حراج گذاشته می‌شد."

بی شک برای آیندگان باورکردنش بسیار دشوار خواهد بود که در عصر هوش مصنوعی و اختراعات و اکتشافات بشر در قرن بیست و یکم چنین اتفاقاتی افتاده است.

جمهوری اسلامی می‌داند که جوانان، به ویژه زنان جوان پشت لحظه‌ها در کمین نشسته‌اند و ذره ذرهٔ موجودیت این رژیم را به چالش می‌کشند. امروز دیگر چشم جهان به زنان قهرمانی دوخته شده است که قوانین قرون وسطایی این حکومت کپک زده را به سُخره گرفته‌اند و هر لحظه دارند این موجود نفرت‌انگیز اسلامی را به دره سرنگونی نزدیک‌تر می‌کنند. زنانی که الگو شده‌اند و فراخوان‌های اعتراضی آنها خیابان‌های پاریس را به سلول‌های زندان زنان در اوین و قزل‌حصار

بیش‌ازپیش وصل می‌کنند.

جمهوری اسلامی در همهٔ جبهه‌ها شکست‌خورده است. حالا می‌خواهد با چنین بی‌حرمتی، با نصب اتیکت قیمت روی مانتوی دختران، بگوید اگر ما نبودیم شما اسیر می‌شدید؟ مردم بارها فریاد زده‌اند "داعش ما شمایید" شما استاد داعش و طالبان و هر نیروی مرتجع و ضدبشری هستید که امروز، در عصر مدرنیسم به جان و زندگی مردم چنگ انداخته‌اید. مردم ایران و منطقه را می‌خواهید در اسارت خود نگه دارید، اما با چشمان هراسیده خود می‌بینید در حال درهم‌شکسته شدن هستید.

جمهوری اسلامی می‌خواهد بر شکست‌های

خود در داخل ایران و در سطح جهانی سرپوش بگذارد اما ما مردم و همین دختران بی‌باک به‌پیش می‌تازیم و شکست‌های بیشتر بر این حکومت ضد انسان تحمیل می‌کنیم. به هر صورتی که می‌توانیم اعتراض کنیم و نگذاریم این‌چنین فرزندانمان را تحقیر کنند. خانواده‌ها باید خود را سازمان دهند و به این گستاخی‌ها اعتراض کنند. حالا که پارلمان اروپا به‌خاطر اعمال خشونت سیستماتیک به زنان، جمهوری اسلامی را محکوم می‌کند، شما خانواده‌ها دسته‌جمعی نامهٔ اعتراضی به پارلمان اروپا بنویسید و شکایت کنید. این خشونتی آشکار به زنان است و نباید بی‌جواب بماند.

# نگار دباغی: پشیمان نیستم و نخواهم شد

## کیوان جاوید

نگار دباغی دختر جوان ۱۷ساله تبریزی که از ۲۳ آبان سال جاری بنا به اتهامات "تشویق مردم به ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی و خارجی، اهانت به مقدسات اسلام، تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی و توهین به بنیانگذار و رهبر جمهوری اسلامی" بازداشت و به زندان منتقل شده بود، بعد از ۱۲ روز اسارت با قرار وثیقه ۴۰۰ میلیون تومانی بطور موقت آزاد شد. به گفته نگار قرار است حکم در روز ۱ اسفند که دادگاه اصلی او خواهد بود ابلاغ شود.

نگار در یک ویدئوکلیپی که بعد از آزادی موقت تهیه کرده است می‌گوید: "من صرفاً یک معترض ساده هستم و از گرایش سیاسی خاصی پیروی نمی‌کنم و هدفم یک اعتراض بود و بخاطر شعارنویسی دستگیر شدم. نگار در ادامه کلیپ می‌گوید بخاطر اینکه با نهادهای حکومتی همکاری نکردم در برگه آمده که متهم اظهار پشیمانی نکرده است. این مبارز پرشور اعلام می‌کند: "همچنان پشیمان نیستم و نخواهم شد."

یک‌لحظه تصور کنید که یک دختر جوان ۱۷ساله توسط مشتی اوباش شکنجه‌گر حکومت اسلام بازداشت می‌شود و به مدت ۱۲ روز اسیر یک حکومت جانی و خون‌آشام در شکنجه‌گاه

بسر می‌برد. تصور این وضعیت برای کسانی که جمهوری اسلامی را می‌شناسند و با حجم بالای جنایت این حکومت آشنا هستند باید به‌راستی وحشت‌آفرین باشد.

در این وضعیت دختری جوان از نسل نیکا و سارینا و همه انقلابیون جوان زن زندگی آزادی اسیر می‌شود، اما با همان روحیه رزمنده در مقابل دوربین قرار می‌گیرد و اعلام می‌کند علیرغم تلاش نهادهای امنیتی، پروژه تلاش برای پشیمان کردنش با شکست روبرو شده و باصلابت اعلام می‌کند "پشیمان نیستم و نخواهم بود."

احساسی که از این ویدئو می‌گیریم چیست؟

موقعیت این حکومت را چطور می‌توان ارزیابی کرد؟ ایجاد ترس و وحشت پروژه جمهوری اسلامی برای مهار انقلاب در ایران است. اما آن کسانی که حالا در وحشت بسر می‌برند همه سران حکومت‌اند. نگارها کابوس دائمی جمهوری اسلامی‌اند و همبسته و دست در دست همگان آزادی و انسانیت و رهایی را بر ویرانه‌های جمهوری اسلامی برقرار می‌کنند. قدرت انقلاب در ایران لایزال است. موج اعتراضات معیشتی – مدنی و فرهنگی را گسترده‌تر کنیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---


سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳